روش نوین

در

آموزش و پرورش

تألیف

دکتر عیسی صدیق

فارغ التحصیل از دانش سرای ورسای
لیسانسیه در ریاضی از دانشگاه پاریس
دکتر در فلسفه از دانشگاه کلمبیا (نیویورک)

چاپ ششم

بسرمایهٔ شرکت سهامی طبع کتاب

تهران خیابان ناصر خسرو

۱۳۲۹

چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب



خداوند مردی و رای و هنر   بدو شادمان مهتران سر بسر

همی تا جهان باشد او شاه باد   بلند اخترش افسر ماه باد

پیوستم این نامه بر نام اوی   همه مهتری باد فرجام اوی

(فردوسی)

بمناسبت عروسی فرخنده

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

بـــا

علیا حضرت ملکه ثریا پهلوی

این کتاب

با کمال افتخار

به پیشگاه مبارك

تقدیم میشود

فهرست

بخش نخست

اهمیت و موضوع پرورش و لزوم آن

بخش دوم

در

منظورهای اجتماعی پرورش

☆ در دانشسراهای مقدماتی این فصل بطور مختصر تدریس شود

بخش سوم:
شاگرد ومعلم

بخش چهارم:
وضع مساعد برای کار

✿ در دانشسراهای مقدماتی خلاصهٔ این فصل باید آموخته شود .

بخش پنجم :

روش آموختن

☆ در دانش سراهای مقدماتی این فصل بطور خلاصه تدریس شود

☆جزو برنامهٔ دانش سراهای مقدماتی نیست

دیباچهٔ چاپ ششم

در ۱۳۱۳ خورشیدی که تأسیس دانش سراهای مقدماتی آغاز گشت وزارت فرهنگ از نگارنده تقاضا نمود که این کتاب را برای تدریس در آموزشگاههای مذکور تألیف کند چون دانشسرای عالی نیز بچنین کتابی حاجت داشت مطالب مربوط بدبستان و پرورش اوان رشد و روش آموختن مواد مهم برنامهٔ متوسطه در آن گنجانده شد (۱)

در ۱۳۱٤ کتاب برای نخستین بار انتشار یافت و مورد عنایت آموزگاران ودبیران واقع شد و چون شمارهٔ دانشسرا رو بفزونی میرفت سه بار بطبع رسید و هر بار بویژه در چاپ سوم مسائل تازه و نکات سودمند و بخش ششم (در پرورش تن) بر آن افزوده شد

در مهر ماه ۱۳۲۳ بتقاضای وزارت فرهنگ نگارنده موافقت نمود چاپ چهارم کتاب بآن وزارت واگذار شود

چاپ پنجم را شرکت سهامی طبع کتاب عهده دار و بخش هفتم (در سازمان فرهنگ ایران) بر آن اضافه شد

اکنون که نسخ آن تمام شده ششمین چاپ کتاب را مجدداً بعهدهٔ شرکت مذکور تفویض میکند تا مانند پیش بهای ارزان در دسترس محصلین ومعلمین بگذارد

اگر «روش نوین» کمکی به بهبودی روش تعلیم و تربیت کند و موجب شود که فرزندان این آب وخاك دراثر این بهبودی بالمآل روی آسایش و رفاه ببینند و نیکبخت و سعادتمند شوند مؤلف بزرگترین اجری که تصور شود رسیده وازصرف عمر در این راه پیوسته خرسند و شادان خواهد بود

تهران – ٦ دیماه ۱۳۲۹

عیسی صدیق

---

(۱) فصولی که مخصوص دانشسراهای مقدماتی نیست درفهرست مندرجات خاطرنشان شده‌است.

فهرست تصویرها و نمودارها

روش نوین

در

آموزش و پرورش

بخش نخست

اهمیت و موضوع پرورش و لزوم آن

تغییراتی راکه انسان در نفس خود یادر نوع خویش احداث می کند تربیت گویند

حدود تربیت

تغییراتی که در انسان ایجاد میشود چند قسم است بدنش مرکب است ازجرم و ماده که تغییرات آن در تحت قوانین سقوط اجسام وقابلیت هدایت برق و امثال آن قرارمی گیرد و برای مطالعهٔ آن باید بعلم فیزیك رجوع کرد عناصری که گوشت و پوست او را تشکیل می دهد در درجهٔ اول عبارت است از کربن واکسیژن و هیدرژن و ازت و تغییرات آن مربوط است بعلم شیمی تغییرات دیگر جسم او مربوط است بعلم تشریح و وظائف‌الاعضاء و امثال آن بالاخره یك قسمت دیگر از تغییرات راجع است باخلاق وعادات وافکار وروحیات او که علوم دیگر در آن مداقه میکنند اکنون باید دید کدام یك ازاینها تحت عنوان تربیت درمی آید

دراین باب هیچگونه الزامی وجود ندارد که کدام قسمت مشمول تربیت بشود یانشود وممکن است هرعالمی حدودی برای تعریف تربیت معین کند ولی برحسب عرف وعادت تغییراتی را که دراخلاق و روحیات و هنر انسان ایجاد میکند جزء علم تربیت محسوب میدارند و تغییرات مربوط بجسم و خواص فیزیکی و شیمیائی بدنرا از این حدود خارج میکنند ولی این تحدید مانع نیست که علمای تربیت ازکلیهٔ علومی که مربوط است بنفس انسانی استفاده نکنند تشریح که موضوعش استخوان بندی وعضلات انسانی است ـ وظائف‌الاعضاء یاعلمی که بحث در جهاز هاضمه و تنفس و گردش خون و امثال آن میکند ـ روان شناسی یا علمی کـه درخصوص فکر وروحیات انسان گفتگو مینماید ـ علم اجتماع یا دانشی که از رفتار انسان در جامعه سخن میراند ـ علم بامراض داخلی که از نظم

فصل اول

تعریف و موضوع تربیت و لزوم آن

انسان در زندگانی خود پیوسته موجب و موجد تغییر میشود گاهی درسطح زمین تغییراتی ایجاد میکند - ازسنگهای معدن برای خود خانه بنا میکند - ازوسط کوهستان دالان (تونل) حفر میکند و راه آهن عبور میدهد - در میان زمین برغه میکند و دو اقیانوس را بهم متصل میسازد گاهی نیز در حیوانها وگیاهها تغییرات بوجود میآورد - گوسفند را ذبح میکند و ازگوشت آن تغذیه مینماید و پشم آنرا بمصرف لباس میرساند - درخت را میاندازد و با چوب آن کشتی میسازد و در دریاها بمسافرت میپردازد بالاخره انسان نوع خود راسر ازاین تغییرات مصون نمیدارد - اطفال خود را پرستاری و نگهداری و بزرگ میکند - هرقسم عادات واخلاقی بخواهددرآنها بوجودمیآورد - هر هنری بخواهد بآنها میآموزد

هنر آدمی در اینست که تغییرات مذکور را سمع جزد و برای بهبودی واصلاح زندگانیخویش ورسیدن بمطوری که داردتمام میکند البته درخت توت بموجب قوانین طبیعت میروید و ارادهٔ انسان در آن مؤثر نیست ولی انسان آنرا پیوند میکند و از آن بار میگیرد طفل نیز طبیعةً نشوونما میکند ومنتظر دستورواوامر انسان نمیشود ولی انسان ممکن است تغییراتی درطفل بوجودآوردکه یك مکانیك درجهٔ اول یایك خطاط هنرمند یا یك دانشمند عالی مقام از آب بیرون آید

کتاب را باز میکنند نه برای خواندن - زیرا که فن قرائت را نمیدانند بلکه برای دیدن تصاویر و شاید پاره کردن صفحات ادوات و ماشین آلات را بحرکت درمیآورند نه برای استفاده بلکه برای تفریح و کنجکاوی

آیا چنین زندگانی را برای اطفال خود آرزو میکنید ؟

برای پیش بینی چنین وضعی است که مردمان سلف از زمانی که تاریخ بشر موجود است تمام مساعی خود را صرف جلوگیری ازپیش آمد اوضاع مذکور نموده‌اند و تعلیم و تربیت اهمیت زیاد داده‌اند

بوسیلهٔ تربیت است که تمدن بشر باقی میماند و اطفال هر نسل میتوانند از نتایج زحمات چندهزارسالهٔ نیاکان‌خود استفاده کنند - شهرها را نگاهداری کنند و وسعت دهند - دهات را آبادتر و بزرگتر کنند معادن را استخراج نمایند - ماشین آلات را بکار اندازند - امراض را ریشه کن کنند و برقوای طبیعت فائق شوند

لزوم پرورش پس برای حفظ تمدنی که قبل از ما بوجود آمده تربیت لازم وواجب است ولی تصور میکنید تنها لزوم آن از این لحاظ بوده باشد ؟

اولا هزاران فرسنگ از کرهٔ زمین در سیر تطور کمال هنوز در مراحل بدویت هستند واز کاروان تمدن بسی عقب مانده‌اند و برای ترقی و سوق دادن آنها بسوی بهبودی وسیله ای مؤثرتر و بهتر از تربیت نیست

ثانیاً در دنیای متمدن هم هزاران نقص و عیب موجود است که در رفع آن جز بوسیلهٔ تربیت راهی نیست هنوز مردم این کشور ها معتقد نیستند که رفع اختلافات میان خودشان را بوسیلهٔ سازمان ملل متحدوشورای امنیت ودیوان دادگستری بین المللی نمایند هنوزملل اروپای

حارج شدن اعمال بدن صحت میکند بمام اینهاعلم تربیت کمك میکند و سابراین نمیتوان حدود قاطع ومعلومی برای تربیت معین کرد و آنرا کاملاً ارمناقی زندگانی انسان مجزا ساخت

اهمیت پرورش

برای اینکه پی باهمیت و لزوم تربیت ببریم باید وضعی را در نظر بگیریم که در آن تربیت یعنی بمو دانسان درانسان مفقود باشد

فرض کنیم تمام ساکنین کرهٔ ارض باستثنای اطفال تازه متولد بکرهٔ دیگر عزیمت کنند و بطریق معجزه آسائی این اطفال تابیست سال زنده بمانند یعنی آنچه در نهادطبیعی آنهاست بتدریج نمو کند بدون اینکه تحت تأثیر انسان رشید وبالغ واقع شوند بعد از بیست سال ساکنین زمین گروهی حرحیوان شبیه بمیمون نحواهند بود زیرا نونهالان انسانی تنها درداماں طبیعت پرورش یافته اند وکسی بآنها چیزی نیاموخته و از زندگانی بشری بوئی بمشام آنها نرسیده است غدای این گروه عبارت خواهد بود از میوه های جنگلی و جانوران کوچکی که بآسانی بتوان بدست آورد زبانی بین آنها معمول نخواهد بود فقط مانند جانوران صدا هائی ازحنجره خارج خواهند کرد . انواع و اقسام امراض مانند مالاریا و طاعون ووبا برآنها مستولی خواهد شد هنرهاوکارهای‌دستی و مآل اندیشی برآنها مجهول خواهد بود فرقی‌که باحیوانات همجنس خود (طبقه پستانداران) خواهند داشت درسرعت انتقال ـ سرعت حرکت دست وپا و اجراء صورت ودهان ـ مثل بفکرخواهد بود آنچه که از تمدن و وسایل و اسباب آن روی زمین باقی مانده باشد مانند کتاب و ماشین آلات و ادوات زندگانی برای آنها بمنزلهٔ بازیچه خواهد بود

حتی بسیاری از اشخاص رضایت نخواهند داد که مثلا هزار ریال بتمام مردم
داده شود باین شرط که بخود آنها فقط یکصد ریال تقدیم گردد بهرام
خودرا بدبخت میداند که باید روزی هشت ساعت کار کند و رتبه اش
پنج باشد در صورتیکهٔ رفیقش دارای رتبهٔ هفت است وروزی شش ساعت
کار بیش ندارد

جهت تعیین میزان خوشبختی این نوع حسادت واین قسم محاسبه
برای آرامش خاطر رادع ومانع بزرگی است و باید آنرا تغییر داد

راه علاج منحصر است بتربیتی که باید تکمیل و بهتر شود تا افراد
بشر درجهٔ خوشبختی وسعادت را بطور مطلوب اندازه گیرند و در زندگانی
خود روزهای بهتر بگذرانند

برای تسلط بر طبیعت

انسان بوسیلهٔ صنایع وهنر خود محیط خویش را تغییر
میدهد و آنرا اصلاح و بهتر میکند برای اینکه توانا
بدین امر شود باید نخست خودرا تغییر دهد

هر نسل باید صنایع وهنرها را بیاموزد و معلومات و اطلاعات را
بدست آورد ویادگیرد و آنها را بسط و توسعه دهد والا اسرار طبیعت براو
مستور خواهد ماند وامراض گوناگونی کـه میکرب آن هنوز مکشوف
نگردیده بی‌دوا ودرمان میماند وبلیات بشر بواسطهٔ جهل او نسبت بقوانین
دهر کماکان بسیار خواهد بود

ترقی درکلیهٔ شعب علوم وادبیات وهنرهای زیبا نیز منوط بتکمیل
پرورش است وگرنه موسیقی و شعر بحال راکد خواهد مـاند ونقاشی و
معماری نمونه های تازه ایجاد نخواهد کرد

راه تکمیل پرورش

راه تکمیل پرورش اینست که انسان آنرا مورد مطالعه
قرار دهد ــ نتیجهٔ اقسام تربیت راکه فعلا وجود دارد
اندازه بگیرد ــ اقسام تازه را بموقع آزمایش گذارده

غربی قتل نفس ودزدی و آتش زدن خانه ومال را در موقعی که از طرف یك نفر ناشی شود خیانت میدانند ولی همینکه این اعمال از طرف یك قوم نسبت بقوم دیگر سرزد آنرا محترم و معزز میشمارند بزرگان عالم را عقیده براین است که مطمئن ترین وسیلهٔ جلوگیری ازجنگ تربیت مردم است که محاربه را حرام ندانند و آنرا جنایت بی فایده شمارند

درمملکت ما اکنون صدها هزار تن آدم فقیر وپریشان و بیکار و تراخمی و مالاریائی و تریاکی وجود دارند درصورتیکه تمام آنها رااز راه تربیت میتوان عضو تندرست ومولد ثروت کرد تا از نتیجه دسترنج خود وسایل اعاشه وآسایش خویش را فراهم سازند هزاران طفل ولگرد برهنه وگرسنه درکوچه وبازار شهرهای ایران درخرابه‌ها وبیغوله‌ها باحالت تأثرانگیزی روزگار بسر میبرند درصورتیکه بوسیلهٔ تعلیم وتربیت صحیح ممکن است ازمیان آنها اشخاصی را نظیر فردوسی وخواجه نظام‌الملك وابن سینا وفرانکلن وپاستور بیرون آورد

تکمیل پرورش برای سعادت هرفرد

بهمان اندازه که از لحاظ سیاسی و اجتماعی تربیت باید کشور های جهان و هیئت های اجتماع را اصلاح کند بهمان اندازه نیز باید در بهبودی اخلاق افراد و تهیهٔ سعادت باطنی آنها تأثیر نماید زیرا این مسئله پوشیده نیست که اخلاق افراد متمدن ترین ملل عالم هنوز ازحد کمال بسیار دوراست عموماً مردم درجهٔ سعادت خود را از روی زن و فرزند ومقام ودارائی وزیبائی ودوستانی که داراهستند حس نمی کنند و تشکر آنرا بجای نمیآورند بلکه خوشبختی یا نگرانی خود را درمقایسه با دیگران درمی‌یابند مثلا جمشید ناراضی است که خانه دارا بزرگتر از مال اوست یابهمن خوشوقت است که اواتوموبیل دارد وهمقطارش ندارد

بشناسیم-طبیعت اولیه اورا بدانیم چیست - هوش وغریزه و عاطفهٔ او پی ببریم و بر قواعد وقوانینی که بر طبیعت واخلاق اوحکمفرماست آگاهی حاصل کنیم

این قسمت را روان شناسی بما میآمورد-روان شناسی که ارلحاظ تربیت مورد بحث ومطالعه واقع گردد

ثالثاً وقتی مراد ارزندگانی معلوم شد وچگونگی وماهیت طبیعت طفل روشن گردید باید دید مدرسه چه وظیفه ای را در تربیت طفل عهده داراست واز میان مواد عمده ای که برای آموختن موجود است کدام رابابد انتخاب کردوبچه دلیل علم اجتماع ارلحاظ تربیت ومبانی برنامه دراین رشته گفتگو میکند

رابعاً باید فهمید ار چه راه وبچه وسیله و با چه اسباب و کدام روش موادی راکه بطریق فوق معین شد بطفل باید تزریق کرد . روش واصول تعلیم وتربیت است که این مسائل را مورد مداقه قرار میدهد .

خامساً باید بطریق علمی و وسائلی که ممهای بیطرفی در آن رعایت شده باشد نتیجهٔ تربیتی راکه بنحو فوق بعمل میآید اندازه گرفت و معلوم کرد تغییراتی که با روشهای معین در اطفال معین داده میشود ارچه قرار است و بالنتیجه باید آن روشها را نگاهداشت یا تغییر داد واصلاح کرد

باکمال بیطرفی بسنجد که برای رسیدن بمنظور معینی چه تغییراتی باید در نفس بشر بوجود آورد و بچه وسیله و چگونه این تغییرات را باید ایجاد نمود . مداقه در امور تربیتی بطور علمی واز روی بیطرفی تا چهل سال پیش صورت خارجی نداشت . البته دانشمندان بزرگی در نقاط مختلف عالم از ابتدای تاریخ راجع بتربیت اظهار نظر کرده اند و دنیا از افکار آنها استفاده شایان نموده است ولی هیچگاه مسئله باروش علمی تعقیب نشده بود . از اوایل قرن بیستم و بویژه از ابتــدای جنگ بین المللی اول باین طرف مطالعهٔ تربیت نظری علمی مورد توجه واقع شده و مخصوصاً در کشورهای متحد امریکای شمالی مساعی فوق العــاده در این زمینه بکار رفته و نتایج مهم نایل آمده‌اند . مثلاً درموضوع پرورش در آموزشگاه تغییراتی راکه در نتیجهٔ تدریس، دردختر یاپسر ایجادمیشود اندازه میگیرند وطرق مختلف تعلیم راآزمایش میگذارند وارزش هر یك از آنهارا باهمان مراقبت ودقتیکه مثلاً یکنفر شیمیست در آزمایشگاه میکند معین مینمایند و بالاخره قواعد و اصول تربیتی که از نیاکان بارث رسیده و بــرحسب عادت موردقبول واقع شده درمعرض مباحثه قرار میدهند و اگــر دلیل برابقاء آن نداشته باشند برکنار میگذارند .

مطالعه امور تربیتی مستلزم مداقه‌درچند مسئله است .

اولاً فلاسفه وحکماء باید معین کنند غــرض از زندگانی در روی کرهٔ زمین چیست وفلسفهٔ حیات بشر کــدام است . ازروی این فلسفه معلوم خواهد شد اطفال را برای چــه منظور باید پرورش داد . فلسفهٔ تــربیت موضوعش همین است و نظر باهمیت آن درهریك ازدانشگاههای مهم امریکا چندین کرسی برای آن تأسیس کرده‌اند .

ثانیاً باید کسی را که میخواهیم تغییر بدهیم و تربیتش کنیم کاملاً

طبیعی باشد. در ظرف این مدت ممادی طفل از عدم استقلال مذکور استفاده میکند و باید فهمید بدن او چه خاصیتی دارد که این استفاده برای او آسان و این تربیت برایش امکان پذیر است.

خصائص تن

خاصیت مذکور در بدن انسان یعنی ساختمان سر و گردن ودست و پا وتن بافت استخوان و غضروف و خون و گوشت وعمل چهار حس و گردش خون و هاضمه و بالاتر و مهمتر ازهمه دستگاه عظیم و بی مانندی که برای نظم و ترتیب و ادارهٔ بدن موجود وموسوم است سلسلهٔ اعصاب . جمع شدن این اعضاء وجهازات وتشریک آنها بایکدیگر که بواسطهٔ دخالت قوای دماغی ممکن الحصول میگردد عمل رشد و نمورا ایمقدرطولانی و پرمآل مینماید .

بدن انسان رویهمرفته مثل کارخانهٔ دقیق و بزرگی است که دائماً محل فعل و انفعال است . از یکطرف اثرات را از درون و بیرون درك میکند وازطرف دیگر در مقابل این تأثیرات واکنش هائی درداخل یا خارج بدن بمعرض ظهوربرساند. اگر آنرا بابدن حیوانات درجات عالی مقایسه کنیم از لحاظ صورت ظاهر بطور کلی اختلاف زیاد وجود ندارد ولی همینکه نظری بدستگاه اعصاب بیفکنیم فوراً ممتقل میشویم که مراکز دماغی انسان فوق العاده درهم ومفصل است. اگر نهادها انسان را مورد مداقه قراردهیم می بینیم چهار نوع قوه دراو موجود است . اولاً دارای غرایزوطبیعت اولی است که هنگام تولدبسیاری از آنها مانند میل بخوراك وجوددارد. بقیه مانند غریزهٔ جنسیت بعد ها ظاهر میشود. ثانیاً قوهٔ فاعله که بواسطه عمل وحرکت همیشه تعادل را در انسان تولید میکند چنانکه وقتی گرسنه میشود خوراك آماده وتناول میکند . ثالثاً حساسیت نسبت بفقدان تعادل مانند حساسیت نسبت بگرسنگی که خودموجب میشود که

فصل دوم

خصایص تن که پرورش را میسر میکند

ناتوانی کودک

طفلی که تازه متولد میشود از یکطرف بکلی ناتوان وعاجز است و تمام اوقات باید مراقب حال او بود تا کوچکترین احتیاجات زندگانی او رفع شود وگرنه از دست میرود و تلف میگردد. ازطرف دیگر همین طفل مخزن قوای بهائی است که اورا برای کارهای مشکل وخطیر مستعد ساخته است. جوجه مرغ همینکه سراز پوست تخم بیرون آورد حرکات وسکنات مفید را باخود بارث آورده که میتواند تقریباً بطور مستقل زندگی کند در صورتیکه بچهٔ انسان جز گریه و بلا و حرکت سر و دست و پا چیزی بلد نیست و سالها پرستاری ونگاهداری لازم دارد تا بتواند آسان ترین قواعد زندگانی را فراگیرد در عین حال دراعصاب او خواصی موجود است که بالقوه او را آمادهٔ فراگرفتن ویادگرفتن میکند وممکن است ازاین راه به بزرگترین مقامات نائل گردد

درحقیقت مثل این میماند که استعداد رشد و نمو با مدت ودورهٔ طفولیت نسبت مستقیم داشته باشد. هرقدرمدت طفولیت طولانی تر باشد مدت زبونی وبیچارگی بدوی بچه زیاد تر خواهد بود و بهمان اندازه استعداد اوبرای ترقی بعدی افزون تراست. عجز وزبونی گرچه فی نفسه حالت مطلوبی نیست ولی موجب میشودکه پدرومادر وجامعه در مقام پرورش وتربیت او برآیند وحتی درکشور های متمدن درجهٔ اول مدت این تربیت ممکن است به بیست سال بالغ شود یعنی شامل ثلث یك عمر

من باب تذکر باید گفت که هروقت طفل بواسطهٔ یك محرك داخلی یا تغییر محیط خارج حالت تعادل را از دست میدهد واکنش هائی بوجود میآورد که تعادل را مجدداً بر پاکند اگر این واکنش ها با توفیق توأم باشد حالت تعادل ایجاد میشود ودراعصاب تغییراتی رخ میدهد که بالنتیجه هروقت در آتیه آن وضع پیدا شد همان واکنش مذکور نیز پیدا میشود اگر واکنش های بدوی با توفیق توأم نباشد آنقدر واکنش ها از نوع دیگر حادث میشود تا حالت تعادل بوجود آید تا بدن انسان خسته وشاید ازهستی ساقط گردد بدیهی است که در صورت موفق شدن واکنش ها هروقت وضع فوق تولید شد آن واکنش‌ها تکرار میشود ولی درهرحال جزئی اثری در مجموع اعصاب باقی میماند برای روشن شدن مراتب فوق ممکن است بطور مثال طفلی را در نظر گرفت که در گهواره خوابیده وهمین که گرسنه شد با دست وپا زدن وحرکت دادن سر و بدن میکند ودیر یا زود گریه را بلند میکند ودر نتیجه این گریه توجه سوی او جلب میشود ـ مادر یادایه سراغ او میرود وبدو رفع گرسنگی را از او مینماید روزهای بعد همینکه مجدداً گرسنگی زور آورشد بچه بتدریج از تقلا و حرکت بدن (که مثمر ثمر نبود) دست میکشد وفقط بگریه (که با توفیق توأم بود و توجه را جلب کرد) توسل میجوید بنا براین اعصاب راه عمل بدوی خود راکه ابتداء امر تقلا وحرکت بود تغییر و گریه کردن رابر آن ترجیح داده واثری از این قضیه و آزمایش نیز درخود نگاه داشته تا هنگام لزوم وپیش آمد گرسنگی آن را تکرار کند

طرز تشکیل عادت

مجموع این اعمال را اعتیاد یا تشکیل عادت نامند بوسیلهٔ عادت بدن انسان هزاران اثر را در اعصاب حفظ میکند و آنها را اساس ومبنای فرا گرفتن عادات

آدمی درمقام ایجاد تعادل بر آید . رابعاً قوهٔ یادآوری انفعالات و تأثیراتی که در انسان حاصل میشود ازقبیل اینکه مثلا آتش سوزان است یا آب رفع تشنگی میکند .

البته طبقه بندی فوق برای تسهیل کار تربیت و تعلیم است ومثلاً غریزه میل بخوراك وحس گرسنگی واقدام برفع گرسنگی راازهم نمیشود تفکیك کرد نکته ای که باید همیشه درنظرداشت اینست که انسان تنها چیزی را که باخود هنگام تولد بدنیا میآورد عبارتست از غریزه ها واستعداد های فطری که خود آنها موجب حرکت و فعالیت او میشوند وآدمی رانسبت بعدم تعادل بدن حساس میکنند و باعث میشوند که انسان اقدام وعمل کند ودرنتیجه در طرز عمل او تغییر و اصلاح حاصل شود .

اختلاف افراد هر طفل نوعی ازین چهار قوهٔ فوق را واجد است ولی ازحیث کیفیت وکمیت آنهامیان افراد اختلاف زیاد موجود است اگر افراد بشر را از این لحاظ در ردیفی قراردهیم دریك سر اشخاص فوق العاده باقریحه هستند که بی نهایت فعال و حساس میباشند واعصاب آنها طرزروابط بوجهی انفعالات وتأثیرات را حفظ کرده بیاد میآورد ودرسر دیگر ردیف کسانی که بی‌شعور و ابله اند و محرك غریزه ها وحساسیت آنها ضعیف وقوهٔ فعالیت آنها نا کافی است و آثار تجربیات واعمال گذشته از حافظهٔ آنها بزودی محوونابود میشود بقیهٔ مردم علی قدر مراتبهم میان این دوحد واقعند

تغییر رفتار بوسیله کار و آزمایش میان کودکی وبلوغ مراحل متعددی موجوداست که بچه بتدریج میپیماید و حالات واوصاف آنها موضوع مطالعه علمای روانشناسی است دراینجا

خویش با اعمال و افکار مذکور بنماید بدین جهت انسان همیشه توجه خاصی باقوال دیگران دارد ودرصدد است کارهای او موافق پسند دیگران باشد واز چیزهائی که موجب تدنی جامعه است احتراز جوید و تمام امتیاز او بر دیگر جانوران بسته بهمین موضوع است حساسیت انسان نسبت بجامعه ای که در آن زیست میکند ـ لیاقت او برای همکاری بانوع خویش ـ موافقت دادن افکار واعمال و احساسات خود با دیگر مردم ـ میل او بفرمانبرداری یا فرمانروائی اینها همه اوصافی است کـه او را دارای وضع خاص و منفرد میسازد هر قدر این اوصاف برومند تر وپرمایه تر باشد آدمی نزدیکتر بنوع کامل بشر است وبعکس هرقدر اوصاف مذکوره ضعیف تر باشد انسان نزدیکتر است بنوع جانور

کسانی که بپرورش مردم سروکار دارند باید توجه مخصوص بدین قسمت کنند زیرا که پیدا کردن عادات اجتماعی بزرگترین قابلیت انسان است برای وفق دادن خویش بامحیط معنوی و ازهمین قابلیت است کـه برای تربیت او معلم ومربی باید دائماً استفاده کنند

اهمیت فکر

بنابر آنچه گفته شد ازجمع و ترکیب عادات ساده اخلاق وطرز رفتار پدید میآید ازاین عادات آنهائی که مختص بشر است بفکر وتعقل در تولید آنها دخالت تام دارد درعین این کـه نمیتوان گفت انسان دارای نفسی است جدا گانه که از دیگر قوای او مجزا است و اورا مجهز باخلاق خاص میکند در همانحال نباید تصور کرد که اخلاق ورفتار انسان تنها مربوط است باعمال فیزیکی وشیمیائی بدن البته تفکر و تعقل وابسته هست باعمال فیزیکی و شیمیائی بدن ولی اخلاق ورفتار منحصراً در نتیجهٔ تغییر این اعمال تغییر نمیکند هنوز

پیچیده تر و مشکلتر قرار میدهد پس مسئلهٔ تشکیل عادات بسته است بخاصیت طبیعی بدن که اولاً قابلیت انحراف از عمل بدوی خود را دارد و ثانیاً درعین حال میتواند اثر عمل جدید را در خود محفوظ و نگاه بدارد این قابلیت تغییر و انحراف و این نیروی محفوظ داشتن اثر دو عامل مهم و اساسی تشکیل عادت هستند

عادات ساده وقتی با هم ترکیب شدند عادات مشکل و پیچیده را بوجود میآورند بطوریکه تدریجاً بدن انسان مخزن عدهٔ بسیار زیادی عادت میشود و همینکه بوسیلهٔ محرك درونی یا بیرونی ازحالت تعادل خارج شد میان عادات مذکور آنهائی که لازم است انتخاب میکند و آنها را با هم تنظیم نموده بوسیلهٔ آنها وضع تعادل را برقرار میسازد هنگامیکه مثلاً سروانی اسواران خود را بنقطه ای می برد در عین اینکه نقشه و فکر خاصی را پیروی میکند عادات مختلفی را که برای فریاد کردن و دادن فرمان و حفظ تعادل بدن در روی اسب و حرکات دست و زانو و شمشیر و قیافه از سابق ذخیره کرده با هم جور و متناسب و منظم کرده مطابق احتیاج آنها را بکار میبرد و باین ترتیب از نتیجه سالها عمل و آزمایش که بصورت عادی درآمده است استفاده میکند

محرکهای اجتماعی

آدمی درزندگانی روز مره باید دائماً اوضاع خودرا با محیط خویش وفق وسازش دهد اگر تشنه است آب بنوشد ـ اگر هوا سرد است جامه بر تن کند دراین محیط عوامل مادی دیگری نیز موجود است که در مقام خوددارای اهمیت میباشد غریزه های اجتماعی و تمایلات طبیعی که انسان با خود بارث بدنیا میآورد اورا نسبت باعمال و افکار همنوع خود بسیار حساس میسازد و در نتیجه مقداری ازقوای خود را باید صرف وفق دادن رفتار

فصل سوم
فلسفهٔ تأسیس آموزشگاه

درفصل نخست گفته شد تربیت عبارتست از تغییری که آدمی در نفس خود یا در افکار و روحیات و اخلاق نوع خویش ایجاد کند از زمانی که بشر بوجود آمده تربیت بمعنای عام نیز وجود داشته است هر جا که انسان برای استقرار تعادل نسبت بمحیط خود اقدام کند ـ هرجاکه انسان در تحت تأثیر و نفوذ همنوع خود درآید عمل تربیت صورت میگیرد بنابراین تمام افراد بشر دائماً در کار تربیت شدن و تربیت کردن هستند و برحسب اینکه عامل این پرورش درونی باشد یعنی مربوط بخود بدن یا برونی یعنی مربوط بمحیط خارج عمل تربیت کند است یا تند

پرورش غیر عمدی

در اعصار ماقبل تاریخ[1] بشر از روی فکر و عمد توجه بتربیت نداشته و غرض مخصوصی را در این امر تعقیب نمینموده بلکه تربیت یکی از ثمرات و نتایج زندگانی بوده و بدون التفات بدین مسئله طبعاً صورت میگرفته است هر فردی که بوجود میآمده درمحیط ساده‌ای که میزیسته بوسیلهٔ عمل درزندگانی بارمیآمده وپرورش می‌یافته است درحالی که پدردرجستجوی ریشه‌های خوردنی گیاه‌ها یامیوه‌های خودرو بوده یا در مقام شکارکردن جانوران وپرندگان و ماهی‌ها برمیآمده بچه دردنبال او بوده و این کارها را برای رفع گرسنگی خود فرا می‌گرفته است هیچ نوع تخصصی وجودنداشته

(۱) برای تکمیل قسمت اول این فصل رجوع شود به تاریخ مختصر تعلیم وتربیت نگارش مؤلف چاپ سوم ـ فصل دوم

اطلاعات صحیح وعامی راجع براسطهٔ میان اعمال اعصاب وتفکر دردست نیست و همچنین کاملا معلوم نیست چگونه فکر در عمل اثر میکند ولی این معما نباید اهمیت تفکروحالت آن را درایجاد اخلاق وطرز رفتار از نظر دور کند . این مسائل در فلسفه وروانشناسی مورد تدقیق قرار میگیرد عجالةً دراینجا کافی است خاطر نشان شود که فکر و اراده بزرگترین وسیله اند برای وفق دادن اخلاق و رفتار انسان با اوضاع محیطی که درآن زندگانی میکند

شخصیت

مطالبی که دراین فصل گفته شد بواسطهٔ اختصار زیاد وفشردن بسیارشاید مبهم و نارسا باشد برای تعمق در آن باید بروانشناسی مراجعه کرد دراینجا فقط من باب تذکر و برسبیل اشاره نکاتی خاطر نشان گردید ، ازنکات مذکور میتوان برای شخصیت مجملاً تعریفی ذکر کرد ، شخصیت عبارت است ازدستگاهی جهت فعل و انفعال و تأثیر و تأثر کـه در آن ساختمان و تشکیل اعصاب بمرور درهم وپیچیده گسته آثارساده ای که براعصاب وارد میشود بایکدیگر ترکیب شده آثار عـالی تر و مهمتر بوجود میآورد- این آثار اساسی تشکیل میدهد که حالت تعادل را بامحیط برقرار سازد و بالاخره بایکدیگر پیوسته ومنظم شده اخـلاق وطرز رفتار انسان را معین ومشخص نماید

مثلاً پسری که با پدرش شکار میرفت یا دختری که با مادرش شکار را کباب میکرد مورد دوقسم پرورش عمدی وغیر عمدی واقع بودند - هم بدون توجه آنها را برموز زندگی آگاه میساختند هم با التفات بدین وصیه وازروی قصد وعمد بآنها ترتیب زیستن رامیآموختند

تقدم پرورش عمدی بر آموزشگاه

هزاران سال تربیت اطفال بهمین نحو جریان داشت بدون اینکه هیچ نوع بنگاه خاصی مانند مکتب ومدرسه مقصدی امر تربیت باشد علتش نیز این بود که در آغاز مدنیت تمام وظایف اجتماعی را خانواده انجام میداد چون عدهٔ اعضاء خانواده کم بود ممکن نمی‌شد یکنفر را منحصرا مأمور پرورش اطفال کرد تنها اختلافی که در وظایف اعضاء خانواده وجود داشت مربوط بجنسیت آنها بود یعنی مردها یکنوع مشاغل داشتند وزنها نوع دیگر اختلاف زیاد در نوع وظیفه منوط بتکثیر عده بودو بکثیر عده هم بسته باین بود که بتوانند بحدکافی غذا تهیه کنند تا زمانی که جامعه کوچك بود بهیچوجه امکان نداشت یکنفر از آن‌ها وظیفه اش منحصر بمکتب داری بشود ولو اینکه لزوم این امر بنظر آن جامعه واضح باشد این مسئله بحدی روشن است که حتی امروز در جامعه های ما در دهات و ایلات که عدهٔ مردمان آنها هم کافی است بنظر مشکل وسنگین میآید که از هزار نفر یکنفر را فقط مأمور آموزش و پرورش کودکان نمایند.

نخستین وسیلهٔ رسمی

احتمال دارد که برای مرتبهٔ اول در تاریخ تمدن بشر که شخص معینی را برای تعلیم و تربیت مرجع قرار داده اند رئیس ایل وطایفه بوده است که نیرومندتر

و بدست آوردن خوراك خنداں مشكل نبوده وهم زياد نیر لازم نداشته است همینطور احتیاج انسان بپوشاك و پناهگاه و تهیهٔ جامه و مأوی بواسطهٔ ساده بودن زندگانی پیچیده و درهم نبوده است نوع بشر رو بهمرفته معلوماتش بسیار کم بوده و حساسیت وی برای ابراز واکنش کمی با جانوران درجهٔ عالی اختلاف داشته است

بزرگها عمداً وازروی قصد درفکر پرورش بچها نبوده وکوچکها درضمن رفع احتیاجات اولیهٔ خود ازخوراك و پوشاك وپناهگاه جزئی چیزیکه بزرگها می دانسته اند ورا میگرفته اند بدون اینکه خودشان متوجه بدین امر باشند

پرورش عمدی

همینکه بتدریج نوع بشر مدنیتی پیدا کرد و بر میزان هنر وفکرش افزوده شد همینکه بادگرفت بر آتش تسلط حاصل کند وآنرا برای رفع احتیاجات خود بکار برد ـ جامه بدورد وکفش تهیه کند تا از باد و سرمای زمستان خود را محفوظ بدارد ـ دام وکارد و شمشیر تهیه کند تا خوراك خود را بهتر تأمین نماید ـ ظروف مختلف بسازد تا غذای خودرا درآن پخته از جائی بجای دیگر ببرد ـ الفاظ وکلمات وضع کند وبا آنها جمله درست نماید وباین ترتیب وسیلهٔ اساسی برای بشر ومکالمه و تشریك مساعی بدست آورد ـ وقتیکه این اسرار یکی بعد ازدیگری درحیطهٔ قدرت آدمی درآمد برای بزرگها لازم شد توجه مخصوصی به پرورش بچها بنمایند که مبادا معلومات جامعه محو شود واز میان برود وبنسل بعد نرسد از اینجا تربیت عمدی پدید آمد ولی تربیت غیرعمدی نیز بجای خود باقی بود و درواقع هردو نوع تربیت درآن واحد وجودداشت ونمیشد آنهارا از یکدیگر مجزا ساخت چنانکه

باین ترتیب طبقهٔ مخصوصی در میان خلق بوجود آمد که بنام مختلف خوانده شد مانند جادوگر و طلسم بند که اخبار و سنن مذکوررا تنظیم و تکمیل نمودند و لازم شد که مجموع آنها رسماً تعلیم شود تا طبقه مذکور از میان نرود و وسیلهٔ رفاه جامعه محو نگردد از اینجاست که بنگاه مخصوص جهت تربیت فراهم آمد ودرحقیقت شروع به تهیهٔ متخصص و راهبر شد

تربیت اخلاقی

در همان اوقات که رسماً شروع به تهیهٔ راهبر وقائد ورئیس قوم شد درهمان زمان نیروسائل تربیت عبارت بود از اعیاد وجشنهای متعددی که برای سالمندان وجوانان تشکیل میدادند و غرض از آنها نظارت و فرمانروائی جامعه بود بر طرز رفتار وکردار افراد بعضی ازآنهاکه برای آشنا کردن جوانها بزندگانی جمعی ووارد کردن آنها در جرگهٔ سالمندان بود بسیار با شکوه و برای این منظور برپامیشدکه جوانها صمیمانه معتقد شوندکه رسوم وعادات وشعائرجامعه باید محترم شمرده شود وهرفردنسبت باحکام جامعه وقائدین آن مطیع محض باشد مراسمی که دراین‌قبیل‌جشنها‌بعمل‌میآمد باندازه‌ای مقدس شمرده میشدکه تغییرآنها غیرممکن بنظر میرسید ازطرف دیگرنجدی احساسات‌حاضرین تحریك‌میشدکه‌مجالی‌برای فکرو‌تعمل‌باقی‌نمیگذاشت بنابراین اعیاد و جشنها نه افراد را دارای هنر و دانش میکرد نه قوای دماغی آنهارا تربیت مینمود بلکه تنها فایدهٔ آنها ازلحاظ اخلاق بودکه حس‌صداقت و وفاداری و اطاعت و فرمانبرداری را درافراد ایجاد نماید البته این‌مراسم‌یکی ازلوازم اجتماع آن زمان بشمار میرفت ولی بواسطهٔ مقدس بودن و تغییر نکردن مانع بزرگی برای ترقی جامعه بود

وهنرمند تر از دیگران بوده و هنگام بحران و سختی برای دفاع و رفع زحمت وخاره جوئی باو مراجعه میکرده‌اند و از اینرو توقع داشته‌اند که فرزندان خود و کودکان هم ایل خویش تعلیم بدهد از طرف دیگر ظن قوی در این است که مهمترین ماده‌ای که جامعه علاقه بآموختن آن داشته عقاید مذهبی بوده زیرا که بموجب این عقاید میتوانسته است بوسیلهٔ دعا یا قربانی یاتهدید با تملق ارواح عالی یا پلید را که بر دنیای ماتسلط دارند بجانب خود درآورد وباین ترتیب غیب گوئی کندوازعالم دیگر خبر دهد وآینده‌را پیش بینی نماید

عقاید مذکور عبارت بود از مجموعه ای از اخبار واحادیث وسنن که بنظر بشر بسیار گرانبها بود زیراکه خیال میکرد بوسیلهٔ آن برطبیعت تفوق حاصل کند و بر اتفاقاتیکه میبایست واقع شود احاطه پیدا نماید این امر البته مداخلهٔ کلی درسعادت انسان داشت ولی مستقیماً در تحت نفوذ وی در نمی آمدو می بایست بعملیات فوق الذکر متشبث جوید بوسیلهٔ این عملیات بشر معتقد بود میتواند مقدرات خویش را معین نماید یعنی بر قوائیکه حیات وممات می بخشد تسلط حاصل کند - دارای اولاد بشود - از پیر شدن جلوگیری کند - از کشتار وبا و طاعون بکاهد - بر تندرستی و سلامتی خود بیفزاید - از ظهور قحطی پیش گوئی کند - فراوانی ارزاق را تأمین نماید - غضب طوفان را بخواباند - سرمای زمستان را ملایم کند - فتح وفیروزی قبیلهٔ خود را بر دشمن مسلم سازد

بنابراین جای شگفت نیست که درآن اعصار بشر بخواهد میراث مذکور را با کمال مراقبت حفظ کند و بتدریج وظیفهٔ عده‌ای منحصر شود نگاهداری ~~سنن~~ مذهبی تا بوسیلهٔ آن آسایش جامعه فراهم گردد

در حقیقت شالوده اش بر نوشتن وخواندن قرار گرفته است و نوشتن یکی از شرایط سازمان جامعه های بزرك است خلاصه - این اختراع نه فقط تعلیم و تعلم نوشته های سلف و کتاب آسمانی را تسهیل کرد بلکه بتدریج تعلیم خواندن و نوشتن را یکی از لوازم زندگانی نمود چون آموختن این دو امر کار آسانی نیست و بخودی خود صورت نمیگیرد جامعه مجبور شد بنگاه مخصوصی باسم مکتب ومدرسه جهت تدریس آن ایجاد کند

در آغاز رفع احتیاج جامعه بوسیلهٔ پرورش عدهٔ کمی میشد که آنها کار ثبت و ضبط را انجام میدادند - دفترداری میکردند - نامه هـا را میخواندند - اسناد مهم را می نوشتند - رونوشت آماده میکردند

همین مسئله باعث شد که بتدریج جامعه ها وسعت پیدا کرد و از لحاظ سیاسی و اقتصادی دارای سازمانی شد که خود آنها احتیاج بسواد را زیادتر کرد وعامل بزرگی برای ایجاد بنگاهی شد که تربیت عمـدی اطفال را تأمین کند بمرور زمان تمدن بشری بحدی محتاج و منوط بنوشتن و خواندن شد که هر یك از کارمندان مؤثر جـامعه مجبور شد سواد داشته باشد باین جهت فضیلت و کمال عبارت شد از داشتن سواد یعنی وسیلهٔ فرا گرفتن معلومات و این مسئله باندازه ای اهمیت پیدا کرد و در اسم ورسم مکتب ومدرسه تأثیر نمود که تربیت نظر مردم تنها سواد پیدا کردن و کتاب خواندن شد

مفهوم پرورش در دنیای جدید

بتدریج که تمدن بشر پیچیده و درهم شد و بـر دانش و آزمایش او افزوده گردید مفهوم تربیت نیز توسعه پیدا کرد هر نسلی که جانشین نسل دیگر می‌شود باید بوسیلهٔ پرورش آمادهٔ این کار شود ولی وقتی میخواهد

توسعهٔ زبان و اختراع خط

بتدریج که بشر روبرفی معرف آلات و اعضائی که در حنجره ایجاد صوت میکنند طریقتر میشد و باین ترتیب انسان بهتر میتوانست معانی را بلباس لفظ درآورد وفکر خودرا بنوع خویش انتقال دهد کم‌کم خط اختراع شد والفاظ ومعانی درفضا وزمان قابل نقل وانتقال گردید ولزوم عوامل خاص برای پرورش عمدی محسوس تر شد از این بعد انتقال اخبار و احادیث و سنن و قوانین و عادات به نسلهای آینده دیگر منوط بیان شفاهی نبود بلکه ممکن بود آنها را روی گل و سنگ و چوب و پاپیروس نقش‌کرد و تا حدی آنهارا ابدی ولایتغیر نمود چون بطورکلی اقوام بدوی محافظه‌کارند وهنگام نیازمندی واسه صال چاره ودوا را درافکار واعمال وروش پدران و نیاکان خویش میجویند لذا راهبران و قائدین وزعمای ایام سلف برای آنها در حکم پیغمبر و رب‌النوع ونوشته های آنها بمنزلهٔ آیات الهی و آثار مقدس جلوه‌گر میشود باین ترتیب قرنها تربیت‌عبارت شداز پرستش آثارونوشته های مذکورخواه این نوشته ها صحیح باشد یا سقیم‌صواب باشد یا خطا

توسعهٔ زبان و خط از راههای دیگر نیز در پرورش تأثیر کرد بزرگ شدن جامعه‌های کوچك و تبدیل آنها بجامعه‌های بزرگتر منوط باین است که وسیلهٔ بالنسبه آسانی برای ثبت وضبط وانتقال افکار آنها موجود باشد وبطور مسلم اندازه ووسعت هرجمعیت محدود است بوسایل مرابطه‌ای که در دست داشته باشند هرقدر این وسائل کاملتر ومفصلتر وآسانتر باشد زندگانی سهلتر ومرفه‌تر و عدهٔ افرادی که گرد هم جمع آیند زیادتر خواهد بود و بالعکس وقتی وسایل مذکور ناقص شد زندگانی شاق‌تروعدهٔ افرادکمتراست میتوان گفت که دنیای امروز

آموزشگاه دارد کم کم محیط و محل مخصوصی میشود که هریك از کارمندان جامعه جهت آماده کردن خویش برای خدمت پایدار آن بگذرد والا نه می تواند حداکثر خدمت را انجام دهد و نه از امتیازات جامعه کاملا بهره مند گردد

محیط آموزشگاه و محیط اتفاق

مدرسه محیط مخصوصی است که کودك را بدان می سپارند و بدون اینکه بتواند نیروی خاصی در او ایجاد کند وسیله ای است برای تحریك ورشد قوائی که طبیعة در وی موجود باشد اگر طفل باین محیط مخصوص و معین سپرده نشود و تربیت او باتفاق وطبیعت محول گردد آیا ضرری متوجه میشود ؟ بعبارت دیگر آیا محیط مدرسه امتیازی بر محیط اتفاقی دارد ؟

برحسب عقیدهٔ دیوئی [1] محیط آموزشگاه سه امتیاز مهم بر محیط اتفاقی دارد نخست آنکه لااقل برای زمان کودکی مدرسه محیطی است ساده و جنبه های پیچیده و مشکل زندگانی از آن مجزا شده است اگر بنا میبود طفل مستقیماً واز ابتدا وارد زندگانی کامل جامعه شود گیج و مبهوت میشد و خود راگم میکرد دوم آنکه مدرسه محیطی است پاك و بی آلایش که کارهای فاسد و مضر جامعه از آن دور است در هر جامعه اعمال ناشایسته و مخالف اخلاق وضد مصالح وجود دارد که نباید ادامه حاصل کند و در دنیا باقی و برقرار بماند و البته همیشه سعی میشود که مدرسه از این اعمال دور و برکنار باشد امتیاز سوم آنست که محیط آموزشگاه نظر انسان را وسعت می دهد و دورنمائی پیش چشم او مجسم و جلوه گر میسازد که بوسیلهٔ آن میتواند در مورد جامعه ای که در آن

---

(۱) Dewey فیلسوف نامی و معاصر امریکا

جای خود را بنسل بعد بسپارد چون مقدار اطلاعات و نوع معلوماتش زیادتر شده دیگر نمی تواند اکتفا بتعلیم خواندن و نوشتن وحساب کردن کند سازمان جامعه بحدی مفصل ودارای پیچ وخم شده که اداره کردن آن مستلزم این است که افراد خود را تربیت کند درقرون جدید انسان برای شناختن طبیعت روش واصولی پیدا کرده که علوم فیزیك وشیمی و زیست شناسی وروان شناسی وعلم اجتماع را بوجود آورده است واز این علوم دائماً بهره مند میشود

چند قرنی بیش نیست که انسان ملتفت شده است که کرهٔ زمین فقط نقطه ای است در فضای لایتناهی ومسکن بشر بمرکز عالم است و نه قسمت مهم آن مدت زمانی نمیگذرد که آدمی تا حدی بحقیقت آفرینش زمین پی برده و میداند که تاریخ آن را از روی طبقات زمین شناسی باید معین کرد نه از عدهٔ نسلها وازشمارش سالها شناختن قواعد وقوانینی که برحرکات ستاره ها حکم فرماست چندان قدیمی نیست و بوسیلهٔ آنها بشر فهمیده است که امور عالم در تحت نظام و قانون است و از روی هوا و هوس نمی باشد در چنین دنیای بزرگ و پر شوری آیا میشود طفل را تنها باکوره سوادی آمادهٔ زندگانی نمود ؟

دردنیای امروزه که عدهٔ زیادی از کشورها صنعتی شده و بواسطهٔ ایجاد کارخانه‌ها وشهرهای بزرگ تبدلات کلی درسازمان آنها حاصل شده بود عده ای از عوامل پیشین تربیت از قبیل خانواده وبنگاههای دینی و جامعهٔ کوچك ده یا قصبه یا محلهٔ شهر بتدریج کاسته میشود از طرف دیگر مطالعات وپیشرفت‌هائی که درروان‌شناسی وعلم اجتماع بعمل آمده موجب شده است که تربیت را وسیلهٔ تجدید حیات و تغییر وترقی فرد و جامعه میدانند

بازدارد . برعکس تربیت اتفاقی وغیرعمدی چون درداماں طبیعت صورت میگیرد طبیعی است وبآسانی جزوعادت وطبیعت شخص میشود

عیب دوم این است که مدرسه نسبت بتغییرات محیط مقاومت میکند وباین تربیت مانع ترقی میشود علت مقاومت اینست که معلم همیشه در مدرسهٔ نسل قبل پرورش یافته و پیوسته معتقداست که معلومات و اطلاعات زمان خودرا بیاموزد وباین جهه باتغییر روش تدریس وتربیت وتغییر دستور تحصیلات مخالفت میکند زیراکه این تغییرات باطرز کار اوموافقت ندارد وناچار بسرمایهٔ علمی وشغلی او لطمه میزند

اساساً هروقت جامعه بنگاهی ایجاد میکند اساسی رابوجود میآورد که باتغییرات مقاومت میورزد ودرصورتیکه هنگام ایجاد آن بنگاه نسبت بگذشته ترقی حاصل شده است نسبت بآینده سدی برای پیشرفت احداث گردیده است اگراداره کردن چنین بنگاهی طبقه ای متخصص واهل فن بخواهد که گذران آنها منوط بوجود آن باشد مقاومت مذکورشدیدتر وظاهرتر است

راه کاستن این معایب دوعیبی که ذکر شد همیشه در مدرسه کم وبیش موجود است تنها اقدامی که می توان کرد اینست که از مقدار و میزان آن کاسته شود تصنعی بودن مدرسه راکه عیب اساسی پرورش غیر عمدی است ممکن است بواسطهٔ وارد کردن عوامل مخصوصی که مربوط به تربیت غیرعمدی است تا حدی رفع کرد طفل باید عملی را که در مدرسه میکند حس نماید که طبیعی است وبرای او معنی دارد و درحیطهٔ زندگانی وعلاقه مندی اوقرار گرفته است بنابراین

زیست میکنند تفاوت نماید . در مدرسه اتفاقاتی که برای بشر واقع شده ضمن تدریس تاریخ درحدود امکان بیان میشود وافکار وعادات واخلاق ملل مختلف تشریح میگردد بااین ترتیب برای شاگرد وسیلهٔ تفاوت فراهم میآید .

علاوه بر امتیازات مذکور یك امتیاز چهارمی نیز محیط مدرسه برمحیط اتفاق دارد که درحقیقت نتیجه ایست از امتیاز اول این امتیاز عبارت است از آماده بودن وسایلی که کار تعلیم و تربیت را آسان کند دروس وعملیات مدرسه را از روی عمد طوری مدرج قرار میدهند که شاگرد مراحل را یکی بعد از دیگری طی کند و او را پله‌پله راهنمائی میکنند که از آسان بمشکل و از معلوم بمجهول پی برد و از زندگی کودکی بتدریج داخل زندگانی اشخاص رشید وبالغ گردد

امتیازات مذکور هریك بنوبهٔ خود در استمرار مدرسه ــ درپیدا کردن طرفداران جدی ــ در صرف کردن هزاران کرور ریال در هر سال از طرف جامعه های دنیا تأثیر کامل داشته است

معایب مدرسه در مقابل امتیازاتی که ذکر شد دو عیب بزرگ ممکن است درمدرسه بوجود آید

یکی اینکه آموزشگاه اززندگانی حقیقی که درخارج موجود است دور شود و باعالم خارج ازمدرسه تماس نداشته باشد بطوریکه یك بنگاه تصنعی شده به فقط از فارغ‌التحصیلهای خود رفع احتیاج ننماید و آن ها را مطابق مقتضیات محیط پرورش ندهد بلکه بواسطهٔ وقف نداشتن با احتیاجات برای آنها موجب زحمت و اشکال شده آنهـا را از نیکبختی

باید او را نوعی پرورش داد که حتی المقدور قابل انعطاف و تغییر باشد در دنیای آینده انسان احتیاج بعادات بسیار دارد ولی عاداتی کـه بدرد او نخورد به عاداتی که بر او فرمانروائی کند . اگـر او را ایـن نوع تربیت کردیم با هوش خدا دادی بر مشکلات فائق میشود و موانع برقی را از جلو برمیدارد و بطرف کمال مطلوب سیرخودرا ادامه خواهد داد

باید در اطراف او محیطی نزدیک به طبیعت ایجاد کرد ودرس را برای او با روح نمود تا در مقابل چنین محیطی واکنش در طفل ایجاد شود و عمل تربیت بتمام معنی صورت گیرد

عیب دوم عدم توافق مدرسه است با دنیای متغیر ـ بادنیای آینده ومیل بتوافق است بادنیای گذشته ازعهدی که نوع بشر بواسطهٔ حشمها یعنی بواسطهٔ پرورش عمدی عادات و مراسم را ثابت و با حدی تغییر ناپذیر نمود تاکنون جامعه همیشه بدان اعتماد دارد و بوسیلهٔ آن قدرت وقوت خودرا ظاهر می‌سازد این عادات و مراسم متصف بدو وصف یکی ثابت بودن و دیگری غایت مقصود بودن بنابراین عادات و مراسم مانع ترقی اند و بهمین جهت بشر بسمت به تغییرات دائم یعنی وسیلهٔ پیشرفت و ترقی اعتماد ندارد گرچه این بی اعتمادی خود یکنوع خردمندی و کفایت است ومانع از لغزش و خطا می‌شود ولی از طرف دیگر خود این عادات ناقص است و باید پیوسته در آن تجدید نظر شود تا راه تکامل پیماید امروز ما نیازمند به تربیتی هستیم که باکمال صمیمیت موقتی بودن همه چیز را بشناسد و رعایت کند و در نظر بگیرد که دنیای فعلی در حرکت و تغییر است اختراعاتیکه هر روز در روی زمین می شود شرایط و ترتیبات زندگانی را دائماً تغییر میدهد و یقین است که بیست وپنج سال دیگر نحوهٔ حیات با امروز فرق خواهد داشت ولی اختلاف درکجا خواهد بود هیچکس را بطور قطع معلوم نیست مربی باید از طبیعت درس بگیرد که اعضاء و جوارح بدن را طوری خلق کرده است که مطابق مقتضیات زمان و مکان تغییر میکند و وضع خودرا با محیط سازش میدهد بجای اینکه کودك طوری تربیت شود که بامقتضیات زمان معین ومخصوصی کاملاً بسازد

مقدمه

چنانکه در فصل نخست گفته شد تربیت یعنی تغییر دادن شخص ولی این تغییر ممکن است سودمند باشد یا زیان آور ـ برای اصلاح و بهبودی باشد یا افساد و شر. اصول آموزش و پرورش برای این وضع شده است که به تنها تغییری که در معلومات و اخلاق شخص میدهند نفع او باشد بلکه بهترین و آسانترین طریق صورت گیرد. مطالعات دقیق و تجربیات مکرر از طرف دانایان علوم تربیتی درخصوص قواعد یادگرفتن و یاد دادن بعمل آمده است و شرایطی که در تحت آن این قواعد بهتر وزودتر ممکن است عملی شود مورد تحقیق قرار گرفته و ازمجموع این تدقیقات اصول تعلیم و تربیت وضع گشته است. اجرای اصول مذکور فن تدریس است

حال این تدریس برای چیست؟ چه مقصود و منظوری را معلم باید تعقیب کند؟ مطلوب این همه سازمان که در کشورهای متمدن برای پرورش و آموزش فراهم کرده اند کدام است؟ آیا باید سازمان کنونی مدرسه و برنامهٔ آنرا همانطور که هست قبول کرد یا باید بدلایل ایجاد آنها پی برد و درصورتیکه مطابق با مقصود نیست آنها را تغییر داد؟

دانایان علوم تربیتی ازقدیم دراین فکر بوده اندوهریك برای پرورش مقصود و منظوری معین کرده اند. از علمای قرن نوزدهم پستالزی (۱)

---

(۱) Pestalozzi استاد معروف سویسی که در ۱۷۴۶ متولد شده و در ۱۸۲۷ درگذشته است

بخش دوم

در

منظورهای اجتماعی پرورش

منظور از پرورش هم همین مسائل است کـه ما بطور مشروح مورد بحث قرار می‌دهیم مواد برنامه یـا روش های آموزش و پرورش ممکن است در آن واحد برای رسیدن بیك یا دوفقره از مقاصد مذکور مفید باشد ولی درهرحال ماده ای از برنامه یاطریقه‌ای از تدریس که بمنظور های فوق کمك نکند و بنابرای آنها مصروافع شود نباید درمدرسه بکاررود

میگویند غرض از تربیت « رشد و توسعهٔ تمام نیروهای کودك است بطور مناسب و کامل» هربرت اسپنسر[۱] هدف پرورش را « آماده شدن برای زندگانی کامل » میداند اشکال این عبارات در این است که خود آنها مبهم ومحتاج تعریف و توضیح میباشند امروز دانشمندان معاصر بطور عموم معتقدند که غرض از پرورش آنست که طفل را « عضو سودمند و مؤثر جامعه » بار آورند گرچه خود این جمله نیز محتاج بروشن شدن است ولی درهمان بادی امر میتوان استنباط کرد که هم شامل رشد طفل است و هم شامل اعمال ومسئولیت‌هائی است که او را کارمند خوشبخت و مفید جامعه نماید

عضو سودمند ومؤثر جامعه

انسان چه شرائطی باید دارا باشد تا بتواند کارمند با سود ومؤثر جامعه شود؟ برای اینکه بتوان عضو سودمند و موثر جامعه شد باید اولا تندرست و سالم بود ثانیاً پیشه وشغلی داشت که وسیلهٔ گذران باشد و انسان بار دوش جامعه نگردد ثالثاً باید دانست اوقات بیکاری را چگونه صرف کرد تا هم انسان خوش بگذرد و هم دیگران که بااومعاشرت دارند از روابط باوی خشنود باشند رابعاً باید ایجاد خانواده کرد ووظایف خود را دراین قسمت دانست و بدان عمل نمود خامساً در حکومت و ادارهٔ کشورشرکت کردو باآن مساعدت‌وهمکاری نمود سادساًدارای وجدان قوی بودوعقیده وایمان بمبادی‌دینی داشت سابعاً وسیله‌ای برای‌مکالمه ومکاتبه با افراد دیگرجامعه دارا بود

---

(۱) Herbert Spencer فیلسوف مشهورانگلیسی است که تا۱۹۰۳ میزیست وکتاب‌معروف اوموسوم است به‌پرورش فکری واخلاقی وبدنی

درمیان عوام معروفست که زیرکی فوق‌العادهٔ قوای فکری توأم است با ضعف بدن یا بعبارت دیگر اگر انسان بخواهد از لحاظ عقل و هوش توانا و نیرومند باشد باید از حیث جسم و بدن نحیف و ضعیف باشد ، ولی تحقیقات علمی که اخیراً در مورد شاگردان مدارس بعمل آورده‌اند میرساند که این مسئله صحت ندارد و سلامتی بدن و عقل قائم بیکدیگر بدورشدفکری منوط بتندرستی‌است علاوه براینکه بهبودی و تندرستی بالذات دلپسند و مطلوبست وسیلهٔ مهمی است برای مطلوب ساختن سایر لذتها آیابرای شخص ناخوش باغ و آواز بلبل ومشک‌و معطرهٔ گل‌همان قدر لذیذ است که برای شخص سالم ؟ اگر سلامتی نباشد هیچیك از نعمتهای الهی برای انسان دلپسند نیست از اینجاست که هربرت اسپنسر گفته‌است «نخستین شرط توفیق هر کس‌در زندگانی این است که حیوان‌خوبی‌باشد و اولین شرط‌پیشرفت هرملت آنست که‌از حیوانهای خوب تشکیل یافته باشد » بقراط نیز همین نکته را در نظر داشته وقتی که گفته است « هر جا که بشررا دوست بدارند در آنجاعلم طب را نیز دوست خواهند داشت»

تسلط بر بیماری

بشرچه درزمان توحش چههنگامی که بدرجه‌ای ازتمدن رسیده‌پیوسته بوجهش‌بطرف بیماری‌جلب شده است امراض‌ساری مانند طاعون ووبامکرر بدون خبر ظهور کرده و هزاران تن را در آغوش گرفته است سایر ناخوشیها نیز بطرز ملایمتر افراد رامحو و نابود ساخته وآنهارا مجبور بچاره اندیشی نموده است در نتیجه حدسها زده و فرض های مختلف راجع بماهیت وعلل امراض کرده‌اند قرنهاتصور نموده‌اندکه رابطه‌اي

فصل نخست

تندرستی

اهمیت آن

تندرستی در زندگانی افراد و روحیات جامعه اساس خوشی و سعادتمندی است . تنها مللی که تندرست و قوی بنیه باشند می‌توانند تمدن عالی بوجود آورند و آنرا حفظ کنند وفقط افراد سالم قادر هستند تمام مواهب طبیعی خویش را ازقوه بفعل آورند .

اهمیت این موضوع همیشه برای بشر روشن و هویدا بوده است چنانکه از زمان پیشین هنگام دیدن رفیق و دوست قبل از همه چیز از یکدیگر احوال پرسی میکنند و نخستین پرسشی که ازهم می‌کنند اینست که احوال شما چطور است ؟ مزاج شما خوب است ؟ انشاء الله کسالتی ندارید ؟ و مانند آن هنگام جدا شدن ازیکدیگر نیز میگوئیم « خدا نگهدار » صحت و سلامتی شرط اساسی زندگانی عادی است و بنابر این هر اندازه در این قسمت نقصان و ضعف حاصل شود بهمان اندازه زندگانی از ارزش و قدرش کاسته میشود مثل معروف لاتینی که عقل سالم دربدن سالم است عین حقیقت میباشد وشکی نیست که اعمال فکری وذهنی منوط باعمال اعضاء و جوارح اساست آیا در حالت تب یا هنگامی که دندان شما درد میکند یا نوبه برشمامستولی است میتوانید کارفکری کنید ـ رساله‌ای بخوانید یاکتابی تألیف نمائید ـ نقشه ای برای زندگانی آیندهٔ خودطرح کنید ؟

اوضاع بهداشت ایران

با وجود این ترقیات درمغرب زمین اوضاع بهداشت درکشور ما رضایت بخش نیست .

بموجب سخنرانی که دکتر ژنرال کولونیه(۱) رئیس کل بهداری در۱۳۱۲ دردانشسرای عالی کرد هشتاد درصد ازاطفالی که در ایران بدنیا میآیند تلف میشوند ، سالنامهٔ شهرداری تهران راجع سال ۱۳۱۱ آمار زیررا نشان میدهد

زائیده شده	۵۰۸۹ نفر
مرده	۷۰۲۵ »

یعنی درپای تخت کشوردر ۱۳۱۱ خورشیدی ۱۹۳۶ نفر بیشتر از عده ای که پا بعرصهٔ وجود گذارده اند از این دیار بعالم عدم شتافته اند ،

مطابق گزارش مرحوم مجید آهی استاندار فارس در ۱۳۱۳ از مشمولین نظام وظیفه شیراز ۸۷ درصد مبتلا بکوفت بوده اند

بنا براظهار آقای پرفسورمحمدقلی میرزا شمس استاددانشکدهٔ طب ۷۰ درصد از اهالی تهران مبتلا بتراخم هستند وگزارش مأمورین دولت درخوزستان و بندرهای جنوب حاکی است که ۹۵درصد ازمردم آنجا نیز در پلك چشم خوش دارند ،

دکترجان گیلمور(۲) که در۱۳۰۳ بنمایندگی جامعهٔ ملل اوضاع بهداشت ایران را موردمطالعه قرار داد و مؤلف این کتاب ازطرف دولت مهماندار او بودنقل میکرد که درشهریار برخهای پشهٔ آنوفل(۳) که ناقل

(۱) Coulognier فرانسوی که تا اواخر ۱۳۱۳ در ایران مشغول خدمت بود
(۲) John Gilmour
(۳) Anophèle

میان تندرستی و حرکات ستاره‌ها موجود است و هرگاه مثلاً قمر در عقرب بود اقدام به فلان کار را منع و نهی کرده‌اند چندین صد سال نیز خیال کرده‌اند که ارواح پلیدی موجودند که موجب بیماری میشوند و برای خواباندن خشم آنها حیوانی قربانی کرده و مشروبانی بزمین ریخته یاپاره‌ای مواد راسوزانده‌اند بالاخره حتی در زمان حاضر عدهٔ بسیاری از مردم امراض را نتیجهٔ غضب الهی میدانند و میگویند برای تنبیه خلق این امراض از طرف باری تعالی فرستاده میشود و باید بمصلی رفت تا از شدت آنها کاسته و بتدریج مرتفع شود

با وجود مراتب مذکور از میان فرضیات مختلف عده‌ای مقرون بصحت بود بشر درمورد تمام آنها تجربه کرد هروقت بخطاروف بهلاکت نزدیك شد وهر زمان نتیجهٔ خوب گرفت آنرا ثبت و ضبط کرد و از مجموع آنها بتدریج پزشکی بوجود آمد

در قرون جدید بدن انسان‌را با دقت بیشترمورد دقت قراردادند وباین ترتیب علم تشریح و وظایف الاعضاء وسایر دانشهائی که اساس و پایه طب است پیدا شد که خود طب را اصلاح و تکمیل کرد در سه چهار قرن اخیر بعضی‌از بیماریها مانند طاعون وآبله از نواحی‌متمدن کرهٔ زمین رخت بربست و برخی دیگر مانند حصبه و دیفتری بسیار تقلیل یافت

باین ترتیب حد وسط طول عمر که سابق بیش از بیست سال بود رو بافزایش گذاشت و امروز از چهل سال تجاوز میکند این پیشرفت بزرگ فقط نتیجهٔ تحصیلات وزحمات عدهٔ محدودی متخصص‌وثمرهٔ‌پرورش تودهٔ ملت اروپا وامریکا بود

تغییراتی درزندگانی ماحاصل شود .

علت دوم اینست که مکتب خانها و مدارس قدیم ما قرنها پیش از کشفیات طبی و صحی ایجاد شده است . مکتب‌خانهافقط برای آموختن قرائت قرآن و کوره‌سوادی برپاگشته و مدارس قدیم وظیفهٔ اصلی‌خودرا آموختن علوم دینی دانسته‌اند ریاضت کشیدن و بدن را اهمیت ندادن در فکر آخرت بودن و توجه نکردن بدنیا از مسائلی است که در این مدارس دردماغها رزیق کرده‌اند عرفا وفلاسفه نیز این‌قبیل‌عقایدرا میان مردم منتشر ساخته اند ملاحظه فرمائید سنائی درحدیقه‌چه‌میفرماید

در جهانی که عمل و ایمان است
مردن جسم زادن جان است
تن فدا کن که در جهان سخن
جان شود زنده چون بمیرد تن
دشمن جان تن است خاکش دار
قبلهٔ جان دل است پاکش دار

مولوی نیز میفرماید

گرچه اندر پرورش تن مادر است
لیك از صد دشمن دشمن تر است
تن چو شدبیمار دارو جوب کرد
ور قوی شد مر ترا طاغوت کرد

بنا بر این نه تنها نگاهی نبوده است که وظیفه‌اش متوجه کردن مردم باشد بامور بهداشت بلکه مکاتب و مدارس وپیشوایان‌خلاف دستور های صحی را در نهادخلق متمکن کرده اند

میکرب بوبه است وجود دارد و در علیشاه عوض که مرکز دهستان مذکور است یکنفر تندرست هم موجود نیست وحد وسط سن اهالی از ۲۰ تا ۲۵ سال تجاوز نمیکند.

علاوه براطلاعات فوق که ازطرف اهل فن ذکر شد مشاهدهٔ روزانهٔ خودمان برای پی بردن بوخامت اوضاع بهداشت کافی است امراض تناسلی حتی بدهات سرایت کرده و ابتلای بتریاك مرض عمومی شده است کچلی و سالك در تمام نقاط وجود دارد و هنوز آبله عدهٔ زیادی را هلاك و عدهٔ دیگری را کریه المنظر میسازد

چرا عقب ماندهایم؟ پاستور در پنجاه سال قبل گفته است « انسان توانائی آنرا دارد که از امراض میکربی خویشتن را رهائی بخشد »
و در مورد بسیاری از امراض حقیقت مزبور ظاهر گشته است

عملیات گرگاس(۱) درمنطقهٔ پاناما نیروقدرت انسان را تاحدی نشان میدهد - طبیب مذکور درظرف ده سال تب زرد را که بلای بزرگی در مناطق گرمسیر است از پاناما بکلی بر انداخت بطوری که عدهٔ متوفیات ۹۰ درصد تنزل کرد - در این صورت چرا از معلومات و ترقیات عصر حاضر استفاده نمیکنیم؟ نخستین علت عادت است که ما را بندهٔ خود ساخته افراد جامعهٔ ما معتادند بشستن لباس در جوی آب - یا بخوردن هرگونه آبی که هنگام تشنگی بدست آورند عدهٔ زیادی اسیر تریاك می باشند . بواسطهٔ همین عادات اکتشافات جدید را اصلا قبول نداریم تابع میشویم

(۱) William C Gorgas که تا ۱۹۱٤ رئیس بهداری منطقه پاناما بود ودر ۱۹۲۰ فوت کرد

مبالغ مذکور صرف معالجه و مداوای روستائیان میکند عـدهٔ زیادی محصل به خارجه اعزام داشته‌اند که طب بیاموزند بالاربشر بیح و آزمایشگاه های میکرب شناسی و انگل شناسی و مانند آنها برای دانشکدهٔ طب تهران بنا کرده‌اند تا معلومات پزشکان آینده فقط کتابی نباشد در سرپر دانشکده پزشکی و در مشهد و اصفهان و شیراز آموزشگاه عالی بهداشت بر پاساخته‌اند توجه مخصوص بامر ورزش شده و انجمن تربیت بدنی و شعب آن در شهرستان‌ها میدان‌های بازی تهیه دیده و اقسام ورزش را بین جوانان ترویج و تشویق مینمایند باغلب شهرها بعضی از دستیارها طبیب فرستاده اند تا بیماران را درمان کنند و مقرراتی راجع بهداشت عمومی بموقع اجرا گذارند

و ظیفهٔ مدرسه

ولی اعلان مقررات صحی از طرف مأمورین دولت یا شهرداری ها تأثیر مهم ندارد در تهران هرسال بهـداری کشور و شهرداری اعلان میکنند که در جوی‌ها جامه نشوئید و زباله بریزید و آب حوض منعفن را در کوچه نپاشید و فرشهای خود را در معابر نتکانید معذلك ترتیب اثر باین احکام داده نمیشود زیرا که مردم معتقد و معتاد باصول بهداشت نیستند و برای هر امری هم نمیشود پاسبان مخصوص معین نمود و مقررات را باقوهٔ قهریه مجری ساخت تنها راه توفیق آن است که مردم آگاهی حاصل کنند و عادات صحیح خوی گیرند و این امر در اوائل جوانی امکان پـذیر است زیرا که در اوان کودکی است که لوح ضمیر حساس است و فوراً نقش برمیدارد از اینجاست که مسئولیت مدرسه ظاهر میشود مدرسه تنها بنگاهی است که میتواند بطور مؤثر عادات ناپسندیده را تغییر دهد و عادات نیکو را در افراد ایجاد کند برای اینکه بان مقصود نائل شود سه منظور را مدرسه باید تعقیب کند عادات صحی بوجود آورد ـ اطلاعات صحی

سومین علت، اعتقاد بقضا و قدر است درباره امراض هر وقت مرضی برما مستولی شود میگوئیم نصیب وقسمت چنین بود و آنرا مربوط بخود و اعمال خود نمیدانیم در خصوص ناخوشی انسان واقعاً بی فکر است درصورتیکه عموماً اهمیت سلامتی و تندرستی را میدانند باندازه‌ای نسبت بآن غفلت میورزند که تا هنگام بیماری متوجه امر نمیشوند هر کس یقین دارد مرضی که نصیب همسایه اش شده براو وارد نخواهد شد مانند آن سگهای دریائی جزایر پری بلف (۱) که باکمال خونسردی و متانت می بینند سایر سگهاراً میکشند و پوست آنهارا میکنند معذالك بهیچوجه تصور نمیکنند دفعهٔ دیگر نوبت باو خواهد رسید

سابقهٔ امیدواری — با وجود این علل خوشبختانه دولت اقداماتی درسالهای اخیر راجع به بهداری عمل آورده که موجب امیدواری است بودجهٔ بهداری که در ۱۳۰۷ خورشیدی بمبلغ ۳٫۶۸۰٫۰۰۰ ریال بود در ۱۳۲۸ با بودجه بیمارستانهای دانشکده پزشکی تهران به ۳۶۶٫۰۴۱٫٦٤۰ ریال رسیده یعنی درظرف ربع قرن یکصد برابر شده است درمرزهای مهم قرنطینه بنا کرده‌اند تا ازورود امراض خارجی از قبیل وبا و طاعون بدرون کشورجلوگیری شود شیرو خورشید سرخ را درشهرهای مهم برپا نموده اند که درمواقع سخت به مجروحین و آسیب دیدگان کمك کنند بیمارستان های تازه دراغلب نقاط مهم ایجاد کرده‌اند که مستمندان و بینوایان بدانها مراجعه کرده و معاینه و معالجه شوند

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی پنجاه درمانگاه دردهات و قصبات دوردست تأسیس کرده است و سالی شصت میلیون ریال علاوه بر

---

(۱) Pribilof واقع در دریای برنك

مرگ پدر ومادر یا از اسلا به تهی دستی یاکسالت باك نداشته باشد - در زندگانی بردبار وشکیبا باشد - درگروس تصمیم وقت وموقع رااز دست ندهد - باآرامش خیال وصفای خاطر وسعادتمندی روزگاررابگذراند

برای اینکه عادات مذکور بآسانی درطفل ایجاد شود بایددراطراف او محیطی بوجود آورد که ظهور آن عادت ها را ایجاب کند . مثلا تمام کسانی که با طفل محشور میشوند باید آن عادت هارا واجد باشند - عمارت مدرسه باید پاکیزه و بطور وافی تهویه شده باشد - کار و بازی و تنفس باید در تحت نظارت اولیای مدرسه انجام گیرد - اگر بشود ناهارراشاگرد درمدرسه صرف کند و باین ترتیب عادت تغذای صحیح ومرتب نماید برای اعتیاد بمراجعه بطبیب بایدطفل را منظماً چند مرتبه درسال دندانساز وپزشك مدرسه معاینه کند - اثاثیهٔ مدرسه نظافت وصحت را عملا بطفل بیاموزد یعنی مثلا صندلی طوری ساخته شده باشد که نمو استخوانهـای نشیمن را تأمین کند یا ظرف آبخوری را نوعی درست کرده باشند که آب بوسیلهٔ لوله ای فواره زند وشاگرد آن بیاشامد بدون اینکه احتیاج به گیلاس داشته باشد .

متأسفانه چنین محیطی در مدارس ما عموماً پیدا نمی شود و اگر شود نادر است بعکس بیشترمدارس ما مانع ایجادعادت صحی میگردد هرقدر هم اصول بهداشت از روی کتاب بشاگرد آموخته شود جادادن ونشاندن او در کلاس مرطوب و تاریك با هوای کثیفی که از کمی جـا وزیادی عده تولید گردیده آن تعلیمات را بکلی بی اثر می کند باید پیوسته این حقیقت را در نظر داشت که عادتهائیرا که در طفل بوسیلهٔ عمل ایجاد کنید در او مؤثر خواهد بود و بـرای او باقی میماند نه اندرز هائی کـه

بیاموزد - وجدان صحی ایجاد نماید .

عادات صحی

میان سه منظور فوق عادات صحی از همه مهمتر است زیرا اساس زندگانی بر عادت است تمام کارهائی که انسان بدون توجه و تفکر از بامداد تا شام انجام میدهد عادت است راه رفتن - نفس کشیدن - غذا خوردن - سخن گفتن - لباس پوشیدن - سیگار کشیدن و مانند آن عادت است عادت انسان را طبیعة متمایل بامری میکند - عادت ایجاد علاقه و توجه نسبت بامور مخصوص مینماید - عادت حدود برای فلسفهٔ زندگانی معین میکند اینکه گفته اند ترك عادت موجب مرض است از لحاظ همین اهمیت و قوتی است که عادت در زندگانی روزانه دارد

نظر بمراتب فوق از ساعتی که کودك وارد مدرسه میشود باید در زمینهٔ بهداشت شخصی و اجتماعی دراو عاداتی ایجاد کرد باید باو یاد داد درست بنشیند - بموقع غذای صحیح بخورد - مرتب بیرون رود - ورزش کند - نفس واستراحت نماید - بازی کند - کار کند - بخواند - لباس بپوشد - پاکیزه باشد - درست نفس بکشد - رعایت بهداشت دیگران را نماید در آن واحد عادات روحی نیز باید در او بوجود آورد تا عادات جسمانی مذکور تقویت شود و مساعی بکاررفته باقی بماند از همان کودکی بچه را باید معتاد کرد که غم و اندوه را بخود راه ندهد - بدون جهت ترس از تاریکی وغول خیالی و امثال آن نداشته باشد - محدود بودن قوای خود را باکمال صداقت بشناسد تا میزان جاه طلبی اش مشخص شود واز نرسیدن بمقاماتی که لیاقت آنرا ندارد اندوهگین نگردد برای انجام کار روزانه وقت لازم را صرف کند - بدون واهمه با حقایق زندگانی مواجه شود و از

بماند - مقدار و حدود معلوماتی که در امور صحی دارد برایش کاملاً روشن ومشخص باشد تادر مورد لزوم بداندکی باید ازوسایل صحی‌شهر یاجش استفاده کند و دیگر باید اطلاعات خود را بکار اندازد - در اوقات سلامتی بوسیلهٔ رعایت بهداشت و نشان دادن خود به پزشک سه تا چهار مرتبه در سال نزدیك شدن مرض یاضعف را پیش بینی کند و از آن جلو گیری نماید برای این منظور قواعد اساسی و اصول‌مهم بهداشت باید رسماً جزو برنامه قرارگیرد‌تا اطفال درزندگانی آیندهٔ خود دستور وروشی در دست داشته‌باشند وبرطبق آن عمل کنند

وجدان صحی سومین منظوری که مدرسه باید تعقیب کند ایجاد وجدان صحی است در اطفال یعنی ایجاد علاقهٔ مفرط بسلامتی خود وجامعه - عشق بیحد بمحو کردن بیماری و ننگدستی از میان مردم - ارادهٔ قوی بحفظ تندرستی و سلامتی باید طوری اقدام کرد که طفل‌برای صحت و سلامتی همان حرارت و احساس را پیدا کند که برای دیگر مسائل حیاتی ازقبیل ترقی ومقام عالی وثروت دارد

تولید این حالت وایمان در طفل فقط بوسیلهٔ آموزگارانی امکان پذیر است که خودشان کاملاً دارای این ایمان و روح نسبت بصحت و سلامتی بوده و معنای مبارزهٔ بشر را برای زندگانی بهتر و مرفه تر دریابند در تحت تعلیمات چنین آموزگارانی اطفال باید در محیطهٔ‌خود مبارزهٔ مذکور را نقش ببندند و قدر و قیمت معلومات و اطلاعاتی که ذخیره و جمع شده و بمارث رسیده است بدانند همانطور که تاکنون تاریخ جنگ های سیاسی و اقتصادی را با هشمت بسیار فرا میگرفتند باید از زحمات و خدمات و فداکاریهای دانشمندان و پزشکان بزرگ،

باو بدهید و برخلاف آن رفتار کنید .

قواعد صحی

با وجود اهمیتی که عادت در زندگانی دارد نباید اکتفا بایجاد آن کرد زیرا که عادت در نهاد بشر ثابت میشود و بآسانی قابل تغییر وانعطاف نیست درصورتیکه محیط انسان در حال تغییر است و برحسب مقتضیات زمان ومکان عادات نیز باید تغییر حاصل کند . اینست که مدرسه باید دلیل ایجاد هر عـادت را بتدریج کـه طفل رشد پیدا میکند باو بگوید و فلسفه ای که عادت بر آن متکی است بیان کند اصول بهداشت وقواعد صحی را باید بشاگرد آموخت باخرافاتی که در کشور حکمفرماست برطرف شود ودیگر آنکه های بیچاره که بواسطه جانور حالت حمله بوی رخ میدهد عقب دعانویس نرود و آنکس که مبتلا به سر درد است براه بدی نکند و آن بدبختی که چشم درد دارد تخم مرغ درپای باوداران نشکند .

تأسف دراینست که در پاره ای نقاط که اقدامات صحی نموده اند همه برای دفاع از امراض است امـراض را بلای آسمانی میدانندو منتظر می نشینند باظهور کند آنگاه در مقام معـالجه ومراجعهٔ بطبیب و بیمارستان برمیآیند درصورتیکه باید قبل ازوقت از بروز امراض جلوگیری کرد ونسبت بمرض حالت تعرض داشت نه حالت دفاع افراد نسل آینده باید بدانند که تندرستی و بیماری هردو علت دارند واین علت را میتوان کشف کرد وبماهیت آن پی برد و بوسیله بکار بردن علم وسایـل سلامتی را بسط وتوسعه داد و از علل امراض جلوگیری نمود شاگرد مـدرسه را باید طوری تربیت کرد که در مواقع عادی و برای حوادث معمولـی متکی بمعلومات خود نشود وهمینکه ضرورت اقتضا کند بمتخصص رجوع

باشد در این مدارس و در اغلب مسائل در کشور ما خیال میکنند که آگاهی و اطلاع و علم به تنهائی موجب فلاح و رستگاری افراد جامعه میشود این عقیده ممکن است باندازه مقرون حقیقت باشد ولی مشروط است باینکه آگاهی وعلم قرنها نسلها داده شود تا بتدریج موجب تغییر افراد وسعادتمندی آنها گردد وگرنه تنهاعلم بموضوعی موجب تغییر اخلاق ورفتار نمیشود چنانکه اکثر اشخاصی که سیگار میکشند ازمضرات آن بی اطلاع نیستند معذلك ازعادت خود دست بر نمیدارند

دبستانها باید عمارات مخصوصی داشته باشند که برای رفع احتیاجات مدرسه و بر طبق اصول صحی ساخته شده باشد **معلومات واطلاعات صحی باید توأم شود با تولید عادات وایجاد ایمان** وعقیده نسبت به بهداشت و این مسئله امکان پذیر نیست مگر اینکه آموزگاران دانا و شایسته ولایق بتربیت وتدریس گماشته شوند و مدارس از طرف پزشکان مخصوصی مرتباً مورد معاینهٔ دقیق قرار گیرد .

مانند رکریای رازی و ابن سینا و پاستور و کخ(۱) در راه طب و بهبودی حال بشر و مبارزه بادراک مودی آگاهی حاصل کنند تا باین ترتیب هم بهتر باهمیت و ارزش معلومات فعلی پی ببرند و هم عدهٔ زیادی از افراد نسلهای آینده کار دانشمندان گذشته را ادامه دهند و بدین ترتیب علم طب رو بترقی و تکامل رود

اصلاح برنامه

اجرای پیشنهاد های فوق متضمن اینست که برنامهٔ مدارس در این قسمت اصلاح شود اکنون در دبستانها بهیچوجه به تندرستی و سلامتی اطفال توجه ندارند درمرکز وشهرستانها بناهای مدارس مذکور از خانه‌های مسکونی است و بواسطهٔ کوچکی اطاقها و زیادی عدهٔ شاگردان وتشکیل کلاسها در زیر زمینها و انبارها سلامتی اطفال درخطر است دریکی از دبستانهای دولتی تهران (عسجدی)دراطاق دوم که مطابق قواعد صحی گنجایش ۱۵ نفر طفل را دارد ٦٦ نفر در ۱۳۱۷ مشغول تحصیل بودند بااین وصف میتوان تصور کرد هوائی که درزمستان این اطفال استنشاق میکردند ازچه قرار وششهای آنهادرچه حال بود درقریه‌ونك درشمال غربی تهران اطاقهای دبستان دولتی در ۱۳۲۳ بهیچوجه درهایش شیشه نداشت و ناچار برای اینکه در زمستان کاملا تاریك باشدیك در رابازمیگذاردند ودرعوض شاگردان ازسرما میلرزیدند درشهرستانهاچون آموزشگاهها پزشک مخصوص ندارداطفال هیچگاه معاینه نمیشوند وانواع امراض ساری میان آنها وجود دارد در پاره‌ای از نقاط نیز که درمدرسه صحبت از بهداشت میشود اطفال را وادار میکنند قواعد صحی را ازحفظ کنند بدون توجه‌داشتن بدو قسمت دیگر که تولید عادت ووجدان صحی

(۱) Koch دانشمند آلمانی کاشف میکرب سل و وبا در نیمهٔ دوم قرن ۱۹ میلادی

گوش بواند که همه عمروی / نشود آواز دف و چنگ و نی
دیده شکیبد ز تماشای باغ / بی گل و نسرین بسر آرد دماغ
گر نبود بالش آگنده پر / خواب توان کرد حجر زیر سر
ور نبود دلبر همخوابه پیش / دست توان کرد در آغوش خویش
وین شکم بی هنر پیچ پیچ / صبر ندارد که بسازد بهیچ

وضع توزیع ساکنین در کرهٔ زمین نیز بسته بتفاوت وحسن طبیعت است ناحیه های حاصل خیز مانند بین النهرین و اطراف رود نیل یا امریکای شمالی بشر را بطرف خود جلب کرده و در آنجا ها دول و ملل بزرگ و تمدن عالی بوجود آمده است در مقابل ، زمین های وسیع و بیمانع در بسیاری از کشور ها یافت میشود که با وجود ازدحام جمعیت در شهرها آن اراضی بدون ساکن است زیرا وسایل زندگانی در آنها موجود نیست

در جهان کنونی محلی که برای ایجاد شهرهای بزرگ انتخاب میکنند از لحاظ زیبائی مناظر نیست بلکه از لحاظ موقعی است که در زندگانی اقتصادی دارند اگر در آنجا بازرگانی و پیشه وری پیشرفت دارد و میتوان در آنجا بارعایت اصول اقتصادی کارخانه ساخت و بآسانی موادخام بآنجا رسانید و از آنجا محصول کارخانه را بسهولت ببازارهای عالم فرستاد آنگاه اقدام ببنای شهر مینمایند اغلب شهرهای بزرگ امریکا روی این اصل بوجود آمده است سایر مؤسسات بشر نیز محکوم حکم اقتصاد است احزاب سیاسی یکی از این مؤسسات میباشد وعموماً نمایندهٔ منافع اقتصادی است یعنی بوسیلهٔ گروه ودسته هائی ایجاد شده که منافع مشترك دارند ملاهای ما که در حکومت استبداد از دولت مستمری میگرفتند تابع حکومت

فصل دوم

پیشه و کار

به از صانع نکیسی معلی نیست
ناصر خسرو

انسان نمیتواند عضو سودمند و مؤثر جامعه باشد مگر اینکه پیشه و هنری بیاموزد تا هم گذران کند هم بوسیلهٔ کاری که دارد سهم خدمت خود را بجامعه انجام دهد و بار دوش کسی نیز نباشد

اهمیت زندگانی اقتصادی

اساس مادی زندگانی و تمدن بشر بر سه چیز است خوراک - پوشاک - خانه توسعه و بسط تمدن و نتایج عالی که از آن بدست میآید از قبیل علوم و هنرهای زیبا و ادبیات منوطست بتأمین اساس مذکور این احتیاجات بحدی شدید و فوری و عمومی است که در تمام دوره های تاریخ اکثریت بزرگ مرد و زن قسمت اعظم اوقات بیداری خویش را صرف رفع آنها کرده اند بنا بر این قوای اقتصادی اساس و مبنای اخلاق و رفتار بشر است همانطور که اقوام وحشی برای پیدا کردن غذا بیابانها را میپیمایند همانطور ملل متمدن برای مرد زیادتر بکشور های دیگر مهاجرت میکنند بهمان نحو که طوایف بدوی بر سر شکارگاه و چراگاه با یکدیگر زد و خورد میکنند بهمان نحو ملل متمدن برسر بازارهای دنیا و کانها و مواد خام جنگ میکنند

اساساً برای اینکه انسان زنده بماند از همه چیز تواند چشم پوشیدن جز از غذا که بدون آن ادامه حیات غیر میسر است همین مطلب است که سعدی هفتصد سال قبل بزبان شیوا در باب سوم گلستان بیان فرموده

مرفه با برق وتلفون ورادیوو اتومبیل وامثال آن دست بکشد

اوضاع اقتصادی ایران

برای اینکه کودك دارای پیشه شود یعنی در زندگانی اقتصادی کشور شرکت جوید باید اوضاع اقتصادی ایران تشریح گردد تاحدود مسئولیت مدرسه معین وهویدا شود

ایران از نیمهٔ قرن نوزدهم میلادی در حال تحول است و دارد از تمدن غرب اقتباس میکند عوامل مختلف در وارد کردن کشور باین مرحله دخالت داشته‌اند که در کتاب جداگانه (۱) شرحی از آن نوشته شده‌است این عوامل عبارت بودند از تأسیس مدرسهٔ دارالفنون بدست میرزا تقی خان امیر کبیر در ۱۲۶۸ هجری قمری - تأسیس مدارس امریکائی و فرانسوی و انگلیسی در تهران و شهر های مهم از ۱۸۷۲ میلادی ببعد - اعزام شاگرد باروپا در ۱۸۵۸ - بر پا شدن تلگراف انگلیسی در ۱۸۶۴ وهندواروپائی در ۱۸۷۰ - تأسیس سفارت خانه ازطرف دول بزرگ در تهران - استخدام مأمورین خارجی ازقبیل طبیب در بار و معلمین اروپائی و مشاوران نظام و مأمورین گمرك وپست - تأسیس بانك شاهنشاهی در ۱۸۸۹ (که از ۱۹٤۹ ببعد بنام بانک انگلیس درایران ودر خاور میانه خوانده میشود)

ازروز سوم اسفند ۱۲۹۹ هجری خورشیدی ببعد گامهای بزرك برای اخذ تمدن غرب برداشته شد و در قسمت اقتصادی بویژه از ۱۳۰۳ اقدامات جدی بعمل آمد که بطورفهرست خلاصهٔ آن دراینجا ذکر میشود

بودجهٔ کشور تعدیل شد - قوانین مالی اجرا گردید - تعرفهٔ گمرکی

(۱) کتاب ایران نوین و دستگاه تعلیم و تربیت آن تألیف نگارنده ازصفحه ۱۷ تا ۳۱

ظالم بودند و با وجود اینکه از مفاسد آن کاملا اطلاع داشتند از آن طرفداری میکردند

نظر بوقتی که انسان باید صرف کند ومساعی که هر روز در پیشهٔ خود بکار برد اشتغال بهرحرفه اخلاق واطوار مخصوص درشخص ایجاد میکند چنانکه نویسنده یا استاد هنرهای زیبا حال واخلاقش باسیاستمدار یا نمایندهٔ ملت فرق دارد و کشتکاریابازرگان دررفتار و کردار متفاوتند زندگانی اقتصادی حتی برای انسان فلسفهٔ حیات ایجاد می کند و اینکه گفته اند من لامعاش له لامعاد له تاحدی مربوط بهمین حقیقت است

برتری انسان

هزاران هزار سال آدمی بدون پوشاک وخانه و آلات وادوات کار مانند جانور پی خوراک رفته و بعد بتدریج درمبارزه ای که برای بقای خود وادامهٔ زندگانی بعمل آورده بفوق خود را بر حیوان ثبوت رسانده است بوسیلهٔ اختراع و کشف انواع آلات و ادوات را برای خود تهیه کرده و بوسیلهٔ ماشین بر نیروی طبیعت فائق شده است هزاران رموز صنعت را بدست آورده ومشاغل تخصصی را ایجاد کرده است گیاهها وچهارپایان وحشی را اهلی وخانگی کرده و بوسیلهٔ پیوند وجفت گیری انواع تازه ازهریك بوجود آورده است بوسیلهٔ کود معدنی و آماده کردن خاك زمین را مجبور کرده است ازموادی که محل احتیاجش میباشد بحد کافی ووافی محصول دهد توفیق او در این قسمت باندازه ای زیاد بوده که از آدم وحوا ۲۰۰۰ میلیون نفر درحال حاضر در نقاط مختلف زمین در اقلیمهای گوناگون سکونت دارند درعین اینکه برکمیت افزوده از کیفیت غافل نبوده بحدی بر احتیاجات خود افزوده وسلیقهٔ خود را بالا برده که حاضر است بمرگ تن دهد و از زندگانی

نوع کارخانه	عدهٔ کارخانه	عدهٔ کارگر
بلورسازی	٦	١٠٤٣
برنج کوبی	٢١	٣٠٨
پنبه پاك کنی	٢٩	٥٩٠
چای سازی	٩	٣٩٩
برق شهرها وقصبات	٩٢	٦١١

درقسمت بازرگانی بوسیلهٔ قوانین مخصوص واردات وصادرات در اختیار دولت در آمده وهر جنسی که در داخله تهیه شود از ورود آن جلوگیری میکنند بطوریکه عدهٔ زیادی شرکت بوجود آمده که بکار های مهم اقتصادی پرداخته اند درقسمت راه سازی تمام شهرها و نواحی بوسیلهٔ راه شوسه و آسفالت بهم پیوسته شده واکنون کشور مجاور از ۱۵،۰۰۰ کیلومتر راه دارد ورود اتومبیل و تأسیس سرویسهای هواپیمائی موجب تندی بارکشی ومسافرت شده بحدی که (برطبق کتاب شاردن) درزمان شاه عباس بزرگ مسافت ازتفلیس تااصفهان در٤٥ روز طی میشد واکنون بااتومبیل در چهارروز(۱) وباهواپیما درچهارساعت

راه آهن سرتاسری ایران از عجایب کار های صنعتی و نمونهٔ بزرگی ازهمت بشر است بدستور اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر باسرمایهٔ کشور از١٣٠٤ تا١٣١٧ ساخته شد ودریای خزر درپنجم شهریور١٣١٧ بدریای آزاد (خلیج فارس) پیوسته گردید

تلگراف باسیم درتمام نقاط مملکت دائر شده و تلگراف بی سیم

---

(۱) مؤلف در١٢٩٨ ازتهران تاترشت را باکالسکه درظرف پنج روز طی کرده ودر١٣٠٨ بااتوموبیل درهشت ساعت

تنظیم و برقرار شد- مالیات ارضی ملغی و مالیاتهای عادلانه وضع گردید بانك ملی و بانك کشاورزی و پیشه و هنر و بانك رهنی بوجود آمد در قسمت فلاحت یك مدرسهٔ عالی در کرج و چندین مزرعهٔ نمونه در شهرستانها و بنگاه دفع آفات حیوانی و نباتی در حصارك تأسیس گردید و کشت چای و توتون و پنبهٔ امریکائی و چغندر و نوب مورد تشویق قرار گرفت درقسمت صنایع کارخانه های متعدد از طرف دولت ومردم برپاشد که نوع و شمارهٔ کارگران آنها طبق کتاب « آمار عملکرد صنایع عمدهٔ کشور در سال ۱۳۲٦» که از طرف وزارت کار طبع و منتشر گردیده بقرار ذیل است

نوع کارخانه	عدهٔ کارخانه	عدهٔ کارگر
قند سازی	۸	٤٥٠۱
شیمیائی (کودرن- گلیسرین وغیره)	۱۱	٤٥٤۸
نساجی (چیت - حریر- گونی)	٥	۸۰٦۲
کنسروسازی	۲	۲۷٥
ریسندگی (پنبه)	۲٥	۱٤٤۲۸
ریسندگی (پشم)	۹	٦۲۹۹
کشبافی وجوراب بافی	۳۰	۷٦۰
حلاجی وتصفیه پشم	٥	٥۲
چرم سازی	۱۱	٦۰۸
نوشابه سازی	۳۰	٥٦٥
کبریت سازی	۲٦	٤۰۳٤
آردسازی	۱٦	۱۰٦۸
صابون سازی وروغن کشی	۱٦	۲۳۱

گردید وارا اینجا افراط و تفریط در پول و فقر ظاهر شد بطوریکه دسته‌ای از کثرت کرورها لیره نمیدانستند پول خودرا بچه مصرف برسانند و عدهٔ زیادی نان شب محتاج شدند - اشخاص یا کشور های پرزور را تحریص وتطمیع بربودن مال همسایگان نمود - مردمندرا بها اجر هر کار قرارداد بطوریکه مردم را آمادی بودن معتاد نمود درصورتیکه قبلا برای احساسات وایمان وعقیده نیز کارهای بسیاردشوار انجام مییافت - میل بجمع آوری ثروت وانباشتن مال را تشویق وترغیب نمود وهمهٔ کارهارا بصورت تجارت ومعامله در آورد

درکشاورزی گر چه تغییرات به آن اندازه زیاد نبود معذلك از ۱۸۳۷ که گاو آهن تبدیل بماشین فولادی شد تغییرات عمده ظاهر گردید ماشینهای شخم زنی و بذر کاری و خوشه چینی و دروگری و کوبیدنی و غیره بوجود آمد در آن واحد علم کشاورزی نیز بسط وتوسعه یافت که آدمی را برطبیعت تسلط داد از مواد معدنی کود تهیه نمود - حشرات موذی را برطرف کرد - بر آفات جانوران و گیاهها غالب آمد - در نتیجه مشقات طاقت فرسای روستائیان تقریباً ازمیان رفت و کاری را که بیش ده نفر انجام میدادند امروز بوسیلهٔ ماشین یکنفر انجام میدهد

انقلابات مذکور در رشتهٔ صناعت و کشاورزی بدون اختراعات متحیرالعقول در وسایل نقلیه ومخابرات امکان پذیر نبود این اختراعات دهات و دهستانها را بشهرها متصل نمود - کشورها را بیکدیگر اتصال داد - قاره‌هارا بهم وصل کرد از این جهت مردم در شهرها گرد آمدند وبلادی که هریك چند کرور جمعیت دارد بوجود آمد درمدت یك قرن امریکائی و اروپائی وسائل سریع برای مسافرت زمینی و دریائی و

دراغلب مراکز عمده ازقبیل تهران ومشهد و تبریز وشیراز وخرمشهر و کرمان وکرمانشاه برپاگردیده است

اینهمه تغییرات اقتباس ازاروپا و امریکا شده و نتیجهٔ انقلابی است که دراوضاع اقتصادی آن دیار بوجود آمده وروزبروز تأثیرش در کشور زیادتر وشدید تر میشود بنابراین باید نظری بآن بلاد افکند و بطور مختصر از انقلابات مذکور وسایرچیزی که بحث شده است آگاه شد تابتوان برای فرهنگ خویش خط مشی و روشی پیشنهاد نمود

انقلاب اقتصادی

دریکصد وپنجاه سال اخیر بوسیلهٔ یک رشته اختراع مهم وبکار بردن علوم طبیعی وریاضی در تولید محصول زندگانی اقتصادی ملل غرب بکلی دگر گون شده است

تمدن روستائی وفلاحتی تبدیل بتمدن صنعتی شده ومیشود در صنایع کشاورزی ووسائل مخابره انقلابی پدید آمده که آثار آن دردنیا بی نظیر است این انقلاب طوری تند و بی خبر وریشه کن بوقوع پیوسته که عمال آن گیج ودرشگفت شده‌اند

ازنیمهٔ دوم قرن هیجدهم میلادی در پارچه بافی ماشین جای دست راگرفت وبعد درسایرصنایع نیز رخنه پیدا کرد و درنتیجه یکنفر کارگر قادر شد کارچند نفر حتی چند هزار نفررا انجام دهد اثرات اجتماعی این مسئله نیز بسیار بود ایجاد کارخانه تولید هزاران عملهٔ متخصص کرد واصل توزیع کاررا بوجود آورد ــ موجب شد که کارگر ازافزار واسباب کار خود جدا شود وازاینجا تصادم میان کارفرما که صاحب افزار (ماشین) است وکارگر بظهور آمد ــ باعث توسعهٔ شهرها و اقدامات عظیم آنها در تأسیس بانکها وشرکتها وکشیدن لوله وچراغ برق و تلفون و تراموی وغیره

در مارس ۱۹۳۵ که وزیران انگلیس برای مذاکره با صدر اعظم آلمان ببرلن رفته بودند درساعتی که باهم مشغول مذاکره بودند عکس تلگرافی آنها را روزنامهٔ تایمز (۲) درلندن منتشر ساخت

نتایج اجتماعی و اقتصادی اختراعات

گرچه اختراعات فوق عده‌ای از بیمارهای بشررا که قرنها در مقام رفع آن بود مرتفع گردانید لیکن احتیاجات جدیدی بوجود آورد ومسائل و مشکلات تازه‌ای ایجاد نمود بواسطهٔ این اختراعات انسان امروزی درجامعهٔ بعاونی عظیمی قرار گرفته که بسیار باجامعهٔ کوچك و مجزا ومستقل قرون وسطی تفاوت دارد بزرگترین امتیازی که این زندگانی اقتصادی دارد اینست که آنچه بشر تاحال بعنوان مختلف از خداوند مسئلت میکرد یعنی فراوانی و وفور نعمت اکنون بدست آورده است اگر هفتصد سال قبل زبان سعدی میگفت

ای قناعت توانگرم گردان   که ورای تو هیچ نعمت نیست

امروز دیگر چنین درخواستی را ندارد

اکنون بواسطهٔ استعمال افزار و ماشین کار انسان بامر بر از بیش است چون قوهٔ ماشین بکارمیرود نیروی انسان‌محفوظ میماند بواسطهٔ توزیع کار وسپردن هررشته باهلش صرفه جوئی دروقت وسرمایه‌حاصل میشود مثلاً درقسمت کشاورزی اگر تمام وقتی که صرف میکنند برای تولید گندم در نظر گرفته شود در۱۸۳۰ برای تولید یك خروار گندم ۲۵ ساعت صرف میشد و در ۱۸۹۶ فقط یک ساعت و ۲۳ دقیقه کارشناسان تخمین‌زده‌اند که امروز پنجاه تن با ماشین و روش جدید

---

(۲) Times

هوائی ایجاد نمود دراوایل قرن نوزدهم میلادی بخار آب را درموتورهای آلات نقلیه زمینی (لکوموتیو) ودر کشتی رانی باکامیابی بکار بردند سپس ترامووی واتوموبیل را ساختند که حرکتش برق وسوختن بنزین بسته است به زغال سنگ وهیزم از آغاز قرن کنونی نیز هواپیمارا اختراع نمودند که روز بروز برتکمیل وتندی و اطمینان بخش کردن آن میافزایند

دراختراع وسایل مخابره نیز کارهای خارق العاده شده است تلگراف رامرس(۱) امریکائی درسال ۱۸۳۲ اختراع کرد و درنیمهٔ دوم قرن نوزدهم ازاین اختراع استفادهٔ عملی کردند پس از آن تاریخ تلفون وفونوگراف وتلگراف و تلفون بیسیم ورادیو وتلویزیون را تعبیه کردند بطوریکه زمان وفضا دیگر امروز رادع ومانع برای انتقال فکر نیست وهر کس امروز رادیودارد میتواند سخنرانی وموسیقی مردمانی که هزاران کیلومتر بااو فاصله دارند بخوبی بشنود .

درجنگ بین المللی دوم ترقیاتی درفنون هواپیمائی ورادیو صورت گرفته که موجب کمال حیرت وشگفتی است هزاران هواپیمای بمب افکن هریك باحمل دهها خروار بمب و مرمی در تاریکی شب وریزش باران و وزش بادهای بسیار شدید وسرد بدون توقف بیش ازدوهزار کیلومتر راه رفته مأموریتهای مخصوص درنقاط معین ازخاك دشمن انجام داده بمرکز خود بازگشتند درحال حاضر سرعت حرکت را بجائی رسانده اند که با هواپیماهای مسافربر حسرو ساعتی ٦٥٠ کیلومتر طی مسافت میکنند و هواپیماهای جنگی ممکن است ١٦٠٠٠ کیلومتر درهوا پرواز کنند بی آنکه حاجت بفرود آمدن وسوختگیری داشته باشند

---

(۱) Morse

که قریحه ودست بشر انجام داده ومیرساند که هوش وعقل آدمی ممکن است برای رفاه عموم ناس و تودهٔ مردم بکار رود وبجای اینکه مانند قرون تاریک‌وروزگار استبداد قریحهٔ او بیهوده درجنگ وجدال میان پادشاهان واشراف وروحانی‌نماها جهت تسلط بریکدیگر صرف‌شود درراه آسایش حال و بمنظور پیشرفت ملت مصروف گردد در صورتیکه این امر ادامه حاصل کند و درتوزیع ثروت میان طبقات وتعدیل سرمایه و تخفیف ساعات کار توفیق حاصل شود حقیرترین ناس نیز از اختراعات بهره‌مند خواهند شد وتنگدستی وبینوائی ازمیان بشر رخت برخواهد بست

تأثیر انقلابات اقتصادی در آموزش‌و پرورش

حفظ و حراست اختراعات مذکور ایجاب می‌نمود که انواع و اقسام مدارس پیشه‌وری و فنی و تخصصی تأسیس شود تارموز آنهارا باطفال نسل آینده بیاموزند صدهاکارهای اختصاصی جدید بوجود آمد که قبلاً سابقه نداشت و برای تعلیم آنها ناچارمدارس تازه برپاساختند دردرجهٔ عالی علوم آموزشگاههای مهندسی تأسیس گردید با شعب مختلف از قبیل معدن ومکانیک وشیمی وراه وبرق باکمال عمق بیاموزند در درجهٔ متوسط مدارس صنعتی وتجارتی و فلاحتی برای تربیت بازرگانان وحسابدار وکمك مهندس ایجاد کردند کلاسهای سالمندان وهنرستانهای شبانه بوجود آمد تامعلومات کارگران در حرفه ای که روز بدان مشغول هستند تکمیل نمایند هنرستانهای ابتدائی نیز جهت آموختن مقدمات علمی فنون وتربیت کارگران فنی تأسیس شد در امریکا در دبیرستانها موازی با دوره علمی و ادبی دوره های اقتصادی ازقبیل شعبهٔ خانه‌داری وتدبیر منزل ومانند آن ایجاد شد که ازلحاظ قانون همه‌دارای یك‌امتیاز

کشاورزی میتوانند کار ۵۰۰ تن را که با شرایط کمرشکن در ۱۵۰ سال پیش انجام میدادند صورت بدهند . باین ترتیب ۴۵۰ تن آزاد میمانند که بکار های تجارتی و صنعتی بپردازند ورفع دیگراحتیاجات دهکده و روستائیان رابنمایند .

در قسمت صناعت نتیجه و بهره ای که برده اند بمراتب بیش از کشاورزی بوده است . مثلاً در ساختن پیچ ومهره اگر درمدت معینی با دست یك پیچ ومهره بسازند باماشین درهمان مدت ۴۴۹۱ عدد می توان ساخت با نیروی ماشین آدمی میتواند کارهای خارق العاده‌ای بکند که‌در مقابل آن ساختن اهرام مصر کار بچگانه است .

همینطوردرقسمت وسایل‌نقلیه ومخابرات بواسطهٔ صرفه‌جوئیهائی که دروقت ونیروی انسانی میشود دامنهٔ عملیات بشر توسعه و بازرگانی بسط پیدا کرده است دیگر آدمی اسیر زمان ومکان نیست در هرفصل هرچه بخواهد حاضراست و مثلاً هرمیوه فصل مخصوصی ندارد اگر در مسکن او موجود نباشد از نقاط دیگر درظرف مدت کمی میآورند . مسئلهٔ توزیع کار میان دو قسمت دنیا و حتی بین دوقسمت یك کارخانهٔ بزرگ بدون داشتن لکوموتیو کشتی بخار وتلگراف وتلفون غیرممکن است وسایل مذکور منحصر شدن هر ناحیه را بیکی از محصولات امکان پذیر کرده است و الا چگونه اهالی جلگه های‌غرب وسطی (در امریکای شمالی) میتوانند تنها غله بکارند در صورتی که بحد کافی راه و وسیله برای‌فرستادن‌محصول خودبازارودرنتیجه خریدن دیگراحتیاجات خود نداشته باشند ؟

از مراتب فوق روشن است که اختراعات از مواهب بزرگی است

برای آنها پیدا شده است. یك درودگر حسابی که بتواند در بی‌عیب بسازد نیست ـ یك لوله‌کش آگاه که بتواند ما را از خارجه بی نیاز کند وجود ندارد. برای پوشاندن سقف خانه از سمنت یا اسفالت باید پی‌سازی بیگانه رفت هنوز بر ما معلوم نیست آهك سوختنی و آهك زغالی باهم چه تفاوت دارند برای آشپزی و باغبانی و بچه داری و خانه داری بطرز جدید معلم ایرانی پیدا نمیشود برای دفع آفات حیوانات و گیاهها که هرسال کرورها تومان ضرر وارد میآورند هنوزده نفر کارشناس مجرب نداریم

چه باید کرد؟ در مقابل این نقص بزرگ چه باید کرد؟ چگونه باید برای ایرانی کاری تهیه دید که مطابق مقتضیات و احتیاجات عصر حاضر باشد؟ چه برنامه‌ئی باید ایجاد کرد تا مشاغلی که امروز هنرمندان میهن تعلیم میشود در جامعهٔ فردا بدرد بخورد و افرادی که برای پیشه و هنروری آماده میشوند احتیاجات جامعهٔ کنونی را رفع کنند و بتوانند وسیلهٔ گذران برای خود تهیه نمایند و بار دوش دیگران نشوند؟ در وهلهٔ اول باید مدارس فنی تأسیس کرد ـ آنهم نه در درجهٔ عالی بلکه در درجهٔ ابتدائی و متوسط زیرا جامعهٔ امروز بیشتر به پیشه ور و استاد کار و کسانی احتیاج دارد که مستقیماً با خیش و شخم و دفتر و حساب و ماشین سر و کار دارند تا به مهندس عالیمقام که در پشت میز و از روی نقشه تصمیمات کلی و اساسی اتخاذ مینماید

از این قسم مهندس عده‌ای اکنون از میان دانشجویان اعزامی دولت و کسانی که بخرج خود بخارجه رفته‌اند مراجعت نموده و میکنند و احتیاجات را تاحدی رفع خواهند کرد ولی برای اجرای دستورهای آنها کسی نیست بطور نگارنده بجای زیاد کردن عدهٔ مدارس متوسطه باید هنرستان و دبیرستانهای کشاورزی و بازرگانی و صنعتی برپا کرد و مردم را

هستند .

در ایران با وجود اینکه پیشاهنگ انقلاب صنعتی وارد در ایران شده هنوز اقدامی که لازمهٔ این عصر است بعمل نیامده

در سال های اول اقتباس تمدن غرب مدرسهٔ دارالفنون بر پا شد که شعبهٔ مهندسی و نظام و موزیك وطب را شامل بود سپس اقدام مهمی صورت نگرفت تا ۱۳۰۳ که هنرستان دولتی با هنر آموزان آلمانی در تهران ایجاد گردید در ۱۳۰٤ مدرسهٔ تجارت را وزارت فواید عامه تأسیس نمود که سال بعد بوزارت فرهنگ انتقال یافت در ۱۳۰۸ در شیراز و ۱۳۰۹ در تبریز و ۱۳۱۵ در اصفهان و مشهد هنرستانی برای تعلیم آهنگری ودرودگری از طرف دولت بوجود آمدو بالاخره مدرسهٔ عالی فلاحت که از ۱۳۰۲ در تهران برپا شده بود در ۱۳۰۸ بکرج منتقل گردید در سال ۱۳۱۳ نیز دانشکدهٔ فنی برای تربیت مهندس تأسیس شد که در۱۳۱۷ نخستین فارغ التحصیلهای خود را بیرون داد در ۱۳۱۸ هنر سرای عالی برپا گشت تا برای کارخانه‌ها مهندس شیمی ومکانیك وبرق تربیت کند

نتیجهٔ غفلت مذکور اینست که امروز برای مشاغل تازه وزندگانی اقتصادی جدید پیشوا و راهبر و متخصص نداریم درراه آهن چند صد نفر کارگر و مهندس سوئدی و دانمارکی وچکوسلواکی و بلژیکی و فرانسوی مشغول کارند مهندسانی که درشرکت نفت جنوب کار میکنند یاخانهای جدید و کارخانه ها وآموزشگاهها را میسازند بیشتر خارجی میباشند درمدارس متوسطه وعالی عده‌ای معلمین فرانسوی وآلمانی و امریکائی و اطریشی تدریس مینمایند که هنوز جانشینی درمیان ایرانیان

بازنشستگی ازچه قراراست ـ خطرهای هر یك چه اندازه است بعلاوه باید شاگردان را بدهات و مزارع و باغها وکارخانه ها وتجارتخانه ها ودکاکین ومغازه‌ها ومؤسسات برد تاطرزعمل ومحل کار ومحیط هرشغل را بچشم خویش ببینند و از وضع شاغلین آنها آگاه شوند تا کاری که دوست ندارند واز اشتغال بآن سعادتمند نشوند انتخاب کنند

چهارمین اقدام باید بردن این فکر درجوانها باشدکه تمام کارها و پیشه ها ارجمند است و آدم بیکار باری است بر دوش جامعه که از نتیجهٔ مشقات وزحمات دیگران استفاده میکند و در برابرخدمتی انجام نمیدهد ـ آدم تنبل یا بیکار را باید درنظراطفال ننگین کرد وکلمهٔ کارهای کشاورزی وپیشه‌وری وبازرگانی‌را مقدس جلوه داد باید مخصوصاً این نکته را دائماً دردبستان ودبیرستان ودانشگاه تکرار کردکه کار آبرومند منحصر بکار دولتی نیست و چه بسا مشاغل غیر دولتی که دارای همان حیثیت مشاغل اداری است و درعین حال درآمدش چندین برابر حقوقی است که دروزارتخانها وادارات دولتی میدهند امتیاز دیگری که کارهای غیر دولتی دارد این است که انسان متکی بخود میباشد ودارای استقلال است و هیچ نعمتی بهتر از استقلال و آزادی نیست

دارای پیشه‌هائی بود که بدرد امروز بخورد .

دوم اقدامی که باید در این قسمت بعمل آورد وارد کردن کارهای دستی است در دبستان و دبیرستان از این اقدام سه نتیجهٔ بزرگ حاصل میشود یکی عادت دادن انگشتان اطفال برفع احتیاجات روزانهٔ خود از قبیل کوبیدن میخ ـ رندیدن در اطاق ـ مرتب کردن سیم چراغ برق خانه درست کردن شیرازهٔ کتاب ـ نگاهداری بعضی از جانوران اهلی ـ پاك کردن شمع اتوموبیل ـ احداث کردن باغ ـ کاشتن گل و سبزی در باغچه خانه و مانند آن نتیجهٔ بزرگ دیگر اینست که هر شاگرد در ضمن اشتغال بکار های دستی سلیقه و استعدادش کشف می‌شود ـ هم خود او میفهمد برای چه قسم از مشاغل مستعد است و برای کدام یك از پیشه‌ها شایستگی وذوق دارد ـ هم آموزشگاه پی به سلیقه و استعداد او میبرد واو را برای انتخاب شغل راهنمائی میکند نتیجهٔ سوم اینکه وقتی شاگرد در کارهای دستی کامیاب شد اعتماد بنفس پیدا میکند و متکی بخود می‌شود و این خصلت بزرگ تمام عمر برای وی باقی میماند و ضامن سعادت وخوشبختی اوست

اقدام سوم راهنمائی شاگردان دبستانها و دبیرستانها است بانتخاب شغل علاوه بر کارهای دستی که استعدادهای نهفته را کشف میکند راجع بکارهائی که در هر ناحیه از کشور میشود اختیار کرد باید درسهای مخصوص داد درضمن این درسها باید شرایط ولوازم اشتغال بهریك از کارها را مانند سن ومعلومات وتجربیات شرح داد ـ حدود هریك از آنها را ذکر کرد تاشاگرد بداند فلان کار مثلا بنیهٔ قوی میخواهد و آن دیگری هوش زیاد لازم دارد ـ آیندهٔ هر کدام از حیث ارتقاء و ترفیع و ترقی ودر آمد و

تغییر و تکامل خانواده

در ابتدای تمدن بشر خانواده جامعهٔ کاملی بود که تمام
وظائف مربوط را انجام میداد و تمام زندگانی اجتماعی
عبارت ازهمان زندگانی خانواده بود بعدها خانواده‌هائی
تشکیل شد که پدر ریاست آنرا داشت در آن اوقات پدر خانواده هم
ملا بود هم دادرس ـ هم جنگجو و پشتیبان خانواده بود و هم شکارچی
ونان آور مادر نیز در آن واحد هم پرستار بود هم آموزگار ـ هم کشاورز
بود هم پیشه‌ور اگر زد و خوردی میان افراد واقع میشد پدر دادرسی
میکرد و حکم خود را هم بموقع اجرا میگذارد احتیاجات داخلی را
مادر رفع میکرد گاو را میدوشید و گندمی که خود کاشته بود آسیا
میکرد ـ نان می پخت و غذا را تهیه میدید اطفال نیز بتدریج که
بزرگ میشدند یك قسمت از کارها را بعهده میگرفتند . اکنون
نیز زندگانی خانواده های ایلات و عشایر کم و بیش شبیه است
بزندگانی ایام قدیم ولی درشهرهای ایران کم کم اقتدار و وظایف
خانواده رو بنقصان گذارده است کارهای پدر خانواده بدوش حکومت
وآخوند وآرتش محول گشته ـ اغلب وظایف مادر بعهدهٔ مکتب ومدرسه
وکارخانه و دکان تفویض گردیده بنابراین از علل زیادی که موجب
جمع و دلبستگی افراد خانواده بود کاسته شده و ممکن است خانواده
بانجام وظایف دیگری که عهده‌دار است موفق نشود این است که اصول
پرورش وآموزش باید طوری مقرر شود که خانواده را در حدودی که
برایش باقیمانده توانا باداء وظیفه نماید .

وظایف اصلی خانواده

امروز خانواده دارای دو وظیفهٔ مهم است یکی ایجاد نسل
و دیگری فرزند پروردن که پس از وظیفهٔ صیانت شخصی
مهمترین وظیفهٔ بشر است وظیفهٔ مذکور سه وجهه دارد

فصل سوم

عضویت خانواده

چنانکه در مقدمهٔ این بحث گفتیم یکی از منظور های اجتماعی آموزش وپرورش ایجاد خانواده است مدرسه باید طفل را طوری تربیت کند که وی مایل بتشکیل خانواده باشد و وظیفهٔ خود را نسبت بآن کار بداند و بدان عمل کند

مهمترین مؤسسهٔ اجتماعی

خانواده مهمترین مؤسسهٔ اجتماعی است زیرا که بشر بوسیلهٔ تشکیل این جامعهٔ کوچك پا بمرحلهٔ تمدن گذارده است و از راه خانواده است که هر فرد داخل زندگانی پر پیچ و خم امروزه میشود خانواده قدیمی ترین مؤسسهٔ بشری است وبهرصورت باشد میان تمام اقوام عالم وجود دارد خانواده تنها جامعه ومؤسسه ایست که خوشتن را ابدی میکند وشاید بیش ازهر مؤسسهٔ دیگر در نهاد آدمی ریشه دوانده است غریزهٔ بشر اورا بطرف تشکیل خانواده میکشاند وعلاقه وخوشی وی با نیك بختی و سعادت ابدی خانواده یکی است

چون خانواده در پیرامون کودك معصوم و ناتوان بسط حاصل میکند موجب نشو و نمای فضایل وخصائل میشود چنانکه همکاری وفداکاری ومبارزه برضد امراض وابراز عشق ومحبت دراین جامعهٔ کوچك بوجود میآید و لطیفترین و رفیعترین ومقدس ترین احساسات بشر نیز درآنجا ظهور و بروز میکند

از مادران مختلف هستند همیشه نازودسمی وضدیت موجود است واین مسئله در تمام مراحل زندگانی ادامه داشته مضارش نصیب جامعه میشود دومین عیب اختیارزن است نه از طرف خود مرد بلکه از جانب کسانی که تمام اواقدام وانتخاب میکنند ناسازگاری که میان عده‌ای اززنان و شوهران حاصل میشود نتیجهٔ مستقیم همین عمل است عیب سوم تعداد اولاد و محدود نبودن شمارهٔ فرزند است که موجب آنست که اولیای آنها موفق بتربیت آنان نمیشوند وبزرگ شدن آنها را بطبیعت یانوکر وکلفت و محیط کوچه وگذر تفویض مینمایند

معایب مذکوراز قدیم وجود داشته ودرسالهای اخیر بواسطهٔ تماس باتمدن غرب و تأسیس مدارس دخترانه معایب دیگری بوجود آمده است که از آنجمله تحمل خواهی جانمهاست که یا موجب فساد اخلاق زنها و یامایهٔ زحمت فوق‌العادهٔ مردهاست چه بسا مرد هائی که بواسطهٔ ناتوانی از تحمل مخارج همین تجمل خواهی اساساً از ایجاد خانواده گریزان هستند یا از ناچاری خانواده‌ای که تأسیس کرده‌اند برهم میزنند تربیت غلط دختران درآموزشگاه‌های جدید موجب شده است که زنها بواسطهٔ فرا گرفتن پاره ای معلومات سطحی بسیار از زندگانی حقیقی دورشده نسبت بشوهر خود بی اعتنا هستند و یا آنکه از کار های خانه داری و پرورش فرزند بکلی بی‌نصیب بوده نمیتوانند سعادت خود و همسرخویش را فراهم سازند آیا بااین معایب خانواده میتواند بوظایف اصلی خویش بطوریکه در بالا ذکرشد عمل کند ؟

تشفی غریزهٔ جنسی

گفتیم نخستین وظیفه تشفی غریزهٔ جنسی است میان غریزه های انسانی از همه نیرومند تر میل بخوراك و پس از آن غریزهٔ جنسیت است کـه بر دیگران تفوق دارد

نخست ابراز و تشفی غریزهٔ جنسیت بدیهی است که مرد وزن علاوه برایکه جسماً مکمل یکدیگر هستند و باید ازاین جهت وحیات خوشبختی همدیگر را فراهم کنند روحاً نیز باهم باید متحد بوده و از این اتحاد معنوی لذت و فیض ببرند و زندگی با یکدیگر را بر پایهٔ استوارومتین ادامه‌دهند وجهٔ دوم ایجاد فرزند است که جامعه رسماً آنرا بعهدهٔ خانواده قرار داده است و از لحاظ زیست شناسی اهمیت بسیار دارد زیرا که نیرو و اخلاق هر نسل بسته است باطفالی که نسل قبل بوجود آورده باشد وجهٔ سوم پرورش فرزند است در اوایل شباب یعنی در اوانی که طفل سخت تأثیر پذیر وحساس است درهمه سال آغاز عمر مسئولیت رشد بدنی و فکری بچه تنها بعهدهٔ خانواده است اگر طفل گرسنه باشد خانواده غذایش میدهد اگر تشنه باشد بدو آب میرساند اگر پرسشی بکند جوابش خواهد گفت وبتدریج اورا داخل جامعه میکند. باخود بکوچه وبازارمیبرد - بمهمانی ومسجدرهنمائی میکند

این سه قسمت از وظایف اصلی خانواده بحدی برای آسایش و نیکبختی افراد جامعه مهم است که هیچ هیئت اجتماعی نمیتواند از آن غفلت کند پس از ذکر وضع فعلی خانواده در ایران خواهیم دید آیا سه وظیفهٔ مذکور درکشور ما انجام میشود یا نه؟

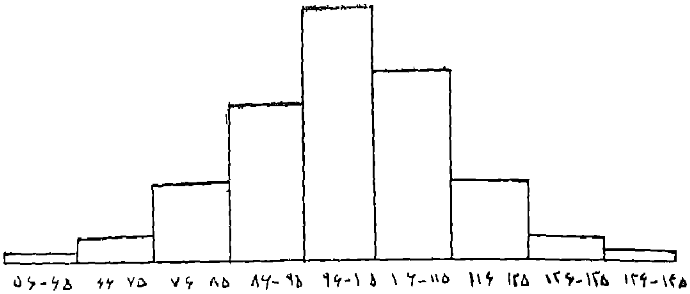
وضع کنونی خانواده در ایران

باید اقرار کرد که خانواده درکشورماوضع خوشی ندارد و دارای معایب مختلفی است که برای نمونه چند فقره از آنها دراینجا ذکر میشود تعدد زن یکی از بزرگترین معایب خانواده است. براعلاوه برمفاسدی که درنتیجهٔ رشك میان زنها تولید میشود میان فرزندانی که

معکوس اهمیت آنها مورد مباحثه قرار دهد بطوری که هرقدر بیشتر علاقه بمسئله‌ای داشته باشد بیشتر از وظیفه خود آن را ندیده و نشنیده میپندارد وسکوت را در آنموقع از واجبات میشمارد و مدعی میشود که مسئلهٔ مذکور مدتهاست حل شده ولازم نیست در آن باب سخنی بمیان آید »

سبب مذکور باعث شده‌است که عدهٔ بسیار زیادی عادت بسالوسی و دو روئی کنند و قوای خود را بطور غیر طبیعی مصروف دارند ازهمه وخیم تر تولید فحشاء وامراض زهروی است که درنتیجهٔ توجه نکردن بمسائل جنسی درجامعه ظهور پیدا میکند و صدها هزاران کس را که ممکن است عضو سودمند و مؤثر جامعه باشند بهلاکت و نیستی سوق میدهد یکی دیگر از نتایج این بی توجهی کوششی است که بعضی از جوانان در محو کردن غریزهٔ جنسیت بمعرض بروز میگذارند و بوسیلهٔ عملیات غیر طبیعی خودرا دچار امراض عصبی واندوه و غم میسازند

تعلیم و تربیت باید افراد نسل آینده را آشنا بدین مسائل کندو آنهارا معتاد سازد که غریزهٔ جنسی راکه ازمهمترین وقویترین غریزه‌های بشری است ناچیز نشمارند و درست باکمال شجاعت با آن مواجه شده سعی کنند راه حلی برای تشفی آن پیدا کنند که هم عاقلانه باشد و هم مشروع یاوسیله‌ای بیدا کنند که غریزهٔ مذکور بر طبق اصول روانشناسی بامدتی که شخص متاهل نشده بصورت مطلوب ظهور کندو آثار آن بشکل پسندیده جلوه گرشود اگر افراد نسل آینده را با این نوع افکار تربیت کردید ممکن است امیدوار بود راه حلی برای مسائلی که بحث شد پیدا کنند و گرنه عادات واخلاق فعلی ماتحدی‌در این قسمتها قوی و قابل استقامت است که حتی دراین کتاب مشکل است مراتب را روشن بیان



نمایش هوش ۹۰۵ شاگرد دبستان از ۵ تا ۱۴ سالگی

درمثال بالا نتیجه قرار زیر بوده

اندازهٔ هوش	چند درصد از شاگردان
۵۶–۶۵	۰٫۳ ٪
۶۶–۷۵	۲٫۳ ٪
۷۶–۸۵	۸٫۶ ٪
۸۶–۹۵	۲۰٫۱ ٪
۹۶–۱۰۵	۳۳٫۹ ٪
۱۰۶–۱۱۵	۲۳٫۱ ٪
۱۱۶–۱۲۵	۹ ٪
۱۲۶–۱۳۵	۲٫۳ ٪
۱۳۶–۱۴۵	۰٫۵ ٪

اگر شمارهٔ کودکی که مورد آزمایش قرار داده اند بسیار زیاد باشد بجای خط منکسر منحنی بدست می آید و بدین شکل خواهد بود

بنابراین اندازهٔ هوش طفل مذکور برابر است با:

$$۰٫۸۵ = \frac{۱۱۲}{۱۳۲} = \frac{س ف}{س ح}$$

برای آسانی کار خارج قسمت را در ۱۰۰ ضرب میکنند بطوریکه در مثال فوق اندازهٔ هوش طفل مساوی است با ۸۵

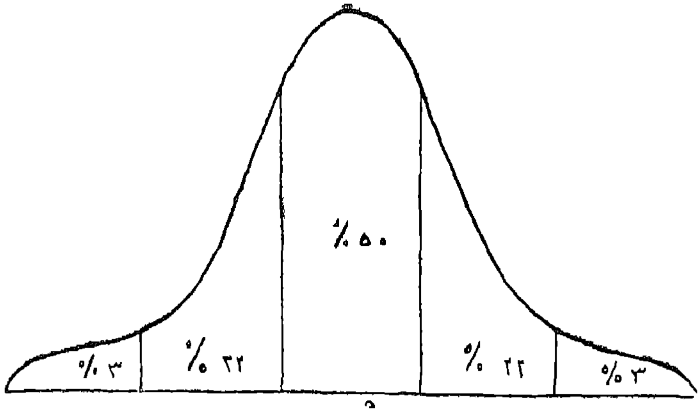
مطابق تحقیقاتی که علمای آموزش و پرورش کرده اند نصیب و قسمت هوش در افراد بشر مانند دیگر مشخصات از قبیل قد و سنگینی میباشد یعنی اکثریت تودهٔ مردم از حیث قد و سنگینی و هوش در حد وسط هستند و عدهٔ آنان که از حد وسط دور میشوند بتدریج کم میشود هوش انبوه مردم یعنی حد وسط عبارت خواهد بود از ۱۰۰ (کسی که سن فکری و حقیقی‌اش مساوی باشد) و هرچه از ۱۰۰ کمتر شود شمارهٔ اشخاصی که دارای آن هوش هستند نقصان میپابد چنانکه در امریکا افرادی که دارای هوش ۱۳۰ یعنی بسیار تیز هوش باشند و آنانکه هوششان از ۷۰ پائین تر یعنی کم عقل و ابله باشند از یك درصد شاگردان مدرسه زیادتر نیست برای اینکه توزیع هوش بشکل هندسی نمایش داده شود نتیجه‌ای که ترمن از اندازه گرفتن هوش ۹۰۵ شاگرد دبستان (از ۵ تا ۱٤ ساله) بدست آورده و نمایش داده است در صفحهٔ مقابل ارائه میشود در خط افقی اندازهٔ هوش و در خط عمودی عدهٔ شاگردانی که دارای هوش معین بوده‌اند نقل شده است

هر رشتهٔ تحصیل وهر کار چه مقدار هوش لازم دارد از این رو اولیای مدرسه بوسیلهٔ اندازه گرفتن هوش کودکان و بعضی عامل های دیگر (مانند احتیاجات جامعه ـ عشق و علاقهٔ طفل ـ میل پدرومادر) رشتهٔ تحصیلی و شغل آیندهٔ او را معین میکنند هنگامی که شاگردان دچار زحمت زیاد شده‌اند یا از تحصیل وامانده اند یا شرارت و بدذاتی و سوء اخلاق نشان داده اند سنجش هوش فوراً قضایا را روشن کرده و در نتیجه اولیای مدرسه توانسته اند اقدامات مقتضی بعمل آورند . روبهم رفته بطوری که نگارنده درامریکا شخصاً مشاهده کرده درتمام آموزشگاه های مهم ومترقی بوسیلهٔ انواع و اقسام تست ها هوش را میسنجند واز روی آن برای هرطفل تصمیم میگیرند و از این راه فوائد بیشمارمیبرند که کتابها برای شرح آن باید نوشت

اختلاف دیگر علاوه براختلافی که از لحاظ جسمانی دربدن کودکان مشاهده می گردد وعلاوه بر تفاوت‌هائی که میان شاگردان از حیث هوش و استعداد دیده میشود که همه طبیعی وفطری است هنگام آموزش نیز اختلافات دیگری ازلحاظ تسلط برموضوع درس پدید میآید مثلاً درمعاینه ای کـه در ۱۹۱٦ از مـدارس شهر کلیولند(۱) نموده اند دیده اند که در کلاس پنجم یك مدرسه بعضی ازشاگردان کتاب قرائت را در هر دقیقه هشت تا نه سطر بصدای بلند میخوانند در صورتیکه عدهٔ دیگری ۱۹ تا ۲۰ سطر . همین طور در مطالعه کردن و آهسته خواندن بعضی درهردقیقه ٤ برخی دیگر ٤۰سطرقرائت میکنند این نوع معاینه هاکه بطور مبسوط در کتب ضبط است و محتاج بتکرار

---

(۱) Cleveland درکشورOhio ازکشورهای متحدامریکای شمالی



منحنی طبیعی - نمایش هوش

منحنی فوق را که دارای فرمول ریاضی است و تغییرات آن بموجب آن فرمول معین است منحنی طبیعی نامند

اهمیت سنجش هوش وسیله‌ای که بشرح فوق برای پیدا کردن استعداد و سنجش هوش اطفال بدست آورده اند برای آموزش وپرورش آنها اهمیت بسیار دارد وقتی بخواهند کودکان را طبقه‌بندی کنند از روی سن فکری آنها را در کلاس جا می‌دهند واطفالی راکه دارای هوش مساوی هستند بایکدیگر دریکجا میگذارند ودر نتیجه تمام شاگردان اردروس معلم بیک اندازه استفاده میکنند ومعلم نیز ممکن است که برای یك نفر تدریس کند همچنین برای بردن شاگردان از کلاسی بکلاس بالاتر - مقدار کاری که باید دانش آموزان انجام دهند - روش آموختن - تنظیم کار کودکان بیهوش و کم‌استعداد یا بسیار باهوش ومستعد سنجش هوش سخت ضروری است

برای تعیین رشتهٔ تحصیلی شاگرد یاراهنمائی او درانتخاب شغل بواسطهٔ آزمایشی که درمورد هزاران طفل وصاحبان مشاغل کرده‌اند میدانند که

اولا اگر کلاسی سی نفر شاگرد داشته باشد و معلم روزی پنج ساعت وقت صرف آنها کند بهر یک فقط ده دقیقه میرسد و این مقدار برای آموزش و پرورش یکنفر کافی نیست ثانیاً وقتی شاگرد تنها تحصیل کرد برای کارهای اجتماعی پرورش نمی‌یابد و حس اشتراک منافع که بواسطهٔ مبادرت دسته‌ای بکار معین ایجاد میشود در او تولید نمیگردد و کار کردن با جامعه‌را که باید از کودکی یاد گیرد فرا نخواهد گرفت بنا براین نباید روش آموختن جمعی را از دست داد اصولی که برای رفع اختلاف و رعایت آن میتوان پیروی کرد بقرار زیر است

۱ - باید سعی کرد که اختلافات شاگردان از حیث هوش و استعداد و مقدار معلومات حتی‌المقدور کم باشد برای این کار در نقاطی که شمارهٔ شاگرد کافی است و میتوان کلاسهائی تشکیل داد که شاگردانش دارای هوش مساوی باشند بوسیلهٔ تست هوش را اندازه میگیرند و حتی‌الامکان آنهائی را که از لحاظ هوش و استعداد اختلاف زیاد نداشته باشند دریک کلاس جا میدهند وسیلهٔ دیگر اینست که بجای کلاسهائی که دورهٔ آنها یکسال باشد کلاسهائی بر پا مینمایند که دورهٔ آنها شش ماه باشد تا اگر شاگردی نتوانست بارفقای خود جلو رود و ترفیع یابد ودرهمان کلاس باقیماند فقط شش ماه عقب مانده باشد و بآسانی بتواند باشاگردانی که از کلاس پائین بر میآیند همدرس شود

۲ - طرز کار و سازمان باید طوری باشد که درهر موقع انتقال شاگرد از دسته‌ای بدستهٔ دیگر امکان‌پذیر باشد چنانکه در وسایلی که در این فصل ذکر میشود مسئله روشن خواهد شد

۳ - معلم باید در هرحال ذوق و سلیقه و خلق هرشاگرد را رعایت

در اینجا بیست میرساند که بطور کلی افرادی که در یک مدرسه تحصیل میکنند با هم اختلافات زیاد دارند و هنگام پرورش و آموزش باید آنرا رعایت کرد

رعایت اختلافات

این اختلافات را از روزگاران پیش حس میکردند ولی فقط از آغاز قرن بیستم میلادی است که در چگونگی این اختلافات وارد شده و در نتیجه کوشش نموده اند وسایل آموزش و پرورش را مطابق قوهٔ شاگردان قرار دهند اگر این اختلافات رعایت نشود و همهٔ شاگردان را بیك نظر بنگرند و از همه انتظار داشته باشند کار معینی را در یك مدت با نتیجهٔ مشابه انجام دهند برخلاف انصاف و داد رفتار کرده اند

اگر معلم بخواهد حد وسط قوهٔ شاگردان را مأخذ تدریس خود قرار دهد هم شاگردان تیزهوش ظلم خواهد شد و هم باطفال کند ذهن زیرا که اولیها را از کار و کوشش زیاد در پیشرفت کردن باز داشته و دومی ها را از فهمیدن موضوع و تسلط برمواد درس محروم ساخته است از طرف دیگر اگر قوهٔ تیز هوش ترین شاگردان کلاس مأخذ تدریس شود اطفال کم هوش و کم قوه را ناچار بکلاس پائین تر باید بفرستند و اگر قوهٔ دستهٔ آخر را مأخذ قرار دهند باطفال مستعد ستم خواهد شد و در هر دو صورت برای افراد کلاس تساوی فرصت حاصل نشده است

راه حل

برای اینکه اشکال درس و سرعت و مقدار کاری که هر شاگرد میدهند متناسب با استعداد او باشد باید هر یك را جداگانه درس داد و طرز تعلیم انفرادی را پیش گرفت این روش البته معایبی را در بردارد

مبحثی را فرا گرفت بوسیلهٔ تست از خودش امتحان میکند و چون اطمینان به کامیابی خود حاصل کرد از آموزگار درخواست میکند اورا بیازماید . اگر در این امتحان کامیاب نشد در قسمت هائی که ضعیف بوده مجدداً کار میکند و از نو امتحان میدهد تا توفیق نصیبش گردد .

هنگام اشتغال بامور اجتماعی قواعد وقوانین ثابتی موجود نیست شاگردان ممکن است یکی از کار های فوق برنامه اشتغال ورزند مانند نمایش وموسیقی و ورزش وانجمن‌داری و طبع روزنامهٔ آموزشگاه و

طرح دیگر که کم وبیش شباهت بطرح مذکور دارد موسوم است بطرح دالتن(۱) که در ۱۹۱۱ خانم پارکهورست(۲) امریکائی تعبیه کرده است . این طرح فقط برای کلاس چهارم ببالاست . در هررشته ازدرس ها آموزگار مخصوص آن با شاگرد قرار کار یك ماهرا میگذارد . این قرار قبلاً در کاغذ چاپ شده و موسوم است بکنترات و تمام جزئیات تحصیل و عملیاتی که شاگرد باید انجام دهد در آن قید شده است .

برای انجام هر کنترات شاگرد باطاق مخصوصی میرود . در این اطاق تمام وسایل کار مطالعه از کتاب و آزمایشگاه ومجموعهٔ گیاه وسنگ آماده‌شده‌است . همینکه کنترا تی بپایان رسید بمعلم مربوط امتحان میدهد درهرقسمت جلسات مباحثه از طرف اولیای مدرسه برپا میشود و دراین جلسات شاگرد بهمکاری وزندگانی باجمعیت خو میگیرد .

سومین وسیله برای رعایت اختلافات این است که شاگرد را درهر

---

(۱) Dalton یکی از شهرهای کشور Massachusetts از کشورهای متحد امریکای شمالی

(۲) Miss Helen Parkhurst

کند شاگردی راکه محجوب است تشویق و تقویت کند و باو دل بدهد.
شاگردی راکه عصبانی است آرام کند ـ آنراکه زیاد حساس یاکج خلق
است باخوش خلقی ومماشات رام نماید حال ببینیم چگونه میتوان اصول
مذکوررا بکاربرد وباچه طریقه هائی میشودعملاً اختلافات رارعایت کرد

راه رعایت اختلاف

عده‌ای ازعلمای پرورش در امریکا معتقدندکه بهترین وسیله
برای رعایت اختلاف میان شاگردان اینست که هر شاگرد
را جداگانه درس آموزند و برای اینکه ضمناً محصل با
جماعت کار کند وبرای زندگانی اجتماعی آماده شود قسمتی از وقت را
صرف این امر نمایند طرحی که برای این منظور ریخته‌اند موسوم است
به طرح وینتکا(۱) زیرا درشهرمذکور ابتدا معمول و مجری شده برطبق
این طرح نصف وقت صرف تحصیل انفرادی میشود و نصف دیگر صرف
کار کردن با دیگرشاگردان کلاس . ساعات صبح و عصر بدو بخش تقسیم
میشود . یک بخش برای تحصیل و بخش دیگر برای پرورش اجتماعی
تخصیص مییابد . هنگام تحصیل انفرادی از روی برگ چاپ شده که
بشاگرد میدهند هرکدام مطابق نیرو و استعدادی که دارند بفرا گرفتن
جداول معلومات میپردازند . مثلا اگر انسان وارد کلاس چهارم شود
ملاحظه میکند یک نفر بحساب سال سوم اشتغال دارد ـ دیگری بچهار
عمل اصلی کسرمشغول است(که جزو برنامهٔ کلاس پنجم میباشد) ـ سومی
حالت سوم تقسیم را انجام میدهد ـ چهارمی ابتدا مشغول قرائت کتاب
چهارم است بعد بحساب کلاس سوم میپردازد

دراین طرح پس گرفتن درس معمول نیست، خود شاگرد همینکه

---

(۱) Winnetka یکی از شهرهای کشور Illinois از کشور های متحده
امریکای شمالی

فصل سوم

حس مسئولیت اجتماعی و همکاری

جنگ آنکه آسایش مرد و زن | گزینند بر آسایش خویشتن
اسدی

کوش با خلق را بکار آئی | تا بخدمت جهان بیارائی
نظامی

نبودن حس مسئولیت اجتماعی

یکی از نقائصی که در زندگی کنونی ما مشاهده میشود نبودن حس مسئولیت اجتماعی و همکاری یعنی تعاون و معاضدت است. اولاً ما عادت نکرده ایم باهم کار کنیم و میل داریم هر کدام برای خود راهی در پیش گیریم و از دیگران جدا باشیم و همه چیز خود را از دیگران پنهان داریم ضرب المثل معروف عربی « استر ذهبك وذهابك و مذهبك » در دماغ ما ریشه دوانده و ما را از کار کردن با دیگر افراد جامعه باز میدارد زیرا که در نتیجهٔ توحید مساعی و تشکیل جمعیت ممکن است پول و حشر و معاشرت و مذهب ما بر دیگران معلوم شود و این برخلاف مدلول ضرب المثل مذکور است. نبودن احزاب پایدار و برومند و شرکتهای تجارتی(۱) و کمپانیها و نداشتن اجتماعات مانند باشگاه و کانون و انجمن که برقرار بماند معلول همین علت است پیشرفت نکردن کار مهمانخانها برای همین است که خود ما از رفتن و پذیرائی کردن دوستان خود

(۱) خوشبختانه از تاریخ چاپ نخست کتاب تا چاپ ششم شرکتهای متعدد توسط دولت و مردم تشکیل یافته و باید امیدوار شد که این کار توسعه حاصل

موقع ارسال که لازم باشد بدون توجه بمقررات ارتقاء دهند و وسیلهٔ تست وار روی سن فکری اورا بکلاس بالاتر بفرستند و منتظر امتحان سه ماهه یا نیمهٔ سال یا آخر سال نشوند

بالاخره وسیلهٔ دیگری که باید در اینجا بذکر داد این است که مقدار تکلیف و درس را به ترتیبی که گفته می‌شود مناسب با قوهٔ هر شاگرد قرار دهند معلم درس و تکلیف را مطابق استعداد ضعیف ترین شاگردان کلاس برای همه تعیین میکند و در کلاس مورد بحث و پرسش قرار میدهد این درس را درس همگانی گویند دو درجهٔ دیگر نیز برای شاگردان متوسطه و قوی درس و تکلیف معین میکند که مکمل و متمم درس همگانی است انتخاب دستهٔ نیرومند یا متوسط باخود شاگرد است دراینجا پس گرفتن درس معمول میباشد و هر شاگرد البته کوشش میکند حداکثر را انجام دهد تا نمرهٔ بهتر وعالیتر بگیرد

طرح مذکور شاگرد را تحریك بکوشش و کار میکند ومیان شاگردان ایجاد هم چشمی مینماید بوسیلهٔ این طرح هم اختلاف میان دانش آموزان رعایت میشود و هم شاگردانی که از حیث رشد متشابه و از لحاظ سن برابرند با هم جمعاً تحصیل و عمل میکنند بهترین روش ظاهراً همین است و معلمان مدارس مترقی کشورهای متمدن بآن رغبت وافر دارند

بدیهی است معلم باید حقیقةً لایق باشد تا بتواند نیروی شاگردان را باز شناسد وسه نوع مختلف تدریس نماید

خدماتی که بما محول کرده است انجام دهیم ومنتظرهستیم صاحب هر کار مراجعه کند تا با هزار تعرفی و آقائی کامی برای او پیش نهیم اگر صاحب خانه هستیم گذاردن ناودان را بکوچه و ریختن برف بام را بر سر عابرین عیب نمیدانیم

لزوم حس مسئولیت اجتماعی

ولی در حال حاضر دیگر نمیتوان بطور انفراد زندگی کرد ونسبت بجامعه بیعلاقه بود وسایل ارتباط وحمل ونقل که بواسطهٔ اختراع راه آهن واتومبیل وهواپیما روز بروز درترقی است بحدی جامعه های کوچك را بهم نزدیك ساخته وباندازه‌ای برجمعیت شهرها افزوده ومیافزاید که اهالی یك کشور و بلکه یك قاره مانند اهالی یك خانواده هستند و ناچار باید منافع همدیگررا رعایت نمایند وبرای پیش بردن مقاصد خود بایکدیگر همدستی ومعاضدت کنند اگر درسابق ریختن زباله درجوی آب موجب بیماری ۱۰۰ نفرمیشد امروز همان کار ممکن است ۱۰۰۰۰ تن راممتلا بامراض نماید اگردرقدیم بازرگانی ممکن بود باپنج هزارریال سرمایه داد وستد کند ومعیشت خود را اداره نماید امروز اورا درمقابل شرکت های بومی وبیگانه که میلیون ها ریال سرمایه دارند رقابت میسر نیست تمدن امروز با جمع کردن و تمرکز دادن افراد جامعه های کوچك و تشکیل مراکز پرجمعیت بدون حس مسئولیت اجتماعی وبدون معاضدت قابل دوام وبقاء نیست وازاین جهت است که ما یك فصل مخصوص ازاین کتاب را بدین کار اختصاص میدهیم وامیدواریم من بعد باین قسمت توجه خاصی معطوف شود واین نقص بزرگ ازمیان ما برطرف گردد

علت آموزشگاه‌ها نظر سابقه وسنتی که درکشور ما موجود است تصور میکنند وظیفهٔ مدرسه تنها آموختن سواد و پرکردن

در مهمانخانه اکراه داریم وفقط شمارهٔ معدودی از مسافران خارجی در آنها اقامت میکنند و این عده برای دوام کردن و بهبودی مهمانخانها کافی نیست سابقاً بعنوان روضه خوانی هفتگی مردم با خدی دور هم جمع میشدند ولی اخیراً که جنبش نسوان در ایران پدید آمده است مجالس روضه خوانی از رونق افتاده و بسیاری از آنها از میان رفته وهنوز مجالسی جای آنهارا نگرفته است . معارف وحتی کار شرکتی که میان ادارات ما موجوداست و مثل این میماند که از کشورهای مختلف بیگانه باشند بواسطهٔ همین است که ما خو نگرفته‌ایم بادیگران کار کنیم .

ثانیاً خوب و بد جامعه‌را خوب و بد خود نمیدانیم و همینکه گلیم خود را از آب کشیدیم نسبت بکارهائی که جنبهٔ همگانی دارد بیعلاقه میشویم . بفرمودهٔ سعدی

دونان چو گلیم خویش بیرون بردند

گویند چه غم گر همه عالم مردند ا

وقتی از خیابانهائی عبور میکنید که جوی آب دارد و ملاحظه میکنید عده‌ای نشستن کهنه ورخت اشتغال دارند هیچ شنیده‌اید که مردم اعتراضی بکنند ؟ از ریختن خاکروبه در آب روان یارنجش لجن حوض در نهر یادوچرخه سواری در پیاده رو باشکستن شاخه درختهای خیابان دیده‌اید کسی متعرض شود یاسخنی بگویند ؟

ثالثاً ماخودمان را درپیشگاه جامعه مسئول نمیدانیم . اگر معلم هستیم درفکر افزودن‌دانش خود نیستیم‌وفهماندن درس و پیشرفت اطفال را در نظر نمیگیریم . اگر کارمند اداره هستیم وظایفی که برعهدهٔ‌ماست بخوبی خود انجام نمیدهیم و فکر نمیکنیم که جامعه بما حقوق میدهدتا

است صورت گیرد. باید درمدرسه محیطی ایجاد کرد وشاگردان را در وضعی قرارداد که عملاً باخلاق لازم خو گیرند وحس مسئولیت ومعاضدت وتعاون درآنها تولید وجزء عادات آنان گردد . اگر شاگرد را در تیم فوتبال قرار دهید و او با رفیقان دیگر خود مطابق ترتیبی که برای این کارمقرر است مشغول بازی گردد حس میکند که فتح وفیروزی باید نصیب دستهٔ او شود ومسئولیتی در پیشرفت این منظور در خود احساس میکند وبرای کامیابی بادیگر همبازیها معاونت و همدستی مینماید وهمین که این عمل تکرار شد بدان علاقه پیدا میکند.

مهمترین وسایل برای ایجادمحیطی که درفوق بدان اشاره شد وبمنظوراجتماعی نمودن شاگرددرکشورهای متمدن وسایل متعددی برانگیخته اند که بهترین ومهمترین آنها درانگلستان وامریکا مجراو معمول است ودر ایجادکر مختصری ازآنها میشود

۱- تالاراجتماعات - هر چندی یکبار شاگردان آموزشگاه در تالاری که گنجایش آنهارا داشته باشد حضور بهم رسانند اگر مدرسه تالاری ندارد که تمام اطفال درآنجا قرار گیرند و هوا نیز مساعد باشد که درهوای آزاد جمع شوندممکن است شاگردان دوسه کلاس رادریکجا جمع کرد این تالار راتالاراجتماعات گویند وممکن است همه ای یك بادوبار تشکیل گردد

در حضور شاگردان عده ای که قبلاً خود را حاضر کرده اند نمایشی میدهند در دبستانها عموماً عدهٔ مذکور شاگردان یك کلاس هستند و با نظر معلم خود نمایش را تهیه میکنند نمایش مذکور لازم نیست حتماً نوعی از تآتر باشد ولی چون اطفال ذوق زیاد سازیگری

حافظه از معلومات است هنوز آموزشگاه های ما متوجه نشده‌اند که وظیفهٔ اصلی آنها **پرورش کودک است** - آنهم برای اینکه عضو سودمند ومؤثر جامعه شود درعین اینکه مدرسه بخیال خود تنها مشغول تعلیم سواد است مسائل مهم دیگر مانند بهداشت و تندرستی طفل ورفتارو نظریهٔ او نسبت بمذهب ومدنیت ودیگر عواملی که زندگانی را تشکیل میدهند خواهی نخواهی بطریق خوب یا بد درضمن در اخلاق و سرشت او جای گزین میشود مثلاً برای اینکه اطفال بر خلاف منافع عمومی مدرسه رفتار نکنند تنبیه ها و کیفرهای سخت بر قرار است و نتیجهٔ این اعمال ازدوحال خارج نیست یا طفل از شدت کثرت مجازات فرمانبردار صرف واطاعت محض میشود ویا یاغی و سرکش ازکار بیرون میآید واین هردو برای جامعه وخود طفل زیان دارد درصورتیکه ممکن است انتظامات رادر مدرسه طوری برپا کرد که **طفل حس کند برای نفع همگانی وحمایت افراد وضع شده‌است** و بدین ترتیب قلباً مایل بقبول آن انتظامات ورعایت آنها شود نه اززوی ترس وخوف چون درمدرسه است که کودک برای نخستین بارحکومتی مشاهده میکند ودرتحت قواعد ونظاماتی قرارمیگیرد هر نظر و برخوردی که نسبت بدان حاصل کند درتمام عمر برایش باقی خواهد ماند اگر حس کرد که قواعد مذکور برای تحمیل هوا و هوس است قهراً متمایل بسرپیچی و فرار از فرمانبرداری میشود واگردرک نمود برای حفظ حقوق و آسایش عموم است ناچارعلاقه‌مند برعایت آن میگردد .

برای اجتماعی نمودن شاگرد دو عامل مهم لازم است یکی عادت ودیگری علاقه‌مند شدن بآن عادت واین هردو درمدرسه بخوبی ممکن



شاگردان کلاس ٤ دبستان فکس‌مدو « Fox Meadow » در حال دادن نمایش جیبی که همه
چیز آن بوسیلهٔ خود آنها تهیه شده است

و تملید دارند باید کوشش کرد هر قدر ممکن است این جنبه را داشته باشد شاگردانی که نمایش را بعهده گرفته اند در مقابل جامعهٔ مدرسه (که در تالار گرد آمده‌اند) خود را مسئول خوبی آن میدانند و یارانشان خود در پیش بردن کار وموفق شدن همراهی وهمدستی میکنند و حس مسئولیت وتعاون وهمکاری از همین جاتولید میشود

هنگامی که نگارنده در امریکا بود و عده ای از آموزشگاه‌هارا معاینه میکرد چند نوع تالار اجتماعات مشاهده نمود • در شهر زیبای اسکارسدل(۱) نزدیك نیویورك مدرسه ایست موسوم بفوکس مدو(۲) در یکی از روزهای اکتبر ۱۹۳۰ که بآنجا رفته بود تالار اجتماعات داشتند یکی از شاگردان کلاس چهارم ابتدائی کـه میان شاگردان مدرسه در ردیف های اول نشسته بود ماشین نور افکنی را بکارمی‌انداخت و قریب بیست وپنج شیشهٔ عکس راجع بجغرافیای سوئد بپرده انداخت ویکی از همدرسانش درصحنهٔ نمایش پهلوی پرده ایستـاده راجع بهریك ازعکسها توضیحاتی میداد • این قسمت که باتمام رسید نمایشنامه (پیس) مختصری که شاگردان کلاس چهارم نوشته بودند خودشان بمعرض نمایش گذاشتند و این نمایش قریب یکربع ساعت بطول انجامید • سپس چند نفر دختر وپسر از همان کلاس چهارم روی صحنه پدید آمدند وچند نفر دیگر در جای ارکستر قرار گرفتند • بصدای ارکستر آنهائیکه در صحنه بودند رقص عربی کردند و نمایش خاتمه یافت

برنامهٔ تالار اجتماعات منحصر بنمایش نیست بلکه میتوان از جمع

---

(۱) Scarsdale

(۲) Fox Meadow School

کارهای فوق برنامه کارهائی است که شاگردان آزادانه از روی میل و ذوق شخصی بدون فشار و اجبار بدان مبادرت میورزند . چون در انتخاب آن مختارند و تنها علاقه مندی وعشق محرك آنهاست باکمال صمیمیت وار تهدل بدان اقدام میکنند و تمام نیرو و فکر خودرا در آن بکار میبرند وبنابر این مطابق اصول روانشناسی بهترین وجه آنها را یاد میگیرند . عده‌ای از معلمان درشگفت هستند که بعضی‌از شاگردان در کارهای مذکور تامیان شده آنقدر وقت و کوشش وهمت صرف میکنند که جزئی از آن برای پیشرفت دروسشان کافیست و معذلك در درس توفیق نصیب آنهانیست . این آقایان توجه نمیکنند که‌بسیاری از دروس مذکور بویژه باروشی که جهت تعلیم آن بکار میبرند اطفـال راخسته و فرسوده میکند درصورتیکه کارهای فوق برنامه بر حسب انتخاب و میل وشوق خود آنهاست وخودشان نیز بدان عمل واقدام‌میکنند.

طرزعمل ازاین‌قرار است‌که در آغازسال تحصیلی مدیر آموزشگاه بشاگردان اعلام میکند که فلان وفلان انجمن درمدرسه تشکیل میشود و شاگردان مطابق انتخاب خود در هر کدام مـایل باشند میتوانند عضو شوند. کسانیکه برای یك انجمن داوطلب شدند‌درساعت معینی‌در یکجا جمع میشوند و برای خود هیئت مدیره‌ای بر میگزینند . هیئت مدیره که عموماً عبارتست از رئیس و نایب رئیس و منشی و خزانه دار طـرح اساسنامه‌ای تهیه میکنندکه درجلسات انجمن ماده بماده قرائت و مطرح وتصویب میشود . اساسنامه بطور کلی شامل‌نکات ذیل‌است

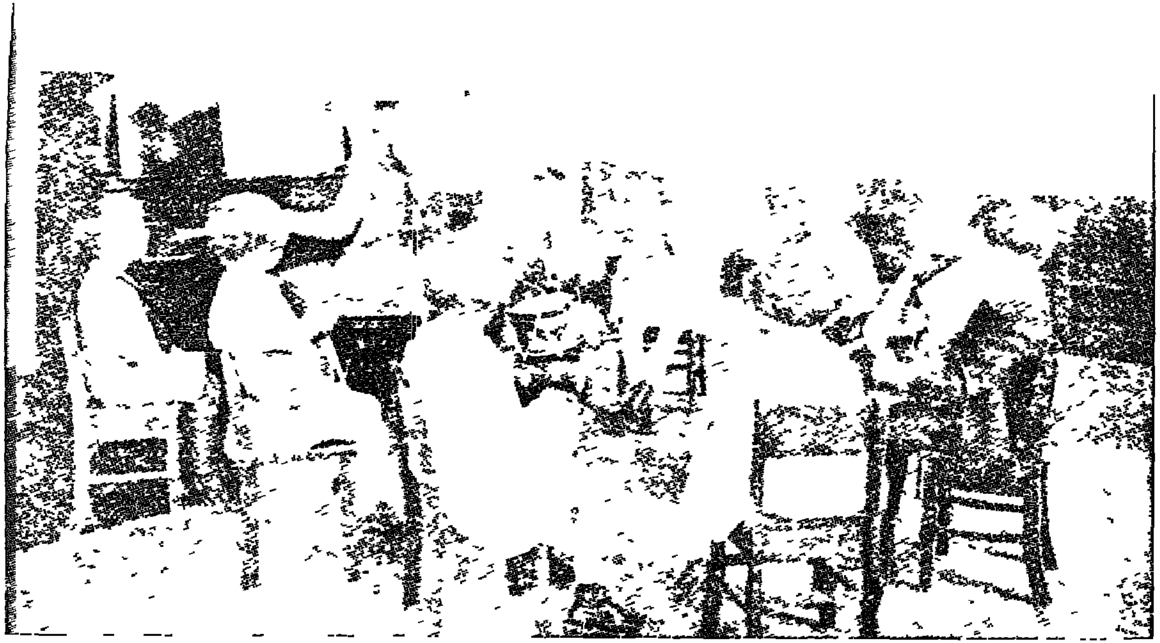
الف ــ منظور از تشکیل‌انجمن.

ب ــ شرایط کارمندی.

شدن شاگردان استفاده کرد و مطالبی که باید همهٔ آنها اخطار شود در آنجا اعلام نمود. علاوه بر این رؤسای کلوپها و انجمن های مدرسه که دنبالا از آنها صحبت خواهد شد ممکن است امور لازم را در تالار اجتماعات باطلاع عموم برسانند.

نکته‌ای که مهم است اینست که در تالار اجتماعات تفریح شاگردان بوسیلهٔ نمایشی که داده میشود - پرورش اخلاقی آنها بوسیلهٔ موضوع نمایش - پرورش اجتماعی ایشان بوسیلهٔ کارکردن آنان باهم چه در تهیه و نوشتن نمایشنامه (پیس) و چه در نمایش دادن باید تأمین گردد . در تالار اجتماعات چه بسا دروس میهن پرستی است که میتوان بصورت نمایش درآورد و بوسیلهٔ اطفال در خود آنها تلقین کرد . برای اینکه از چگونگی این جلسه‌ها وطرز اداره کردن آنها بهتر و بیشتر اطلاع حاصل شود ممکن است رجوع کرد بکتاب « یکسال درامریکا » که نگارنده پس از مسافرت خود بآنجا در سال ۱۳۱۱ منتشر ساخته وباردیگر در ۱۳۲۱ بچاپ رسیده است.

۳-کار های فوق برنامه - کارهای فوق‌برنامه اصطلاحی است که نگارنده برای کارهائی وضع کرده‌است که دردستور تحصیلات رسمی نیست ولی باندازه ای برای پرورش اجتماعی و تولید حس مسئولیت و همکاری لازم است که هیچ مدرسهٔ مترقی نمی‌تواند از آنهاچشم بپوشد. کارهای فوق برنامه درمدارس ایران سابقه نداشته ونخستین‌بار از ۱۳۱۱ در دانشسرای عالی بدان اقدام شده است واندك‌اندك عده‌ای‌از لیسانسیه های آن در دبیرستانهای مرکز وشهرستانها قسمت بسیار کوچکی‌از آنرا وارد کرده‌اند.



انجمن موسیقی دبستان کلیولند Cleveland از شهرهای امریکای شمالی آموزگار پشت پیانو و یکی از شاگردان
که روی صندلی ایستاده اسبابها را هم آهنگ میکند

د - طرز عملی کردن منظورهای انجمن
ج - طریق برگزیدن هیئت مدیره.
ه - جلسه های انجمن ومیزان ماهانه.

اساسنامه چون بتصویب رسید مدرك عمل خواهد شد

چون اطفال تجربهٔ کافی ندارند برای راهنمائی آنها از طرف مدرسه یکنفر ناظر ازمیان معلمان معین میشود وظیفهٔ ناظر ریاست بر انجمن وامر ونهی نیست بلکه مانند کارمندی حق اظهار نظر دارد و میتواند در مذاکرات شرکت کند و بواسطهٔ نفوذی که ازلحاظ سن و کار خود دارد حرف او مؤثر است لیکن نباید ازاستقلال وقدرت کارمندان انجمن بکاهد وخودرا مانند آمروحاکم جلوه دهد.

انجمن هائی که ممکن است در مدرسه تشکیل داد بسیاراست، مقتضیات محل دراین کار باید مورد توجه باشد . برای نمونه چند فقره از آنها ذیلا ذکرمیشود:

انجمن ورزشی برای ترویج ورزش وتشکیل مسابقههای درونی و برونی.

انجمن روزنامه یانامهٔ مدرسه - برای طبع ونشر مجلهٔ ماهانه یا سه ماهه یاسالنامه.

انجمن نمایش جهت تهیهٔ نمایشنامه (پیس) ودادن نمایش.

انجمن موسیقی برای ترتیب کنسرت مدرسه.

انجمن شیر وخورشید سرخ برای جمع آوری اعانه وکمك کردن بمستمندان وبیماران.

انجمن کتابخانه برای کمك بکتابخانهٔ مدرسه وترویج حس مطالعه.

دارای حیثیات و آبروئی میشوند که من بعد کوشش میکنند آنرا محفوظ دارند و بدین ترتیب از اقدام بکارهائی که مخالف آن حیثیات باشد خودداری مینمایند و معتاد بتسلط بر نفس میشوند رؤسای قوم و راهبران جماعت وراهنمایان خلق هنگام ممارست باین قبیل عملیات گوهر و استعداد خود را ظاهر میکنند و کم کم ممرز میشوند بالاخره چون تمام شاگردان در اداره کردن مدرسه شریك هستند و خودشان قواعد و نظاماتی وضع میکنند از صمیم قلب از آنها اطاعت می نمایند و معتاد باحترام قانون ورؤسای خود میشوند اگر احیاناً کسی میان آنها یاغی باشد روح اجتماعی که هنگام گرد آمدن شاگردان و گرفتن تصمیم تولید میشود او را مطیع ومنقاد خواهد ساخت

چگونه شاگرد را میشود شریك در اداره کردن مدرسه نمود ؟

در انگلستان و امریکا که این ترتیب معمول است در هر مدرسه بطرز معینی اقدام میکنند ولی پایه و اساس کار از این قرار است که مدرسه را مانند کشوری فرض میکنند که باید اداره کرد همان طور که کشور مشروطه قانون اساسی دارد همانطور در روز اول مدرسه (۱۶شهریور) که تمام شاگردان در تالار اجتماعات حاضرند بنابر پیشنهاد مدیر کمیسیونی ازچند نفر شاگرد ومعلم برای تهیهٔ طرح قانون اساسی تشکیل میشود . وقتی این طرح حاضر شد در تالار اجتماعات مورد مباحثه واقع میشود و هرچه بتصویب رسید مدارك عمل خواهد بود در قانون اساسی هیئت مقننه وهیئت قضائیه و هیئت مجریه پیش بینی میشود این هیئتها عموماً ازشاگردان کلاس پنجم ابتدائی ببالا تشکیل میگردد و کارمندان آن را ممکن است شاگردان درجلسهٔ همگانی انتخاب کنند یا از طرف رئیس

انجمن مهمانی برای دعوت شاگردان و اولیای آنان بناهار یا چای یکی دوبار درظرف سال.

انجمن سخنرانی برای تشکیل مجالس نطق ومناظره وسخنرانی ازطرف شاگردان یا اشخاص خارج

انجمن قصه و مثل که داستانهای شیرین ودلکش را جمع آوری کرده بخاطر میسپارند و بعضی اوقات در بالار اجتماعات دانش آموزان را شاد و بهره مند میسازند .

۳ - **شرکت دراداره کردن مدرسه** - یکی از بهترین وسایل تولید حس مسئولیت و معتاد کردن شاگرد بهمکاری ومعاضدت اینست که او را دراداره کردن امور مدرسه شرکت دهند . درکشورهای آنگلو ساکسون این امر اهمیت خاصی دارد و بعضی اوقات بحدی شایع بیکو و محسوس گرفته اند که دردیگر کشورهای متمدن از آن اقتباس کرده اند

اگر دو نکته دراین کار رعایت شود سود عمده دربرخواهدداشت یکی اینکه شاگردانی را دراداره کردن مدرسه شرکت دهند که جسماً وفکراً رشد پیدا کرده باشند. ازاینرو شاگردان چهار کلاس اول ابتدائی را باید ازاین امر معاف دارند. دیگر اینکه درهر قسمت معلمان آزموده نظارت وراهنمائی کنند وشاگردان تازه کاررا بحال خود نگذارند بلکه بتدریج که قابلیت آنها ظاهر میشود امور مهمتر بآنان رجوع کنند .

اگر دو نکتهٔ مذکور رعایت شود شرکت شاگردان در اداره کردن آموزشگاه سود بسیار دارد. علاوه برایجاد حس مسئولیت نسبت بجامعه (که دراینجا مدرسه است) قوهٔ ابتکار در شاگرد تولید میشود. عده ای که ادارهٔ مدرسه را بعهده میگیرند بواسطهٔ مقامی که موقتاً احراز میکنند

بخش چهارم

وضع مساعد برای کار

مدرسه معین شوند ودر هر کدام از آنها یك یا چند نفر معلم برای نظارت از طرف مدرسه حاضر و کارمند هستند . قواعد و نظامات را هیئت مقننه وضع میکند . اگر از شاگردان کسی برخلاف آن رفتار کرد توسط پاسبانهائی که از طرف هیئت مجریه معین شده مراتب به هیئت قضائیه گزارش میشود . هیئت قضائیه پس از رسیدگی و شنیدن اتهام پاسبان ودفاع متهم رأی میدهد . رأی را هیئت مجریه بموقع اجرا میگذارد

برای اینکه از طرز شرکت شاگردان در اداره کردن آموزشگاه اطلاعات بیشتر بدست باشد ممکن است بمشاهدات نگارنده در امریکا که در کتاب « یکسال درامریکا » مندرج است مراجعه نمود . برای نمونه سطور ذیل از صفحهٔ ۳۹ چاپ دوم درا ینجا نقل میشود

انتظامات دبستان جاکسن (۱) بوسیله خود شاگردان داده میشود باین ترتیب که شاگردان کلاس سوم ودو نفر نماینده ازهر کلاس مجمعی تشکیل میدهند موسوم بمجمع مدنی ازاین مجمع کمیتههای زیر برگزیده میشود

۱- کمیتهٔ تاخیر ورود که حضور شاگردان را درسر وقت مواظبت میکند وهر کس دیر می آید برگهٔ قرمزی بدو میدهند که بر آن نوشته (بواسطهٔ فلان قدر تأخیر فلان روز درمقابل کمیتهٔ قضائی حاضر شوید)

۲- کمیتهٔ پاسبان داخلی (۱۲ نفر) که مراقب انتظامات دردرون ساختمان دبستان است وهر کلاس برخلاف مقررات (که ازطرف مجمع مدنی پیشنهاد واز طرف همگی شاگردان در تالار اجتماعات تصویب میشود) رفتار نماید بوی برگهٔ آبی جهت حضور درمقابل کمیتهٔ دادرسی میدهند

۳- کمیتهٔ پاسبانی حیاطها (۱۰ نفر) که وظیفه کمیتهٔ پیش را درحیاطها و بازیگاه عهده داراست

٤- کمیتهٔ دادرسی که ازرئیس دبستان ودو آموزگار ورئیس ونایب رئیس مجمع مدنی ورئیسان دو کمیتهٔ پاسبانی تشکیل میشود وتمام خلافها را رسیدگی وحکم صادرمی کند حکم توسط رئیس وآموزگاران اجرا میشود

---

(۱) Jackson Avenue School واقع درشهر Hackensack در نیوجرزی از کشورهای متحدامریکای شمالی که درآن وقت ۵۰۰ شاگرد (پسرودختر) داشت.

محیط اثرات خودرا می‌بخشند طرفدار کرسی میشوند وسست بآرایش بی‌اعتنا - اگر فولشان یکی شد چندان متأثر نمیگردند . همینطور اهالی تهران را که بمأموریت به‌بندر عباس میفرستند تا در نتیجهٔ تغییر محیط رنگ پوست آنها تغییر میکند وبتدریج با محیط جدید سازش میکنند یا درخطر هلاکت واقع میشوند ومجبور بازگشت میگردند در صورتیکه اهالی آنجا بطور طبیعی در محیط خود زیست مینمایند وعموماً ازقسمت خود ناراضی نیستند

خارجی‌ها هرکه بایران میآیند از تأثیرات محیط کشورما برکنار نیستند درفرنگ کوشا وفعال هستند - قدروقیمت وقت میدانند - همیشه در فکر مردن نیستند - اعتنا بقضا وقدر ندارند - همه چیز را نتیجهٔ سعی وعمل میدانند . اگر درایران اقامت آنها ممتد وطولانی باشد اخلاقشان کم کم متشابه به اخلاق ما میگردد . دراروپا اگر تنگدست میشدند راه چاره را دردوندگی ومجاهدت وتحمل مشقت میدیدند . دراینجا آنقدر از دوست ورفیق ایرانی خود شعر حافظ را که

هنگام تنگدستی درعیش کوش ومستی

کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را

میشنوند که بالاخره عقیده وفکرشان تغییر میکند ومعتقد بتقدیر میشوند وکوشش را بیفایده می‌پندارند و این رباعی را ازخیام میخوانند

زین پیش نشان بودنیها بوده است

پیوسته قلم زنیك و بد آسوده است

تقدیر ترا هر آنچه بایست بداد

غم خوردن و کوشیدن ما بیهوده است

فصل نخست

محیط مدرسه

اهمیت محیط در تربیت

اهمیت محیط و تأثیر آن در پرورش باندازه ای زیاد است که فوق آن تصور نتوان کرد گیاه ها وجانوران پیوسته در تحت این تأثیر هستند و راه فرار از آنها مسدود است . مشاهدات روزانه بحد کفایت این مسئله را آشکار میسازد .

چند سال پیش امریکائیها تخم گرمك و خربوزهٔ گرگاب را بکشور خود بردند و باکوشش زیاد و بکار بستن اصول علمی فلاحت در کشت آن مجاهدت کردند . گرمکی که فعلاً از تخم مذکور بعمل میآید و موسوم است به « خربوزهٔ ایرانی » بمراتب از گرمك اصلی لذیذ تر و شیرین تر است و گرمك غیر شیرین در محیط امریکا بدست نمیآید در مورد خربوزهٔ گرگاب آب وخاك امریکا مساعد نبود وایجاد محیطی شبیه بـه گرگاب اصفهان غیر ممکن بود و نتیجه حاصل نشد . درخت نارنج را چون از گیلان به تهران آورند از خوش کاسته میشود وبار کم میدهد . سیب زمینی زرشی را اگر درمحیط کوهستانی بکارند ساقه‌اش کوتاه و برگش بزرگ میشود واگر در جلگه بکارند ساقهٔ آن بلند و برگش کوچك میگردد .

آدمی نیز مانند گیاه در تحت تأثیر محیط واقع میشود واخلاق واطوارش تغییر میکند دانشجویان ایرانی که سالها درفرنگستان بوده‌اند وبکشور خود بر میگردند روز های نخست از نشستن روی زمین وزیر کرسی اکراه وامتناع دارند در آرایش خود ازصرف وقت دریغ نمیکنند وول وحرفشان یکی است . چندی که دراین آب و خاك اقامت گزیدند

طفل است آیا این شرط درمحیط مدارس ماحکم فرماست؟

متأسفانه باین پرسش بایدجواب منفی داد اوضاع اکثر آموزشگاه های ما طوری است که مدرسی شاگردان را در مخاطره میاندارد در کلاسهائی که فقط گنجایش ۲۵ طفل را دارد (اغلب دبستانهای تهران) ۶۰ الی ۷۰ نفررا جامیدهند و هوای آن در زمستان اطفال را مسموم می کند. دربعضی ازدبستانهای قزوین کلاس در زیر زمین مرطوب بر پا میشود و در نقاط دیگر مانند آباده و بسطام در های اطاق درس شیشه ندارد اگردر زمستان دررا باز نگاهدارند تا روشنائی وارد شود سرما مانع جمع شدن حواس و تحصیل میشود واگر در را ببندند چشم اطفال از دیدن ناتوان است

علاوه برنتایج زیان آوری که این نوع محیط هابرای افرادجامعه دارد از چگونگی و کمیت تدریس نیز میکاهد واز این حیث باید دیدچه شرایط واوضاعی برای کار کردن اطفال لازم است

جایگاه مدرسه

یکی از نکات مهم که درمحیطمدرسه تأثیر زیاد دارد مکان مدرسه است اگر بخواهند بنائی برای مدرسه بسازندبیشتر دراین قسمت باید دقت کنند مدرسهباید درنقاط بلندوخوش آب وهوا برپاشود-از مرداب و برکه و باطلاق وخرابهوگورستانوکارخانه دور باشد . صدای چرخ ارابه و گاری و موتور بارکش و بوق اتومبیل نباید حتیالامکان بمدرسه برسد وحواس شاگردان راپرت کند

در کشورهای مترقی بهترینباغها و پارکها تخصیص بآموزشگاه داده در امریکا مدارسی که شبانه روزی است اغلب در دامنهٔ کوهها در نقاط خرم و دلکش و زیبا قرار گرفته و مسلط برودخانه و جنگل

وار قول سعدی گویند

برو شادی کن ای یار دل افروز   غم فردا نشاید خورد امروز

بدلایل فوق است که کار کنان بیگانه و معلمان خارجی درایران زیاد نمی مانند. اگرماندند هرچند سال یکبار با آنها مرخصی میدهند ولااقل ششماه تایکسال درکشور خود توقف میکنند.

مثالهای فوق باحدی میرسانند که محیط یعنی زمین و آب وهوا درخت و کوه ودریا ودوست وخویش و معلم وهمدرس و کوچه و بازار و کوی و آموزشگاه وسینما و تماشاخانه و گرمابه و مانند آن در پرورش آدمی مؤثراست و باید کمال اهمیت رابدان داد ودرتعلیم وتربیت پیوسته آنرا درنظر گرفت وبامسلم بودن آن وسایل وطرق لازم را اتخاذ کرد.

محیط درسی برای آموزش و پرورش کودك دو نوع محیط ممکن است بکار رود یکی آنکه تأثیر و نفوذش مستقیم باشد و دیگر آنکه بطور غیر مستقیم تأثیر کند. نوع اول رامعلم مخصوصاً طوری انتخاب میکند که شاگرد مطالب خاصی رافراگیرد مثلاً بوسیلهٔ بردن او بگردش علمی یا بنمایشگاه کالای وطنی یاباآزمایشگاه فیزیك وشیمی و تاریخ طبیعی مواد و دروسی که جزء برنامه است بطفل آموخته میشود واهمیت بسیار در روشن کردن ذهن او دارد ولی این نوع محیط فعلاً مطرح نیست

محیطی که دراینجا مورد بحث است آنست که درطفل تأثیر غیر مستقیم دارد وبقدری مهم است ودر تمام مراحل تفهیم وتفهم دخیل که نتیجهٔ آموزش وپرورش را ممکن است تغییر دهد.

مهمترین شرطی که این محیط باید حائز باشد بهداشت و تندرستی

بهارسایه افکند وشاگردان راازگرما محفوظ دارد اگر مدرسه در مرکز شهر در نقطه‌ای باشد که زمین گران است باید برای هرشاگرد لااقل پنج متر مربع جهت گردش وبازی منظور داشت سطح حیاط رانبایدازسنگ یاآجر فرش کرد زیرا در آنصورت دویدن وبازی کردن شاگرد غیرممکن میشود زمین حیاط را باید از شن ریز نرم پوشانید و فقط جاده‌هائی از آجر یاسمنت یاچوب در کنار آن برای عبور ومرور ساخت ولی سطح آنها رانباید هیچگاه ازسطح زمین بلندتر کرد و گرنه شاگرد ممکن است هنگام بازی پایش بدان گیر کند و بزمین افتد

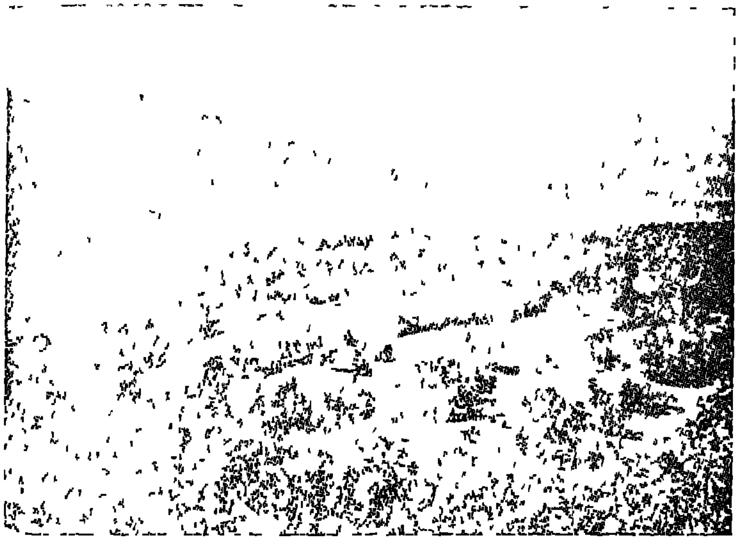
سطح حیاط باید طوری ساخته شود که آب برف وباران در آن نماند بلکه بواسطهٔ سراشیبی بطرف چاه روان شود

اگر باغچه‌ای در مدرسه درست کنند هم برقشنگی محیط میافزاید وهم معلمان میتوانند ازگیاه ها وگلهای آن جهت آموختن علم‌الاشیاء و گیاه شناسی استفاده کنند باضافه یکی ازبهترین وسیلهٔ تولید‌قوهٔ ابتکار واستقلال در شاگرد این خواهد بود که هرگوشه از باغچه رابیك نفر واگذار کنند تاخود گلکاری ودرخت کاری نماید وپیوسته نگهدار آن باشد

مستراح یکی از لوازم آموزشگاه مستراح است که اگر برطبق شرائط معین ساخته نشود محیط نامساعدی ایجاد میکند و ممکن است حیاط وعمارات را متعفن سازد مستراح باید از عمارات مدرسه و ازکلاسها حتی‌المقدور دور باشد تابوی عفن بوسیلهٔ باد درصحن حیاط وبنا منتشر نشود

برای اینکه درداخلهٔ مستراح نیز هوای کثیف جمع نشود باید لوله‌ای ازدرون آن بسقف کشیده شود وبحدی بالا رود که از عمارتهای

است و کسی که بدان کشور رود متحیر میشود که در سر هر پیچ و خم هر جا صفا و منظرهٔ طبیعی و موجبات شادی و خوشی فراهم است در آنجا عمارت قشنگی برای مدرسه ساخته که از جمله کاخهای بزرگ و اطراف آنرا باغهای دلگشا فرا گرفته است

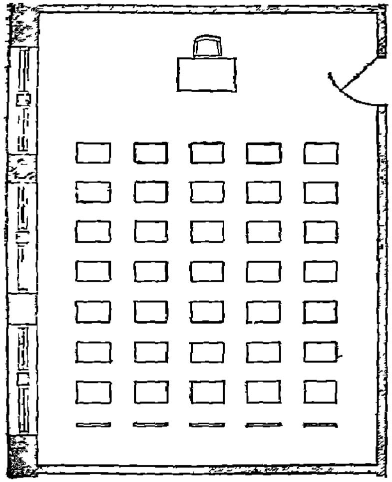


منظره‌ای از محوطه و عمارت مدرسهٔ شبانه روزی استرم کینگ «Storm King» که در میان جنگل در دامنه کوه خرس «Bear Mountain» و مشرف برودخانهٔ هودسن «Hudson» ساخته شده و نگارنده چند روز در ۱۳۰۹ خورشیدی در آن بسر برده است (رجوع شود بکتاب یکسال در امریکا چاپ دوم ص ۳۳)

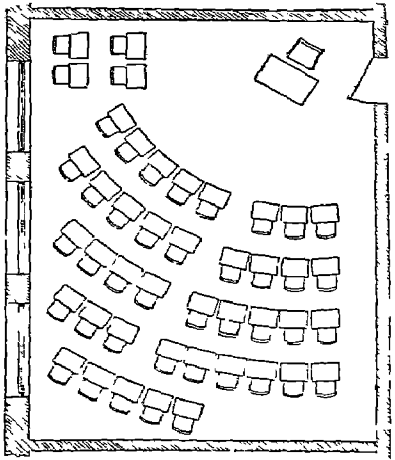
حیاط و باغچهٔ آموزشگاه

مدرسه ممکن نیست بدون حیاط باشد زیرا قسمتی از اوقات شاگرد باید در هوای آزاد و در فضای باز صرف شود حیاط مدرسه باید وسیع و آفتابگیر و دیوارهای اطراف آن کوتاه باشد تا هم باروح باشد هم هوای کافی و آزاد در صحن حیاط باید خیابانهائی داشت که درخت رست باید و در اوایل پائیز و اواخر

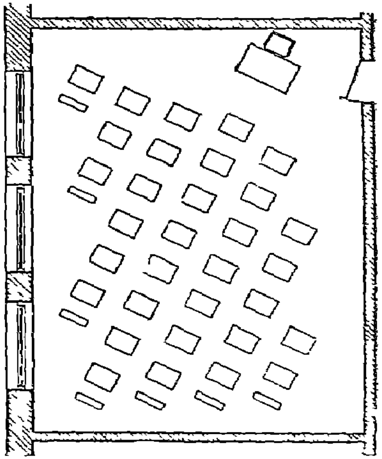
طرر چیدن میر وصدلی درکلاس



(۱) طررمعمولی بویژه هنگامی که میر و صدلی ثابت و برمین میخ شده است ارجیت روسائی وصع همهٔ شاگردان حوب نیست



(۲) این طرر ارجیت توریع روشنائی میان شاگردان بمراتب بهترارنمرهٔ (۱) است میرهای متحرك راهرقسم حواهند میتوان مرتب کرد



(۳) این آحرین طرری است که درمدارس مترقی امریکا معمولست میر متحرك یا ثابت را که باین ترتیب چیده به بهترین وجه روسنای بهمهٔ شاگردان میرسد

مجاور تجاوز کند تا جریان هوا موجب عفونت آن عمارت نگردد، با وجود مراتب مذکور کف و دیوار مستراح باید آهك کاری شود زوایای آن گرفته و برو شکل نیم استوانه باشد با کمر گرد وغار و عکوس بآن نشیند . به آن باید سراریر باشد تا کثافت جمع نگردد. زیر آن باید راهروئی کار گذارند با آبی که در آن میمانند مانع بیرون آمدن بوشود. هر روز مستراحها باید پاکیزه و با محلول یك در هزار کرئولین(۱) یا اسید فنیك (۲) ضد عفونی شود.

بالاخره از لحاظ اخلاقی محل مستراح باید طوری باشد که اولیای مدرسه بتوانند آنرا زیر نظر گیرند . برای پسران هر کلاس دو مستراح و برای دختران هر کلاس سه مستراح باید داشت باضافه در نقطهٔ مجزائی برای آموزگاران نیز باید مستراح جداگانه ترتیب داد.

روشنائی چشم از بزرگترین و مهمترین وسایل کار است . در تمدن فعلی که آدمی مجبور است هر روز مقداری نامه و کتاب و روزنامه بخواند احتیاج بچشم بسیار است و باید آنرا حفظ کرد و سالم نگاهداشت یکی از شرایط نگاهداری چشم اینست که دراطاق درس روشنائی بحد لزوم باشد . تجربیات متعدد نشان داده است که مساحت سطح پنجره های شیشه دار باید لااقل باندازهٔ پنج یك سطح کف اطاق باشد تا روشنائی بحد اقل برای خواندن و نوشتن موجود باشد ولی اجرای این اصل چندان آسان نیست زیرا اطفالی که نزدیك پنجره یا دور از آن هستند قهراً بمقدار متفاوت از نور بهره مند میشوند ازطرف دیگر باید از هر اقدامی که موجب تساوی روشنائی برای همهٔ شاگردان باشد دریغ نمود یکی از اقدامات اینست که مجردیهای میان پنجرهها حتی الامکان کم پهنا باشد

(۱) Créroline (۲) Acide phénique

می‌گیرد ودر بهار که روشنی براست و ارتفاع نور در آخر فصل به ۷۸ درجه میرسد بمقدار کمی داخل اطاقها میشود .

راجع بروشنائی آموزگار باید نهایت دقت را بعمل آورد و پیوسته متذکر باشد که کمی یا زیادی روشنائی باعث زحمت چشم می‌شود و زحمت چشم موجب درد سر و نومیدی و عصبیت طفل می‌گردد هرسال یکی دو مرتبه باید اطفال را معاینه کرد و اگر چشمانش نزدیك بین یا دوربین هستند برایش عینك تجویز نمود درامریکا این مسئله محقق شده است که علت کامیاب نشدن بسیاری از اطفال اینست که چشم سالم ندارند و باندازهٔ انتظار معلم نمی‌توانند ازچشم خوداستفاده کنند و کتاب بخوانند یا تکلیف بنویسند. باین جهت اززمانی که پی باین حقیقت برده‌اند همینکه خلاف انتظاری از کودك مشاهده کردند اورامعاینه میکنند و برطبق نظریهٔ پزشك رفتار می‌نمایند

میز و نیمکت

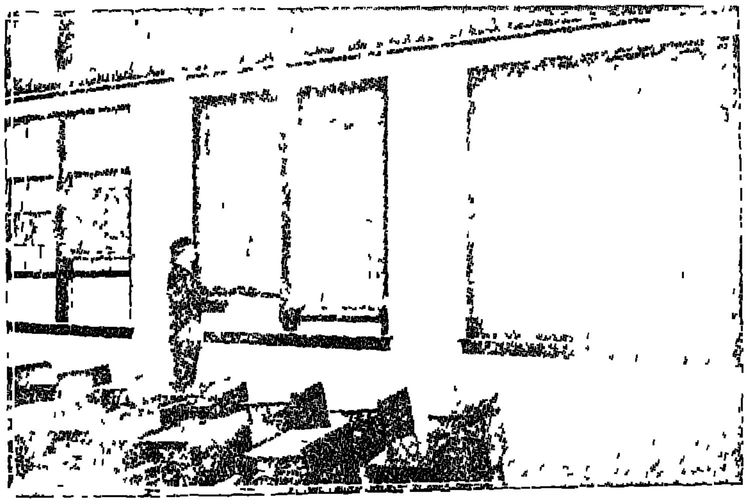
یکی از شرایط مساعد کار اینست که طفل درصندلی یا نیمکتی بنشیند که برای قداوساخته شده باشد درمدارس ما متأسفانه این شرط مراعات نمی شود شاگردانی راکه ازحیث قد بیست سانتیمتر باهم تفاوت دارند در نیمکتهای مساوی می‌نشانند در نتیجه آنهائی کـه قد شان بلند است تیرهٔ پشتشان خمیده میشود و آنانکه قد کوتاه دارند ناچار پاهاشان آویزان میماند وبزمین نمی‌رسد هنگامی که کودك نشسته پاهایش باید محکم بزمین باشد و آرنج براحتی روی میز قرار گیرد و وگرنه کار تحریر بخوبی انجام نمی‌شود وعادت بدی بوجود میآید که همیشه باقی خواهد ماند

اصل مهم وکلی اینست کـه شاگرد باید میز و نیمکت مخصوص

تاتولید سایه وتاریکی نکنند .

روشنائی بایدهمیشه ازدست چپ شاگردان وارد کلاس شود اگر ازدست راست وارد شود سایهٔ دست راست روی کاغذ میافتد واگر ازجلو داخل گردد چشم را خیره می کند .

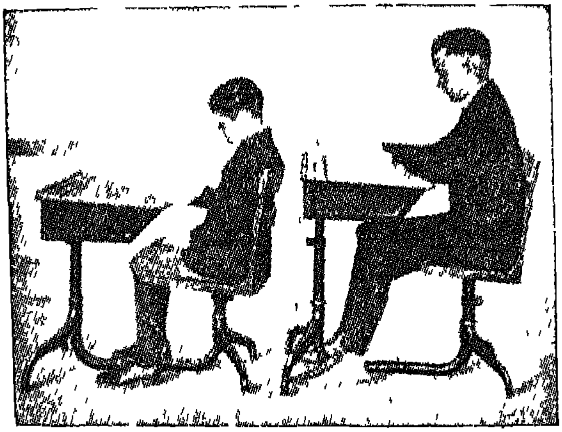
پنجره های روبآفتاب باید پرده هائی داشته باشد که بتوان بآسانی آنرا بالا برد یافرود آورد تا در هر فصل مقدار نوری راکه داخل میشود بتوان کم وزیاد کرد .



نمونهٔ پرده هائی که در کلاسهای مدارس امریکا معمول است با کمال آسانی ازدرون اطاق پرده را بوسیلهٔ ریسمان بالا یاپائین میبرند این پرده هم مانع خیره شدن چشم وهم کمکی است برای تهویهٔ اطاق

درولایت ایران بهترین سو برای ساختمان آموزشگاهها وکلاسهای درس جهة شمالی جنوبی است زیرا در زمستان که هوا ابر وتاریك است ارتفاع آفتاب ۲۹ درجه میباشد ونورقسمت اعظم از درون کلاسها اورا

خط نوشته را بی زحمت بخواند. بطور کلی باید ۳۵ سانتیمتر میان میز و چشم محصل فاصله باشد.

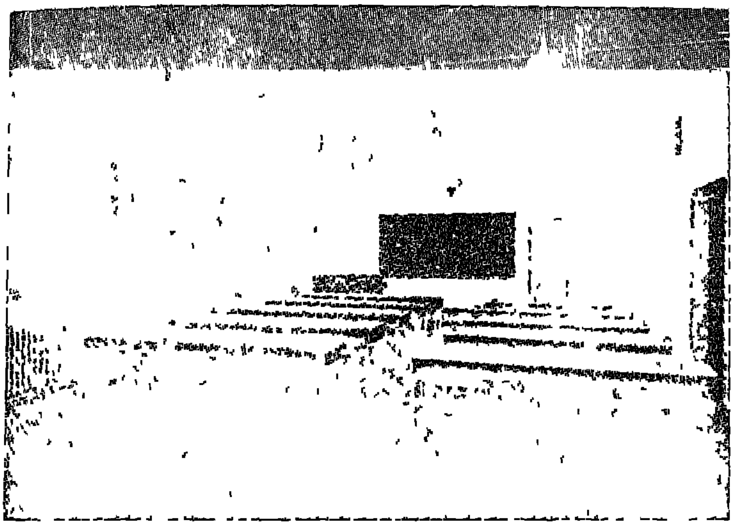


این دو کودک امریکائی همسال و همکلاس هستند، هردو میز و صندلی از یک نمونه است که بوسیلهٔ پیچ ساخت قد اطفال بلندی آنرا کم و زیاد میکنند طرز نشستن کاملاً برطبق اصول بهداشت و مساعد برای کار کردن است

بالاخره در بلندی میز این نکته را باید رعایت کرد که بازوی طفل بدون بلند کردن یا پائین آوردن شانه باید براحتی روی آن تکیه کند

مسئلهٔ دیگری که در اینجا باید تذکر داد اینست که کودک درحالت رشد است و قد او بلند میشود بطور متوسط اطفالی که سنشان میان شش و شانزده است هرسال پنج شش سانتیمتر بر قدشان افزوده میشود ازاینرو باید هرشش ماه و منتها هرسال یک بار میز و نیمکت را با اندام طفل مناسب ساخت

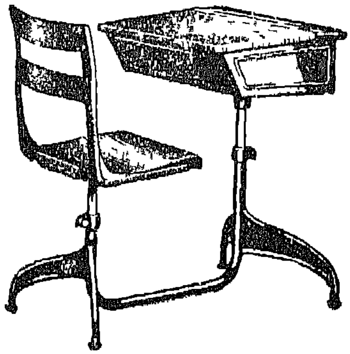
میز و نیمکت ممکن است یک نفری باشد آزمایش به ثبوت رسانیده است که میز و صندلی یک نفری از هر حیث بر سایر نمونه ها برتری دارد زیرا بآسانی ممکن است آن را در اطاق درس جابجا کرد و بعلاوه



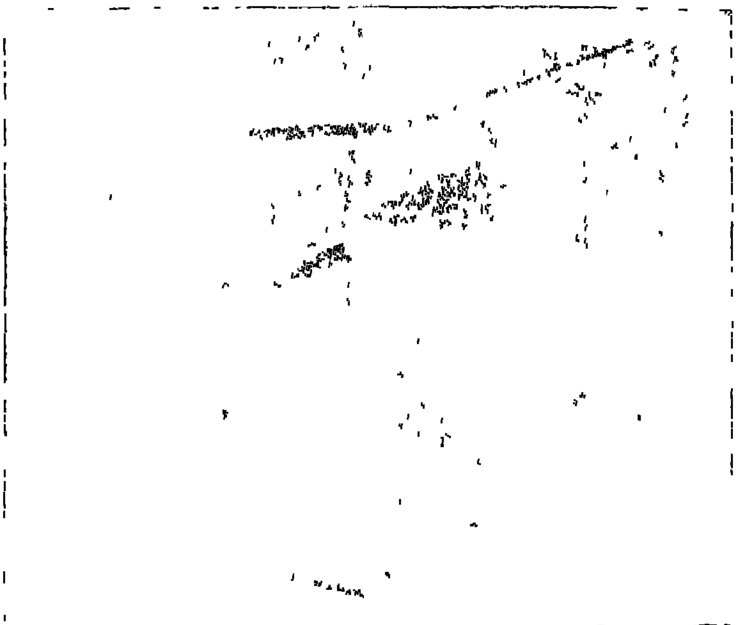
کلاس دبستان در آلمان از دست چپ روشنائی کافی وارد اطاق میشود در روز هائی که هوا تاریک باشد چراغهای برق که سقف آویخته است کلاس را روشن میکند پائین دست چپ لوله‌های آب جوش است که هوا را ملایم و یکنواخت نگاه میدارد میز و صندلی شاگردان و محل تخته (دیوار) سیاه و میز آموزگار و در ورود کلاس بر طبق احتیاجات و اصول بهداشت قرار گرفته است

اندام خود داشته باشد . برای اجرای این اصل نیمکت را از روی قد طفل ایستاده نباید تهیه کرد بلکه از روی اندام در حال نشسته باید ساخت دلیل این مسئله هم روشن است. اگر دو طفل با قد مساوی روی یک نیمکت بنشینند عموماً نیم تنهٔ آنها مساوی نیست بنا بر این نیم تنه و پا ها را جداگانه باید اندازه گرفت نیمکت باید متناسب با بلندی پا باشد و میز متناسب با بلندی نیم تنه .

سطح نشیمن نیمکت باید برابر بر آمدگی استخوان پا (زیر کندهٔ زانو) باشد . بلندی میز را طوری باید بگیرند که شاگرد بدون خم شدن

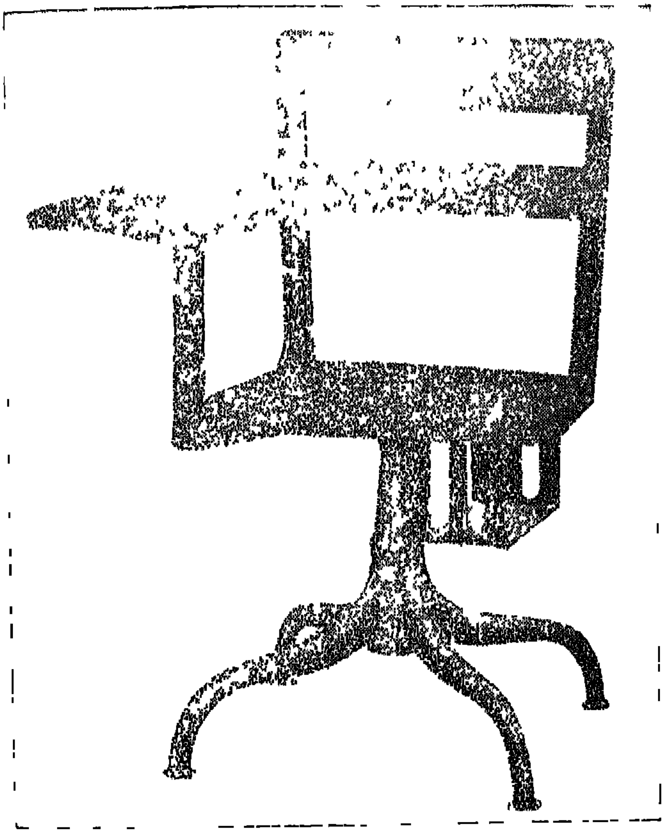


میز وصندلی یکنفری که در دبستانهای امریکا معمول است



میز ونیمکت دونفری که در آموزشگاه های آلمان متداول است

مدارس مترقی است اگر بتوان میز وصندلی یکنفری برای مدرسه تهیه کرد باید کوشش نمود از دونفری تجاوز نکند.



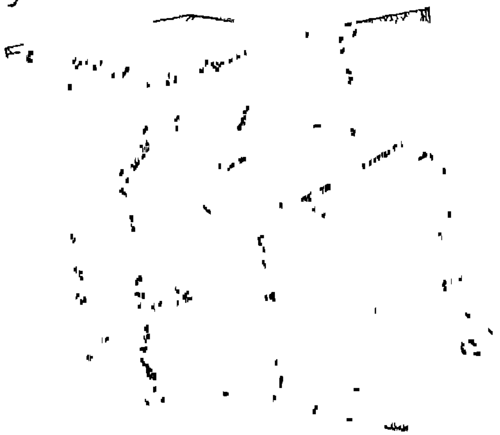
صندلی دسته دار که دستهٔ آن کار میز را میکند ، زیر نشیمن جعبه ای برای گذاشتن کتاب ودفتر ساخته اند این صندلی دردبیرستانها ومدارس عالی امریکا معمول است

هرشاگرد درحرکات خود آزاد است واسباب آزار دیگران هنگام نشستن وبرخاستن وخواندن ونوشتن نمیشود . جابجا کردن میز وصندلی ازطرف شاگردان هنگامی که آموزگار بخواهد آنهارا دایره وار برای مباحثه یامشاهدهٔ اشیاء بنشاند ــ ایجاد کردن محیط خانوادگی وجودمانی (بوسیلهٔ غیرمرتب چیدن میز ونیمکت) درساعاتی که بخواهد برای آنان داستانسرائی کند یاآنهارا وادار بقصه گوئی کند از علائم و آثار

سن اطفال	۶–۸	۷–۹	۹–۱۰	۱۰–۱۲	۱۲–۱۳	۱۳–۱۵	۱۵–۱۶	۱۶–۱۸
قد طفل سانتیمتر	۱۱۵–۱۲۵	۱۲۵–۱۳۵	۱۳۵–۱۴۵	۱۴۵–۱۵۵	۱۵۵–۱۶۰	۱۶۰–۱۶۵	۱۶۵–۱۷۰	بیش از ۱۷۰
بلندی نشیمن (نیمکت)	۳۲،۳	۳۴،۷	۳۷	۳۹،۸	۴۲،۶	۴۵،۶	۴۸،۶	۵۱،۸
پهنای نشیمن	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۹	۳۱	۳۴
بلندی میز از نشیمن	۲۰،۶	۲۱،۸	۲۳،۶	۲۴،۶	۲۶	۲۷،۶	۲۹،۲	۳۰،۸
پهنای میز بدون جای دوات	۲۶،۵	۲۷،۵	۲۸،۵	۲۹،۵	۳۰،۵	۳۱،۵	۳۲	۳۲
بلندی کل نشیمن و پشتی آن	۷۰،۲	۷۲،۲	۷۴،۲	۷۶،۲	۷۸،۲	۸۱،۲	۸۳،۷	۸۶،۷
درازی نشیمن یا میز برای هر نفر	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۰	۶۰

اندازه‌ها سانتیمتر تعیین شده است

در اینجا بمورد نیست جدول صفحهٔ مقابل را که برای تهیهٔ میز و



میز و صندلی یکنفری که در بعضی از دبستانهای فرانسه بکار میبرند

نیمکت بعضی از مدارس آلمان ترتیب داده شده نقل کنیم برطبق این جدول از روی قد شاگرد درازی و پهنا و بلندی میز و نیمکت را تعیین نمود ودستور ساختمان آن را میتوان داد.



میز و صندلی دو نفری که در آموزشگاههای فرانسه معمولست.

زبونی که درنتیجهٔ تنفس درهوای فاسد عارض میشود

برای جلوگیری ازفاسدشدن هوا باید اولاً درکلاس متناسب حجم هوائی که دارد شاگرد جای داد البته این قاعده برای زمستان یعنی بهترین فصل تحصیل است زیرا در آنموقع هوا سرد و در و پنجره بسته است ووسیله‌ای برای تبدیل هوا نیست

مطابق حسابی که شده هرنفر درساعت احتیاج به پنج متر مکعب هوادارد وعدهٔ شاگرد درکلاس متناسب آن باید پذیرفته شود متأسفانه درآموزشگاههای ما این مسئله رعایت نمیشود و در اطاقی که مثلاً شش درچهارمتر کف وچهارمتر ارتفاع دارد یعنی حجم هوایش ۹۶ متر مکعب است ومطابق قاعدهٔ فوق باید ۱۹ نفردرآنجا تحصیل کنند متجاوزاز ۳۰ نفرشاگرد به تحصیل گماشته میشوند .

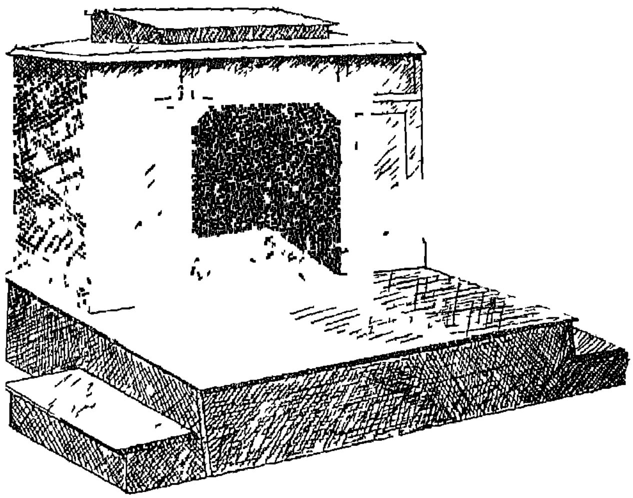
ثانیاً در بالای پنجره های کلاس در کتیبه باید دریچه‌ای گذارد که بآسانی بتوان باز کرد وباین‌وسیله راهی برای تبدیل‌هوای‌درون بابیرون تهیه نمود بدون اینکه‌جریان‌تندی‌دراطاق‌ایجادوموجب‌سرماخوردگی‌شود .

ثالثاً باید ترتیبی فراهم کرد که هنگام زنگ تفریح هوای کلاس عوض شود وبرای این کار باید دو نفر محصل راما‌ٔمور ساخت که بمحض بیرون شدن شاگردان جهت تفریح پنجره هـا را باز کنند و پیش از برگشتن آنها ببندند

طرز گرم کردن کلاس

یکی دیگر از شرایط مساعد برای تحصیل سرد نبودن کلاس در فصل زمستان است درجهٔ حرارت باید ۱۸ درجه ازمیزان‌الحرارهٔ صد درجه باشد تا شاگرد براحتی بتواند کار کند باضافه درجهٔ مذکور نباید دائماً در تغییر

میز و نیمکت دو نفری که در صفحهٔ ۱۹۱ گراور شده از نمونه‌هائی است که برطبق اندازه‌های این جدول ساخته شده است .



کرسی ومیز معلم که در آموزشگاه های فرانسه متداول است

هوا کودکانی که در کلاس مشغول تحصیل هستند باید هوای سالم استنشاق کنند و اطاق درس باید باندازهٔ کافی درهمه اوقات هوای بی عیب داشته باشد میزان فعالیت و کار شاگردان بسته است بمقدار هوائی که در کلاس موجود باشد همانطور که مقدار قوه و کشش اتومبیل مربوط بمقدار بنزین وهوائی است که برای احتراق در آن موجود شود همانطور نیز کار انسان نسبت مستقیم دارد با میزان نان وگوشتی که صرف کند وهوائی که استنشاق نماید از طرفی دیگر در هوای فاسد شاگردان از حالت طبیعی خارج می‌شوند و درس را نمی فهمند و جوابهائی که میدهند بی مغز و بی معنی است وچه بسا امراض

جداگانه برای آشامیدن داشته باشد تا درصورت وجود امراض موجبات سرایت فراهم نشود چون آوردن وبردن پیاله اسباب زحمت است باید مکانی درمدرسه برای گذاشتن آنها تهیه دید تاهرشاگرد پیالهٔ خودرا در جای معین وشمرهٔ معین بگذارد

برای رفع اشکالهای فوق در ۱۳۱۲ بر حسب دستور نگارنده آزمایشگاه مکانیك دانشسرای عالی یك‌ظرف آبخوری ساخت که بعضی ازآموزشگاهها برحسب دستور وزارت فرهنگ برای خود مانند آنرا تهیه کردند نقشهٔ آن‌درصفحهٔ پشت طرح‌واینك‌شرح آن‌پرداخته‌میشود

این ظرف که به بلندی ۸۰ وبه پهنای ۵۲ سانتیمتراست در درون خود وسیلهٔ تصفیهٔ آب رادارد باین معنی که ۳۰ سانتیمتر ازقسمت فوقانی آن مجزی شده ودر آن ظرفی مانندآبکش قرار دارد که دارای سوراخ های بسیار کوچك است

درظرف اخیر یك طبقه ماسهٔ نرم وروی آن یك‌طبقه شن وبرروی شن طبقه‌ای اززغال بید وبرروی‌این‌طبقات سرپوشی مشبك باسوراخهای کوچك قرارگرفته است آب معمولی را بر روی این سرپوش میریزند وآن بتدریج تصفیه شده وارد قسمت تحتانی ظرف یعنی‌منبع آب خالص میشود اگر آب بیش از گنجایش منبع ریخته شود بوسیلهٔ لوله‌ای که بمنبع پیوسته‌است بظرف سطلی که درزیر ظرف قرار دارد جاری میشود وعلاوه بر این لولهٔ مزبور وسیله ایست برای اطلاع از پرشدن منبع از آب در وسط این ظرف یك لولهٔ استوانه ای قرار دارد که جای یخ است ودراین لوله تقریباً تا آنجا یخ میریزند که برابر باسطح آب تصفیه شدهٔ منبع باشد . برای خارج ساختن آبی که بر اثر

باشد وگرنه موجب ناخوشی وسرما خوردگی میشود اگر گرما از ۱۸ درجه تجاوز کند هم سر شاگرد سنگین میشود و هم بواسطهٔ اختلاف زیاد باهوای بیرون ممکن است غش براو عارض گردد

درامریکا واروپای غربی درجهٔ گرمای تمام عمارت را یکسان نگاه میدارند و عموما از دیك بزرگی که در زیرزمین کار گذارده اند بخار آب جوش بوسیلهٔ لوله باطاقها و دالانها میرود و همین که در مجاور هوای سرد خنك وتبدیل بمایع شد بدیك مزبور برمیگردد

درایران بهترین وسیلهٔ گرم کردن کلاس فعلاً بخاری است ولی دیوارها وسقف بخاری آهنی باید ضخیم باشد تاهنگام سرخ شدن اینکه زنگ گرسیك وبخار گوگرد (که در زغال سنگ موجود است) خارج شود زیرا هردوسم است وشاگردان را در مخاطره می اندازد درروی بخاری همیشه باید ظرف آبی نهاد تابوسیله تبخیر ازخشك شدن هوا جلوگیری شود شاگردان باید ازیك متر نزدیکتر ببخاری ننشینند وگرنه ممکن است از گرما نتوانند تحصیل کنند و یا هنگام تفریح بواسطهٔ تفاوت زیاد با هوای بیرون دچار سرماخوردگی وعوارض دیگر شوند

طرف آبخوری چون درشهرهای ایران لوله کشی نشده و آب آشامیدنی تصفیه نمیشود باید در آموزشگاه ها نهایت دقت را بعمل آورد که دانش آموزان آب آلوده نیاشامند پزشکان عموماً آب جوشیده را تجویز میکنند و درحقیقت جوشیدن آب وسیلهٔ آسانی است برای حصول اطمینان و حتی‌الامکان باید آن را در شهرها بکار برد اگر در نزدیکی مدرسه چشمه ای موجود و آب آن گوارا باشد دیگر جوشاندن آب ضروری نیست .

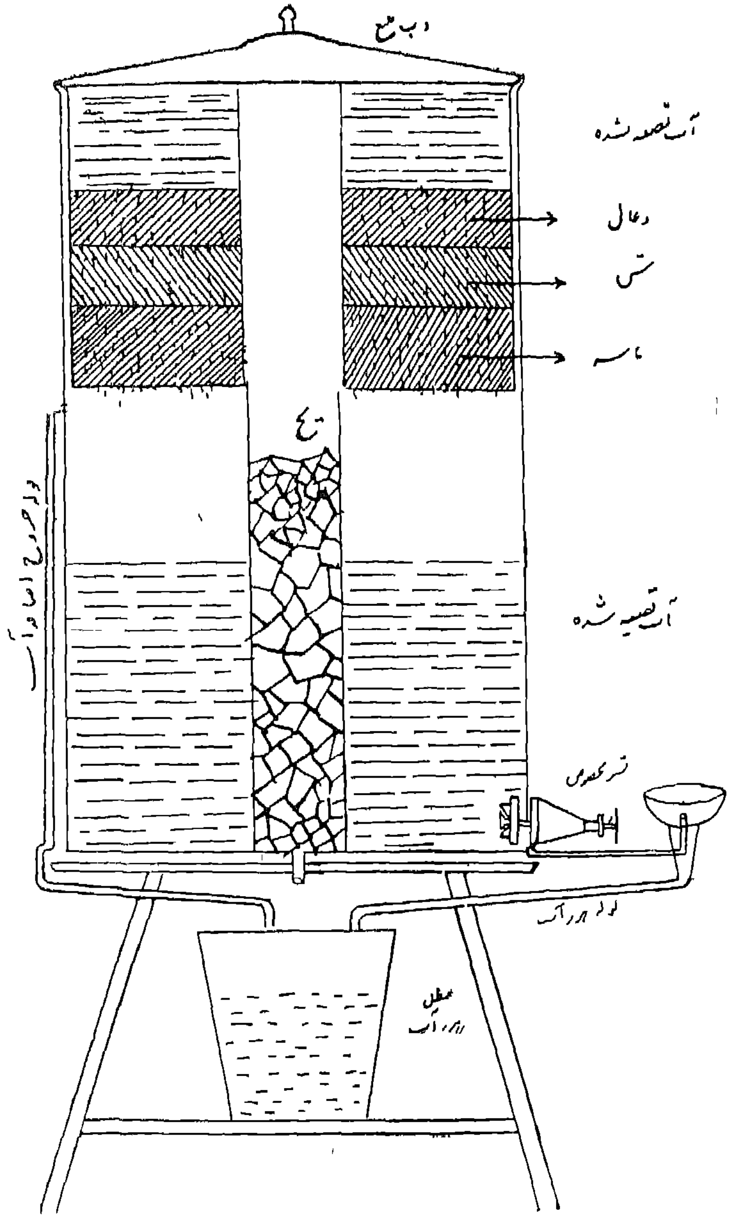
علاوه بروجود آب که باید صاف وگوارا باشد هرشاگرد بایدپیالهٔ

آب شدن هیچ پیدا میشود مخرجی درزیر لوله تعبیه شده که باچوب پنبه‌ای مسدود است و هنگام لزوم این چوب پنبه را چون بردارند آب سطل رابر طرف میبرد. آشامیدن آب این طرف بوسیلهٔ شیری مخصوص و بدون لیوان و آبخوری صورت می‌گیرد این شیر بدو قسمت تقسیم شده است اول فنری که میتوان آنرا فشار داد و عقب راند- دوم بستانکی که بوسیلهٔ لوله‌ای بمنبع پیوسته است وچون فنر مذکور در فوق را فشار دهند و عقب برند آب وارد لوله شده وازپستانك خارج میشود و بارتفاع آب منبع میجهد چنانکه میتوان دهان راروی آن گرفت و آب را آشامید پستانك در وسط جامی قرار دارد که آن را سوراخهائی است و آب زیادی بوسیلهٔ این سوراخها وارد لوله‌ای گردیده بسطل میریزد

نقیصه های تن چون مدرسه باید برای تمام شاگردان شرایط مساعد ایجاد کند و بهمهٔ آنها فرصت مناسب برای کار بدهد لذا کسانی که ازحیث چشم یاگوش ضعیف هستند باید مورد مراقبت خاص قرار گیرند

اگر نقصی در بینائی شاگرد هست درجائی که مدرسه پزشك رسمی دارد باید بوسیلهٔ او معین کرد ودر نقاطی که وزارت فرهنگ طبیب مخصوص ندارد معلم میتواند شخصاً بدین کار اقدام کند مطابق نظر اهل فن (۱) چشم سالم حروف چاپ‌شده را که درمربع های هفت میلیمتری محاط و بضخامت $\frac{۷}{۵}$ میلیمتر باشد از فاصلهٔ ۵ متری میتواند بخواند برای تعیین قوت وضعف چشم تابلوهائی درست کرده‌اند که در آنها حروف چاپی

(۱) اقتباس از کتاب «علم تربیت» تألیف دوموز Demoor و Jonkheere چاپ بروکسل (۱۹۲۵) صفحهٔ ۲۳۰.



ظرف آبخوری که شرح آن درمتن ذکرشده است

هرشاگردی که بیش ازپنج اشتباه کندگوشش مظنون است همین که شدت و ضعف شنوائی معین گردید جای شاگرد در کلاس معلوم خواهدشد

دوم مخصوص

کودکانی که متوجه نقص بدنی خودباشند نسبت بآن بسیار حساس میشوند و آن رااز دیگران پنهان میکنند طفلی که مثلاً گوش سنگین داردحاضر است درمقابل پرسش آموزگار وناتوانی خود (ازشنیدن سئوال او) هیچ جواب ندهد و بنظر گیج بیاید ولی سنگینی گوش خود را اظهار نکند عده‌ای از شاگردان را هنگام پس گرفتن درس بیهوش و کند وحیرت زده بنظر میآیند در صورتیکه بعضی ازآنها یادرست نمی بینند یاخوب نمیشنوند معلم باید اعتماد طفل را بخود جلب کند تاراز دار اوشود و طفل هنگامی که بهاست نقیصه های بدنی واشکالات خود را برای وی نقل کند و بدین ترتیب بهترین شرایط و اوضاع مساعدبرای کاراو فراهم گردد

باندازه‌های مختلف طبع ومعین گردیده است که‌هرسلسله رادرچه فاصله بایدوادربخواندن نمود بالموهای مذکور همه جابفروش میرسد و میتوان ازآنها تهیه کرد. طرز استعمال آنها از این قرار است که درروشنائی به بلندی چشم بفاصلهٔ ۵ متر ازطفل آویخته شود آنگاه بطفل دستورمیدهند جلو چشم چپ خودرا بامقوائی بگیرد وباچشم راست حروف‌را ابتدا از درشت آغاز بخواندن کند تابرسد بحروف ریز همین کاررا نیز برای‌چشم دیگر میکنند چشم عادی آنست که نصف حروف ریز راهم بتواند بخواند ووسعت قوهٔ‌چشم معین شد جای هرشاگرد درکلاس معلوم میشود

راجع بطرز تعیین سنگینی گوش شاگرد را درپنج‌متری قرارمیدهند بطوری‌که رویش بطرف‌ممتحن باشد وهربار تنهایک گوش‌مورد آزمایش قرارگیرد بشاگرد دستور میدهند انگشت پهلوی شست‌را درگوش‌دیگر بدون‌فشار بگذارد اگر پردهٔ گوش فشاروارد آید تولید صدا میکندو مانع کار میشود دراطاق آرامی ممتحن باصدای آهسته ازطفل پرسش هائی میکند و شاگرد بـاید‌با صدای بلند جواب دهد یا باو دستور هائی میدهد (مانند دست راتابالا ببرید ـ دهان راباز کنید. چشمهارا ببندید) واو باید اجرا نماید سیمون (۱) بجستجوی واضع تست هوش طریقهٔ ذیل‌را پیشنهاد کرده است بشاگرد قبلاً بگوئید که تنها اعداد ۸-۷-۶-۵-۴ راجزو بیست وپنج رقمی که بعد خواهید گفت بکار میبرند واو بایدیك یك آنهارا بعد ازشما بصدای بلند تکرار کند

۵	۴	۶	۷	۶
۸	۵	۷	۸	۴
۴	۴	۶	۷	۶
۵	۷	۵	۴	۶
۸	۸	۸	۵	۸

(۱) Simon

برنامهٔ رسمی مرتب نموده است حرف ودرس معلم و یادداشتهائی که شاگرد در کلاس برمیدارد هرقدر هم سود مند باشد بواسطهٔ کمی وقت موجز ومختصر است وممکن نیست بتواند جانشین کتاب شود

جزوهای هم که در ایران معلم بشاگردان املاء میکند در حقیقت بمنزلهٔ خلاصهٔ درس است وبرای تعلیم و تعلم کافی نیست شاگرد باید درمدرسه وخانه شخصاً مطالعه کند ومطالعه باید از روی کتاب صورت گیرد پس از بیرون شدن ازمدرسه وفراغ از تحصیل سر کتاب بدردشاگرد میخورد زیراکه درزندگانی اغلب آدمی نیازمند بیاد آوردن مطالبی میشود که درمدرسه آموخته است البته این مزایا وفوائد درصورتی محقق است که کتاب خوب ودارای اوصاف معینی باشد

اوصاف کتاب درسی

درکشور هائی که در راه تمدن زیاد پیش رفته‌اند از آغاز عصر جدید درفکر تهیهٔ کتب درسی بوده‌اند وحتی درفرانسه باندازهای بدین مسأله اهمیت دادند که مجلس شورایملی (کنوانسیون [1]) تألیف کتاب را بمسابقه گذاشت دراروپا وامریکا امروز رقابت کتاب نویسان وکتابفروشان باعث شده که کتابهای درسی بسیارعالی بوجود آمده است درامریکاکتابفروشیهای مهم همیشه چند تن متخصص آموزش و پرورش را که بدرجهٔ دکتری رسیده باشند برای وارسی کتابهای درسی استخدام میکنند وباین جهة بهترین کتابهای درسی درآنجا تهیه میشود درایران تاسال ۱۳۰۷ اقدام مؤثری در این باب نشده بود وهرکس برطبق سلیقه وخیال خود کتابی نوشته درمدارس معمول میداشت وبدینجهت اغلب کتابهای درسی شایستگی نداشت درمدارس بکاربرده شود زیرا که دارای اوصاف و مزایای لازم نبود کتاب درسی

(۱) Convention

فصل دوم

وسایل و افزار آموزش

برای ایجاد شرایط و اوضاع مساعد باید وسایل و افزار لازم را جهة تدریس و تعلیم فراهم ساخت عدهٔ این وسایل بسیار است و ناچار باید از مهمترین آنها در این فصل سخن راند

۱ـ کتاب یکی از این وسایل مهم کتاب است در کشورهای متمدن درجهٔ اول که آموزگاران عموماً تحصیلات عالی کرده و از دانشگاهها بیرون آمده‌اند کتاب درس یکی از وسایل ضروری است در کشور ما که پایهٔ دانش اکثر آموزگاران هنوز از شش سالهٔ ابتدائی تجاوز نمی‌کند بطریق اولی و بحکم لزوم کتاب درسی مورد احتیاج است کتاب درسی درحقیقت راه اجراء و عملی کردن برنامه را روشن میسازد و کمك بزرگی است برای معلم و تاحدی نقائص کار را رفع می‌نماید از طرف دیگر کتاب برای یاد گرفتن درس نهایت لزوم را دارد زیرا نکات مهم بیانات معلم در آن جمع است و هروقت از نظر شاگرد محو شود میتواند بدان مراجعه کند کتاب در حقیقت بمنزلهٔ معلم ثانوی است و شاگرد را هنگام لزوم هدایت و راهنمائی کند درسی که معلم گفته باتوضیح و تصاویر و نقشه‌های لازم وموضوع های تکالیف نوشتنی و تمرین و مسئله‌هائی که در درس بشاگرد داده شده همه در کتاب بطور صحیح ضبط و موجود است

کتاب مجموعهٔ نفیسی است از مطالب مهم زیرا که هر مؤلف و مصنف برای تدوین کتاب زحمت بسیار کشیده تا مواد را مطابق قوهٔ شاگرد و

پنجم - کتاب درسی ازحیث ظاهر بایدزیبا ودلربا باشد بویژه در دبستان ها کتاب باید طوری باشد که شاگرد همیشه آن را دوست بدارد وازصمیم قلب بدان رغبت داشته باشد قشنگی کتاب باعث می شود که شاگرد درس را از روی میل یاد بگیرد و دقت در فراگرفتن آن کند اصول بهداشت چشم حکم می‌کند که کتاب زیاد سفید وخط آن زیادریز نباشد برای جلب رغبت کودك فصل های کتاب نباید دراز باشد تا زود زود بپایان رسد و حوصلهٔ شاگرد از درازی آن تنگ نشود مطالب و اسامی مهم بخط درشت تر باید نوشته شود و تصویرها و نقشه های درست ودلپسند باید متعدد ومربوط بمتن کتاب باشد

جای خوشوقتی‌است که وزارت فرهنگ درسالهای اخیر بفکر این مسئله بوده‌ویك‌دوره کتاب درسی برای‌دبستانها ودبیرستانها تهیه‌وچاپ کرده که مزایای بسیار دارد و باید امیدوار بودکـه مؤلفان لایق در آینده کتابهای بهتر و کاملتر بنویسند تا وزارت فرهنگ مجبور نباشد کتابهای خودرا در مدارس اجباری کند

شمارهٔ کتاب در مدارس متوسطه معـلم در تعیین شمارهٔ کتـاب آزاد است عموماً برای هـر رشته کتابی معین میکنند

درمدارس ابتدائی در اروپا بطور کلی تعیین حداقل عدهٔ کتاب با اولیای امور است در فرانسه کتابهائی کـه باید درکلاس شاگرد داشته باشد بموجب حکم وزارتی معین شده وازقرار ذیل است

در کلاس اول و دوم کتاب قرائت کلاس سوم و چهارم پنج کتاب کتاب قرائت - دستور زبان - حساب - تاریخ کشور- اطلس کـوچك جغرافیا درکلاس پنجم و ششم شش کتاب کتاب قرائت -

باید دارای اوصاف ذیل باشد

بحسب مختص شاگردانی باشد که آن را میخوانند یعنی باسن ووه وفهم آنها تطبیق شود اغلب مؤلفان کتابهائی برای دبستانها مینوشتند که از اندازه فهم شاگردان خارج بود واز ناچاری ویکتائی در مدارس متداول میشد . از این قبیل کتابها شاگرد استفاده نمیکند - قسمت مهم را از غیر مهم تشخیص نمیدهد - هرقدر زحمت بکشد معلومات مبهم و نامفهوم در دماغ او باقی میماند و سر انجام نفرت حسته و از تحصیل بیزار میشود.

دوم - کتاب درسی باید از حیث مقدار مطلب کوچك و از لحاظ درستی مطلب کاملاً محل اطمینان باشد در کتابهای مدارس ابتدائی تنها مطالب مهم و لازم باید منظور گردد و برای هر مطلب توضیحات زیاد داده و شواهد و امثال بسیار آورده شود مطالبی که هنوز بثبوت نرسیده و فرضیات و عقائد مبالغه آمیز نباید در کتب درسی نوشته شود

سوم - برای سهولت وفهمیدن ویاد گرفتن مطلب باید بر طبق نظم و ترتیب معینی کتاب تدوین شده باشد - تقسیمات بزرگ و کوچك آن واضح وروشن - فهرست مندرجات آن مفصل ومشروح باشد تا بآسانی بتوان مطلبی که منظور است پیدا کرد معلم وقتی میخواهد کتابی برای کلاس خود انتخاب کند باید مقدمه یا دیباچهٔ آن را بخواند و از عقیدهٔ مؤلف آگاه شود وهمچنین باید فهرست مطالب را ملاحظه کندو از محتویات کتاب وطرز طراحی مطالب مطلع گردد

چهارم - ازحیث بیان وعبارت کتاب درسی باید روان وساده باشد یعنی از تعقید وکلمات مغلق ومهجور خالی باشد

تطبیق نماید درچهار کلاس اول مدارس ابتدائی بعد ازدادن درس زبانی خواندن کتاب حتمی و ضروری است و لیکن در کلاسهای آخر مدارس ابتدائی بویژه کلاسهای متوسطه خواندن وتشریح کتاب منوط بداشتن وقت است

کتاب ودرس

باوجود تمام فوائد ومحسنانی که برای کتاب شمرده شد باید اعتراف کرد که کتاب های درس معلم را نمیتواند بگیرد هیچوقت تنهائی ازروی کتاب نمیشود دانشی آموخت و بپایه‌ای نایل شد دردبیرستان و بویژه در دبستان نمیتوان بدون درس معلم تحصیل کرد کتاب دردست معلم مانند افزاراست در دست کارگر هر اندازه دست افزار خوب باشد نمیتواند جانشین کارگر شود کتاب هم هراندازه نیکو باشد ممکن نیست جاگزین آموزگار گردد زیرا که اولاً کتاب برای شاگردان کلاس مخصوص مدرسه معینی نوشته نشده بلکه برای عموم مدارس نوشته شده و برحسب اقتضای مکان و استعداد اطفال معلم باید بعضی از مطالب کتاب راتکمیل و پاره‌ای را حذف کند ثانیاً کتاب هر اندازه هم ساده تألیف شده باشد دارای کلمات واصطلاحاتی است که شاگرد بدون تشریح وتفسیر ممکن نیست بفهمد ثالثاً کتاب برای هر مطلب یکی دو مثال و تشبیه بیش نمیتواند داشته باشد والاحجم بزرگ میشود معلم بایستی امثال متعدد بیاورد و تشبیهات مختلف بکند تا شاگردان خوب مطلب را بفهمند و فرا گیرند رابعاً کتاب هر اندازه ظریف و قشنگ باشد جامد وبیروح است و کار زبان معلم را نمیکند و تهییج نمینماید و تنها برای قوهٔ حافظه مفید است باخواندن کتاب چون مکالمه ومباحثه ومذاکره‌ای در میان نیست قوهٔ ممیزه هم رشد نمیکند

دستور زبان - حساب - تاریخ عمومی - اطلس جغرافیا - تعلیمات مدنی واخلاق داشتن این کتابها اجباری است ولی معلم میتواند برشمارهٔ آنها بیافزاید بدیهی است که باید ازطرف دیگر عدهٔ کتاب را زیاد معین کرد زیرا هم شاگرد گیج میشود وهم بهای خرید آنها برای عدهٔ زیادی تحمل ناپذیر میگردد

شمارهٔ کتابهائی که وزارت فرهنگ از ۱۳۰۷ تاکنون برای دبستانها بطبع رسانیده و بهای ارزان در دسترس همه گذارده از این قرار است از کلاس اول تاچهارم یك کتاب برای هر کلاس - در کلاس پنجم و ششم دو کتاب قرائت برای دختران و پسران و یك کتاب تاریخ ویك کتاب جغرافیا

طرز استعمال کتاب

البته طرز استعمال کتاب بر حسب موضوع فرق میکند کتاب قرائت فارسی راباید در تمام مدت درس بکاربرد ولی در مواد دیگر اینطور نیست دستور کلی که دراستعمال کتاب باید بمعلم داد اینست که همیشه درس را برطبق روش ونقشه وطرح کتاب بگوید تاشاگرد هنگام مراجعه متحیر نشود که درس خود را مطابق کدام ترتیب یادبگیرد و بخاطر بسپارد ازهمین لحاظ است که باید حتی المقدور انتخاب کتاب رابعهدهٔ خود معلم واگذار کرد تاسلیقه‌اش را باسلیقهٔ مؤلف وفق دهد وبتواند ترتیب کتاب رادر تدریس خود ایجاد کند دردبستانها و دورهٔ اول دبیرستان معلم باید درس خودرا از خارج بر طبق دستور فوق بگوید و توضیحات لازم را بوسیلهٔ آزمایش و نوشتن روی تختهٔ سیاه بدهد و در صورتیکه وقت کافی باشد وادار کند یکی ازشاگردان ازروی کتاب بخواند هنگامی که شاگرد میخواند معلم باید بمرور اصطلاحات دشوار و کلمات مشکل را بیان کند و مطالبی که در کتاب است با درسي که قبلاً داده

زیرا که وقتی معلم چیزی بر آن نوشت بواسطهٔ درشتی خط همهٔ شاگردان در یك زمان می بینند واستفاده میکنند و از این راه مقداری وقت صرفه جوئی میشود

ثانیاً مطالبی کـه معلم میگوید ودرروی تختهٔ سیاه نشان میدهد کاملاً روشن میشود وشاگرد زود ملتفت میگردد از طرف دیگر بچیزی که روی تختهٔ سیاه نوشته شده یاصورتی که رسم گردیده هرنوع تغییری ممکن است دادهشود

ثالثاً همینکه مطالبی روی تختهٔ سیاه به شـاگرد نشان داده شد بهترو آسان تر فرا میگیرد زیرا که بیشتر توجه و دقت میکند وحواسش بهتر جمع میشود وچشمش دریاد گرفتن درس باو کمك مهمی میکند .

غیراز فوائد عمومی مذکور تختهٔ سیاه برای هرموضوعی از برنامه سودمند وبلکه ضروری است درتعلیم نوشتن آموزگار حروف را در روی تختهٔ سیاه جلوی چشم شاگردان مینویسدوباین ترتیب حرکاتی را که دست باید بکند بآنها نشان میدهد در مشق خط ونقشه کشی و نقاشی معلم سرمشق را روی تخته مینویسد ومیکشد در حساب وجبر و هندسه معلم ارقام وصورت مسئله را در روی تخته مینویسد و اشکال هندسی را رسم میکند وقضایای هندسی را ثبوت میرساند در فیزیك وشیمی وتاریخ طبیعی معلم تصویرهای لازم وشکل اسباب هائی که در آزمایشگاه مدرسه نیست روی تخته می کشد و آزمایشهائی که باید کرد ازروی شکل نشان میدهد همین طور هنگام آموختن دستور زبان مثالها را می نویسد ودر مورد املاء لغتهای مشکل را ــ درمورد جغرافیا نقشهرا میکشد ــ درمورد تاریخ نقشه وطرح درس وجدولهای تاریخی رارسم میکند .

یادآوری مهم

اغلب از شاگردان دبستان و دبیرستان وقتی تغییر کلاس میدهند یا از مدرسه خارج میشوند کتابهای خودرا میفروشند باید این کار آنها را منع کرد زیرا اولاً اصول بهداشت قدغن میکند که کتاب مستعمل را بفروشند و باین ترتیب بدست دیگری برسد چون ممکن است صاحب آن امراضی داشته باشد که بوسیلهٔ کتاب بدیگران سرایت کند ثانیاً باید بشاگرد فهماند که کتاب درسی یادگار ایام کودکی وروزگار جوانی اوست و بعدها پشیمان خواهد شد که چنین یادگار بر بهائی را از دست داده است ثالثاً پس از بیرون شدن از مدرسه و نداشتن معلمی که نیازمندی و اشکالات او را رفع کند تنها کتاب یاری او خواهد شتافت

۳ـ تختهٔ سیاه

دیگر از ابزار و وسیلهٔ آموختن تخته سیاه است که ممکن است به شکلهای مختلف در آید بعضی اوقات تخته یک پارچه است گاهی دو لنگه است و دور یک لولا می‌چرخد گاهی هم آنرا روی سه‌پایه قرارداده و برحسب اقتضا بالا می‌برند وپائین میآورند نوع دیگر تختهٔ سیاه که بدستور نگارنده در مهر ۱۳۱۱ در دانش سرای عالی ساخته شد تختهٔ دیواری است قسمتی از دیوار اطاق درس را که برابر چشم شاگردان است بسیار صاف نموده و با صفحه های شکستهٔ گرامافون ورنگ سیاه وروغن مخصوصی آنرا برای تحریر آماده کردند

چون نتیجهٔ بسیار خوب از این آزمایش گرفته‌شد وزارت فرهنگ آن را از ۱۳۱۲ ببعد در مدارسی که عمارت آن متعلق بدولت است معمول داشت.

سود تختهٔ سیاه بسیار است اولاً موجب سهولت آموختن است

کلاس فراهم کند تا بوسیلهٔ آنها بتواند درس خود را باروح نموده مطالب خودرا مرکوز ذهن شاگردان کند ولی نباید تصور کرد که نقشه‌های مزبور برای آموختن جغرافیای مفصل کافی است در کلاسهای دبیرستان معلم وقتی جغرافیای مفصل ایران را تدریس میکند باید هر قسمتی از کشور را که موضوع درس است خود در روی تختهٔ سیاه رسم کند و عوارض طبیعی وجای شهرها ودیگر مختصات رانیز هنگام تعلیم در روی همان نقشه نشان دهد برای چهار کلاس اول دبستان علاوه بر نقشه‌های مذکور باید تصویر عوارض جغرافیائیرا نیز بدیوار کلاسها نصب کرد و هنگام درس اصطلاحات را برای شاگردان بیان نمود

درآموختن تاریخ نیز معلم بنقشه وتصویر نیازمند است ولی باید این نقشه‌ها وتصویرها مطابق باحقیقت باشد و گرنه مسائل بر خلاف حقیقت دردماغ شاگرد جای میگیرد و اورا گمراه می‌کند این نقشه ها وتصویر هاعبارتست مثلاً از تصویر آثار ملی وبناهای باستانی و مردمان بزرگ تاریخی و عکس یانقاشی آنچه زندگانی گذشتهٔ نیاکان مارا روشن سازد مانند خانه و اثاثیه و ظروف و جامه وغیره علاوه بر تصویرهای تاریخی تصویر جانوران وگیاهها وسنگها و پاره‌ای از اندام های آدمی و طرز کار کردن آنها برای آموختن علم اشیاء و تاریخ طبیعی سخت لازم است برای تدریس زبان خارجه نیز اگر روش مستقیم ایجاد شود باید تصویرهای بزرگ دیواری راجع بزندگانی روز گذار داشت و بشاگردان یادداد مشاهدات خود را بزبانی که یاد میگیرند بیان کنند اگرشاگردان دردورهٔ دوم متوسطه باشند مناسب تر آنست که تصویر ها بقطع کوچك بشکل کتاب مخصوصی باشد که بتوان باخود بخانه بردیابه آموزشگاه آورد

جای تخته در کلاس

این همه فایده که برای تختهٔ سیاه ذکر شد برای این است که از آن بهره‌مند شوید و هر اندازه ممکن است آنرا بکار برید استفادهٔ شاگردان در صورتی است که جای تختهٔ سیاه در کلاس نیك ومناسب باشد (چنانکه درگراور صفحهٔ ۱۸۸ این مسئله هویداست) . برای اینکار باید شرایط زیررا در نظر گرفت تختهٔ سیاه باید

۱- دربرابرشاگردان وجلو روی آنها باشدتا همه بخوبی ببینند .

۲ - دردسترس معلم‌قرارداده شده باشدتا بتواند هرچه میخواهد بآسانی روی آن بنویسد وهر تصحیحی که لازم بداند از تکلیف بکند .

۳ - بارتفاعی ازکف کلاس باشد که بطوری که دست شاگردان بهمه جای آن برسد .

٤ - طوری باشدکه روشنائی از برابر تختهٔ سیاه یا از جلو روی شاگردان داخل اطاق درس نشود وگرنه چیزی که در روی تخته نوشته شده باشد شاگردان نمی‌بینند

٥ - برای کلاسهای ابتدائی بعضی اوقات لازم میشود که یك طبقه ازشاگردان دور تخته گرد آیند وطبقه های دیگرمشغول کار دیگر باشند در آن صورت باید این مسئله را نیز در تعیین جای تخته در نظر گرفت وطوری کرد که در اطراف تختهٔسیاه بحد کفایت برای ایستادن یك عده شاگرد مکان خالی موجود باشد

۳ - نقشه

علاوه بر اطلس جغرافیا که هر یك از شاگردان برای یادگرفتن جغرافیا باید داشته باشد مدرسه باید حتی‌الامکان یك دوره نقشهٔ ایران و پنج قطعهٔ عالم وجهان نمای مسطح برای هر

کلاس (۱) بعهدهٔ یك معلم واگذار می‌شود تکلیف کتبی وسیلهٔ ترتیب وتنظیم درس است . دراین آموزشگاهها معلم ابتدائی یکی از کلاسها درس میدهد و آنها را وادار می کند یك تکلیف کتبی راجع بهمان درس انجام دهند ودرمدتی که شاگردان مشغول بجا آوردن تکلیف هستند تدریس کلاس دیگر میپردارد . جای تأسف است که با وجود این همه فایده معلمان ما بواسطهٔ گرفتاری در دادن تکلیف کتبی قصور ورزیده‌اند . باید امیدوار بود که آموزگاران جدید که بر موز تربیت آگاهی پیدا میکنند ازانجام این وظیفهٔ مهم غافل نشوند.

انتخاب موضوع تکلیف کتبی در صورتی فایده های مذکور را دربر دارد که موضوعش دارای اوصاف مخصوص باشد . آن اوصاف از این‌قرار است

۱ـ تکلیف کتبی باید اختصاص بشاگردانی داشته باشد که آن را انجام میدهند یعنی مطابق قوهٔ آنها باشد بطوریکه نه زیاد آسان باشد که وقت آنها بهدر رود نه زیاد مشکل که موجب خستگی دماغ آنها شود. بعلاوه همانطور که درس بتدریج پیش میرود تکلیف کتبی هم بایدازحیث آسانی وسختی تدریجی باشد.

۲ـ درانتخاب موضوع بایدهمیشه بقسمتهای سودمند ومهم برنامه پرداخت. دردبستانها بویژه باید بیشتر به عملی بودن موضوع توجه‌داشت

---

(۱) در بوانگرترین کشورهای متمدن دبستانهای دهکده‌ها بموجب عدهٔ شاگرد یك یادو آموزگار واگذار شده است اگر عده از چهل تن تجاوز نکند تمام کلاسهای ابتدائی را دریك اطاق جامیدهند و یکنفر معلم مطابق ترتیب فوق به پرورش آنها گماشته میشود اگر عده به ۶۰ تا ۷۰ نفر رسید نصف کلاسها بعهدهٔ یکنفر و نصف دیگر بعهدهٔ آموزگار دیگر محول میشود

۴ـ تکلیف کتبی

تکلیف کتبی عبارتست از کلیهٔ تمرینهای کتبی مانند خلاصه کردن متن کتاب قرائت ـ انشاء ـ حل مسئله و اعمال ریاضی ـ پروراندن موضوع‌های تاریخی و جغرافیائی ـ رسم کردن نقشه بدون رنگ آمیزی ـ صرف کردن افعال وغیره غرض از تکلیف کتبی آنست که شاگرد قواعد وقوانینی که در کلاس یاد گرفته بمورد عمل گذارد وشخصاً مبادرت بتفکر وتعمل و کارکردن کند تکلیف کتبی مکمل ومتمم کتاب ودرس زبانی است

فایده‌های آن

تکلیف کتبی هم برای معلم سودمند است هم برای شاگرد اولاً شاگرد چون میداند که از روی تکلیف کتبی معلوم خواهد شد در کلاس درس را گوش داده یانه کوشش میکند تکلیف خود را با دقت انجام دهد بعلاوه درسر درس بحرف معلم توجه مخصوص میکند تابتواند از عهدهٔ انجام تکلیف کتبی برآید ثانیاً تکلیف کتبی کمك بزرگی است برای حافظهٔ شاگرد زیراکه مطالب درس بوسیلهٔ تکلیف کتبی دردهنش روشن وجای گیر میشود تمام آموزگاران و شاگردان معتقد هستند که عموماً درس را وقتی خوب یـاد میگیرند که تکلیف کتبی راجع بدان بجاآورده باشند ثالثاً تکلیف کتبی موجب بروز استعداد شاگردمیشود زیراکه در انجام تکلیف کتبی شاگرد مجبور است شخصاً تفکر کند وباین ترتیب قوای خودراسنجد واندازه گیرد و عادت کند به پیداکردن فکروداشتن استقلال فکری

رابعاً بوسیلهٔ تکلیف کتبی معلم قوهٔ شاگرد را بدست می آورد و میفهمد قوهٔ ابتکارش چه اندازه است و ترقیاتش ازچه قـرار و در کدام رشته ذوق مخصوص دارد خامساً در مدارس دهکده ها که چند

واهمیت آن و مکرر نشدن مطلب مراقبت های لازم را نمود و همچنین برای اینکه تکلیف تمام مواد برنامهٔ سالیانه مربوط باشد معلم باید موضوعهای تکلیف را در آغاز هرسال تحصیلی برای تمام آن سال تهیه و پیش‌بینی کند

تصحیح تکالیف

تکلیفی که داده میشود باید تصحیح کرد تصحیح هم منحصر بخاطر نشان کردن اغلاط و تعیین نمرهٔ شاگرد نیست بلکه عبارتست از اصلاح و تنقیح تکلیف و دستگیری شاگرد و جلوگیری از تکرار خطا . تصحیح باید شاگرد را متنبه کند که کار خود را بهتر انجام دهد و باندازهٔ خود درس مؤثر درپرورش او باشد

در کلاس همهٔ شاگردان بیك نحو تکلیف کتبی را بجا نمیآورند بعضی زیادتر دقت نموده بهتر موفق میشوند و برخی کمتر بهمین جهة بهر یك جداگانه باید معایب تکلیفش را خاطر نشان نمود این نوع تصحیح را تصحیح فردی گویند بعلاوه تمام شاگردان کلاس باید بدانند چگونه تکلیف را بایستی انجام داده باشند واین تذکار باید بهمهٔ شاگردان یکجا داده شود این طرز تصحیح را تصحیح جمعی نامند

تصحیح فردی

معلم باید باکمال دقت و مراقبت تصحیح فردی را بجا آورد زیراکه شاگرد برای نوشتن تکلیف زحمت کشیده وزحمت او هراندازه کم باشد قابل توجه ومحل اعتناست معلم قبل ازهر چیز باید دومسأله را مورد توجه مخصوص قراردهد نخست آنکه تکلیف کتبی با دقت انجام شده وازحیث فکر و نظر و سبك نویسندگی ارزش داشته باشد دوم آنکه ازحیث صورت ظاهر شاگرد مراقبت تام نموده باشد یعنی برگ یا دفتر تکلیف راپاکیزه وباخط خوانا وباحاشیه

و دید در زندگانی شاگرد بکدام دسته از دروسی که می خواند و کدام فصل بخصوص بیشتر نیازمند است آنگاه موضوعهای تکلیف کتبی را ازمیان آنها برگزیند.

۳ ـ تکلیف کتبی باید زیاد دراز ومفصل نباشد بلکه متناسب باشد با وقتی که شاگرد میدهد. معلم باید بادقت حساب کرده ببیند شاگرد چقدر وقت لازم دارد وتکلیفی که میدهد به اندازه‌ای باشد که در آنمدت کاملاً انجام یابد وگرنه شاگرد یاتکلیف را بد بجا میآورد و همینطور به بیقیدی خو می گیرد ویاانواع حیله را بکاربرده تکلیف خود راظاهراً خوب جلوه میدهد درصورتیکه شاید اساساً درانجام تکلیف سهیم نبوده و باتقلب کاغذی را پر کرده وتحویل داده‌است.

٤ـ علاوه بر دقتهائی که باید در انتخاب موضوع بعمل آورد باید این نکته راهم درنظرداشت که غرض از دادن تکلیف کتبی بشاگردتولید اشکال برای او نیست بلکه مقصوداینست که شاگردمعتاد شود باستدلال واقامهٔ برهان وبیان مطلب. بنا براین باید موضوع تکلیف‌راخوب‌فهماند و حتی راه رسیدن بمقصود را نیز نشان داد مثلاً اگر معلم حس کرد شاگردان قواعد وقوانینی راکه‌باآنها تدریس شده فراموش کرده‌اند یا در دانستن آن تردید دارند یانکات مهم موضوع رانمیتوانند بازشناسند باید بآنها بگوید وآنهارا راهنمائی کند. بالاخره شاگرد را بطرز نوشتن تکلیف و ترتیب صوری آن از حیث حاشیه و فاصلهٔ خطوط و قید نام وتاریخ وغیره بایدآشنا نمود تا از همان زمان مدرسه بنظافت و نظم و ترتیب عادت کند.

٥ ـ برای اینکه بتوان نسبت به علمی بودن موضوع تکلیف کتبی

ه‍ـ امتحان یکی از وسایل تعلیم امتحان است . امتحان برای آن ایجاد شده که معلم از نتیجهٔ آموزش خود آگاه شود و بداند شاگرد درسش را فهمیده است یا نه اگر فهمیده بتدریس خود ادامه دهد و اگر نفهمیده درمقام کشف علل برآید . اگر عیب درروش تدریس اوست رفع کند و اگر شاگرد کم هوش یا نسبت بدرس او دلبستگی ندارد بکلاس و مدرسهٔ دیگرش فرستد یا کاری انجام دهد که مورد علاقه ومطلوب طبع او باشد

بنابراین تعریف نباید برای طفل تولید اشکال نمود و از او پرسش هائی کرد که از ذهنش دور باشد امتحان را بنحوی باید انجام داد که شاگرد آنرا یك کار عادی بداند و از آن ترس و واهمه نداشته باشد پس هرانداره ممکن باشد باید از شدت آن کاست و برعدهٔ جلسه‌های آن درطرف سال افزود .

بهترین نوع امتحان آنست که مرحله بمرحله باشد یعنی همین که مبحث معینی از کتاب یا ماده‌ای تدریس‌شد امتحان آن مبحث بعمل آید سپس بمبحث بعد پرداخته شود ودر امتحان ثانوی تا حدی که مربوط بحافظه وجزئیات است ازمبحث اول سؤال نکنند بلکه تا ممکن‌است از مبحثی که بعداً تدریس شده امتحان بعمل آورند .

برای عملی کردن این اصل کافی است سال تحصیلی بسه تا چهار بخش تقسیم شود و درهر بخش تمام مواد بتدریج (مثلاً از قرار هفته‌ای یك ماده) امتحان شود . البته این نوع امتحان را نباید کماً بعمل آورد وگرنه وقت زیاد ازشاگرد ومعلم میگیرد . در عوض در آخرین امتحانی که در پایان سال تحصیلی میشود ممکن است زبانی نیز امتحان

تسلیم کرده باشد معلمی که در این قسمت غفلت روا دارد و سهل انگاری کند مقصر است زیرا که شاگرد از عهد کودکی به بیقیدی و بی سلیقه گی خو میگیرد و این خو برای او در تمام عمر باقی میماند

راجع به تصحیح باید معلم هم قسمت خوب تکلیف را خاطر نشان و تمجید نماید و هم قسمت بد را گوشزد کند البته این کار در صورتی امکان پذیر است که معلم با دقت تمام تکلیف را مرور نموده باشد ملاحظات و یادداشتهائی که در حاشیهٔ تکلیف راجع باغلاط میشود باید با مرکب سرخ باشد و مختصر و روشن و خوانا نوشته شود نمره یعنی علامتی که حاکی از ارزش زحمت شاگرد است باید در بالای تکلیف گذاشته شود در دبیرستان معلم باید حتی المقدور عقیدهٔ خود را دربارهٔ هر تکلیف در یکی دو سطر در بالای برگ یا دفتر اظهار کند

کجا باید تکلیف را تصحیح کرد ؟ در دبستان بویژه در کلاسهای اول معلم مختار است که تصحیح فردی را در کلاس انجام دهد یا در بیرون ولی در کلاسهای آخر دبستان و مخصوصاً در دبیرستان تصحیح تکلیف در سر درس غیر ممکن بنظر میآید و معلم باید در بیرون کلاس این وظیفه را ادا کند

تصحیح جمعی معلم پس از آنکه در کلاس یا در بیرون تمام تکالیف را از نظر گذرانید ملتفت میشود چه نقیصه هائی در کلیهٔ آنها موجود است و آنها را در کلاس در روی تختهٔ سیاه بشاگردان خاطر نشان میکند و راه رفع آنها را ارائه میدهد از این رو تصحیح جمعی مکمل تصحیح فردی است و در حقیقت برای اینست که یك نکته چندین بار تکرار شود و وقت بهدر نرود

ومحال هم برای مراجعه داشته باشد

سومین فایدهٔ امتحان کتبی اینست که امتحان مذکور بسیار عالی است ومعلم نیروی هر شاگرد را در هر رشته میسنجد وازروی برگهای امتحان کتبی ونمره‌هائی که میدهد جای اورا معین میکند

چهارمین فایدهٔ امتحان کتبی تولید همچشمی است درمیان شاگردان امتحان کتبی حس غرور شاگرد را تحریك میکند واورا وادار بکوشش وجهد مینماید ولی برای اینکه این رقابت مبدل بنغض و حسادت نشود معلم پس از تصحیح فردی که باید حتماً درخانه بعمل آید برگهای امتحان را باید بشاگردان دهد که اغلاط و اشتباهات خودرا ببینند و بفهمند نمره‌ای که بآنان داده شده ازروی استحقاق بوده تا بطیب خاطر بپذیرند ونسبت بهمدرس خود کینه دردل نگیرند

امتحان کتبی عموماً راجع است بفارسی وزبان خارجه و ریاضی و علوم طبیعی وتاریخ وجغرافیا یعنی شش رشته ازدروس برنامه ممکن است معلم در سر هردو ماه که شصت روز باشد یك امتحان کتبی راجع بتمام مواد بعمل آورد در اینصورت فاصلهٔ میان امتحان کتبی دو رشته ده روز خواهد بود و این مدت برای مراجعه و حاضر کردن امتحان کافی است

۶ـ کتابچه یکی ازوسایل دیگر آموزش کتابچه است تکلیف ها راکه شاگرد بجا میآورد در کتابچه مینویسد

متوسطه وعالی عدهٔ این کتابچه ها نسبه بنظر معلم وشاگرد اه دبستانها بعضی ازمعلمان تصور میکنند بهمان اندازه که تجربهٔ م، فهم درس را آسان میکند بتکثیر عدهٔ دفتر بیر کار بتکلیف را سهل‌مینم جهت ملاحظه میشود که برای هرموضوع یك دفتر بتکلیف معین

کرد و باین ترتیب بهتر از دقایق امر آگاه شد

فوائد امتحان کتبی

امتحان کتبی درحقیقت تکلیف کتبی مخصوصی است که در اوقات معین سال باشرایط واحد و در نظر معلم شاگردان یك کلاس انجام میدهند ومعلم بوسیلهٔ نمرههائی که میدهد شاگردان را طبقه بندی میکند امتحان کتبی چهارفایدهٔمهم دارد

نخست آنکه چون امتحان کتبی راجع بموادی است که در برنامه پیش بینی ودر آموزشگاه تدریس شدهو اوقات آن نیز قبلاً معین و اعلام شده است شاگرد باکمال جد مشغول مراجعهومذاکره شدهمطالب درحافظه‌اش منقوش و مرکوز میشود.

دومین فایدهٔ امتحان کتبی آن که شاگرد مجبور میشود تمام حواس خودرا جمع کند و در مدت معینی بمقصود خود نایل گردد و این مسئله برای شاگردان مسامحه کار ومردد بسیارمفید است زیرا آنهـارا وادار میکند که کار معینی را دروقت معینی انجام دهندو بدین ترتیب عادت کنند باتخاذ تصمیم واجرای آن درمقابل این دوفایدهٔ بزرك یك خطر بزرگ نیز موجود است

در کلاسهای آخر دبستان ودر دبیرستان بواسطهٔ تعدد موضوعهای درس وزحمت زیادی که برای مراجعهٔ درس باید کشیدشاگردان مجبور بد بیش ازاندازه کار کنند بعلاوه ترس از امتحان هم درفکر آنهـا بی‌اثر نیست باین جهات شاگردان بی خواب میشوند ـ سر درد پیدا میکنند وبالاتر از همه اعصاب آنها ازحال اعتدال ونظم خارج میشود اینست که علاوه بر رعایت نکاتی که دربالا ذکرشد باید میان امتحانهای کتبی مواد مختلف که درعرض سال میشود فاصله کافی گذارد باشاگردوقت راحت پیدا کند

میزان معلومات و پیشرفتهای شاگرد و عادتهائی که ازحیث نظم و ترتیب و نظافت پیدا کرده معین میشود وروش آموختن آموزگار ورعایت برنامه یا رعایت نکردن آن معلوم میگردد

دفتر روزانه ازحیث کاغذ و جلد باید دارای اوصاف مخصوصی باشد روی جلد صور تصویر هائی باشد که چشم شاگرد را خوش آیدودل اورا برانگیزاند کاغذدفتر نباید زیاد نازك باشدبا ز قلم سوراخ وبآسانی از شیرازه پاره شود برای دفتر کاغذ ابری مناسب نیست زیرا مرکب در روی آن پهن میشود ولی نازك و ابری بودن نسنده نیست کاغذ باید خط دار باشد تاشاگرد براست نویسی خو کند

دستوری که راجع باین دفتر باید بمعلم دادایست که چون شاگرد همیشه بآموزگار خود اقتدامیکند آموزگاردرتصحیح تکلیف وپاکیزگی دفترونوشتن نظر خود بایدمراقبت تام کند . باید کوشش کرد که هم دفتر ها شبیه بهم باشد وهم تکلیف هر روزاز آن روز بعد بوسیلهٔ خط افقی که تمام پهنای دفتررا بگیرد جدا شود ــ تاریخ در وسط صفحه قید گردد ــ عنوان وموضوع تکلیف را بخط جلی بنویسند ــ برای فارسی دردست راست وبرای زبانهای اروپائیدردست چپ سه چهارسانتیمتر حاشیه بگذارند

دفتر کلاس

دفتر کلاس کتابچه‌ای است که تعلق بهمهٔ کلاس دارد ودر مدرسه نگاه میدارند و عبارتست از دفتری که هر روز یکی از شاگردان کلاس برحسب ترتیب حروف الفبا تکلیف های روزانهٔ خودرابجای اینکه دردفترروزانه بنویسد در آن مینویسدو دستینهٔ خودرا پای آن میگذارد

این دفتردوفایده دارد نخست آنکه چون تکلیفهای شاگردان

و پاره‌ای اوقات برای هرفصل ازهر موضوع یك دفتر مانند دفتر جمع و دفتر تفریق و مانند آن. البته این ترتیب در آموزشگاههای ما معمول نیست بلکه درسیاری از آنها بکار بردن کتابچه امرمجهولی است

کتابچه فوایدی دارد که دراینجا بیان خواهدشد. این فوائدنشان میدهدکه نمیتوان از آن صرف نظر کرد ولی ازطرف دیگر افزودن عدهٔ کتابچه دوضرر دارد. یکی اینکه شاگرد نوآموز گیج وپریشان خاطر شده کارش مشکل میشود و دیگر اینکه وقتی عدهٔ کتابچه زیاد شد هر کتابچه مدت مدیدی طول میکشد ودیر بپایان‌میرسد وباین جهت دردست طفل پاره و کثیف میشود. بنظر نگارنده در دبستان سه کتابچه برای فارسی وجغرافیا وتاریخ وحساب وهندسه وعلم‌اشیاءکافی است. این سه کتابچه عبارتست از دفتر روزانه - دفتر کلاس - دفتر امتحان. برای نقاشی و مشق خط هم دودفتر مخصوص لازم‌است

دفتر روزانه دفتری است که شاگرد تمام تکلیف های کتبی روزانهٔ خودرا برحسب تقدم وتأخر زمانی در آن مینویسد .

دفترروزانه دفتری نیست که تکلیف ها درآن پاك نویس‌شود بلکه همان تکلیفی‌راکه شاگرددرنخستین‌بارمیخواهد بجاآورد درآن دفترمینویسد البته مانعی‌هم ندارد که طرح ونقشهٔ تکلیف رااز پیش روی برگ‌جداگانه بریزد سپس آنرا دردفتر برد چون روزی دوسه تکلیف دردفتر روزانه نوشته میشود زود بزود بپایان میرسد و کثیف وپاره نخواهدشد وشاگرد برگهای چرکین درپیش چشم نخواهد داشت

فایدهٔ بزرگ این دفتر نیز از همینجا ناشی است که شاگرد عادت میکند بنظم وپاکیزگی وخوش سلیقه‌گی. بعلاوه از ورق زدن این دفتر

ومراحلی که وی در تحصیلات پیموده است بخوبی نشان میدهد وازهمین لحاظ روزی را که شاگرد درامتحان غائب بوده است باید دردفتر قید کرد

بعلاوه شاگرد ازامعان نظر دراین دفتر و سنجش امتحانهای کتبی که درظرف سال داده ملتفت میشود که پیشرفت کرده یانه و این ملاحظه درهرحال اورا در تحصیل کوشاتر وجدی‌تر میکند

۷-آزمایشگاه آزمایشگاه عبارتست از محلی که تجربه های علمی راجع بفیزیك وشیمی وتاریخ طبیعی درآن بعمل میآید بنابراین شامل اطاقهائی است که همه گونه آلات وابزار ومواد لازم برای اجرای تجربه‌های مذکور درآن موجود است عموماً آزمایشگاه دارای سکوی بزرگی است که در روی آن معلم اعمالی راکه میخواهد بمعرض نمایش میگذارد و تمام شاگردان بادقت نگاه میکنند بعلاوه در هر آزمایشگاه بعدهٔ اشخاصی که باید عمل کنند سکوهای کوچکی بشکل مربع هست که از کاشی فرش شده وروی هرسکو شیرآب و شیرگاز برای گرم کردن موجود است دراروپا وامریکا عموماً دبستان ها آزمایشگاه مخصوص ندارد زیـرا درآنجا تنها مقدمات فیزیك وشیمی وعلوم طبیعی تدریس میشود وبرای تجربه اسبابهائی بکارمیبرند بسیارساده و ارزان که اغلب آنها راخودآموزگار تهیه میکند ولی دبیرستانها ودانش‌سراها ومدارس عالی برای هررشته ازعلوم دارای آزمایشگاههای کامل میباشد

بطورکلی تجربه های مهم را معلم درحضور شـاگردان مینماید و تمام جزئیات کار را مانند سوار کردن اسباب واحتیاطهای لازم برای جلوگیری از سانحه و طرز مشاهده وثبت نتیجه‌ها را بآنان نشان میدهد و آنوقت همه را مأمور وموظف میکند که همان اعمال را خودشان مجری دارند

کلاس پهلوی هم نوشته میشود تولید هم چشمی میان آنها میکند و هر یك کوشش میکند تا تکلیفش بهتر از مال دیگران شود دوم آنکه دفتر مزبور حاکی از پیشرفتهای کلاس است و نشان میدهد که روش آموختن چگونه بوده و بچه نتایجی منتهی گشته است زیرا که از روی تکلیف‌های کتبی شاگردان میتوان بخوبی استنباط کرد درجهٔ پیشرفت آنها در تحصیل چه اندازه بوده و روش تدریس خوب بوده یا نه بنا بر این بازرسان آموزشگاه و مدیر مدرسه از روی این دفتر میتوانند ارزش و پایهٔ آموزگار را تشخیص دهند

دفتر امتحان این کتابچه دفتریست که امتحانهای کتبی در آن نوشته می‌شود اگر سال تحصیلی را که از ۱۵ شهریور تا آخر خرداد است بچهار قسمت مثلاً تقسیم کنند و در هر قسمت که دوماه است از تمام رشته های درس امتحان کتبی کنند در ظرف سال چهار امتحان کتبی راجع بهریك از مواد نموده‌اند این امتحانها باید در دفتر امتحان نوشته شود روزهای امتحان کتبی قبلاً در آغاز هر دوماه در مدرسه و در هر کلاس اعلام شده و همهٔ شاگردان از پیش آگاه هستند

عموماً در هر دو ماه یك بار در همان ساعت که بر حسب جدول ساعات باید فلان درس داده شود امتحان کتبی از همان ماده بعمل میآید و آموزگار دفتر را در خانه تصحیح میکند و نمره میدهد

این دفتر در دبستانهای فرانسه از سال ۱۲٦٥ هجری خورشیدی (۱۸۸۷ میلادی) باین طرف اجباری است و باید در ادارهٔ مدرسه باشد و گاه‌گاهی برای اطلاع اولیای شاگردان فرستاده شود که پس از ملاحظه باز گردانند این دفتر براستی چون تاریخچهٔ تحصیلات هر شاگرد است

آزمایشگاه درمدارس دولتی و ملی حذکند و ازهیچگونه اقدام‌دراین‌راه دریغ ننماید

۸- موزه برای سالهای اول دبیرستانها و برای دبستانها یکی از وسایل آموختن چیزهائی است که هنگام تدریس علم اشیاء باید بشاگردان نشان داد جائی که این اشیاء را در آن گرد آورده طبقه بندی کرده باشند موزه نامند . البته‌نباید تصور کرد که موزه‌را ساختمان جداگانه وجعبه آینه های متعدد و میز های بیشمار لازم است بلکه بر حسب مقتضیات بودجه ونوع محل آموزشگاه تغییر میکند . در یک دبستان ممکن است موزه عبارت باشد از یك قفسهٔ کوچك یا چندکیسهٔ کرباسی وچند قوطی کوچك مقوائی . در دبیرستان می‌توان‌یك‌اطاق را بموزه تخصیص داد و علاوه براشیائی که همه جا یافت میشود مجموعه‌ای ازجانوران و گیاه هادر آن نگاه داشت .

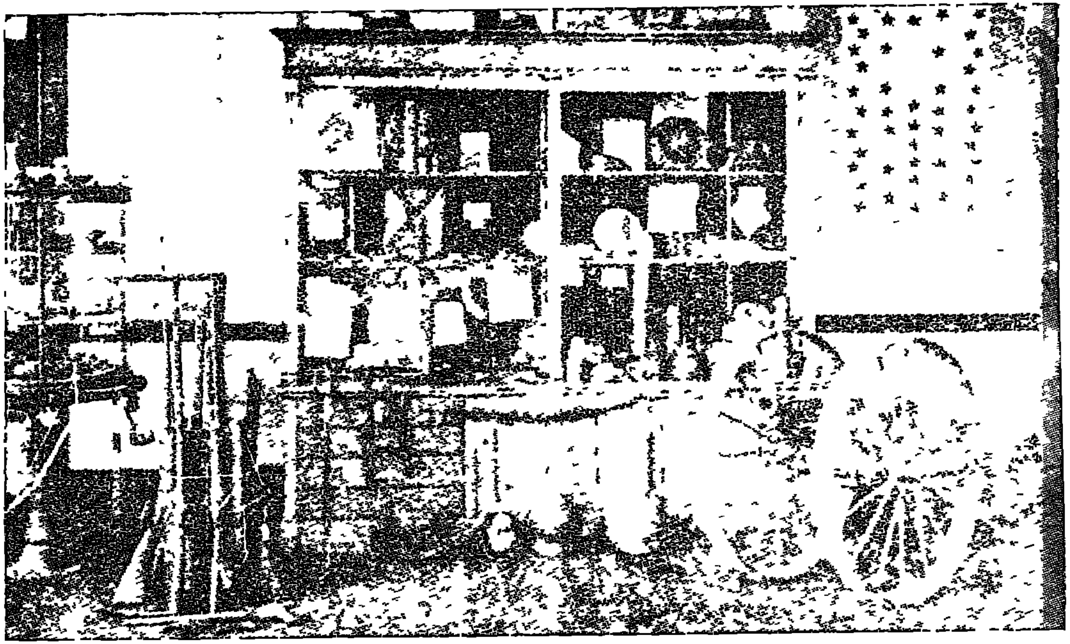
فایدهٔ موزه این است که نگاهبان چیزهائی است که موضوع درس علم اشیاء وتاریخ طبیعی‌است . هنگامی که طریقه های‌حسی را در تدریس بکارمیبرند بهمان اندازه که طریقه های مذکورسودمند است وجود موزه نیز مفید بلکه ضروری است .

تأسیس موزه در ایجاد و تأسیس موزه باید بسیار کوشید . اگر در بودجهٔ آموزشگاه اعتباری برای تأسیس‌موزه نباشد آموزگار یامدیر مدرسه میتواند بکمك شاگردان واولیای آنها موزه را برپاکند . مثلاً در دبستان شاگردی که پدرش بقال یاعطار یا رزاز است از اجناس دکان پدرخود از هریك مقداری‌بموزه تقدیم میکند . شاگردی که پدرش نجاراست چند جعبهٔ کوچك برای مدرسه میسازد . عموماً دانش آموزان از ته دل و باکمال‌اشتیاق حاضرند خدمتی بمعلم ومدرسه کنند .

و درضمن عمل بآن‌ها سرکشی کرده از نتایجی که بدست میآید پرسش میکند ودرآخرجلسه نتایج راباهم سنجیده نتیجهٔ کلی رااعلام میدارد هر اندازه شاگرد بکلاس های بالاتر برسد و پایهٔ معلومات و رشدش زیادتر شود بتدریج او را در آزمایشگاه بحال خود میگذارند کـه شخصاً مبادرت بعمل کند - منتها برنامهٔ کار بانظر معلم ورئیس آزمایشگاه معین میشود تابمنظوری که مدرسه دارد نایل شوند آزمایشگاه یکی ازوسایل ضروری آموزش وپرورش است و تدریس فیزیك و شیمی و علوم طبیعی بدون آن وبدون تجربه صورت نمیگیرد .

در آزمایشگاه اسرارطبیعت بر آدمی مکشوف میشود وتفوق دماغ بشر بر طبیعت واضح میگردد تجربه های علمی است که مسائل نظری را برما روشن میسازد و راه تحقیق مطلب وکشف را بر ما مینمایاند ، برای بازکردن چشم وگوش ومعتاد نمودن شاگرد بدقیق و مشاهده و نزدیك ساختن او بزندگانی حقیقی وعلمی و دور کردن او از خرافات و اوهام وسیله‌ای بهتر ازآزمایشگاه موجود نیست

افسوس که اغلب مدارس ماآزمایشگاه ندارد وتمام مطالب بطور نظری تدریس میشود وبدین جهة ازفوایدی که سایر ملل از علوم طبیعی می برند ما برخوردار نمیشویم . تنهـا از ۱۳۰۷ باین طرف برای بعضی ازدبیرستانهای دولتی آلات واسباب آزمایشگاه مختصری تهیه کرده‌اند ودر ۱۳۱۱ دردانشسرای عالی جهةفیزیك وشیمی وزمین‌شناسی وگیاه‌شناسی وجانورشناسی ومکانیك ساخته‌شده‌ودردبیرستانها ودانش سراهای مقدماتی که‌از ۱۳۱٤ باینطرف دربرخی ازشهرستانها باز کرده‌اند آزمایشگاه نیز منظور داشته‌اند وظیفهٔ هر میهن پرست وفرهنگ دوست آنست که در ایجاد



موزهٔ یکی از دبستانهای تولسا Tulsa در Oklahoma از کشورهای متحد امریکای شمالی. شاگردان
واولیای اطفال این موزه را ایجاد کرده اند.

از همین میل آنها باید استفاده نمود و برای مدرسه موزه تأسیس کرد و معلومات شاگردان را متکی بر مشاهدهٔ چیزهائی نمود که در زندگانی بدان نیازمندند.

اشیاء موزه و طبقه بندی آن

چیزهائی که برای موزه جمع آوری میکنند عبارت است از محصولات کشاورزی و پیشه‌وری هر محل مانند جانوران و غلات و پشم و پنبه و ابریشم و کتان و مصالح بنائی و انواع پارچه و چوب. بعلاوه در موزه باید مقیاسهای طول و سطح و حجم ایران را از قبیل ذرع و نیم ذرع مربع و گرهٔ مربع و چارک مکعب و نیم ذرع مکعب و همچنین مقیاسات وزن را از قبیل من و چارک و سیر و مثقال فراهم آورد. مقیاسهای قانونی را نیز که بر طبق اصول متری از طرف وزارت اقتصاد ملی تهیه شده باید در موزه نگاهداشت ولی از زمانی که اوزان و مقادیر کنونی کاملاً منسوخ شده باید هر دو نوع مقیاس را موجود داشت تا شاگردان هر دو را بشناسند و در زندگانی دچار اشکال نشوند.

چیزهائی را که در موزه گرد میآورند اگر طبقه بندی نکنند پیدا کردن آنها دشوار خواهد بود. طبقه بندی اشیاء موزه هم نباید سخت پیچیده و مشکل باشد بلکه باید بطریق ساده صورت گیرد تا شاگردان نیز از فهم آن عاجز نباشند. یکی از راه های طبقه بندی این است که اشیاء را برحسب مورد استعمال آنها در یکجا جمع کنند مثلاً یك خانه از قفسه را تخصیص دهند به جامه یکی را بخوردنیها یکی را بمقیاسها یکی را بمصالح ساختمان.

روسی) - شاهکارهای شر و نظم زبان فارسی - تذکره های مهم فارسی و عربی - مهمترین شاهکارهای نویسندگان خارجه یا ترجمهٔ آنها - کتب راجع بمواد برنامه مانند ریاضیات وعلوم طبیعی وفزیك وشیمی وجغرافیا و تاریخ که برای دورهٔ متوسطه وعالی تدوین شده باشد خواه بفارسی خواه بزبان خارجه - کتابهای جدیدی که راجع باکتشافات واختراعات تازه منتشر میشود ومانند آنها .

کتابهائی که برای شاگرد معین میشود وباید درکتابخانهٔ مدرسه حاضر کرد برحسب سن شاگرد و کلاس او تغییر میکند

برای اطفال از ۷سال تا۹ سال (کلاس اول ودوم دبستانها)کتاب هائی باید تهیه دید که کوچك باشد وزود تمام شود تا آنهارا کسل نکند قصه وسرگذشت های شیرین همیشه موجب سرگرمی وشادی کودك و پرورش قوهٔ متخیلهٔ اوست . برای شاگردانی که در کلاس سوم وچهارمند یعنی سن آنها میان ۹و۱۱ است علاوه برقصه وحکایت که هنوز برای آنها لذت دارد کتابهائی باید حاضر کرد که در آن قوهٔ ابتکار وابداع وکوشش وعمل ایجاد کند مانند شرح مسافرت های خارق العاده وشرح اکتشافات جغرافیائی در نواحی دوردست چون قطب های زمین وجزیرههای اقیانوسیه وجنگل های افریقا . همچنین شرح وتفصیل بعضی ازجنگها که میان ایران وبیگانگان رخ داده موجب شوراندن کودکان میشود وترجمهٔ حال مردان بزرگ ایران باعث میشود که اطفال آنانرا سرمشق خود قرار دهند وچه بسا اشخاصی که از خواندن شرح حال بزرگان بپایگاه بلند رسیده اند

برای شاگردان کلاس پنجم وششم ابتدائی وسال های اول دبیرستان علاوه برداستانهای خوب که مضر باخلاق نباشد شرح مسافرت در کشور های

۹ ـ کتابخانه

از وسایل عمدهٔ آموزش و پرورش کتابخانه است که هم برای معلم ضرورت دارد هم برای شاگرد . معلم نمیتواند تنها اکتفا بمعلوماتی کند که در مدرسه یاد گرفته وشاید هیچگاه تجدید و تکمیل نشده است بلکه باید پیوسته از پیشرفتهای علوم و اکتشافاتی که میشود آگاه گردد و با احتیاطات لازم از آن اکتشافات و ترقیات در مدرس خود سخن گوید برای این کار باید کتابخانه ای باختیار او باشد تا هم برای تهیه و مطالعهٔ درس بکتاب های مختلف مراجعه کند و هم قسمتهائی را که سودمند بداند برای شاگردان برگزیده در کلاس بخواند یا آنان را به بررسی آن راهنمائی کند

کتابخانه برای شاگرد نیز کمال لزوم را دارد کتاب های درسی برای پرورش شاگرد کافی نیست زیرا که تنها شامل رؤس مسائل است و مطالب آن محدود میباشد شاگرد باید معلومات خود را بوسیلهٔ کتب غیر درسی تکمیل نماید واز همان عهد کودکی به مطالعه عادت و میل پیدا کند تا هنگامی که از مدرسه بیرون شد بخواندن کتاب و مجله رغبت داشته هم قسمتی از اوقات بیکاری را صرف بررسی کتاب کند هم از اوضاع و احوال دنیا و تغییرات و تبدلات آن بی خبر نماند .

نوع کتاب در کتابخانه

البته نوع کتاب برای دبستان و دبیرستان و مدرسهٔ عالی فرق میکند ولی عموماً دو قسم کتاب در کتاب خانهٔ آموزشگاه باید موجود باشد یکی برای معلم و دیگری برای شاگرد .

کتبی که برای معلم ضرورت دارد عبارت است از چند قسم فرهنگ و لغت فارسي و عربی و زبان های خارجه (فرانسه ـ انگلیسي ـ آلماني ـ



کتابخانهٔ دبستان اوکلند Oakland در کالیفرنی (امریکای شمالی) شاگردان مشغول بررسی و پژوهش هستند .

تأسیس کتابخانه

نباید تصور کرد که همهٔ کارها را دولت باید انجام دهد درست است که در بودجهٔ وزارت فرهنگ مبلغی باسم کتابخانه منظور شده و کتابخانهٔ کوچکی هم در بعضی از دبیرستانها بوجود آمده ولی در تمام کشور یک دبستان نیست که کتابخانهٔ مناسبی داشته باشد و کتابخانهٔ دانشسراها و دبیرستانها اغلب از یک قفسه تجاوز نمیکند

در تأسیس کتابخانه باید طوری عمل کرد که اولیای شاگردان بدان دلبستگی پیدا کنند اگر اهل خواندن و کتابند از کتاب های کتابخانه باید به آنها امانت داد و باین ترتیب از آنها توقعاتی برای صحافی و تجدید جلد کتاب نمود اگر هر شاگرد دبستان همه ای یک ریال برای کتابخانه بیاورد و مثلاً مدرسه دارای ۲۰۰ شاگرد باشد درماه هشتصد

همسایه یا در کشورهای اسلامی دور دست یا متصل وقایع این عهد که مؤثر در حیات ایران بوده مانند جنگ بین‌المللی ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ وظهور پهلوی واقداماتی که آن پادشاه بزرگ برای زنده کردن میهن و تبدیل آن بیك مملکت متحدد ومترقی کرده وجنگ بین‌المللی دوم و صدماتی که بمملکت ما وارد کرد بسیار سودمند است .

از سن دوازده سالا باید کم کم در های ادبیات را بر روی شاگرد گشود و ترتیبی داد که شاهکار های بزرگ را بتدریج مطالعه کند . خواندن ترجمهٔ احوال اشخاص بزرگ از گویندگان ونویسندگان و دانشمندان وشاعران وهنرپیشگان وجهان گردان نامی که خدمتهای نمایان کرده باشند ومردان بزرگی که پیشرفت کشور مرهون کوشش وعمل آنها بوده نیز برای آنها بسیار مفیداست و باید کتابهای مربوط بدان را در کتابخانهٔ مدرسه جمع آوری کرد

در اینجا باید یادآور شد همانطور که کتاب درسی خوب کم است کتابی هم که برای مطالعهٔ شاگردان باشد نادر است و هنوز نویسندگانی پیدا نشده‌اند که برای شاگردان مدرسه کتاب بنویسند .

بنابراین کتابخانه‌های مدارس ما ازاین حیث فعلاً محدود واغلب کتابهائی که برای دانش آموزان تهیه میشود بزبان خارجی خواهد بود . در تهیهٔ کتاب برای کتابخانهٔ آموزشگاه باید دو نکته را همیشه درنظر داشت یکی اینکه بزبان فارسی فصیح نوشته شده باشد وازحیث انشاء متناسب با سن واستعداد شاگرد باشد . دیگر اینکه کتابهای سیاسی در کتابخانهٔ مدرسه داخل نشود زیرا که آموزشگاه بویژه دبستان ودبیرستان تا آنجا که میشود باید از جهان سیاست بر کنار باشد .

فصل سوم

سازمان مدرسه

کودکانی که در آموزشگاه گرد آمده‌اند از حیث سال و نیرو و گوهر واستعداد باهم اختلاف بسیار دارند برای اینکه آنها را پرورش دهیم ودرس بیاموزیم باید سازمانی برای آنها قائل شد لازمهٔ کار منظم وحاضر کردن اطفال برای عضویت جامعه اینست که بر طبق اصول آموزش و پرورش مدرسه دارای سازمان خاصی باشد وگرنه از اجتماع عده‌ای معلم وشاگرد نتیجهٔ دلخواه گرفته نمیشود و بعکس ممکن است بی‌نظمی حاصل و وقت همه تلف شود اگر مثلاً هنگام رفتن معلم بکلاس در فصل زمستان بخاری آتش شده باشد یا ساعت درس معلمی با معلم دیگر تصادف کند یا هر یك از کارگذاران مدرسه درساعت معین بکار خود مشغول نشوند آیا انتظار تحصیل باید از شاگرد داشت ؟ منظور از سازمان مدرسه اینست که هریك از افراد اعم از شاگرد ومعلم بتواند از مساعی وخدمات دیگران استفاده کند واز زحمت وآزار دیگران درپناه باشد .

این سازمان عبارتست از

۱ ــ تعیین کلاس وعدهٔ آن .

۲ ــ طبقه بندی شاگردان وتقسیم آنها میان کلاسها .

۳ ــ تعیین برنامه برای هر کلاس .

٤ ــ تعیین جدول ساعات .

ریال فراهم میشود که با آن متدرجاً میتوان کتابخانه را بر پا و تکمیل نمود.

بعلاوه اشخاص نیکوکار و دست باری هستند که حاضرند کمك باین قبیل تأسیسات کنند باید آنان را بدین کار تحریص و تشویق کرد. چه ضرر دارد مثلاً نام یکی از قفسه های کتابخانه را بنام فرهنگ دوستی خواند که یکصد جلد کتاب تقدیم کرده باشد

اطاق مطالعه در همانجا که قفسهٔ کتاب گذاشته شده باید میز و صندلی برای معلم و شاگرد گذارد تا در مواقع معین بمطالعه بپردازند. بهترین مدارس آنهائی هستند که در روز یکی دوساعت برای هر کلاس وقت مطالعه معین کنند و شاگردان همین که از درس فارغ شدند و بوسیلهٔ تنفس و تفریح خستگی خودرا رفع کردند بکتابخانه بروند و بمطالعه بپردازند.

در بعضی از دبستانهای خوب امریکا در هر کلاس یك یا دوقفسه کتاب موجود است که برای بررسی شاگرد تهیه شده ودر آن باز و باختیار اطفال است درساعاتی که آزادی دارند بمیل خود کتابهائی که شایق هستند برداشته مطالعه میکنند و همینکه نیازمندی آنها رفع شد بجای خود میگذارند ولی در دبیرستانها عموماً کتابخانه در اطاق جداگانه است

تهیهٔ اطاق مطالعه مانع نیست که هنگام تعطیل شدن کتابخانه بشاگردان کتاب امانت داده شود باینجانه برده شب یا روزهای تعطیل را صرف خواندن کنند ودرساعتی که کتابخانه باز میشود آن را پس دهند

چون تمام این برنامه ها از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته بموجب فقرهٔ چهارم از مادهٔ ۱۲ و بر طبق مادهٔ ۱۳ قانون شورای عالی فرهنگ (مورخ اسفند ۱۳۰۰) تمام آنها قانونی است و باید بدان عمل شود بنابراین تکلیف مدارس کاملاً معین و واضح است .

درسالهای اخیر نیز چند باب کودکستان درکشور از طرف مردم تأسیس شده و در ۱۳۱۲ یکباب نیز از طرف وزارت فرهنگ در تهران ایجاد گردیده ولی چون عدهٔ آن در تمام ایران از سی باب تجاوز نمیکند در اینجا از آن گفتگو نخواهد شد . نکتهٔ قابل تذکر اینست که در عدهٔ زیادی از دبستانها بجای شش کلاس هفت کلاس دائر کرده اندو آن را که قبل از کلاس اول و برای اطفال کوچك تر از هفت سالاست کلاس تهیه مینامند . کلاس تهیه در حقیقت میبایست جزو کودکستان باشد ولی عملاً اینطور نیست و شعبه‌ایست از کلاس اول که شاگرد چند ماهی را برای خوگرفتن بمدرسه و اجتماع در آنجا بسر میبرد .

دوره‌های تحصیلی

در کلاس تهیه مبنای تعلیم باید محسوسات و مشاهدات باشد و قسمت اعظم وقت باید صرف پرورش و سر گرم کردن و قصه گفتن وخواندن سرود و نقاشي بسيار ساده و بازی دادن شاگرد بشود . آموختن و طرز گفت و شنود ونشست و برخاست و راه رفتن در صف و ورود بمدرسه و اطاق درس در این کلاس آموخته میشود . بعلاوه شمردن اشیاء ومقدمات قرائت نیزممکن است در اینجا تعلیم شود .

در دورهٔ اول دبستان یعنی در کلاس اول و دوم دستوری که معلم باید پیروی کند اینست که کم و نیکو درس دهد . در این دوره است که

۵ - وضع استخدامات

چهار فقرهٔ اول دراین فصل مورد گفتگو قرار میگیرد و نظر باهمیتی که فقرهٔ پنجم درپرورش اخلاقی دانش آموز دارد درفصل جداگانه از آن بحث خواهد شد

۱ - تعیین کلاس وعدهٔ آن

بموجب برنامه‌ای که دردیماه ۱۳۱۹ برای دبستانهای پسرانه ودخترانهٔ شهرها و قصبات وضع شده ٦ کلاس برای آنها مقرر گردیده است چه دردبستانهای پسرانه وچه در دبستانهای دخترانه هر دو کلاس یك دوره تشکیل میدهند یعنی کلاس اول ودوم - کلاس سوم وچهارم - کلاس پنجم وششم مکمل یکدیگرند

بموجب برنامهٔ فعلی دبیرستانهای پسران که در آذرماه ۱۳۱۷ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده دورهٔ تحصیلات متوسطه شش سالست مواد تحصیلی درپنجسال اول برای همه یکی است و سال ششم تقسیم به شعبهٔ ادبی وطبیعی وریاضی میشود ولی کوشش کرده‌اند که موادطوری تنظیم گردد که سه سال اول دبیرستان یکدوره را تشکیل دهد تافارغ‌التحصیل های این دوره درصورت تمایل بتوانند بآموزشگاههای فنی بروند.

برای دخترانی که بخواهند تحصیلات عالی کنند و وارد دانشگاه شوند برنامهٔ تحصیلی کنونی همان برنامهٔ متوسطهٔ پسران است ومواد خانه‌داری و خیاطی را اضافه دارد ولی دخترانی که درنظر نداشته باشند بدانشگاه روند دورهٔ اول را مانند پسران تحصیل خواهند کرد وخانه داری و خیاطی را علاوه فرا خواهند گرفت آنگاه دورهٔ فنی دختران را که بیشترجنبهٔ عملی دارد ودوشیزگان را برای بچه داری وتدبیر منزل آماده میکند خواهند آموخت

باید استدلال و تجرید و تعمیم و آزمایش را مبنای آموختن قرار داد و به پرورش این قوای عقلانی پرداخت • از لحاظ تربیت اخلاقی در این دوره باید حواس درونی طفل توسل حسّ وجس تکلیف را باوفهمانید و کیفیت آن را برای وجدان روشن نمود ولی تمام این کار باید بوسیلهٔ پند و اندرز و سرگذشت های دل انگیز وسرمشق های عبرت آور صورت گیرد تا مؤثر شود و اثرش جاودان باشد •

در دورهٔ اول دبیرستان سن شاگرد بین ۱٤ سال و ۱۷ سال است وازاینرو دیگر محسوسات و مشاهدات برای فهماندن و آموختن کافی نیست • در اینجا معلوماتی که شاگرد از دورهٔ دوم دبستان شروع بآموختن کرده از نو آغاز میکنند ولی بطور مبسوط و مکمل مثلاً حساب مبدل میشود بجبر و مقابله و علم اشیاء بفیزیک و شیمی و تاریخ طبیعی • در اینجاست که قوای عقلانی شاگرد باید تمام پرورش یابد واقامهٔ برهان و تجرید و تعمیم را درست بجا آورد • در این دوره حتی‌الامکان **باید شاگرد را در انتخاب رشتهٔ تحصیلی و شغل آینده راهنمائی کرد** زیرا عدهٔ زیادی بمدارس فنی میروند و در آنها تحصیلات جنبهٔ اختصاصی پیدا میکند و هرشاگرد ناچار یکی از آنمدارس را باید برگزیند • پس چه بهتر که قبل از ورود بآنها طفل بداند اسحاب هر یك ازمدارس او را بکجا خواهد برد - سود و زیانش ازچه قراراست - چه نبوغ به ومزایای لازم دارد - آینده اش چگونه است؟ • • •

کلاس آخرمتوسطه به چهارشعبه تقسیم میشود ادبی-ریاضی-طبیعی - تجارتی • در این شعبه ها مقصود تهیهٔ ادیب و دانشمند و بازرگان نیست بلکه منظور آموختن مقدمات این رشته هاست بطوری

پایهٔ آموزش وپرورش کودك نهاده میشود و پیشرفتهای آیندهٔ او مربوط بهمین پایه است اساس تعلیم وتدریس‌دراین دوره باید برمشاهدات شاگرد ومحسوسات وعملیات او باشد. تولیدعشق به‌تحصیل ومحبت نسبت بمدرسه دراین دوره باید آغاز شود. بایدکاری کرد که طفل در محیط آموزشگاه شادمان وازشنیدن درس آموزگار محظوظ‌گردد. تمام کردارهای نیك و اخلاق پسندیده از این دوره باید در نهاد اوجاگزین شود زیرا هرعادت وطبیعتی که در سالهای اول دبستان پیداکند در تمام عمر برای او باقی میماند.

در دورهٔ دوم دبستان یعنی درکلاس سوم و چهارم باید بیشتر به پرورش قوای عقلانی شاگرد توجه شود. دراین‌کلاس باید شروع بکار انداختن قوهٔ ممیزه وقوهٔ استدلال کنند واو را راهنمائی بتشخیص حقایق و فراگرفتن معلوماتی کنندکه برای دریافت حقیقت لازم است. پرورش وجدان شاگردباید دراین دوره آغازشود، آن هم بوسیلهٔ بکار انداختن قوهٔ متعقله و عمل تمام‌درسی که‌میدهند باید‌عملی باشد یعنی بوسیلهٔ کارکردن و اشتغال بعملیاتی که‌کودك را بفهمیدن وقضاوت کردن رهبری کند وی را برای زندگانی باید حاضر کرد بطوری که اگرمجبور شد بعد ازکلاس چهارم دبستان را ترك‌گوید باندازهٔ کفایت هم اطلاعات ومعلومات مقدماتی برای دخول درزندگانی داشته وهم‌قوهٔ فهم‌وقضاوتش بحدکافی نمو حاصل کرده باشد.

دورهٔ سوم یا دورهٔ عالی دبستان یعنی‌کلاس پنجم وششم مکمل و متمم دورهٔ دوم است، در اینجا طرز آموختن فرق میکند وازمشاهدات ومحسوسات‌که ناگزیر اغلب اوقات در دورهٔ اول و دوم پایهٔ تعلیم است

کودکان را با آن اندازه گیرند کسانی راکه تقریباً هوش مساوی دارند در یک کلاس جای دهند نتیجهٔ بسیار نیکو خواهد داد اکنون که این وسیله دردست نیست باید متمسک بامتحان شد

هنگام ورود بآموزشگاه اگر شاگرد ازپیش تحصیل نکرده باشد البته امتحان مورد نخواهد داشت ومطابق مقررات آئین نامهٔ داخلی دبستان با داشتن شرایط لازم اورا در کلاس تهیه یا اول خواهند پذیرفت اگر طفل دریکی ازمکتب خانه‌ها یامدرسه‌های غیر دولتی تحصیل کرده باشد و نخواهد وارد مدرسهٔ دولتی شود برحسب مادهٔ ۱۱ قانون اساسی فرهنگ باید ازوی امتحان کرد ومطابق درجهٔ معلوماتش او را بکلاسی که شایسته‌است فرستاد کسانی که در آموزشگاههای دولتی تحصیل کرده و گواهی نامه قبول شدن درامتحان راارائه دهند بی امتحان دردیگر مدارس دولتی پذیرفته خواهند شد

درمواقع دیگر برای تقسیم شاگردان بکلاسها باید مطابق آئین نامهٔ داخلی مدارس مصوب شورای عالی فرهنگ در دبستان ها سالی سه مرتبه در تاریخ معین درظرف چند روزامتحان بعمل آورد دردبیرستانها فقط بمعدل نمراتی که شاگرد درظرف سال از معلمان خود میگیرد اکتفا میشود بدیهی است این ترتیب با طریقه‌ای که در فصل پیش ذکر شد مطابقت ندارد راهی که درفصل قبل پیشنهادشده مطابق عقایدی‌است که علمای بزرگ آموزش وپرورش نسبت بامتحان پیدا کرده‌اند وباید کوشش کرد حتی‌الامکان آنرا عملی نمود

علاوه برامتحانهای تدریجی ظرف سال می‌توان در پایان سال نیز امتحان سالیانه ازتمام مواد نمود دراین‌صورت باید عموماً دفتر امتحان

که محصل نتواند دردانشگاه یادیگر مدارس عالی تحصیلات خود را به بهترین وجه تعقیب کند و ضمناً اگر پس از اتمام دورهٔ دوم مجبور ترك تحصیل گشت تحدی در رشتهٔ خود توشه برگرفته باشد که در زندگانی و پیدا کردن راه گذران معطل نماند .

۴ - تقسیم شاگردان بکلاس

وقتی عدهٔ کلاس ها معین شد شاگردان را باید برحسب نیرو و سال واندازهٔ معلومات میان کلاسها تقسیم کرد ورنه ممکن است شاگردان نتوانند از درسها بهره برند .

تقسیم شاگردان بکلاسها باید باکمال دقت انجام گیرد مسامحه دراین قسمت موجب بیهوده شدن رنج معلم وشاگردوتلف گشتن وقت و عمر است . اگر مثلاً شاگردی را درکلاسی بگذارند که قوهاش برای آن کافی نباشد هرقدر زحمت بکشد نمی تواند ازعهدهٔ انجام تکالیف و یادگرفتن درس برآید و ناچار ازهمدرس های خود بازمانده دماغش میسوزد واز تحصیل بیزار میشود . بالعکس اگر او را در کلاسی جای دهند که قوهاش فوق آن باشد بدون رنج بهره هایخوب میگیردو بدرسی که ازپیش میداند و برای او چیز تازهای نیست توجه نمیکندوباین ترتیب بکار نکردن خوی میگیرد .

اگر دقت کامل در تقسیم دانش آموزان بشود شاگردانهمقوهدر یکجا گرد می آیند واز درس کاملاً بهره می برند - وسیلهٔپیشرفت برای آنها فراهم است - کارمعلم نسبتةً آسانست . بعلاوه میان شاگردان هم چشمی تولید میشود وهمه کوشش میکنندگوی سبقترا ازهمدرسهای خودبربایند وچونبرابر هم قوه هستند این رقابت سبب ترقی آنهامیگردد

راه تقسیم

بهترین وسیلهٔ تقسیم شاگرد بکلاس اندازه گرفتن هوش اوست . اگر تستهائی برای این کار تهیه شده باشدوهوش

شاگرد چگونه باید در آموزشگاه صرف شود بحسب آنکه مواد تحصیلی را برحسب منظورهائی که تعیین میشود معین کنند البته این منظورها از لحاظ نیاز جامعه است و در بخش دوم گفته شد جامعه چه مقصودهائی از آموزش وپرورش دارد هریك از آن مقاصد گنجاندن مواد وعملیاتی را در برنامه ایجاب میکند که چون در بخش مذکور مفصلاً مورد بحث واقع شد در اینجا از نو تشریح نمیشود

اصل دوم آنکه رعایت ذوق و شوق شاگرد بشود البته در دبستان که برای عموم افراد تأسیس شده وپایه واساس کار در آنجا گذاشته میشود و کودك هنوز متوجه رشتهٔ معینی نیست ذوق وشوق او را از راه اشتغال سازی وسرود وموزیك وورزش و کاردستی ونقاشی باید رعایت کرد ولی در دبیرستان هر قدر محصل بکلاس بالاتر میرود عشق او بمواد ورشته‌های تحصیلی باید مراعات گردد اگر این اصل رعایت شود تمام رنجهائی که شاگرد تحمل میکند بنظرش رنج نیست وازصرف وقت و نیرو وجهد وکوشش دریغ ندارد بلکه پیوسته سعادتمند و خوش است وکامیابی او حتمی است . اگر توجه بدین اصل نکنند و در دورهٔ دوم متوسطه شعبه های فلاحتی وصنعتی وتجارتی وادبی وعلمی را تأسیس ننمایند که لااقل تا حدی رعایت ذوق او بشود شاگرد باکراه و بی‌میلی و از ناچاری تحصیل خواهد کرد و سعادتمندی او از همان زمان کودکی از وی سلب میشود کشوری کـه در آن بهتر از نقاط دیگر این اصل رعایت شده امریکاست . در دبیرستان‌های خوب آنجا درحدود دویست وپنجاه ماده میآموزند ومحصل آزاداست که برحسب ذوق خوش پانزده ماده را از میان آنها برگزیند ودرظرف چهارسال تحصیل کند وامتحان دهد . درکشورماعموماً شاگرد

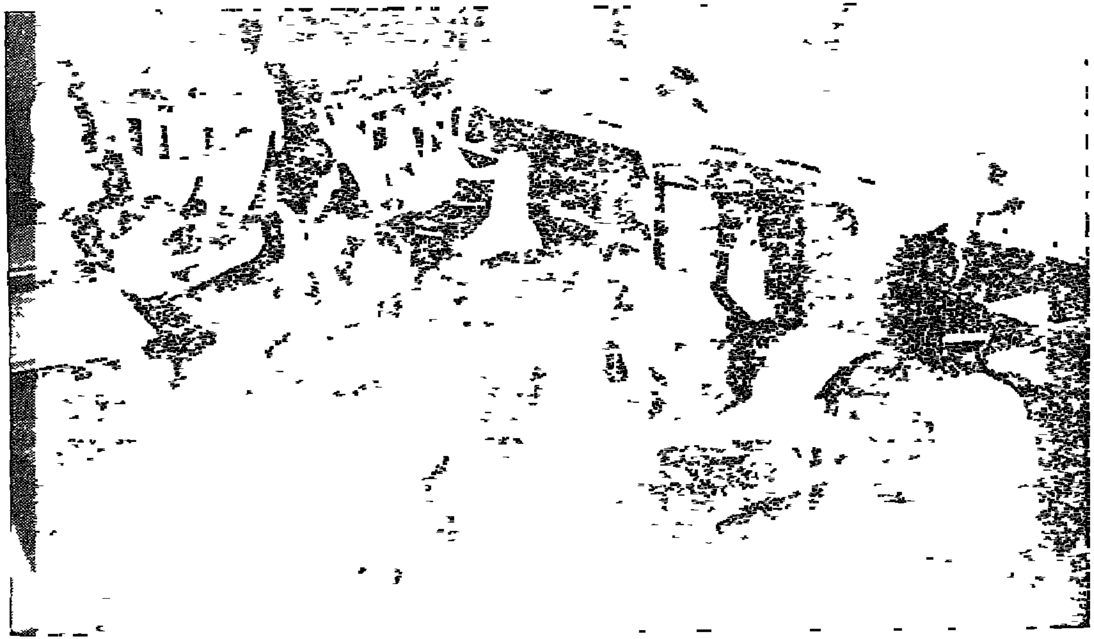
کتبی عرض سال را در نظر داشت زیرا که ممکن است شاگرد در آخر سال کاملاً از عهدهٔ امتحان بر نیاید وحال آنکه در تمام سال خوب کار کرده درسهای خودرا نیکو حاضر نموده باشد

در دهات چون شاگردان دبستان از آغاز در همانجا بوده‌اند و آموزگار کاملاً ایشان را میشناسد امتحان پایان سال اجباری نیست بلکه معلم از روی امتحانهائی که درظرف سال کرده میداند کدام شاگرد شایستهٔ رفتن بکلاس بالاتر است وکدام شاگرد شایسته نیست

اگر معلم راجع بنموّ شاگردی در تردید است و نمیداند اورا بکلاس بالاتر برساند یا نه بهتر آنست که درکلاس پائین‌تر نگذارد وپس از یکی دو هفته اگر او را شایستهٔ بالا رفتن دید بکلاس بالاتر برساند در اینجا بیمورد نیست گوشزد شود که بعضی از اولیای کودکان شتاب دارند که فرزندشان زودتر کلاس را تمام کند وشاید در ظرف یکسال دو کلاس را بپیماید بدیهی است که بهبودی و تندرستی شاگرد و اصول پرورش حکم میکند که شاگرد مدارج تعلیم را پله پله بالا رود وازاین رو باید درمقابل درخواست پدران ایستادگی کرد و صلاح کودکان را بآنها فهماند درامتحان نه باید زیاد سخت بود و نه بسیار سست اظهار نظر در بارهٔ معلم از روی امتحانی که شاگردان او داده‌اند دشوار است ولی در کلاس عادی که شاگردان دارای هوش متوسط باشند هرگاه بیش از نصف آنها شایستهٔ رفتن بکلاس بالاتر نشوند میتوان گفت که معلم در انجام وظیفه قصور کرده است

برنامه

آنچه را محصل باید در آموزشگاه انجام دهد برنامه معین میکند برنامه یادستور تحصیلی درحقیقت نشان میدهد وقت



شاگردان کلاس سوم دبستان اسکارسدل هنگام ساختن وسایل تعلیمیه

دورهٔ دوم متوسطه مجبور است شعبه ای را که در مدرسهٔ او تدریس میشود بیاموزد ـ خواه بدان رغبت داشته باشد یا نه ؟ اینست که ملاحظه میکنید عدهٔ زیادی با نمره‌های بد و متوسط میگذرند و یا اصلاً از تحصیل دست میکشند

اصل سوم آن است که ترتیب مواد بر حسب رشد و هوای شاگردان و متناسب با سن و هوش آنها باشد و گرنه درس پیشرفت نخواهد کرد و رنج مدرسه بهدر خواهد رفت

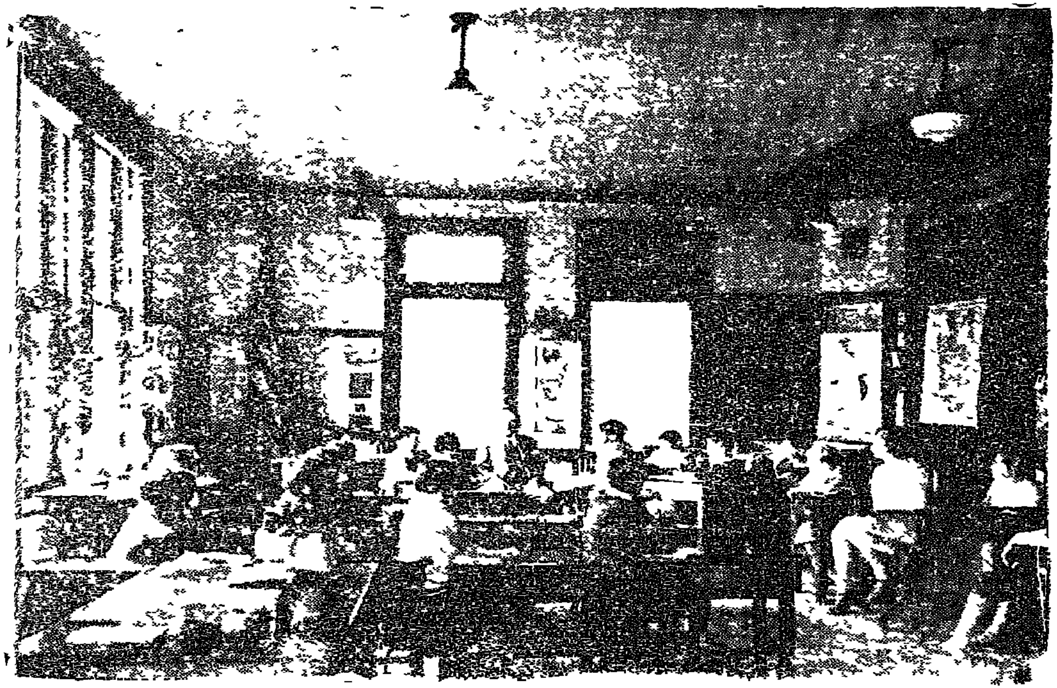
برنامهٔ تام در مترقی ترین مدارس دنیا بجای اینکه تمام وقت شاگرد صرف مواد مشخصی شود مانند زبان مادری و تاریخ وجغرافیا وحساب ، قسمتی از ساعات روز را صرف برنامهٔ تام میکنند مثلا کلاس سوم ابتدائی مدت دو ماه روزی دو ساعت صرف وسائل نقلیه میکنند از روی کتاب ، تاریخ آن را مطالعه میکنند ـ بسیاری همدیگر نمونه‌ای از اغلب آنها میسازند ـ قواید و محسنات هر یك را میسنجند برای رسیدن بمقصود خویش درواقع هم قرائت کرده‌اند هم تاریخ خوانده‌اند ، هم حساب کرده‌اند هم کار یاد گرفته‌اند ، با تمام فوایدی که بر آنها مترتب است چون ابتکار ـ اعتماد بنفس ـ استدلال ـ همکاری و مانند آنها .

دریکی از مدارس دولتی که در شهر اسکارسدل(۱) نزدیك نیویورك معاینه کردم کلاس سوم همین موضوع وسایل نقلیه را برنامهٔ خود قرار داده بود وعکس صفحهٔ مقابل شاگردان را هنگام کار وعمل نشان میدهد

کلاس دیگری که برنامهٔ تام را معمول داشته بود کلاس پنجم مدرسهٔ اخلاقی نیویورك بود این مرتبه موضوع آنها ایران بود چون شرح

---

(۱) Scarsdale



کلاس پنجم « مدرسهٔ پرورش اخلاقی نیویورک » ـ کارهائی که شاگردان تقلید هنرهای ایران کرده بودند بدیوارها آویخته است آموزگار در دست چپ بگوشه‌ای نشسته و عمداً خویش را از صحنهٔ کلاس خارج ساخته است تا همهٔ شاگردان بیشتر و اصح باشند دانش‌آموزان راجع با آن از یکدیگر پرسشهائی میکنند

آن در کتاب دیگر (۱) بچاپ رسیده در اینجا بنقل آن اکتفا و عکسی که بدان اشاره شده عیناً گراور میشود

«این آموزشگاه در دل شهر نیویورک قرار دارد و مدرسه‌ای است خصوصی و غیر مجانی یکی از توانگران آنرا ساخته و اثاثهٔ آنرا داده و از ماهانهٔ شاگردان که برای هر یک سالانه ششصد دولار است بودجهٔ آن تأمین میشود پس از مراسم پذیرائی مدیرهٔ مدرسه مرا بکلاس پنجم ابتدائی برد بیست و شش دختر و پسر در آن مشغول بودند دیوارهای اطاق پوشیده شده بود از قلمکار و پارچه‌های ابریشمی و نخی که بشیوهٔ کار اصفهان روی آن نقاشی کرده بودند و نمونه‌هائی که نقش قالیهای دورهٔ صفوی را نشان میداد در یک طرف پردهٔ بزرگی آویزان بود باندازهٔ یک متر و نیم که از روی تصویر یکی از پادشاهان هخامنشی کشیده بودند روبروی آن پردهٔ دیگری از سربازان دورهٔ ساسانی بود طرف دیگر نقشهٔ بزرگ ایران که شاگردان ترسیم کرده بودند آویخته بود یک سو شمارهٔ بسیاری گراور نقاشی‌های ایران و سوی دیگر چندین کوزه و جام و سنگ که بتقلید ایران تهیه و نقاشی شده بود

در روی میز معلمه ده تا بیست جلد کتاب راجع بادبیات ایران ـ مسافرت در ایران ـ تاریخ ایران ـ هنرهای ایران چیده بودند از معلمه پرسیدم چه شده است شما بفکر ایران افتاده‌اید گفت از خود شاگردان بپرسید یکی از آنها که بزرگتر بود گفت «در اول ژانویهٔ امسال در روزنامهٔ تیمس نیویورک خواندیم که در لندن نمایشگاه هنرهای زیبای ایران گشایش یافته است ما همگی میل کردیم ایران را بشناسیم از معلمهٔ خویش درخواست کردیم ایران را موضوع درس قرار دهد و او نیز پذیرفت چندبار بموزهٔ مرکزی هنر به نیویورک و بروکلین رفتیم و تالارهائی که هنرهای زیبای شما را نشان میدهد یک یک با دقت تماشا نمودیم کتابهائی را که روی میز آموزگار ماست هر کدام بنوبت خواندیم ـ هر یک مطابق سلیقهٔ خویش یکی از کارهای صنعتی مرز و بوم شما را تقلید کردیم نمونهٔ آنها روبروی شما یا بدیوارها آویزان یا بروی میز گسترده شده است بمدیر نمایشگاه لندن خودمان نامه نوشته و این گراورها را از آنجا خریداری کردیم در ظرف چهار ماه اخیر روزی دو ساعت صرف شناختن ایران کردیم و در این مدت چند اشکال پیدا شد که نتوانستیم حل کنیم از این رو آموزگار ما در صدد برآمد تنی از ایرانیان را که در امریکا زیست میکنند بدینجا بخواند تا

---

(۱) یکسال در امریکا چاپ دوم تألیف نگارنده ص ۲۲۵ — ۲۲۱

مدنی - مشق خط - ورزش بدنی - هنر دستی (برای دختران)

در دبیرستان موادی که آموخته میشود عبارتست از فارسی - عربی - تعلیمات دینی - زبان خارجه - تاریخ و جغرافیا - حساب و هندسه و جبر - مثلثات و هیئت (برای کلاس ٤ و ٥) - گیاه شناسی - جانور شناسی - زمین شناسی فیزیك - شیمی - بهداشت - مشق خط - ورزش - نقاشی - رسم (تنها برای پسران) و بچه داری و خیاطی و تدبیر منزل و خانه داری (تنها برای دختران در سه کلاس اول)

کلاسهای ششم متوسطه چون بشعب مختلف تقسیم گشته و برای هریك مواد اختصاصی منظور گردیده از نام بردن آنها خود داری میشود

اگر برنامه های فعلی ما دارای تمام معایبی است که در بخش دوم تشریح شده برای مدیران و معلمانی که تحصیلات با تجربیات کافی ندارند دارای این حسن است که تکلیف آنها را کاملاً معین کرده و متذکر شده است هرماده را چه اندازه بیاموزند ودر کدام کلاس تعلیم کنند و هفته‌ای چند ساعت صرف آن کنند اگر همین برنامه نیز برطبق اصول صحیح تدریس شودشاید تا اندازه‌ای موجب پرورش تن وروح شاگرد شود

پرورش تن بوسیلهٔ ورزش و آموختن بهداشت (ضمن علم‌اشیاء وطبیعیات) وعمل کردن بقواعد آن باید تأمین گردد تهذیب اخلاق از راه تدریس تعلیمات دینی و اخلاق (ضمن قرائت فارسی) باید در نهاد شاگرد جایگیر شود و وجدان او بوسیلهٔ پرورش احساسات نشو و نما پیدا کند قوای دماغی باتعلیم رشته‌هائی که در برنامـه قید گردیده باید بسط حاصل کند بطوریکه درهرماده طفل ازجزئی بکلی و از معلوم به مجهول‌وازمقید به مطلق وازخصوصی بعمومی قدم بگذارد وجلو برود

اشکالات ما را رفع کنند و سپاسگزاریم که دعوت ما را پذیرفته و امروز بدینجا آمده‌اند ». همینکه من بر صندلی نشستم عکاسی از در درآمد و با نوری برق یکدم کلاس را روشن کرد و عکسی برداشت که در صفحهٔ ۲۴۵ می‌بینید. از شاگردان پرسیدم چه میخواهند از ایران برای شما بگویم. گفتند اگر رخصت باشد ما از شما سئوال کنیم. مدت دو ساعت از من پرسشها کردند و من پاسخ گفتم. برای نمونه چهارتای آنها را که یادم مانده مینویسم تا ببینید این کودکان یازده ساله چه اندازه وسعت نظر داشتند.

علامت شیر و خورشید از کجا آمده و چه چیز را نمایش میدهد؟
تاخت و تاز عرب بر ایران بجز تغییر دین چه اثراتی داشت؟
از زردشت و دین وی چه آثاری در ایران امروز دیده میشود؟
اختلاف میان زبان فارسی و زبان عربی چیست؟

سه چهار روز بعد بسته‌ای بمن رسید که حاوی عکسی که برداشته بودند با امضای شاگردان کلاس پنجم و یک نامهٔ سپاس‌آمیز و سه چهار جلد کتاب که هر کدام را مجموع شاگردان کلاسی نوشته و چاپ کرده بودند که من همهٔ آنها را با خود بایران آوردم.

امروز در مدارس مترقی امریکا روش پرورش همین است که ملاحظه کردید آموزگار رعایت عشق و ذوق شاگردان را میکند و آنها را بابتکار و عمل و پژوهش راهنمائی میکند نه اینکه تمام وقت آنها را صرف خواندن و نوشتن و از بر کردن نماید. نتیجه این میشود که آنها دلیری و ابتکار و استقلال و وسعت نظر پیدا میکنند و ما کمرو و ترسو و اتکالی میشویم.

برنامه‌های ایران

بموجب مادهٔ دوم قانون اساسی فرهنگ برنامهٔ مدارس از طرف وزارت فرهنگ معین میشود. قانون شورای عالی فرهنگ مورخ اسفند ۱۳۰۰ تصویب برنامه را بعهدهٔ شورای مذکور محول کرده است. چون از طرف دیگر انتخاب اعضای شوری با وزیر فرهنگ است دولت بطور غیر مستقیم وضع کنندهٔ دستور تحصیلات است.

برنامهٔ دبستانها مشتمل است بر فارسی ـ حساب و هندسه ـ علم اشیاء ـ بهداشت ـ جغرافیا ـ تاریخ ـ اخلاق ـ شرعیات و قرآن ـ تعلیمات

تمرین بعداز نفس معتاد میکند باینکه منظماً کار معینی را در وقت معینی انجام دهد.

یک نمونه نظر باهمیتی که جدول ساعات در پرورش روحی واخلاقی شاگرد دارد درکشورهائی که دارای حکومت مرکزی است وهمهٔ مقررات از طرف وزارت فرهنگ وضع و ابلاغ میشود قواعدی از طرف کارگزاران فرهنگ برای نوشتن جدول ساعات معین میگردد برای نمونه مفاد دستوری که برای دبستانهای فرانسه از طرف وزارت فرهنگ آنجا در ۲۸ دیماه ۱۲۶۵ هجری خورشیدی صادر شده وهنوز معمول است در اینجا گوشزد میشود

اوقات درس هرروز باید تقسیم شود بچند درس مختلف ودرمیان آنها باید تنفس باشد سی ساعت درس که در ظرف هفته شاگرد باید بخواند بر طبق دستور زیر باید تقسیم شود

۱ـ روزی یک درس مختصر راجع باخلاق ـ در کلاسهای یک تا چهار بوسیلهٔ نقل یاخواندن داستانهای اخلاقی ودر کلاسهای پنجم وششم درس مخصوص اخلاق

ب ـ درس های مربوط بزبان مادری مانند قرائت و دستور زبان واملاء وحفظی وانشاء تقریباً روزی دوساعت

ج ـ روزی یک ساعت تایک ساعت و نیم برحسب اینکه کلاسهای مقدماتی یاعالی باشد بحساب وهندسه و علم اشیاء تخصیص داده شود

د ـ تاریخ وجغرافیا وتعلیمات مدنی تقریباً روزی یکساعت

هـ ـ در کلاسهای اول دبستان روزی یکساعت مشق خط ـ در کلاس های بالاتر که در ضمن املاء میتوان مراقبت در خط شاگرد کرد از میزان

آیا معلمان این نتیجه را از برنامهٔ کنونی می‌گیرند؟

۴- تعیین جدول ساعات

جدول ساعات عبارت است از جدولی که معین میکند هر روز بچه ترتیب دروس باید داده شود و هر ماده را چند بار در هفته باید بیاموزند از این تعریف لزوم جدول ساعات در مدرسه واضح میشود اولاً بموجب جدول ساعات هر کاری منظماً از روی ترتیب معینی در مدرسه صورت می‌گیرد ثانیاً برحسب برنامهٔ رسمی واهمیت هردرس وفواید آن عدهٔ ساعات معینی از اوقات همگی بدان تخصیص می‌یابد اگر جدول ساعات در کار نباشد دو منظور فوق تأمین نخواهد شد

فوائد جدول ساعات

اگر کلاس دارای جدول ساعات شد آموزگار مطمئن میشود که وقتش با موجبن رشته‌های مختلف وفا خواهد کرد ومنظماً آنهارا درظرف سال درس خواهد داد شاگرد نیز تکلیفش معین است وازپیش میداند هرروز وهرساعت چه درسی را باید حاضر داشته باشد

فایدهٔ دیگر جدول ساعات اینست که اگر در ساعت های متوالی ماده‌های مختلف تدریس گردد تنوع مواد موجب رفع خستگی میشود و شاگرد درهردرس با دماغ تازه وبا زحمت کمتر کار خودرا انجام میدهد بعلاوه جدول ساعات همیشه شاگرد را مشغول نگاه میدارد و خود این مسئله باعث نظم درکلاس خواهد بود زیرا عموماً وقتی که شاگرد بیکاراست وتکلیف معینی ندارد آشوب میکند وبرشتی میگراید .

بالاخره جدول ساعات عامل بزرگی است درپرورش اخلاقی شاگرد زیراکه ویرا بوسیلهٔ عمل روزانه یعنی آمدن تفریح بعدازدرس و آمدن

های کتبی - تمرینات سخت و تمرینات دلپذیر - دروسی که باید بشسمه یاد گروب ودرسی که باید اسساده آموخت همه متناوباً واقع شود

رابعاً دروسی که ازحیث شکل یامعنی شبیه بیکدیگر است باید ازهم جدا کرد ومیان آنها دروس دیگر قرارداد

خامساً مدت درس را در هر کلاس باسن متوسط شاگردان باید مناسب کرد جدول ساعاتی که مطابق دستور فوق تهیه شد باید بشکل جدول فیثاغورث باشد که دریك طرف روزهای هفته ودرطرف دیگر ساعات درس ذکر شود

وقتی که باین کار اختصاص داده‌اند باید بتدریج کاست

و- ورزش روزی یك بار یا لااقل دوروز یك بار بعدازظهر

ز- هفته‌ای دو یا سه ساعت کارهای دستی

ح- نقاشی هفته‌ای دو یا سه ساعت

ط- غیر ازسرودی که هرروز بامداد در آغاز کار شاگردان باید بخوانند هفته‌ای یك یادوساعت باید صرف موسیقی شود

دراینجا لازمست این نکته یادآوری شود که مقصوداز کلمهٔ «ساعت» واحد وقت که شصت دقیقه باشد نیست بلکه منظور مدتی است که درس بطول می‌انجامد مدت مذکور در کلاسهای اول دبستانها ۲۰ الی ۳۰ دقیقه ودر کلاسهای آخر ۴۵دقیقه است ودر دبیرستانها ممکن است ۵۰ تا ۶۰ دقیقه باشد در برنامه‌های پسرانه و دخترانه که از تصویب شورای عالی فرهنگ گذشته وهمچنین در دستور تحصیلات دبیرستان عدهٔ ساعاتی که باید بهر رشته تخصیص داد معین گردیده وتصمیمهٔ خود برنامه‌یا جداگانه بچاپ رسیده‌است

دستور نوشتن جدول ساعات

علماء پرورش و بهداشت نیز قواعدی برای نوشتن جدول ساعات معین کرده‌اند که دانستن آن برای آموزگار سودمند وضروری است اولاً باید بهریك از مواد برنامه وقتی را تخصیص داد که از طرف دولت معین شده‌است

ثانیاً درس اخلاقی وریاضی وانشاء ودستور زبان را باید در آغاز کار یعنی در زنگهای اول صبح یا زنگهای اول بعدازظهر قرارداد زیراکه این رشته ها زحمت ودقت بیشتر لازم دارد وباید دماغ تازه وآماده باشد.

ثالثاً طوری جدول ساعات راباید نوشت که درسهای زبانی وتکلیف

از آن انتقام گیرد در صورت اول فردی برای جامعه بار آمده که اراده‌اش درهم شکسته و دارای شخصیت نیست و درمقابل هر حکمی مطیع صرف است ولو این حکم برخلاف مصالح ملك وملت یاازطرف بیگانه باشد درصورت دوم یك فرد یاغی وسرکش و شریر تحویل جامعه میشود که پیوسته موجبات زحمت رافراهم میکند ومحل انتظامات میگردد وشاید بوسیلهٔ بزهکاری انتقام خود را بگیرد

میلی که مردم ومربیان وآموزگاران به تنبیه بدنی دارند ارثی است که ازدو هزار وپانصد سال پیش بما رسیده است نتیجهٔ تربیت با چوب وفلك یك نوع بردگی وبندگی است که اززمان هخامنشی تاکنون در افراداین ملت هویدا بوده وهرودوت تاریخ نویس یونان مکرر بدان اشاره کرده‌است مثلاً دریك جا میگوید که یکی ازمعایب عمدهٔ ایرانیان «عبودیت وبندگی بحد وانداره وفرمانبرداری کورکورانهٔ آنهاست که بنظر مردم امروز متباین بامردانگی وشئون انسانی است (۱)» ودر جای دیگر خاطر نشان میکند که «یکنوع فرمانبرداری مطلق ویك قسم تسلیم و انقیاد صرف بوسیلهٔ پرورش وعادت در نهاد افراد ایران متمکن شده بود که هیچگاه تخلف از آن بخاطر هیچکس نمیرسید (۲) »

درقرن های بعد نیز همین عیب موجود بوده و گرنه باین آسانی ایران بدست اسکندر مقدونی و عرب و مغول نمی افتاد وچندصد سال از روزگار خود را در تحت رقیب نمیزیست(۳)

(۱)و(۲) نقل از کتاب جرج راولینسن George Rawlinson موسوم به «هفت سلطنت بزرگ مشرق زمین در قدیم» جلد دوم صفحهٔ ۳۱۹ و ۳۲۰ چاپ شکاگو (۱۸۷۵)

(۳) این مسأله بطور مشروحتر در کتاب نگارنده موسوم به « ایران نوین ودستگاه فرهنگ آن» ص ۸۷ — ۸۶ مورد بحث واقع شده است

فصل چهارم

انتظامات

منظور از وضع انتظامات پرورش اخلاقی طفل است شاگرد باید از دروس آموزگار و کوشش و اولیای آن در راه تعلیم و پرورش او استفاده کند و اوضاع مدرسه طوری باشد که هیچ یك از افراد حقوق دیگری تخطی نکند و اگر کسی موجب زحمت دیگران شد از او جلوگیری کنند و بعکس اگر فردی خوب کار کرد و رفتارش پسندیده بود از او تشویق نمایند

فشار بیرون از اندازه و سختگیری بسیار و تنبیه با چوب و تازیانه و فلکه برخلاف اصول جدید تربیت است

تنبیه بدنی

البته تنبیه بدنی فوراً اخلالی را که در نظم مدرسه پیدا شده بر طرف میکند و انتظامات را مستقر میسازد و از این حیث کار مدیر و معلم را بسیار آسان مینماید ولی این نوع پرورش نتایج بدی در بردارد که باید مختصراً گوشزد کرد تا فلسفهٔ وضع مادهٔ ۲۸ قانون اساسی فرهنگ که تنبیه بدنی را در مدارس ممنوع کرده است کاملاً روشن شود

نتیجه تنبیه بدنی از دو حال بیرون نیست یا کودك گردن بفرمان می نهد و هرچه میل رسندهٔ اوست انجام میدهد — بی چون و چرا تمیگردد و هر کس سمت باو زور نشان داد منقاد و فرمان بردار است یا از چوب خوردن عاصی میشود و از اطاعت سرپیچی میکند و باو حالت طغیان دست میدهد بطوری که نسبت بجامعه و حکومت بدبین میشود و میخواهد

بوفا داری آنها نسبت بآموزشگاهی که در آن پرورش می‌یابند اگر فرضاً شاگردی نسبت بمعلم سختگیری کند مدرسه چه وظیفه‌ای خواهد داشت و شاگرد را چگونه باید متنبه ساخت؟ اگر اسبابی گم شود مدیر و معلم چه باید بکنند و صاحب آن چه راهی باید در پیش گیرد؟

مقررات جاری

منظور از مقررات جاری آنست که در کارهای اجتماعی و فردی تکلیف آدمی معین باشد و ثبات و اطمینان در امور حاصل شود اگر آموزگار نداند چه ساعت درس او بپایان خواهد رسید و برای صرف ناهار کی بخانه خواهد رفت بانوی او نمیداند برای کی ناهار باید آماده باشد و اگر آماده نشد ممکن است در بازگشت بآموزشگاه تأخیر شود و شاگردان بلاتکلیف در انتظار او باشند . اگر شاگردان ندانند چه ساعت کلاس آغاز میشود هر یك زمانی بمدرسه رود و در نتیجه هیچ گاه کلاس تشکیل نخواهد شد .

تعاون و همکاری با دیگران و داشتن آزادی مستلزم اینست که مقرراتی وضع شود ورنه چگونه مدیر ومعلمان يك مدرسه ممکن است دست بدست داده عده‌ای راپرورش دهند ومدرسه‌ای راراه برند وهمینکه کار روزانه بپایان رسید آزادانه بامور شخصی خویش بپردازند؟

ویلیام جیمس (۱) در کتاب اصول روان‌شناسی صفحهٔ ۱۲۲ می نویسد

---

(۱) William James روانشناس نامی امریکا که در ۱۹۱۰ جهان را بدرود گفته است .

باید این نکته را درمد نظر داشت که عقیدهٔ نیاکان ما (۱) مبنی براینکه کودک طبیعتاً شریر وپلید است وباید او را تحت فشار گذارد تا داتش اصلاح ونیکو شود خطا است گذشته ازموارد استثنائی که عدهٔ قلیلی بد سرشت بدنیا میآیند وخبث رااز پدر ومادر بارث میبرند وممکن است ازعوامل نامطلوب جامعه بشوند امروز مسلم است کودک درخور تکمیل ودارای استعداد می باشد وباید مانند روسو(۱)اورا خوب دانست واعتماد بطبیعت اوداشت ومتکی براین اصل ، مقرراتی برای حفظ انتظامات وپرورش او وضع کرد

دو نوع مقررات

مقررات مذکور دو قسم خواهد بود یکی راجع بکارهای جاری که هر روز صورت میگیرد و باید بترتیب ترتیب را ایجاد کرد که مقررات آنرا شاگرد ملکه نماید تا هر آن احتیاج بتصمیم جدید و تردید و اتلاف وقت نباشد اگر مثلاً اطفال بدانند جای آویختن کلاه وپالتووچتر آنها کجاست وهریك نمرهٔ معینی داشته باشند تکلیف آنها معین است و دیگر میان آنها برسر جای لباس نزاع برنخواهد خاست -

قسم دوم مقرراتی است روحی واخلاقی راجع باموری که محتاج بفکر و تصمیم است ـ راجع بکارهائی که شبیه بکار های پیش نیست و شاگردان یاباید خود تصمیم بگیرند یا منتظر دستور معلم باشند طریق عمل و رفتار آنها بسته است باصول اخلاقی که در نهاد آنها متمکن شده ـ برویه وعقیدهٔ آنها نسبت بموٴحاکمه که در اینجااولیای مدرسه است ـ

(۱) رجوع شود بتاریخ مختصر آموزش و پرورش چاپ سوم نگارش مؤلف ص ۳۱۲

(۲) Rousseau

بصورت آئین نامه درمی آورند آئین نامه نیز بردوقسم است یکی آئین نامهٔ وزارتی که دراردیبهشت ۱۳۱۹ برای دبستان ها درتحت ۱۱۲ ماده وبرای دبیرستانها در ۸ آبان ۱۳۱۳ در تحت ۹۵ ماده بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است گرچه آئین نامهٔوزارتی باید تنهاشامل اصول ورؤس مسائل باشد ولی چون بیشترمدیران ومعلمان مدارس دارای تحصیلات کافی نیستند واز دانشسرا خارج نشده اند تا از ترتیب مدرسه داری اطلاع وافی داشته باشند ناچار وزارت فرهنگ داخل جزئیات کار گردیده ومطالبی را متذکر شده که می باید در آئین نامهٔ داخلی پیش بینی کرد در آئین نامهٔ وزارتی وظایف مدیر و ناظم ومعلم - غیبت وتعویق ورود - مقررات راجع بشاگرد - تشویقات وتنبیهات - امتحانات داخلی - امور صحی - وظایف خدمتگزاران جزو - شورای معلمان - مقررات راجع بنظام وطعمه و ماهانه (تنها برای دبیرستانها) معین گردیده است

قسم دوم آئین نامه است که برای هر مدرسه بمقتضیات مکان وزمان بوسیلهٔ شورای معلمان وضع میشود در این آئین نامه تکلیف شاگردان مانند تقدیم احترام ومنظم بودن در کلاس وطرز رفتار هنگام تفریح و تنفس وشنیدن زنگ مدرسه - ساعات دخول بمدرسه و خروج از آن - طرز ورود بعمارت و خروج از آن - تعیین مبصر و وظایف او مانند تهیهٔ لوازم کلاس (گچ - نقشه) و تعیین شاگردان حاضر وغایب کلاس - تکلیف های کتبی - شرایط استفاده از کتابخانهٔ مدرسه - کیفر وپاداش - جوائز معین میگردد

در آئین نامهٔ وزارتی که اکنون مجری است قسمتی از مواد بالا منظور گردیده واگر چه این عیب را دارد که برای تمام نقاط کشور

ما باید هرچه زودتر بسود کارهای سودمند را ملکه کنیم هر قدر بیشتر جزئیات زندگانی روزانه را بدست عادت بسپاریم بیشتر قوای فکری ما برای کارهای مهمتر آزاد خواهد ماند هیچکس بدبخت‌تر نخواهد بود از انسانی که بهیچ چیز معتاد نباشد مگر بعدم تصمیم — از کسانی که آتش زدن هر سیگار و آشامیدن هر فنجان چای — برخاستن و خوابیدن او و خلاصه آغاز کردن هر کار کوچك مستلزم فکر و تصمیم خاص باشد نصف وقت چنین آدمی صرف گرفتن تصمیم یا تأسف خوردن راجع بامور است که بدون توجه و التفات باید خود بخود انجام گرفته باشد اگر میان خوانندگان کتاب من کسی یافت شود که هنوز وظایف جاری روزانه برای او عادت نشده باشد باید از این ساعت بدان قیام و اقدام کند

مقدار مقررات

درعین اینکه داشتن مقررات بسیار لازم است نباید از حد اعتدال بیرون شود

اگر بسیار کم باشد ممکن است بی نظمی و بی انضباطی و تأخیر در کار حاصل شود و اگر بسیار زیاد باشد مایهٔ محو شدن قوهٔ ابتکار میگردد باید در نظر داشت که معتاد شدن شاگرد برعایت مقررات جاری شکیبائی و بردباری بسیار لازم دارد هر اندازه مقدار این مقررات نزدیك بحدی باشد که بتوان تحمل کرد خو کردن بدان دشوار تر است برای اینکه امری جزو مقررات جاری گنجانده شود بایداولاً آن امر چندبار در روز تکرار شود ثانیاً از حیث صرفه جوئی در وقت و ممانعت از بی نظمی سودمند باشد ثالثاً برای حفظ شاگردان مدرسه لازم باشد رابعاً عادتی که برای رعایت امر مذکور باید در کودك ایجاد کرد بخودی خود مهم و دارای ارزش باشد

آئین نامه

مقرراتی را که برای انتظام کارهای آموزشگاه معین میشود در بعضی از کشورها مانند ایران و فرانسه ماده بندی کرده

نمود وقتی خوب ملکه شد شاگردان دیگر میل تغییر آن ندارند چنانکه دیده شده است وقتی معلمی عوض شده اطفال بیشتر متمایل برعایت و اجرای مقررات سابق کلاس بوده اند تا یادگرفتن ترتیبات تازه

برای اجرای مقررات وملکه کردن آنها هیچ موقع در سال بهتر ومساعدتر از نخستین روز سال تحصیلی (که عموماً روزشانزدهم شهریور است) نیست زیرا در آن روز تمام شاگردان خالی و چالاك و کنجکاو و تازه فکر هستند و چون از پس عاداتی مخالف مقررات در آن‌جاجای گزین نشده لذا هیچ عامل متضادی موجود نیست عقاید و احساسات آنها نسبت بمدرسه در روز اول عامل مؤثری در تمام سال خواهد بود و طرز رفتار و اخلاق آن ها تا اندازه‌ای تحت تأثیر این احساسات خواهد بود از این جهت دستور کار و تحصیل روز اول باید درشاگرد این عقیده را ایجاد کند که معلم او دانشمند و آزموده است و مقررات عاقلانه وعادلانه و روشن و باید اولی را محترم شمرد ودومی را اطاعت کرد بدلایل مذکور معلم باید جزئیات کارروز اول را قبلاً درنظر بگیرد - دفترنام شاگردان را آماده کند - جدول ساعات را تنظیم نماید - دانش آموزان را ازروی امتحان و نمره های سال پیش یك بیك بشناسد - گنجایش اطاق و طرز چیدن میز و نیمکت و سایر تفاصیل را از نظر دوربکند - وسایل کاررا مانند تختهٔ سیاه و تخته پاك کن وگچ و نقشه فراهم نماید - جای لباس شاگردان را معین کند - درس خودرا کاملاً مطالعه کند اگر نکات فوق را رعایت کرد در طفل احساساتی ایجاد خواهد نمود کــه در تمام سال برایش کمك و سرمــایهٔ بزرگی است .

مقررات مشابه وضع شده و رعایت مقتضیات محلی بعمل بیامده (مثلاً ساعت ورود بمدرسه از ۱۵ شهریور تا آخر آبان از ساعت ۸ تا ۱۱ و نیم و از دو تا ٤ بعدازظهر تعیین گردیده در صورتیکه آب وهوای خوزستان ایجاب میکند که تانیمهٔ دوم شهریور مدرسه تعطیل باشد یا لااقل صبح زودتر و عصر دیرتر شروع نمایند) ولی این حسن را دارد که تکلیف مدرسه راجع بقسمت عمدهٔ انتظامات روشن شده است

اجرای مقررات ملکه کردن مقررات جاری باید مطابق اصول و قواعدی باشد که برای ایجاد عادت معین شده است بدواً شاگردان باید بطور واضح و روشن از این مقررات آگاه شوند سپس باید بفهمند چه نوع کاروورفتاری مدیر ومعلم از آنها انتظار دارند مثلاً وقتی شاگردان مشغول تفریح در حیاط مدرسه هستند باید بدانند که هنگام شنیدن صدای زنگ باید ساکت شوند بعد صف ببندند و بترتیب معینی بکلاس روند

وقتی دانش آموز خوب وظیفهٔ خودرا دانست باید آنقدر آن را درست عمل کند تا ملکه شود اشکال کار در اینجاست که تکرار مقررات در ابتدا خسته کننده ویکنواخت بنظر شاگرد میآید ودر نتیجه میل بتغییر دادن آن میکند - یا مسامحه وغفلت روا میدارد یا مشغول بامری میشود غیر از آن که درمقررات قیدشده است دراینصورت اگر آموزگار سستی نشان دهد یا تبعیض کند یااستثناء قائل گردد منظوری که ازوضع مقررات دارد حاصل نمیگردد واتحاد نظم و اوضاع مساعد برای کار تنها با اتلاف وقت و بردن رنج و کوشش بسیار ممکن است تأمین شود مقررات را باید باکمال بردباری و خوش روئی و متانت ولي با نهایت پافشاری اجرا

مساعد برای کار جهت او فراهم شده لیکن او بر نفس خویش غالب نگردیده است چنین شاگردی را چگونه باید براه راست انداخت ؟ آیا بیرون کردن او از اطاق درس یا از مدرسه موجب رستگاری او خواهد شد و مدرسه باین وسیله وظیفهٔ خود را انجام داده است ؟

مدیر و معلم
راهبر و راهنما

اصولاً قواعد و نظامات هرچه باشد مسئولیت با مدیر و معلم است مدیر و معلم باید آنچه جامعه از مدرسه انتظار دارد بدان صورت خارجی دهند و نتیجهٔ مطلوب را عاید دارند از طرف دیگر کار خوب هنگامی انجام میشود که قدرت و اختیار مدیر و رئیس بدون جهت متظاهر نبود و کسیکه ریاست بنگاه دردست اوست بیشتر مانند راهبر و راهنما و قائد قوم باشد تا حکم کننده و امردهنده زیرا باین ترتیب فرو بران و زیردستان باطناً و از ته دل با او همکاری میکنند و بارغبت بکار میپردازند این مسئله در امریکا جزو بدیهیات شده و مسلم گردیده است که مثلاً در کارخانها و سازمانهای صنعتی روابط دوستانه و صمیمانه میان رئیس و زیر دست لازمهٔ اخذ بهترین نتیجه است و یکی از شرایط رئیس شدن آنست که انسان قادر بایجاد چنین روابطی باشد در مدارس هم این مسئله صورت خارجی بخود گرفته و مدیر و معلم (که اکثر آن ها زن هستند) نسبت بیکدیگر درحکم دوست مساوی هستند و هر دوی آنها نسبت بشاگرد مانند پدر و مادر

روحیهٔ
مطلوب

برای ایجاد یگانگی میان رئیس و زیر دست و پیشرفت کار و خوبی انتظامات باید افراد جامعه‌ای که رئیس و زیردستان او کارمند آن هستند حالت روحی خاص و طرز رفتار مخصوصی

مقررات اخلاقی

سعی ناکرده دراین راه بجائی نرسی
مزد اگر میطلبی طاعت استاد ببر
حافظ

چنانکه دربالا گفته شد مقررات اخلاقی آنهائی است که درآئین نامه نمیتوان پیش بینی نمود بلکه باید درنهاد شاگرد وآموزگار متمکن باشد تا هروقت محتاج شدند بقضاوت و وجدان خود مراجعه وتصمیم مقتضی را ایجاد کنند

تمام قواعد و نظامات باید طوری باشد که هم قوهٔ ابتکاردرشاگرد ایجاد شود و توسعه حاصل کند وهم شخصاً وبخودی خود محصل ازروی دلیل وعقل برنفس خویش مسلط گردد درمقابل این فرصتی که بشاگرد داده میشود هر کدام یك نوع عمل میکنند طرز عمل آنها بسته است بخلق وسرشت هر فرد و در هرحال ممکن است موجب اختلال مدرسه شود نظارت دراین وضع را نمیشود بوسیلهٔ مقررات جاری تأمین کرد زیرا اولاً فرصتی که بشاگرد میدهند هردفعه مشابه با دفعهٔ قبل نیست ثانیاً در مورد هر محصل باید قضاوت خاصی کرد در چنین مواقعی حفظ انتظام بسته است بقضاوت و اقتدار اخلاقی مدیر ومعلم ــ باصول اخلاقی که میان شاگردان برقرار شده باشد ــ بروحیهٔ عمومی مدرسه

مثال بشاگرد تکلیفی میدهید که در کلاس انجام دهد برای پیدا کردن قوهٔ ابتکار و ایجاد حس درستی باو اطمینان میکنید واورا آزاد میگذارید شاگرد ممکن است از این فرصت استفادهٔ سوء کند وتکلیف را بوسیلهٔ استنساخ از کتاب انجام دهد دراین صورت شرایط

مشاهدات شخصی ضمن عمل وزندگانی روزانه بر او ثابت شود که اگر مثلاً نظارت مذکور نباشد کارهای آموزشگاه مختل میماند واز حال نظم بیرون میرود واگر فرضاً فلان تصمیم نسبت بشاگردان گرفته شده مطابق انصاف نبوده وصلاح مدرسه در آن رعایت وملحوظ گردیده است شخصیت مدیر ومعلم در این مورد بسیار مؤثر است ولی عاملهای مهمی هست که هر معلمی آنها را رعایت کند روحیهٔ مطلوب را در آموزشگاه پدید خواهد آورد . عاملهای مذکور بقرار ذیل است

۱- گرامی داشتن شاگرد - باید این حقیقت را در نظر گرفت که در مقابل قصور یا تقصیر شاگرد باسرزنش و اورا وسیلهٔ تنبیه دیگران قرار دادن نتیجه‌ای که منظور است عاید نمیشود بلکه موجب کینه و بغض او نسبت بمدیر ومعلم میگردد هرشاگردی که خودش هم مورد این نوع تنبیه واقع نشده باشد از مشاهدهٔ آن نسبت باولیای مدرسه کینه وزری پیدا میکند **اگر عکس آبروی شاگرد را حفظ کنید بهتر میتوانید اورا وادار بترمیت واصلاح خود کنید** . این عمل باعث میشود که شاگرد برای خود شخصیتی قائل شود وهمیشه این شخصیت در رفتار او مؤثر بوده از بسیاری ازخطاها جلوگیری خواهد کرد .

چون راجع به تنبیه بدنی در آغاز فصل گفتگو شد در اینجا تنها تذکری در باب احترام شاگرد باید داد . مدیر ومعلم (ودر خانه پدر و مادر) باید متوجه باشند که کودك انسان است وجسم جامد نیست و بنابراین دارای عقل ومیل وعاطفهٔ بشری است . نباید تصور کرد که این موجود معصوم تنها برای فرمانبرداری پدرومادر ومعلم آفریده شده بلکه روزی باید دراین جامعه مسئولیتی بعهده گیرد وکاری از پیش ببرد .

داشته باشند که ما آنرا بکلمهٔ «روحیه» تعبیر میکنیم

برای فهماندن منظور بهترین مثالی که بشود زد راجع است به آرتش روحیهٔ آرتش وقتی خوبست که اولاً بارضا ورغبت از فرماندهٔ خود اطاعت کند وفرمان او را مطابق عدالت وحق بداند ثانیاً هرسرباز نسبت بدیگر افراد آرتش اعتماد داشته و وفادار باشد ثالثاً وظیفه ای که آن آرتش درمقابل دارد انجام آنرا واجب ولازم بشمارد اگر لشگری باوجود چنین روحیه ای را واجد بود بآسانی رنج ها و سختی هـای انتظامات را تحمل میکند وگرنه در پیروزی وپایداری وایستادگی او باید تردید داشت .

در مدرسه نیز روحیه ای شبیه بروحیهٔ مذکور نسبت به مدیرو معلم - نسبت بکلیهٔ شاگردان - نسبت بکاری که باید انجام شود باید تولید کرد در مدارس مترقی امروز دیگر نگاهداری انتظامات را ازراه ایجاد ترس ودادن فـرمان جائز نمیشمارند و اتخاذ این روش را برای تولید روحیهٔ مطلوب روا نمیدارند . بدیهی است در عین حال نباید سستی و بی قیدی دامنگیر معلم شود بلکه هنگام لزوم بانهایت اقتدار باید آنچه حق است وعدالت مجری ومعمول دارد بدون اینکه هوا وهوس درتصمیم او دخالت داشته باشد و بدون اینکه تصمیم او موجب محو شدن قوهٔ ابتکار دانش آموز گردد .

برای ایجاد روحیهٔ مطلوب بایدمحصل رامتقاعد ساخت که نظارت مدیر ومعلم بر کارهای مدرسه لازم واز روی حق میباشد و نفع وصلاح عموم درآنست که این نظارت کاملاً برپا واستوار باشد متقاعد کردن شاگرد نیز بوسیلهٔ سخنرانی وموعظه صورت نمیگیرد بلکه باید بوسیلهٔ

اتحاد این روش چند فایده دارد اولاً تنبیه شاگردی را دیگر دانش آموزان حمل بر بغض معلم نخواهند کرد ثانیاً غرض ومقصود از دادورزی را میفهمند و مشاهده میکنند که در نتیجهٔ اقدام معلم تجاوز بحقوق دیگران مرتفع شده و جبران آن بعمل آمده است ثالثاً چون هنگام تنبیه شاگردی دیگران متأثرمیشوند ممکن است مجازات دهنده را ستمکار فرض کنند ممکن شدن بدلایل فوق باعث روشن شدن قضیه و مانع پیدا شدن کینه نسبت بمعلم میگردد همانطور که کارمندان یك اداره از اینکه رؤسای آنها برخلاف داد و حق دربارهٔ آنها قضاوت کنند رنجش بسیارحاصل میکنند همانطورشاگردان آموزشگاه ممکن است نسبت بمعلمان خود نظر بد پیدا کنند و بر آنهاست که کاملاً مراقب باشند تا این ترتیب پیش نیاید

۳ ـ **ابراز همدردی** ـ همدردی یعنی شریك بودن با عقیده و نظر دیگری و حس کردن شادمانی یا اندوه او شاگرد در حین مبارزه با اشکالات وهنگام پیش بردن کار و فیروزی در اثر جد وکوشش مترصد است مدیر و معلم از او قدردانی کنند طرز رفتار معلم در این قسمت در روحیه واخلاق شاگرد همیشه مؤثرخواهد بود درهمین زمینه است که سعدی فرماید

درس معلم ار بود زمزمهٔ محبتی   جمعه بمکتب آورد طفل گریزپای را

شاگردانی که بدلایلی مرتکب تقصیر شده اند همینکه حس کنند مدیر ومعلم دردآنها را فهمیده وبآن دلایل پی برده اغلب بقصور اجبران می کنند و از آن پس نیکوکار وخوش اخلاق میشوند

٤ـ **خوشروئی** ـ طفل تندرست وسالم بسیارخوش بین وخوشحال

اگر ما اورا تنها مانند شیئی بدانیم وعقیده و نظر و میل او را بهیچ وجه رعایت نکنیم شخصیت او محو میشود و فردا که بزرگ شد قادر بانجام وظیفهٔ مسئولیت‌دار نخواهد بود

۲- جلب اطمینان شاگرد نسبت به داد دوستی مدیر و معلم.

شاگردان متوقع هستند که مدیر یا معلم در کارهای مدرسه دادگر و بیطرف باشد معلم باید طوری رفتار کند که دانش آموزان تصور نکنند نسبت بدانش آموزی تبعیض شده است هنگام تنبیه دانش آموز و مجازات او آموزگار باید باو بفهماند که وی نسبت بجامعهٔ آموزشگاه خبط وخطا کرده و مرتکب تقصیر شده است واز این رو آموزشگاه موظف است که وسیلهٔ مؤثری برای حفظ حق جامعه اتخاذ کند و اورا تنبیه نماید . اگر مثلاً دانش آموز شیشهٔ در را شکسته باید بدو گفت که از خزانهٔ دولت یعنی از محل مالیاتی که عموم پرداخته اند شیشه خریداری شده بود و شکستن آن ضرری متوجه جامعه کرده است . بعلاوه جامعهٔ آموزشگاه که نگاهبان شیشه بوده نیز از طرف آن دانش آموز مورد تخطی واقع گردیده و برای جبران این خطا و حفظ حقوق جامعه شاگرد باید از جیب خود بهای شیشه را بپردازد .

اگر دانش آموز تکلیف خود را انجام نداد باید باو فهماند که جامعه برای منظورهائی که دارد متحمل هزینهٔ آموزشگاه میشود و در برابر مخارجی که می کند پیشرفتهائی باید حاصل شود ننوشتن تکلیف مانع پیشرفت ورسیدن بآن مقاصد است . بنابراین شاگرد مذکور هم نسبت بجامعهٔ بزرگ کشور مقصر است زیرا که مانع اتلاف بودجه و وقت شده وهم نسبت بجامعهٔ کوچک مدرسه زیرا که مانع پیشرفت آن گردیده است.

برهم‌زدن نظم

اگر عامل های پنجگانه را معلم مورد توجه قرار دهد و قواعدی که گفته شد رعایت کند روحیهٔ مطلوب در مدرسه ایجاد خواهد شد و خلاف نظم کمتر بروز خواهد کرد با وجود این اطفال جزو بشر هستند و بنا برضرب‌المثل عربی «الانسان جایز الخطا» شاگردی که انتظامات را برهم زند باید مجازات شود تا نظم مستقر گردد وشرایط مساعد برای تحصیل فراهم شود لیکن معلم علاوه بر تنبیه کردن وظیفهٔ مهمتری نیز دارد و آن اینست که علت خلاف نظم و سبب بد اخلاقی شاگرد را کشف کند بروز خلاف نظم میرساند که اصلاحاتی باید بعمل آید تامقصر حالت روحی وطرز رفتارخودرا نسبت تحصیل و اولیای مدرسه و جامعهٔ مدرسه تغییر دهد همانطور که معلم هنگام تصحیح تکلیف حساب وقتی فهمید شاگردان اشتباهی کرده‌اند اکتفا بتصحیح آن و گذاشتن جواب درست بجای جواب نادرست نمی‌کند بلکه درصدد پیدا کردن علت برمیآید و آنرا رفع میکند همانطور نیز درمورد اخلاق باید عمل کند اگرمثلاً درسی را شاگردان یاد نگرفته‌اند علتش ممکن است زیادی درس باشد یاکمی وقت برای مطالعه و حاضر کردن آن یانداشتن وسایل کار در خانه یا منزجر بودن از آن درس بواسطهٔ بد خلقی معلم یا نفهمیدن درس بواسطهٔ روشن نبودن بیانات آموزگار . . . وقتی علت کشف شد باید باکمال رشادت در مقام چاره ورفع آن برآمد وگرنه بی‌نظمی از نو بروز خواهد کرد ونتیجهٔ مطلوب ازپرورش شاگرد حاصل نمیشود

منظور از تنبیه

تنبیه برای آگاه ساختن طفل و پرورش اخلاقی اوست واز آن دو منظور هست منظور آنی و فوری بازگشت نظم و فراهم شدن شرایط مساعد است برای کار منظور دوم

است و از اوضاع رسمی وخشونت آمیزمتنفر آموزگاری که خودرا سخت نگیرد ورسمی باشد ولبخند یاآهسته حرف زدن شاگردان رانسبت بخود بی‌اعتنائی فرض کند در حقیقت بر ضد دشمنان موهومی میجنگد و محیط بی‌علاقه‌ای نسبت بخود ایجاد میکند

بفرمودۀ ناصرخسرو (در روشنائی نامه)

گره با هر کسی مفکن برابرو چه بدتر باشد ازطبع ترشرو؟
مپندار ازلب خندان زیان‌است که‌خندان‌روی‌ازاهل‌جنانست

بعکس شاگرد درصورتی از ته دل کار می‌کند که خوش خلقی و خوش روئی درکلاس و آموزشگاه فرمانروا باشد برای تولید روحیۀ مطلوب‌مدیرومعلم باید پیوسته‌این‌صفت ملکوتی رانشان‌دهند وشاگردان مدرسه را نسبت بخود علاقه‌مند کنند

چون از طرف دیگر معلم همیشه سرمشق زندۀ طفل است وهر کاری‌کند مورد تقلید اوواقع میشود خوشروئی دراواثر میکند وممکن است موجب سعادت وی گردد

۵ - **پرمایگی معلم** . مهمترین کاررسمی ومعین شاگرددرمدرسه تحصیل کردن و آگاه شدن‌ازحقایق است معلمی‌که بمواد برنامه وطرز تدریس مسلط نباشد بنظر شاگرد قدر و مقام ندارد اگر شاگرد نباشد معلومات و اطلاعات معلم بدو احترام نگذارد تحصیلات و کار خود او ناقص وغیرصمیمی‌است معلم بایدهم برمواد برنامه‌مسلط باشد وهم درس را ازپیش مطالعه‌کند تا احترام شاگرد را نسبت بفضل وپرمایگی خود جلب کند و از این راه نیز روحیۀ مطلوبی در مدرسه ایجاد نماید

کرده - اورا باقرار آورند که تقصیر کرده و بخصوص دیگران لطمه وارد آورده ومانع از پیشرفت کار مدرسه شده است و راه جبران را از خود او بخواهند البته این ترتیب مستلزم صرف وقت و داشتن شکیبائی و بردباری و حد بسیار میباشد لیکن تنها راهی است که ریشهٔ فساد را برمی اندارد و منشأ آن را نشان میدهد و باعث اصلاح اخلاق و بهبودی حالت روحی شاگرد میشود

در حضور دیگران دانش آموز را سرزنش کردن موجب رستگاری وی نخواهد شد وجز پست کردن شخصیت و بی آبرو کردن او پیش همسران سودی نخواهد داشت

آثار دائمی است که در طفل از تنبیه باقی میماند تنبیه باید طوری باشد و شکلی اجرا شود که شاگرد را نسبت باولیای مدرسه خوش بین کند و اورا برای اصلاح خویشتن آماده سازد تنبیه باید آبروی شاگرد را نبرد **بلکه آنرا نگاه دارد و تقویت کند** بطوریکه پس از تنبیه محصل بیشتر مایل بحفظ آبروی خود باشد بسیار باید دقت کرد که تنبیه تأثیر مخالف در شاگرد نکند مثلاً موجب گریختن او از مدرسه یا سرکشی او برضد اولیای آموزشگاه نگردد

در کشورهای متمدن چون تعلیمات عمومی واجباری است و شاگرد را نمیشود از مدرسه بیرون کرد اطفالی را که بهیچوجه حاضر بنگاهداری نظم نیستند و بکلی یاغی و سرکش میباشند در بنگاههای مخصوص شبانه روزی تربیت میکنند

امتحانات ومطالعاتی که در امریکا نسبت بشاگردان این قبیل بنگاه ها بعمل آورده اند نشان میدهد که عدهٔ بسیار زیادی از آنها بواسطهٔ انتظامات بدو طرز تنبیه معلم و مدیر بدانجا کشانده شده اند

اجرای تنبیه نکتهٔ اخیر اهمیت طرز تنبیه را بیشتر ظاهر میکند نکتهٔ بسیار بزرگی که باید رعایت کنید اینست که در مورد تقصیر های مهم باید تنها و بدون حضور غیر با شاگرد روبرو شوید و چنانکه رشیدالدین وطواط هشتصد سال پیش فرموده

گر نصیحت کنی بخلوت کن — که جز این شیوهٔ نصیحت نیست
هر نصیحت که در ملا باشد — آن نصیحت بجز فضیحت نیست

منظور آموزگار یا مدیر باید این باشد که در رفتار وحالت روحی شاگرد تغییراتی بوجود آورند - باو نشان دهد که برخلاف نظم رفتار

که عارض میشود و در تفاوت ممتحن مؤثر است اغلب ملاک و مأخذ جلسهٔ اول از نظر محو میگردد

بی اعتبار بودن امتحان کتبی

علاوه بر معایب مذکور امتحان فعلی اعتبار زیاد هم ندارد نمره‌ای که معلم برگ امتحان میدهد نمرهٔ مطلق وصحیح نیست همان برگ راکه امروز معلم تصحیح کرده ومثلاً نمرهٔ ۱۲ داده اگر یکماه دیگر خوداو تصحیح بکند ممکن است ۱۵ یا ۹ بدهد اگر همان برگ را برای تصحیح بمعلمان دیگر بدهند هر کدام یك نمره خواهند دادکه با نمرهٔ اولی فرق خواهد داشت در این باب دانشمندان امریکا آزمایش هـای بسیار کرده‌اند که برای نمونه یکی از آنها ذکرمیشود استارچ‌والیوت(۱)دونفر ازدانایان علم‌تربیت برای امتحان موضوعاتی راجع بهندسه وزبان انگلیسی و تاریخ بشاگردان دبیرستان دادند برای کوتاه کردن سخن تنهاازبرگهای امتحان هندسه دراینجاگفتگو میشود زیراکه هندسه از علوم دقیق است وقاعدهً در مورد آن کمتر باید اختلاف موجود باشد یکی از برگهای امتحان هندسه را علمای مذکور عیناً استنساخ کردند و بدبیرستانهای شهرستانهای شمالی ومرکزی امریکا (که باهم اتحادیه دارند) فرستادند ودرخواست کردند دبیران ریاضی این برگها را روی مقیاس ۱۰۰ (از صفر تاصد) نمره بدهند ، ۱۱۶ دبیرستان جواب دادند باآنکه موضوع امتحان هندسه بود ودبیران همازفارغ‌التحصیلهای دانشگاهها بودند‌بااین همه خلاصهٔ نمره‌ها بقرار ذیل بود

۲ نفر دبیر بیشتر از ۹۰ نمره دادند

---

(۱) Starch و Elliott

فصل پنجم

شیوهٔ نوین در امتحان

در فصل دوم از همین بحث بطور مختصر از امتحان سخن بمیان آمد اکنون منظور این است که از سبکهای جدیدیکه برای امتحان تعبیه کرده‌اند گفتگو شود هر معلم متجدد باید از این نوع امتحان اطلاع وافی داشته باشد و کوشش کند در حدود امکان طرز امتحان خویش‌را با آنها وفق دهد

امتحان کنونی هنگام امتحان کتبی بطوری که معمولست از شاگرد پرسشهائی میکنند که با یکی از این کلمات شروع میشود بحث کنید ـ شرح دهید ـ انتقاد کنید ـ نقل کنید ـ بسنجید یا «چه» «چرا» «کی» ـ «کجا» ـ «چگونه» ومانند اینها ممتحن از شاگرد انتظار دارد بطور انشاء جوابی بسئوال اودهد و برای تعیین ارزش امتحان قوهٔ حاکمهٔ خود را بکار میبرد وبطور کلی نمره ای میدهد ملاك و مأخذ این نمره معین نیست بلکه بسته است بشخص ممتحن وقضاوت او اغلب برای خود ممتحن پیش از وقت مشخص نیست جواب کامل سئوالی کـه کرده‌اند از چه قرار است ومحصل چگونه باید عمل کند عموماً تأثیری که خواندن برگ امتحان درممتحن‌مینماید مقدار نمره‌را معین میکند، اگر عـدهٔ شاگرد زیاد باشد برای ممتحن بسیار دشوار است کـه معیار و مأخذی را در خیال خود ثابت نگاهدارد واز آن قرار تمام نمره هارا بدهد، و اگر چند جلسه تصحیح برگها بطول انجامد علاوه بر خستگی

رابعاً شخصیت ممتحن در نمره دادن دخالت ندارد یعنی مهر و کینهٔ معلم بی‌اثر است ـ اگر عصبانی باشد یا درحال خوشی در نمره تأثیر ندارد مثلاً معین است هر کس فلان پرسش را جواب درست بگوید فلان نمره را خواهد داشت و برگ امتحان بدست هر ممتحن داده شود همان نمره را خواهد داد

مهمترین عاملی که امتحان سنگ نوین را بوجود آورده تست وسنجش هوش است که مختصراً درفصل دوم از بخش سوم بدان اشاره شده ومانند بودن این امتحان و سنجش حاکی ازهمین قضیه است

نوع این امتحان بسیار است در اینجا مهمترین آنها شرح داده میشود

درست یا نادرست برگهای چاپ شده یا ماشین شده بدست شاگرد داده میشود درآن برگها جمله هائی هست که شاگرد بیک طریقی باید معین کند درست است یا نه . مثلاً درجمله‌های ذیل شاگرد باید بامداد دور د (علامت درست) یا ن (علامت نادرست) را دائره‌ای یا زیر آنهارا خطی بکشد(۱)

(۱) دردبیرستانها وحتی در عده‌ای از دبستانهای امریکا ماشینهائی دارند که طرز بکارانداختن آنها بسیار ساده وآسانست وهرچه را بخواهند باآن میتوانند چاپ کنند این ماشین موسوم است به « Mimeograph » که به بهای ارزان میشود خریداری کرد درایران که فعلاً این ماشین دردسترس همه نیست ممکن است اینطور عمل کرد که معلم مثلاً بشاگردان بگویند در روی برگی بخط عمودی بعدهٔ جمله هائی که خواهد کمی ازیك بالا نمره بگذارند بعد بصدای بلند جملهٔ اول رابگویند و شاگردان در برابر نمرهٔ یك بنویسند د یا ن بعد جملهٔ دوم رابگویند و شاگردان در مقابل نمرهٔ دو بنویسند یان وهمینطورتا جمله‌ها بپایان رسد،

۱ نفر دبیر کمتر از	۳۰ نمره داد
۲۰ نفر دبیر از	۸۰ بالا نمره دادند
۲۰ نفر دبیر از	٦۰ بپائین نمره دادند
٤۷ نفر دبیر از	۷۷ بالا نمره دادند
٦۹ نفر دبیر از	۷۵ بپائین نمره دادند

وقتی اینقدر اختلاف در تعیین ارزش یك برگ امتحان هندسه حاصل شد چگونه میتوان برای نمره های امتحان اعتباری قائل شد؛ بهمان دلیل که اگر دو نفر در اندازه گرفتن درازی اطاق با متر و سانتیمتر بیش از چند سانتیمتر باهم اختلاف داشته باشند در عمل آنها شك میکنید و میگوئید باید از نو درازی اطاق را اندازه گرفت بهمان دلیل باید در نمره هائی که معلمان میدهند تردید کرد و راهی برای نمره دادن بطور صحیح پیدا نمود .

امتحان تست نوین

امریکائیان راههائی برای رفع معایب فوق پیدا کرده اند که اکنون در مدارس آنها معمول است . امتحانی که تعبیه کرده اند همه کمی است و در تهیهٔ آنها چند اصل مهم رعایت شده است

اولاً امتحان را بشکل مطبوع و دلپسندی در آورده اند تا شاگرد هنگام امتحان ترس نداشته باشد وقلبش نزند بلکه اشتغال بآنرا یکنوع تفریحی بپندارد .

ثانیاً پرسشها را از حیث موضوع و مطلب کاملاً محدود کرده اند تا تکلیف شاگرد درجواب دادن کاملاً معلوم باشد .

ثالثاً هرچه از شاگرد میپرسند کاملاً روشن وواضح وغیرمبهم است

سودمند نیست زیرا اگر حدسش نادرست باشد دو واحد از نمره‌اش کاسته میشود. اثبات این مسأله آسانست اگر N نمرهٔ محصل باشد و R عدهٔ جوابهای درست و W عدهٔ جوابهای نادرست نمرهٔ محصل تحت این دستور درمیآید

$$N = R - W$$

از طرف دیگر اگر عدهٔ کل پرسش هارا بوسیلهٔ T نمایش دهیم

$$T = R + W$$

اگر مقدار R را از مساوی دوم بیرون کشیم ودر مساوی اول قرار دهیم مقدار N برابر خواهد بود با

$$N = T - 2W$$

چون درهر امتحان T مقدار ثابتی است هرعده غلطی که شاگرد کند دو برابر آن از مقدار ثابت مذکور کم میشود و نتیجه نمرهٔ امتحان اوست

شمارهٔ بسیاری از علمای پرورش دستور اخیر را بیشتر مقرون بعدالت وبصواب میدانند وبکار بردن آنرا بمعلمان سفارش می نمایند

نوع دوم

نوع دوم از امتحان سبك نوین از این قرار است که در برگ امتحان جمله‌هائی باچند جواب برای هر یك از آنها چاپ یاماشین کرده‌اند ومحصل باید بوسیلهٔ علامتی (مانند کشیدن خط زیر جواب) نشان دهد کدام درست است عموماً شمارهٔ جوابی که برای هر جمله می نویسند از سه کمتر نیست بهترین نوع آنست که عدهٔ جواب از سه زیادتر باشد یکی ازجوابها درست است ومابقی یانادرست یا دور از بهترین جواب وشاگرد باید تشخیص دهد کدام صحیح تر یا نزدیکتر

د ن عدهٔ ضربان نبض طبیعی در دقیقه ۷۰ است
د ن هر وتری که از مرکز دائره عبور میکند قطرش نامند
د ن رودشاهرود از کوههای طالقان سرچشمه میگیرد
د ن طاق کسری از بناهای پادشاهان هخامنشی است
د ن ایران از حیث استخراج نفت سومین کشور جهان است

بعضی اوقات بجای د و ن در مقابل هر جمله فقط کاغذ را سفید میگذارند و بمحصل میگویند اگر جمله درست است علامت + واگر نادرست است علامت − (منها) بگذارد.

جمله‌هائیکه در برگهای امتحان مینویسند ازحیث آسانی و دشواری متنوع است، بعضی از آنها راجع باطلاعات کلی است وجواب آنها مشکل نیست بعضی دیگر محتاج به تفکر وقضاوت است و بآسانی نمیتوان جواب آنهارا داد.

طریق نمره‌دادن

برای دادن نمره یکی ازدوطریق ذیل را میتوان بکار برد یا تنها عدهٔ جوابهای درست را مأخذ قرار داد یا تفاضل عدهٔ درست و نادرست را. درصورتیکه شق اول را انتخاب کنند اگر مثلاً شاگرد ۲۵ جواب درست داده باشد نمرهٔ او ۲۵ خواهد بود بدیهی است که دراین حال اگرشاگرد جوابی را نداند وفقط حدس بزند و حدسش درست باشد بیشتر از آنچه شایسته است نمره میگیرد ولی اگر اتفاقاً حدسش نادرست باشد مانند این است که اصلاً جواب نداده باشد پس سود او در این است که برای تمام پرسش ها جواب بنویسد اگر درست بود سود اوست و اگر نادرست بود پاسخ دادن زیان او نیست.

اگرطریق دوم را برگزینند دیگر حدس شاگرد همیشه بحال او

بعد از ساسانیان کشور ما تقریباً

۱۰۰ ۱۵۰ ۲۰۰ ۲۵۰ ۳۰۰ سال در دست اعراب بود.

یکی از محصولات عمدهٔ روسیه

نیشکر قهوه گندم برنج میوهٔ خشك است

در اروپا پر جمعیت ترین کشور نسبت بوسعت خاك عبارتست از:

فرانسه ایتالیا آلمان هلاند بلژیك

کشوری که عدهٔ کمی از اهالی آن باسوادند عبارتست از

دانمارك ژاپن سوئیس چین انگلستان

بزرگترین رودخانهٔ ایران عبارتست از رود.

تجن کارون سفیدرود زاینده‌رود ارس

نوع سوم برای امتحان شاگرد راجع بپاره‌ای اطلاعات دو صورت طبع شده یا ماشین شده بدستش میدهند و از او میخواهند که هر یك از فقره‌های صورت اول را با فقرهٔ مربوط صورت دوم مطابقه دهد.

مثلاً اگر منظور آگاهی از اطلاع شاگرد بر کتابهای زبان فارسی باشد ممکن است دوصورت ذیل را تهیه کرد و بمحصل دستور داد برابر نام هر کتاب نمره ای که برای نویسندهٔ آن در ستون اول قید شده است بگذارد

۱ـ سعدی	ـ جام جم
۲ـ اوحدی	ـ احسن التواریخ
۳ـ حسن بیك	ـ اخلاق ناصری
٤ـ شرف الدین علی یزدی	ـ چهار مقاله
٥ـ عبدالرزاق	ـ کلیله ودمنه
٦ـ هدایت	ـ سعادتنامه
۷ـ ناصرخسرو	ـ ظفرنامه
۸ـ نصرالله ابوالمعالی	ـ بوستان
۹ـ نصیرالدین طوسی	ـ گوهر مراد
۱۰ـ نظامی عروضی	ـ مجمع الفصحاء

به حقیقت است.

برای مثال چند جملهٔ مختلط راجع بمعانی کلمات وزبان فارسی و تاریخ وجغرافیا دراینجا ذکر میشود

زیر جواب درست خط بکشید

مشروع یعنی   شروع شده   مفصل   مستمر   قانونی   شبهات

سوداگر یعنی   سیاه‌پوست   تاجر   سودائی‌مزاج   زرخرید   ساده‌لوح

تعاون یعنی   اعانه‌دادن   بی‌مأوی‌بودن   یاری کردن   اهانت نمودن   آبی بودن

پرورش یعنی   عذرخواهی   دهان‌بازداشتن   ظاهر آرائی   پوئیدن   پوچ بودن

حکایت موسی وشبان از داستانهای

نظامی   مولوی   خاقانی   سنائی   عطار **است**

بهترین نثرنویس ایرانی

شمس‌قیس   ناصرخسرو   سعدی   قائم‌مقام   ابوالفضل بیهقی   **است**

کوشش بیهوده به از خفتگی است یعنی

بهتر است انسان بکار بیهوده اقدام نکند

اقدام ولو بی نتیجه باشد بهتر از بی‌حرکتی است

خوابیدن بهتر از کوشش بیفایده است

سعی ومجاهدت بهتر از خوابیدن است

خواب مفید از کوشش کردن بهتر است

سیاستنامه را

ابن‌سینا   حسن‌صباح   خیام   خواجه‌نظام‌الملک   عطاملک‌جوینی **نوشته است.**

تاخت و تاز مغول درایران سال

۶۱۶   ۵۸۵   ۶۵۰   ۷۰۰   ۶۷۵ **هجری آغاز شد.**

عمده‌ترین آثار و ابنیهٔ ما در دورهٔ اسلامی متعلق است بدورهٔ

تیموریان   سامانیان   صفوی   غزنویان   افشاریه

حکومت مشروطه در زمان

ناصرالدین‌شاه   محمدعلیشاه   مظفرالدین‌شاه   احمدشاه   محمدشاه **آغاز شد.**

آنها هم بیشتر میباشد . ایرادی که باین نوع امتحان میگیرند اینست که بعضی اوقات ممکن است جای خالی را بچند نحو پر کرد و بنابراین چند نوع جواب خوب ممکن است سئوالی داد و آن وقت قضاوت ممتحن در نمره‌ای که میدهد تأثیر خواهد داشت برای مثال چند جمله نوشته میشود

تکمیل کنید جمله‌های ذیل را

— پایتخت فرانسه است

نیروی ایران — نیرو — است

مطابق اصل ارشمیدس هرگاه — در آب فرو بریم از سنگینی آن باندازهٔ سنگینی — که حجم آن مساوی با حجم — باشد کاسته میشود

مهم‌ترین — ایران بین ارقالی عبارتست از میوه خشک و — و تنباکو و —

تهیهٔ برگ امتحان

نمونه هائی که از امتحان سنك نوین در فوق داده شد آنهائی است که بیشتر رایج و معمول است . نوعهای دیگری نیز هست که بواسطهٔ تعدد آنها از ذکرشان صرف نظر میشود

از نمونه‌های مذکور بخوبی ظاهر میشود که دادن اینگونه امتحان بنظر دلکش می آید و مثل اینست که شاگرد بخواهد معمائی را حل کند باضافه برای هر پرسش تنها یك جواب و یك نمره میتوان داد شخصیت ممتحن در این نمره مدخلیت و تأثیر ندارد و از این حیث قابل اعتبار و اعتماد است .

از طرف دیگر تهیهٔ برگهای امتحان سنك نوین بمراتب مشکلتر از دادن موضوع است بطرزی که فعلاً مرسوم میباشد . بنابراین بمورد است که قواعدی برای تهیهٔ آن در اینجا گفته شود که تا اندازه‌ای کار معلم

درصورت فوق هردو ستون دارای یك عده نام است. اگر بخواهند امتحان را مشکلتر کنند ممکن است عدهٔ نام یکی ازستونها رابیشتر از ستون دیگر نمود . در مثال مذکور البته اگر ستون نام نویسندگان درازتر باشد بهتر خواهد بود.

نوع چهارم در اینجا شاگرد باید وجه شباهت میان مفهوم های کلمات را پیدا کند . مثلاً دو کلمه میدهند که میان مفهوم های آنها به نحوی شباهت موجود است – آنگاه کلمهٔ سومی میدهند و باید کلمه‌ای پیدا کرد که با آن همان شباهتی را داشته باشد که میان دو کلمهٔ اول موجود است . مثال

نسبت اتومبیل بدرشکه مانند نسبت موتورسیکلت است به
(۱)اسب (۲)راه‌رومن (۳)دوچرخه (٤) قطارراه‌آهن (٥)گاری
نسبت دایره بمربع مانند نسبت کره است به
(۱)مکعب (۲)گلوله (۳)محیط دایره (٤)هرم ناقص (٥)هداولی
نسبت خشم بردوخورد مانند نسبت ترس است به
(۱)هاری (۲)حمله (۳)فرار (٤)درد (٥)بیهوشی
نسبت پلنگ به‌مو مانند نسبت ماهی قرل آلا است به
(۱)آب (۲)پولك (۳)شنا (٤)ماهی (٥)پوست
نسبت شهر بفرماندار مانند آرتش است به
(۱)نیروی دریائی (۲)سرباز (۳)سرتیپ (٤)تابین (٥)سربازخانه

نوع پنجم درجمله‌هاکه چاپ یا ماشین شده و بدست شاگرد می‌دهند یك یا چندکلمه جایش باز است و شاگرد باید آنرا پرکند . تهیهٔ این نوع امتحان از انواع پیش آسانتر است و اقسام

راجع بطرز عمل شاگرد داد که چه وقت شروع کند ـ چگونه جواب را بدهد ـ کی برگ را باید رد کند

۱۳ـ برای هر قسمت از امتحان نیز باید دستور خصوصی جداگانه داد .

۱۴ـ باید مقداری جملهٔ «درست یا نادرست » (یعنی از نوع اول) جزء امتحان باشد و عدهٔ جملهٔ درست تقریباً مساوی با شمارهٔ جملهٔ نادرست باشد .

۱۵ـ جمله‌های درست وجمله‌های نادرست رانباید بنا بر پیش آمد و تصادف واتفاق پهلوی هم قرار داد به مطابق ترتیب معینی .

۱۶ـطریقهٔ تصحیح برگ‌های امتحان ودادن نمره بایدمتحدالشکل باشد ومداد رنگی هم بکار برده شود .

۱۷ ـ در مورد امتحان « درست یا نادرست » باید دستور $N=T-2W$ را بکار برد .

۱۷ـ دراین امتحان‌ها وارد کردن ضریب مورد ندارد

۱۹ـ هنگام نمره دادن شمارهٔ جوابهای درست رانباید مأخذقرار داد و آنها را جدول بندی کرد و مثلاً به پنج دسته تقسیم نمود بسیار خوب ـ خوب ـ کافی ـ متوسط ـ بد .

۲۰ ـ برگ امتحان باید از پیش چاپ یا باماشین میمیوگراف تکثیر شده باشد تمام نسخه هائی راکه بکار برده باشند یا زیاد آمده باشد باید در گنجهٔ مقفل نگاهداشت تا بدست شاگرد نیفتد و کسی قبلاً خود را برای امتحان حاضر نکند .

۲۱ـ برای احتراز از اینکه شاگردان دو کلاس که یك موضوع

در آغاز امر آسان شود

۱- پرسش ها باید راجع باشد به تمام مبحثی که مورد امتحان است تا ازمعلومات شاگرد نسبت بهر قسمت اطلاع بدست آید .

۲- بدواً شمارهٔ پرسشی که تهیه میشود باید بسیار زیاد باشد تا معلم بتواند بتدریج بهترین آنهارا انتخاب کند .

۳- میان سئوالهائی که در مرحلهٔ اول تهیه شده آن هائی را که از حیث معنی یا جوابی که بدانها باید داد مبهم است باید کنار گذاشت .

۴- دشواری ظاهری نباید مأخذ قبول یا رد سئوالی بشود.

۵ - پرسش هائی که از جهات دیگری قابل قبول باشد باید میان آنها بعدهٔ مساوی سئوال آسان ودشوار ومتوسط موجود باشد .

۶- شش هفت سئوال اول باید باندازه‌ای آسان باشد که تمام شاگردان بتوانند جواب آنهارا درست بدهند تا باین ترتیب جرأت وشهامت پیدا کنند وبقیهٔ امتحان بنظر آنها آسان بیاید .

۷- درامتحان هر پرسش قابل قبول باید بخودی خود مستقل باشد .

۸- هر سئوالی که از جهات دیگر قابل قبول است باید کوتاه هم باشد .

۹- عدهٔ سئوال (یاجمله) درهر امتحان باید بسیار زیاد باشد

۱۰- هردسته ازپرسش‌ها باید ازدستهٔ دیگر مجزی باشد بطوری که امتحان مرکب باشد ازچند دسته سئوال .

۱۱- درهر قسمت ازامتحان پرسش ها باید مطابق ترتیب درس تنظیم شود .

۱۲- درآغاز هر برگ چاپی (یاماشین‌شده) باید دستورصحیح‌را

است یك فهرست از «شرکت جهانی کتاب» (۱) نزد نگارنده است که از آغاز تا پایان تنها نام تستها راجع بزبان مادری ـ حساب ـ هندسه ـ جبر ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ فیزیك وشیمی ـ زیست شناسی و مانند آن در آن ذکر شده است

برخی از این تستها هم برای اندازه گرفتن قوهٔ شاگرد است و از این رو دارای قسمتهای مختلف میباشد

تستهای آموزشی ازکودکستان شروع وتادانشگاه ختم میشود و منحصر بدرجهٔ مخصوصی از تحصیل نیست

نمره‌هائی که دراین تستها برای هر عده جواب درست باید بشاگرد داد درزیر هر صفحه چاپ شده وتخلف از آن ممکن نیست این نمره‌ها از روی آمار ریاضی بدست میآید که از آن نمیتوان در اینجا گفتگو کرد

انشاء

باوجود تمام مزیت‌هائی که برای امتحان سبك نوین گفته شد این حقیقت‌را نباید از نظر دور داشت که ازامتحان بطور انشاء (یعنی پروراندن موضوع) نمیتوان بکلی چشم پوشید زیرا علاوه براینکه هنوز معلمان ما آماده وورزیده برای این امتحان باره نشده‌اند در نوشتن انشاء مزیتی هست که در امتحان مذکور نیست بطوری که از نمونه ها دراین فصل دیده شد در امتحان سبك نوین هیچگاه از شاگرد نمی خواهند افکار خود را منظم کند ـ طرح ریزی نماید ـ جمله هائی برای بیان مقصود خود بیابد سپس آنها را تلفیق و مرتب نماید و از مجموع آنها قطعهٔ مناسب وسودمند و شاید زیبائی بسازد درانشاء بعکس محصل باید ازخود چیزی بوجود آورد وطرز تفکر و استدلال خود را

The World Book Co, Yonkers - on Hudson - NewYork-(۱)

را باید در مواقع مختلف امتحان دهند از پیش آنرا حاضر نکنند باید دو نوع برگ تهیه کرد .

۲۲- هر معلم راجع بهر درسی که میدهد باید ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سئوال بنحوی کـه دستور داده شد تهیه کند و هنگام لزوم از آنهـا در امتحان بکاربرد

تست‌های راجع بمعلومات

دستورهائی که داده شد برای این است که هـر معلم بتواند برای کلاس خود سبك نوین امتحان کند . درامریکا بعضی امتحانها توسط ممتحنان تهیه و چاپ شده ومعلم میتواند از آنها هر مقدار خریداری کند . این امتحانها راکه راجع بمعلومات و مواد مختلف برنامه است از لحاظ مشابهتی کـه بـا تست‌های هوش دارد تست آموزشی گویند فرق این تستها با برگهای امتحانی که خود معلم تهیه می‌کند اینست که آنهارا متخصصان در مورد هزاران طفل بمورد آزمایش گذاشته ومعیار برای آنها معین کرده‌اند باین معنی که از پیش می دانند مثلاً اگر فلان تست تاریخ را باطفـال دوازده ساله بدهند بطورمتوسط چند جواب درست خواهند داد و بطور متوسط چه نمره‌باید بگیرند بنابراین وقتی‌معلم تست را بکاربرد فوراً پس از تصحیح برگها می فهمد که چند نفر از شاگردانش مطابق انتظار جواب داده‌اند وچند نفر دور از اندازهٔ چشم داشت آنگاه در صددبر میآید علت موفق نشدن ایشان را کشف کند دو علت هم بیش موجود نیست یا طفل فطرةً بیهوش است وباید رشتهٔ تحصیلی و شاید مدرسهٔ او را تغییر داد یاطرز تدریس معلم بد بوده وباید اصلاح شود .

تست هائی که در امریکا برای معلومات چاپ کرده‌اند بی شمـار

بخش پنجم

روش آموختن

ظاهر سازد وشیوهٔ تحریر خودرا نشان دهد وبدیهی است که برای ممتحن آگاهی براین مراتب بسیار ضروری است وبرای محصل هم انشاء کردن و معتاد شدن باینکار از واجبات است

بدلایل فوق بعقیدهٔ نگارنده هم باید امتحان سبک نوین را با اندازه ای که امکان دارد مجری و معمول داشت و هم از دادن انشاء چشم پوشی نکرد .

روش گفتاری

وقتی معلم روش گفتاری را پیش گرفته باشد مانند خطیب سیهائی درسر درس سخن میراند و مطالب خود را تقریر می‌کند گاهی ممکن است درسی را که میدهد بوسیلهٔ مثال زدن و آزمون های علمی روشن نماید ولی اجباری از این حیث در کار نیست شاگردان خاموش نشسته سخن آموزگار گوش فرا میدهند

این روش برای معلم کار را بسیار آسان می‌کند ودرصورتی‌که آن را پیش گیرد مواد برنامه سندی در مدت کمی تدریس میشود در برابر این دوحسن معایب بزرگی داردکه آنرا برای دبستانها نکاتی بی‌مناسب میکند ولی دردورهٔ دوم دبیرستان و درمدارس عالی میتوان آنرا اختیار کرد لیکن دراینجا هم باید زیاده روی نمود

دردبستان روشی‌که برای تدریس اتخاذ میشود باید قوای طفل را بکاراندازد – حس کنجکاوی را در او بیدار کند – کودك را بطرف درس و آموزگار بکشد با سبب مطلبی‌که میگویند دلبسته شود و باکمال رغبت آنراگوش دهد وفراگیرد لیکن روش تقریری دارای این اوصاف نیست وبرای فهماندن مطلب آموزگار بجای اینکه ازقوای خودشاگرد یاری جوید بطور متکلم وحده سخنرانی میکند . بدیهی است که در این صورت شاگردان زود خسته و فرسوده میشوند و چیزی از آغاز درس نمی‌گذرد که خمیازه شروع وحواس آنهامشوش شده دیگرفکرشان پیش درس نیست .

علاوه براین چون نیروی کودك دراین کلاس‌های بی‌سر وصدابکار نمی‌افتد ناچار پرورش نیافته عقل اوجامد میماند – تیز هوش نمیشود و پس از بیرون رفتن از دبستان درعرصهٔ جدال زندگانی سلاحی ندارد جز

فصل نخست

روش و کلیات سبك آموزش

برای اقدام بهر کاری راهی موجود است که آدمی آن را در پیش میگیرد بدون اینکه خود اغلب متوجه آن باشد اگر کسی مقداری کتاب داشته باشد و بخواهد هروقت اراده نمود بدون زحمت آنها را پیدا کند طریقی برای مرتب کردن آنها ایجاد مینماید تا آنها را بر حسب نام مؤلف بترتیب الفبا طبقه بندی می‌کند یا از طبق موضوع کتاب (ادبیات - علوم طبیعی - علوم ریاضی) و اگر عقلش بجائی نرسید بر حسب تاریخ خرید طریقی را که این شخص درپیش گرفته روش گویند معلم هم در تمام روز روشی برای تدریس خود انتخاب میکند یکی وا میدارد شاگردان کتاب را بخوانند و او بیان می‌کند - دیگری درس را بدون مراجعه بکتاب می‌دهد وشاگرد باید یادداشت بردارد - سومی شاگردان را از کلاس و آموزشگاه بیرون آورده باخود بکارخانه یا معدن یا اطراف شهر میبرد ودرس خودرا ضمن مشاهده و گردش میدهد

از لحاظ رزین و القاء معلومات روش را ممکن است بسه دسته تقسیم نمود

روش گفتاری - روش پرسشی - روش آمیخته

عقل اورا پیوسته بکارمی گیرد وباعث تیز هوشی اومیشود . ثالثاًشاگرد بواسطهٔ اکتشافاتی که درضمن پرسش وپاسخ حاصل میکند شوق وذوق بتحصیل وبکارپیدا میکند رابعاً چون دردادن درس باآموزگار شرکت میجوید قوهٔ ابتکار واقدام دراوایجاد میشود

دربرابر این محاسن روش سقراطی یك عیب دارد و آن این که بکندی پیش میرود میان معلوم ومجهول راه درازی موجوداست دراین راه باید بوسیلهٔ پرسش منازل متعدد ساخت و دست شاگرد راگرفته از آنها عبور داد و این کار وقت زیاد لازم دارد بعلاوه شاگرد سئوالهای معلم را همیشه نمی فهمد وباید برای او تفسیر و تعبیر کرد وباکمی وقت کمرت درس نمیتوان منحصراً این روش را درمدارس بکاربرد

این نکته را هم باید در نظر داشت که روش سقراطی را درمورد همهٔ درسها نمی‌توان بکار برد از قول خود سقراط در کتاب اقتصاد منقول است که این روش برای آموختن کشاورزی بسیار نیکو است ولی موسیقی ونقاشی وبازرگانی را بوسیلهٔ آن نمیشودآموخت بدیهی است که تاریخ وجغرافیا وهندسه وجبر ومقابله هم دراین ردیف واقع میشود وباید برای تدریس آنها راه دیگری ایجاد کرد

روش آمیخته

از آمیختن روش گفتاری و روش سقراطی روش آمیخته بدست میآید دراین جا معلم بوسیلهٔ پرسشهای مرتب و روشن شاگردان را بکشف حقیقتی وامیدارد ولی هنگام کار همین که دید باشکالی برخوردند ونتوانستند جوابی که انتظاردارد بدهند معطل نشده خود جواب میگوید

این روش بهترین روشی است که میتوان در دبستانها و دورهٔ اول

حافظه‌ای مملو از مطالب مبهم و دماغی پر از محفوظات نفهمیده و از خود نه فکر دارد و نه نیروی تمیز و قضاوت

روش پرسشی اگر آموزگار بجای سخن راندن و متکلم وحده بودن شاگرد را بوسیلهٔ پرسش های مرتب و معینی بمقصد خود راهنمائی کرده درجه بدرجه از دانسته به ندانسته برساند وادار کند خودش موضوعی را که خواهان است عنوان کند و کشف نماید در اینصورت روش پرسشی را بکار برده است چون این روش را سقراط حکیم با بهترین ومفیدترین ترتیبی استعمال کرده است آنرا بنام او روش سقراطی نیز نامند

بکار بستن این روش خالی از اشکال نیست و توفیق یافتن در اجرای آن منوط است باینکه معلم ازپیش درس را با دقت حاضر کرده باشد - پرسش‌هائی راکه تهیه دیده است مربوط ومرتب وروشن باشد - جواب هائیراکه از شاگردان خواهد شنید پیش بینی کرده باشد تا بتواند رشتهٔ پرسش‌هایخودرا حاضر کند - همیشه هنگام تدریس مقصد راکه‌عبارتست از کشف حقیقت و پیداکردن مطلب مخصوصی‌که موضوع درس است جلوی چشم داشته باشد تا از آن بیرون نشود - مقتدر و با اراده باشد تانگذارد گفتگو طولانی نشود ونظم کلاس ازمیان نرود

باوجود این‌اشکالات روش مذکورمحاسن بسیاردارد اولاً بواسطهٔ گفت وشنود آموزگار با شاگردان کلاس با سر و صدا و باروح میشود وکودکان اردرس لذت میبرند و رغبت تام بتحصیل پیدا میکنند ، ثانیاً بواسطهٔ سئوالاتی‌که معلم میکند و استمدادی که از قوای طفل مینماید دائماً توجه او را جلب و حواس او را تحریك میکند و نیروی تمیز و

بدو میآموزند

برای مثال میتوان از دبستان «پرورش اخلاقی» نیویورک سخن بمیان آورد. در کلاس سوم این دبستان آموزگار بجای اینکه تاریخ را که برای اطفال نه ساله خشك و بی جاذبه است از روی کتاب یا تصویر بیاموزد وقتی میخواست شرح زندگانی مهاجران اروپا را بامریکا در قرن هفدهم میلادی برای آنها بگوید آنهارا بدو موزه ودو خانه‌ای که از آن روزگار باقی مانده بودویك کارخانهٔ مدل سازی برد هنگامی که اطفال در یکی از آن‌دوخانه بودند آموزگار ازآنها پرسید آیا مایلند خانه‌ای شبیه بآن بسازید و آنان بدین‌کاراظهار رغبت کردند ولی یاد آورشدند که بدون کمك وی بشوار است بمقصود نائل شوند. پس ازدیدن کارخانهٔ مدل سازی شاگردان به همراهی معلم خانه را بمقیاس کوچك از چوب ساختند ـ رنگ کردند ـ اثاثیهٔ آنرا ازصندلی و پوشك و لحاف و بالش و فرش و تختخواب تهیه کردند سپس سایر لوازم زندگانی را از قبیل صابون وشمع درست کردند وبعضی ازخوراکهای آن زمان را پخته وخوردند.

هنگامی که شاگردان (پسر ودختر) مشغول ساختن خانه‌واثاثیهٔ آن بودند در تمام مدت‌بواسطهٔ عمل وکارشنا وخوشبخت بودند وهریك چند انشاء راجع بمسمی که خودشان ساخته بودند نوشتند (نمونهٔ آنها نزد نگارنده موجود است) اضافه بر یاد گرفتن تاریخ متوجه حقیقت زندگانی شدند‌که خانه واسباب آن ازچه ساخته شده وآدمی بچه‌کدام اشیاء واغذیه نیازمند است وآنها را از کجا باید فراهم کند. بدیهی است که برای ساختن خانه واثاثیه هم مجبور بمرا گرفتن املاء کلمات

دبیرستان‌ها بکار برد محاسنی که برای دو روش نامبرده گفتیم در این روش موجود است و معایب آنها را دارا نیست . در هر سن و برای تمام مواد برنامه این روش را میتوان بکار برد زیرا که اختیار در دست معلم است . معلم میتواند هنگام ترکیب و اختلاط روش گماری و سقراطی بر طبق احتیاجات طفل و سن و رشد او و بر طبق اقتضای موضوع درس از یک روش بکاهد و بر اسلوب دیگر بیفزاید .

روش عملی

علاوه بر روشهای فوق یک روش دیگر باید در اینجا تشریح شود و آن روش عملی است . از آغاز قرن بیستم میلادی علمای روانشناسی امریکا و اروپا ثابت کرده‌اند که **کار و جنبش و عمل خواه بدنی باشد خواه فکری اساس و پایه و بنیاد زندگانی طفل است و عشق و ذوق و شوق بهترین محرک اوست به کوشش و صرف وقت و دقت و بکار انداختن نیروی خویش و کودک هنگامی حقیقةً مطلبی را فرا میگیرد که با عمل و کار و آزمایش توأم باشد .**

در نتیجهٔ کشف این حقیقت روش آموختن را در مدارس مترقی تغییر داده‌اند و بجای اینکه دستور تحصیلات عبارت باشد از خواندن و نوشتن و حساب کردن و تمرینات آنها شاگرد شخصاً براهنمائی معلم بکار و عمل میپردازد و در ضمن این کار و عمل دروسی که در نظر است بخودی خود و بدون توجه فرا میگیرد . باین ترتیب طفل را هنرمند میکنند ــ در وی اعتماد و اطمینان نسبت بخودش ایجاد مینمایند ــ نیروی مشاهدهٔ او را دقیق میسازند ـ تماس او را با طبیعت زیاد و او را نسبت بقوانین طبیعت و قواعد بهداشت آشنا میکنند ـ بنشاط کار داشتن و ثابت قدم بودن عادت می‌دهند و سرانجام کارهائی را که در زندگانی روزانه مورد ضرورت است

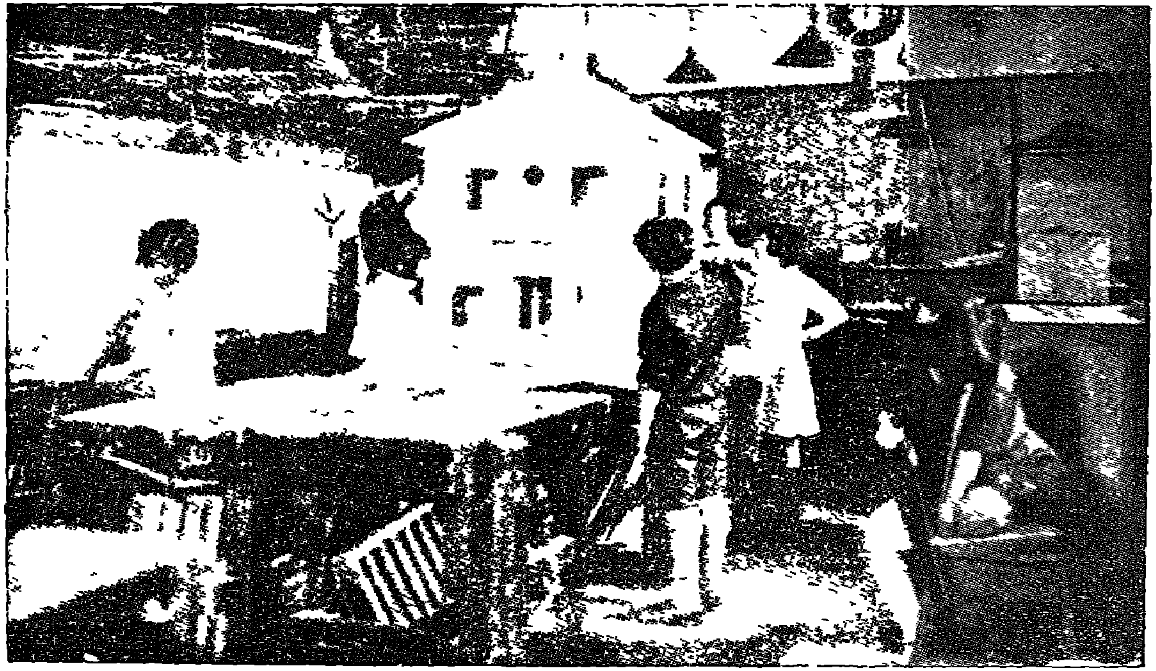
ومحاسبه ویاد گرفتن حساب شدند وهم بمداومهٔ کامل در اندازه گرفتن با متر وسانتیمتر . پس درس مذکور همدرس زندگانی بود وهم شامل تاریخ وجغرافیا وحساب وهندسه وزبان مادری وهنردستی .

همینطور در کـلاس دوم بجای اینکه بوسیلهٔ کتاب بدختران بیاموزند ناهاررا چگونه باید تهیه کرد واز مهمان چطور باید پذیرائی نمود درظرف چندهفته درآشپزخانهٔ مدرسه آنهارا بکار مشغول داشتندوپختن خوراك وچیدن میز وطرز پذیرائی را عملاً بآنها آموختند و ایشان براهنمائی آموزگار بکروز غذا تهیه دیده ومادران خودرا بتالار نـاهار خوری مدرسه بناهاردعوت واز آنان پذیرائی کردند که عکس آن درصفحهٔ ۲۹٤ ازنظر شما میگذرد .

بنا بر آنچه گفته شد روش عملی محسنات بیشمار دارد وهـرجا بشود باید آنرا بکار برد لیکن بکار بستن آن مستلزم آنست که اولاً آموزگار بسیار کافی و لایق وهنرمند باشد ثانیاً مدرسه بودجهٔ کافی داشته وبتواند همه نوع وسایل کاررا فراهم کند ثالثاً اولیای امور ازآموزشگاه تنها پـرورش اطفال را بتمام معنی بخـواهند نه بپایان رساندن بـرنامهٔ معینی را .

طرز آموزش انفرادی

از لحاظ عدهٔ شاگرد آموزگار سه روش مختلف ممکن است در تدریس خود اختیار کند . برای رفع اشتباه روش‌هـای مذکور طرز آموزش نامیده میشود . طرز آموزش یاانفرادی است یاگروهی یامکممی . طرز آموزش انفرادی آنست که آموزگار شاگردان را یك یك بدون توجه بدیگران تعلیم دهد . معلمهای سرخانه که در قدیم مرسوم بود وهنوز هم در شهرهای کوچك معمولست

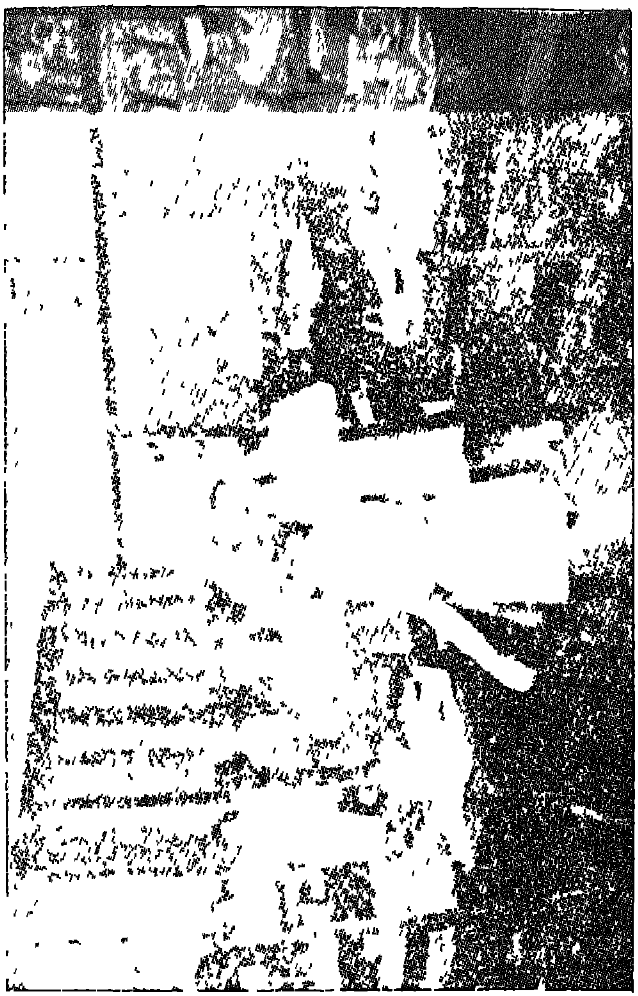


شاگردان کلاس سوم دبستان «پرورش اخلاقی» نیویورک و خانه‌ای که خودشان ساخته اند

مانده توضیح میدهد و مطلب را روشن میکند . چون معلم و شاگرد هر دو مقابل هم نشسته اند شاگرد باکر بر گوش میدهد و با حواس جمع بدرس توجه میکند .

اما معایب آن تدریس بهریك از شاگردان وقت بسیار لازم دارد اگر برای آموختن هر موضوع نیم ساعت صرف نمائیم ودو درس بهر شاگرد داده شود درظرف روز پنج شش نفررا بیشتر نمی توان با این طرز تعلیم داد بعلاوه در این طرز آموزش همچشمی ورقابت میان شاگردان پیدا نمیشودودر کار کردن تهییج نمیشوند وآن تندی و حرارت که بواسطهٔ همچشمی میان شاگردان ایجاد میگردد در اینجا وجود ندارد . گذشته از این طرز انفرادی در مدارس جدید عملی نیست . در کلاسهائی که حد وسط شمارهٔ شاگردان سی تاچهل نفر است چگونه میتوان بهریك جداگانه تدریس کرد ؟

طرز آموزش گروهی طرز آموزش گروهی طرزیست که عموماً درآموزشگاه ها بکار برده میشود . عده ایشاگرد بایکدیگر همدرسند ومعلم برای تمام آنها یك درس میدهد . این عده ممکن است بچهل وپنجاه برسد ومعذلك حرف معلم برای همهٔ آنها سودمند است وهمه استفاده میکنند . صرفه‌ای که استعمال این طرز از حیث وقت دارد بخوبی ظاهر است . بعلاوه بواسطهٔ همچشمی که میان شاگردان موجود است کلاس جاندار وباروح است . خلاصه آنکه تمام معایبی که در طرز انفرادی هست در اینجا مبدل بحسن میشود اما در مقابل ایرادهائی هم باین طرز میگیرند چون نیروی شاگردان هر اندازه هم در انتخاب آنها دقت شده باشد کاملاً برابر نیست ممکن است بعضی از



دختران کلاس دوم دبستان « پرورش اخلاقی » که برای مادران خود تهیهٔ ناهار دیده اند

اغلب این طرز را پیش میگیرند . این شیوه هم حسن دارد هم عیب محاسن آن اولاً چون معلم بهریک از افراد جداگانه درس میدهد قوای هرکدام را در نظر گرفته برطبق قوهٔ هریک تدریس میکند . ثانیاً بهریک منفرداً رسیدگی میکند و بکاری که از درس برای او مبهم و نفهمیده

وداش آموزان آن کلاس را بتدریس کلاس های دیگر میگمارد و در ضمن بیز بآبان سرکشی می کند . در حقیقت معلم اینجا طرز مختلفی از طرز گروهی ومکتبی بکار برده ـ طرز اول را در کلاس عالی و طرز دوم را درکلاسهای دیگر .

علاوه بر روش گفتاری وپرسشی و آمیخته که معلم برای تدریس پیش می‌گیرد وعلاوه بر طرز انفرادی یاگروهی یا مکتبی که آموزگار برای تعلیم عده‌ای بکارمیبرد لازمست بطرق ووسایل دیگری نیز تشبث جوید که درس روشن شود ومورد رغبت اطفال واستفادهٔ آنهاواقع گردد عدهٔ این وسایل زیاد است و بسبب موضوعی که تدریس میشود و بسبب سامان وآلاتی که مدرسه دارد وبسبب بموقع مدرسه (شهر یا ده) و بسبب زیرکی ومهارت آموزگار تفاوت پیدامیکند .

بنابر این باید روش تدریس را بمعلم آموخت ودر انتخاب طرق ووسایل تعلیم وی راآزاد گذاشت تاکفایت ولیاقت خود را ظاهر کند . با وجود این طرق ووسایل مذکور نباید بدون تأمل اختیار شود بلکه باید دارای سه صفت عمده باشدیعنی طفل را عادت دهد به پیداکردن و فهمیدن وفراگرفتن مطلب .

برای پیداکردن طرق و وسایل تعلیم باید جالب توجه باشد تا طفل میل و ذوق تحصیل پیدا کند برای پیدا کردن مطلب امتحان وپرسش و طریقه های حسی و علم‌اشیاء و آزمایش های علمی ومانند آن ازوسایل بسیار سودمنداست

برای فهمیدن معلوماتی که از روی فهم نباشد بدرد نمیخورد و غیر از خراب کردن حافظه سودی ندارد . جای تأسف است که در کشور ما اغلب چیز ها را نفهمیده طوطی وار بحافظه

آنان درس رانفهمند وازهمسران خود خجالت کشیده آنرا اظهار نکنند اگر هم ناتوانی خودرادرفهمیدن درس اظهار دارند نمیشودوقت دیگران را برای تکرار موضوعی که تدریس شده تلف کرد . اگر شاگردی نیز غایب باشد از شنیدن درس محروم میماند ونمیشود دیگر شاگردان را برای خاطر او از پیش رفتن باز داشت و بنابر ترتیب درس مذکور برای شاگرد غائب از دست رفته است . بالاخره چون معلم نمیتواند تمام توجه خود را به تمامها وکسانی که حواسشان جمع نیست معطوف ندارد آنها باگوش دل درس را استماع نمی کنند . این ایراد ها اغلب وارد است وبوسایلی که ذکر خواهد شد تا آنجا که ممکن است برفع آنها اقدام میکنند .

نظر بفوائد مهمی که طرز آموزش گروهی دارد در مدارس جدید بکار برده میشود وبرای تدریس عدهٔ بسیار فعلاً بهترین طرز است .

طرز آموزش مکتبی

طرز سوم طرزی است که در مکتب خانهای معمولی بکار میبرند . معلم بهمهٔ شاگردان درس نمیدهد بلکه چند تن را شخصاً تدریس میکند و آنها را بعنوان خلیفه مأمور تعلیم دیگران مینماید . بدیهی است که روش وتجربهٔ خلیفه کافی برای تدریس نیست ودرسش ارزش واعتباری ندارد ووقتی باین طرز باید نشست حسب که راه دیگری نباشد . این طرز را درقرن دوازدهم هجری بك نفر انگلیسی در هندوستان یادگرفته درکشور خویش معمول داشت وبعد در دیگر ممالك کم وبیش متداول شد . دراروپا وقتی معلم بحد کفایت نداشته باشند در دهات بزرگ یك آموزگار مأمور تدریس یکصد شاگرد میشود . در اینصورت خود او بکلاس عالی درس می دهد

کنند شکل آن رادرروی تختهٔ سیاه می کشید یامیگوئید شیشهٔ اطاق- خانه کتاب- صفحهٔ کاغذ - بیمکب همه شکل مربع مستطیل را دارند . بجای اسکه برای اوشرح دهند کشتی چیست تصویر کشتی را درکلاس برده نشان میدهید یابوسیلهٔ نور افکن درروی پرده تصویر آنرا میاندازید در این دوحال چشم رابکار انداخته‌اید. در موارد دیگر ممکن است گوش یا بینی یا زبان یا دست وسیلهٔ فهم فوری مطلب واقع شود . در آموختن علم اشیاء وجغرافیا وحساب وتاریخ طریقهٔ حسی رامیتوان بکاربرد

یکی از بهترین وسائلی که درطریقهٔ حسی بکار میبرند گردش علمی است. معلم باید در روزهائی که هوا مساعد است شاگردان خودرا بدیدن بناها و عمارتهای عمومی (مانند پستخانه - بانك- تلگراف خانه- زندان- تلفون‌خانه - بیمارستان) یاکارخانها (مانند کارخانهٔ برق- قند سازی - کبریت‌سازی- پارچه بافی - نخ ریسی- قالی‌بافی) یارودخانه‌و نهر و کوههای نزدیك یا موزه و آثار ملی ببرد و فی‌المجلس برای آنها توضیحات لازم بدهد واز متصدیان عمارتها وکارخانها درخواست کند که یك تن راهنما برای جواب دادن به پرسش های شاگردان معین کنند باصف روزی که بدین طریق صرف میشود کاملاً بافایده‌باشد بدیهی است ترتیب بردن شاگرد بگردش علمی باید پیش بینی و ترتیب آن داده‌شده وبااشخاص لازم قبلاً مکاتبه یا مذاکره بعمل آمده باشد وگرنه بدون‌خبر گروهی را بنقطه‌ای بردن صلاح نیست

درامریکا اغلب شهرها دارای موزه تربیتی هستند وهمین‌که معلم مدرسه‌ای کتباً درخواست کند اشیاء لازم را برای او میفرستند که درکلاس بکاربرده پس ازرفع احتیاج بازفرستند

هیسپار بدو نفهمیده درهر جا ذکر میکنند این عادت از زمان کودکی در دبستان برای شاگرد پیدا میشود ودر تمام عمر برای او باقی میماند

باید بهروسیله هست شاگرد را عادت داد که هرچه را نفهمید در مقام فهمیدن آن بر آید و هرچه را دید و شنید تا نفهمد دست بر ندارد ودر هرحال چیزی را بدون فهمیدن بخاطر نسپارد

معلم باید طرق ووسایلی بکار برد که موجب روشنی فکر و استحکام عمل شود برای این کار درس زبانی واثبات مطلب در روی تختهٔ سیاه و آزمایش های علمی ومانند آن ازطرق خوب بشمار میرود

برای فراگرفتن

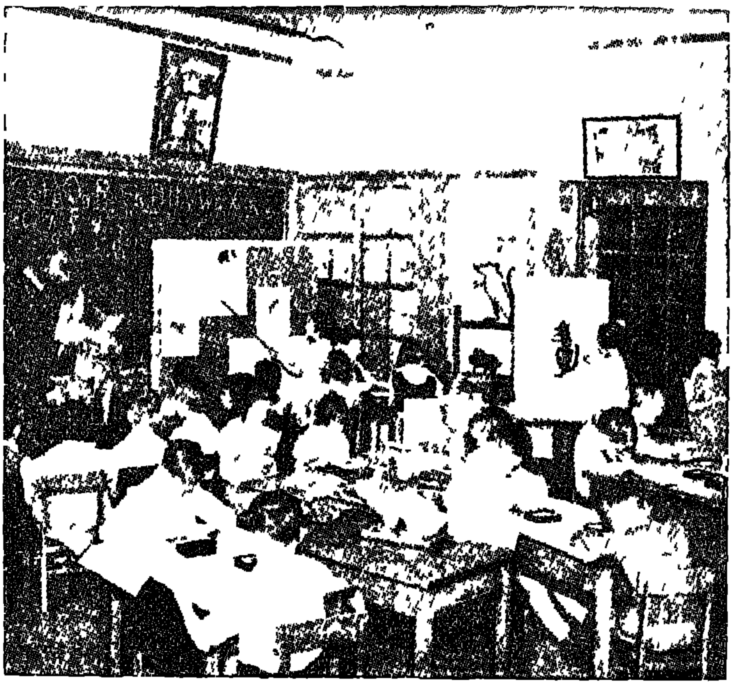
برای فراگرفتن باید راههائی پیش گرفت که ذوق کودک جلب شود ومطلبی که باو بدرس میشود باثرات شدید وعمیق داشته باشد تا مانند نقش در سنگ بگردد ـ قواعد وقوانین حافظه و تداعی معانی رعایت شود ـ خیالات و افکار با تصاویر حسی ترکیب شده وبهم پیوسته باشد تا بذکر یکی از آنها باعث یادآوردن دیگری شود دراین زمینه تکلیف کتبی ـ مذاکره و دوره کردن درس ـ تکرار کردن درس ـ مراجعه نمودن و امتحان دادن درآخر هر هفته یاهر ماه یاهر سه ماه بهترین طریقه است

اکنون که فهمیدیم برای تثبیت مطالب درحافظهٔ اطفال طرق آموزش چه اوصافی را باید دارا باشد مهمترین وعمومی ترین آنهارا ذیلاً شرح میدهیم

۱ـ طریقهٔ حسی

ازجمله طریقههای کلی آموزش و پرورش طریقهٔ حسی است طریقهٔ حسی وسیلهای است کـه حس کودك بویژه حس بینائی او را بکار میاندارد و بدین سبب مطلب را فوراً و بلا واسطه ادراك میکند مثلاً بجای آنکه مربع مستطیل را برای طفل تعریف

مبهم وسطحی و ناکافی است بهمین جهت طریقهٔ حسی را نباید تنها در کلاس های اول و دوم و سوم بکار برد و از آنجا بالا علاوه بر مطالبی که خود طفل بواسطهٔ مشاهدهٔ اشیاء فوراً ادراك می‌کند باید بوسیلهٔ توضیحات و پرسش و پاسخ و بوسیلهٔ روش آمیخته توجه او را نسبت بجمادی که در بادی نظر ملتفت آنها نمیشود جلب کرده نکات لازم



شاگردان کلاس دوم دبستان درشهر سن لوئی (امریکای شمالی) مشغول معاینه و بررسی جانورانی هستند که از موزهٔ تربیتی شهر امانت گرفته شده است

مخصوصا درطرز نشستن این شاگردان خردسال دقت کنند که دو بدو پشت یك میز کوچك قرار گرفته اند، این ترتیب برای فرا گرفتن درس علم اشیاء بسیار سودمند است

شهر های دیگر مانند نیویورك دارای ادارهٔ مخصوص برای تهیهٔ فیلم‌سینما وامانت‌دادن به آموزشگاهها هستند و راجع بکلیهٔ مسائل (۱) صدها فیلم حالب توجه حاضر و آماده دارند که برای مدارس برحسب درخواست آنها ارسال میدارند. دراغلب مدرسه هابیراسباب سینماموجود است وهمینکه از فیلمها استفادهٔ لازم راکردند عودت میدهند. بالاخره ازرمانی که رادیو رواج یافته درکلاسها آنرا نصب کرده‌اند وبرای طریقهٔ حسی بکار میبرند. روزها درساعت معین بقدر بیست دقیقه ازسخنرانان درجهٔ اول که شیرین فصاحت و بلاغت آن ها همه جا را فراگرفته یا از موسیقی دانهای نامی شاگردان را ازموهبت خود بهره می‌بخشند

محاسن طریقهٔ حسی

طریقهٔ حسی ادراك مطلب وفراگرفتن آنرا بسیار آسان می‌کند زیرا بدون زحمت ومشقت طفل موضوع را می‌فهمد ویادمی‌گیرد، ازطرف دیگر چون طفل شخصاً مطلب را ادراك میکند و حس کنجکاویش تشفی می‌یابد از درسی کـه بطریقهٔ حسی باوداده شده شاد میگرددودرآن‌مدت خوشوقت‌وسعادتمند است. بعلاوه چون تمام‌مطالبی که آموخته میشود باتصویر وبکار های حسی توأم‌میگرددبهتر وبیشتر درحافظه باقی‌مانده کمتر ازنظر محومیشود

حدود بکار بردن آن

در طریقـهٔ حسی چون اشیاء مستقیماً درحس طفل تأثیرمیکند وغیرازخواص محسوس وظاهری‌اشیاءچیزی باو آموخته‌نمیشود معلوماتی که‌بدین‌ترتیب پیدامیکند

(۱) برای‌روشنی ذهن موضوع چندفقره ازآنها ذکرمیشود کارخانه- وسائل حمل ونقل-ملل‌ونژادهای‌مختلف‌دنیا -جانوران- گیاهها- کوهها- دریاها - قطب- کشورهای‌مختلف، هریك جداگانه .

اولاً درس بایستی از حیث موضوع مطابق ادراك و احتیاج و سن طفل باشد وگرنه از حدود فهم او بیرون و مایهٔ کسالت و خستگی خواهد بود

ثانیاً از حیث مقدار درس باید مختصر باشد درسی که مفصل و زیاد شد بدون فایده شاگرد را فرسوده میکند در صورتیکه اگر دوسه مطلب بخوبی بیان و تدریس شود درخاطر او جای گرفته و کافی نیز خواهد بود

ثالثاً ازحیث ترتیب مطالب درس باید از روی نظم برای شاگردان گفته شود تاهم نیکو بفهمند وهم زود فرا گیرند

رابعاً از حیث تعبیر عباراتی که معلم استعمال میکند باید ساده و نزدیك بفهم باشد بویژه آموزگار باید پیوسته متذکر باشد که شاگردان او طفلند و باید با زبان کودکی با آنها صحبت بدارد و بکار بردن جمل مشکل و لغات مغلق بکلی بیمورد است و باید از آن دوری جوید . از طرف دیگر بکار بردن الفاظ شکسته و اصطلاحات مستهجن و کلمات معمول میان اراذل وطبقات پست نیز جایز نیست

خامساً ازحیث مدت درس نباید طولانی بشود . در کلاس تهیه هر درس بیش از یك ربع نباید طول کشد . در دیگر کلاسها چنانکه در فصل سوم از بخش چهارم گذشت حد وسط مدت درس کلاس اول و دوم دبستان بیست دقیقه و در کلاس سوم و چهارم نیم ساعت و در کلاس پنجم و ششم سه ربع و در دبیرستان از پنجاه دقیقه تا یکساعت باید باشد

سادساً درسهائی که در یك موضوع داده میشود باید بیکدیگر مربوط باشد برای این کار درآغاز هر زنك باید بوسیلهٔ پس گرفتن درس مطلبی

را برای او بیان نمود.

۴-درس زبانی برای آموختن مواد برنامه کودکان تنهائی نشان دادن اشیاء یا تصویر آنها کافی نیست چه شاگرد بعض خواص آنها پی نمیبرد ودر تمام مواد نیز مانند ریاضی نمیتوان اشیائی بشاگردان نشان داد کتابهائی هم که بدست شاگرد میدهند وقتی آنهارا میفهمند که آموزگار توضیحات کافی داده باشد از این رو باید بدرس زبانی نشست جست. درس زبانی یکی از طریقه های کلی تعلیم است و شاگرد درهر سنی باشد میتوان باودرس زبانی داد

اشکالات آن لیکن درس زبانی خالی از اشکال نیست. آموختن هنری است که شرایط وخصوصیات بسیار دارد. علاوه بر معلومات کافی معلم باید موضوعهای لازم و مهم را از غیر مهم تشخیص دهد - شیرین زبان و سخندان باشد - بیانات خود را با فهم و ادراك و سن شاگردان موافقت دهد - توجه آنها را با اسباب و وسایل مختلف جلب کند- آنها را در تعلیم خود شرکت دهد. بنا بر این تنها دانش و معلومات برای درس دادن کافی نیست. باید انسان دارای موهبت و ذوق طبیعی و تجربه باشد وبفهمد خوانی چیست و از حوائج آن آگاه باشد و بالاخره شاگردان را مانند برادر و فرزند خود دوست بدارد تا بتواند معلم شود.

اوصاف درس خوب اگر درس خوب باشد یعنی دارای اوصاف و شرایط لازم باشد هم موجب پرورش قوای روحی و اخلاقی کودك میشود وهم وی‌را دارای معلومات سودمند میکند. اوصاف وشرایط مذکور کدام است؟

توضیحات لازم دهد ودرس را تکرار وحالی شاگرداش کند تنها راه حل این مسئله پس گرفتن درس است

پس گرفتن درس چون ترازو وسنجشی است که معلم نشان میدهد که باید بیشتر درس بدهد یاکمتر وهریك از شاگردان چگونه کار کرده اند واندازهٔ تشویق وپاداش یاتنبیه وسیاست هر کدام چیست وشاگردان ضعیف کلاس کدامند تا آنها را کمك نموده نگذارند ازهمدرسان خود عقب بمانند

در مدارس عالی بطورکلی درس را هر روز پس نمیگیرند و تنها اکتفا میکنند بامتحان سه ماهه وششماهه وسالیانه ولی در دبیرستان ها بویژه در دورهٔ اول دبیرستان و در دبستان هر روز حتماً باید درس را پس گرفت

در مدارس ابتدائی باید درس را طوری داد کــه در پایان کلاس اطفال آنرا فرا گرفته باشند از اینرو همینکه درس تمام شد معلم باید ازشاگردان درس‌را پس گیرد درکلاسهای مقدماتی دبستان حتی میتوان پس از آموختن هرقسمتی از درس آن قسمت را پرسید سپس به قسمت های دیگر پرداخت

طریق پس گرفتن درس

تصور نباید کرد که بهرشکل میشود درس را پس گرفت بلکه معلم باید هراندازه ممکــن است نظم و ترتیبی را که هنگام آموختن ایجاد کرده در وقت پس گرفتن نیز رعایت کند چه‌اگر درس برطبق اصول صحیح داده شده باجارمطالب آن با هم مربوط و بر حسب ترتیب معینی بهم پیوسته بوده است . این ترتیب باعث شده کــه شاگرد بآسانی درس را فراگرفته و

را که میخواهد تدریس کند بموضوع درس گذشته متصل کند تا رشتهٔ آنها پیوسته شود

ثانیاً نکات مهم اساسی درس باید بشاگرد خاطر نشان شود تا بآسانی بتواند درس را یادگیرد ودر خاطرخود ثبت کند برای این مقصود بهترین راه آنست که هر قسمتی که از درس برای شاگردان بیان شد خلاصهٔ آن در روی تختهٔ سیاه نوشته شود پس از اتمام درس شاگرد خلاصه را در کتابچهٔ خود ثبت کرده ودفعهٔ بعد معلم از روی همان خلاصه درس را پس میگیرد

۳ ـ نقل گفتن تقریر کردن وعرضه داشتن مطلب یکی ازطریقه های کلی تعلیم است درمدارس متوسطه وعالی . دردبستان اغلب اتفاق میافتد کـه معلم بجای تقریر خشك و سـاده قصه‌ای هنگام تدریس تاریخ یااخلاق نقل میکند دراین صورت باید فن نقالی را بداند یعنی بداند درچه وقت چگونه آهنگ صدارا باید تغییردهد ـ قیافهٔ خود را ازحالی بحال دیگر درآورد ـ اندام ها را بکمك نطق خود بگیرد این طریق طفل را سخت برانگیزد ودلشاد و یا غمگین ومتأثر میکند ومقصودی راکه آموزگار ازداستان سرائی دارد بهترین وجه بدست می آورد آیا ندیده‌اید چگونه درقهوه‌خانه‌ها نقالان مورد توجه واقع می شوند ومردم بادقت بسیار وازته دل به سخنان آنهاگوش فرا میدهندودر پایان مجلس هم باخرسندی وخشنودی مبلغی بآنها هدیه میکنند؟

۴ـ پس گرفتن درس برای اینکه معلم بتواند تدریس خود را ادامه دهد بایدبداند درسی که‌داده شاگردانش فهمیده و یادگرفته‌اند یانه اگر فهمیده و یادگرفته‌اند جلو رود وگرنه برگشته

تدریسی که باید پس بگیرد دوسه پرسش می کند وشاگردان جواب آنهارا کتباً خواهند داد همینکه برگها را جمع کرد بتدریس خواهد پرداخت وبرگ هارا درخانه تصحیح نموده ملتفت خواهد شد که شاگردان درس راکاملاً فهمیده وفراگرفته اند یا نه ؟

طریق کتبی را بیشتر درکلاسهای دبیرستان باید بکار برد . در دبستانها استعمال این طریق چندان مناسب نیست زیراشاگرد هنوز کودك است وقوۀ استدلال وممیزه‌اش نارسا است وچون طریق کتبی بکار برده شد معلم نمیتواند هرآن مواظب باشد کـه طفل بغلط اقامۀ برهان وقضاوت نکند واگرخواست از راه راست منحرف شود او را هدایت نماید . در دبستان باید هرانداره ممکن است درس را زبانی پس گرفت تـا نیروی طفل بواسطۀ گفت وشنود پرورش یابد.

۵ - پرسش وپاسخ در روش پرسشی معلم بوسیلۀ سئوال و جواب مطلبی را که میخواهد بشاگرد بیاموزد از خود اومیگیرد وبتوسط خود اوکشف میکند . محل بکار بردن این روش بیشتر دبستان ومجالس گفت وشنود درآن روش بسیار است . سئوال و جواب بکلاس روح میبخشد وچون شاگرد نمیداندآموزگار چه مقصود دارد واورا بکجا میکشاند مجذوب میشود و از روی شوق برای پیدا کردن جواب مجاهدت میکند و بدین ترتیب قوای او بکار می‌افتد و پرورش می‌یابد.

پرسش و پاسخ برای آموختن تمام مواد برنامه بکارنمیرود بلکه در علم اشیاء است که روش پرسشی و سؤال و جواب مخصوصاً مـورد دارد. در دیگر موارد آموزگارباید بتشخیص خود برای تدریس بدین

هیچ علت ندارد که حافظهٔ اورا خراب کرده برخلاف ترتیب از او درس پس گرفته شود

همینطور نیز در امتحان ماهانه یا سه ماهه باید برطبق ترتیبی که درس داده شده پرسش کرد زیرا اگر آموزگار لایق بوده درسهائی که داده باشد مراحلی بوده که برای رسیدن بمقصود معینی نموده است این مراحل و منازل مثل حلقه های زنجیر بیکدیگر پیوسته است و شاگرد در راهی که طی میکند مراحل را بخوبی میشناسد و میتواند آن‌هارا بپایان رساند .

درمقابل دستور مذکور باید یادآور شد که در اتخاذ این طریق نباید مبالغه کرد وترتیب درس دادن وپس گرفتن را ماشین‌وار تلقین نمود بلکه درصورتی باید نظم درس را هنگام پس گرفتن رعایت کرد که یك رابطهٔ منطقی وعلمی میان مطالب درس موجود باشد وگرنه خارج شدن از آن‌ترتیب ضرری نخواهد داشت

نکتهٔ دیگر که بکار آن ضروری است اینست که معلم نباید منتظر باشد شاگرد فوراً وبی‌درنگ پس‌ازپرسیدن جواب گوید زیرا در آن صورت تنها ازحافظهٔ خود یاری میجوید وهمیشه کوشش میکند درس را ازبر کند تا پاسخ را فوراً طوطی‌وار بدهد بلکه باید پس‌ازهرپرسش چند ثانیه بشاگرد فرصت داد که فکر کند وازروی‌فکرجواب گوید

طریق کتبی وقتی شمارهٔ شاگرد کلاس زیاد باشد معلم نمیتواند از همه درس را پس بگیرد بلکه اتفاق می‌افتد که درظرف ماه از شاگرد سئوال نمیشود برای رفع این محظور درس را بطریق کتبی پس میگیرند معلم بدون خبرهمین که داخل کلاس شد راجع

۶- مطالعه و تهیهٔ درس

یکی ازمقدمات ضروری برای آموختن مطالعه و تهیهٔ درس است مطالعه و تهیهٔ درس عبارت است ازمراجعه بموضوع درس وفراگرفتن و بخاطر سپردن مطالبی که باید تدریس شود

مطالعه وتهیهٔ درس برای اینست که معلم مطالب سودمند وعملی را برای تدریس برگزیند وحشو و زوائد را حذف کند و طرح درس را از پیش بریزد وتوضیح وبرهان ووسیلهٔ آزمایشهای علمی را حاضر نماید و موضوع تکالیف کتبی را پیش‌بینی کند خلاصه آنکه غرض از تهیه و مطالعهٔ درس آنست که موضوع درس وروش آموختن وطریقه و وسایل آموزش قبلاً باکمال دقت درنظر گرفته شده باشد

ضرورت مطالعه

مطالعه وتهیهٔ درس ازکارهای ضروری است . درس هرقدر هم بنظر آسان بیاید باید ازپیش تهیه شود زیرا عمیق ترین معلومات وکاملترین مهارت درآموزش و پرورش نمیتواند جای مطالعه‌را بگیرد کسانیکه به هنر و دانش خود مینالند و تصور میکنند که بدون مطالعه میتوان‌درس داد میگویند که مطالب وطریق تعلیم آن هنگام آموختن به آنان الهام میشود تکیه کردن برالهام بی احتیاطی بزرگیست کسی که بوسیلهٔ الهام بخواهد تدریس کند ممکن است برسر مطلب بیهوده وقت را تلف کند و وسایل مهم را فراموش نماید و تردید برایش دست‌دهد و بدون‌لزوم مطلب‌را تکرار کند واشتباه برایش‌حاصل‌شود **معلمی که درس رااز پیش مطالعه نکرده باشد فکرش روشن و بیاناتش بیکدیگر مربوط نیست** - توضیحاتش مبهم‌است ودلایل اثبات مطالبش قوی نیست - درانتخاب تکلیف بی دست و پاست وقوت قلب و

وسیله پیشرفت خواهد ۰

شیوهٔ گفت و شنود

اگر آموزگار هر بار که سؤال میکند یکی از شاگردان را مخاطب سازد دیگران در سد فکر کردن و پیدا کردن جواب نخواهند بود بدین جهت پرسشی که میکند باید از همهٔ شاگردان باشد و پس از چند ثانیه که همه فکر کردند با انگشت به یکی از آنها اشاره کند تا جواب گوید ۰ اگر جواب او سنده نبود از دیگری بپرسد ۰

سؤال و جواب را معلم باید بترتیب منطقی مرتب کند بطریقی که شاگرد را بدون گمراهی بمقصد خویش راهبری کند سؤال و جواب باید واضح و روشن باشد ـ با کلمات و جمل ساده درست شده باشد ـ لغات معلق و اصطلاحات دشوار نداشته باشد و صریح و محدود باشد تا شاگرد خوب بفهمد و خوب جواب دهد برای اینکه سؤال دارای این اوصاف باشد بایستی پیش از وقت آنرا تهیه کرده باشد

برای جواب دادن باید معلم شاگرد را بتعقل و تفکر و تأمل عادت دهد و وادار کند چند ثانیه پیش از جواب افکار خود را جمع کند سپس جواب گوید زیرا بدون تعقل و تفکر ممکن است اشتباه نمود و بخطا رفت

هر که تأمل نکند در جواب بیشتر آید سخنش ناصواب

جواب هم باید مستقیماً مربوط بسؤال باشد و ساده و درست ۰
اگر هنگام جواب شاگرد اشتباه کند معلم نباید فوراً متغیر شود و بدی کند بلکه باید آن قسمتی را که درست است خاطر نشان کند و با خوشروئی و محبت قسمت دیگر را تصحیح و تکمیل نماید

را در اینجا خاطر نشان کرد که کتاب کهنه میشود و هر روز در علوم و روش های تدریس پیشرفتهائی پدید و اکتشافاتی بعمل میآید که اطلاع بر آنها ضروری و واجب است و بنا بر این معلم باید مراقب باشد که کتابهای تازه را حتی المقدور بدست آورده معلومات خود را با وقت و زمان مطابق نماید.

در اروپا عموماً برای دبستانها و کلاسهای اول دبیرستان در هر موضوع دو نوع کتاب مینویسند یکی برای شاگرد و دیگری برای معلم. در کتاب معلم تمام قسمت های مشکل توضیح شده و تمرینات متعدد مرتب گردیده و نکاتی که شاگرد باید بدان رسد خاطر نشان و بدین ترتیب کار معلم آسان گردیده است. بعلاوه نامه و مجله های هفتگی و ماهانه منتشر میشود که حاوی اطلاعات بسیار سودمند راجع به آموزش و پرورش میباشد و آموزگاران عموماً مشترک میشوند و از آنها بهرهٔ وافی میبرند.

اضافه بر درس که معلم باید قبلاً تهیه و مطالعه کند موضوع تکلیف کتبی را نیز باید از پیش حاضر کند تا بتواند از روی فرصت آن موضوع را بادرسی که داده مطابق و رعایت این نکته را بکند که با نیرو و دانش شاگردان موافقت داشته باشد. موضوع تکلیف های کتبی در کتاب معلم معین شده ولی آموزگار باید با کمال دقت از میان آنها آنچه مقتضی است انتخاب نماید.

دفتر مطالعه دفتر مطالعه دفتری است که معلم خلاصهٔ مطالعهٔ درس را با طریقهٔ تدریس در آن بنگارد. در دبیرستانها باید برای هر کلاس یک دفتر داشت و در آن بترتیب تاریخ هر درسی که تهیه

تسلط برشاگردان خود ندارد معلمی که رسم مطالعه را از دست داد معلوماتش سطحی و کهنه و کم کم منحصر بکلیات میشود وشوق بدرس دراو پژمرده شده رفته رفته معدوم می گردد

جای نهایت تأسف است که در کشور ما اکثر آموزگاران ودبیران درس را مطالعه و تهیه نمیکنند علل این مسئله بسیار است یکی از مهمترین سبب ها آنست که فوائد مطالعه را نمیدانند وپی بمضار مطالعه نکردن نبرده‌اند

مطالعه موجب افزایش علم و مهارت معلم میشود . البته وقتی یکبار موضوعی بدرس شد مطالعهٔ آن برای باردیگر آسان تراست ولی نباید فراموش کرد که مطالعهٔ ثانوی نیز نکات تازه باساس می آموزد . وقتی معلم درس را از پیش تهیه کرد باکمال تسلط و فوق قلب سر درس میرود زیراکه میداند درسش خوب وسودمند خواهد بود و شاگردان احترام او راکاملا رعایت خواهند کرد علاوه اردرس خوب نیز ازهمه خود آموزگار حظ و لذت میبرد وهیچ پاداشی بهتر ازاین لذت معنوی برای معلم کاری وبا وجدان نیست

وسائل تهیهٔ درس

درس باید هم از حیث موضوع و هم روش آموزش با قوای شاگرد تطبیق‌شود برای تهیهٔ درس بایدبکتاب مراجعه کرد ازاینرو معلم بایددارای کتابخانهٔ شخصی باشد وهرماه از حقوق خود مبلغی بفراخور حال به خریدکتاب تخصیص دهد چون کتبی که بدرد دبیران بخورد فعلاً بقدر کافی بزبان فارسی وجود ندارد ناگزیر باید از کتابهای خارجی استفاده کنند و باینجهت دانستن زبان خارجه برای آنان ضروری است باید این نکته

فصل دوم

روش آموختن زبان فارسی

اهمیت زبان فارسی

در دبستان و حتی در دورهٔ اول دبیرستان زبان فارسی بواسطهٔ فواید علمی واهمیتی که ازحیث پرورش نیروی شاگرد دارد اساس تعلیم باید بشمار رود .

هر ایرانی برای فهمیدن مطالب کسانی‌که با او سر وکاردارند وبرای فهماندن مقصود خود باید قادر باشد مطالب را بزبان‌وقلم روشن وصریح و بدون ابهام اداکند و بنابر این باید مفهوم ومعانی کلمات و جا و مقام‌هر یك از آنهارا کاملاً بداند . زبان‌فارسی‌وسیلهٔ بیان مراد ماست و چون باید لباس و قالب‌افکار ما باشد ناچار برای پیداکردن قالب صحیح مجبور میشویم بدواً فکرخود را واضح وروشن کنیم واز این حیث درطرز فکرو بعمل ما پیشرفت حاصل میشود

زبان فارسی ازلحاظ پرورش قوای روحی بسیار مهم است وفراگرفتن فارسی عبارت نیست از حفظ کردن کلمات خالی از معنی بلکه عبارت است از ادراك حقایق و آگاهی بافکار و احساسات قسمتی از افراد بشرکه در کشور ما زیسته‌اند و ساختمان دماغی آنان در تحت تأثیرآب وهوای ایران وگذشتهٔ با افتخار او بوجودآمده‌است بنابراین وقتی آدمی آغاز بیادگرفتن فارسی میکند درهای دنیای جدیدی را بروی خود میگشاید ـ دنیائی که فردوسی و سعدی و مولوی و خیام و حافظ درست کرده‌اند بوسیلهٔ تحصیل فارسی است که تمام قوای روحی بسط

میشود ـ موضوع و نکات مهم آنرا با ذکر آزمایش علمی که ممکن است صورت گیرد قید نمود

تکلیف کتبی مانند موضوع انشاء و مسائل ریاضی و فیزیک و شیمی نیز باید دراین دفتر ذکر شود. در دبیرستانها دفتر مذکور باید قدری مفصلتر باشد و علاوه بر مطالبی که ذکر شد طرح و نقشهٔ درس ـ روش آموختن وحتی خلاصه ای که ممکن است معلم در پایان درس بشاگردان بدهد در آن قید شود. دفتر مطالعه برای معلم سودمند و بلکه لازم است

دفتر مطالعه بمعلم قوت قلب میدهد زیراکه دیگر از بازی کردن حافظه وسهو و فراموشی باکی ندارد و هر آن میتواند بیك نظر ازموضوع ومحصول درس و تکلیف کتبی آگاه شود . بعلاوه در پایان سال دفتر مطالعه حاوی دروس و تکالیف سالیانه و نتیجهٔ زحمات یکسالهٔ او است. هروقت بآن نگاه کند محظوظ میشود ودرسالهای بعد نیز کمك بزرگی برای تهیهٔ درس خواهد بود.

بعضی تصور میکنند که تهیه و نگاهداشتن دفتر مطالعه وقت فراوان میخواهد وباین جهت از آن چشم میپوشند. اشتباه آنان در اینجاست که میپندارند درس را بطور مشروح باید نوشت وحال آنکه دفتر مطالعه از آن آموزگار است وکسی را در آن نظر ودخالتی نیست و از اینرو کافی است که بطور بسیار مختصر و با اشاره مطالبی را که ضرورت دارد در آن یاد داشت کنند.

بآموزگاران تازه کار توصیه میشود که ازداشتن دفتر مطالعه خود داری نکنند

بیشمار در این راه نموده‌اند ولی هر چه گفته و نوشته اند مؤید این حقیقت است که پیراستن زبان رسمی و راهنمائی مردم به نوشتن فارسی مأنوس وفصیح باید از آموزشگاه آغازشود وسلیقه وذوق فرزندان میهن در آنجا باید پرورش یابد وگرنه تغییر و تبدیل واژه ها و چند جلسه سخنرانی ما را بمقصود و مرام نزدیك نخواهد ساخت آیا وظیفه‌ای بزرگتر ومقدس‌تر از این برای آموزگار ودبیرزبان فارسی سراغ دارید ؟

اشکال زبان فارسی همان اندازه که زبان فارسی مهمست یادگرفتن آن دشوار میباشد • بهمین جهه است که آن را بعنوان های مختلف میآموزند مانند قرائت ومشق خط ودستور املاء وانشاء وحفظی وخواندن قطعات منتخب و تفسیر وبیان آنها معلم زبان فارسی بایدتوجه خاصی بشغل خود داشته باشد واهمیت تکلیفی راکه عهده داراست کاملاً ادراك کند و آنی درانجام دادن آن غفلت نورزد

پیدا میکند قوهٔ تمیز و استدلال و تعمیم و تجرید و حکم کردن قوای حافظه و متخیله درضمن آموختن فارسی ورزیده میشود و در حالی که هر کدام از مواد برنامه یك قسمت ازقوای روحی را بکـار میاندازد و پرورش میدهد فارسی تمام قوا را بنمو ورشد میرساند

علاوه بر نکات فوق باید گوشزد کرد زبان فارسی وسیله ایست که تمدن و فرهنگ نیاکان مارا دردرون وبیرون بویژه در کشورهای مجاور ایران منتشرساخته وبهترین وسیلهٔ نشرو نمایندهٔ مدنیت ما بوده وادبیاتی که درآن بوجود آمده مورد ستایش اقوام و ملل عالم است بالاخره زبان فارسی یکی از مهمترین عوامل یگانگی و وحدت ملی است و هر ایرانی میهن پرستی مکلف است آن را نیکو بداند وخوب منتشرسازد

نکتهٔ دیگری که زبان فارسی رامهمترین مادهٔ برنامه جلوه میدهد اینست که پس ازغلبهٔ مغول بر کشور ما رفته رفته زبان فارسی از ویژگی وپاکی دورشده وشیوهٔ نوشتن آن ساختگی وتکلف آمیز گشته و لغات عربی دشوار و مهجور جای واژه‌های فارسی را گرفته است . زشت تر و بدتر ازهمه آنکه قواعد صرف و نحو زبانهای بیگانه را در جمله‌های فارسی بکاربرده و در این اواخر حتی از استعمال کلمات اروپائی دریغ نکرده‌اند نتیجه اینکه امروز زبان ما مشحون از اغلاط و اصطلاحات غریب است ـ ساده وروان نیست ـ شیرینی خودرا ازدست داده ـ برای بیان اندیشه ها و احساسات ما نارسا است و بطور خلاصه دچار بحران شدیدی شده است .

برای رفع این معایب از ۱۳۱۴ انجمنی بنام فرهنگستان ایـران برپا شده وگروهی ازدانشمندان کشور دور هم گرد آمده وکوشش های

کاف بصدای الفی کا عین بصدای بالا ع دال بصدای جزمی عَدْ-
کاعد باکاف الف کا عین ودال زبر عَدْ-کاعد

این طریقه از قدیم در ایران مرسوم بوده و بهیچوجه طبیعی نیست
هیچگاه طفل هفت ساله نمیتواند ادراك کند چگونه کاف بصدای الفی کا
میشود ومتحیر است که چگونه اجزاء ترکیب باصوتی که بعد پیدا میشود
بکلی مباین است شاگرد کلاس اول دبستان بهیچوجه قادر نیست بفهمد
که عین بصدای بالا میشود ع زیراکه هیچگونه وجه اشتراکی و شباهتی
میان عین وعَ نیست واگر می بینند شاگردان خردسال این لفظ ها را یاد
میگیرند و بلند میگویند تصور نکنید که از خوبی طریقه است بلکه در
نتیجهٔ زحمات ومشقات بسیار طوطی وار حفظ میکنند و پس میدهند و پس
از مدت مدیدی زجرو ممارست بالاخره یاد میگیرند

طریقهٔ صوتی

وقتی که اصوات حروف را استعمال کنند یعنی قطع نظر از حروف
را نام ببرند طریقهٔ صوتی را بکار برده اند برای تجزیهٔ کلمهٔ
کاعد میگویند ك آ = کا — ع اَ = عَ — د = عد
کاعد این طریقه خیلی بهتر وطبیعی تر ازطریقهٔ اسمی است زیرا نزدیك
وقریب التلفظ است بطوریکه شاگرد هفت ساله هم بخوبی میتواند آن را
ادراك کند

وقتی باشد این طریقه را پیش گیرند لازم نیست حتماً حروف الفبا
را بترتیب تدریس کنند ترتیب حروف الفبا از عربها بما رسیده وهنگامی که
این ترتیب ایجاد شده در اندیشهٔ آسانی آموختن آن نبوده اند ممکن
است حروف را برحسب شکل ازهم جدا کرد یعنی مثلاً حروف دایره دار
را مانند ج ح خ چ ع غ یا س ش ص ض ل ن در یکجا بشاگرد آموخت

۱ - خواندن

اهمیت خواندن

تعلیم خواندن فارسی یکی از مهمترین تکالیف دبستان است خواندن وسیلهٔ بد و مستعملی است برای بدست آوردن معلومات حروف الفبا بمنزلهٔ کلید طلسم مشکلات است شاگردی که میتواند فارسی را بخواند و نیک بخواند مایل و مشتاق بقرائت کتاب میشود زیرا که کتاب برایش راهی باز میکند که هیچگاه حدس نمیزده است ولی بازمانیکه خواندن را نمیداند کتاب در نظر او جسمی است بی روح و بنا برآن نمی‌توان انتظار پیشرفت از او داشت مدرسهٔ ابتدائی باید هر چه زودتر شاگردان را بخواندن آشنا کند ولی از طرف دیگر نباید تصور کرد که تعلیم خواندن فارسی باید درظرف یکی دوماه انجام گیرد و بنابر تیپ شاگرد خسته وفرسوده واز درس بیزار شود بلکه آموزگار باید در این قسمت بسیار شکیبا و بردبار باشد تا شاگرد جزئیات را بفهمد واشکالاتش بمرور زمان مرتفع شود

طرق تعلیم خواندن

نخستین وظیفهٔ آموزگار اینست که روشی بکار برد که اشکالات قرائت فارسی را کم کم و بتدریج از نظر شاگرد بگذراند طریقه هائی که در ایران استعمال میشود متعدد است ولی همه آنها رامیتوان تحت دوعنوان در آورد

طریقهٔ اسمی – طریقهٔ صوتی

طریقهٔ اسمی

ابتدا الفبا را بترتیب از الف تا ی میآموزند سپس اسامی حروف رامیبرند ودر ترکیب وتجزیهٔ حروف واصوات همیشه آنهارا باسم ذکر میکنند مثلاً کلمهٔ کاغذرا اینطور هجی میکنند

کار را باید با کلمات سادهٔ کوچک که از حروف خوانده شده مرکب باشد کرد وقتی چند کلمه را خوب توانستند بخوانند باید آنها را پهلوی هم گذارد وجملی درست کرد که معنی داشته باشد ومعنی آنرا شاگرد بفهمد بهمین جهت تمام کلماتی که در ابتدا بشاگرد گفته میشود بایدعادی ومتعارفی ومربوط بزندگانی اطفال باشد

وقتی هریك ازشاگردان جداگانه یك کلمه را بطرزیکه ذکر شد خواندند باید باهم بطورجمعی نیز بخوانند

درابتدای هردرس باید هرچه دردرسهای پیش خوانده شده تکرار کرد تاشاگرد باکمال اطمینان جلو رود درضمن درس نیز اگر بدرسهای پیش مراجعه شود بسیار بجا خواهد بود و ضرب المثل عربی که الدرس حرف والتکرار الف در مورد کلاس اول بیش ازموارد دیگر صادق است

شیوهٔ تازه آخرین سبکی که در امریکا برای تعلیم خواندن بکار میبرند از آموختن کلمات شروع میشود کلمات کوچك وسادهای که دلالت بر اشیاء و افعال معمولی کند مانند آب ـ در ـ سر ـ پا ـ بابا ـ آمد ـ رفت هر یك را در روی برگهٔ جداگانه بخط جلی چاپ میکنند و بهر شاگرد دسته ای میدهند آموزگار یکی از برگه ها را بشاگرد نشان میدهد و کلمه را چند بار تلفظ میکند وقتی باین ترتیب چند کلمه راآموخت از شاگرد میخواهد برگهای که فلان کلمه روی آن نوشته شده ازمیان دیگر برگهها بیرون آورد و باو بدهد

این قسمت نیز وقتی دو سه بار تکرار شد شاگرد کلمات آموخته شده را میشناسد در درسهای بعد آموزگار جملهای میگوید که از کلمات مذکور ترکیب شده باشد و طفل بوسیلهٔ چیدن کارتها پهلوی یکدیگر

وحروف کشیده یعنی ب پ ت ث ف ک گ در یکجا وحروف منفصله یعنی ا د ذ ر ز ژ و دریکجا

درباب اعراب بجای صدای بالا وصدای پائین وصدای وسط یا زبر وزیر و پیش باید گفت آ ا اُ همچنین بجای صدای الفی و صدای یائی و صدای واوی باید گفت آ ای او

اگر طریقهٔ صوتی را آموزگار انتخاب کند بهترین ترتیب آنست که ابتدا دو سه حرف و دو سه اعراب بشاگرد آموخته شود و بعد باهمین چند حرف و اعراب کلماتی که طفل میداند ترکیب شود مثلاً ب آ آ م د را یاد میدهند بعد کلمهٔ بابا را درست میکنند سپس کلمه آمد را آن وقت جملهٔ بابا آمد را شاگرد بخوبی میخواند وازخواندن آن حقیقةً حظ ولذت میبرد همینطور کلمهٔ آب وجملهٔ آب آمد را

بهمین شیوه باید حروف دیگر را بااعراب آموخت و همیشه درنظر داشت که بواسطهٔ خواندن شاگرد خوانا میشود پشت سرهم درس دادن حروف الفبا غیر از خسته کردن و متنفر ساختن طفل فایده و نتیجه ندارد

درس قرائت

برای نوآموز درس قرائت باید گروهی باشد و برای این کار آموزگار دو وسیله دارد یکی تختهٔ سیاه دیگر لوحه هائی که امریکائی ها واروپائیها برای الفبای خود درست کرده اند ودر روی آن حروف الفبا وکلمات متداول عمومی بخط درشت رسم شده است دو نوع فایده میشود از تختهٔ سیاه ولوحه های الفبا برد نخست آنکه آموزگار حرفی را در روی تختهٔ سیاه مینویسد وشکل آنرا خاطر نشان میکند بعد وامیدارد نام آنرا درست بگویند دوم انکه اسم حرف را خودش میبرد و وامیدارد شاگرد روی تخته یالوحه نشان دهد عیناً همین

کار را باید باکلمات سادهٔ کوچك که ازحروف خوانده شده مرکب باشد کرد وقتی چند کلمه را خوب نوشتند بخوانند باید آنها را پهلوی هم گذارد وجملهٔ درست کرد که معنی داشته باشد ومعنی آنرا شاگرد بفهمد بهمین جهت تمام کلماتی که در ابتدا بشاگرد گفته میشود بایدعادی ومتعارفی ومربوط بزندگانی اطفال باشد

وقتی هریك ازشاگردان جداگانه یك کلمه را بطریقی که ذکرشد خواندند باید باهم بطورجمعی نیز بخوانند

درابتدای هردرس باید هرچه دردرسهای پیش خوانده شده تکرار کرد تاشاگرد باکمال اطمینان جلو رود درضمن درس نیزاگربدرسهای پیش مراجعه شود بسیار بجا خواهد بود و ضرب المثل عربی که الدرس حرف والتکرار الف در مورد کلاس اول بیش ازموارد دیگرصادق است

شیوهٔ تازه آخرین سبکی که در امریکا برای تعلیم خواندن بکار میبرند ازآموختن کلمات شروع میشود کلمات کوچك وساده‌ای که دلالت بر اشیاء و افعال معمولی کند مانند آب - در- سر- پا - بابا - آمد - رفت هر يك را در روی برگهٔ جداگانه بخط جلی چاپ میکنند وبهر شاگرد دسته ای میدهند آموزگار یکی از برگه هارا بشاگرد نشان می‌دهد و کلمه را چند بار تلفظ میکند وقتی باین ترتیب چند کلمه راآموخت از شاگرد می‌خواهد برگه‌ای که فلان کلمه روی آن نوشته شده ازمیان‌دیگر برگه‌ها بیرون‌آورد وباو بدهد

این قسمت نیز وقتی دو سه بار تکرار شد شاگرد کلمات آموخته شده را میشناسد در درسهای بعدآموزگارجمله‌ای میگوید که‌از کلمات مذکورترکیب شده باشد و طفل بوسیلهٔ چیدن کارتها پهلوی یکدیگر

وحروف کشیده یعنی ب ب ب ب ف ک گ در یکجا وحروف منفصله یعنی
ا د ذ ر ز ژ و دریکجا

درباب اعراب بجای صدای بالا وصدای پائین وصدای وسط بازبر
وزیرو پیش باید گفت اَ اِ اُ همچنین بجای صدای الفی و صدای یائی و
صدای واوی باید گفت آ ای او

اگر طریقهٔ صوتی راآموزگار انتخاب کند بهترین ترتیب آنست
که ابتدا دوسه حرف ودو سه اعراب بشاگرد آموخته شود وبعد باهمین
چند حرف و اعراب کلماتی که طفل میداند ترکیب شود مثلاً ب آ آ م د
را یاد میدهند بعد کلمهٔ بابا را درست میکنند سپس کلمهٔ آمد را
آن وقت جملهٔ بابا آمد راشاگرد بخوبی میخواند وازخواندن آن جملهٔ
حظ ولذت میبرد همینطور کلمهٔ آب وجملهٔ آب آمد را

بهمین شیوه باید حروف دیگررا بااعراب آموخت و همیشه درنظر
داشت که بواسطهٔ خواندن شاگرد خوانا میشود پشت سرهم درس دادن
حروف الفبا غیر از خسته کردن ومتنفر ساختن طفل فایده و نتیجه ندارد

درس قرائت

برای نوآموز درس قرائت باید گروهی باشد و برای این کار
آموزگار دو وسیله دارد یکی تختهٔ سیاه دیگر لوحه هائی
که امریکائی ها واروپائیها برای الفبای خود درست کرده اند
ودر روی آن حروف الفبا وکلمات متداول عمومی بخط درشت رسم شده
است دونوع فایده میشود از تختهٔ سیاه ولوحه های الفبا برد نخست آنکه
آموزگار حرفی را در روی تختهٔ سیاه مینویسد وشکل آنرا خاطر نشان
میکند بعد وامیدارد نام آنرا درست بگویند دوم اینکه اسم حرفرا
خودش میبرد و وامیدارد شاگرد روی تخته یالوحه نشان دهد عیناً همین

راگروف که در شهریور همان سال که بدبستان رفت در کلاس دوم پذیرفته شد .

نوع خط

در بدو تدریس چون باید خواندن و نوشتن را باهم آموخت بنظر عده ای باید خط نسخ را یاد داد زیرا که نوشتن آن آسانتر است. خط نسخ مرکب است از یکعده خط راست وزاویهٔ قائم و ترسیم خط مستقیم برای کودک نوآموز آسانتر است از ترسیم خط کج وخمیده‌ای که خط نستعلیق را تشکیل میدهد و بیشتر تناسب تماشی دارد در مقابل این عقیده جمعی دیگر میگویند طفل عشق تماشی دارد واگر از اول خط نستعلیق را باو بیاموزند همانرا خوب فرا میگیرد و بعد احتیاج ندارد خط نسخ را به نستعلیق تبدیل نماید .

خواندن و نوشتن

همانطور که در بالا اشاره شد بدلایلی که خواهد آمد باید خواندن و نوشتن را باهم آموخت اولاً بتجربه ثابت شده است که اگر شاگرد را خواندن و نوشتن در آن واحد بیاموزند زودتر و بهتر پیشرفت میکند و زحمت آموزگار در آموختن این دو هنر کمتر است

ثانیاً چون شاگرد گاهی میخواند وزمانی مینویسد در کارش تنوع پیداشده کمتر خسته میشود

ثالثاً شاگرد از نوشتن خط حظ میبرد و اعتماد بخویش پیدامیکند زیرا که میبیند حروف یاکلمات را وقتی پهلوی هم گذارد دیگران آنچه راکه او درخاطر خویش خیال کرده است میخوانند بدیده اید کودکان چقدر از نوشتن نام خود خشنود میشوند ؟

رابعاً روانشناسی ثابت میکند که طفل احتیاج بحرکت دارد و منع

جمله رامیسازد وقتی شمارهٔ کلمات زیاد شد گاهی آموزگار جمله‌ای با برگه ها تشکیل میدهد و شاگرد میگوید آنرا بخوان

برای تعلیم نوشتن بتدریج که شاگرد کلمات را فرا میگیرد آموزگار آنها را بطورسرمشق برای او مینویسد و او با مداد روی کاغذ چندان خواهد نوشت تا دستش قوت گیرد و بتواند قلم ومرکب بکاربرد زیر دست شاگرد باید همیشه مقوائی بقطع وزیری گذارد تاکار نوشتن را آسان کند

با ایجاد این طریقه یاد دادن نام و ترتیب حروف الفبا ضرورت نخواهد داشت و چون بعد ها در مکالمه واملاء ومراجعه بکتاب لغت دانستن آن مورد احتیاج خواهد بود کافیست در کلاس سوم و چهارم الفبا بشاگرد آموخته شود

چون کلمات دلالت برمحسوسات میکند شاگرد از همان ساعت اول درس را میفهمد وباکمال رغبت و میل آنرا فرا میگیرد واز این که نام چیزهای معمولی را درچند روز اول میآموزد برخود میبالد و ذوقش بتحصیل زیاد میشود چون ازطرف دیگر کلمات را یکمرتبه بدون تأمل میخواند عادت بتند خواندن میکند ودر تمام عمر قرائت را سریع انجام میدهد بالاخره بجای اینکه با طریقه های کنونی یکسال در کلاس تهیه صرف آموختن قرائت شود ویکسال نیز در کلاس نخست بخواندن کتاب اول بپردازند با استعمال سنگ پاره درظرف دو سه ماه خواندن و نوشتن را میتوان آموخت نگارنده در تابستان ۱۳۱۲ در اوین (شمیران) در مورد فرزند خود سنگ پاره را بکار برد و در ظرف چهل روز پانزده دقیقه صبح و پانزده دقیقه عصر بتعلیم او پرداخت و این نتیجه

برای اینکه قرائت شاگرد روشن وواضح باشد باید کلمات رایك یك سپید ودرست تلفظ کند وهیچگاه آنها را مبهم وزیر زبانی اداءنکند در ضمن قرائت آموزگار باید دقت کند معایبی که بعضی از شاگردان در تلفظ کردن دارند رفع کند مانند لکنت وگرفتن زبان ـ لهجه‌های محلی مانند لهجهٔ کاشانی و یزدی واصفهانی

بالاخره رسائی و بلاغت وقتی حاصل است که آهنك وپست وبلندی صدا وفشار وارد بر بعضی از کلمات افکار واحساسات نویسنده را نمایان کند وشنونده را بر طبق اقتضا شاد یا اندوهگین سازد یا بر انگیزاند و متأثر کند . برای اینکه شاگرد با بلاغت بخواند باید قبلاً معتاد باشد که با اطمینان وروشنی قرائت کند . وقتی این عادت پیدا شد معلم باید بوی بیاموزد چگونه آهنگ خود را تغییر دهد تا از وضع خواندن افکار واحساسات نویسنده ظاهر شود . بدیهی است که شاگرد این هنر را در صورتی پیدا میکند که هرچه میخواند بفهمد وحس کند . بنابر این نه تنها کتابی که بدست او داده شده باید مطابق قوه و فهم وی باشد بلکه متنی راکه میخواند باید از پیش برای او تفسیر و تشریح کرده باشند

قرائت با توجه بمعنی و مقصود

از همان سال اول دبستان هر حکایت که شاگرد میخواند وهر کتاب فارسی که پیش او میگذارند برای وی باید قابل فهم باشد ـ لغت های آن را باید تفسیر کنید ومقصود نویسنده را بیان نمائید . در برنامهٔ رسمی دبستان ها بواسطهٔ کثرت مواد ازسال سوم ببالاقسمتی ازکلیات جغرافیا وعلم اشیاء وتاریخ وتعلیمات مدنی را نیز در ضمن تدریس فارسی منظور داشته اند

او از حرکت موجب نقص در پرورش او میشود . درنوقت نوشتن طفل حرکت میکند ودستش در حرکت است . چون هنگام نوشتن برطبق حاجت او رفتار میشود نتیجهٔ نیك بدست میآید .

نخستین کتاب قرائت

اولین کتاب که بدست نوآموز داده می‌شود باید مطابق قوه وفهم وذوق طفل باشد یعنی باید حاوی حکایتهای بسیار سادهٔ کوچك وشیرین وافسانه های مختصر و دلپسند باشد بطوری که کودك طبعاً میل بکتاب پیدا کند چاپ کتاب باید بسیار خوب و از روی سلیقه وکلمات باید بخط درشت وجلی نوشته شده باشد . لااقل در صفحات اول کلمات باید از هم جدا باشد هرقدر ممکن است باید تصویرهای زیبا در کتاب گنجاند . تصویر هائی که مربوط بمتن وکلمات وجمل کتاب باشد

روان خوانی

اگر برنامهٔ رسمی مراجعه‌شود معلوم خواهدشد که‌در تمام کلاسهای دبستان ودبیرستان‌شاگرد باید قطعاتی‌را روان وخوب بصدای‌بلند بخواند . بایدسه‌صفت‌در قرائت اوجمع باشد اطمینان وروشنی ورسائی

شاگرد در صورتی با اطمینان قرائت می‌کند که بدون تردید و بدون تکرارکلمات جمله ها را مسلسل بخواند هنگام قرائت آموزگار باید مراقبت کند که شاگرد تنهٔ خود را راست نگاهدارد و دندانها را بهم نچسباند با صدا درست خارج شود ودر پایان هر جمله نفس بکشد وقتی شاگرد درست نفس کشید شمرده خواهد خواند و رعایت نشانهٔ سجاوندی که برای وقف وختم مقرر شده است مانند نقطه وممیز وخط فاصله برای اوطبیعی خواهد بود .

متن وادار کند و اگر درقسمت یا جمله‌ای لغات مشکل یا اصطلاحات سخت یا عبارات مجمل دید در پایان آن قسمت یا جمله شاگرد را نگاه بدارد و آنها را بیان کند . بدیهی است بابات مزبور باید ساده ومختصر باشد تادرس فارسی مبدل بدرس دیگر نشود و موضوع درس تغییر نکند البته هر اندازه نیروی شاگرد بیشتر شود یعنی هرقدر بکلاسهای بالاتر رود بهتر بافکار نویسنده پی تواند برد . از کلاس پنجم ببعد متن کتاب قرائت بویژه قطعه هائی که از نویسندگان بزرگ گرفته شده با دقت بسیار باید بررسی‌شود . شاگرد را باید کم‌کم عادت داد افکاری که در صفحه بیان شده از هم تفکیک کندو اهمیت هریك را نشان دهدوعقیدهٔ خود را نسبت باندیشه و احساسات شاعر یا نویسنده اظهار کند البته این کار مستلزم آن است که قبلاً آموزگار درس را نیکو مطالعه وحاضر کرده باشد ولی سودی که این نوع درس از حیث پرورش نیروی‌شاگرد بویژه قوهٔ استدلال و تمیز دارد زحمت آموزگار را جبران‌میکند

دردورهٔ اول دبیرستان که برای خواندن تنها قطعات منتخب نظم ونثر دربرنامه معین شده و قوای شاگردهم تا حدی نمو کرده است باید بطور مبسوط متن را بیان وتفسیر کرد . دبیر باید شاگرد را راهنمائی کند که فکر اساسی ومهم‌یکقطعه را تشخیص دهد و گوشزد کند معانی درست و روشن لغات را بگوید تاشاگرد لطف و رسائی قطعه را حس کند قطعه‌ای را که موضوع درس است به پیش و پس آن از کتابی که گرفته شده مربوط سازد - در صورت اقتضاء شمه ای از حال نویسندهٔ قطعه و نام کتابهائی که نوشته بیان نماید - اگر در قطعهٔ مزبور از مرد تاریخی یاپیش آمد تاریخی سخن رفته باشد مختصری از آن ذکر کند هرجا که

ودر کتاب‌های رسمی فرهنگ تمام این‌موادضمن یك‌کتاب تشریح‌شده
بنا بر این آموزگار باید علاوه برگفتن معانی لغت های دشوار موضوع
را نیز برای شاگردان شرح دهد و با نقشه و عکس و شکلی که روی
تختهٔ سیاه میکشد اصطلاحات لازم رابیان کند

در ایران اغلب شنیده می‌شودکه اگر بخواهند درس فارسی‌را
بطوریکه شایسته است معنی وتعبیر کنند تمام ساعت درس را باید صرف
این کار کنند و دیگر وقتی برای خواندن و پس دادن درس باقی
نمیماند . این عقیده از اینجا ناشی شده است که‌کتاب های درسی‌بیشتر
برای هنر نمائی واظهار فضل مؤلف تدوین شده و پر است از کلمات
مغلق و جمل مشکل و موضوعات دشوار . اگر کتاب برای شاگرد و بر
طبق فهم واحتیاجات او نوشته شده‌باشد قطعاً وقت برای همه چیز کافی
خواهد بود

عموماً روش آموختن فارسی درشش کلاس دبستان ممکن است
بقراردیل باشد

بدواً آموزگار بصدای بلند متنی را که می خواهد تدریس کند
بخواند و هرجا که‌لازم است صدا را پست وبلند کند - تأمل کند -
توقف نماید و باین ترتیب برای شاگردان سر مشق شود . سپس بطور
سریع مقصود و مفهوم متن را بگوید چون شاگردان در ضمن قرائت
آموزگار از طرز خواندن وآهنگ صدا معنای متن را حدس زده‌اند
گفتار وی هر قدر مختصر باشد و با سرعت صورت گیرد شاگرد را
بهره مند خواهد کرد

همینکه این کارانجام یافت آموزگاریکی ازشاگردان را بخواندن

در دبیرستان‌ها هر یك از دبیران علاوه بر درسی که میدهند کتاب‌هائی معین میکنند که شاگرد باید برای تکمیل درس مطالعه کند و در حدود روزی دوساعت در کتابخانهٔ مدرسه یا در خانه صرف این قبیل مطالعات نماید وقتی محصل از کودکی عادت با هسته خواندن نمود بسیار تند خواهد خواند و صرفه جوئی شایان از عمر خواهد کرد

در دبستان‌های ایران آهسته خواندن را که هنوز متداول نشده باید معمول داشت و اگر هنوز کتابهای آسان و زیاد برای نو آموزان تهیه نشده لااقل همان کتاب های درس را وادانشی شاگرد آهسته بخواند تا باین کار کم کم خو گیرد و این سرمایهٔ نیکو را تا خود دار آنجا بیادگار برد

جملهٔ دراز یا عبارت نارسا پیدا شد مبتدا وخبررا تشخیص دهد ـ عقیدهٔ خودرا راجع بافکار نویسنده بگوید وبالاخره تمام قطعه را در چندسطر مختصر کند

آهسته خواندن یا مطالعه

درعین اینکه شاگرد را باید خواندن آموخت و با بلند بخواند عیب و غلطش ظاهر میشود و معلم قادر بتصحیح میگردد این نکته را باید از نظر دور داشت که در قسمت عمدهٔ زندگانی آدمی احتیاج بمطالعه یا آهسته خواندن دارد.
وقتی روزنامه یا کاغذی را برای شما می‌آورند ـ هنگامی که فراغتی دارید و کتابی دردست میگیرید ـ موقعی که در خیابان عبور میکنید و تابلوهای مغازه‌ها را ملاحظه میکنید ـ ساعتی که درس خودرا ازروی کتاب یاد میگیرید آیا باصدای بلند میخوانید یا آهسته؟

پس باید آهسته خواندن را نیز بشاگرد آموخت اگر تنها بلند خواندن‌را بوی بیاموزند بدان خوی میگیرد وهنگامی که احتیاج بمطالعه دارد یابلند میخواند یاتأنی و بکندی وکلمه بکلمه خواهد خواند و وقت زیاد از او تلف خواهد شد

این مسئله را علمای پرورش درآزمایشگاهها بثبوت رسانده‌اند که هنگام بلندخواندن چشم زیادتر روی کلمات مکث میکند تادروقت آهسته خواندن این است که در کشور های متمدن درجهٔ اول مانند امریکا همینکه مطمئن شدند شاگرد بالنسبه درست میخواند هفته‌ای چندساعت اورا بمطالعهٔ کتاب وامیدارند دردبستانها کتاب های مطالعه مشکلتر از کتاب درس نیست بلکه از حیث موضوع وتصویر بمراتب شیرین‌تر و دلپذیر تر از آنها است وشاگرد باکمال رغبت ومیل بخواندن آنها میپردازد

میشوند خط خوب را هر شاگردی ممکن است دارا شود مشروط بر اینکه آموزگار با اشتیاق عزم خود را جزم کند که شاگردانش خوش خط شوند برای این کار اولا باید با ترتیب و اسلوب صحیحی تعلیم دهد و ثانیاً پیوسته مراقب باشد که دستورش را شاگرد رعایت کند.

اصول مهم آموختن خط

اشکالات نوشتن و مشق خط مربوط است بقرائت و همان اصولی که در قرائت ایجاد شده باید در کتابت و مشق خط نیز ایجاد گردد

اصل کلی آنست که ابتدا حروف را از حیث آسانی ودشواری وشکل طبقه بندی کرده و بانن ترتیب اشکال را بتدریج پیش شاگرد بیاورند وقتی شاگردان توانستند حروف را نیکو بنویسند باید کلماتی ترکیب کنند که آنها نیز ازسهل بمشکل رود.

اگر سبك باره رانکار برده باشند باید ابتدا کلمات دو حرفی ساده را آموزگار در بالای صفحه بنویسد وشاگرد شبیه آن را آنقدر بنویسد تا خوب از عهده برآید پس از آن باید بکلمات سه حرفی پرداخت و همین طور از آسان بمشکل رفت وهمیشه آنچه از قرائت تدریس میشود موضوع کتابت قرار داد ورابطهٔ میان این دو راکه مکمل یکدیگرند پیوسته حفظ کرد.

اصل دیگر آنست که باید دست شاگرد را نیرو بخشید وچشمانش را معتاد کرد برموز نوشتن. بدیهی است برای این منظور باید در آغاز مطلقا خط درشت را تعلیم داد زیرا که خط هرقدر درشت تر باشد شکل حروف بهتر تشریح میشود وشاگرد بهتر میتواند جزئیات آنرا ببیند

۲ ـ نوشتن و مشق خط

اهمیت نوشتن

برای پرورش کودک نوشتن وسیلهٔ بسیار عالی است زیرا که برای نگاشتن آدمی فکر میکند ـ حواس خودرا جمع مینماید ـ اندیشهٔ خودرا روشن میسازد سپس آنرا بقالب لفظ در میآورد ـ بوسیلهٔ کلماتی آنرا ادا میکند وسرانجام آن کلمات را روی کاغذ می‌آورد . این ورزش برای قوای عقلانی سخت سودمند و بلکه ضروری است

از لحاظ اجتماعی نوشتن یکی از لوازم زندگانی است زیرا که بهترین وسیله برای نشر افکار واحساسات آدمی است چه در فضا وچه در زمان اگر نوشتن نبود اشعار فردوسی و افکار ارسطو چگونه بما می رسید ؟

مشق خط

بدیهی است که نوشتن باهر خطی و بهر نحوی که پیش آید پسندیده نیست باید شاگرد را عادت داد نیکو بنویسد یعنی خطش روشن وزیبا وخوانا و باندازهٔ کفایت درشت باشد در ایران خط خوب همیشه یکی از کمالات بوده وبحسن خط اهمیت بسیار میدادند در نتیجهٔ توجه مردم و امراء و پادشاهان هنرمندان بزرگ مانند میر عماد قزوینی و امامی و میرزا احمد نیریزی و میرزا رضای کلهر بوجود آمده اند که آثار آنها مایهٔ افتخار ماست افسوس که ازدورهٔ تجدد به بعد دراین قسمت غفلت شده است برای رفع این عیب از شهریور ۱۳۰۱ به پیشنهاد نگارنده وزارت فرهنگ مشق خط را که تا آنوقت جزء برنامهٔ دبیرستان نبود در دورهٔ اول متوسطه منظور داشته است نباید تصور کرد که خوش نویسی هنری است که تنها شمارهٔ کمی از شاگردان نداشتن آن کامیاب

بگیرد واز سود آن چشم نپوشد سرمشق عمومی سرمشقی است که معلم باگچ و بخط جلی روی تختهٔ سیاه در حضور شاگردان بنویسد ودرضمن نوشتن حرکات دست خود را بشاگردان نشان دهد و قواعد تعلیم رابیان کند ودر صورت لزوم حروف وکلماتی که نوشتن آن مشکل وپیچیده است مکرر بنویسد وپاك کند تا دانش آموزان بخوبی طرز نوشتن آنها رافرا گیرند وقتی سرمشق عمومی روی تختهٔ سیاه داده شد شاگرد از روی سرمشق خصوصی نوشتن آغاز خواهد کرد

سرمشق خصوصی سرمشقی است که مشاق در دفتر شاگرد درروی صفحهٔ کاغذ می دهد وشاگرد از روی آن مینویسد اگر شمارهٔ شاگرد کم باشد مشاق باید برای هریك سرمشق جداگانه بنویسد وگرنه باید سرمشق گراورشده یاچاپی بشاگرد بدهد

در فرنك برای مشق خط دستانها سر مشقهای گراور شده تهیه کرده اند که بسیار دلپسند است در ایران یکی دو بار در این راه قدم برداشته وبواسطهٔ نبردن سود رها نموده اند تنها شادروان عماد الکتاب سیفی در این راه ایستادگی نشان داد ودفتر های خوب آماده کرد کـه موجب کمال سپاسداری است باید وسیلهٔ چاپ آنها را در ایران فراهم کرد تا ارزان تمام شود ودردسترس همه کس قرار گیرد سرمشق خصوصی چون زیر دست شاگرد است بآسانی میتواند از روی آن بنویسد وچون خطی که مینویسد از حیث درشتی وریزی مساوی با خط سر مشق است سرمشق برای او حقیقهً راهنمای خوبی است نکتهٔ مهمی که در اینجا باید رعایت کرد است که شاگرد همهٔ سطر هائی راکه مینویسدار روی سرمشق نگاه کند نه اینکه بتدریج که ازخط سر مشق پائین آمد ازخط

وفرا گیرد مسلم است که خط درشت تنها وسیله ایست برای آموختن خط وتعلیم خوش نویسی وهمینکه دست شاگرد قوت گرفت وانگشتانش نرم شد واز کلیات مشق خط آگاه گردید همانطور که در برنامه هم معین شده از سال چهارم ببالا میتوان خط ریز را نیز آموخت

اصل سوم مراقبت ومواظبت همیشگی است در تکلیف شاگرد آموزگار یامشاق نباید تنها صفحهٔ مشق را مورد توجه قرار دهد بلکه باید تمام تکلیف‌هائی راکه شاگرد مینویسد مانند دیکته وانشاء وصورت مسأله رسیدگی کند واز حیث خط ببیند آیا دستور هائی که بشاگرد داده رعایت کرده است یا نه و در مواقع لازم نکاتی که بنظرش می رسد خاطر نشان کند وگرنه آموختن خط به تنهائی موجب خوشنویسی شاگرد نخواهد شد .

هنگامی که آموزگار رسیدگی به تکلیف شاگرد می کند چقدر بجاست پاره ای نکات که مربوط بسلیقهٔ نویسنده است بشاگرد گفته شود ومراقبت در رعایت آن بعمل آید این نکات یك صفحه راکه بخط خوب نوشته شده باشد قشنگ‌تر وزیباتر جلوه می دهد شاگرد باید جای عنوان را در صفحه بداند ومیان عنوان واصل مطلب بحد کافی فاصله بگذارد وقتی مطلب تازه شد از سر سطر باید آغاز کرد وحاشیه را بقدر لزوم و مناسب با صفحه باید معین نمود ومانند آن

سرمشق

آموختن خط بدون سرمشق صورت پذیر نیست سرمشق هم بر دو قسم است سر مشق عمومی وسرمشق خصوصی جای تأسف است که درکشور ما تنها سرمشق خصوصی داده میشود ولی چنانکه ذیلاً گفته آید در دبستانها مشاق باید سر مشق عمومی را درنظر

بدیهی است که بیشتر مردم فارسی را در روی دست و زانو مینویسند ولازمهٔ این طرز نوشتن آنست که پاها را جمع کنند و شکل مخصوصی بنشینند که مخالف با اصول بهداشت است از طرف دیگر روی میز میتوان بخوبی فارسی را نوشت و کسانیکه خوش نویسی را روی زانو آموخته اند در روی میز نیکو مینویسند از این رو باید در این مسئله مطالعه کرد که اگر خط فارسی را روی میز تعلیم دهند آیا نتیجه‌ای را که از آموختن روی دست و زانو بدست میآید حاصل خواهند کرد یا نه اگر نتیجه مثبت باشد باید نوشتن و تعلیم خط فارسی را موافق اصول بهداشت و زندگانی جدید کرد یعنی نوشتن خط خوب را روی میز یاد داد و همه را معتاد کرد روی میز بنویسند.

درس مشق خط

باید زنگ مشق خط را آموزگار چگونه صرف کند ؟

در دبستانها باید ساعت درس را تقسیم به سه قسمت کرد.

درقسمت اول قلم شاگردان راباید تراشید.

اگر شمارهٔ شاگردان بسیار ولازم باشد قلم همهٔ آنها تراشیده شود این کار باید هنگام تنفس و پیش از ورود بکلاس انجام یابد بدیهی است که شاگردان کلاسهای آخر دبستان ودورهٔ اول دبیرستان باید قلم تراشیدن بدانند وقبل از وقت قلم خود را حاضر کنند همینکه قلم شاگردان حاضر شد مشاق یا معلم (در کلاس اول و دوم) در روی تختهٔ سیاه سر مشق عمومی را میدهد. سپس سر مشق خصوصی راکه چاپ شده یاخود او نوشته توزیع میکند. بعقیدهٔ نگارنده تا زمانیکه سر مشق چاپ شده موجود نیست معلم بایدهرسه هفته یاهرماه سرمشقی روی قطعه بنویسد وهر شاگردی رایکی دهدو کوشش کند در اینمدت سر مشق از تعلیم در آید

خویش تقلید کند وخط خود را سرمشق قرار دهد .

وسائل آموختن خط

برای آموختن خط دو وسیله موجود است یکی پر کردن حروفی که بطور نقطه چین در دفتر های مخصوصی چاپ شده یا پر کردن حروفی که با مرکب بسیار کم رنگ بطبع رسانیده اند. وسیلهٔ دوم تقلید از سرمشق است در اروپا انواع واقسام دفتر مشق خط برای نوآموزان تهیه کرده اند حروف را نقطه چین نموده و تکلیف شاگرد در سال اول و دوم دبستان آنست که توی آنها را پر کند تا دستش بحرکت اقلید وقوف گیرد ولی همینکه شاگرد براه افتاد دفتر هائی باو میدهند که در فوق هر صفحه یك خط سرمشق گراور شده و باید از روی آن تمام صفحه را پر کند

دفتر های شاد روان عمادالکتاب نیز بر همین زمینه تهیه شده و عبارت است از سی وشش کتابچه که برای سی و شش ماه تحصیل از زمان ورود بکلاس سوم تا آخر کلاس ششم دبستان تألیف گردیده وباید مورد استفاده قرار گیرد .

بهداشت ومشق خط

هنگام نوشتن از همان آغاز باید شاگرد عادت هائی پیدا کند که برای بهداشت و تندرستی وی ضروری است . کتاب و خط هزاران تن را خمیده قد و نابینا کرده است پس باید در نگاهداری سینه وحفظ چشم مراقبت مخصوص کرد هنگام نوشتن شاگرد باید راست بنشیند وخم نشود و سر خود را زیاد نزدیك کاغذ نبرد وهمیشه سی سانتیمتر میان صفحهٔ کاغذ وچشمانش فاصله باشد ـ قلم را در میان انگشتان بگیرد ولی فشار ندهد ـ سرخود را پائین نیندازد وحتی‌الامکان بالا گیرد

۳ ــ دستور زبان

یادآوری مهم

پیش از شرح دادن اصولی که باید در آموختن دستور زبان فارسی ایجاد کرد یک نکتهٔ مهم را باید گوشزد نمود. اکثر نزدیک بنهای معلمان ما تصور میکنند که دستور عبارت است از مجموعهٔ قواعد وقوانینی که باید بحافظهٔ شاگرد تحمیل کرد شاید این تصور از اینجا ناشی شده باشد که فرض میکنند روز اول قوانینی برای تکلم اهل این کشور وضع شده سپس برطبق آن آغاز سخن گفتن کرده‌اند. از اینرو ایرانیان باید قواعد زبان فارسی را یاد گیرند تا بتوانند فارسی رادرست بگویند و درست بنویسند. حقیقت امر اینست که دستور زبان عبارت است ازمجموعهٔ قواعدی کـه با روش استقراء از زبان فارسی استخراج شده یعنی دانشمندان صرف ونحو در زبان فارسی دقت کرده انواع کلمات آن را سنجیده ـ تغییراتی راکه بر کلمات عارض شده با هم مقایسه کرده از جزئی بکلی پی برده و بدین شیوه قوانینی بیرون کشیده‌اند بنا بر این آموختن دستور را نباید بر تعلیم زبان مقدم داشت بلکه باید گذارد شاگرد قوهٔ استدلالش بجائی رسد که بتواند از راه استقراء قانون پیدا کند آنگاه آغاز بتدریس نمود.

اصول کلی

در آموختن دستور بویژه تا سال سوم دبیرستان باید دو اصل را همواره رعایت کرد. اصل اول آنکه نباید بدون مقدمه قواعد زبان را برای شاگرد بیان کرد بلکه باید آنها را از زبان

درقسمت دوم همینکه سرمشق خصوصی بشاگردان داده شد دستور آموزگار همه آغاز بنوشتن میکنند . در این ضمن آموزگار در کلاس دور میزند و مراقبت میکند که شاگردان اولاً نکاتی که راجع به نگهداشت کمه بند مراعات کنند و ثانیاً دستورهائی که داده است بموقع عمل گذارند اگر دید اشکالی برای برخی از دانش آموزان موجود است روی تخته سیاه توضیح میدهد واشکالات را مرتفع میکند

بالاخره قسمت سوم ساعت مشق خط صرف تعلیم بهریك از شاگردان میشود بدین ترتیب که آموزگار می نشیند وشاگردان یك یك سطری را که نوشته اند نزد او آورده تعلیم میگیرند . بدیهی است اگر شمارهٔ شاگرد زیاد باشد درهر رنگ چند تن از آنها را باید تعلیم داد . در دورهٔ اول دبستان قسمت مهم وقت صرف تعلیم بافراد شاگردان خواهد شد زیرا که در آنجا کمتر نیازمند بسر مشق عمومی هستند

خواندن، کاغذ خواندن را گمت.

چهارم جمله‌ای را که میدهند طوری درست شده باشد که فوراً شکلی را که در نظر است بفعل دهد مانند دیروز سیب خوردم - هم اکنون مشق می‌نویسم - فردا گردش خواهم رفت - باید درس را خوب یاد بگیرم.

تجزیهٔ کلمات وجمل نیز یکی از تمرینات بسیار مفید است. بنابر برنامهٔ رسمی درسال ششم ابتدائی باید هر شاگرد کلمات را تجزیه کند یعنی انواع کلمه را ازحیث اینکه اسم است یافعل یا صفت یا چیز دیگر تشخیص دهد.

در نیمهٔ دوم سال ششم جمله هاهم باید تجزیه شود - فاعل ومفعول معین ومقام هر کلمه درجمله مشخص گردد.

در کلاس دوم وسوم دبیرستان دیگر حاجت بتمرین مخصوص نیست بس شاگرد بحدی است که ازفهمیدن دستور بهره مند میشود و میتواند تمرینات رادرضمن قرائت بعمل آورد. هنگام بیان و تفسیرقطعات منتخب باید دقت شاگرد رامعطوف کرد به تجزیه و ترکیب جمل وعبارات و تعیین قدر ومقام کلمات و تشخیص مبتدا وخبر ومانند آن.

فارسی بهمان قسم بیرون کشید که علمای صرف و نحو کرده‌اند . برای این کار معلم ابتدا مثالی میزند و بعد وامیدارد شاگردان مثالهائی شبیه آن بیاورند وروی تختهٔ سیاه همهٔ آنها را یکسر بنویسد . آنگاه قاعده‌ای که درنظر دارد ازمثالها بیرون میکشد وخود شاگردان را نیز وادار میکند آنرا باجمله وعبارت معین اداکنند .

اصل دوم آنست که باید بقواعد مهم اکتفاکرد و کمتراز مستثنیات سخن گفت ولی درعوض باید تمرینات زیاد داد تا قواعد درخاطر شاگرد رسوخ پیداکند .

تمرینات زبانی وقلمی همانطورکه برنامهٔ رسمی‌هم معین‌کرده باسال اول دبیرستان باید تمرینات کتبی وزبانی بشاگرد داد . تمرین همان اندازه دستور را روشن وشیرین میکند که مثال درس عادی را دلپذیر وآسان میسازد . وقتی دانش‌آموز قواعد را فهمید تا اثر حرف معلم باقی است باید استفاده‌کرد وتمرین داد تابیکو مرکوز ذهن اوشود . البته بهتراست که تمرین‌اغلب زبانی باشد وگاهگاهی کتبی باوقت زیاد ازشاگرد ومعلم نگیرد .

دربارهٔ صرف افعال نخست باید ازدادن تمرین دراز و یکنواخت که جزخستگی سود دیگر ندارد پرهیز کرد .

دوم آنهارا بصورت متنوع درآورد مثلاً بجای اینکه یك فعل را شاگرد درتمام وجوه صرف کند چند فعل داده شود که هریك را دریك یادووجه صرف نماید .

سه دیگر آنکه باید افعال راباکلمات دیگری توأم‌کرد تامعنی‌پیدا کند مثلاً بجای خوردن‌باید غذا خوردن را بشاگرد تکلیف داد و بجای

روش آموختن املاء برای ایجاد تصویر کلمه درمخیلهٔ کـودك باید ازراه چشم و گوش و حرکت دست اقدام کرد بنابر آزمایش ها و پژوهش هائی که درامریکا کرده‌اند برای تعلیم املاء هرکلمه باید مراحل زیر را پیمود

۱ـ درست تلفظ کردن آن

۲ـ بستن چشم و آهسته تلفظ کردن آن

۳ـ باز کردن چشم و حصول اطمینان که کلمه درست تلفظ شده

٤ـ بادقت نگاه کردن بکلمه .

٥ـ بستن چشم وبیادآوردن املاء کلمه.

٦ـ باز کردن چشم و محقق کردن اینکه املاء را درست بیاد آورده‌اند.

تکرار کردن این مسأله درصورت خبط وخطاء.

۷ـ نوشتن کلمه بدون مراجعه بکتاب محقق نمودن درستی املاء از روی کتاب.

۸ـ تکرار کردن مرحلهٔ (۷) درصورت خبط وخطاء.

بدیهی است تشریح و تفصیل مراحل فوق بیش از عمل آن بطول می انجامد بعلاوه بسیاری ازکلمات هنگام خواندن درحافظه نقش میبندد ومحتاج تعقیب روش مذکور نیست ولی درهرحال بایدآنرا برای کلمات مشکل بکار برد وهمیشه درنظر داشت که بدون آموختن املاء نمیشود انتظار درست نوشتن راداشت.

سود دیکته اگر بر طبق دستوری که داده میشود دیکته بگویند دارای فوائد متعدداست بوسیلهٔ دیکته آموزگارمیتواند

٤- املاء

اشکال املاء فارسی

اشکالاتی که در املاء زبان فارسی موجود است از خود زبان نیست. قواعد زبان فارسی بسیار آسان است دارای افعال بی‌قاعده نیست - مذکر ومؤنث ندارد - صفت باموصوف مطابقت نمیکند. کلمات برحسب مقامی که درجمله پیدا میکنند معرب نمیشود. فارسی همانطور که تلفظ میشود روی کاغذ میآید تنها اشکالی که در نوشتن زبان فارسی هست از الفبای تازی ناشی است. کثرت اشکال مختلفی که یك حرف پیدا میکند برحسب اینکه در آغاز یا درمیان یا در پایان کلمه واقع شده باشد- مانند بودن صورت بسیاری از حروف - کثرت نقطه برای امتیاز آنها - کثرت حروف متحدالصوت مایهٔ دشواری املاء فارسی است. حروف ز ذ ض ظ یا س ث ص که درفارسی همه یك صدا دارد تازیان هر کدام رابا صوت معینی تلفظ میکنند و تکلیف شنونده معلوم است ومیداند هر کلمه را با چه حرفی باید نوشت ولی در فارسی لغات عرب فراوانست و با املاء آنها را از پیش ندانیم ویا اشتقاق آنها را ندیده باشیم درست نوشتن آن مشکل مینماید.

علاوه براشکالات مذکور که مربوط بالفباست درمدارس ما (و کشور هائی که ما از آنها اقتباس کرده ایم) تمام مواد برنامه را تحت میآموزند سپس ازشاگرد امتحان میکنند باستثنای املاء که بدون تدریس ازمحصل امتحان میشود ومعلم هم انتظار دارد که املاء اودرست باشد. البته این چشمداشت بیجاست زیرا که بدون ایجاد تصویر کلمه در مخیلهٔ شاگرد نمیتوان توقع داشت آنرا از پیش خود بداند ودرست بنویسد.

شاگرد املاء لغاتی را بیاموزد که درضمن کتابهای فارسی ممکن است بدان برخورد. دراینجا نیز متن املاء باید جامع ودارای قدر ومقام ادبی باشد و از اینرو از کتب نویسندگان و فصحای بزرگ انتخاب گردد و نسبت بکلاسهای پنج وشش دبستان هم مفصلتر گفته شود

اکنون باکمال تأسف باید یادآوری کرد که متن دیکته‌هائی که‌در مدارس‌وامتحانات می دهند عموماً مخالف بادستور فوق است. بطور کلی دیکته هائی که میگویند پر از لغات دشوار و دور از ذهن و مملو است از کلماتی که بندرت درکتابهای متداول دیده میشود. شاگرد ازاین‌نوع املاء منزجر میگردد و اساساً معنای متن را نمی فهمد تابار عهدهٔ درست نوشتن کلمات آن برآید. برای‌احتراز ازاین‌نوع دیکته‌ها متن‌دیکته‌ای که در امتحان دورهٔ اول دبیرستان پسران تهران داده شده در اینجا نقل میشود تاهم مقصودنگارنده روشن ترشود وهم معلمان با ذوق ازانتخاب مانند آن خود داری کنند اینك آن متن

از کنار جیحون تادر اصفهان بل تا اقاصی انجاز وآران بتاختند و طایفه‌ای ازجملهٔ بلاد خوارزم وخراسان جزرسوم واطلال قائم نگذاشتند و از کافهٔ ساکنان آن درولایت بهشت آسا جزمشتی اطفال وعورات وبعضی صناع ومحترفه که در بندبندگی زنده بخش کرده بودند و برسم غنیمت بهیمت را بمعاهد خویش فرستاده زنده رها نکردند و عادیهٔ عیث و فساد ایشان بسایر اقالیم عالم‌عدوی کردوار صواعق‌رعد وبرقشان امطار وآفاق‌جهان در شورش افتاد وعلی‌الجمله آنچه دربن‌فترت بروی‌اهل اسلام آمددرهیچ دولت براهل هیچ ملت نشان نداده‌اند ومثل این واقعهٔ شنیع وناقعهٔ فضیع درهیچ تاریخ نیاورده واگر چه‌درسنهٔ عشرین احتلاف‌ایشان ازبیشترممالك منقطع شده بودو این سوی آب تا دو سال از خوف قتل واسر آن سباع ضاریه ایمن گشته ومردم‌را بواسطهٔ بعضی ازفرزندان سلطان امید انتعاشی پدید می‌آمدو رائحهٔ ارتیاشی بمشام میرسید مرا باری از کثرت تقلب‌احوال

قوای شاگرد را اداره نکرد و میراث کار و زحمت وی را بسنجد بوسیلهٔ دیکته املاء لغات در خاطر شاگرد مانند نقش در سنگ ثابت و پایدار میگردد. فایدهٔ سوم اینست که دانش آموزرا برای رفع احتیاج در زندگانی آماده میکند. چه بسا اتفاق میافتد که آدمی باید گفته‌های دیگران را بنویسد چون مذاکرات مجلس شورای ملی ـ خلاصه‌هائی که از درس باید برداشت ـ سخنرانی‌هائی که میشود ـ نامه‌هائی که باید برطبق دستور و دیکتهٔ رئیس اداره و تجارتخانه نوشت و مانند آن. بالاخره اگر متن دیکته را نیکو بر گزیده باشند و از نویسندگان بزرگ و بشرط فهم شاگردان باشد قوهٔ تمیز و هوش آنان پرورش مییابد و دارای ذوق سلیم و سلیقهٔ دلپسند میشوند

متن املاء

در انتخاب متن املاء باید دقت کرد. متن املاء نسبت بهر کلاس تغییر میکند و باید متناسب سن و فهم شاگرد باشد. در کلاسهای اول ودوم دبستانها ابتدا لغات یك یك گفته میشود سپس جمله های کوچك وساده بدون اینکه این جمله ها حتماً از حیث معنی مربوط بیکدیگر باشد. دراین دو کلاس متن املاء را باید کمابیش متناسب با درس قرائت کنند یا آنجا که کلمات وجمل از کتاب درس گرفته میشود

از کلاس سوم باششم متن املاء باید از حیث معنی کامل باشد و ازحیث اشکال متوسط و ازحیث موضوع متنوع و ازحیث انشاء روان و روشن. مطالبی که در ضمن متن دیکته مندرج است باید دانش شاگرد را تکمیل کند وبنا بر این راجع باشد بمواد برنامه مانند اخلاق وعلم اشیاء وتاریخ و جغرافیا وامثال آن. در دورهٔ اول دبیرستان باید کوشش کرد

که شاگردان بنویسند وضمناً یك یا دوبار آن جمله را تکرار میکند . درصورتیکه جمله دراز باشد برحسب معنی آنرا بقسیم بچندقسمت میکند وهرقسمت را مانند یك جملهٔ کامل میگوید . وقتی تمام متن املاء شد مجدداً از آغاز تاپایان باید آن را بدون شتاب زدگی خواند تا اگر شاگردی بخطار رفته باشد، صحیح کند یا کلمه‌ای را انداخته باشد بنویسد . همینکه این کار بیرا انجام یافت باید سؤالات کتبی مختصری کرد مانند نوشتن معانی حقیقی یامجازی بعضی ازلغات مشکل متن وتوضیح اشتقاق بعضی از لغات عربی وشمردن مشتقاتی که ازمادهٔ معینی بوجود آمده است و تجزیهٔ یکی ازجمل . بالاخره برحسب موقع واقتضا باید مدتی وقت معین کرد تا شاگردان دزر برمتن املاء جواب بنویسند .

در دبستانها باید یك نکتهٔ مهم را در مد نظر داشت و همواره به معلمان یادآوری کرد و آن این که عرض از املاء کردن یاد دادن املای کلمات وراهنمائی شاگرد است بدرست نوشتن . از اینرو (مانندبعضی ازآموزگاران) نباید تصور کرد که بایستی عمداً شاگرد را بغلط انداخت وبعد غلط اورا تصحیح کرد باکلماتی درمتن دیکته گنجانید که شاگردان نوشتن آن ناتوان باشند واز روی حدس واتفاق چیزی بنویسند. باید از روز اول نگذاشت دست شاگرد به نادرست نوشتن وچشمش به‌نادرست دیدن آشنا شود بالاخره باید دانش آموز متن را بفهمد سپس بنویسد وگرنه فایده‌ای عاید نخواهد شد . تمام مدتی را که شاگرد در دبستان بسر میبرد باید ترتیبی داد که کلمات ولغات را با املاء درست به ذهن بسپارد تا اگر روزی حافظه‌اش در املاء لغتی تردید کرد عادت چشم و حرکات دست مدد دهند ووی را ازدرماندگی رهائی بخشند برای‌رسیدن

عراق وتعلب حال مراحمت ساز آبی حوش نگلو فرو میرفت ونفسی آسوده ارسینه بر نمیآمد و بهیچوجه زلزلهٔ حوف وولولهٔ رعب آن قتل بی درنع وغارت شعواء که از آن حرب قهر حدای نحمد بوب درچند شهر دیده بودم ومشاهده کرده از صمیر گم نمیشد که بك دو کرب دردست بعضی ارشحصگان ری افتاده بودم ودل استخدام گماشتگان ایشان کشنده واز این جهه دل ازجان شیرین سیر آمده وجان از زندگانی مسلسل متبرم شده چه بهیچ حال ازآن شدت و محنت وجه خلاصی نمیدیدم و از آن ادب و بلیت مفر و محیصی نمیدانستم تا ناگاه نحت حمه سدار گشت و طلوع کوکب سعدی از افق مطالعم روی نمود

نتیجهٔ دادـــ این نوع دیکته‌ها علاوه برخستگی وانزجار خاطر اینست که شاگرد تصور میکند تمام توجه را باید بکلمات عربی مشکل معطوف دارد وازیادگرفتن زبان رایج غفلت میورزد. جانمی که درامتحان شش سالهٔ ابتدائی کامیاب وبگرفتن گواهی نامهٔ دولتی نائل شده نامه‌ای نوشته بود که این سه سطر برای نمونه ازآن نقل میشود تا ببینید انتخاب متن چه اهمیتی دارد وچقدر باید درآن دقت کرد

«... دیشب فحلی جان در حوالهٔ ما بود مدتها راجع بمسافره شما صحبت شد دراین بین آقا جانم وارد شدن وصحبت مارا بهم زدن و گفتن بشینه سرمردم به بابد غیبت کردمن هم باآقا جانم موافق‌ام که غیبت مذموم است ولی همه این عقیده رانه دارند »

طرز املاء کردن

در دورهٔ اول دبیرستان چون متن دیکته ازحیث مطلب ومعنی کامل وجامع است معلم آن را (که قبلاً حاضر کرده) بصدای بلند میخواند وشاگردان گوش میدهند تا از موضوع آگاه شوند ومقصود نویسنده را بفهمند. سپس آغازمیکند باملاء کردن بدین ترتیب که هرجمله رامیخواند وچندان درنگ میکند

از شاگردان متن دیکته را روی تخته با خط جلی بنویسند یا دیگران از روی آن دفتر یا برگ خود را تصحیح کنند . در کلاس اول و دوم وسوم باید تا آنجا که مقدور است برگ هر شاگرد را جداگانه تصحیح کرد یا بتوان بدقت عدهٔ دندانه ها را ملاحظه نمود . در این سه کلاس برای شاگرد غیر ممکن است از روی تختهٔ سیاه اغلاط خویش را تصحیح کند بویژه تشخیص شمارهٔ دندانه از دور برایش بسی دشوار خواهد بود در گذاشتن نقطه و رعایت رسم‌الخط فارسی شاگرد ممکن است غفلت کند واگر آموزگار برگ هر یك را جداگانه ببیند و تصحیح فردی بکند از ابتدا دانش‌آموز عادت نامطلوبی را دارا خواهد شد که ترك آن دشوار خواهد بود . هنگام تصحیح شاگردان باید دفتر ها را روی میز گذارند تا معلم از پهلوی آن بگذرد و ببیند که دستورهای اورا راجع به نیکوئی خط و گذاشتن حاشیه و پاکیزگی برگ و نوشتن مطلب تازه از سر سطر رعایت کرده باشند . هرگاه شمارهٔ شاگرد زیاد باشد و آموزگار نتواند برگهای همه را هر بار رسیدگی کند باید بدیدن نوشتهٔ چند تن در هر درس اکتفا کند .

وقتی که املاء و تصحیح بنحوی که گفته شد انجام گیرد دانش آموزان باید طوری استفاده کنند که غلطها و خطا ها در آینده تکرار نشود . اگر این نتیجه از هر درس املاء بدست آید منظور حاصل شده است وگرنه وقت را بیهوده صرف کرده اند .

بدین منطور روش آموختن املاء را که درصفحهٔ ۳۳۹ تشریح شددراین جاباید بکاربرد.

در کلاس اول ودوم وسوم آموزگار لغاتی را که میخواهد املاء کند ابتدا برای شاگردان بالهجهٔ روشن تلفظ مینماید - تفسیر و معنی میکند - اگر زیاد دشوار باشد روی تختهٔ سیاه می‌نویسد سپس پاك میکند ووامیدارد بنویسند جمل‌ساده راهم درصورتیکه احتیاج بتوضیح داشته باشد پیش‌ازاملاء کردن باید برای شاگرد بیان کرد و بعدکلمه‌کلمه‌واداشت بنویسد حتی‌الامکان‌این‌کلمات وجمل راباید ازروی کتاب قرائت برگزید تانزدیك بفهم شاگردباشد وقبل ازنوشتن آن‌را دیده و پس‌ازنوشتن دنکته محلی‌برای مراجعه داشته باشد

ازکلاس چهارم تا ششم پیش ازدیکته‌گفتن آموزگار باید متن را برای‌کودك کاملاً بخواند واگرلغات غیر عادی مشکل در آن بود با بعضی ازجمله هاپیچیده و نارسا می نمود بیان کند سپس جمله بجمله آنرااملاء کند

تصحیح املاء اگر دیکته را بترتیبی بگویند که در بالا تشریح شد تصحیح آن بسیار آسانست دردورهٔ اول‌دبیرستان‌باید اکتفاکردبلغاتی که دبیرحدس میزند شاگردان غلط نوشته باشند - آنهم بدین‌ترتیب که هریك ازآنان‌بنوبه لغات دشواردویاسه جمله را برحسب اشارهٔ دبیرهجی‌کنند و خوددبیردرروی برگ یادفتر تصحیح نمایند هنگامی که شاگردان مشغول تصحیح هستند دبیر دور میزند و برگها را ملاحظه میکندکه نیکونوشته ونظافت رارعایت نموده باشند

در سه‌کلاس آخر دبستان آموزگار دستور میدهد یك یا دو تن

است « ... حتی چارپاداران بی سواد راههای دراز و وحشت آور را بوسیلهٔ خواندن اشعار حافظ کوتاه می‌نمایند و اندوه را بدان طریق از خاطر خود میزدایند و این خود دلیل بزرگی است بر نفوذی که حافظ در دل هموطنان خویش دارد و نیز مبین این مسأله است که چگونه ایرانیان امروزی حتی مردم بی‌سواد با کلمات واصطلاحات وجمل مربوط وادبی گفتگو میکنند و بچه علت موجب حظ ولذت شنونده میشوند (۱) »

خودمان در زندگی روزانه چه اندازه محظوظ میشویم از صحبت باشخاصی که اشعار وقطعات نویسندگان بزرگ را بیاد دارند وهر جا مناسب، بیتی یاغزلی را میخوانند؟ چقدر نوشته های آنان دلپذیر و شیرین است و آدمی از خواندن آن بهره ولذت میبرد.

انتخاب حفظی

قطعاتی که برای حفظ کردن برمیگزینید از حیث موضوع و شیوهٔ بیان باید حقیقةً عالی ونیکو و قابل سپردن بحافظه باشد. مطمئن ترین وسیله برای رسیدن بدین مقصود آنست که قطعات را از دیوانهای فصحای درجهٔ اول وشعرای بزرگ انتخاب کنید زیرا که تنها آثار آنان شایستهٔ ازبر کردن است.

از این رو اگر قطعهٔ نغزی پیدا کردید که مثلاً جمله ای دور از فهم شاگرد داشت برای آن یک جمله نباید ازقطعهٔ مذکور چشم پوشید

در دورهٔ اول دبیرستان قطعات حفظی باید تنها از استادان درجهٔ اول باشد مانند فردوسی ونظامی وسعدی وحافظ وخاقانی ومولوی

در دبستان بویژه از کلاس نخست تا چهارم باید بیشتر قطعات منظوم بشاگرد داد زیرا که خردسالان شعر را بواسطهٔ موزون بودن بیشتر دوست

(۱) جلد ۱۹۱۷ — ۱۹۱۸ صورت جلسات فرهنگستان بریتانیا صفحهٔ ۳۱۶

۵ ـ حفظی

در برنامهٔ دبستان که در دیماه ۱۳۱۹ برای پسران و دختران بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده (۱) خوشبختانه مقرر شده است که از همان کلاس اول ابتدائی بعضی از قطعات منظوم و ساده را به حافظهٔ کودك بسپارند . چرا ؟

زیرا که وقتی شاگرد اشعار یا قطعات منثور استادان زبان را از بر کرد اولاً هر بار عده‌ای لغات و اصطلاحات در حافظهٔ خود اندوخته میکند و نگاه میدارد . ثانیاً محل حقیقی استعمال لغات و اصطلاحات را یاد میگیرد . ثالثاً در انشاء و سبك تحریر و طرز سخنگوئی ذوق سلیم پیدا میکند . رابعاً ازادراك مطالب و فرا گرفتن نکاتی که فصحا در ضمن قطعات خود گنجانیده‌اند قوهٔ متخیله و عواطف او پرورش می‌یابد و حافظه‌اش ورزیده و قوی میگردد .

مرحوم پرفسور برون مستشرق شهیر انگلیسی در ضمن سخنرانی که در فوریه ۱۹۱۸ در فرهنگستان بریتانیای کبیر راجع بایران کرده گفته

(۱) هنگامی که این سطور زیر چاپ میرود (آذر ۱۳۲۹) وزارت فرهنگ مشغول مطالعه در تغییر برنامهٔ مدارس است گرچه این مطالعه بدستور نگارنده در ۱۳۲۰ آغاز شده و در ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ دنبال گردیده و حتی در چاپ چهارم این کتاب (صفحهٔ ۲۳۲) بدان اشاره شده و در ۱۳۲۶ نیز تعقیب گردیده معذلك هنوز نسخهٔ مطالعات صورت قطعی پیدا نکرده‌است تنها کاری که شده اینست که شورای عالی فرهنگ در جلسه ۶۹۹ مورخ ۲٦ شهریور ۱۳۲۸ کلیات برنامهٔ جدیدی برای چهار کلاس ابتدائی را تصویب کرده و قرار است در آتیهٔ نزدیك مواد تفصیلی برنامهٔ مذکور را مطرح کند سپس به تجدید نظر در سایر برنامه‌ها بپردازد از اینرو در این چاپ از برنامه هائی که اکنون معمول و مجری است گفتگو بمیان آمده و باید یاد آوری نمود که اصول و روشی که برای آموزش و پرورش ذکر شده در هر حال پایدار و بقوت و اعتبار خود باقی است

آن را بنظر آنها جلوه گر سازد و نظم و ترتیب افکار نویسنده را تشریح کند در کلاسهای دبیرستان چون حفظی ممکن است بخشی از قطعهٔ طولانی و تمام آنرا شاگرد ندیده باشد دبیر باید حفظی را بمابقی قطعه مربوط سازد اگر بدینسان تمامی ترکیب قطعه برای شاگرد روشن شود بدان ماند که نصف زحمت حفظ کردن راکشیده باشد آنگاه باید استعاره ها و اصطلاحات دشوار را بیان کرد و همینکه این دو قسمت انجام یافت باید از نو قطعه را با رعایت نکات بلاغت و فصاحت شمرده و بلند خواند

در کلاسهای اول دبستان چون مقدار حفظی کم است و سواد کودکان ناکافی آموزگار باید پس از توضیح و تشریح حفظی چند بار آن را بصدای بلند بخواند و وادار کند شاگردان نیز باهم بخوانند تا تدریجاً در کلاس قطعه را بیاد بسپارند

طرز پس گرفتن

هنگام پس گرفتن حفظی باید مراقبت کرد که دانش آموز فصیح و بلیغ بخواند یعنی بترتیبی که هر کس از شنیدن آن مطلب را کاملاً بفهمد و دارای همان عقیده و احساساتی بشود که نویسنده در نظر داشته است در وقت پس گرفتن شاگرد باید آهسته و شمرده واژه ها را ادا کند - لهجهٔ محلی مانند لهجهٔ کاشانی و یزدی نداشته باشد - کلمات را جویده نگوید - شتاب نکند

داربدار بر کنند و آسان‌تر و زودتر هم یاد میگیرند ولی در کلاس ۵ و ٦ قطعات منثور هم باید برگزید در انتخاب قطعات حفظی باید دو نکته را همواره در نظر داشت یکی اینکه از حیث معنی واز حیث موضوع و از لحاظ شیوهٔ نگارش ممنوع باشد. دیگر اینکه نسبت بسن شاگرد و قوهٔ حافظه‌اش دراز نباشد. طول قطعه باید حد اکثر چنان باشد که بتوان سه بارهر بار یک سوم آنرا بشاگرد داد بدین سان در کلاس سوم دبستان که دانش آموز می‌تواند پانزده شانزده بیت از بر کند نباید قطعه‌ای داد که زیاد تر از پنجاه سطر باشد. حفظ قطعات بزرگ موجب خستگی شاگرد میشود و باید حتی الامکان از انتخاب آن دوری جست. برای اینکه رعایت نوع و نکوئی در قطعات حفظی بشود و معلم از این حیث آزادی کامل داشته باشد باید در آغاز هر سال تحصیلی قطعات حفظی هر کلاس را بر گزید و نمرهٔ ترتیب آن را نیز ازهمان وقت معین نمود

بیان قطعات حفظی

در آموزشگاه ها باکمال تأسف دیده میشود قطعه ای راکه شاگرد اصلاً نفهمیده برحسب دستور معلم باید از حفظ کند البته این ترتیب وی را دچار عذاب الیم میکند و از حفظی بیزار میسازد تا قطعه را دانش آموز کاملاً درک نکرده باشد نباید توقع داشت از بر کند اگر شاگرد پی به معنای قطعه‌ای برد ولغاتش را دانست بآسانی بحافظه میسپارد و بندرت فراموش میکند

چگونه باید قطعات حفظی رابیان کرد؟

– بهمان شیوه که قرائت با توجه بمعنی وفهم مقصود انجام میشود آموزگار باید بدواً بصدای بلند وبا کمال بلاغت قطعه را برای شاگرد بخواند سپس طرز تلفیق جمله ها را خاطر نشان کند و مطلب اساسی

ویژهٔ شاگردان کلاس ٤ و ٥ و ٦ ابتدائی ودورهٔ اول دبیرستان نمود . از طرف دیگر برای اینکه ارزش آن کم نشود ووقت زیادی هم از شاگرد نگیرد ماهی یکبار کافی است .

درهر ماه یکی از زنگهای خطی را معلم تخصیص مشاعره میدهد بدین ترتیب که خود وی داور میشود وشاگردان نوبه دو بدو مشاعره میکنند ودیگران گوش میدهند و نتیجه راکه عبارت باشد ازغلبهٔ یـکی بردیگری اعلام میکند . ترتیب دیگر اینست کـه تمام شاگردان را بدو دسته تقسیم کند و آنها باهم مشاعره کنند بطوری که اگر فردی از یک دسته وا ماند دیگر همدرسان آن دسته باو کمک نمایند . این روش علاوه بر محاسنی که درفوق ذکر شد کلاس را کاملاً پرولـوله و با روح و حس همکاری دانش آموزان رازیاد میکند و آنهارا بدبسیاری ومعاصدت معتاد میسازد . بدیهی است معلم باید مراقب باشد کـه شاگردان هنگام مشاعره آهسته وشمرده و باملاعت اشعار را بخوانند

۶ـ مشاعره

مشاعره عبارت است از ذکر کردن شعری که نخستین حرف آن با آخرین حرف شعری که دیگری بگوید یکی باشد

اگر مثلاً این شعر را کسی گوید

بنام خداوند جان و خرد   کزین برتر اندیشه برنگذرد

طرف او باید شعری بیاورد که آغازش با دال باشد مانند

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

شخص اول شعری را که حالا خواهد گفت باید با یا شروع شود مانند

یا مکن با پیلبانان دوستی   یا بنا کن خانه ای درخورد پیل

وهمچنین

در برنامهٔ رسمی سخنی از مشاعره درمیان نیست ولی مشاعره مراجعه و تجدید نظر در اشعاری است که شاگرد از بر کرده و حائز فواید بسیار میباشد مشاعره میان شاگردان تولید همچشمی و هر یك از آنان را وادار میکند اشعاری که از بر کرده همیشه حاضر داشته باشد و شاید اشعار دیگری نیز علاوه بر دروس حفظی بخاطر بسپارد سومین سود مشاعره آنست که ذهن آموز را چالاك وزرنگ میکند زیرا برای پیدا کردن جواب بایستی میان اشعاری که در حافظه دارد با کمال تندی کاوش و شعر مطلوب را پیدا نماید

بالاخره مشاعره تفریح ادبی دلپذیری است که شاگرد از آن لذت میبرد و بدون خستگی فواید بسیار عایدش میدارد

طرز مشاعره

بدیهی است که شاگردان کلاسهای اول دبستان از این تفریح ادبی چندان بهره مند نمیشوند و آنقدر نیز شعر از بر ندارند که با آن مشاعره تواند کرد از این رو مشاعره را باید

۸- انشاء

اهمیت انشاء

در برنامهٔ رسمی از کلاس سوم دبستان ببالا در ضمن فارسی انشاء منظور گردیده و باندازه‌ای این ماده در پرورش شاگرد مؤثراست که جا دارد معلم بهات اهمیت را بدان دهد تاسال ۱۲۹۷ چندان که شایسته است بدین رشته اعتنا نمیشد و تنها در کلاس پنجم وششم ابتدائی بجهت حاضر کردن شاگرد برای امتحان گواهی نامهٔ ابتدائی نامه نویسی ناقصی بدو می‌آموختند. نگارنده‌در آن تاریخ مدرس مدارس بود وخشنود است که دراین قسمت اقداماتش مؤثر شد ومدیران ومعلمان از آن ببعد بدین موضوع با اندازه‌ای توجه کرده‌اند. انشاء علاوه برانکه پیوسته در زندگانی مورد نیاز است‌فوائد مهمی‌دارد که بایستی‌دراینجا یادآورشد تا باندازهٔ شایان باهمیت آن پی برند. نخست آنکه موجب دقت شاگرد میشود واو را وادارمیکند که بگرداگرد خود بنظر دقیق وژرف بنگرد تا بتواند موضوعاتی راکه باو داده‌اند نیکو بپروراند. دوم آنکه موجب پرورش قوای روحی دانش آموز میشود زیرا برای انشاءکردن شاگردبایدفکر کند وحافظه ومتخیله ومميزهٔ خودرا بکار اندازد. سه دیگر آنکه موجب بسط اراده و ابتکار شاگرد میشود شاگردپس‌از اینکه از جانب آموزگار راهنمائی شد باید بخودی خود اندیشه‌کند واندیشه ها واحساسات خود را به بنهائی تحت نظم آورد وازخود اظهارعقیده کند ومستقلاً آنها رابه نحوی‌که صلاح

۷- سخنگوئی

در برنامهٔ رسمی دبستان بدین عنوان چیزی منظور نیست. البته درس قرائت بشاگرد یاد میدهد که فارسی را بفهمد و احساس کند ولی این اندازه کافی نیست. تحصیل زبان فارسی باید موجب شود که شاگرد فارسی را نیکو گوید و نیکو نویسد بدون اینکه دیگران پیوسته همراه وی باشند و باو سخن گفتن و نوشتن را آموزند. از این رو باید باندازهٔ کافی لغات فارسی و عربی متعارف را بدو آموخت و معنای حقیقی آنهارا بیان کرد و واداشت درضمن جمل آنها را بکار برد سپس رفته رفته روی کاغذ آورد.

در کلاس اول باید لغاتی را که راجع بزندگانی عادی است و دلالت براشیائی میکند که شاگرد هرروز می بیند دسته دسته کرد مانند لغاتی که مربوط است باثاثیهٔ کلاس ولباس دانش آموز واندام آدمی و کوچه و درخت وهمین که معانی درست آنهارا بازگرفت درجمله های کوچك ساده استعمال کند.

در کلاس دوم وسوم سخن گفتن و تکلم را باید بوسیلهٔ پرسش از درس خوانده شده آموخت مثلاً معلم وادارد مدلول جمله‌ای را که شاگرد درکتاب دیده بزبان خود تکرار کند یامطلب داستان کوچکی که خوانده ازخارج بگوید یاپرسشهائی که آموزگار راجع بداستان میکند جواب دهد

جوابهائی که شاگرد میدهد باید بتمام جمله های کامل و درست باشد ودرست نیز تلفظ شود

ازکلاس چهارم ببالا سخنگوئی جزقرائت فارسی وبراگنجیده شده وبعلاوه انشاء همان سخنگوئی است که روی کاغذ میآید.

ونامه های مربوط بخرید وفروش و دادخواست و درخواست و قاعده های راجع بکارهای خانوادگی وتفسیر وتبیین پند وامثال آسان فارسی و شرح آثارطبیعی مانند طوفان وبالا آمدن وفرورفتن آفتاب ورنگین کمان (قوس‌وقزح) ونظایر اینها

درکلاس ۳ و ٤ انشاء باید چشم وگوش شاگرد را بازکند بنابر این موضوعهائی که داده میشودباید وی را بمشاهده ونگریستن‌وسنجیدن و کاوش کردن وادارکند چون شرح اوضاعی که شاگرد هرروز میبیند مانند وصف خیابان وکوچه واطاق درس وآموزشگاه و نقل اتفاقاتی که درشهرروی داده وشاگردان دیده وشنیده اند و توصیف ابزار وآلات و ادوات‌واسبابهائیکه درزندگی روزگذاربکارمیبرند و جانوران اهلی که روزانه بچشم‌خود می‌بینند ومانندآن

نکته‌اینکه درطرزدادن موضوع باید متذکرشداینستکه‌ماننداکثر معلمان فعلی نباید **موضوع راطورناقص بشاگردداد بلکه باید با جملهٔ کامل وروشن آنرا گفت و وادار کرد شاگرد عین آنرا در صدر ورقهٔ انشاء** بنویسد وحدود آنرا درانشاء خودکاملاً رعایت کند مثلاً نباید گفت موضوع انشاء عبارتست از

راستگوئی

یا باران

یا اطاعت ازپدرومادر

بلکه باید جمله هائی‌مانندجمل ذیل داد

فواید راستگوئی رابنویسید

چرا انسان باید راستگو باشد؟

یك روزبارانی را شرح دهید

میداند برشتهٔ تحریر در آورد. چهارمین سود آنکه انشاء وسیلهٔ بسیار عالی است برای اندازه گرفتن قوای شاگرد ومیزان زحماتی که کشیده است زیرا که هنگام نوشتن انشاء وپروراندن موضوع تمام قوای فکری شاگرد بکار می‌افتد ونتیجهٔ تمام آن کار روی کاغذ می‌آید واز آنرو میتوان اندازهٔ استعداد وکوشش اورا سنجید.

موضوع انشاء

در کشورما هنوز میپندارند موضوع انشاء منحصر است نامه نویسی. این عیب بویژه در دبستانها دیده میشود زیرا که از بدو تأسیس امتحان شش‌سالهٔ ابتدائی تا این اواخر بداوطلبان تنها تکلیف می‌کردند که نامه‌بنویسند ومعلمان نیز بشاگردان تنها نامه نگاری می‌آموختند.

موضوع انشاء بیشمار است. نکته‌ای که باید پیوسته رعایت کرد اینست که درهر کلاس موضوع باید برطبق فهم شاگرد ومناسب بانیروی او باشد.

در دورهٔ اول دبستان موضوع باید بیشتر قوای متخیله و ممیزهٔ شاگرد را بکاراندازد وبنابراین ممکن است ازاین قبیل باشد

نثر کردن قطعات منظومی که شاگرد در ضمن قرائت دیده است - بیان اشعار شاهکاری که حاوی نکات اخلاقی است - شرح مناظر زیبا یا دل‌انگیزی که شخصاً دیده است - اظهار عقیده راجع بفصل های سال و کارها ومردمان تاریخی وحوادث بزرگ جهان

در کلاس پنجم وششم دبستانها بیشتر باید پرداخت بشرح گردشهائی که شاگردان کرده‌اند ونقل داستانی که آموزگار درسر درس گفته است

خاطرنشان میکند وازاین راه آنهارا طبقه‌بندی مینماید وبرای اینکه بهتر افکارمتشابه را تشخیص دهند رقمی موقتاً در مقابل آنها میگذارد برای پیدا کردن جمله‌ها نیزدر کلاس سوم وچهارم باید شاگردان راهدایت کرد آنهم بدین ترتیب که آموزگار وامیدارد چندتن ازکودکان افکاری راکه منظم کرده‌اند شفاهاً بپرورانند بعدآنهارا آزاد میگذارد که در حضور او یا در خانه جمله وعباراتهائی کــه در کلاس گفته شده یا مانندآنها را در دفتر بنویسند .

بدیهی است هراندازه شاگرد بکلاس بالاتر رودکمتر بــاید او را راهنمائی کرد در دورهٔ اول دبیرستان هرگاه موضوع انشاء دشوار باشد دبیر باید بوسیلهٔ گفت وشنود موجب پیدایش افکار و روشن شدن مطلب شود وباقی کاررا بعهدهٔ دانش آموزان واگذار نمــاید تا در خانه انجــام دهند چندان که راهنمائی شاگرد درکلاسهای پــائین سودمند است در کلاسهای بالا اگر بیشتر ازحدی باشدکه گفته شد زیان دارد چه شاگرد را معتاد میسازد که ازخود دارای فکر نباشد وزحمت فکر کردن ومرتب کردن افکارو انشاء وعبارات را بخود ندهد

تصحیح انشاء تصحیح انشاء رامعلم باید در منزل کند اغلاط را در حاشیه بایدنوشت ودربارهٔ انشاء هرشاگرد ملاحظاتی که هست مختصراً دریك سطر یادآورشد ونمره داد ولی تصحیح فردی کافی نیست در ابتدای درس انشاء باید تصحیح جمعی هم کرد معلم نقیصه‌ها وخطاهائی که درتمام یا اغلب برگها دیده ویادداشت برداشته در روی تختهٔ سیاه اعلان وتصحیح میکند سپس برگهارایکی‌یکی رد میکند ودانش آموزانی که سزاوار آفرین‌هستند در ضمن گفتن نمرهٔ آنها گوشزد

باران چه فوائدی برای انسان دارد ؟
چرا ما باید سبب پدر و مادر فرمانبردار باشیم ؟
اطاعت از پدر و مادر موجب رستگاری و سعادتمندی است

در غیر اینصورت حدی برای انشاء طفل معین نشده و وی بلاتکلیف و مانند کسی است که در بیابانی وسیع حیرت زده و گم گشته باشد و نتواند وظیفه‌ایکه بدو محول شده بخوبی انجام دهد

راهنمائی شاگرد

در دبستانها و دورهٔ اول دبیرستان نباید موضوع را بشاگرد داد که هر طور بنظرش میرسد بپروراند بلکه بایداورا در این کار راهنمائی کرد در دبستانها در درس انشاء پیوسته آموزگار باید شاگرد را رهبری کند ولی در دبیرستان ها اینکار باید گاهگاهی صورت گیرد

بشاگرد باید گفت که برای پروراندن موضوع چهار کار باید کرد

نخست باید حواس را جمع کرد و موضوع را خوب خواند و اندیشه کرد دودیگر آنکه مطالب و نکاتی که بخاطر رسید روی کاغذ یادداشت کرد سوم آنکه یادداشتها را بحسب نظم درآورد و برای انشاء طرح معینی ریخت چهارم آن افکار را بقالب لفظ درآورد و جمل درست و رسا برای ادای آنها پیداکرد و نوشت

برای اینکار معلم وقتی موضوع انشاء راداد دو سه دقیقه باید بدانش آموزان مجال دهد که فکر کنند سپس بوسیلهٔ پرسش وا دارد چیزهائی که بخاطر شان میرسد بگویند و یکی از آنان بهمان ترتیبی که افکار پیدا میشود روی تختهٔ سیاه بنویسد دراینموقع باید افکار پریشان را منظم ساخت معلم گچ را بدست گرفته شباهت و وحدت افکار و روابطی را که بین آنهاست

فصل سوم

روش آموختن ریاضی

نگارنده روش آموختن حساب و هندسه را به تفصیل در کتاب جداگانه (۱) نوشته و بچاپ رسانده است برای اینکه کتاب فعلی ناقص نبوده روش آموختن مواد مهم را حاوی باشد این فصل مختصر و موجز در اینجا گذارده شد کسانی که مایل باطلاعات بیشتر هستند ممکن است بکتاب مذکور رجوع نمایند

اهمیت ریاضی

اهمیت ریاضی بویژه دردبستان و دورهٔ اول دبیرستان باندازه‌ای روشن است که نیاز بسط مقال نیست آدمی ممکن است سواد نداشته باشد و معذلك بشکلی زندگانی خود را بگذراند چنانکه اکثر هموطنان ما در اینحال هستند ولی اگر کسی نتواند حساب بکند ـ اگر کاسب نتواند حساب خرید و فروش خود را نگاهدارد ـ اگر کشاورز نتواند بفهمد از کشت خود چه‌اندازه سود برده زندگانی براو بسیار تلخ خواهد گذشت انسان از هر طبقه باشد هر روز و هر ساعت احتیاج بحساب دارد و درصورتیکه دو درجه جبر و یك دوره مختصر هندسه بداند کارهای عادی خود را اداره کرده و کمتر اتفاق میافتد که بدیگری نیازمند باشد

فواید معنوی ریاضی و نتیجه‌ای که از آموختن آن عاید میشود کمتر از سود عملی آن نیست از لحاظ پرورش قوای روحی ریاضی یکی ازمهمترین رشته‌های درس است زیرا شاگرد را مجبور بفکر میکند ـ

---

(۱) اصول تدریس حساب وحل مسائل فکری ـ چاپ تهران (۱۳۰۲ خورشیدی)

میکند همینکه برگهـا بدست شاگردان رسید معلم وامیدارد اغـلاط خصوصی حود را بادقت ببینند و بفهمند اگر وقت باقی مـاند هر یك را نوبه برد حود بخواند تا پس ازملاحظه اگر اشکالی درفهمیدن غلط حود دارند رفع کنند

در دورهٔ اول دبیرستان قسمت احیر سحت سودمنداست و حمدر محاسب که بهترین انشاء را در کلاس حوانند باهم مـایهٔ تشویق نوسنده شود وهم کسانی که تکلیف حود را نیکو انجام نداده‌اند یادگیرند

مبحث دیگر سخن گفت وقتی مثلاً درکلاس سوم شاگرد می‌تواند شماره کند و بطور مختصر از عهدهٔ چهار عمل اصلی صحاح برآید بسیار آسان خواهد بود که مقیاسات ایران بطور مجمل آموخته شود با تمرینات و اعمال در بارهٔ مطالب واقعی باشد نه درخصوص اعداد مطلق بعبارت دیگر مقصود اینست که یکبار بطور اختصار برنامهٔ سالیانه را بیاموزند با مسائلی که داده میشود در باب تمام برنامه باشد سپس تفصیل از نو تدریس کنند.

روش آموختن

قسمت دشوار آموزش حساب در نخستین کلاسهای دبستان است هرچه شاگرد بزرگتر شود وقوهٔ اقامهٔ برهان وی قویتر گردد آموختن ریاضی آسانتر میشود.

درکلاس اول دبستان

درسال اول باید درآغاز شماره را زبانی بکودکان آموخت و برای این کار باید اشیاء یك جور چون نخود ولوبیا و بادام بدست آنان داد تا بشمارند بعضی اوقات چوب را بشکل چوب کبریت میتراشند و برای اینکه بچه بتواند یك عشره را تصور کند آموزگار باید از آن چوبها ده تا را با ریسمان ببندد سپس آنها را باز کند و بطفل بگوید بشمار آنگاه چوبها را از نو باهم ببندد و بگوید این یك عشره است وقتی ده تا از این دسته‌ها را پهلوی هم گذارد و با ریسمان ببندد باید بگوید این یکمائه است و برای اینکه خوب بفهمد دریك مائه ده عشره موجود است باید مجددا ریسمان را باز کند و بطفل بدهد تا وی از نو بشمارد این اعمال باید مدتها طول کشد و هرشاگرد

حواس او را بویژه هنگام حل مسائل جمع میکند و تمرکز میدهد وبالاتر از همه دائما او را وادار باقامهٔ برهان واستدلال میسازد تمام تکالیفی که شاگرد در آموزشگاه انجام میدهند باستثناء تکالیف ریاضی میزان ومقیاسی برای تشخیص صحت وسقم آن بطور قطع موجود نیست بلکه شاگرد بطور تقریب تصور میکند فلان تکلیف خوبست یا متوسط ولی در تکالیف ریاضی قضیه کاملا روشن است و محصل میداند جواب مسئله درستاست یانه این نوع تکالیف شاگردرا بدقیق و صحت فکر عادت می دهد و این عادت برای تمام زندگانی او نعمت بزرگی خواهد بود.

دو اصل مهم پیش از تشریح روش تدریس باید دواصل مهم رایادآور شد نخست آنکه شاگرد درصورتی مطلب رامیفهمد وفرا میگیرد که ازروی دقت وفرصت وبا آسودگی خاطر آنرا یادگرفته باشد اگردروس ریاضی را بتندی بخواهید بشاگرد یاد دهید، و به جای اینکه برنامه را در یك سال تدریس کنید تمام آنرا مثلاً در سه ماه بیاموزید بنتیجهٔ مطلوب نمیرسید و شاگردان دروس را فرا نمیگیرند بنابراین درآموختن ریاضی نباید شتاب کرد بلکه بایدگذارد فاصلهٔ کافی میان دو درس موجود باشد تا بوسیلهٔ تمرین وحل مسأله آن درس مرکوز ذهن شود.

اصل دوم آنست که در تدریس حساب نباید تصور کرد که هرمبحث راباید پس از تدریس وتکمیل مبحث ماقبل آموخت یعنی مثلاً جمع را وقتی یاد داد که عدد نویسی کامل تعلیم شده باشد یا تقسیم را هنگامی آموخت که جمع وتفریق وضرب راتمامی درس داده باشند عقیدهٔ نگارنده اینست که در حدود برنامهٔ هر کلاس میتوان بدون تکمیل یك مبحث از

می‌کنند . در تمریناتی که از این به بعد داده میشود ممکن است واحد را واحد پول گرفت

برای آموختن جمع باید اشیاء را بکار برد ابتدا باید دسته هائی از لوبیا مثلاً درست کرد و ازشاگرد خواست که معین کند روی هم‌رفته چند لوبیا در آن دسته‌ها موجود است برای‌فهمیدن این‌مطلب آموزگار باید بآنها یاد دهد که یکی‌یکی از یك دسته باید برداشت و برروی‌دیگر افزود تا آن‌دسته تمام شود این طریقه مینماید که جمع عبارتست از همان‌شمار

وقتی‌اطفال‌مقصود از جمع رافهمیدند آموزگار بایدآنهارا راهنمائی کند که روی تخته جدول جمع را از یك تا نه پیداکنند ودر روی کاغذو دفتر بنویسند وبعد باکمال اطمینان آنرا یاد گیرند وبدون تردیداز حفظ بدانند همینکه جدول مذکور بخوبی از حفظ شد باید وادار کرد اعداد یك رقمی را باهم جمع کنند بعد اعداد چند رقمی را در حدود هزار واضح است که مسائل فکری نیز باید درجمع داده شودو حتی‌الامکان ازبکار بردن اعداد مطلق باید احتراز شود .

برای فهماندن تفریق (کاهش) باید درحضور همهٔ کودکان ابتدا عده‌ای لوبیا بشاگرد داد بشمارد وبعدچندتای آنرا برداشت ووادار کرد عده‌ای که برداشته شده‌وعده‌ای که‌باقی مانده تعیین کند این عمل باید چندمرتبه تکرار شود سپس مقصود از تفریق بوسیلهٔ پرسش و جواب برای کلاس گفته شود .

تفریق اعداد یك رقمی ودو رقمی را میتوان بوسیلهٔ جدول جمع بشاگردان آموخت وهمینکه در این قسمت خوب‌ورزیده شدند تفریق

جداگانه این چوبها را بار کند و ببندد در سال اول طفل باید اولاً اشیاء یك جور را شخصاً بادست خود باز کند و ببندد و باچشم خود ببیند که دیگر شاگردان کلاس آنهارا بشمارند ثانیاً با زبان آنها را شماره کند و اسامی اعداد را خوب یاد بگیرد ثالثاً بتدریج که شماره را می آموزد رقم را در روی تختهٔ سیاه بنویسد و آموزگار باو حالی کند که مثلاً ٥ نمایش پنج چوب کبریت است

در کلاس دوم

درسال دوم بطوری که در برنامه معین شده است شمار لفظی وخطی باید از نو تدریس شود منتها دراین کلاس باید یکقدم فراتر نهاد و باهر دورا باطفال آموخت چوبهائی که در کلاس اول بکار برده شد دراینجا نیز باید وسیلهٔ حسی کردن درس باشد در این کلاس باید بشاگرد فهماند که درشمار عادی واحد هرمرتبه‌ای ده برابر واحد مرتبهٔ پیش است : یك عشره ده برابر یك واحد است ـ یك مائه ده برابر یك عشره است ـ یك هزار ده برابر یك مائه است .

پیش از آغاز شمار خطی باید چند درس راصرف این تمرین کرد که شاگرد مرتبه ها را تشخیص دهد مثلاً مرتبه های عددی را باید گفت واسم آن عدد را از کودك پرسید یااسم عددی را باید گفت وشاگرد راوادار کرد آنرا بمرتبه هایش تجزیه کند

مقیاسهای نقود ایران ممکن است توأم باشمار تدریس شود زیرا که آحاد نقود ایران ده ده بالا میرود ولی باید این مسأله را بطور حسی آموخت یعنی پنج دیناری وده دیناری وریال را در کلاس برد وبشاگرد نشان داد وعملاً فهماند که دوعدد پنج دیناری معادل ده دینار و ده عدد ده دیناری معادل یك ریال است و کاسب وتاجر دائماً این معامله را با مردم

و شناختن ساعت باید در حضور شاگردان نگاهداشت و بوسیلهٔ پرسش زیاد مطمئن شد که بخوبی فهمیده اند برای پیدا کردن این اطمینان و آموختن راه استعمال مقیاسات و ایجاد حرمی و شادی در کودکان آموزگار باید واحد راندست هر یك از آنان دهد و وا دارد مقادیری را که دردسترس آنهاست از قبیل درازی و پهنای اطاق و تختهٔ سیاه و نقشه یا سنگینی کتاب و قلم و مداد یا مدتی که یك شاگرد درس پس میدهد اندازه گیرند و این کار را چندان تکرار کنند که بآسانی و تندی از عهده بر آیند

از استحسانست که شاگرد باید فاصله هارا با چشم اندازه گیرد سپس بامتر امتحان کند باتدریج راه صواب پوید و از این کلاس است که آموزگار باید رفته رفته اورا باین کار تشویق و ترغیب نماید

در کلاس سوم

درسال سوم لازم نیست تمام مطالب بوسیلهٔ اشیاء بثبوت رسد و دلایل حسی برای کودکان اقامه شود با این همه باید حتی الامکان اعداد مفید بکار برد و امثال را راجع بزندگانی داد

راجع بشمار باید قواعدی که شاگردان عملاً وحساً در کلاس اول و دوم یادگرفته اند تعلیم داد و از هزار تجاوز کرده تا میلیون که طبقهٔ سوم است بآنها آموخت جمع وتفریق وحالت اول و دوم ضرب درسال دوم تدریس شده و در سال سوم باید تکمیل گردد درجمع باید چندین عدد سه رقمی دادکه شاگرد جمع کند این قبیل اعداد درزندگی مورد حاجت است و برای آزمایش حسابکه دربرنامه مقرر داشته اند باید ترتیب جمع کردن را تغییر داد یعنی اگر مثلاً دربارهٔ اول از بالا بپائین جمع

اعداد چند رقمی برداخت

در ضرب ، اشکال مهمی که پیش میآید وقتی است که یکی از ارقام مضروف از رقم همرتبهٔ خود در مضروب منه بزرگتر باشد برای رفع این اشکال وفهماندن این حالت ضرب باید مثال آسانی فرض کرد و درروی تختهٔ سیاه دو عدد را باذکر اسم مرتبهٔ هریك از ارقام نوشت واین ارقام را ازیکدیگر بوسیلهٔ خط عمودی جدا کردوپس از بیانات لازم مسألهٔ فرض کردن یك واحد را ازمرتبهٔ مافوق و افزودن آن بـرقم مرتبهٔ مادون عنوان کرد پس ازاینکه شاگردان پی باصل مطلب بردند بدیهی است در مسائلی که حل خواهند کرد ذکر مرتبهٔ دیگر لزوم نخواهدداشت.

بوسیلهٔ امثال بسیـار راجع باعداد مفید بایدنشان داد که ضرب حالت مخصوصی استازجمع.وقتی تمام اعدادی که میخواهند جمع کنند مساوی باشد عمل ضربرا باید بجا آورد. همینکه شاگرد این نکته را خوب ملتفت شدآموزگار باید اورا راهنمائی کند که جدول ضـرب را روی تخته ترتیب دهد سپس در دفتر خویش ثبت کند و بالاخـره نیکو بیاد بسپارد وبدون تردید بداند. پس از دانستن جدول ضرب باید ضرب یك رقم در دو رقم وسه رقم را (بطوریکه برنامه رعایت شود و حاصل ضرب از ۱۰۰۰ تجاوز نکند) یاد داد وحالت سوم ضرب را برای سال سوم گذارد.

راجع بمقیاسهای ایران باید واحد هر یك ازآنها راکه درزندگانی محل احتیاج است ازقبیل متر و کیلوگرم ومثقال وسیروچارك ومن بکلاس برده بشاگرد نشان داد

یك ساعت بزرك برای اندازه گرفتن وقت (ثانیه و دقیقه وساعت)

تقسیم کند و بدین ترتیب بآنها حالی کند تقسیم حالتی است از تفریق که تمام مفروق ها یکسان هستند (مثلاً ۲۰ برگ کاغذ را میان ۵ تن شاگرد به این ترتیب تقسیم میکنند نخستین بار بهرکدام یك برگ میدهند باقی میماند ۱۵ برگ ـ از نو یك برگ دیگر بهریك میدهند باقی میماند ده برگ ، تاآخر)

وقتی شاگردان مسأله‌را ملتفت شدند بوسیلهٔ مثالهای متعدد باید نشان داد که از روی جدول ضرب خارج قسمت را میتوان پیداکرد سپس باید بتدریج پرداخت بتقسیم اعداد دو رقمی بر یك رقمی و سه رقمی بردو رقمی وحند رقمی برچند رقمی مسائلی که در آغاز راجع به تقسیم داده میشود باید فقط منحصر بتقسیم شود و اعمال دیگر راحاوی نباشد آزمایش تقسیم باید مطابق برنامه بوسیلهٔ عمل ضرب باشد برای این کار باید بدواً بوسیلهٔ مثالهای کوچك برای کودکان محسوس ساخت که مقسوم مساویست با باقیمانده بعلاوه حاصل ضرب مقسوم علیه درخارج قسمت دراین سال مقیاسات ایران باید قدری مفصلتر ازسال دوم تدریس شود متر و کیلوگرم یعنی واحد وزن وطول رافعلا درسال دوم دیده‌اند وباآنها خودشان مقادیری را اندازه گرفته‌اند ـ مقیاسهای نقدی نیز هنگام آموختن شمار بیان شده است درکلاس سوم باید بهمهٔ آنها مراجعه و اجزاء و اضعاف متر وکیلوگرم را تاحدی که برای حل مسائل ساده و عادی لازم است شاگردان آموخت و همان روش را که درکلاس دوم توصیه شد دراینجا نیز بکاربرد

درکلاس چهارم

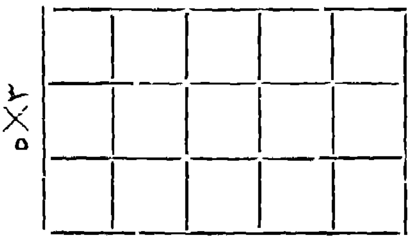
در کلاس چهارم مقدمه باید بطور اختصار مراجعه بتمام مواد سال سوم کرد و در هر قسمت چند مسألهٔ فکری بشاگرد داد حل کند وچندین درس اول سال را

کرده‌اند برای آزمایش باید از پائین ببالا جمع کرد

در تفریق باید بوسایل محسوسی ثابت کرد که اگر مقداری یکسان بر مفروق ومفروق منه افزوده شود بحاصل تغییر نمیکند ثبوت این مطلب اشکالی راکه در تفریق پیدا میشود (ودرضمن بیان روش تدریس کلاس دوم بدان اشاره شد) مرتفع میسازد بموجب این اصل هروقت یکی ازارقام مفروق از رقم همرتبهٔ خود درمفروق منه بزرگتر باشد میتوان ده واحد هم بررقم مفروق‌منه وهم برمرتبهٔ بعد مفروق اضافه نمود آزمایش تفریق را نیز باید بوسیلهٔ عمل جمع بشاگرد یادداد ولی قبلاً باید بامثال‌های آسان باو فهماند که حاصل جمع باحاصل ومفروق مساوی است بامفروق منه

درخصوص ضرب علاوه برحالات سوم که دراین کلاس باید آموخت توجه شاگردان رابايد معطوف نمود بحالاتی که رقم آخر مضروب یامضروب فیه یاهردوی آنها صفر باشد

برای آزمایش ضرب آموزگار باید قبلاً روی تختهٔ سیاه بوسیلهٔ شکلی شبیه بشکل زیر نشان دهد که حاصل ضرب دوعامل بواسطهٔ تغییر محل آنها تغییر نمیکند سپس این اصل را درمورد آزمایش ضرب بکار برد



۳×۵

فهماندن تقسیم در آغاز باید بوسایل حسی باشد برای این کار آموزگار باید امثله ای تهیه کرده هنگام درس اشیائی را میان چند نفر

تعریف عمومی تقسیم نیست برای فهماندن این حالت باید بوسیلهٔ مسائل سادهای فصیه را بشاگرد حالی کرد مثلاً گفت کاغذ دستهای ۱٫۲ ریال قیمت دارد - با ۲٤٫٤٥ ریال چند دسته کاغذ میشود خرید؟ برای حل این مسئله باید حساب کرد ۱٫۲ ریال چند مرتبه در ۲٤٫٤٥ ریال موجود است یا ۱۲ ده دینار چند مرتبه در ۲٤٤٫٥ ده دینار وجود دارد و بدین ترتیب مسئله را بحالت اول تحویل کرد وقتی مثال های متعدد مانند مثال فوق زده شد و همه بحالت اول تحویل گردید شاگرد هم مقصود را از تقسیم بر عدد اعشار میفهمد هم راه حل آن برایش آسان میشود و هم قاعدهٔ کلی تقسیم برعدد اعشاری برای او واضح میگردد

برای تعریف کسر معلم باید خطی در روی تخته بکشد و آنرا مثلاً به ٦ قسمت تقسیم کند و بگوید اگر طول آن خط واحد قرارداده شود هر یك از قسمتهام مساوی است با $\frac{1}{6}$ و $\frac{2}{6}$ و $\frac{3}{6}$ پس از آنکه اینگونه عمل تکرار شد و شاگردان تعریف کسر را فهمیدند وطرز نوشتن کسر را دانستند و صورت را از مخرج بازشناختند باید کسور نهگانه را برای آنها بیان کرد و مسائل متعدد راجع بآن داد

درسال چهارم مقیاسات ایران باید بطور کامل آموخته شود در همین کلاس نیز باید بشاگرد فهماند که مقیاسات سابق ایران را عمر از نمود ممکن نبود با اعداد نوشت زیرا که آحاد آن ده ده بالا نمیرفت چنانکه ۱٦ گره میشود یکذرع - ۲٤ نخود میشود یکمثقال - ۱٦ مثقال میشود یکسیر بدلیل فوق مقیاسات پیشین را بآسانی نمیشد در حساب کردن بکار برد و در هر بحث از کسور نیز اندازهٔ آنها تغییر میکرد از اینجهت مجلس پنجم در تاریخ دهم خرداد ۱۳۰٤ قانون اوزان و مقیاسها

باید بدین سوال گذراند وقتی مسلم شد کودکان چهار عمل اصلی صحاح را خوب میدانند باموختن اعشار (دهدهی) آغاز کرد گرچه عقیدهٔ نگارنده اینست که ازهمان کلاس بحسب اعداد صحاح واعشار را توأماً باید درس داد وفرقی میان آنها نگذارد ولی برنامهٔ رسمی آموختن اعشار را از کلاس چهارم مقرر داشته و درایران هم معمول شده است وقتی آموزگار شمار اعداد صحاح را یاد داد و اعشار را (مخصوصاً از راه نمایاندن نقود و طول و وزن) بشاگردان فهماند نباید فوراً شروع بچهار عمل اصلی اعشار کند بلکه یکی دو درس صرف اختصاصات اعشار نماید مثلاً نشان دهد که چون ممیز را بطرف راست یاچپ حرکت دهند چه تغییری در عدد اعشاری پیدا میشود - همچنین وقتی که یك یا چند صفر بعد ازرقم اعشار بگذارند ومانند اینها

در جمع و تفریق اعداد اعشاری اشکالی موجود نیست . ضرب اعشار درعدد صحیح راهم بوسیلهٔ مثال آسانی می توان بشاگرد آموخت لیکن ضرب عدد صحیح در اعشار را با تعریفی که از عمل ضرب قبلاً آموزگار کرده است نمی توان بجای آورد وباید بوسیلهٔ بیانات کافی تعریف ضرب رافهماند وتعمیم کرد تاشامل این حالت نیز شود .

اگرمثلاً این مسأله را باید حل کرد پارچه ای متری ۱۵ ریال قیمت دارد بهای سه چارك آن چقدراست ؟ معلم باید این نوع مسئله را عنوان نماید که معنی ۷۵ر۰ × ۱۵ ریال اینست ۷۵مرتبه یکصدم ۱۵ریال باهم جمع شودیا۷۵مرتبه۱۵د نیار تکرار گردد

در تقسیم اعشار بر عدد صحیح اشکالی متصور نیست ولی تقسیم بر عدد اعشار را شاگرد در وهلهٔ اول بآسانی نمی فهمد زیراکه مسمول

نشان دهد که خود آن قسمت $\frac{1}{4}$ تمام خط میباشد سپس هریك ازقسمتها را بدو قسمت تقسیم نماید یعنی تمام خط را به ۲٤ قسمت کند و قسمت مذکور را نشان دهد که $\frac{6}{24}$ تمام خط است آنگاه صورت ومخرج این سه کسر را باهم بسنجد واین قضیه را بدست آورد اگر صورت و مخرج کسری را در عددی ضرب کنند یا بر عددی تقسیم نمایند مقدار آن کسر تغییر نخواهد کرد ازین قضیه راه ساده کردن کسر وطریق تحویل کسور بمخرج مشترك بعمل ضرب فورا روشن ومعلوم خواهد گشت

تحویل کسور بمخرج مشترك وقتی خوب مرکوز ذهن شاگرد شد جمع وتفریق کسور دشوار نخواهد بود درضرب کسور نظر بتعریف و قاعده‌ای که در سالهای پیش برای دانش آموز گفته شده یعنی «ضرب حالت مخصوصی است ازجمع ـ برای پیدا کردن حاصل ضرب مضروب فیه را باید بعده ای که واحد در مضروب است با هم جمع کرد » وقتی که مضروب کسر باشد شاگرد نمیتواند بآسانی ملتفت شود برای آسان کردن کار باید مثالی زد ازاین قبیل یکبار طالبی ۲٤۰ ریال ارزش دارد پس ارزش $\frac{3}{5}$ بارچقدر است ؛ شاگرد باید گفت معنای $\frac{3}{5}\times240$ ریال آنست که خمس ۲٤۰ ریال سه مرتبه با هم جمع شود . با این تعبیر حالت مذکور را میتوان مشمول تعریف عمومی ضرب نمود وقاعدهٔ کلی ضرب کسوررا عنوان کرد

در تقسیم کسر باید تعریف خارج قسمت را این طور کرد خارج قسمت عددی است که اگر آن را در مقسوم علیه ضرب کنیم مقسوم بدست آید این تعریف مهم قواعد تقسیم کسر را برای شاگرد آسان میکند

راجع بچهار عمل اصلی برحه یك نکتهٔ کلی را باید تذکر داد .

را وضع کرد که در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ در آن تجدید نظر شد این قانون از فروردین ۱۳۱٤ در تهران بموقع اجرا گذاشته شد و رفته رفته در نقاط دیگر کشور مجرا گردید اوزان و مقادیری که در قانون مذکور پیش بینی شده متکی بر سلسلهٔ متری است و آحاد هر یك ده برابر واحد پائین‌تر است و بدین ترتیب آنها را میتوان مانند اعداد نوشت

در آموختن هندسه که از کلاس دوم ببالا در برنامهٔ فعلی منظور گردیده نباید بطوری که اکنون در آموزشگاههای ما متداول است کتابی بدست شاگرد داد تا تعریف و اصطلاحات اشکال هندسی را بیاد بسپارد و بمعلم پس دهد بلکه باید تعریف های علمی را کنار گذارد ـ شکل های هندسی راکه در دسترس شاگرد است بدو نشان داد ـ نام هر یك از آنها را گفت ـ وادار کرد روی تختهٔ سیاه آن شکل هارا بکشند چه شکلی بهتر از آجر کف اطاق درس یا قاب سقف کلاس میتواند شکل مربع را برای کودك محسوس کند ؟ آیا بهتر از تختهٔ سیاه و جلد کتاب و صفحهٔ کاغذ و سطح میز و نیمکت میشود وسیله‌ای برای آموختن شکل مستطیل پیدا کرد ؟

در کلاس پنجم

درسال پنجم قابلیت تقسیم اعداد آسان است وقتی قابلیت تقسیم بر ۹ را شاگرد آموخت باید قاعدهٔ آزمایش ضرب و تقسیم را بوسیلهٔ طرح نه نه یاد داد و وی را تشویق کرد هنگام حل مسائل این قاعده را برای امتحان درستی عمل بکار برد

برای ساده کردن کسر (برخه) از راه قابلیت تقسیم اعداد آموزگار باید خطی در روی تخته بکشد و آنرا مثلاً به ۱۲ قسمت تقسیم کند و سه قسمت آن راگرفته بگوید این $\frac{۳}{۱۲}$ تمام خط است از طرفی دیگر

نهایتنقصی که در دستگاه متری هست این است که در مقیاسات سطح وحجم نام هرواحد نمیرساند که $\frac{1}{100}$ یا $\frac{1}{1000}$ واحد بالاتر است ، مثلا کلمهٔ مربع که بعد از دسیمتر مربع گفته میشود، یا کلمهٔ مکعب بعد از دسی متر مکعب نمی فهماند که اولی صدیك ودومی هزار یك واحد بالاتر یعنی متر مربع ومتر مکعب است . برای روشن کردن این قسمت باید متشبث شد بوسایل محسوس مانند شکل واضح روی تختهٔ سیاه یا روی مقوا وجعبه ای که هر ضلع آن یك دسی متر مکعب باشد وهزار سانتیمتر مکعب شبیه به طاس تخته نرد در آن بچینند . وقتی این قسمت را شاگرد خوب ادراك کرد باید طریقهٔ نوشتن آن را بیان کرد ودو سه رنگ صرف خواندن ونوشتن مقیاسات سطح وحجم نمود .

درهندسه باید راه پیداکردن سطح شکل هائی راکه درسال چهارم ذکر شد آموخت . اندازه گرفتن سطح شکلهای مذکور در زندگانی روزانه همواره موردحاجت است وشاگرد نیز از پیداکردن این سطوح شاد وخرم میشود . آموزگار باید وادار کند شاگردان سطح کف اطاق ودیوار وسطح حیاط وحوض و باغچه و میز ومانند آن را خود با متر اندازه بگیرند ومسائلی که میدهند باید اغلب مربوط بهندسه و حساب هردو باشد .

در کلاس ششم

در سال ششم قسمتی از وقت باید صرف مراجعه و حل مسائل راجع به برنامهٔ سال پنجم شود . موادی که بویژه در این کلاس باید آموخت زیاد نیست واشکالی در طریق تدریس آن متصور نمیباشد . نکته‌ای که در باب نسبت مرکب وربح مرکب باید یادآور شد این است که آموزگار نباید از استعمال حروف و بکار

روی هم رفته در زندگانی کسر متعارفی را کمتر بکار میبرند و از این رو باید تنها قسمتهائی را آموخت که نمیتوان از آن چشم پوشید و حتی المقدور اعداد بزرگ نداد و در مسائل دقت داشت که صورت و مخرج از دو رقم تجاوز نکند

تحویل درجهٔ متعارفی بدرجهٔ دهدهی و تعریف نسبت و تناسب را بدون اشکال میشود تدریس کرد اربعهٔ متناسب را باید همانطور که در برنامه معین شده است بقاعدهٔ تحویل بواحد و تمرینات بسیار در آن داد ولی اعدادی که آموزگار میدهد باید مطابق با حقیقت باشد و صورت مسأله حاوی مطالبی باشد که درعمل غیرممکن بوده رعایت تناسب حقیقی در آن نشده و حدودی برای اعداد معین نگردیده باشد

پیش از بیان سلسلهٔ متری باید اشاره بمقیاسات سابق ایران کرد و مختصری از نقائص و معایب آنهارا ذکر نمود و بطور مجمل تاریخ تأسیس سلسلهٔ متری را گوشزد کرد و یادآوری نمود که مجلس ایران در دورهٔ پنجم بکار بردن دستگاه متری را رسماً تصویب کرد باید بویژه این نکته را یادآور شد که اولاً دستگاه متری متعلق به یك ملت نیست و از زمین گرفته شده و بساکنان کرهٔ زمین بستگی دارد ثانیاً واحد مقیاس درطول ده برابر - درسطح صد برابر - درحجم هزار برابر واحد مافوق است و بهمین جهة میتوان آنهارا باشمار اعداد نوشت برای آموختن مقیاسات مذکور آموزگار باید متر و لیتر و گرم و کیلو را در کلاس برد و بشاگردان دهد و آنهارا وادار کند یکایك بوبه مقادیری را با واحدهای نامبرده اندازه گیرند و خوب از استعمال آنها آگاه شوند تا بتوانند پس از فراغ از تحصیل مردم را در حدود امکان یاری کنند و طریق محاسبهٔ آنهارا بخلق بیاموزند

آموزان همینکه دورهٔ اول دبیرستان را باتمام رسانیدند داخل صحنهٔ زندگانی میشوند بنابر این باید درس را از لحاظ علمی و عملی هردو گفت و بویژه جنبهٔ علمی را درمسائل و تمرینات کاملاً رعایت کرد نکتهٔ دیگری راکه باید از نظر دور داشت اینست که برنامهٔ ریاضی حاوی حد اکثر موادی است که باید آموخت بنابراین باید کوشش کرد که اصول مهم وقضایای اساسی تدریس شود و نیکو تدریس شود وشاگرد نیز نیکو بفهمد نباید دراین فکر بود که محصل درمدت کمی که دارد توشهٔ زیادازمدرسه با خود ببرد چه دراین صورت توشهٔ وی عبارت خواهد بود از محفوظات ونبرد زندگی نمیخورد

درآموختن حساب اگر مواقعی پیش آید که طریقهٔ جبری واستعمال حروف کار را آسان کند و فوراً ما را بنتیجه برساند البته نباید از آن چشم پوشید بلکه باید آنرا ترجیح داد برطریقه های ساختگی وپیچیده‌ای که بعضی از دبیران بکار میبرند وبعنوان حساب آنها را مینامند عموماً اشکالی بعقیدهٔ نگارنده در آموختن مواد حساب دورهٔ اول دبیرستان متصور نیست بنابراین نمیپردازیم بجبر •

صورت قضایائی که در جبر داده میشود باید کاملاً واضح و روشن باشد و در سه سالهٔ اول متوسطه حتی‌الامکان از مستثنیات ذکری نشود وآنرا برای سالهای بعد گذارند درسه سالهٔ اول باید کوشش کرد اصول اساسی وطریقه های مهم جبری تدریس گردد اعداد منفی را خوب باید بشاگرد فهماند. راه فهماندن هم مثالهای متعددی خواهد بود که دبیر ذکر خواهد کرد مانند جهت حرکت متحرك ـ سرعت ـ دارائی وبدهی ـ درجهٔ حرارت و ••• بهمین ترتیب نیز باید قاعدهٔ علامات جبری را برای شاگردان

بردن دستور (فرمول) باك داشته باشد وتصور کند استعمال حروف بمنزلهٔ آموختن جبر ومعادله است.شاگرد کلاس ششم باید بتواند دستورهای مربوطه به تناسب مرکب و ربح مفرد را بکار برد وبجای حروف اعداد وبجای اعداد حروف بگذارد. لیکن قبل‌از استعمال دستور آموزگار باید مراقب باشد که مسائل راجع بتناسب مرکب و ربح مفرد را تا مدتی شاگردان از روی قاعدهٔ تحویل بواحد حل کنند تا نیکو ملتفت شوند و از روی استدلال بپیدا کردن جواب مسائل کامیاب گردند و الا اگر دستور ها از روز اول داده شود شاگرد آنها را بیاد می‌سپارد ومسائل را با آنها فورا بفهمیده بدون فکر حل میکند

برای شناساندن احجام عمده باید حتی‌المقدور بوسائل حسی تشبث جست و بسیار بمورد خواهد بود که آموزگار مثلاً سطلی در کلاس برد وبشاگردان بفهماند استوانه چیست واگر ستونی در نظر شاگردان هست یا اگر زمستان است وبخاری و لولهٔ بخاری در اطاق هست آنها را برای فهماندن مقصود خود نشان دهد . اگر همهٔ احجام در دسترس آموزگار نباشد باید بامقوا بسازد وبشاگردان نشان‌دهد وبآنها نیز بیاموزد که مانند آنها را در کلاس درست کنند.

در کلاس ششم قسمت بیشتر وقت باید صرف حل مسائل شود تا شاگردان کاملاً بر تمام‌حساب مسلط شوند و بتوانند از عهدهٔ امتحانات گواهی نامه بر آیند.

در سه سالهٔ اول دبیرستان

در این دوره کار معلم آسان‌تر است تا در دبستان چه سن شاگرد عموماً از چهارده سال بالاتر است و حاضر برای استدلال و فهم قضایای ریاضی است . باوجود این باید پیوسته این نکته را در نظر داشت که عده‌ای از دانش

معمول دارد فوراً باید تعریف دایره را در اول هندسه بگوید و اسباب رسم را بتدریج بدست شاگرد دهد . معلمی که این طور عمل کند باید ملاحظه کند که مثلاً در مقالهٔ دوم از دایره باید کم‌گوکرد بلکه برنامه را باید با حسن‌وجه بموقع اجراگذاشت بدون اینکه حتماً نظم و ترتیب جزئیات یك رشته مراعات گردد .

برای بیان مطالب معلم باید از تجارب روزانهٔ شاگرد استفاده کند وحقایقی راکه واضح و بدیهی است ثابت نماید زیرا احتیاجی بثبوت آنها نیست وشاگرد ازاینکه بخواهند مثلاً تساوی دو زاویهٔ قائمه یا دو زاویهٔ متقابل برأس را ثابت کنند و یا اینکه قطع محیط دایره را بوسیلهٔ خطی که یك نقطهٔ آن در درون دایره باشد مدلل سازند تعجب میکند . هنگامی مطالب را باید اثبات کرد که احتیاجی بدان باشد ومعلم حس کند که شاگرد بهااظهاروتقریرقانع نیست

نکته‌ای که در تدریس هندسه باید بشاگرد فهماند اهمیت‌وارزش استدلال ومنطق است که ماراازهزاران زحمت وآزمایش‌رهائی میبخشد برای اثبات این مطلب مثال بسیار است اگر بخواهند از روی خیال بوسیلهٔ دست و پرگار مسدسی در دایره محاط کنند مدتی وقت لازم خواهد داشت تا اندازهٔ ضلع بدست آید و شش ضلعی صحیح رسم شود ولی اقامهٔ برهان در روی‌شکل‌نشان می دهد که طول هر ضلع مسدس محاط مساویست با شعاع دایره واگر شش مرتبه طول شعاع را متوالیاً روی محیط دایره نقل کنند مسدس‌صحیح محاط بوجود می آید

همینطوردرعمل تقریباً غیرممکن است معشری‌دردایره محاط کرد وحال آنکه‌مطابق‌قضیهٔ معروف‌اندازهٔ ضلع معشر بدست می‌آید وبآسانی

بیان کرد

مسألهٔ دیگری که توجه دبیر باید بدان جلب شود فهماندن خاصیت های زیر است که بها وسیلهٔ حروف نمایش داده میشود

$a+b=b+a$

$a+(b+c)=a+b+c$

$(a+b)c=ac+bc$

این خاصیت ها را که پایهٔ محاسبه و اعمال جبری است باید کاملاً فهمانده بمرینات متعدد بسیار با الفاظ مختلف بشاگرد داد بطوری که بیدرنگ نتیجهٔ این قبیل اعمال را درست پیدا کند.

نکتهٔ دیگری که باید یاد آور شد اینست که نخستین بار که آموختن جبر آغاز میشود حتی الامکان عبارات جبری دراز باید بشاگرد داد زیرا که ممکن است در آن صورت اصل موضوع را ملتفت نشود ولی در مرتبهٔ دوم که برنامهٔ سال دوم تکرار میشود میتوان جمله های بالنسبه مفصل و طولانی داد.

تدریس هندسه در سه سالهٔ اول متوسطه باید حتی المقدور بطور حسی و بدین منظور باشد که اطلاعاتی که شاگرد در زندگانی روزگذار بدست میآورد روشن وواضح طبقه بندی شود و بطور قیاس حقایق و قضایائی که ظاهر و آشکار نیست استنباط گردد و از این قضایا قواعد و قوانینی برای حل مسائل ورفع احتیاجات روزانه بیرون کشیده شود . برای نیل باین منظور باید کمتر تعاریف نظری بشاگرد داد و هر وقت از شکل وحجم جدیدی مذاکره شود باید آن را در خارج مجسم کرد و با آلات و ادوات روی کاغذ رسم نمود اگر دبیر این اصل را نخواهد

حساب ذهنی همیشه بدرد میخورد هنگام خرید و فروش بر در مغازهٔ یا وسط میدان و بازار نمیشود کاغذ و قلم را بیرون آورد و محاسبه کرد بلکه باید فوراً مسائلی که پیش میآید در ذهن حل و بـر حسب نتیجه ای که بدست میآید اقدام کرد این یك فائدهٔ عمدهٔ حساب ذهنی است علاوه برفائدهٔ مذکور حافظهٔ شاگرد بواسطهٔ حساب ذهنی خوب ورزیده شده کمك بزرگی بمحاسبه وحساب کشی میکند ازجنبهٔ روحی چون حساب ذهنی همواره حواس شاگرد را جمع دارد وقوهٔ ممیزهٔ اورا بکار میاندازد موجب تقویت و پرورش قوای فکری او میشود . تحریك شاگرد باختراع و بدعت و برانگیختن او به همچشمی ومفرح کردن درس ازفوائد دیگرحساب ذهنی است باوجود تمام مزایای فوق حساب ذهنی را در مدارس ما نمیآموزند و جـای افسوس است کـه شاگردان برای کوچکترین ضرب و تقسیم مجبورند دست بکاغذ ومـداد جویند و مدتی وقت خودرا صرف محاسبه نمایند امیداست من بعد این نقیصه مرتفع گردد ومعلمان دانشمند بضرورت آموختن حساب ذهنی پی برند .

حساب ذهنی درس مخصوص وزنگ مخصوص لازم ندارد بلکه آموزگار درضمن آموختن هریك ازمباحث بایداصولی راکه موجب تسریع حساب درذهن میشود بشاگرد خاطر نشان کند وفوراً عدهٔ زیادی مسأله دهد. چقدر بمورد است که برای آزمایش وپرسش پیش ازآغاز درس آموزگار مسألهای که باحساب ذهنی باید حل کرد مطرح کند وازهمگی جواب آن راخواهد وپس ازیکی دودقیقه بهرکس که زودترجواب رابدست آورده تکلیف کندکه پای تخته طریقهٔ حل را بیان کند و درصورت صحت اورا

میتوان آنرا ساخت   این قبیل مثالها نشان میدهد که آدمی بوسیلهٔ آزمایش حقایق را حس میکند ولی آزمایش برای نشان دادن حقایق بطور صریح و کامل کافی نیست در صورتی که اقامهٔ برهان حقیقت را با کمال وضوح نمایان میکند و اگر حواس ما را بخطا اندازد اقامهٔ برهان خطارا آشکار میکند و تردید وشك را زایل میسازد

نشیت بحرکت دادن اجسام آموختن هندسه را آسان میکند مسئلهٔ توازی خطوط وسطوح بوسیلهٔ حرکت انتقالی ـ تساوی اشکال بوسیلهٔ قراردادن آنها روی یکدیگر همگی باکمال سهولت ثبوت میرسد

مطلب مهمی که دراینجا باید تذکار داد فایده و تأثیر رسم است در تدریس و تفهیم هندسه تمام اشکال مسائل ترسیمی راکه در برنامه قید شده باید واداشت شاگرد رسم کند و از روی رسم نتیجه‌ای کـه بدست می آید با نتیجه‌ای که محاسبه معلوم میکند بسنجد بعلاوه باید بعضی اشیاء ساده را بدانش آموز داد که درازی و پهنا و بلندی آنرا اندازه گیرد ـ روی کاغذ شکل آن شیئی‌را رسم کند ـ مساحت وحجم آن شیئی راحساب کند ـ نتیجه‌ای که ازمحاسبه بدست می آید بارجوئی وامتحان نماید

بالاخره توصیه میشود که بطور مختصر مساحی را درکلاس دوم تدریس وشاگرد را وادار کند در اطاق و حیاط مدرسه فضایائی را کـه دیده درمساحی بکار ببندد

معلم باید متذکـر باشد که دراین قبیل اعمال هروقت موقع پیـدا شد توجه شاگرد را بدین نکته معطوف کند که قضایای هندسی که بنظر ضروری نمی آید درمساحی دخیل ومحل حاجت است.

حساب دهی   حساب دهی عبارتست ازقواعدی که بوسیلهٔ آن درذهن اعمال حساب را بد و زودتحای آورند درزندگانی روزگذار

اقامهٔ برهان. از اینرو حل مسئله بهترین وسیلهٔ پرورش قوهٔ استدلال است. بالاخره اگر مسائل ریاضی از روی قواعد صحیح انتخاب شده باشد شاگرد بیش از بیرون رفتن از مدرسه معتاد بحساب هائی میشود که در صحنهٔ زندگانی بدان نیازمند است. این قواعد کدام است؟

بطور کلی مسائل ریاضی در سه سال اول متوسطه بویژه در دبستانها باید مربوط بزندگانی روزگذار و راجع بازرگانی و کشاورزی و هنر و پیشهٔ ایران باشد از اینرو اصول ذیل باید رعایت شود

۱ـ راجع بمباحثی که در زندگی بکار نمیرود نباید در دبستان مسئله داد و در دورهٔ اول دبیرستان نیز باید از دادن آن امساک کرد. مباحثی مانند اسلوب های مختلف شمار ـ خواص اعداد ـ اعداد اول ـ بزرگترین مقسوم علیه مشترک ـ کوچکترین مضرب مشترک ـ کسور متناوب ـ جذر و کعب در زندگانی چندان محل حاجت نیست. اگر آموختن آن را بطور مختصر در دبیرستان مجاز دانند مسائلی هم که می دهند باید درهمان حدود باشد

۲ـ اعدادی که در مسائل داده میشود نباید بیش از چهار یا پنج رقم داشته باشد.

۳ـ اعدادی که برای صورت و مخرج برخهٔ متعارفی میدهند از دو رقم نباید تجاوز کند.

٤ـ در مسائل حتی الامکان مقیاسات رسمی ایران داده شود و اصطلاحات سابق که درمیان مردم معمول است مانند سیر (۷۵ گرم) چارک (۱۰ سیر = ۷۵۰ گرم) و من (۳ کیلوگرم) نیز بکار رود.

برای اینکه نکات مذکور در مسائل مراعات شود باید معلم کتابچه‌ای

تشویق و تحسین کند اصول حساب دهنی در کتاب «اصول تدریس حساب وحل مسائل فکری» ذکر شده و بمناسبت خواهد بود که در اینجا مجدداً تشریح شود نکته‌ای که در این کتاب باید گوشزد کرد این است عرض از **حساب دهنی این است که بوسیلهٔ قواعد آسان اعمال را تندو رودتر ذهن انجام دهند** مثلا اگر مقصود بدست آوردن حاصل ضرب ۹ در ۳۵ باشد نباید اینگونه درحافظه عمل کنند ۹ پنج تا چهل و پنج تا به پنج چهل رچهار تا آخر بلکه دستور حساب دهنی این است ۳۵ در ۱۰ میشود ۳۵۰ سی و پنج تا برمیگردد میشود ۳۱۵ که ازروی قاعدهٔ کلی ضرب در ۹ بدست آمده است

یا اگر این مسأله را باید حل کرد قیمت ۳۶ کیلوگرم نردهٔ آهنی را از قرار کیلوئی ۸ر۵۰ ریال معلوم کنید اگر درذهن خودتان فرض کنید ۳۶ زیر ۸ر۵۰ نوشته شده باشد و بگوئید شش پنج تا ۳۰ تا بصفرسی بر سه حساب دهنی نکرده‌اید حساب دهنی برای این عمل راه آسانی نشان می‌دهد بدین قسم کـه درذهن بگوئید قیمت ۴۰ کیلوگرم آهن میشود ۳۴۰ ریال = ۴۰ × ۸ر۵

و قیمت ۴ کیلو میشود سی وچهار ریال پس قیمت ۳۶ کیلو میشود ۳۰۶ ریال = ۳۴ — ۳۴۰ ریال

مسائل ریاضی

همانطور که در برنامهٔ رسمی معین شده است در تمام کلاسها ودر کلیهٔ مواد ریاضی بایستی مسئله حل کرد و تاشاگرد مسئله حل نکند معانی اعمال وقواعد ریاضی را ادراك نمیکند برای حل مسئله شاگرد باید دقت و توجه کند تا صورت آنرا بفهمد سپس آنـرا تجزیه کند باعمال ساده و این کار انجام نمیگیرد مگر تا

برای دادن مسئلهٔ فکری درجاتی باید قائل شد . در سال دوم و سوم دبستان باید فقط مسائل بسیط داد یعنی مسائلی که با یک عمل حساب حل شود موارد استعمال چهار عمل اصلی را بوسیلهٔ حل‌مسائل بسیط باید نیکو بشاگرد فهماند . **نباید گمان کرد که مسائل بسیط محتاج باقامهٔ برهان نیست. تا شاگردان این قبیل مسائل را تند و زود نفهمند و از روی دلیل حل نکنند ممکن نیست بتوانند مسائل مرکب را که ازچند مسألهٔ بسیط ومستلزم چند عمل‌حساب است باقامهٔ برهان‌حل نمایند .**

وقتی برمعلم مسلم شدکه دانش‌آموزان مسائل بسیط را میفهمند وبا دلیل حل میکنند ازاواخرسال سوم باید مسائل مرکب داد . حل مسئلهٔ مرکب شامل سه قسمت‌است

۱ـ تجزیهٔ آن بمسائل بسیط شاگرد رابایدیاد داد بوسیلهٔ تفکر و اقامهٔ برهان مسئلهٔ مرکب راتجزیه‌کند . ربط میان معلوم ومجهول‌را ببیندواعمال‌حسابی که بایدبجاآوردادراك کند درآموزشگاه‌هامتأسفانه باین قسمت نمیپردازند وبدین جهت شاگردان عموماً مسائل را از روی استدلال‌حل نمیکنند وتامدتی اعمالی که میکنند ملتفت نمیشوند برای‌چیست وحال‌آنکه تمام‌گرهٔکاروتمام اشکال مسألهٔ فکری و تمام فواید آن ازحیث پرورش قوای روحی درهمین‌جاست

۲ـ اجرای‌اعمال حساب .وقتی مسألهٔ مرکب بمسألهٔ بسیط تجزیه شد معلوم میشودچه کارهائی بایدبجاآوردتابجواب‌نائل گردید .

۳ـ آزمایش‌جواب .جواب باید درست باشد و با شرایطی که درصورت مسأله معین شده است وفق دهد. شاگرد را باید عادت دهند

برای صورت مسئله تهیه کند و کلیهٔ مسائلی را که از کتاب ها استخراج و یا خود او وضع میکند و حائز شرایط مذکور است در آن کتابچه ثبت کند و مسئله را از روی آن بشاگردان دهد . این کتابچه بمرور ایام کامل و گنجینهٔ گرانبهائی برای معلم خواهد بود .

معلم نباید متکی بمعلومات و مهارت خود شده در سر درس آناً مسئله انشاء کند زیرا در آن صورت ممکن است خبط کند و در حل مسئله‌ای که بدین ترتیب وضع میشود شاگردان بجوابی رسند که مخالف انتظار باشد باضافه چون مسئله قبلاً تهیه نگردیده و اشکالات آن سنجیده نشده ممکن است یا تمام شاگردان از حل آن ناتوان شوند و یا جوابی عجیب پیدا کنند . اگر تمام مسائل نیز از کتاب های حساب یاحل‌مسائل گرفته شود‌ممکن‌است متناسب باقوهٔ شاگرد وموقع مدرسه وسن‌شاگرد نباشد . بنابر این تهیهٔ کتابچهٔ مخصوص‌مسئله برای‌معلم از واجبات است

روش حل مسئله

نخستین وظیفه‌ای که معلم دارد اینست که صورت مسئله را واضح وروشن گوید با هیچگونه پیچیدگی وابهام در آن موجود نباشد. دوم وظیفهٔ او خو دادن‌شاگرد‌است بخواندن صورت مسأله از روی کمال دقت. تدقیق درصورت مسأله باعث آشکارشدن روابط فرض مسأله وروابط معلوم و مجهول و راه حل و طریق تجزیهٔ مسأله میشود . وظیفهٔ سوم او آنست که از هر نوع مسأله چند مثال بشاگرد دهد ـ از روی استدلال راه حل آنهارا بیان کند ـ هر یك از شاگردان را وادار نماید راه حل را باذکر دلیل تکرار کند ـ آن مسائل را نمونه قراردهد وچند مسألهٔ مشابه داده حل آن رابعهدهٔ خود شاگرد واگذار کند.

باشد وصحیح باشد به کسری وارده نیز کمتر باشد.

مسائلی که در دورهٔ اول دبیرستان داده میشود اگر شامل حرف باشد باید کوشش کرد حتی‌الامکان بیش از یك حرف نداشته باشدو هنگام بحث باید دید آیا جوابهائی که پیداشده قابل قبول هست یانیست‌وجواب های‌غیرقابل قبول رامیشود تعبیر وتفسیر کرد یانه.

درجبر ومعادله دبیرباید مسائل زیاد دهد وهرجا که ممکن شود شاگردان رابحث وادارد زیراکه برای‌تربیت فکروپرورش روح وعادت دادن شاگردبنظم و ترتیب ودرستی وروشنی وسیله‌ای بهتراز حل‌مسئله و بحث در نتیجه‌ای که بدست میآید موجود نیست.

مسائل هندسی چنانکه سابقاً اشاره شد دردبستانهامسائل‌هندسی منحصر خواهدبود به پیداکردن‌سطح وحجم‌های‌متعارف و باید در ضمن‌مسائل حساب گفته شود. درسه سالهٔ اول دبیرستان باید مسائلی دادکه شاگرد پانزده ساله بتواندآنرا بکمك و تجربه کند مسائلی که پیچیده و حل آن مستلزم هوش بسیار باشد موجب نومیدی شاگرد خواهد شدچه تصورخواهدکردکه هندسه ویژهٔ دانشمندان‌است وتنها فضلا میتوانند ازآن چیزی دریابند مسائلی که دراین‌دوره میتوان داد ممکن‌است سه نوع باشد بحسب مسائل راجع بمکان هندسی.

در این نوع مسائل باید احترازکرداردادن مسائلی که محاسبهٔ زیادلازم داشته باشد دبیر باید شاگرد را عادت دهدکه در ابتدا حساً مکان هندسی را پیداکند سپس درصدد اثبات آن برآید برای اثبات‌هم‌باید بشاگردیادداد ازروی‌صورت‌مسأله ونوع‌مسأله خاصیت‌عمدهٔ مکان‌هندسی را ملاك قراردهد.

کمیت ومقدارجواب را تقریباً حدس بزند وپیش بینی کند اگر بنا باشد مثلاً سودسالیانهٔ پانزده هزار ریال را ازقرار صدی شش پیدا کنداگرجواب ٤۰۰۰ ریال باشد بالبداهه درست نیست زیرا که حسا میدانیم این مبلغ بیش ازسود مذکوراست .

راه حل واستدلال راباید بطور اختصار شاگرد روی کاغذ آورد صفحهٔ کاغذ راعموداًدوقسمت کند دست راست رابه حل مسأله واستدلال ودست‌چپ رابااعمال حسابی تخصیص دهد .

مسائل جبر برای حل مسائل فکری جبر سه مرحلـه را بـاید طی کرد . نخست باید روابط بین فرضهای مسأله ومجهول را نوشت یعنی معادلهٔ مسأله را روی کاغذ آورد . دوم معـادله را از روی قضایائی که بدرس شده حل کرد سوم جوابی که بدست آمد بایدمورد بحث قرار داد یعنی درصورتیکه جواب مخالف شرایط صورت مسأله بوده ودارای شرایطی باشدکه سبح مسأله ایجاب میکند باید فهمید آیا معنی داردیاخیر درست است یانادرست .

مثلاً اگر این مسأله را داده باشند مطلوب عدد دو رقمی است که رقم دهگان (عشرات) آن دو برابر رقم یکان (آحاد) باشدواگر جای ارقام تبدیل شود از مقدار عدد۲۷ واحد کسر گردد . اگر رقم آحاد را y ورقم عشرات را x فرض کنیم معادلهٔ مسأله عبارت خواهد بود از

$x = ۲y$

$۱۰y + x = ۱۰x + y - ۲۷$

هنگام بحث باید گفت سبح مسأله ایجاب میکند که جواب منفی

بر AE عمود فرود آمده باشد پس نقطهٔ C واقع است در محل تقاطع A'B'
و امتداد BE

نوع سوم مسائل راجع است بروابطی که میان خطوط و اشکال موجود است این نوع مسائل بوسیلهٔ قضایای مربوط باشکال مشابه و خطوط متناسب بدست آید و باید شاگرد را راهنمائی کرد همیشه توجه خود را بدین قضایا معطوف دارد تا راه حل فوراً ظاهر شود

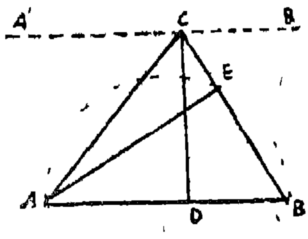
تصحیح مسائل در دبستانها جز در مسائلی که هنگام امتحان جزء و امتحان سالیانه داده میشود می توان اکتفا کرد تصحیح جمعی در روی تختهٔ سیاه در کلاس . تمام شاگردان در این تصحیح شرکت خواهند کرد و راه حل وجواب مسأله را با آنچه خودشان نوشته اند خواهند سنجید ضمناً آموزگار هم در کلاس دور زده دفتر مسألهٔ آنها را ملاحظه خواهد کرد و اگر مسأله را غلط حل کرده باشند دستور خواهد داد شب آنرا تصحیح بنویسند در امتحانهای جزء آموزگار باید دفتر مسأله را شب در خانهٔ خود تصحیح کرده نکات لازم را در حاشیه توضیح و بشاگرد نمره دهد

در سه سالهٔ اول دبیرستان دبیر ریاضی باید مسائل حل شده را در خانه تصحیح کند و بطوری که دربارهٔ تصحیح انشاء ذکر شد هم تصحیح فردی بکند هم تصحیح جمعی

این نکته را نباید فراموش کرد که در کلاس پنجم دبستانها و بالاتر هر شاگرد باید دفتر مخصوص برای حل مسئله داشته باشد و تمام مسائل را پس از تصحیح در آن بنویسد و این یادگار نفیس را همواره نگاه بدارد

مثلاً اگر این مسأله را بشاگرد داده باشند مکان هندسی میان وترهای مساوی را دردایرهٔ معینی پیدا کنید - از روی شکل باید وی را راهنمائی کرد بحدس زدن مکان هندسی پس از اینکه حساً و از روی آزمایش وشکل فهمید که مکان هندسی مذکور دایره ایست باید بدو آموخت که مرکز آنرا پیش بینی کند سپس بی تغییر بودن طول معینی را (که همان شعاع دایره باشد) ثابت نماید

نوع دوم مسائل راجع است بترسیمات هندسی دراین قبیل مسائل باید بدوا مسأله را حل شده فرض کرد سپس تقریباً بطور انحصار طریقهٔ تقاطع مکانهای هندسی را بکار برد. اگر مسأله مستلزم ترسیمات دیگری باشد باید حتی‌الامکان درسه سالهٔ اول دبیرستان مطرح نکرد . مثلاً اگر مقصود ترسیم سه گوشه ای باشد که یك ضلع و ارتفاع وارد بر آن ضلع بایك ارتفاع دیگر آن معلوم است بترتیب ذیل باید شاگردرا بحل آن رهبری کرد



ضلع AB وارتفاع CD وارتفاع AE معلوم‌است

ابتدا فرض کنید مسأله حل شده و ABC مثلث مطلوب باشد .

نقطهٔ C واقع است درروی خط A'B' که بموازات AB بفاصلهٔ DC رسم شده باشد بعلاوه نقطهٔ مذکوروافع است در روی خطي که از B

دراین باب بحدکافی درفصل اول وسوم ازبحش دوم گفتگو شده معذلك چون عموماً بدین قسمت توجه ندارند بیمورد نیست یکی دومثال دراینجا ذکرشود

در ۱۳۰۶ هجری دختر مرحوم کربلائی علی آسیابان اوین (شمیران) مبتلا بمرض حمله بود. مدت دوسال مادرش تمام دارائی خود راکه تقریباً هزار ریال بود فروخت و برمال و دعا نویس داد چون این آقایان نتوانستند جن را ازصغری دورکنند وشوهرش بعداً آمد باگریز طلاقش گفت پس ازچندی یکی ازخویشان تهرانی اورابه بیمارستان برد ودرظرف یکماه معالجه شد. صغری به اوین بازگشت ولی دیگر به شوهر داشت به گذران وار تنگدستی جان سپرد

در۱۳۱۲ رئیس بیمارستان راه آهن درگدوك عباس آباد (مازندران) عمل میکرد که میان تهران وخاپن (۱۲فرسخی پایتخت) حادثه‌ای برای اتومبیلی رخ داد. خانمی از مسافران دستش مجروح شد . برای بند آوردن خون (مطابق عقیدهٔ رائج) خاك نرم جاده رازوی زخم پاشیدند درنتیجهٔ معاینهٔ پزشك قرارشد بجراح مراجعه کنند هنگامی که بجای عمل رسید معلوم‌شدکه خاك کار خودرا کرده وبایددست را برید وگرنه جان خانم درخطر است .

اگرآماری راجع باین قبیل اتفاقات دردست بود ملاحظه میکردید که نود درصد ازبدبختیها ناشی از اعتقاد باوهام و خرافات است . زائل کنندهٔ این‌خرافات علوم طبیعی است . بدین جهت برای ما آموختن‌این‌علوم ازواجبات وضروریات است.

علوم طبیعی شاگرد را بامحیط خود آشنا میدهد و میهن را بدو

فصل چهارم
روش آموختن طبیعیات

علم اشیاء - شناختن گیاه و جانور و زمین
فیزیك و شیمی

اهمیت و سود آموختن طبیعیات

موضوع علوم طبیعی آثار و اشیائی است که آدمی را احاطه کرده است از این رو تدریس آن مبنی بر محسوسات و برای شاگردان خرد سال بسیار شایسته و مناسب است حس کنجکاوی شاگرد از تماشای طبیعت متغیر نشئی حاصل میکند کودکان همیشه از جانوران و گیاهها خوششان می‌آید و از هرچه حرکت میکند و تکان میخورد ورنده و در دسترس آنهاست و با چشم خودمی توانند معاینه کنند لذت میبرند موضوع دروس طبیعی هم موادی است که مستقیماً در تحت نظر آنها درمیآیند و هروقت بخواهند شخصاً میتوانند آنهارا لمس کنند

علوم طبیعی علاوه بر اینکه دلپذیر است دو سود مهم نیز دارد یکی از لحاظ عمل و زندگانی ودیگر ازحیث پرورش قوای روحی علوم طبیعی قوانین و رازهای طبیعت و آثار طبیعی را بیان میکند و بدین ترتیب اوهام و خرافاتی که نادانی و تعصب ایجاد کرده است زایل میسازد وبجای آنها اصول عملی زندگانی وبهداشت را نشان میدهد . در ایران بویژه این قسمت ازفوائد علوم طبیعی باید بسیار مورد توجه باشد زیرا که در کشور ما بیش ازهمه جا خرافات دربدبختی مردم مؤثر است .

اگر بخواهید یك دورهٔ مختصر هم از فیزیك وشیمی و تاریخ طبیعی بیاموزید بواسطهٔ بسط موضوع و کمی وقت باندازه‌ای سطحی میشود که فوائد علمی و تربیتی آن بسیار اندك خواهد بود و ناچار منجر خواهد شد به حفظ کردن بعض مطالب.

مراد از اصول مهم وحقایق کلی دردبستانها اموری است که مربوط باوضاع ومکانی باشد که مدرسه در آن واقع است مانند محصولات آن مکان - بهداشت و تربیت آن محل - مشاغل مختص بدانجا. در دهات باید توجه مخصوص بعلوم طبیعی کرد که مربوط بزندگانی روستائی باشد مانند کشاورزی و باغبانی وپرورش جانوران اهلی.

درخوزستان مثلاً باید بیشتر پرداخت بدرخت خرما و تجارت آن وهمچنین بمعادن نفت ومحصولات گوناگونی که از نفت بدست می‌آید و بر اخیم ودیگر امراضی که مختص بدان شهرستان است وراه جلوگیری از آنها. درسه سالهٔ اول دبیرستان از برنامهٔ رسمی آن جزء را باید بیشتر بسط داد که مربوط باوضاع محلی باشد چنانکه در خوزستان نیز وقتی شیمی را می‌آموزند باید شیمی آلی و بویژه نفتها ومواد مستخرج از نفت را بیشتر از دیگر قسمتها مورد توجه قرار داد ودر صورت امکان شاگردان را به مسجد سلیمان و میدان نفتون وبکارخانهای آبادان برد وهرچه در کلاس تدریس شده برای آنها حضوراً بیان و تشریح کرد.

روش آموختن طبیعیات

روش کلی آموختن علوم طبیعی در دبستان و سه سالهٔ اول دبیرستان باید مبنی بر **مشاهده و آزمایش باشد** مطالب نظری ومسائلی را که نتوان بوسیلهٔ حواس و محسوسات بثبوت رسانید باید حتی‌المقدور آموخت چیزی که باید از

میشناساند و بدین ترتیب محبت وی را نسبت بزادگاه خود بیشتر و استوار میکند.

از حیث پرورش قوای روحی علوم طبیعی فواید عمده دارد. معلومات واطلاعاتی که نسبت به طبیعت بدست می آورند بوسیلهٔ مشاهدهٔ دقیق و از روی تجربه و تعمیم واستقراء وقیاس است و تمام این عملها راه های صحیح علمی را بشاگرد میآموزد و ذهن اورا معتاد بقواعد کلی علوم میسازد بقول پوانکاره دانشمند نامی فرانسه « آموختن علوم طبیعی حس پی بردن بحقایق را درشاگرد بسط میدهد - فکر را بطرف حقایق متوجه میکند - چشم وحواس درونی را معتاد میکند که اشیاء را واقعاً همانطور که هست ادراك ومشاهده کند» علوم طبیعی انسان را متمایل بشناختن حقیقت میسازد و بواسطهٔ روشن شدن فکر و پی بردن بقوانین طبیعت و بزرگی واستحکام کیفی سایش بی پایان نسبت بصانع عالم پیدا میشود

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هرورقش دفتری است معرفت کردگار

حدود علوم طبیعی

بسط علوم طبیعی باندازه ایست که یك عمر برای تحصیل یك رشته از آن کافی نیست از طرف دیگر سن شاگرد در دبستان و سه سالهٔ اول دبیرستان و لزوم پرداختن بمواد دیگر برنامهٔ علوم طبیعی را قهراً محدود میکند ولی چگونگی مشاهدهٔ طبیعت و آثار آن و طریقهٔ رسیدن بکشف قوانین از کمیت آن مهمتر است از این رو باید اکتفا کرد بحقایق کلی که نتیجهٔ آن را در زندگانی بکار ببندند

و باز یافتن است تولید حیرت وعجب هم آسانست چیزی که هر روزه از پیش چشم شاگرد میگذرد بدو نشان دهید - بر او معلوم کنید که آنرا بادقت ندیده است وخواص آن بر او مجهول است یا یکی از آثار طبیعت را که هر روزه درحضور او واقعشده بدو یادگار دهید و ثابت کنید که آنرا ملاحظه نکرده ومشاهده ننموده است

بسیاری ازچیزهارا میتوان درموزهٔ آموزشگاه جمع آوری کرد و هنگام آموختن طبیعیات از آنها استفاده نمود درفصل دوم از بحث چهارم درباب موزهٔ مدرسه تفصیل سخن رانده شد و دراینجا دیگر تکرار از آن آن ضرورت ندارد باید کوشش کرد که اشیاء لازم در موزهٔ مدرسه گرد آید . برای سه سالهٔ اول دبیرستان ضرورت مجموعه ای ازگیاه وجانور وسنگ بیشتر هویداست .

اگرچه دقیقه بفهرست تجارتخانه‌ای مانند دیرول(۱) یاسلدن (۲) یا شرکت آلات و ابزار شیکاگو (۳) و یا شرکت مرکزی علمی(٤) وامثال آن نظر افکنید صورت مفصل این مجموعه را ملاحظه خواهید کرد . برای فهماندن برخی ازقسمتها که ارائهٔ آن بشاگرد ناممکن است مانند کوه آتش فشان یا بعضی از سنگها و جانوران خط استوا باید استفاده از پرده های نقاشی دیواری کرد خود معلم نیز میتواند فلان عضو جانور را که نشان دادن آن نامقدور است با رنگهای مختلف بمقیاس بزرگ روی

---

(1) Les Fils d'Emile Deyrolle 46 Rue du Bac, Paris (VII)

(2) E H Sheldon Co Muskegon Michigan

(3) Chicago Apparatus Co 1735 North Ashland Av, Chicago

(4) Central Scientific Co New York

آن دوری جست اینست که معلم از روی کتاب و بدون بکار بردن اشیاء وابزار وقت و کوشش خود را مصروف سپردن قوانین جامد و شرح وقایع علمی بحافظهٔ شاگرد کند چه این نوع تدریس علاوه بر اینکه هیچگونه ثمری در بر ندارد زیان آور وموجب اتلاف وقت خواهد بود وهمینکه شاگرد امتحان خود راداد از نظرش محو میشود واثری از آن باقی نمی ماند بنا براین اصل باید حتی‌الامکان بطور ساده تدریس کرد واز حشو وزوائد وقسمتهائی که برای بیان حقایق کلی ضروری نیست چشم پوشید چه فایده دارد مثلاً اصطلاحات علمی معلق وطبقه‌بندی‌های مفصل گیاه‌ها بشاگرد گفته شود ؟

اجرای روش فوق وسائل ولوازمی دارد تنها کتاب ودرس زبانی یاتشریح وتقریر معلم کافی نیست شاگرد را باید با مواد واشیائی که موضوع درس است مستقیماً مواجه ومربوط کرد وحقایق را باید از نظر او بطور محسوس گذراند وقواعد علمی را از امور طبیعی استنباط کرد. برای این امر دو وسیله موجود است اول مشاهده ــ دوم آزمایش.

مشاهده چیزهائی را باید مشاهده کرد که درطبیعت موجود است و معلم بکلاس میبرد (مانند گل وبرگ وریشه وساقهٔ درخت) یا شاگرد را برای تماشای آنها به بیرون از آموزشگاه راهنمائی میکند (مانند زمین وتغییرات تدریجی آن).

اشیائیکه درپیرامون شاگرد است باندازه‌ای از نظر او گذشته و بدان انس گرفته که همیشه آنها را نگاه میکند ولی با چشم دقیق بدانها نمی‌نگرد درصورتیکه حس کنجکاوی وی شدید است و باید او را متحیر کرد وبشگفت آورد زیرا که تحیر و تعجب مقدمهٔ فهمیدن و باز جستن

یکبار شاگرد باید شخصاً در آزمایشگاه با نظارت معلم در فیزیک و شیمی و تاریخ طبیعی آزمایش کند . این آزمایش ممکن است تکرار آزمایشی باشد که معلم در کلاس کرده است یا آزمایشی باشد که در کلاس نشده ولی مربوط بدرس است .

علاوه بر آزمایشی که در کلاس یا آزمایشگاه میشود بعضی تجربه‌ها هست مربوط بکشاورزی و باغبانی که برای نتیجه گرفتن باید فضای وسیع داشت ودر باغ بعمل آورد ومنتظر مرور زمان بود . بدین جهت در فصل نخست از بخش چهارم لزوم باغچه برای آموزشگاه خاطر نشان شد

معلم باید قبلاً برنامهٔ تجربه هائی را که میخواهد در باغ مدرسه بعمل آورد معین کند ووسایل اجرای آنرا از پیش فراهم سازد . آنگاه در کلاس مطالبی که مربوط بدان تجربه هاست عنوان کند وشاگردان را بباغچه برده گیاه یا درخت و گلی که میخواهد نشان دهد ـ براشی که باید بکنند بکند ـ پیوندی که باید بزند بزند و آنانرا وادار کند همان اعمالرا با نظارت او بکنند بعد خود او با شاگرد بمرور ایام باغچه را سرکشی ومراقبت نمایند که نتیجهٔ کارهای خویش را مشاهده کنند و با آنکه در درس دیده‌اند تطبیق نمایند

نوع عمل در دبستان

از دستور های فوق نباید استنباط کرد که دبستان باید حتماً دارای آزمایشگاه مخصوصی باشد با لولهٔ آب و گاز ومیز های سمنتی و گنجه وقفسه های مملو ازافزار وآلات وادوات . درپیرامون کودك چیزهای معمولی بسیار موجود است که شناساندن آن از وظایف دبستان است . عدهٔ این اشیاء بحدی است که از حوصلهٔ آزمایشگاه بیرون است . بنا براین باید بدانها پرداخت وبیهوده

تختهٔ سیاه بکشند.

آزمایش

البته ملاحظه کرده‌اید همینکه معلم پاره‌ای زغال‌سنگ یا قطعه‌ای چوب یاشیشه‌ای روی میز خود میگذارد وشروع بآزمایش میکند همه خاموش میشوند وشاگردان باجان ودل گوش میدهند حتی باریگوش ترین شاگرد با آرزمندی بسیار چشمان خود را باز کرده متوجه کارمعلم میشود ومیخواهد بفهمد مثلاً قطرهٔ سرکه‌ای که روی گچ میریزند چه میشود وعلت آن چیست آیاهمین تولید عشق و کنجکاوی و ذوق وتوجه بهترین محرك برای آموختن نیست ؟

آزمایشی که در کلاسهای آخر دبستان وسه سالهٔ اول دبیرستان از طرف معلم و شاگرد بعمل میآید باید ساده باشد ولی همیشه منجر بنتیجهٔ مطلوب شود معلم باید وسیلهٔ کار وطرز عمل رااز پیش آماده کندو گرنه انتظار کامیابی یافایده رساندن بشاگرد رانباید داشت بدوطریقه ممکن است شاگرد را به آزمایش علوم علاقه مند کرد نخست آن کـه معلم تجربه ای راکه درنظر دارد حضوردانش آموزان بوسیلهٔ آلات وادواتیکه تهیه کرده است بنماید و آنانرا وادارد کـه با کمال دقت مشاهده کنندو بعد پرسشهای سقراطی نتیجه‌ای که بدست آمد علتش را بیان نماید و قانونی که جاریست پیدا کنند طریقهٔ دوم آنست که ابتدا قانونی که منظور است ازطرف معلم گفته شود وبرای اثبات وبازجوئی وامتحان تجربهٔ علمی بعمل آید .

طریقهٔ اول را باید حتی‌الامکان باشاگردان دبستان درمیان گذاشت و طریقهٔ دوم را در دبیرستان که قوهٔ استدلال ومشاعر شاگرد نیرومندتر است بکاربست در دبیرستان تجربه در کلاس کافی نیست ولااقل هفته‌ای

در روز روشن بوسیلهٔ پرده‌های سیاه که جلو پنجره میکشند آنها را تاریک میکنند و بدین ترتیب میتوان درساعت درس نورافکن وسینما را بکار برد

ارائهٔ فیلم بحدی درس را دلپذیر و کلاس را با روح میکند که مافوق آن متصور نیست. وقتی مثلاً شاگردان ملاحظه میکنند فیلم جانوران دریائی را که بوسیلهٔ زیردریائی برداشته شده واقسام جانوران را در حرکت وردوخورد و جستجوی غذا در ته اقیانوس نشان میدهد – هنگامی که جنگلهای افریقا را باجانوران درنده وشکار کردن آنها می‌بینند – زمانیکه دستگاه گوارش آدمی و سیر غذا وعمل جذب ودفع را روی پرده مشاهده میکنند – موقعیکه کارخانهٔ شیشه سازی را از دقیقه‌ای که ریگ پس از شستشو وارد کوره میشود تا آماده شدن انواع شیشه بتفصیل رؤیت میکنند هم درس را نیکو میفهمند وفرا میگیرند و برای تمام عمر درخاطر نگاه میدارند هم ساعتی که بدین منوال میگذرانند خوشحال وسعادتمند هستند.

در اینصورت کاملاً ارزش دارد که این وسیلهٔ جدید مورد استفاده واقع شده وهرجا بتوانند سینما یا لا اقل نورافکن را برای تدریس علوم طبیعی بکار برند. خوشبختانه مقدمات این امر در دورهٔ سوم تصدی نگارنده دروزارت فرهنگ در ۱۳۲۳ فراهم شد واکنون در پایتخت فیلم هـای علوم طبیعی بمعرض نمایش گذاشته میشود و باید امیدوار بود کـه در شهرهای دیگر نیز بزودی این موضوع عملی شود.

گردش علمی

تجربه‌هائیکه در کلاس یا آموزشگاه میشود و کارهائیکه شاگردان در باغچهٔ مدرسه میکنند از پیش تهیه شده و برای اثبات درس وتحقیق مطالب آن است وشاید نظر دانش آموز تاحدی ساختگی آید. از طرف دیگر ساچیزهاست کـه در کلاس

اسبابهای درهم و پیچیده که موجب سرگردانی و گیجی طفل میشود بکار برد. معاینهٔ چراغ و فهمیدن طرز احتراق و ورود و خروج هوا از سر پیچ و جذب نفت بوسیلهٔ فتیله ـ مشاهدهٔ هویج و مقطع و محل بکار بردن آن در زندگی ـ پرورش کرم ابریشم باتمام دوره‌هائی که حشره طی میکند و نتیجه ای که میدهد ـ ملاحظهٔ پنبه‌والیاف آن وطرز کاشتن ومخصات زمین و آب وهوائی که لازم دارد ـ شناختن پشم‌خوب وبدو تشخیص آن از پنبه در فاستونی و ماهوت و پارچه های دیگر بوسیلهٔ سوزاندن تار وپود وارائهٔ شعلهٔ پنبه که مدور است وشعلهٔ پشم که مستقیم و عمودی است ـ تمیز دادن خوب سفید و چنار و جنگلی از یکدیگر و موارد استعمال هریك از آنها درساختمان واثاثیه وهزاران مثال دیگر از جمله موضوعهائی است که آموزگار میتواند در کلاس های دبستان مطرح کند واز آنها نتیجهٔ عملی برای زندگانی روزگذار بگیرد . اگر هم روزی خواست آب رابجوشاند لازم نیست حتماً فرع بکار برد بلکه یك پیاله وچراغ معمولی کافی است ـ آنرا نیز آموزگاروشاگرد بکمك یکدیگر تهیه خواهند کرد

نورافکن وسینما علاوه بردو روشی که درفوق تشریح شد در سی سال اخیر عکس روی شیشه (۱) وفیلم‌های جالب توجه برای تدریس علوم طبیعی در امریکا و اروپا تهیه کرده‌اند که ارائهٔ آنها در حقیقت روش جدیدی بوجود آورده است زیرا نه مشاهدهٔ عین اجسام است و نه آزمایش علمی در کشورهـای متمدن درجهٔ اول کلاس های درس طوری ساخته شده که قوهٔ برق درهمهٔ آنها موجود است وبعلاوه

(۱) که بزبان فرانسه Diapositif وبانگلیسی Slide نامند

که میخواهد در کارخانه یا کشتزار و بیابان بشاگرد بگوید در کلاس بیاموزد و وعده دهد که فلان روز موضوع مذکور عملاً برای آنها تشریح خواهد شد و بادیدگان خود مشاهده خواهد کرد اگر مطلب قبلاً برای شاگردان بیان نشده باشد وقتی مثلاً در مقابل چرخهای کارخانه رسیدند درشگفت فرورفته چیزی فرا نمی گیرند

بدیهی است ترتیب بار دید بنگاهها را معلم باید از پیش شخصاً یا بوسیلهٔ رئیس مدرسه بدهد که هم اشکالی در بار دید فراهم نشود وهم متصدیان کار آمادهٔ توضیح دادن باشند

در دانش سراها و دورهٔ دوم دبیرستان و مدارس عالی اولیای آموزشگاه باید شاگردانرا بمسافرت ببرند زیرا چنانکه انوری فرموده

سفر مربی مــرد است و آستانهٔ جــاه

سفر خزانهٔ مــال است و اوستاد هنر

البته در این مسافرتها نباید تنها از لحاظ علوم طبیعی توجه محصلین راجلب کرد بلکه از لحاظ تاریخی وجغرافیائی نیز باید کلیهٔ آثار ملی و عوارض زمین و آرامگاه بزرگان واوضاع کشاورزی و پیشه وهنر و بازرگانی نواحی عرض راه را مورد مطالعه قرار داد

طبیعیات در کلاسهای مختلف

در سال اول ودوم ابتدائی طبیعیات (که دردبستانها بویژه در کلاس نخستین بواسطهٔ مختصر بودن و آموختن از روی اشیاء وخواص ظاهری آنها موسوم است بعلم اشیاء) درضمن کتاب قرائت فارسی تدریس میشود ومقصود عمده هشیار کردن کودک وراهنمائی اوست باینکه پیرامون خود

و آزمایشگاه و باغچه نمیتوان بشاگرد نشان داد بدلایل مذکور باید وقتی که هوا مناسب باشد شاگردرا درشهر بگردش برد و آنچه لازم است بدو نشان داد مثلاً درسی درباب ماشین محرك (موتور) داده اند ولی در آزمایشگاه موتوری که کار کند وجزئیات آن بشاگرد نشان داده شود نیست . معلم قرار میگذارد یك روز که هوا صاف است بجای درس قبر باك دانش آموزان را بکارخانه‌ای که درنزدیکی واقع است ببرد(مانند کارخانهٔ چراغ برق شهر- یکی ازکارگاه‌های مجاور - یکی ازکارخانه‌های محل چون قند سازی و پارچه بافی ونخ ریسی وسیمان - ایستگاه راه آهن در نقاطی که ساختمان با بهره برداری میکنند) و در آنجا راجع بماشین محرك بیانات لازم نموده کار کردن آنرا حضوراً شرح میدهد ولی باید چرخها وپیچ ومهره های متعددی که دردستگاه است از نظر محو کند، وگرنه شاگردان اصل موضوع را درك نخواهند کرد.

درهمین گردشهای علمی معلم باید دائماً شاگرد را به آثار طبیعت وگیاهان وجانوران وسنگها متوجه کند وآنها را وادارد که مثلاً گیاههای نمونهٔ هرطبقه را چیده در روی ورقهٔ جداگانه خشك کرده ممیزات ومختصات آنها را خاطر نشان کند. عادت دادن کودك بمشاهده ودقت کردن در موجودات هم موجب خشنودی وی میشود وهم ذوق پژوهش و کشف و بررسی را در او ایجاد میکند.

این نکته محتاج بیادآوری نیست که گردش علمی ویژهٔ دانش آموزان بزرگ است وازاینرو تنها شاگردان کلاسهای آخر دبستان ومخصوصاً شاگردان دبیرستان را باید همراه معلم بخارج فرستاد . مسأله‌ای که باید همیشه رعایت کرد اینست که پیش از هر سیاحت معلم باید موضوعی را

در کلاس پنجم و ششم

درسال پنجم و ششم اطلاعات مختصر راجع بتاریخ طبیعی وفیزیك وشیمی باید تدریس شود. دراین دوسال دیگر طرق حسی را بتنهائی نباید بکار برد زیرا که شاگرد لااقل یازده سال داردو چهارسال در دبستان بوده وتاحدی آشنا باشیاء محیط خود گشته است. در اینجا باید درس طبیعیات را قدری علمی کرد وپس از اینکه مطلب در کلاس مطرح شد عملاً آنرا بثبوت رسانید و برای شاگرد استدلال کرد آزمایش و گردش علمی باید معلومات دانش آموز را از آثار وخواص ظاهری بالاتر برد ودامنهٔ اطلاعات ومشاهدات اوراوسیع تر کند در این دو سال شاگرد عملاً ارزش و پایهٔ علوم را حس می کند چه می بیند که هیچ قضیه‌ای را بدون اثبات یا لااقل ادراك نمیتوان تصدیق کرد - همینکه علتی موجود شد معلول هم بوجود میآید - هر آزمایش رادرتحت شرایط واحداگرهرارمرتبه تکرارکنند باز بیك نتیجه‌میرسند- کلیه آثار ووقایع تابع قانون است

در عین اینکه معلم باید شاگرد را براه تحقیق و جستجوی دلیل و پیدا کردن علت و کشف حقیقت اندازد باید یك امر مهم را هر موقع که مقتضی شود گوشزد کند و آن اینکه با وجود تمام پیشرفت های شگفت آوری که درعلوم طبیعی میشود و اکتشافاتی کـه هرروز بعمل میآید هنوز راز نهانی طبیعت بسیار است و اطلاعات بشر بسر حد کمال نرسیده وهنوز علوم طبیعی نمیتواند تمام حوادث و وقایع طبیعت و علل آن‌را بیان‌کند وهنوز مجهولات آدمی ازشمار بیرون است.وقتی‌شاگرد این امررا دانست باید بدو فهماند که با وجود همه این نقائص باز نقول

را درست نگاه کند وچشم و گوش خودرا باز نماید

طریقهٔ حسی را که درفصل نخست از همین بخش تشریح شده باید در آموختن علم اشیاء بکار برد

در کلاس سوم وچهارم

درسال سوم وچهارم نیز علم اشیاء را درضمن کتاب قرائت فارسی می‌آموزند ولی باید درنظر داشت که بیادسپردن و از برکردن کتاب سودی ندارد بلکه باید حتی المقدور اشیائی را که موضوع درس است در کلاس برد و بدست شاگرد داد و خواص آنرا واداشت خود شاگرد پس ازمداقه بشمارد و هنگام لزوم بکمك اوشتافت وقسمتهائی را که نمی‌بیند بدو گفت وهرجا که مقتضی باشد روی تختهٔ سیاه تصویرهای روشن کشید همینکه درس خوب فهمیده شدکتاب را باید باز کرد وشاگردانرا گفت بخوانند تامتن کتاب کاملاً برآنها روشن شود . در ضمن قرائت اگر توضیحات تازه‌ئی لزوم پیدا کنند البته باید داد ، بدیهی است بهداشت ودستورهای عملی آنرا (که با علم اشیاء یکجا تدریس میشود) باید شاگرد بکار بندد . آموزگار خود باید اندرز هائی را که دربارهٔ پاکیزگی میدهد شخصاً رعایت کند زیراکه حس تقلید درکودك قویست و بهترین یا زشت ترین عادت راتقلید از دیگران فرا میگیرد بهمین نظر است که گفته اند

با بدان کم نشین که درمانی خوپذیر است نفس انسانی

آموزگار باید درهمه کار سرمشق شاگرد باشد و مراقبت نماید هر چه در بهداشت تدریس میشود شاگردان بکار بندند وگرنه

دانستن این مطلب مثلاً که ناخن باید چرکین و بلند باشدو باوجوداین ناخن بلندو چرکین داشتن علامت بی کفایتی معلم وبیهوده بودن درس اوست.

شاگردان موضوع بحث قرار دهد آنگاه آنهارا باهم سنجید وروشی را که علمای طبیعی برای طبقه بندی جانوران پیدا کرده وپیش گرفته‌اند گوشزد کند یعنی درحقیقت همان کاری راکه روز اول دانشمندان تاریخ طبیعی کرده‌اند معلم باید درحضورشاگردان انجام دهد. درزبانهای خارجه کلمه هائی برای طبقه بندی جانوران بویژه حشرات موجود است که می‌توان از آنها بخوبی استفاده کرد وچون جانور شناسی درسال اول دبیرستان تدریس میشود ودراین کلاس تازه زبان خارجه شروع کرده‌اند نمیشود آنهارا بکاربرد لیکن می‌توان درآخر دورهٔ اول متوسطه که باندازه‌ای شاگردان برزبان خارجه مسلط هستند ازمفتاحهای مذکوربآنها داد وطرز بکاربردن آنهارا آموخت

درجانورشناسی قسمت مهم طبقه بندی جانوران نیست البته باید از آن گفتگو کرد ولی باختصار قسمت مهمی که باید بیشتر وقت صرف آن شود فیزیولوژی یا وظایف اعضاء بدن انسان است که پایه و اساس بهداشت میباشد درکشورما آئین بهداشت راکسی نمیداند واگر احیاناً یك تن درهزار تن بداند در برابر تودهٔ مردم سخن او پیشرفت ندارد وتنها می‌تواند دربعضی موارد شخصاً آنهارا رعایت کند این است که برای فهمایدن وترویج آئین بهداشت باید با کمال دقت قسمتهای مربوط به بدن انسان راآموخت بویژه مباحثی که برای بیان و تشریح اصول بهداشت لازم است بیشتر باید بدان توجه کرد و بیشتر بسط داد تا شاگرد از روی دلیل بداند چرا باید آن اصول ودستورهارا رعایت کند. در آموزشگاههای دختران این اصول و موازین باید مربوط بکودکان نیز باشد تا درضمن درس جانورشناسی اصول بهداشت اطفال وبچه داری

ارنست رنان(١) تنها راه درست وراست برای پی بردن بحقیقت وشناسائی موجودات راه علوم است بزرگی پایهٔ علوم طبیعی نیز از اینرو است که وقتی معلوم شد درموضوعی لغزش وخطا کرده‌اند علماء طبیعی فوراً با کمال درستی وراستی اعتراف کرده آن لغزش وخطا را رفع میکنند و با همت بی‌فتوری بطرف حقیقت راه میپیمایند

در سه سالهٔ اول دبیرستان

در این سه کلاس یك دورهٔ مختصر تاریخ‌طبیعی وفیزیك وشیمی باید تدریس شود. تاریخ طبیعی‌شامل جانور شناسی وفیزیولوژی انسانی وگیاه شناسی و زمین شناسی است.

بهداشت نیز ازلحاظ اینکه اصول آن متکی بر تاریخ طبیعی‌است در برنامهٔ رسمی جزء همین رشته مسطور گشته است. نکاتی‌که راجع بهر یك از شعب طبیعیات در اینجا ذکر میشود درسال پنجم و ششم دبستانها نیز درحدودبرنامه رعایت شود

جانورشناسی- دارای دوقسمت عمده است یکی شرح زندگانی جانوران ودیگر طبقه بندی آنها. بدیهی است که همهٔ جانوران را در کلاس نمی‌توان برد ولی این امرمانع نیست‌که معلم از حافظهٔ شاگردان یاری‌جوید وجانورانی‌راکه قبلاً دیده‌اند بیاد آنها آورد وهروقت‌ممکن شد تصویر وعکس جانوران را نشان دهد. طبقه ای از جانوران را که بخوبی می‌توان‌به‌کلاس برد حشرات است. معلم باید وادارد شاگردان حشرات معروف را جمع آوری وخشك کنند. نخست دربارهٔ یکی‌ازآنها آنچه بایسته است بگوید سپس حشرهٔ دیگر را درسر درس توسط خود

(١) Ernest Renan فیلسوف‌ومورخ معروف فرانسوی که‌در۱۸۹۲ میلادی در گذشته است

حدود برنامه خارج شد بلکه باید تنها گیاهان متـداول را آموخت و حافظهٔ شاگرد را برای فراگرفتن اطلاعات دیگر ذخیره کرد

راجع بطرز زندگانی گیاه باید مختصراً بشاگرد فهماند چگونـه گیاه وجوددارد ـ چطور تغذیه میکند ـ چه شکل بکثیرحاصل مینماید چه شرایطی باید جمع باشد باخوبی رشدکند و باردهد

درضمن این تشریحات طرق ساده ای راکه درکشاورزی معمول ومبتنی برطریقهٔ زندگانی گیاه هااست باید گوشزدکرد وبهره‌ای که آدمی از آنها میبرد خاطرنشان نمود

زمین شناسی ـ برای آموختن این ماده بایـد حتی الامکان وضع محل وناحیه‌ای‌راکه آموزشگاه درآن واقع‌است درنظر گرفت‌ومثالهای لازم را برای نشان دادن تغییرات زمین از آنجا اخذ کـرد بدین جهت گردش علمی وبیرون رفتن از شهربرای‌آموختن زمین‌شناسی‌ازضروریات است در این گردشها نمونهٔ سنگها را باید نشان داد و برای لابراتوار دبیرستان شهر آورد فواید زمین شنـاسی در آبیـاری و ساختمـان ها و استخـراج معـادن باید کاملاً در ضمن دروس و گـردشها خاطر نشان گردد

فیزیك بموجب برنامهٔ رسمی درسال اول ودوم وسوم دبیرستان تدریس میشود همان‌اصولی که درآموختن تاریخ طبیعی بکارمیرودعموماً باید درفیزیك نیزرعایت شود

اولاً نبایدهرمبحثی را باتعریف آغازکرد چه شاگرد دردورهٔ اول متوسطه تعریف بدون مقدمه را نمی‌فهمد دبیر باید از روی مشاهده و تجربه تعریف را باکمك شاگرد پیداکند در گفتن قانون وذکر اصول

برای دختران تشریح وروش شود

گیاه شناسی را ممکن است ازدو نظر آموخت یکی از لحاظ وصف وتشریح گیاه ودیگر از حیث وضع ورندگانی آن قسمتی که درسه سالهٔ اول دبیرستان باید بیشتر بدان اعتنا شود توصیف گیاه است زیرا که دقت کردن دراحوال گیاه وشرح دادن آن برای پرورش قوای روحی و آموختن مشاهده وتوجه لازم وضروری است وازاینراه است که میتوان شاگرد را به دقت کردن ومنظم بودن معتاد کرد

معلم یکی از گیاههای متعارف را بکلاس میبرد وواميدارد شاگردان شرح دهند خود او نیز هنگام لزوم کمك میکند و ریشه وساقه و برگ وگل آنرا نشان میدهد و نام قسمتهای مختلف را در حدود برنامه ذکر میکند وقتی این قسمت را نیکو فهمیدند ویاد گرفتند گیاه دیگری گلدار سر درس میبرد وازشاگردان میخواهد همان قسمهای مختلفی که در گیاه نخستین تشخیص دادند دراین دومین هم بازشناسند ونام آنهارا بگویند این کاررا معلم درمورد چند گیاه مختلف گلدار تکرار می کند وشاگردان را باختلافاتی که در ترتیب و وضع این قسمتهاست توجه میدهد همین اختلافات باعث میشود که شاگردان طبعاً درفکر طبقه بندی گیاه ها بیفتند وگیاههائی که اجزاء آنهاهم بیشترشباهت دارد جزء یکدسته حساب کنند معلم بدین شکل بوسیلهٔ سنجش ونشان دادن جهات اشتراك وافتراق طریقهٔ مقایسه را بشاگرد یاد میدهد و انتظام و ترتیب درافکار شاگرد ظاهر میشود وروش کار بدستش میآید البته نباید در سه سالهٔ اول دبیرستان نام هر گیاهی راکه شاگرد پرسید بدو گفت طریقهٔ تدریس مذکور اورا کنجکاو و مایل باخذ معلومات و یادگرفتن اسامی میکند لیکن نباید از

که بدست آورده‌اند بیازمایند و برسند بهمان عملی که بدو آغاز کرده بودند . دراین هنگام است که باید محل استعمال قانونی را کـه بدست آمده در زندگانی بویژه در تغذیه و بهداشت و کشاورزی و پیشه وری ذکر کرد

ثامناً پس از اجرای نکات مذکور باید تمرینات بسیار ساده باارقامی کـه در عمل وجود دارد بشاگرد داد تا برای او مطالب کاملاً ثابت و محقق گردد .

شیمی در سه سال اول دبیرستان تدریس میشود ودر آموختن آن دو اشکال موجود است بحسب آنکه با مشاهده نمی توان خواص شیمیائی اجسام را تشخیص داد . شاگرد هر اندازه با دقت بزغال سنگی که میسوزد نگاه کند تمیز نمی تواند داد که زغال سنگ مبدل بچه شده وچه بخاری از آن متصاعد میشود . وقتی دبیر جوهر گوگرد را روی گچ بریزد شاگرد جوشیدن آنرا می‌بیند ولی نمی‌فهمد چه‌فعل وانفعالی روی داده است . اشکال دوم اینست که شناختن ماده‌ای ازلحاظ شیمیائی عبارت ازشناختن تغییراتی است که آن ماده نسبت بسایر مواد حاصل میکند بنابراین چگونه میتوان مثلاً ازاکسیژن گفتگو کرد بدون ذکر هیدروژن وفسفر و گوگرد و آهن ومانند آن ؟

پس اینطور بنظر میرسد که اجسام را نمیشود یکی یکی مورد بررسی قرار داد وباید آنها را در آن واحد شناخت اشکال‌اول را بیاناب دبیر و آزمون های شیمیائی مرتفع میکند واشکال دوم را بدین ترتیب میتوان رفع کرد که چند درس مقدماتی مختصر درباب مواد متعارف‌چون هوا و گوگرد و نمك‌طعام داده شود . بدیهی است کـه دراین چند درس

باید امساك کرد و قانون و اصول را نیز باید نتیجهٔ مشاهده و تجربه قرارداد

ثانیاً باید منتهای مراقبت را کرد که ذوق شاگرد بمشاهده و مایل کردن او بتجارب علمی و پیدا کردن دلایلی که مبتنی بر تجربه باشد جلب و تقویت شود

ثالثاً نتایجی که از تجربه های علمی و اعمال با اسباب در موضوع معینی بدست میآید باید پهلوی هم گذارد و بایکدیگر سنجید . برای رسیدن بدین مقصود بهترین وسیله بکار بردن نمایش خطی است چون نمایش توابع درجهٔ اول را درسال سوم دبیرستان میآموزند ناچار این وسیله را باید ازهمان سال بعد بکار برد

رابعاً وقتی دبیر از راه استدلال بنتیجه‌ای رسید باید فوراً آزمایش کند و آن نتیجه را در معرض بازجوئی گذارد تا بر شاگرد معلوم شود بنیان او درست و دلایلش استوار است و از این راه باستدلال و اقامهٔ برهان معتقد شود

خامساً با رعایت احتیاطهای چهارگانهٔ مذکور میتوان رفته رفته نتایجی که بدست میآید تعمیم داد

سادساً همینکه دراثر تعمیم نتیجه ، قانون معینی بدست آمد باید آن را اعلام داشت و فواید آنرا ازحیث ساده کردن و آسان نمودن تحصیلات و پیش بینی هائی کـه بموجب آن قانون می توان از وقـایع تازه نمود گوشزد کرد

سابعاً وقتی که معلم و شاگرد در نتیجهٔ دستور های ششگانهٔ بالا از وقایع وحوادث آغاز کرده پله پله بالارفتند و باوج نردبان رسیدند یعنی قانون را بدست آوردند باید از نو از نردبان پائین بیایند و نتایجی

دکر آن موجب ازجار خاطر و خستگی او خواهد شد.

در آموختن شیمی باید پیوسته در نظر داشت که شیمی علمی است که در زندگانی بدان نیاز دارند و پیشرفتهای آن فوراً در کشاورزی و بهداشت و پیشه وری و صناعت تأثیر میکند، و هر موقع که دبیر بماده ای رسد که در صنایع بکار میرود باید آن ماده را زیادتر بسط دهد و محل استعمال آنرا بشرح و تفصیل بیان کند . واضح است تمامی موادی که تدریس میشود باید بوسیلهٔ تجربه در آزمایشگاه یا در کلاس آموخته شود و حتی الامکان فعل و انفعالها را باید در حضور شاگرد انجام داد . لا اقل هفته‌ای یکبار دبیر باید شاگرد را در آزمایشگاه برد و وادارد اعمالی را که قبلا پیش بینی کرده است خود شاگرد با نظارت وی انجام دهد تا کاملاً اطمینان بتجربهٔ علمی پیدا کند و انگشتانش بعمل معتاد شود و یقین پیدا کند که اگر دبیر کارهائی میکند و نتیجه‌ای میرسد سحر و جادو نکرده است بلکه همان عملها را هر کس باهمان شرائط انجام دهد نتایج مشابه میرسد و مزیت طبیعیات نیز در همین است

درس طبیعیات

عموماً از کلاس سوم ابتدائی ببالا درس طبیعیات باید بدین نحو داده شود

۱ - چیزها چیزهائیراکه موضوع درس است بشاگرد نشان میدهند و هر اندازه بشود ترتیبی ایجاد میکنند که خود شاگردان بتناسب موضوع آنها را دست بزنند - باچشم خود مشاهده کنند - با بینی خود بو کنند - با زبان خود بچشند - باگوش خود بشنوند. تجربه‌ای که معلم میکند باید طوری بعمل آورد که همهٔ شاگردان نیکو ببینند و بفهمند آنگاه اشیاء و تجربه‌هارا مدرك ومبنای درس خود قرار دهد

باید بسیار باختصار ارمواد مذکورسخن راند ودرهریك اکتفاکرد بذکر یك یا دوخاصیت عمده وقابل توجه که بتوان باچشم مشاهده کرد ، مثلاً کافی است شاگرد بداندهنگامی که گوگرد درهوامیسورد بخارخفه کننده از آن متصاعدمیشود ـ سدیم باآب بشدت مرکب میشود ـ جوهر گوگرددرفتن روی رامیخورد وماننداین

وقتی این اسامی با این خاصیتهای آشکارا بگوش وچشم شاگرد آشناشد دبیر باید همچنانکه در برنامه معین شده است از اجسامی آغاز کند که دردسترس شاگرد ودر پیرامون اوست ، ابتدا از هوا وآب آغاز میکند ودرضمن آموختن این مواد ذکر اکسیژن وازت و هیدروژن خواهدرفت ازاین رو میتواند خود این اجسام را موضوع درس قرار دهد سپس بپردازد بنمک طعام ـ بعد بترتیب به کاروسدیم واسید کار بدریك آنگاه میتوان اسید راشناساند زیراکه قبلا اسیدکاربدریك تدریس شده پس «باز» را تعریف کرد زیراکه سود سابقاً موضوع درس قرارگرفته بعد نمك طعام را مطرح نمود زیراکه نمك طعام را شاگرد قبلاً دیده ـ سپس جسم مرکب را شرح داد زیراکه ازآب و نمك طعام درپیش سخن رفته است ، هنگامی که ذکر مخلوط ومرکب بمیان آمد نباید بوسیلۀ بیان اختلاف آنهارا شناساند بلکه عین تجربه‌ای که یکمرتبه داشتند در برابر جسمی که نمیدانند مخلوط است یامرکب میکند باید درحضورشاگردان بعمل آورد ودرضمن دبیرباید کارهائی که میکند شرح دهد و نتیجه‌ای که بدان میرسد بیان نماید

هنگامی که علامات اختصار و وجه نام‌گذاری اجسام گفته میشود ازذکر تاریخ آن باید چشم پوشید ودلیل اینکه مثلاً وزن اتمی گوگرد ۳۲ است نباید گفت زیراکه شاگرد دورۀ اول متوسطه آنرا نمی فهمند و

فصل پنجم
روش آموختن جغرافیا

قواعد آموختن جغرافیا

بتناسب توسعهٔ روابط میان ملل و تکثیر وسائل نقلیه و تسهیل مسافرت و جهانگردی اهمیت جغرافیا روز بروز بیشتر میشود و بتدریس آن بیشتر باید توجه داشت. آموختن جغرافیا دو فائدهٔ عمده دارد یکی ازلحاظ عمل ودیگری از حیث پرورش قوای روحی . از لحاظ عمل جغرافیا اوضاع کشوررا نشان میدهد که مثلاً کدام قسمت حاصلخیز است و کدام قسمت بایر - وسایل تولید ثروتش چیست - آیندهٔ اقتصادیش ازچه قراراست - میان کشورهای دیگر دنیا چه مقامی را حائز است راجع بکشورهای بیگانه نیز جغرافیا اطلاعات سودمندی میدهد که در عمل بکار میخورد مانند چگونگی خاك و منابع ثروت و اوضاع کشوری و سازرگانی و پیشه وری و وسائل باربری ومیزان و نوع صادرات و واردات وطرق مواصلات وغیره

این اطلاعات در هردقیقه محل حاجت است و راههای زندگانی و میدانهای عمل را بآدمی نشان میدهد.

از حیث پرورش قوای روحی نیز آموختن جغرافیا فوائد بیشمار دارد

اولاً چون تدریس جغرافیا ازمشاهدهٔ آثار طبیعت وملاحظهٔ عناصر وعوامل محسوس آغاز میشود ذوق مشاهده و مداقه را ورزش میدهد

۲- برای اینکه شاگردان توجه خود را بجزئیات وتفصیل های غیرمهم معطوف نکنند معلم باید هنگام عمل یا هنگام نشان دادن اشیاء متدرجاً خاصیت ها و وصفهای عمدهٔ اشیاء و آثار را برای آنان ذکر کند ومراحل تجربه‌هائیکه میکند بیان وگوشزد نماید.

۳- وقتی شاگردان خوب مشاهدات خود راکردند و اعمال و تجربه های معلم بپایان رسید باید از روی معلوماتی کـه شاگردان از پیش دارند ومشاهداتی که در ضمن درس کرده‌اند معلم ایشان راراهنمائی کند بیان آثار وخواصی که همان وقت دیده اند واگر اندك ناتوانی در فهم آنها دید بایشان کمك نماید . همینکه مطلب کاملاً روشن شد باید دستور یا اصل یاقاعده یاقانون کلی را از آن عمل ومشاهده وبیان بیرون کشید واعلام کرد.

٤ - پس از استخراج قانون معلم وامیدارد یك یا چند نفر از شاگرد آنچه دیده و کرده اند خلاصه کند . اگر آن خلاصه در کتاب طبیعیات شاگردان نباشد باید روی تختهٔ سیاه نوشت تا در کتابچـهٔ خود ثبت کنند.

٥ - اگر وقتی باقی بماند معلم باید وادار کند یك یا دوتن از شاگردان یکبار ازروی کتاب درس را بخوانند وبـا آنچه در کـلاس یاد گرفته اند تطبیق کنند.

بدیهی است در دفعهٔ بعد ابتدا باید درس روزپیش را پرسید وهمینکه اطمینان حاصل شد که آن درس رانیکوفراگرفته‌اند درس تازه داد.

گذشته از فواید مذکور وقتی آدمی کرهٔ زمین را شناخت وشگفتی های آنرا دانست پی به قدرت پروردگار می‌برد و شناسائی اش نسبت بایزد یکتا بیشتر میشود و این مسئله درکردار و رفتار او پیوسته مؤثر خواهد بود .

روش کلی بدیهی است فواید مذکور از آموختن جغرافیا وقتی عاید می‌شود که طریقهٔ تدریس آن مطابق آئین آموزش وپرورش باشد والا اگر جغرافیا را بطوری که اکنون معمول است تدریس کنند یعنی کتاب جغرافیا را بدهند شاگرد نفهمیده بیاد بسپارد غیر از متنفر کردن وی از جغرافیا وپرکردن حافظه از یك عده نام که برای‌او بیمعنی است (وهمینکه از آموزشگاه بیرون شد بکلی ازنظرش محو می شود) سود وبهرهٔ دیگری نخواهد داشت

آموختن جغرافیا باید از راه مشاهدهٔ آثـار طبیعت وشرح و بسط آنها واقامهٔ برهان و استدلال باشد .

۱ــ مشاهدهٔ آثار طبیعت مخصوص بچهار کلاس اول دبستان‌است

جغرافیا درکلاسهای‌مذکور گرچه جزو کتاب‌قرائت فارسی منظورشده ولی باید مانند علم اشیاء تدریس شود . برای مجسم نمودن اصطلاحات عمدهٔ جغرافیا کافی است معلم شاگرد را بحیاط آموزشگاه برده درگوشهٔ باغچه کمی آب بریزد ومفهوم خشکی ودریا وجزیره وشبه‌جزیره ودماغه را باو نشان دهد و در فصلی که هوا مساعد باشد وی را باطراف شهر برده معنای جلگه وکوه و بیابان و رود و جوی را باو بفهماند . هنگامی کـه شاگرد و آموزگار بکنار جاده ای رسیدند معلم می‌ایستد و سود هائی که از آن عاید میشود بیان میکند ومحصولات کشاورزی

ثانیاً از روی شرح وسطی که معلم و کتاب از شهرها و کشورهای دور دست می‌دهند و از روی تصویر ونقشه هائی کـه نشان داده میشود شاگرد آنها را در خیال خود مجسم می‌کند و بدین ترتیب قوهٔ متخیلهٔ او پرورش می‌یابد .

ثالثاً درکلاسهای آخر دبستان بویژه دردورهٔ اول دبیرستان در جغرافیا اغلب باید استدلال کرد وقوهٔ ممیزه را بکار برد و تشخیص داد کـه روابط عناصر مختلف طبیعت چگونه است وازروی اوضاع طبیعی ناحیه‌ای پی باوضاع اقتصادی آن ناحیه برد واز ارتباطی که میان آب و هـوا و نوع بشر موجود است باید حکم کرد که مردم کشوری فعال هستند یا تنبل- بیمارند یاتندرست - صنعتگرند یا بازرگان یاکشاورز . آیـا برای تربیت قوهٔ ممیزه واقامهٔ برهان وسیله‌ای نیکوتر موجوداست ؟

رابعاً جغرافیا موجب تحریك ابتکار و تحریص شرفی می‌شود زیـرا در عین اینکه وضع کشور را تشریح می‌کند و در ضمن آن نقائص بنگاه ها ونهایت زندگانی اقتصادی وسیاسی ما روشن میگردد عظمت و ارتقاء دیگر کشورها ظاهر ومعلوم میشود که ما ازبسیاری ازکشورهای دیگـر عقب مانده‌ایم درصورتیکه همه گونه وسایل پیشرفت برای ما فراهم است پی بردن بدین امر قهراً موجب تحریك بسعی وعمل میشود .

بالاخره باید گفت که جغرافیا مکمل تاریخ است وکسی که جغرافیا نداند تاریخ را نمی‌فهمد . بعلاوه همانطور که تاریخ عاطفهٔ میهن خواهی را برمی‌انگیزد جغرافیا نیز هنگام نشان دادن جاهای زیبا ودره هـای طرب انگیز ومنظره‌های فرح بخش وشماره کردن ثروت هنگفتی کـه در زیر زمین نهفته است آدمی را شاد و مهر وطن را در دل او زیاد میکند

خواندن هم تمرین کند وهم معلومات خود را تکمیل نماید

اقامهٔ برهان و استدلال ویژهٔ شاگردان کلاس پنجم دبستان ببالا است مخصوصاً در دورهٔ اول متوسطه شاگردباید ازروی استقراء وقیاس پی بقسمتی ازحقایق جغرافیائی ببرد . دخیل بودن اوضاع جغرافیائی در اوضاع طبیعی واحوال انسان - آب وهوا وتأثیرآن دراوضاع زمین - وضع کنارهٔ دریا و مداخلهٔ آن درطرز زندگانی ساکنین آن جز اقامهٔ برهان چیز دیگر نیست و باید ازراه استدلال آنرا آموخت .

اجرای برنامه

برطبق برنامهٔ رسمی جغرافیا ازسال دوم دبستان ببالا آموخته میشود .

در سال دوم جهات اصلی وفهماندن نقشهٔ حیاط و کلاس وکوچه و خیابان و جهت امتداد آنها باید تدریس شود . بعقیدهٔ نگارنده در آغاز کار بهتر وطبیعی تر آنست که ابتدا شاگرد را متوجه کرهٔ زمین وعوارض آن کنند سپس بتعلیم نقشه بپردازند . دراین کلاس بایستی مشاهده پایه و اساس آموزش باشد . آموزگار باید درآغازسال تحصیلی (شهریور ومهرماه) که هوا مساعد است شاگردان را با اطلاع واجازهٔ مدیر بگردش برد و آنان را در برابر عوارض جغرافیائی قرار دهد همینکه از حدود شهر بیرون رفتند باید مفهوم جلگه و کوه و بیابان ومانند آن را نشان‌دهدویافتن‌جهات اصلی را دربیابان ودرمدرسه عملاً بیاموزد . ازروی مشاهداتی که شاگرد میکند بوسیلهٔقیاس‌قسمت هائی راکه نمیتواند در پیرامون خود ببیند درك خواهد کرد واز آنچه میداند بآنچه نمی‌داند پی خواهد برد . در این کلاس چون شاگردان خردسال هستند هنوزقوهٔ فهم فاصله و وسعت فضا را ندارند و نمیتوانند

وکالاهائی راکه ازآن راه حمل میکنند شرح میدهد . همین که بمظهر فنائی برخوردند آموزگار از اهمیت این اختراعی که ایرانیان کرده‌اند ولزوم آن وطریق آوردن آب و بکار بردن آن در کشتکاری سخن خواهد گفت وطریقهٔ زندگانی را در کشورهای بری و دور از دریا بیان خواهد کرد .

۲- بدیهی است که بوسیلهٔ مشاهده فقط قسمت محدود ومختصری از عوارض و اصطلاحات جغرافیائی را می‌توان بشاگرد آموخت . از این رو ناچار بشرح مطالب باید پرداخت . ولی معلوماتی کـه شاگرد بوسیلهٔ مشاهده فراگرفته است در اینجا بدرد می‌خورد چه از راه‌وقوف باصطلاحات محلی باصطلاحاتی پی‌میبرد که در نواحی دور دست موجود است مثلا چون قنات رادید درخیال رودخانه‌را مجسم میکند - هنگامیکه استخر آبی را ملاحظه کرد در مخیلهٔ خویش دریا را می‌بیند - همینکه تپه را رؤیت نمودکوه را تصورمیکند

آموزگار باید از روی سفرها ومشاهدات شخصی و مسافرتهائی که ممکن است بعضی ازشاگردان کرده باشند ونیز از روی سفرنامه‌هائی که خود او خوانده وتصویر وکارت های پستی که در دست رس دارد یك قسمت ازمطالب جغرافیائی را تشریح کند .

در دورهٔ اول دبیرستان کتاب جغرافیا باید باندازهٔ کفایت مفصل ومطالبش مشروح باشد بعلاوه قسمت هائی باید درآن جای داد کـه درکلاس خوانده نشود بلکه برای قرائت وتمرین شاگرد باشد و درخانه خوانده شود . دراین قسمت ها باید زندگانی ومسائل جالب توجه هر کشور را شرح داد وعجایب هر ناحیه را ذکر کرد تا شاگرد هنگام

هستیم واین کره دوحرکت دارد که شب وروز وچهار فصل نتیجهٔ آنهاست نشان میدهد که کره طبیعةً بپنج قطعه تقسیم شده وجا و موضع ایران را درمیان آنها خوب خاطر نشان میسارد . سپس بخشی را که مدرسه درآن واقع است درروی نقشهٔ ایران نشان میدهد و شرح و بسط آن میپردارد . پس ارشناختن بخش مشغول بخشهای مجاور میشود شاگرد دبستان در آخر سال چهارم یعنی وقتی سن او بیازده رسید باید حس خاك ایران را بداند و قطعات حاصلخیز وبایر ایران را بشناسد و بداند منابع ثروتش ارچه قرار است و در کجاست و محصولات کشاورزی اش چیست وشهرهای عمده‌اش کدامست وراه های اصلیش ار کجا آغار و در کجا بپایان میرسد وارچه شهرهائی میگذرد وارایں جاده‌ها چه تجارتی وبا کدام کشورها میشود ومحل ورود وخروج کالاها ار کجاست و مانند این مطالب ... بدون این اطلاعات برای یك نفر ایرانی غیرممکن است محل سکنای خود را بر گزیند و ار روی بصیرت در آن زندگی کند .

غرض ار ذکر کشورهای بزرگ جهان آنست که شاگرد بداند قطعات عالم را چه مللی در تصرف دارند و نام پایتخت آنها چیست وچه اهمیتی را درمیان ساکنان رمین دارا هستند . واضح است که این معلومات باید بکمك نقشه بشاگردان فهمانده شود والا اگر تنها نام ها را بیاد بسپارند بهیچوجه سودمند نبوده بمحض اینکه ار دبستان بیرون روند ار نظرشان محو میشود

درسال پنجم وششم کتاب مخصوص برای جغرافیا نوشته شده و دردبستانها معمول است . آنچه دربالا گفته شد دراینجا نیز صدق میکند

مثلاً تصور کنند بزرگی بخشی که در آن مسکن دارند چه اندازه است یا کرهٔ زمین چقدر پهناور است . برای فهماندن اینموضوع آموزگار باید از روی مسافتی که هنگام گردش باشاگردان پیموده بآنان فاصلهٔ میان دو شهر را بگوید مثلاً اگر از تهران شاگردان را بباغ صبا برده اند و گردش یك ساعت بطول انجامیده باید بآنان مثلاً گفت برای رفتن قزوین باید دو شبانروز دائماً همینطور که ماراه آمده ایم رفت تا بآنجا رسید یا از تهران تا فرنگ باندازهٔ ٤٨ برابر راهی است که ما آمده ایم برای فهماندن این که نقشه چیست باید برای شاگرد نقشهٔ کلاس ومدرسه را درحضورخود او کشید . آموزگار باید تختهٔ سیاه را بطور افقی در روی میزی قرار دهد یا هر پهلوی آن موازی یکی از دیوارهای کلاس شود و با کمك شاگردان نقشهٔ کلاس را بامیز و نیمکت آن بکشد . دردرس بعد باید نقشهٔ کلاس مجاور راکشید و راهرو میان دو کلاس را نمایان ساخت . بهمین ترتیب نقشهٔ مدرسه و کوچهٔ مجاوروخیابان شهر کشیده میشود شاگردان باید هم روی تختهٔ سیاه وهم روی کاغذ این نقشه‌هارا با دست بکشند تا هم دستشان عادت کند وهم شاد شوند وازدرس لذت برند . وقتی معنای نقشه را نیکوداستند بایدبآنان فهماند مقیاس چیست و کرهٔ جغرافیائی کدامست تا بفهمند زمین را چه شکل میتوان نمایش داد

در کلاس سوم وچهارم برنامهٔ جغرافیا عبارتست از جغرافیای عمومی مشتمل براوضاع زمین و تقسیمات آن بقطعات پنجگانه و اصطلاحات جغرافیا وذکر کشورهای بزرگ پنج قطعهٔ گیتی وپایتخت های آنها بعلاوه یك دورهٔ مختصر جغرافیای طبیعی وسیاسی واقتصادی ایران .

پس ازاینکه آموزگار بشاگرد فهماند که ما روی کرهٔ زمین ساکن

را فراهم کند.

اسماء اعلام یکی از اشکالات تعلیم جغرافیا یاد دادن اسماء اعلام است اکثر معلمان ما تصور میکنند وظیفهٔ عمدهٔ آنها اینست که هرقدر می‌توانند اسامی کوهها و رودها وشهرها وجزیره ها را بحافظهٔ شاگرد بسپارند و در این راه بقدری مبالغه می کنند که حقیقةً شاگرد دارجغرافیا بیزار میشود. این اقدام آشنا نمودن آنها رااباصول تربیت جدید نمیرساند. منحصر کردن جغرافیا بآموختن اسماء اعلام یا آنها را جزء بزرگ درس قرار دادن هم تولید انزجار می کند هم دارای فایدهٔ دیگری نیست ودرزندگانی هیچوقت بدرد نمیخورد و شاگرد روزی که از قید مدرسه آزاد شود ازفراموش کردن آنها لذت میبرد. ازطرف دیگر ممکن نیست بکلی اسماء اعلام را از درس جغرافیا خارج کرد زیراکه اسامی موجب فهمیدن درس وروشن شدن جغرافیا میباشد. در جغرافیااز اوضاع سطح زمین گفتگو است. هریك ازنقاط این سطح وضعی مخصوص و اسمی خاص دارد که نمیشود از یاد دادن آن چشم پوشید وگرنه درس مبهم وتاریك خواهد ماند.

بعقیدهٔ نگارنده باید در دبستان اکتفاکرد بنام های مهم یعنی آنها که معرف محلهای مهم و آثار مهم باشد. در دورهٔ اول دبیرستان بنام های مذکور باید نامهای دیگری افزود که بدان نیازهست ولی نکتهٔ جالب توجه اینست که معلم باید بهر اسم تصور خاصی پیوند وشرح مختصری ضمیمه کند تاآن اسم دارای مفهوم کاملی شود وکلمهٔ زندداری باشد. نکتهٔ دیگری که باید ازنظر دور کرد تلفظ درست اسماء اعلام است. از آنجاکه درخط ما اعراب دقیق وجود ندارد وبیشترآموزگاران هم زبان

ولی باید متوجه بود که شاگرد بزرگتر شده و تنها طریقهٔ حسی کفایت نمی کند و نکاتی که دربارهٔ آموختن علم اشیاء درسال پنجم وششم قید شد باید دراینجا نیز مراعات کرد .

در دورهٔ اول دبیرستان یکدوره کلیات جغرافیا و جغرافیای پنج قطعهٔ عالم وجغرافیای ایران باید تدریس شود دراین دوره ودر دوسال آخر دبستان دیگر تنها محسوسات ومشاهدهٔ آثار طبیعت کافی نیست وپایهٔ آموزش باید برروی شرح وبسط واستدلال واقامهٔ برهان باشد . وسائلی که باید بکاربرد عبارت خواهد بود ازکتاب درس و نقشه وکتاب قرائت جغرافیا وسینما درسال پنجم وششم باید از گفتن تفصیل زیاد و نام متعدد دوری جست زیراکه‌اولاً وقت کافی برای این کار موجود نیست ثانیاً حافظهٔ شاگرد را نباید خسته کرد و گرنه از فراگرفتن درس ناتوان خواهد ماند .

دردورهٔ اول دبیرستان علاوه بر پرورش قوهٔ استدلال باید متوجه یك نکتهٔ بزرگ بوده پیوسته آنرا درآموختن رعایت کـرد وآن‌اینکه آدمی باید اززمین بهره‌برگیرد وازراه کوشش وکارآنرا وسیلهٔ نیکبختی خویش قرار دهد چه زمین بـرای این است که انسان را معـاش دهد و منابع ثروتش مایهٔ آسایش او باشد تمام وسایل حیـات از قبیل غله و حبوبات ومیوه‌جات وانواع سبزی‌ومعولات وپنبه والیاف نباتی باید‌بوسط انسان از زمین اخذ شود . زمین حیوانات اهلی را باید خوراك دهدواز شیر وگوشت وپوست وپشم آنها آدمی احتیاجات خود را مرتفع سازد . ازمعادنی که دردل زمین جای دارد بشر درنتیجهٔ فعالیت و صنعت خود ابزاروآلات واسبابی که بدان‌نیازمند است بسازد وموجبات رفاه‌خویشتن

در امریکا تألیف نگارنده ـ نه سال در امریکا نگارش آقای عبدالله دشتی ـ یکماه در پاکستان بقلم آقای احمد ملکی مدیر روزنامهٔ ستاره ـ نامی بامریکا بیائید تالیف آقای عباس مسعودی ـ یادگار مسافرت سویس بقلم آقای دکتر شفق ـ سفر نامهٔ فلاندن بایران ترجمهٔ آقای نورصادقی برای این منظور تنها کتبی است که فعلاً میتوان نام برد.

دوم وسیلهٔ آموختن جغرافیا تصویر است اولاً تصویرهای کتاب جغرافیا را باید واداشت شاگرد بدقت نگاه کند وجزئیات آنرا باید برای او شرح داد. ثانیاً هر مدرسه باید مجموعه ای از کارت های پستی وعکس و کتاب تصویر جغرافیائی داشته باشد. در اروپا از این قبیل کتب تهیه کرده‌اند که کلیهٔ اوضاع زندگانی وطرز معیشت مردم ووسائل نقلیه ومنابع ثروت هر کشور را جداگانه نمایش میدهد. باید از این کتابها تهیه کرد و هنگام تدریس بکلاس برد و بشاگرد نشان داد یا وی را راهنمائی کرد تا در کتابخانهٔ مدرسه مطالعه کند.

سوم وسیله نورافکن وسینما است. در امریکا و اروپا برای هر یك از کشورهای مهم عالم فیلم هائی تهیه کرده یا شیشه های عکسی آماده نموده‌اند که اوضاع زندگانی مردم آنجا ـ لباسهائی که میپوشند خانه هائی کـه مسکن دارند ـ مشاغلی که دارند ـ طرز کشاورزی ـ کارخانه های بزرگ ـ محصولات عمده ـ شهرهای عظیم ـ بندرگاههای معتبر ـ عمارات مجلل ـ چراگاههای وسیع ـ کوه های بلند ـ رودها و دریاچه های مهم ـ مناظر زیبا آنطور که شایسته است نشان میدهد در مدارس مترقی امریکا ممکن نیست درس جغرافیا بدون سینما یا لااقل ارائهٔ شیشه های عکسی در روی پرده (بوسیلهٔ نورافکن) داده شود. این فیلم ها وشیشه ها را شرکت های تجارتی تهیه می کنند و نمونه‌های ارزان

خارجی نمیدانند و کتاب جغرافیائی ندیده‌اند اسماءاعلام راغلط میآموزند چنانکه اغلب شباهت با اصل اسم ندارد . برای رفع این نقص باید در حاشیهٔ کتاب جغرافیا اسماء را با حروف لاتین هم چاپ کرد و آموزگاران را بیرملزم نمود الفبای لاتین را ولو برای خواندن نام جاباشد یادبگیرند

وسایل آموختن آموختن جغرافیا بدون وسایل و اسباب ناممکن است . بهترین وسیله شرح و بسطی است که معلم باید دهد وشاگرد باید در **کتاب مخصوصی** بخواند . هنگامیکه جغرافیای محلی را میآموزد معلم باید آنچه درسفرهای خوددیده بگوید ودرضمن ازشاگردان بپرسد کدام یك سفر کرده‌اند واز آنها بخواهد هرچه دیده اند شرح دهند . در کلاس پنجم و ششم کتاب جغرافیا باید دارای قسمتهای دلپذیر ودل‌انگیز باشدکه شاگرد آنها را در خانه بخوانند . در دورهٔ اول دبیرستان معلم باید کتاب های مخصوصی راجع به سیاحتها واکتشافات برای شاگردان معین کند تادر کتابخانهٔ مدرسه یا در منزل بخوانند . دراروپا از اینقبیل کتاب هزاران قسم بچاپ رسیده که بسیار دلنشین وجاذب است ولی در ایران مانندآنها نیست . سفر نامه هائی که بفارسی نوشته اند و یا از زبان خارجی ترجمه شده بسیار محدود است . سفرنامهٔ حکیم ناصر خسرو درقدیم. سفرنامهٔ فرهاد میرزا بمکه ــ سفرنامه های ناصرالدین شاه اعم از آنهائی که در مسافرت خراسان ومازندران و عراق عجم نوشته شده یا آنهائی که در سیاحت اروپا بتحریردر آمده ــ سفرنامهٔ مکهٔ امین‌الدوله ــ سفرنامهٔ از تهران به نیویورك آقای عبدالله بهرامی. ترجمهٔ سفرهشتاد روزهٔ دور دنیا تألیف ژول‌ورن. ترجمهٔ سفرنامهٔ استانلی درداخلهٔ قطعهٔ افریقا. یکسال

شیوع پیدا نکرده نقشه های برجسته‌است که بنسبت معینی ارتفاع کوه ها وعمق دریاهاوپست‌وبلندی های زمین را در روی سطح افقی یا در روی کره با مواد مختلف مانندگچ وسنگ نمایش میدهند این قبیل نقشه ها برای فهماندن وضع کلی سطح زمین سودمند است ودر صورت امکان هرمدرسه باید یکی ازآنهارا داشته‌باشد کرهٔ جغرافیائی‌نیز برای نشان دادن‌وضع خشکیها ودریاها و نسبت قطعات عالم وملاحظهٔ کوههای مهم وجریانات دریائی‌ضرورت دارد ودر موزهٔ هرمدرسه باید لااقل یکی دوتا فراهم شود

از کلاس پنجم ببالا هر شاگرد را یك جلد اطلس بایسته است یعنی کتابی که حاوی نقشه های ممالك مختلف عالم باذکر اسامی‌شهرها وکوهها ورودها باشد دردبستان اطلس باید مختصر باشد وبحث‌مربوط به ایران قسمت مهم آنرا تشکیل دهد ولی در دورهٔ اول‌دبیرستان‌قطعات عالم نیز باید بالنسبه بتفصیل رسم شده‌باشد همانقدر که نقشهٔ دیواری وکره برای تدریس در کلاس و فهماندن درس ضروری است اطلس نیز برای مطالعهٔ شخصی شاگرد ویادگرفتن درس‌ضروری است.

رسم نقشه

یکی از تمریناتی که باید با درس جغرافیا توأم باشد رسم نقشه است.شاگرد را ازهمان سال دوم باید یاد داد قسمتی را که درکلاس خواند روی کاغذ رسم کند فایدهٔ بزرگ نقشه کشی آنست که شکل هر قطعه برای شاگرد واضح می‌شود ودر حافظهٔ اونقش می‌بندد و محل شهرها و وضع کوهها ورودها در مخیله اش روشن و مجسم می‌شود.

نقشه راچگونه باید رسم کرد؟

میفروشند (۱). بکاربردن آنها هم بسیار آسان است وهرجا که قوهٔ برق وجود دارد میتوان از آنها وارد نمود وبرای آموختن جغرافیا بکار برد وکلاس را تاریک کرد وشاگردان را نسبت بدرس علاقمند نمود

چهارم وسیله نقشه است ازسال دوم دبستان که آموختن جغرافیا آغاز میشود باید بکمك نقشه باشد . درحقیقت نمیتوان تصور کرد که تعلیم جغرافیا بدون نقشه اصلاً امکان‌پذیر باشد . باید همواره نقشه هائی بکار برد که وضع کشورهای مختلف را مشخص کند وموقع آنها را در کره نشان‌دهدو در داخلهٔ هر یک از آنها عوارض و آثارطبیعی و مجمعات انسانی را نمایان سازد .

در دبستانها و دورهٔ اول دبیرستانها دو نوع نقشه باید بکار برد نقشهٔ دیواری و اطلس .

نقشهٔ دیواری باید درست وساده و روشن باشد و رنگهای آن قشنگ ودلپذیر . اسامی زیاد روی آن نباید چاپ شده باشد وگرنه تمام نقشه را پر وسیاه میکند . تنها اسامی مهم باید ثبت گردد آنهم با حروف درشت تا بتوان بآسانی ازآخر کلاس واز دور آنهارا خواند . برای پس گرفتن درس ممکن است نقشهٔ گنگ که در آن بجای اسماء اعلام رقم نوشته شده باشد بکاربرد ولی اینکار اجباری نیست .

یك نوع نقشه که دراروپا وامریکا متداول‌است ودر ایران هنوز

---

(۱) بطور مثال شرکت تجاری ذیل اسم برده می شود که ۶۰۰ دسته شیشه با نورافکن تهیه دیده و بمعرض فروش گذارده است نورافکن را بقیمت ۶۳ دولار وهرشیشه ازدسته را به ۴۵ صدم دولار بفروش میرساند

Keystone View Co
Meadville, Pennsylvania

بتفکر واستدلال کند سنجش اوضاع اقتصادی ایران باهریك از کشورهای همسایه - ذکر دلایل حاصلخیز بودن وآبادی شمال ومغرب ایران - کشیدن راه آهن در این نواحی - شرح کناره های ایران در دریای خزر و خلیج فارس وبیان علل ترقی بندرشاهپور وخرمشهر وبندر پهلوی - منبع ثروت خوزستان وطریقهٔ استفاده از آن - علت ساختن شاهراههای کنونی - دلایل ایجاد بندرشاه در گرگان و بندر شاهپور در خلیج فارس و مانند اینها ازموضوعاتی است که می توان در دورهٔ اول دبیرستان داد در این تکلیف ها نباید تنها اکتفا شود بذکرمطالبی که معلم گفته بلکه باید از کتاب های قرائت جغرافیاکه سابقاً بدان اشاره شد مطالب اخذ شود و منضم بتدقیقات ومقایسات شخصی دانش آموز گردد .

درس جغرافیا

درس جغرافیا چگونه باید داده شود ؟ همچنان که گفته شد معلم باید باستمداد نقشه تدریس کند راجع بمطالب عالم ممکن است در کلاس بنقشه های دیواری اکتفاکرد ولی برای آموختن جغرافیای ایران چون نقشهٔ دیواری ناحیهٔ پهناوری را مجمل نمایش میدهد معلم باید نقشهٔ قسمتی راکه موضوع درس است در روی تختهٔ سیاه درحضور شاگردان بکشد واگر اطمینان بمهارت خود نداشته باشد پیش از ورود شاگردان بکلاس هنگام تنفس آن را با مراجعه بنقشهٔ کتاب یانقشهٔ دیواری ترسیم نماید با وجود این ترسیم نقشه در حضور شاگردان وتکمیل آن بتدریج که درس گفته میشود برای فهم شاگردان و جلب توجه آنها بمراتب سودمندتر است هنگام تدریس معلم باید تصویرهائی که آماده کرده دست بدست بگرداند تا همهٔ شاگردان ببینند یا شیشه‌های عکس را بوسیلهٔ نورافکن روی پرده بیندازد و در ضمن

البته نباید بوسایل مصنوعی متشبث شد زیرا که هرچند وسائل مصنوعی بکشیدن نقشه کمك میکند وشاید نقشهٔ بالنسبه درستی هم بدست آید ولی از چنین نقشه اثری در حافظهٔ شاگرد باقی نمی‌ماند و وقتی وسائل درست نباشد شاگرد ازترسیم نقشه ناتوان است از این رو نباید اجازه داد شاگرد با کاغذ کپیه یاکاغذ نازك نقشه را نقل نماید ویابوسیلهٔ تربیع نقشهٔ چاپی راکوچك وبزرگ کند بلکه باید وی را رهبری کرد که از روی نقشهٔ دیواری یا نقشه‌ای که معلم روی تختهٔ سیاه برای درس دادن کشیده یا ازروی اطلس جغرافیائی با دست و مداد بعضی ازخطوط جغرافیائی مانند نصف‌النهار و مدار را نشان کرده نقشه را رسم کند پس از رسم کردن حدود نقشه ممکن است بوسیلهٔ مداد رنگی سرحدهاو رودخانه‌ها ودریاها را ازسایرخطوط جداومشخص کرد

البته این ترسیمات نباید زیادکوچك باشد وگرنه روشن نخواهد بود ونقاط مختلف درست نمایان نخواهد شد اگربترتیبی که گفته شد نقشهٔ ایران وقطعات پنجگانهٔ عالم دردبستان مکرر کشیده شود درخاطرهٔ شاگرد همیشه باقی خواهدماند وهروقت بخواهد می‌تواندآنهارابآسانی ازحفظ بکشد

تکلیف کتبی برای تکمیل معلومات جغرافیائی شاگردان وواداشتن آنان بمطالعه و دقت در درس جغرافیا بایدتکلیف کتبی داد پیش ازکلاس پنجم وششم تکلیف کتبی باید پرسشی باشد از درس تا محتاج به اندیشهٔ بسیار نباشد در دورهٔ اول دبیرستان باید لا اقل ماهی یك بار موضوعی بشاگرد دادکه در خانه آنرا بپروراند موضوعاتی که داده میشود درعین اینکه باید مربوط بدرس باشد باید شاگردرا مجبور

فصل ششم

روش آموختن تاریخ

اهمیت آموختن تاریخ

برای پرورش قوای روحی شاگرد وتهذیب اخلاق وتقویت وجدان او وهمچنین برای ایجاد حس میهن پرستی آموختن تاریخ بسیار سودمند بلکه ضروری است . تدریس تاریخ چگونه قوای روحی را پرورش میدهد ؟

آدمی طبعاً کنجکاو و مایل است بداند کشوری که در آن متولد شده وزیست میکند در قرنهای گذشته چه صورت داشته ووضع آن از چه قرار بوده تاریخ این حس کنجکاوی را تشفی دهد ومنشأ سازمانها وبنگاه های ملی وطرز زندگانی وعادات ورسوم وسنن را روشن سازد . اطلاع بر این احوال همیشه وهمه جا کمک بزرگی است برای حافظه . قوهٔ متخیله نیز از خواندن تاریخ نیرومند ومنبسط شود چه برای فهمیدن تاریخ شاگرد مجبور است پیوسته متخیلهٔ خود را بکار اندازد وگذشته را در خیال خود مجسم سازد . بالاخره قوهٔ ممیزه نیز بواسطهٔ تاریخ پرورش یابد وبکار افتد . وقتی حوادث را آنطور که واقع شده نقل کردید و علل و اسباب آن را ذکر نمودید و عامل آن یعنی اشخاص تاریخی را نام بردید شاگرد در بارهٔ آنان حکم می کند ـ بعضی را می ستاید ونسبت بآنان مهر می ورزد و برخی را انتقاد میکند و از آنان متنفر وبیزار میشود کسانی که برای عظمت و بقای ایران و پیشرفت و اصلاح امور کشور فداکاری کرده وجود خویش را در راه میهن نثار کرده اند مانند کورش

تفصیل آنها را بیان کند و همین که درسش بپایان رسید وادارد شاگردان کتاب جغرافیا را باز کنند ویکی از آنها بخواند ولغات واصطلاحات دشوار را برای آنها بطور اختصار بیان کند اگر شمارهٔ شیشه های عکس زیاد باشد ممکن است تمام رنگ را صرف نمایش وشرح دادن کرد وبیان متن کتاب را بزنگ بعد موکول نمود

هنگامی که معلم مشغول آموختن جغرافیای ایران است شاگرد باید حتی الامکان بامداد دردفتر روزانه نقشه‌ای که روی تختهٔ سیاه کشیده شده رسم کند واگر این کار هنگام درس ممکن نباشد نقشه را درخانه از روی اطلس جغرافیا بکشد

در دفعهٔ بعد معلم باید مطمئن شود که دانش آموزان درس روزپیش رافرا گرفته‌اند اگرموضوع درس جغرافیای ایران باشد شاگردان کلاس پنجم وششم وبالاتر باید نقشهٔ قسمتی راکه میخواهند پس بدهند روی تختهٔ سیاه بکشند و موضع شهرها و عوارض طبیعی را هنگام گفتن نشان دهند واگرموضوع جغرافیای قطعات عالم باشد درپای نقشه دیواری بروند وهنگام پس دادن درس وجواب دادن به پرسش های معلم با چوب محل عوارض جغرافیائی را ارائه کنند.

برای شاگردمی آورد از تاریخ وطن خودمان باید گرفته شود چه درس اخلاقی مؤثر تر و چه مایهٔ امیدواری قوی تر از اینکه شاگرد بداند که پس از چیره شدن اسکندر و تجزیه شدن ایران باز میهن ما بدست اردشیر بابکان آزادی را از سرگرفت - پس از استیلای تازیان و تغییر مذهب و حکومت باز ملیت خویش را از دست نداد و پس از دویست سال بدست دودمان هائی چون آل طاهر و صفاری و سامانی و آل بویه استقلال یافت - پس از غلبهٔ مغول و ویرانی کشور و کشتار برون از حد باز بدست شاه اسمعیل صفوی وحدت وحیات خود را تجدید کرد ؟

تاریخ مشوق بزرگی است به جد وجهد وسعی وعمل چه نشان میدهد که تکامل تدریجی است و نباید از کندی پیشرفت نومید شد و از مخالفت عامل های موجود مأیوس گردید بلکه باید کوشید و وسائل تکامل را فراهم کرد تاریخ در یك خطه اوضاع و احوالی را نشان میدهد که برای ارتقاء مساعد بوده و بوجود این عوامل ارتقاء در آنجا رخنه پیدا کرده ویکباره بروز نموده و آن صوب راروی تکامل و ترقی برده است سپس واکنش آن عوامل راه پیشرفت را بسته وتنها کوشش و مجاهدت آن موانع را بر طرف کرده و راه را برای تکامل باز نموده است . بنا بر این ارتقاء و تکامل قضاو قدر نصیب یك ملت نمیشود تنها اراده و کار ممکنست وی را دراین صراط بیندارد .

درس دیگری که تاریخ از نظر اخلاق میدهد عبرت گرفتن از گذشته برای آینده است اگر مثلاً تاریخ میهن خودرا بنگریم می بینیم که بواسطهٔ جور وجفائی که پدرومادر و آموزگار نسبت بطفل رواميدارند شخصیت او را محو میکنند و در نتیجه هر روز فندی را فرمانبردار

بزرگ وداریوش هخامنشی وشاپور ساسانی و ابو مسلم خراسانی و خواجه نظام الملك و فردوسی و شاه عباس کبیر و نادر و امیرکبیر و پهلوی مورد ستایش و احترام واقع می‌شوند و مردمانی که منافع شخصی ومناصب موقتی را بر مصالح عمومی ترجیح داده بیگانه پرستی و تنبلی و بی حسی را شعار خود ساخته اند مورد نفرین و لعن قرار می گیرند .

فوائد اخلاقی آموختن تاریخ

اهمیت وضرورت آموختن تاریخ از این لحاظ است که تاریخ درس اخلاق و درس کوشش و کار است تاریخ همواره شاگرد دادگر را در مقابل ستمگر و خدمتگذار را در مقابل بد کار وغلبهٔ حق را بر باطل نشان و بدین ترتیب عشق بحق وحقیقت را دردوجدان وی پرورش میدهد .

وقتی دانش آموز ملاحظه کرد که در صفحات تاریخ ازدانشمندان بزرگ ونیکوکاران وخدمتگزاران واقعی کشور همه جا تمجید شده و نام آنان پیوسته به نیکی یادگردیده متوجه خواهد شد در این بیت که مسعود سعد سلمان میفرماید

پیش ازتوجهان بوده است، آن کس که پس از تو

گویند نکو بوده ره و رسم فلان را

حقیقت بزرگی نهفته است و مساعی خود را بکار خواهد برد که آن اشخاص بزرگ را سر مشق اعمال واخلاق خود قرار دهد وبآنان تأسی جوید تا او نیز نام نیکو از خود باقی گذارد

برای آموختن اخلاق معلم باید عملا از تاریخ ایران کمک جوید تاریخ کشورما پراست از دلاوری وافتخار وجان سپاری وایثار . امثالی که معلم

دوری از تعصب

تمام فایده هائی که برای تاریخ ذکر شد در صورتی است که معلم تنها حقایق را برای شاگردان بیان کند و احتیاط نماید که بواسطهٔ هوا وهوس از راه راست منحرف نشود و دچار تعصب نگردد . هوا داری نکردن باید نسبت بخودی و بیگانه هردو رعایت شود .

تاریخ باید هر کس را از مردان کشور سزاوار ستایش است مدح کند وهر کس مرتکب خبط وخطا گشته است اعلام نماید بدون اینکه رعایت اشخاص وخانواده ها ودسته ها بشود . اگر غیر از این باشد یعنی معلم هوا داری دستهٔ خاصی را نموده میل باطنی واعتقاد سیاسی خودرا در آموختن تاریخ ومدح وقدح اشخاص دخیل سازد فرزندان میهن را بنفاق وخلاف حقیقت کشانده و بر خلاف وظیفهٔ معلمی خود رفتار کرده است

نسبت به بیگانگان باید معلم خویشتن را از جانب داری یکطرف دور دارد . البته تاریخ بایدمهر میهن پرستی را ایجادکند ولی نه از راه تولید کینه نسبت به بیگانه . تاریخ باید نسبت بهمه عادل باشد ـ نه محاسن وفضائل را در خودی وبیگانه انکار کند و نه همه چیز خودی و بیگانه را بستاید . وقتی بدین ترتیب تاریخ راآموختند میهن پرستی در شاگرد استوار تر وقویتر خواهد شد . ضمن درس تاریخی شاگرد خواهد فهماید که همهٔ کشور ها باندازهٔ ایران صلح جوی وبی آزار نیستند وبنا براین باز مانیکه حق وعدالت برروابط میان ملل فرمانروا نیست کشور ما باید خود را همیشه قوی وزورمند نگاه دارد تا بتواند هستی خود را حفظ کند .

میشود و از خود پایداری و ایستادگی نشان نمی‌دهد در اثر این‌گونه تربیت ملت ایران از آغاز تاریخ لااقل یك سوم از روزگار خود را بحت رعیت بیگانه زیسته وسلسله‌هائی چون سلوکید - خلفای اموی وعباسی - غزنوی - سلجوقی - مغول و تیمور براو فرمانروائی کرده است . از اینرو متنبه میشویم که روش پرورش و آموزش ما باید دگرگون شود تا در آینده کشور ما دوچار بلیات و ناکامی‌های گذشته نگردد

میهن پرستی

آموختن تاریخ بیشتر از این حیث ضرورت دارد که کشور را بفرزندان خود میشناساند - مهر میهن را دردل آنان ایجاد میکند - خدمات مردان بزرگ وطن را معرفی میکند - حوادث گذشتهٔ مملکت رانقل میکند - دوران با عظمت و افتخار و اوقات تیره بختی و نکبت نیاکان ما و امیدهائی که داشته و کامیابی‌ها و فیروزیهائی که حاصل کرده و ستم هائی که کشیده و رنجهائی که برده‌اند بیان میکند تاریخ کشورمارامانندمادری بوصف میکند که بدو پیوند وبستگی داریم واز وی گسستن نتوانیم . درس تاریخ بما می‌آموزد که درقرن‌های گذشته نسل هائی که آمده و رفته‌اند برای معاونت یکدیگر اقدام کرده‌اند و هر نسل کار نسل پیشین را پی کرده و نسلهای متوالی دست بدست یکدیگرداده وطن را بترتیبی که اکنون هست بما تحویل داده‌اند و ما باید خدمات آنها را دنبال کنیم وکشور را بصورت بهتر بفرزندان خود بسپاریم درس تاریخ باهل کشور نشان میدهد که برای ارتقاء و تکامل ونیکبختی وکامیابی باید متحد و متفق شد وبا هم کارکرد وبرادر وار تحمل کرد که دیگران عقاید و آراء مختلف داشته باشند ونبایدآنها را ابراز کنند .

دبستان که شاگرد باید یك دوره تاریخ ایران و یک دورهٔ مختصر تاریخ عالم را ببیند وقت برای تفصیل دادن و بجزئیات پرداختن نیست و بعلاوه برای شاگرد هم تدریس تمام مواد با شرح وبسط لازم سودمند نمیباشد پس معلم باید در انتخاب مطالب درس بسیار دقت کند تا آنچه از آموختن تاریخ منظور است حاصل شود نکاتی که در این انتخاب باید مورد توجه باشد از این قرار است

۱- پرهیز از تفصیل

نخستین نکته‌ای که معلم باید رعایت کند اینست که از دادن تفصیل احتراز کند یعنی در تمام کلاسها خود داری کند از ذکر نام وسال و حادثه‌ای که تاریخی نیست یا عصرهای تاریخی را بهم وصل نمیکند و یا حکایت از اوضاع آن عصرها نمینماید در دورهٔ اول دبیرستان و در دبستان قسمتی از تاریخ را باید آموخت که (خواه جزئی باشد یا کلی) معرف واقعی مردان بزرگ و عصر های مهم باشد.

۲- توجه بتاریخ فرهنگ

کدام جنبهٔ تاریخ را معلم باید بیشتر مورد توجه قرار دهد؟ تاکنون در ایران تصور کرده‌اند که تاریخ تنها آموختن نام پادشاهان و یکی دو جنگی است که در زمان آنها واقع شده از همین لحاظ با وجود اینکه برنامهٔ رسمی مطالب را با جزئیات آن معین کرده تنها قناعت کرده‌اند بیاد دادن و حفظ کردن نام شهریاران و امیران و حال آنکه این نوع درس جز پر کردن حافظه و خسته کردن شاگرد سودی ندارد در آموختن تاریخ باید بیشتر بدان جنبه پرداخت که کشور را چنانکه در گذشته بوده نشان دهد چون طرز زندگانی مردم و وسایل گذران و آداب و رسوم و سازمان

فهم تاریخ

درفهم تاریخ و آموختن آن یك نکتهٔ بسیار مهم باید همیشه در نظر باشد و آن اینکه بمرور زمان تنها بنگاه‌ها وسازمانها دگرگون نمیشود بلکه افکار نیز تغییر میکند . از اینرو نباید افکار واحساسات قرنهای گذشته را ازدریچهٔ چشم مردم امروز نگریست واز آن قرارحکم کرد .

معلم باید دارای ارواح متعدد بشود باین معنی که برای مطالعه و تاریخ هر عصری خود را دارای همان عصر کند وحوادث و اشخاص را از دریچهٔ چشم مردم آن عصر ببیند وحکم کند و این اختلاف قرنها و عصرها را بشاگردان بفهماند . بقول یکی از مورخان آسانترین راه برای اینکه تاریخ مخالف باواقع بشود اینست که بمردمان گذشته افکار وعقایدی را نسبت دهند که مردمان امروز دارا هستند شمع آجین کردن ودم توپ گذاشتن که تا پیش ازعصرمشروطه در این کشور معمول بوده گرچه کاری است قبیح ودر انسان تولید انزجار میکند ولی نظر مردم آنروز آن قدر که امروزه شنیع است نظر نمی آمده است همچنین ازدواج خواهر ودختر که در زمان ساسانیان معمول بوده امروز بعقیدهٔ مامخالف طبیعت ومذهب واخلاق است وعملی است شنیع ولی در آن عصر توجه بپاکی خون داشتند ومعتقد بودند برای اینکه خون پاك بماند ازخانواده نبایدخارج شودبنابر این جای عجب نیست که مثلاً بهرام چوبینه خواهرش گردیه را بزنی برگزیده باشد

انتخاب مطالب درس

حوادث تاریخی متصل است وراجع بعصر معینی از یك ساعت الی یکماه ممکنست شاگردان کلاس را مشغول داشت ولی در دورهٔ اول دبیرستان و در

تعيير مسير تاريخ وموحد تمدن جديد وعصر تازه شده‌است و مراحلی را در زندگانی مردم نشان میدهد که شاگرد فوراً باید بداند ولی این امر نباید باعث شود که تاریخ را منحصر کنند بذکر نام پادشاهان و شرح جنگهائی که کرده‌اند جنگ دارا بااسکندر مقدونی یا جنگ یزدگرد با تازیان در نهاوند یازدوخورد سلطان محمد خوارزمشاه باچنگیز یافتح قسطنطنیه بدست عثمانی یا شکست ناپلئون درواترلو(١) جنگهائی است که درنتیجهٔ آن سرنوشت کشورها وزندگانی‌وتمدن اقوام دگرگون‌شده است وشاگرد ناگزیر باید آنهارا نیکوفرا گیرد وعلل ونتایج آنهارا بفهمد ولی جنگهای بی‌اهمیتی که میان‌سلسله‌های مختلف واقع شده‌یازدوخورد های لشکر ایران وعثمانی درزمان صفویه برای شاگرد دبستان یا دورهٔ اول دبیرستان چه نتیجه دارد ؟

نقشه یکی از وسایلی که برای فهماندن تاریخ لازم است نقشهٔ جغرافیاست که اوقصا در آموزشگاه‌های ماکمتر بکارمیرود برای نشان دادن حدودایران درعصرهای مختلف وارائهٔ میدان‌جنگهائی که دراوضاع ایران اثر کلی‌داشته - برای‌نمودن راه‌هائی که قبایل‌وحشی برای هجوم به ملل دیگر پیموده‌اند - برای جلوه دادن خط سیر تمدن یونان وتمدن اسلام وتمدن ایران - برای نمایش دادن بسیاری از امور دیگر بکار بردن نقشه در تمام کلاسها ضروری است واین لزوم بحدی است که دردبیرستان اگر نقشه‌های تاریخی چاپ شده نداشته باشند دبیر بمناسبت هر درس نقشه‌ای که لازم است باید روی تختهٔ سیاه بکشد و مطلب را بشاگرد بفهماند وگرنه درس بی نقشه مبهم خواهد بود و

(١) Waterloo در بلژیك

آموزش وپرورش وعلوم وادبیات وهنرهای زیبا وراه ها و پیشه‌ها وکارها وآسایش یا ناراحتی ملت ومیزان آزادی وامنیت وعدالت وطبقات خلق وحدود آنها ...

تاریخ هنرهای زیبای ایران تا این اواخر در دسترس همه نبود . خوشبختانه در سال ١٣٠٤ پروفسور پوپ (١) رئیس سابق بنگاه هنرهای زیبا دردانشگاه شیکاگو بایران آمد ودر این خصوص درحضور رئیس دولت ومردان درجهٔ اول ایران بزبان انگلیسی سخن راند و نگارنده آن را بفارسی ترجمه کرد ترجمهٔ آن را وزارت فرهنگ در رسالهٔ جداگانه چاپ نمود وبر معلمان تاریخ فرض است که آنرا با کمال دقت بخوانند ومطالب سودمندش را هنگام آموختن فرهنگ ایران بشاگردان بازگویند . از تاریخ صنایع ایران تألیف دکتر ویلسن(٢) و ترجمهٔ آقای فریار نیز باید در دورهٔ دوم متوسطه استفاده کرد .

٣- اختصار گزارش جنگها

نکتهٔ دیگری که معلم در آموختن تاریخ باید رعایت کند این است که تاریخ تنها عبارت نیست ازشرح جنگها وپیمانهائی که در پایان آنها بسته‌شده است وبنابراین نباید قسمت بیشتروقت رابه‌بسط دادن جنگهاووقایعی که ضمن آنها روی داده است صرف کرد البته بعضی از جنگها موجب

(١) A U Pope ناشر کتاب «بررسی هنرهای ایران» در هفت جلد بزرك که خلاقیت ایرانیان را درصنایع ظریفه‌ومعماری‌نشان میدهد وخدمات‌ایرانیها را بهنرهای زیبای دنیا جلوه گرمیسازد وبزرگترین کتابی است که درنوع خود تاکنون درعالم طبع شده باشد پروفسورپوپ اکنون رئیس مدرسه ایران‌شناسی واقع درنیویرك است

(٢) Christie Wilson

شده وتصویر عده‌ای از آنها نیز تهیه گردیده‌ودر دسترس دبیرستانهای دولتی گذاشته شده است معلمان باید از آن صورت آگاه شوند وتاریخچهٔ آنها رابدانند باهنگام معینی شاگردان را همراه خود ببرند ودر صورتی که نزدیك بآثار ملی نباشند لااقل تصویر آنها را نشان دهند .

سینما
دیگر از وسائلی که آموختن وفهمیدن تاریخ را آسان‌میکند سینماست در امریکا واروپا پی باهمیت این مسئله برده‌فیلم های گویا گونبرای نمایاندن پاره‌ای ازحوادث مهم جهان تهیه کرده‌اند که بسیار دلکش وجالب‌توجه‌است برخی ازاین سوانح که باعشق ودسیسه هائی آمیخته شده چون داستان کورش واستر (۱) وآزاد شدن‌قوم‌یهود- حکایت کلئوپاترو آنتوان (۲) وچیره‌شدن روم بر مصر- جنگهای‌صلیبی- ناپلئون درکارزار واترلو (۳) بحدی‌دل انگیز است‌که فیلم آنرا باهزینهٔ هنگفت آماده کرده درسینماهای‌عمومی‌نمایش‌میدهند برخی ازنمایشنامه های بزرگ را نیز چون رومئو و ژولیت (٤) بصورت فیلم در آورده همه جا بمعرض تماشا میگذارند در ضمن هر یك از این فیلمها به تنها قسمتی از تاریخ زنده و جاندار ارائه میشود وهرکس مردمان مشهور روزگاران پیشین را باچشم خود می بیند بلکه آداب ورسوم - لباس- طرز نشست و برخاست - ترتیب زناشوئی-جنگ وآشتی... رامشاهده میکند وتاریخ را بتمام معنی درك مینماید . بارمانی‌که وسایل نشان دادن فیلمهای تاریخی در دبیرستانهای ما فراهم نیست دبیر باید مراقب باشد هروقت از این قبیل فیلمها در شهرشان میدهند تا جلب نظر رئیس

(۱) Ester (۲) Antoine , Cléopâtre (۳) Waterloo
(٤) Juliette , Roméo از تألیفات شکسپیر نویسندهٔ نامی انگلیسی

دانش آموز از آن بهره نخواهد برد و در خاطرش نیز بآسانی ضبط نخواهد شد

آثار ملی — چیزی که بیش از همه شاگرد را بترغیب بفهمیدن و یاد گرفتن تاریخ میکند یادگار های تاریخی و آثار ملی است که در پیرامون مسکن وی قرار گرفته باشد یادگارهای تاریخی اگر ارائه شود و آنچه در کلاس گفته شده در مقابل آنها برای دانش آموز تکرار شود اعصار گذشته برایش محسوس ومجسم میشود ومردمان پیشین در نظرش زنده مینمایند ودر نتیجه اینگونه درس هم بهتر فهمیده میشود وهم شاگرد زودتر آنرا فرا میگیرد در کشوری کهن چون ایران درهر نقطه کم وبیش آثار ملی مانند بناهای تاریخی وکاخ ومسجد ومدرسه و قلعه وپل وخندق وآرامگاه وکتابخانه وکاروانسرا وبقعه وخانقاه یافت میشود معلم تاریخ بایداین امررا غنیمت شمارد و بزرگترین استفاده را از این آثار بنماید همین که درس تاریخ بعصری رسید که مربوط بآثار تاریخی محل است باید شاگردان خودرا بدانجا برد و توضیحاتی حضوراً بآنها دهد ودرصورت لزوم درسی که درمدرسه داده ازنو بگوید

در دورۀ اول دبیرستان باید ملاحظات صنعتی که در ضمن تاریخ فرهنگ وهنرهای زیباگفته درپای بناها تکرار کند ودر روی آنها نشان دهد در شهرهائی که موزه برپا شده چون تهران ومشهد وقم و اصفهان وشیراز بردبیر دورۀاول دبیرستان فرض است که شاگردان خودرا مکرر بدانجا راهنمائی کند وذوق تاریخی آنانرا بامشاهدۀ آثار گذشته برانگیزد ودرس خودرا دلپذیر وشیرین کند

صورت آثارملی و بناهای تاریخی ازطرف وزارت فرهنگ منتشر

تاریخی آماده کنند و برای آموختن تاریخ چاپ و در دسترس آموزشگاه‌ها
گذاشته شود

راه دیگری که برای فهماندن زمان بکودك و مجسم نمودن قرون واعصار و فاصلهٔ آنها هست اینست که در روی ورقهٔ درازی تواریخ بسیار مهم را مانند تأسیس سلسلهٔ هخامنشی ـ غلبهٔ اسکندر مقدونی بر مملکت ما ـ تشکیل سلطنت اشکانیان ـ نهضت اردشیر بابکان و تأسیس پادشاهی ساسانیان ـ چیره شدن اعراب بر ایران ـ بوجود آمدن سلسله‌های ایرانی مانند صفاری و سامانی و آل بویه ـ هجوم چنگیز ـ تاخت و تاز تیمور لنگ ـ نهضت صفویه ـ ظهور نادرشاه ـ تأسیس سلسلهٔ قاجاریه ـ پیدایش مشروطیت ـ سلطنت پهلوی بفاصله‌هائی متناسب با عدهٔ سنوات نوشت و میان این فاصله‌ها را با خطی مدرج که مثلاً هر میلی‌متر نمایندهٔ یك یا دو سال باشد رسم کرد و در مقابل هر تاریخ واقعهٔ مهمی که روی داده ذکر نمود و باین ترتیب فواصل و ازمنه را برای اطفال محسوس و مجسم ساخت . چنین تابلوئی را شاگردان هر کلاس در هر سال در هر دبستان باید خودشان براهنمائی آموزگار تهیه کنند و در صدر کلاس بدیوار رو بروی همگی بیاویزند تا برای همیشه در ذهن و خاطرهٔ آنها نقش بندد

نکتهٔ دوم که آموزگار باید در تمام کلاسهای دبستان در نظر داشته باشد اینست که درس تاریخ خشك و ساده که شاگرد را بشور نیاورد و دلش را نیانگیزد خسته کننده است . باید کاری کرد که کودك تاریخ را با میل و رغبت بخواند و فراگیرد و بدین مقصود باید اولاً بسیار نقشهٔ جغرافیائی بکار برد . ثانیاً تصویرهای تاریخی و عکس بناها و مردمان تاریخی را هرچه زیادتر در کلاس برده نشان داد . ثالثاً شاگردان را بر

دبیرستان با صاحبان سینما مذاکره و باتخفیف بهای بلیط دانش آموزان خود را بدانجا ببرد و بدین ترتیب گذشته را برای آنان زنده و مجسم سازد

روش آموختن

علاوه بر نکاتی که در بالا گفته شد معلم هر کلاس باید مطالبی که تعلق بسن وفهم وهوش شاگردان آن کلاس دارد در نظر گیرد وهنگام آموختن آنهارا رعایت کند

از سال دوم تا چهارم برنامهٔ رسمی مصوب دیماه ۱۳۱۹ آموختن یکدوره تاریخ مختصر ایران راضمن کتاب قرائت فارسی تصریح نموده است درسال پنجم وششم یکدوره تاریخ ایرانرا باید آموخت وضمناً بطور اختصار ازملل مشرق ویونان وروم تاحدی که باتاریخ ایران تماس دارد سخن گفت درتمام کلاسها بویژه در کلاس دوم و سوم دو نکته را باید همواره آموزگار درنظر بگیرد

بحسب اینکه کودك نمی‌تواند بفهمد زمان چیست وقرن های گذشته را باهم فرق نمیگذارد و قادر نیست مثلاً ادراك کند که میان اردشیر بابکان و جلال‌الدین ملکشاه و کریم خان زند چندسال فاصله است و شاید تصور کند که پدرش در زمان ساسانیان میزیسته است

برای رفع این نقص باید تصویرهائی بشاگرد نشان داد که‌مردمان روزگار گذشته را با لباس و عمارت واثاثیه وطرز زندگانی آنان نمایش دهدواختلاف عمدهٔ آنهارا بایکدیگروبامردم امروز بطورمحسوس‌روشن سازد البته تصویرمجسمه ها و تصویر نقش‌های برجسته که وزارت‌فرهنگ از روی آثارملی تهیه کرده تا حدی بدین منظور کمك می‌کند ولی تصویرهای مخصوصی لازم‌است که نقاشان ماهراز روی مأخذها وسندهای

باید مفصل تر از عصرهای دیگر باشد وحقیقةً شاگرد هرقدر بزرگتر میشود بعصر خود و بحوادث و وقایعی که مربوط و مؤثر در اتفاقات جاری است بیشتر رغبت بیاد گرفتن تاریخ پیدا میکند و کنجکاویش درفهمیدن تاریخ بیشتر میشود .

در چهار کلاس اول آموزگار باید درس تاریخ را ازخارج گوید و هنگام لزوم نقشهٔ جغرافیائی و تصویر بکار برد وطوری برای شاگردان سخن گویدکه از اطلاع بر حوادث گذشته متأثر شوند ودل آنان زدن آغاز کند با باجان ودل بیانات ویرا گوش کنند . در دبستان ها آموزگار هنگام آموختن تاریخ باید مهارت وهنر مخصوص نشان دهد وهمانطور که نقالان در موقع گفتن داستان رستم واسفندیار دل شنوندگان را میربایند وآنانرا بشوق می‌آورند آموزگار نیز باید توجه شاگردان را بسوی خود جلب کند وآنانرا علاقه‌مند بشنیدن بیانات خویش نماید

همینکه بیانات آموزگار تمام شد دستور خواهد داد کتاب تاریخ را باز کنند ویکی‌دو تن از شاگردان بوبه قسمتی که‌مربوط بدرس‌است بخوانند در ضمن قرائت اگر توضیحاتی راجع بتاریخ ونام مردمان بزرگ وشهرهای مهم لازم است میدهد وبدین ترتیب متنی که در دست شاگرد میماند — و در حقیقت اثر مادی است از درس آموزگار — هم روشن میشود وهم کامل در دفعهٔ بعد آموزگار باید ابتدا درس سابق را پس گیرد ومطمئن شود که شاگردان فهمیده وفرا گرفته‌اند سپس درس تازه دهد

در دورهٔاول دبیرستان در برنامهٔ رسمی تاریخ مفصل ایران ودورهٔ مختصر تاریخ عمومی منظور شده است چون سن شاگردان دورهٔ اول

سریادگارهای تاریخی هر محل برد و آن جزء از برنامه‌را که مربوط بدین آثار ملی و محلی است بیشتر پرورانید و مبسوط تر گفت وحتی ازوجود یك مدرسهٔ قدیمی یا یك کوی و مناره استفاده کرد و تاریخ را برای شاگرد محسوس و مجسم نمود ثانیاً داستان و افسانه‌های شیرین که حاکی از عادات واخلاق ورسوم و تمدن عصری باشد درضمن درس تاریخ نقل کرد ثالثاً هر جا که فرصت پیدا شود با بیانات نغز و سرودن ابیات مناسب شاگردان را تهییج کرد وحس میهن پرستی را در آنها تقویت نمود و درس تاریخ را برای آنها بامعنی و زنده کرد چقدر مثلاً بجاست که هنگام صحبت ازغلبهٔ اعراب وویرانه شدن طاق کسری آموزگار این اشعار را از قصیدهٔ معروف خاقانی با صدای غرا و لحن مناسب بخواند و قلب آنها را بطپش درآورد

هان ای دل عبرت بین ازدیده نظر کن هان
ایوان مدائن را آئینهٔ عبرت دان
یکره ز ره دجله منزل بمدائن کن
وزدیده دوم دجله بر خاك مدائن ران
دندانهٔ هر قصری پندی دهدت نو نو
پند سر دندانه بشنو ز بن دندان
اینست همان درگه کاورا زشهان بودی
دیلم ملك بابل هندو شه ترکستان
اینست همان ایوان کز نقش رخ مردم
خاك در او بودی دیوار نگارستان

از توجه بمتن برنامه معلوم میشود که تاریخ عصر جدید و معاصر

در کلاس ٥و٦ دبستان نیز باید بعضی از اوقات آموزگار این نوع نکات اخلاقی را بتناسب موضوع گوشزد کند و توجه شاگرد راجلب نماید ولی البته در آنجا نباید بطور مفصل در این باره سخن راند بلکه فرصتی راکه بدست آید باید غنیمت شمرد.

کتاب تاریخ ازهمان کلاس دوم دبستان که آموختن تاریخ آغاز میشود باید کتاب مخصوص در دسترس شاگرد گذاشت کتاب تاریخ باید همان اوصاف درس تاریخ واوصاف کتاب خوب راکه در فصل دوم از بخش چهارم گفته شد داشته باشد مطالبی که درکتاب تاریخ عنوان میشود باید تمام درست باشد واز روی کمال بی‌غرضی شرح داده شود- باتصویر متعدد ازمردان نامی و بناهای تاریخی و آثار تمدن‌هرعصر زینت یافته باشد- انشاء آن ساده وروشن باشد ولی ازروی عشق‌وشور نوشته باشدتا دلرا بیانگیزد ودر شاگرد تولید میهن‌پرستی کند. کتاب تاریخ دبستانهاعلاوه‌بر اوصاف فوق‌باید دارای تفصیل نباشد وتنها مسائل اساسی ومهم‌ونام مردان بزرگ وتاریخ های عمده را حاوی باشد واگر دربعضی صفحه‌ها داستان‌وحکایتهائی دارد معرف اشخاص واعصار بزرگ وحاکی از تمدن اقوام وملل باشد.

در سلسلهٔ کتابهائی که وزارت فرهنگ‌از سال ۱۳۰۷ خورشیدی ببعد برای دبستانهای ایران تألیف وچاپ‌کرده ومنحصراً در آنها معمول داشته یك جلد مخصوص تاریخ کلاس پنجم وششم است درکلاس دوم وسوم وچهارم تاریخ‌ضمن‌کتاب قرائت فارسی‌منظور ومیان قطعات دیگر گنجانیده شده است البته مقصود از این کار کاستن عدهٔ کتاب وارزان کردن وسیلهٔ تحصیل بوده‌وازاین‌حیث باید سپاسداني‌کرد ولی قطعه‌های

دبیرستان از چهارده سالاست و دورهٔ دبستان را نیز بپایان رسانده اند بدرس تاریخ بیشتر رغبت دارند وحیله هائی که آموزگار برای مایل کردن آنان بکار می برد در آنجا آنقدر ضرورت نخواهد داشت ولی بدیهی است که بردن به سینماهای تاریخی وموزه ونشان دادن نقشهٔ جغرافیا و آثار ملـی و اشیاء عتیق از لوازم درس تاریخ است و دبیر باید از آن غفلت کند .

در دورهٔ اول دبیرستان وقتی دبیر درس خود را از خارج داد و نام مردان بزرگ وتاریخهای مهمی که شاگرد باید حتماً بخاطر سپارددر روی تخته نوشت دیگرخواندن کتاب در کلاس ضروری نیست بلکه باید شاگرد را آزاد گذاشت که شب در خانه مطالعه کند و مطالبی که دبیر فرموده در کتاب ببیند ودرس را بوسیلهٔ خواندن کتابهای دیگری که باقتضای موضوع معین کرده است تکمیل کند در این دوره است که دبیر باید از درس تاریخ اصول اخلاقی رابیرون کشد ووجدان شاگردرا بسوی راستی ودرستی وحق وداد راهبری نماید هنگامی که درس را ازخارج بیان میکند باید بمناسبت واقتضای موضوع نشان دهد که ستمکاری هیچ گاه پایدار نگشته وظالم هیچگاه بر قرار نمانده وزود یا دیر از میان رفته است ـ عدالت همیشه بادوام بوده ونام دادگر در تاریخ با احترام وافتخار ثبت شده ـ حق سرانجام به حقدار رسیده ـ فداکاری وجانسپاری افراد برجستهٔ ملت موجب رستگاری کشور گشته ـ دلیری در انجام تکلیف باعث ابدی شدن نام نیك شده ـ بدکار همیشه بسزای خویش رسیده ونامش در تاریخ با اظهار نفرت ذکر میشود ـ خدمت بمیهن موجب جاودانی شدن آدمی میگردد . . .

نخواهد شد

اصولاً دبیر و شاگرد دبیرستان باید متوجه اهمیت مطالعه مخصوصاً مطالعهٔ کتابهای تاریخ بوده در نظر داشته باشند که اینگونه کتابها در تمام عمر همیشه بهترین مونس وهمدم انسان هستند

جای تأسف است که در دبیرستانهای ما این قسمت تا کنون رعایت نشده است . در کتابخانهٔ اغلب دبیرستانها امثال کتابهای مذکور وجود ندارد و اگر یکی دوتا موجود باشد از هر کدام یك جلد بیش نیست بعلاوه بسیاری از دبیران دورهٔ اول دبیرستانها خودشان آنهارا ندیده‌اند تا بتوانند تکلیف برای شاگرد معین کنند ولی بدیهی است اگر بخواهند درس تاریخ حقیقةً نامعنی باشد ناگزیر باید نکاتی که در بالا گفته‌شد رعایت کنند وهرچه زودتر آنهارا بکار بندند

تکلیف نوشتنی دردورهٔاول دبیرستان بنا بر آنچه گفته شد درس تاریخ باید شامل سه قسمت باشد نخست پس گرفتن درسی که قبلاً داده شده‌است دوم دادن درس‌تازه‌ازخارج سوم‌هنگام مقتضی معین کتابهائی که شاگرد باید مطالعه کند قسمت چهارمی نیز درهر ماه برسه قسمت فوق افزوده میشود درنتیجهٔ مطالعهٔ کتابهائی که دبیر برای تکمیل درس معین کرده‌اطلاعات شاگرد توسعه یافته فکرش بارشده‌قوای روحی‌اش پرورش یافته ومیتواند نسبت بحوادث واشخاص دادرسی کند برای دقیق کردن و مجهور کردن او بمطالعه و بکار انداختن قوهٔ تمیز و استدلال باید ماهی یکمرتبه تکلیف کتبی‌معین کرد وموضوع را ازمطالب مربوط بدرس برگزید بدون‌اینکه عین موضوع درس‌باشد مانند مقایسهٔ دومرد تاریخی ـ سنجش دوعصر مهم ـ اظهار نظر و عقیده راجع بتمدن

پراکنده‌ای که راجع بتاریخ ایران از مآخذهای مختلف گرفته وطبع شده پیوستگی تاریخ کشور را نشان نمیدهد و برای شاگرد هشت به ساله دشوار است آنها را در مخیلهٔ خود بهم متصل کند و وقایع را بایکدیگر مربوط سازد واز مجموع آنها وحدت تاریخ را ادراك کند سطر نگارنده باید قطعات مذکور را باهم مربوط نمود و در کتاب قرائت فارسی پهلوی یکدیگر جا داد یا بطور جدا گانه از آنها کتابی تدوین کرد ودردسترس دانش آموز گذاشت

کتاب مطالعه در دبیرستان علاوه بر کتاب تاریخ که بدست شاگرد داده میشود و برای مراجعهٔ درس است باید کتابهای مهم تاریخ که بزبان فارسی است وهریك دوران معینی را روشن میکند واطلاعات جامع ومبسوطی راجع باشخاص مهم میدهد چون شاهنامه و ترجمهٔ تاریخ طبری وتاریخ بیهقی وزین الاخبار گردیزی و تاریخ بخارا وتاریخ سیستان وعقدالعلی وراحة الصدور و تاریخ رویان وترجمهٔ یمینی وجهانگشای جوینی وطبقات ناصری وجامع التواریخ و تاریخ گزیده و تاریخ وصاف وعالم آرای عباسی واحسن التواریخ وحبیب السیر وروضة الصفا وجهانگشای نادری و مآثر سلطانی ومانند آن هر کدام چند جلد در کتابخانهٔ مدرسه فراهم کرد و دبیر قبلاً تمام آنهارا بخواند و باقتضای موضوع درس چند صفحه یا چند فصل آنهارا برای شاگردان معین کند که در کتابخانه یا منزل مطالعه کنند وبدین ترتیب هم معلومات آنها کامل وذهن آنها روشن شود وهم بهتر بتوانند از حوادث گذشته آگاه شوند ومردمان تاریخی را بشناسند و نسبت بآنان داوری کنند . مطالعهٔ این قبیل کتابها ضروری است ودرس تاریخ بدون این مطالعه کامل نیست و فوایدی که باید عاید شود

فصل هفتم

روش آموختن زبان خارجه

اهمیت آموختن زبان خارجه

زبان خارجه نقش بزرگی دارد یکی از لحاظ زندگانی و عمل و دیگر از جنبهٔ تربیت عقلانی امروز روابط میان ملل بیش از اندازه توسعه پیدا کرده و افراد هر ملت برای معاشرت با افراد ملل دیگر یا فهمیدن افکار آنان باید بزبان هم آشنا باشند مرزهائی که ملل را از هم جدا میساخت و موانع طبیعی که رابطهٔ میان کشور ها را دشوار میکرد اکنون از بین رفته است . وسائط نقلیه بسیار ارزان و آسان شده و کشور های جهان با یکدیگر پیوستگی تام پیدا کرده‌اند . وسائل مخابره و مرابطه چون رادیو و تلفن بی‌سیم بحدی فراوان و رایج شده که از لوازم زندگانی عصر حاضر گشته است . از اینرو اقوام جهان از لحاظ اقتصادی و سیاسی و اجتماعی چندان بیکدیگر نیازمند شده‌اند که بدون همکاری و مرابطه امورشان مختل خواهد شد .

آیا این همکاری و مرابطه بدون دانستن زبان یکدیگر امکان پذیر است ؟

از طرف دیگر صلح دنیا تا اندازه ای بسته بایست که ملل گیتی یکدیگر را بشناسند و از احساسات و افکار و نظر یکدیگر

وفرهنگ ورن معن ـ ترجمهٔ حال یکی ار مردان ررگ

المته باید بشاگرد وقت داد که درخانه برسروقت اینگونه تکلیف هارا انجام دهد ولازمهٔ دقت را بعمل آورد تصحیح آنرا دبیر باید در خانه کند وهمان نکاتی که راجع بتصحیح انشاء گفته شد در بارهٔ تکلیف تاریخ نیز رعایت نماید.

که بتوانند بآسانی باروپا و امریکا روند یا کتاب و مجله های آنها را بخوانند و بفهمند از این رو اگر تدریس زبان خارجه برای دیگر ملل سودمند بنظر آید برای ملت ایران کمال لزوم وضرورت را دارد

روش عادی

با وجود اینکه در روزگار پیشین دانستن زبان خارجه را اغلب مهم میشمردند ولی از آغاز قرن سیزدهم هجری بآموختن زبان خارجه بویژه زبان فرانسه در ایران توجه داشتند باز مشاهده میشود که روش تدریس آن بسیار بد بوده وهمانطور که عربی را در کشورما یاد میگرفته اند فرانسه را نیز درس داده ومیدهند بدین معنی که تدریس از روی کتاب است و آغاز میکنند به آموختن صرف و نحو مفصل ومبسوط یادگرفتن تمام قواعد وموارد استثناء وبعد ترجمهٔ کتابی که ممکن است آسان یا دشوار و نزدیک بفهم یا دور ازقوهٔ شاگرد باشد تمرین زبانی وسخنگوئی و انشاء را بندرت بکار میبرند بطوری که شاگرد پس ازشش سال تحصیل واتمام دورهٔ دبیرستان نمیتواند مطلبی را بخواند وبفهمد وبنویسد وبه بطوری را ادا کند وزارت فرهنگ نیز این طرز را نیکو میدانست چنانکه در برنامهٔ رسمی که درفروردین ۱۲۸۹ هجری خورشیدی بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده وبا ۱۳۰۳ خورشیدی معمول بود قرائت و ترجمهٔ زبانی و دستور زبان مقدم برهر چیز مقرر شده بود

روش مستقیم

روشی که پس از آن مقرر شد (ومتأسفانه هنوز رائج ومعمول نشده) طریقه ایست که اروپائیان از نیمهٔ قرن سیزدهم هجری در دبیرستان های خود معمول داشته اند وروش مستقیم گویند کسانی که دراین راه پیشقدم بوده اند وبرای سپاسگذاری از فکر وزحمت

آگاه شوند و با هم طرح دوستی ریزند و سیاست خود را بر اعتماد و موذت قرار دهند و کلیهٔ اینها بدون دانستن زبان یکدیگر ممکن نیست .

برای آموزگار ودبیر داشتن رابطهٔ علمی با دنیای مغربی ضروری است . اکتشافاتی که امروز درعلوم میشود به فاصلهٔ کمی درزندگانی ملل اثرش ظاهر میگردد چنانکه بی‌سیم وهواپیما ورادیو درسالهای اخیر این مسأله را ثبوت رسانیده است برای پی‌بردن باین اکتشافات باید زبان خارجه دانست تا مطالعهٔ کتاب ومجله‌های ملل غرب برای ما آسان شود واز زحمات دیگران و جان سپاری دانشمندان در راه دانش و تسلط بر رازهای طبیعت بهره‌مند گردیم .

دومین سود آموختن زبان خارجه پرورش قوای فکری است . برای اینکه شاگرد لغات زبانی را فراگیرد ودستور آنرا بیاد سپرده بکار بندد ومختصات زبان را ادراك نماید باید نیروی خورا بکار اندازد یعنی قوهٔ توجه و حافظه و عقل خودرا همواره بکار برد - تجرید کند - تعمیم کند - قیاس کند - استقراء کند و این اعمال قوای فکری او را ورزش و پرورش میدهد بعلاوه همینکه دانش آموز بزبانی آشنا شد دری تازه برویش باز میشود - خواندن وفهمیدن هزاران شاهکار که نتیجهٔ افکار واحساسات دانشمندان و نابغه های جهان است برایش میسر میگردد شنیده‌اید که ناپلیون اول گفته است هر کس دو زبان داند دو آدم است ؟

اینها سودهائیست که عموماً آموختن زبان خارجه دارد . برای ماکه از ملل متمدن عقب مانده‌ایم و راههای جدید زندگانی را باید از آنان بیاموزیم دانستن زبان خارجه ضروری است . دانش آموزان دبیرستان های ما باید باندازه‌ای در یکی دو زبان خارجه ماهر شوند

زبان خارجه میرود وچند ماه در آنجا زیست می کند زبان متعارف را خیلی بهتر وروانتر از کسانی یاد می گیرد که سالها صرف خواندن کتاب ترجمه و مراجعه بکتاب لغت کرده اند روش مستقیم برای شاگرد اوضاع واحوالی ایجاد میکند شبیه باوضاع واحوال همان کشور خارجی وهمان مزیتی که اقامت در خارجه دارد طریقهٔ مذکور درکشور خویش برای او فراهم میسازد

وقتی آدمی برای تحصیل زبان بخارجه رود در آغاز ورود دوچار حیرت وشگفت میگردد زیرا یك باره با اوضاع واحوالی رو برو میشود که بدان آشنا نیست وواژه‌ها واصطلاحات وجمله های مجهول ویرا مبهوت میکند وممکن است اساساً از تحصیل نا امیدش سازد

روش مستقیم این معایب را از بین میبرد چه یك مرتبه مشکلات را جلو شاگرد نمی آورد بلکه ویرا رفته رفته از دانسته به ندانسته واز جزئی بکلی واز بسیط بمرکب رهبری می کند واز اینرو برای آموختن زبان تمام محاسن اقامت در خارجه را فراهم می کند بدون اینکه معایب آنرا دربر داشته باشد .

دشواری این روش بکار بستن روش مستقیم باتمام محاسنی که برای آن شمرده شد خالی از اشکال نیست . دبیر نه تنها باید زبان خارجه‌را نیکو بداند وبدان نیکو سخن گوید بلکه این روش مستقیم‌را نیز خوب بشناسد وازطرز استعمال آن کاملاً آگاه باشد .

بعلاوه چون دبیر باید پیوسته با دانش آموز در گفت وشنود بوده تمام ساعت درس را به سخن گفتن وسخن آوردن صرف کند زبانش خسته وحنجره اش فرسوده میشود . از اینرو باید در انتخاب دبیر زبان

آنها شاید نام ایشان را ببرد (۱) عبارتند از ویتور آلمانی وشویتزرو برلیتز فرانسوی(۲) که دراین باره رساله ها و کتابهای بسیار نوشته‌اند وجه تسمیهٔ روش مستقیم اینست که دانش آموز ازروی این اسلوب زبان‌را بدون‌واسطه‌می‌آموزد مفهوم هرواژه را حساً بشاگرد میفهمانند بدون‌اینکه‌معنای آنرا بزبان‌مادری گویندوازراه‌زبان مادری‌بدوبیاموزند. مثلاً دبیر هنگامی که کلمهٔ« Livre » را تلفظ می‌کند کتاب را بشاگرد نشان میدهدوهیچگـاه‌معنای آنراکه « کتاب » است نمی گـوید دلیل دیگری که این روش‌رامستقیم‌نامند اینست که صداهاوواژه‌هارامستقیماً درگـوش شاگـرد داخل می‌کنند بـدون اینکه قبلاً نوشته شدهٔ آنهارا نشان دهند ازاینرو روش‌مستقیم طریقه اینست حسی چه واژه‌هارابدون توسل بترجمه یا نوشتن‌لفظ بلکه‌بوسیلهٔ گفتن‌کلمه و نشان دادن‌مصداق خارجی (خواه شیئی باشد خواه‌عمل‌یا صفت‌یاخاصیت) بشاگردمیآموزند روش مستقیم همان است که مادر برای آموختن زبان بطفل خود بکار میبرد و ایرج میرزاجلال‌الممالك درقطعهٔ معروف خود وصف کرده‌است

یك حرف و دوحرف بزبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت

وازاینرو طبیعی ترین طریقه ایست که برای تدریس زبان میتوان تصور کرد

از روی تجربه ثبوت‌رسیده است که وقتی انسان برای‌یادگرفتن

---

(۱) درقرن‌هفدهم میلادی کمینوس Coménius دانشمندنامی ازاهالی مراوی (واقع درچك‌اسلواکی) پیشنهاد کرده بودکه زبان خـارجه رااز‌راه سخن گفتن باید آموخت نه بوسیلهٔ صرف ونحو لیکن پیشنهادش بکار بسته نشد

(۲) Wetor و Schweitzer و Berlitz

و ده گردش دهند و نام اشیاء و موجودات را با چگونگی آنها برایش ذکر کنند . چون این کار دشوار بلکه نا ممکن بنظر میآید باید اکتفا کرد بتصویرها و پرده‌های مخصوصی که برای آموختن زبان درست شده و در آن کارهائی چون کاشتن و درو کردن و استخراج معدن و شکار نمودن و سفر کردن و مانند آن بشکل روشن و زیبائی نمایش داده شده است

مرحلهٔ سوم - تصویر چون متحرك نیست و در آن واحد تنها یك عمل را نمایش میدهد بوسیلهٔ آن نمیتوان تمام مرحله های کار را آموخت استعمال سینما نیز در تمام ساعات درس گران تمام میشود پس باید قوهٔ متخیله را بکار انداخت بدین طریق که دبیر از عملی که از تصویر نشان میدهد آغاز کند و مرحله هائی را که آن عمل باید طی کند از روی خیال بگویند . جمله هائی که بدین ترتیب گفته میشود مانند زنجیر بهم پیوسته خواهد بود و اولی را که گفتند دومی بنظر میرسد و دومی سومی را بخاطر می آورد تا آخر .

این سه مرحله که در آغاز استعمال روش مستقیم خط سیر دبیر را نشان می دهد هریك متمم دیگر است و بر روی هم طریقهٔ حسی را بشکل دلپذیری جلوه گر میسازد .

اسم معنی

روش مستقیم چنانکه گفته شد در آغاز طریقه‌ایست حسی یعنی زبان را بوسیلهٔ محسوسات یاد می‌دهد . وقتی کلمات مربوط بمحسوسات یعنی اسامی ذات آموخته شد تعلیم اسم معنی دشوار نخواهد بود . البته اسم معنی را (که دلالت بر اشیاء خارجی نمی‌کند) بوسیلهٔ تصویر و نمایش نمیتوان آموخت بلکه باید از معلومات شاگرد

خارجه دقت وافی کرد تا هم سخنگوی وهم با صدای رسا و آلات تکلم قوی باشد .

دبیری که دارای شرایط مذکور باشد نباید بیش از هفته‌ای دوازده ساعت درس رجوع کرد باسواد کاری که بدو برگزار شده ازعهده برآید البته در این صورت برای آموزشگاه معینی هم باید بیشتر دبیر برگزید و هم حقوق زیادتر داد ولی نتایج روش مستقیم باندازه‌ای نیکو است که این قسم هزینه ها را کاملاً جبران می‌کند و جا دارد که در هر نقطه آنرا بکار بندند

مراحل این روش

در این روش سه مرحله است که دانش آموز باید یکی را پس ازدیگری بپیماید

مرحلهٔ نخست آموختن کلمات وصفاتی است که مفهوم آنها درپیرامون شاگرد موجود است وبی‌واسطه آنرا با حواس پنجگانهٔ خود ادراك میکند چون کلاس واثاثیهٔ آن وکارهای مربوط بزندگانی وی در دبیرستان ـ بدن ولباس وخانه وخوراك ـ خانواده ـ زندگانی در خانواده ومانند آن . درحقیقت دراین مرحله شاگرد چیزهائی میآموزند که فکر او را مستقیماً باکلمات زبان خارجی انس دهند و از همان ساعت اول بی درنگ زبان خارجی را بکار برد و بجای زبان مادری استعمال کند .

مرحلهٔ دوم آموختن واژه هائی است که مفهوم آنها مستقیماً زیر دست شاگرد نیست ولی ممکن است تصویر آنها را بدو نشان داد پس از تعلیم آنچه درمحیط مدرسه وخانواده است اگر بخواهند روش مستقیم را چنانکه شایسته است بکاربندند باید شاگرد رادر کوی وبرزن ودرشهر

اینکه قواعد دستور بدو گفته شود

بکار بردن زبان یعنی بدان سخن گفتن و این کار را دنبال کردن طرز تعبیر و گفتار درست را برای شاگرد طبیعی می کند و در این صورت اگر برطبق قواعد زبان صحبت کند برای این نیست که قواعد را درست اجرا کرده بلکه برای اینست که کلید زبانرا بدست آورده و اینگونه سخن گفتن برایش طبیعی شده و اگر طور دیگر حرف زند بگوشش گران آید وخاطرش متشنج گردد و بدو یادآور شود که غلط رفته است .

طریقی که برای آموختن دستور زبان باید برگزید راه استقراء است نه قیاس یعنی از جزئی بکلی پی بردن نه از کل بجزء رفتن . درحقیقت زبان خارجی را مانند زبان مادری باید آموخت . همانطور که آدمی زبان خویشرا میداند وقواعدی را که بدون توجه مدتها بدان عمل کرده در مدرسه دستور بخاطرش میآورد زبان خارجی را نیز باید آموخت سپس قواعدش را فراگرفت

خواندن وقتی شاگرد بلغات بیگانه اندکی آشنا شد و توانست با آنها جمله های ساده ترکیب کند باید کم کم متن هائی بدست او داد باعبارا تی شبیه بدانچه دیده است . خواندن این متنها متضمن سود بسیار است که از آنجمله یکی درست کردن تلفظ شاگرد است هنگام خواندن ـ دیگر بیان کردن اسامی معنی ـ سوم گفت وشنود راجع بموضوع متن بزبان خارجی . همینکه شاگرد متنهای آسانرا در کتاب درسی خواند باید کتاب قرائت باو داد و همان طور که راجع بآموختن زبان فارسی گفته شد درس قرائت را باید تعلیم کرد

تکلیف نوشتنی برای اجرای روش مستقیم باید لااقل در آغاز زبان خارجی را باگفت و شنود بیاموزند ولی این امر مانع نیست که

استفاده کرد وهمینکه بفهمیدن کلمات مربوط بعالم خود توانا شد واداشت بخواند ودر ضمن خواندن بوسیلهٔ مثالهای بسیار وتعریفهای واضح و سنجش های روشن وکلمات متضاد ولفظ های متـرادف و اشتقاق لغات و مانند آن اسم معنی را بهمان زبان خارجه برای او بیان کرد . بدین ترتیب علاوه براینکه تمام وقت درس صرف سخنگوئی بآن زبان شده واین خود ورزش بسیار سودمندی است شاگرد را نیز عادت میدهد که در همان زبان فکر کند . اغلب اوقات نیز درصورتی که متن قرائت از روی دقت تهیه شده باشد شاگرد بقرینه پی بمفهوم کلمه میبرد . همانطور که در معادلهٔ جبر مقدار مجهول از روی روابط آن با مقادیر معلوم پیدا میشود تسلسل افکار پیوستگی مطالب متن ورابطه‌ای که میان مجموع کلمات معلوم ولفظ مجهول موجود است نیز موجب ادراك معنای آن لفظ مجهول میگردد .

دستور زبان کسانی که با استعمـال روش مستقیم مخالف هستند میگویند که بااین روش دستور زبان آموخته نمیشود اگر منظور اینست که تعلیم زبان خارجه بوسیلهٔ دستور آغاز شود تردید نیست که روش مستقیم در آغاز کار توجه به صرف ونحو زبان ندارد

پیروان این شیوه را عقیده بر اینست که هنگام شروع دستور را بطور نظری بی مقدمه وسابقه نباید آموخت بلکه جزئیات دستور رانباید یکبار گذاشت ودستور زبانرا بطریق عادت وازراه استعمال مرکوزذهن شاگرد کرد و وقتی این امر انجام یافت بوی گفت فلان ملفوظ جمله و فلان طرز تعبیر بنا بر فلان قاعده است بااین ترتیب در آغاز کار باید گذارد شاگرد مدتی اشکال مختلف جمله را بیاموزد و آنهارا بکار برد بدون

دانش آموز صفحه را روی گرامافون می گذارد و تصویر مربوط و شرح آنرا روبری خود می نهد . با گوش گفته ها را می شنود و با چشم تصویر وجمله ها را می نگرد . چندین بار که هر کلمه وجمله را با دقت شنید و گوشش بدان خو گرفت کوشش می کند آنها را تلفظ کند و به سخن گفتن بپردازد .

گرچه این وسیله را در بسیاری از دبیرستانها ومدارس عالی اروپا وامریکا بکار برده اند ولی نتیجه‌ای که بدان رسیده اند بر نگارنده معلوم نیست . از طرف دیگر کمترین بهره‌ای که از آن بتوان برگرفت آموختن تلفظ درست است . چون صفحه‌ها را عموماً استادان فصیح زبان پر کرده اند وداشتن چنین استادانی برای همه کس مقدور نیست باید گرامافون را به کلاس برد وصفحهٔ مربوط ومناسب با درس را چند بار گذارد تا شاگردان تلفظ درست ونیکو را مکرر بشنوند وفرا گیرند

در امریکا واروپا واخیراً هم در ایران از رادیو نیز برای آموختن زبان استفاده میکنند و باید امیدوار بود بزودی در دبیرستانهای ایران وسیلهٔ استفاده از آن فراهم شود

زبان خارجه در کلاس

نخستین شرط ایجاد روش مستقیم آنست که دبیر از لحظه اول بزبانی که می خواهد بیاموزد سخن گوید وصفحه زبان خارجی را بکار برد . اگر زبان مادری را د کلاس استعمال کند وزبان خارجی را بوسیلهٔ ترجمه یاد دهد روش مستقیم را بکار نبرده ونباید انتظار پیشرفت داشت . ترجمه برای آموختن زبان خارجی در آغاز کار نه تنها سودمند نیست بلکه زیانهائی در بر دارد اولاً بیشتر وقت کلاس صرف دادن توضیح بزبان مادری می شود وا

تکلیف نوشتنی نیز داده شود زیرا که واژه ها و جمله ها را تاشاگرد ننویسد در حافظه اش نقش نمی بندد و راسخ نمی شود . این تکلیف ها باید شاگرد را وادار کند به گفتن و نوشتن واندیشیدن برنابی که تحصیل می کند وعبارت خواهد بود از رونویسی - املاء کردن متنی که در کلاس بیان شده - ازحفظ نوشتن قطعاتی که قبلاً خوانده شده - تغییر دادن مفرد وجمع وضمیروفاعل وزمان افعال در قطعه‌ای که سابقاً دیده‌اند - جواب نوشتن به پرسشهای دبیر- نامه نویسی‌وانشاء موضوعهای آسان ومانندآن البته این تکلیف ها باید مربوط بدرس روز باشد و باقتضای‌سن شاگرد ودانسته های او تغییر کند

تلفظ درست نکتهٔ دیگری که دراینجا باید یادآورشود اینست که شاگردهمیشه می‌خواهد کلماترا بلهجهٔ زبان مادری تلفظ کند مثلاً ایرانیu فرانسه را او تلفظ می کند چه درفارسی uوجود ندارد بااین‌جهت‌دبیرباید درابتداکلماترا‌خودتلفظ کند سپس وادارد‌شاگرد آنهارا درست تلفظ نماید ووقتی ازاین امرمطمئن شدآنگاه بگذارد بنویسد وگرنه میل طبیعی ویرا‌بتلفظ غلط میکشد

درسالهای اخیر که صنعت گرامافون ترقی کرده و درجامعه رائج گشته برای آموختن زبان خارجه آنرا بکار می‌برند صفحاتی‌پر کرده‌اند که هریک راجع است به قسمتی اززندگانی روزانه چون خانه ، اطفال ، شام ،کوچه ، مهمانخانه ، ایستگاه راه‌آهن ، پستخانه ، مغازه، آرایشگاه، فصلهای سال ، اتومبیل و مانندآن . برای هرصفحهٔ گرامافون تصویری تهیه کرده اندکه درذیل آنرا بـاعبارات ساده وفصیح تشریح نموده اند. ازمجموع این‌تصویرها وشرح هاکتابی‌فراهم کرده‌اند که کاملاً باصفحه‌های گرامافون تطبیق‌میکند

سطرش طبیعی بیاید . خامساً بهترین ومحکمترین دلیل بر آنکه نباید زبان خارجه را بوسیلهٔ ترجمه آموخت اینست که شاگرد وقتی بخواهد آنرا بکار برد باید کوشش کند ترجمه نماید وگرنه از عهدهٔ سخن گفتن بر نخواهد آمد .

بدلایل مذکور کلماتی که از زبان خارجه یاد می گیرند باید مفهوم آنها پیوسته باشد وهیچ واسطه‌ای چون زبان مادری درمیان نباشد وگرنه همان واسطه سبب اشکال وموجب کندی وموری خطا واشتباه است . پس ترجمه وسیله‌ایست که ترجمت باید بدان معتاد شد وبعدهم ترجمت از سررفع کرد بنابر این باید لااقل درآغارکارآنرا متروك داشت .

حدود استعمال ترجمه

تمام دلایلی که در فوق ذکر شد در سر درس نباید نشمت بترجمه جست بلکه باید همیشه زبانیرا که می خواهید بیاموزید در کلاس بکار برید و بوسیلهٔ ترجمه تدریس نکنید . این قاعده بویژه در ابتدای کار باید کاملاً رعایت شود . وقتی شاگرد براه افتاد هنگام تدریس گاهگاهی معلم برای اینکه بفهمد درسش را شاگردان فهمیده اند یانه ممکن است ترجمهٔ یکجمله را از آنها بخواهد ولی در این امرهم نباید زیاد روی کرد . اما همینکه دانش آموز دوسه سال زبان خارجی را آموخت و خوب بر آن مسلط شد وتوانست بدان تکلم کند معلم می‌تواند بعضی قطعات را بدهد که کتباً بزبان مادری ترجمه کنند . مدتی که براین منوال گذشت می توان ترجمه از زبان مادری بزبان خارجه داد تا اگر در زندگانی محتاج بترجمه کردن‌شوند بآسانی از عهده برآیند ورفع احتیاج ازخودنمایند.

این رو عدهٔ معدودی کلمات خارجه را در سر درس تلفظ می‌کنند پس وقت می‌گذرد بدون اینکه گوش و زبان شاگرد عادت کند بشنیدن و گفتن زبان خارجه و بدیهی است که با این عادت حاصل نشود زبان خارجه را فرا نتوان گرفتن ثانیاً کسانی که بوسیلهٔ ترجمه زبان خارجه را تحصیل می‌کنند طبع آن زبانرا نمی‌توانند بدست آورند ودر آن زبان هم نمیتوانند فکر کنند بعکس چون طبعاً میل دارند جمله‌ها وعباراتی که ادامیکنند مطابق و مانند زبان مادری باشد اغلب بنتایج شگفت آور میرسند . ثالثاً چه بسا اتفاق میافتد که جمله ها و اصطلاحاتیرا نمی شود ترجمه کرد زیرا که معادل آن در زبان مادری نیست . اصطلاحات و واژه‌ها و استعاره‌های هر زبان را وقتی می توان فهمید که درمیان کلام و درجزء جمله‌های آن زبان یاد گرفته شود رابعاً ترجمه برای انسان تولید مشکلاتی می کند که اهمیت آن در عمل معلوم می‌شود این مشکلات از اینجا ناشی است که هر زبان طرز تلفیق و شیوهٔ تعبیر خاصی دارد مثلاً اگر در زبان فرانسه معلم چند بار تکرار کند «Je vous donne le livre» شاگرد آنرا همین طور که هست می‌گوید و فرا می‌گیرد بدون اینکه حس کند در جملهٔ مذکور تعبیر خاصی از زبان فرانسه موجود است اگر کسی بگوید «Le livre je vous donne» گوشش گواهی می دهد که غلط است در صورتی که اگر بوسیلهٔ ترجمه زبان را بیاموزند شاگرد بزبان مادری فکر می کند و طبیعةً میل دارد جملهٔ فارسی یعنی « کتابرا بشما می دهم » کلمه بکلمه مبدل بلغات فرانسه کند . مانند این اشکال هر آن برای دانش آموز پیش آید و هر لحظه نظیر این اختلاف در نظرش مجسم شود و هیچگاه آن عبارت فرانسه

آنکه طرز تعبیر وشکل عبارت ها و جمله ها را شاگرد عملاً بواسطهٔ مکالمه و گفتگو فراگرفت

۹ ـ ملتی که شاگرد زبانش را میآموزد باید بشناسد واز زمانی بدین کار اقدام شود کـه تااندازه‌ای آشنا بزبان شده باشد

کتاب قرائت وموضوعات درس از سال دوم ببعد باید طوری ترتیب داده شود کـه شاگرد رفته رفته طـرز زندگانی ـ اخلاق ـ عادات ـ بنگاهـا ـ جغرافیا ـ تاریخ وادبیات کسانی را کـه بزبان آنها سخن میگویند بیاموزد

نگارش برنامه دبیر از همان ساعت نخست کـه آموختن آغاز میکند بزبان خارجه جملهٔ بسیار ساده وکوچك میگوید ومفهوم کلمه‌ای که در آن است بشاگرد نشان میدهد مفهوم این کلمه وکلماتی که در درسهای اول بکار میرود باید در جلو چشم شاگرد موجود باشد . خلاصه ، جمله‌ای راکه گفت دوسه بار روشن وبلند بلفظ میکند بعد وامیدارد شاگردان یك‌یك یا باهم درست تکرار کنند سپس عین آن جمله را باز میگوید ولی بجای کلمهٔ اول کلمهٔ دیگری میگذارد وهمانوقت مفهوم آنرا نشان میدهد واین جمله را هم چند بار خـود و شاگردانش تکرار میکنند . بهمین ترتیب دبیر در نخستین درس یك‌یادو جملهٔ کوچك کـه در آن بنوبه چند کلمهٔ مختلف گذارده شود چندان میگوید ووامیدارد بگویند که در همان درس اول مرکوزذهن شاگردان شود دردفعهٔ بعد بوسیلهٔ پرسش‌های بسیار جملهٔ درس قبل را پس میگیرد وبدون اینکه یك‌کلمه بزبان مادری سخن‌گوید درسی شبیه بدرس اول میدهد . البته این درس‌ها باید طوری مرتب شده باشدکه بتدریج کلمه

اصول مهم بنابر آنچه گفته شد چند اصل مهم است که در روش مستقیم باید بکار برد ودر اینجا خلاصه میشود

۱ ـ تدریس باید لااقل در آغاز زبانی باشد وعبارت نوشته و کتاب را باید پس از آنکه شاگرد درسرا فهمید و مذکور ذهنش شد جلو او گذارد .

۲ ـ از روز نخست باید زبان خارجه را در کلاس استعمال کردو زبان مادری را نباشود بکار بینداخت . فقط گاهگاهی برای آزمایش و تحقیق اینکه شاگرد درس رافهمیده یا برای بیان کلمه وجمله‌ای که بسیار دشوار باشد ممکن است زبان مادری را بکار برد .

۳ ـ در سالهای اول‌هیچگاه ودرتحت هیچ عنوان‌نباید ترجمه از زبان مادری بزبان‌خارجه داد فقط‌پس ازآنکه دانش آموز کاملاً آشنا باستعمال زبان شد میتوان اینگونه ترجمه را به وی داد .

٤ ـ ترجمه از زبان خارجی‌بزبان مادری‌را هم نباید در سر درس اجازه داد مگر درموردی‌که در بند دوم گفته شد .

٥ ـ درسال اول ودوم دبیرستان باید عین چیز هائیرا که نام برده میشود یاگراور وتصویر وپرده های دیواری را درکلاس بکار برد .

٦ ـ هنگام خواندن‌کتاب باید باشاگرد بسیار گفتگو کرد وویرا سخن‌آورد خواه برای توضیح وتفسیر فکر نویسنده و تحقیق اینکه شاگرد مطلبرا فهمیده است خواه برای بیان‌کردن اسامی معنی .

۷ ـ تلفظ درست را بایدبوسیلهٔ‌صفحه های‌گراموفون که‌استادان فصیح زبان پر کرده باشند یابوسیلهٔ رادیو آموخت .

۸ ـ دستور زبان از روی مثال باید آموخته شود آنهم پس از

برسان اسب بیرون میآید

بتدریج که برداس شاگرد افروده میشود وعادب میکند باستعمال جمله ها وواژه‌های متداول کاردبیر آسانترمیشود دردورهٔ اول دبیرستان باید منظور اصلی این باشدکه شاگرد سخن گفتن را فراگیرد وآنچه‌را میگوید بتواند بنویسد از اینرو نخست باید در آموختن تلفظ درست دقت کرد وهر کلمه را با شاگرد درست تلفظ نکند بکلمهٔ دیگر نپرداخت وقتی شاگردان واژه ها را نیکو تلفظ کردند باید خود دبیر عبارت های ساده را تلفظ کند وادارد یك‌یك وگاهی باهم عبارت ها راتکرار کنند

دوم آنکه لغات را باید بوسیلهٔ نشان دادن اشیاء بیاموزند ابتدا نیز باید بطوری که در برنامهٔ رسمی مقرر شده از اشیائی سخن گفت که در کلاس موجوداست ازهمان‌درسهای‌اول‌باید فعل واسم راباهم آموخت افعالی که درآغاز تدریس میشود باید ازحرکات واعمال شاگرد درکلاس گرفته شود چون برخاستن - رفتن پای‌تخته - نوشتن - خواندن - پاك کردن تخته - نشستن ومانندآن سپس افعالیراکه می‌آموزند مربوط به اعمالی باشدکه بدستور دبیردرکلاس انجام میشود مانند بازکردن در کلاس - بستن‌پنجره - راه‌رفتن درکلاس - بلندکردن دست - خم‌شدن ونظیرآن نقشه‌های دیواری دراین موقع بکار میخورد ووسیلهٔ استعمال افعالیرا که درزندگانی بدان نیازمند است بدست میدهد کتاب قرائت نیز وسیلهٔ دیگری برای تکمیل لغات و بکار بردن افعال خواهد بود . بدیهی‌است تمامی این لغات وافعال باید در حدود موادی باشدکه برنامهٔ رسمی معین کرده‌است ولی‌این نکته را باید یادآورشدکه تمام لغاتی که دریك موضوع موجوداست نباید آموخت مثلاً وقتي اثاث خانه گفتگو

وجمله های مختلف را شاگرد فراگیرد ودر ضمن آموختن این جمله ها قواعد سخن گفتن زبانرا یادگرفته وسبك تلفيق آنها را ادراك كند بدون اینکه اسمی از قاعده ودستور برایش برده باشند از درس دوم وسوم کلماتی راکه دبیر میگوید پس از آنکه تلفظ آنها را یاد داد روی تختهٔ سیاه مینویسد ووادار میکند شاگردان هم در کلاس وهم درخانه از روی آن بنویسند تا املاء آنها درخاطر شان نقش بندد پس از چند درس که بدین منوال داده شد باید تمرینات آسان بشاگرد دادو آنها اغلب عبارتست از نوشتن جمله‌هائی که مانند جمله‌های درس باشد

از ماه سوم بعد که شاگرد تا اندازه‌ای لغت فراگرفته و آشنا بچند گونه جمله شده است باید بوسیلهٔ نقشه های دیواری ویرا بسخن آورد بدین طریق که دبیر شخصاً متنی راکه درکتاب شاگرد (راجع بیکی از نقشه ها) موجود است میخواند ودرضمن متدرجاً آنچه میخواند روی نقشه نشان میدهد- آنگاه کتابرا می بندد واز روی نقشه وبر طبق متن کتاب از دانش آموز پرسش میکند وشاگرد باید جواب دهد

جوابهائی که شاگرد میدهد باید کامل باشد یعنی عبارت باشد از فعل وفاعل ومفعول اگر شاگرد خواست بنها بوسیلهٔ بلی ياله یا واژه هائی مانند آن جواب گوید دبیر نباید بپذیرد وباید وادارد جملهٔ کامل بگوید مثلاً اگر دبیر پرسید « چندتن شاگرد در این کلاس هست ؟» ممکن است شاگرد بگوید ۲۵ ولی معلم باید ویرا مجبور کند اینطور جواب دهد « دراین کلاس ۲۵ نفر شاگرد است» بدینوسیله است که جمله‌ها درذهن شاگرد باقی میماند واز تکرار آن‌هم تلفظش درست میشود هم از حالت حجبی که در آغاز کار دارد واز سخن گفتن بزبان خارجه

واشکالات خودرا بزبان خارجی از دبیر بپرسد

پنجم آنکه کتاب قرائت باید دارای متن‌هائی باشد مربوط ببرنامه ودر حدود برنامه . در آغاز قطعات نثر کافی است از سال دوم ممکن است قطعات منظوم هم درکتاب قرائت باشد وآنهائی راکه از استادان درجهٔ اول است می‌توان بشاگرد داد تابخاطر بسپارد ولی وقت زیاد نباید صرف حفظی کرد بطوری که در بالاگفته شد قرائت یکی از وسایل عمدهٔ مکالمه وبحرف آوردن شاگرد خواهد بود

ششم آنکه تکلیف کتبی در آغاز عبارت باشد از نوشتن عین واژه‌ها وبعد عین جمله‌هائی که شاگرد درکلاس یاد گرفته است بدون اینکه کمترین توجه بترجمه شود از اواخر نخستین سال باید تکلیف‌هائی راجع بدستور زبان داد چون صرف کردن فعلی که درکلاس تدریس شده ـ نوشتن جمع لغات ـ تطبیق صفت وموصوف ومانند آن .

از سال دوم دبیر باید پرسش‌های کوچك دربارهٔ درس کند وشاگردان را وادارد هم سئوالات را بنویسند وهم جواب آنها را شب در خانه تهیه کنند . از وسط سال دوم میتوان قطعات مختصر بشاگرد املاء کرد ولی دبیر باید تصحیح فردی کند وهر برگ را جداگانه ببیند متن این دیکته‌هارا باید شاگرد قبلاً فهمیده باشد واز این رو باید از حیث آسانی یادشواری در حدود برنامهٔ رسمی وکتاب قرائت باشد .

در پایان دورهٔ اول دبیرستان باید واداشت شاگردان موضوعهای ساده که از پیش درکلاس مطرح وبزبانی بسط داده شده درخانه‌ بپرورانند ونامه‌های کوچك وآسان نیز بنویسند .

میشود لازم نیست نام تمام اسباب و ابزار آشپزخانه گفته شود بلکه باید اکتفا باشیاء مهم نمود بویژه تا بشود باید از تعلیم لغاتی که شاگرد فارسی آنرا نمیداند دوری جست

سوم آنکه دستور زبانرا درابتدا بوسیلهٔ عبارات ساده وجملههائی که در بالا گفته شد آموخت در آخر دورهٔ اول دبیرستان شاگرد نباید در کلیات دستور زبان تردید داشته باشد مطالب غیر ضروری را نباید یاد داد دبیر باید کاملاً مراقب کند که روز بحسب شاگرد کلمات و عبارات را بشکل درست اداکند ودرست بنویسد و بعد متدرجاً جملهها و صورتهای مشابه را پهلوی یکدیگر بگذارد واز آنها قواعد دستور را بیرون کشد قبل از گفتن قاعده باید گوش دانش آموز بصوتها وعبارتهای درست عادت کند و قاعدهٔ دستور فقط از ترتیبی که معمول است و در جمله های درس رعایت گردیده حکایت کند

چهارم آنکه در دورهٔ اول دبیرستان منظور اصلی و وسیلهٔ عمدهٔ آموزش باید گفت وشنود باشد بدیهی است در آغاز مکالمه عبارت خواهد بود از پرسش هائی که دبیر (با لغاتی که یاد داده است) میکند وجوابهائی که شاگرد (باجمل و عباراتی که یادگرفته است) میدهد غرض آنست که یك عده كلمات با معنی و باروح داخل حافظهٔ شاگرد شود وگوشش بعبارات درست معتاد گردد همانطور که سابقاً اشاره شد جواب شاگرد باید جملهٔ کامل باشد بعلاوه هرزمان که مقتضی شد باید با شاگرد سخن گفت وراجع بزندگانی دبیرستان کلمه وعبارت وجمله های تازه بدو یاد داد تمام دستور های دبیر باید بزبان خارجی باشد و از آخر سال اول شاگرد اگر پرسش هائی راجع بدرس میکند باید بزبان خارجي انجام گیرد

اهمیت پرورش تن

ز جمله نعمت دنیا چو تندرستی نیست درست گردد تا آن چون درستی از بیمار
نگارت اندر چون با درستی ای جوان درست بود دل شکسته مدار
سنائی

درجاهای مختلف کتاب که از تندرستی و بهداشت (فصل نخست از بخش دوم) یا از اثاثهٔ کلاس وساختمان آموزشگاه گفتگو بمیان آمد بطورغیر مستقیم دربارهٔ پرورش تن نکاتی گوشزد شد لیکن بسیاری ازمطالب ناگفته ماند که می‌بایست بخشی بدان تخصیص یابد. بویژه که تربیت بدنی اکنون مورد توجه شاهنشاه کشوراست وعلاقه وعنایت خاصی نسبت بدان مبذول میشود

لزوم پرورش تن

این توجه و علاقه بی دلیل نیست از سه نظر پرورش تن کمال اهمیت ولزوم رادارد. نخست ازلحاظ فرد هرکس به سلامتی و نیرو نیازمند است اگر کارگر است سرمایهٔ وی در زور بازوی اوست اگر دررشته‌ای تخصص داردو باید یکی ازحواس خودراچون چشم پیوسته بکاربرد (مانند ساعت ساز و نویسنده) ناگزیر است دیگر اندام خویش را ورزش دهد تا درنتیجهٔ بیکاری تغییرشکل پیدا نکند وفلج نشود اگر کارفکری دارد باید از خستگی پرهیز کند و بوسیلهٔ ورزش‌دماغ خودرا تازه نماید و نیروی تعمق و تدقیق‌را استوار بدارد. وقتی‌همگی اندام آدمی‌درست کار کند وتندرستی فراهم باشد خوشی وسعادتی احساس میکندکه مایهٔ اطمینان وامیدواری وانگیزهٔ اوبکار و کوشش است. خوش خلقی و نیك محضری نیز از نتایج تندرستی وسلامتی است که دوستان ورفیقان وخویشاوندان

بخش ششم

اندر

پرورش تن

وهر خرج شود باید بمصرف بیمارستان و تیمارگاه رساند .

اگرجامعهٔ ما میخواهد زنده و آبرومند و قوی باشد باید فکری برای رهائی صدها هزاران افراد از بیماری نماید و کشیدن تریاك را از کارهای ننگین کند ومالاریا و براحم و دیگر امراض راکه همه جا ساری است ازمیان بردارد ومردم را آشنا به آئین بهداشت و شاگردان را معتاد برعایت قوانین فیزیولوژی وزیست شناسی کند .

از لحاظ اخلاقی نیز آدمی باید پرورش تن را مهم شمارد اکنون هزاران کارمند جامعه رنج میبرند ورحمت میکشند باهرفرد زندگانی با آسایش داشته باشد . اگر او بواسطهٔ توجه نکردن به پرورش تن ناتوان شود و نتواند خدمتی بجامعه کند چون انگلی است که از نتیجهٔ کار دیگران بهره مند شود وجود بهره نرساند . ازاینرو اخلاقاً موظف است که خود را تندرست و نیرومند نگاهدارد تا از عهدهٔ خدمت و انجام تکلیف برآید .

عملی گذشته باوجود اهمیت بسیاری که پرورش تن دارد در دو سه قرن اخیر بدان توجهی معطوف نمیشد وهمانطور که از هرحیث کشور دچار انحطاط وزبونی شده وروح سلحشوری وزرمجوئی ازمیان رفته بود یك نوع بی‌قیدی و بی‌اعتنائی نسبت به تربیت بدن همه‌جا فرمانروائی‌داشت . کسانی که درکار آموزش وپرورش بودند فضیلت رادر ترك نمعات جسمانی می‌پنداشتند ومعتقد بودند که

تن‌چو بار برگ است روروشب‌ازآن شاخ‌جان‌در برگ‌ریز است وجزار
برگ‌تن بی برگی جانست زود زین ببباید کاستن وابرا

این عقیده نزد همگی رسوخ پیدا کرده بود که هرکس دیا

از آن بهره مند میشوند . چه بسا کج خلقی و رنجش و عصبانیت و بد رفتاری وخودپسندی و بیدادی که از بدی گوارش و زیادی کار یا تنبلی کند عارض میشود :

نماند روان تندرستی جـوان   نمادش توان و نمادش روان

چه بسا اشتباهات بزرگ وخطاهای عمده که در نتیجهٔ کسالت و سستی اعصاب وخستگی وفرسودگی حاصل میشود ؛ شنیده‌اید که نظامی درهشتصد سال پیش فرموده

سخن در تندرستی تندرست است   نشاید کـرد خود در اچارهٔ کار

که در سستی همه تدبیر سست است   که بیمار است رأی مرد بیمار

از لحاظ اجتماعی نیز پرورش تن سخت ضـروری است . جامعهٔ نیرومند و نیك بخت از افراد قوی و تندرست تشکیل یافته ـ دفاع میهن را تنها سربازان زورمند وسالم تأمین میکنند ـ در کشمکش اقتصادی که اکنون میان کشورها برپاست مملکتی کامیاب میشود که کارمندان آن تندرست و نیرومند باشند و بتوانند در برابر سختی‌ها ایستادگـی کنند و محصولات خوب بهبهای ارزان تولید نمایند .

ایران در روزگاران پیش بهتـرین سرمشق نیرومندی بوده و در دوران بزرگی از رود جیحون تابوس در تحت اختیار و تسلط وی در آمده است . در آن ایام پرورش تن بسیار مهم بـود وهمگی بدان توجه وافی داشتند چنانکه اسب سواری ـ تیراندازی ـ چوگان بازی ـ زوبین اندازی ـ شنا و کشتی از جمله مواد برجستهٔ آموزشگاه‌های آن عصر بوده است .

جامعه ای که افرادش تندرست باشند در آمد خود را باید صرف دارو و درمان کند و وجوهی که برای کارهای بزرگ و پیشرفت دانش

وپزشك ودبیر وسیاستمدار وافسر ازدانشکده ها بیرون آیند - درچنین روزگاری دیگر نباید خمیده وچهرهٔ رنك پریده و چشم های خوابیده و دست لرزان وعادت به تریاك وابتلای بمالاریا نمی‌توان کار ازپیش برد و بادیگر کشورها کوس همسری زد . باید بحکم لزوم کارمندان جامعهٔ ما تندرست وبرومند باشند وگرنه هیچ یك توانا بانجام وظیفه نخواهند بود وشایستگی این دوران پر آشوب رانخواهند داشت

کارهائی که انجام یافته

خوشبختانه درسالهای اخیر اقداماتی درزمینهٔ پرورش تن شد که مایهٔ سپاسداری است در ۱۳۱۱ انجمن پیشاهنگی وتربیت بدنی تأسیس یافت که ریاست عالی آنرا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر عهده گرفتند - در ۱۳۱۳ ادارهٔ مخصوصی بنام تربیت بدنی دروزارت فرهنك تشکیل یافت که گامهای تند برای پیشرفت ورزش برداشت .

شعبهٔ انجمن درتمام شهرها ایجاد گردید زمینهای ورزش درهمه جا مهیاشد ورزش در تمام دبستان ها اجباری گردید دسته های بازی درسیاری ازدبیرستانها ودانشکده ها برپاشد سازمان پیشاهنگی بوجود آمد . کلاس مخصوص برای تربیت آموزگار ورزش دردانشسرای تهران تأسیس شد . هر تابستان در منظریه و نزدیك شهرهای بزرك اردوهائی برپا شد تاجوانان را بامور پیشاهنگی وتربیت بدنی آشناسازند بهداشت آموزشگاهها مورد توجه شد درتهران وشهرهای بزرك پزشکانی بمعاینهٔ مدارس وجلوگیری از بیماری های مسری ومعالجه و مداوای شاگردان معین شدند .

شدائد را تحمل کند وحاضر باشد شب شام نخورد وروی بوریا بخواند و در رواق مدرسه هنگامی که برف میبارد بلرزد و بدرس استاد گوش کند آنکس در تحصیل کامیاب شود و نتیجهٔ ریاضت را برد .

پس از انقلاب ۱۳۲۴ قمری وقتی آموزشگاه های جدید برپا شد و چند تن از پیشقدمان به پرورش بدن توجه کردند و ورزش در برنامهٔ مدارس جای گرفت از همه طرف غوغا برخاست . اشخاص بانفوذ ومحافظه کار پرورش تن را برخلاف حیثیت وشئون اسلامی قلمداد کردند و«ورجه وورجه» را برضد وقار و متانت اعلام کردند و از هر سو علم مخالفت و معاندت را برافراشتند . . .

عصر پهلوی

ولی تحولاتی که از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ در این کشور روی داده وعصر نوینی که پدید آمده تحدی اوضاع را دگرگون کرده است که نه تنها مخالفت با پرورش تن امکان پذیر نیست بلکه هرکس باید بسهم خود کمك کند و نقص بزرگی که در زندگانی ما هویداست مرتفع سازد و گامهائی که متناسب با این عصر باشد در راه تربیت بدن بردارد

در روزگار کنونی که پسران ما باید همگی جامهٔ سربازی دربر تن کنند وخدمت مقدس نظام وظیفه راانجام دهند - پیوسته هوشیار و آماده برای حفظ مملکت ودفاع از استقلال و تمامیت آن باشند - در زندگانی اقتصادی شرکت کنند و کارخانه‌های متعددی که در نقاط مختلف کشور برپا شده راه برند - کشاورزی را ترقی دهند و از روی آئین و اصول نوین محصول بدست آورند - در بازار های خارج با بازرگانان مملکت های دیگر همچشمی کنند ووسیلهٔ فروش کالاهای خودرا فراهم سازند - مهندس

ساختن	اسباب بازی لانهٔ مرغ و کبوتر باد بادك
بار آوردن	باغبانی گلکاری نگاهداشتن گربه وسگ وخرگوش ومانند آن
اکتشاف	گرد آوردن گیاه ـ سنگ ـ چوب ـ بذر مشاهدهٔ پرندگان ولانهٔ آنها ـ جانوران اهلی ووحشی ـ حشرات
موزون بودن	رقص ـ پاکوبی بازی باسرود راه رفتن

منظور از پرورش تن وقتی از پرورش تن گفتگو میشود همه بیاد ژیمناستیك و ورزش میافتند درصورتیکه منظور از آن سه نکته است. یکی نگاهداری تن و بهداشت ـ دیگر پرورش تن و ورزش ـ سوم کمك بتربیت قوای فکری و ایجاد ملکات فاضله و اخلاق حسنه. جسم لطیف کودك که تمام نیروهای حیات در آن نهفته است اگر پیوسته مورد مراقبت ومواظبت نباشد دچار ضعف و هلاکت میشود. این مواظبت تنها بواسطهٔ مهر پدر ومادر انجام پذیر نیست بلکه اطلاعات ومعلومات کافی باید بدان ضمیمه شود تا نتیجهٔ مطلوب بدست آید.

از لحاظ روان‌شناسی

این همه اقدام برای اینست که حرکت وجنبش و کار و جوشش از مختصات کودکی است ساختمان طفل ایجاب میکند که پیوسته ابراز فعالیت نماید تا اعضاء وجوارحش عمل کند ووسایل رشدش فراهم آید

علمای روان‌شناسی اطفال‌معتقدند که هفت غریزه در کودك موجود است که پایهٔ پرورش بدن ومایهٔ حرکتهای اوست.

آن غریزه هاعبارتست ازغریزهٔ زدوخورد
شکار
اکتشاف
ساختن
پروردن وبار آوردن
موزون کردن
همکاری

این غریزه هابه درجات متفاوت درسن‌های مختلف وجود دارد و هرورزش وعملی که برای پرورش بدن معین شود باید تمام آنها را نشو بخشد درزمان پیشین که آدمی بدوی بودغریزه های مذکوربطورطبیعی ظهور میکرد و اکنون که شهرنشین شده ناچار باید وسایلی تعبیه کرد تا فرصت ظهور بدانها دهد . برای رسیدن بدین منظور بباید طبق عقیدهٔ متخصصان ورزشهائی که در برابر هر یك از غریزه ها ذکرمی‌شود بکاررود

زدوخورد	بیس بال
شکار	والی بال
همکاری	بازیهای قهرمانی

به مادر وپدر روی میکند وهمواره تا فرستادن به دبستان این مسئولیت به تنهائی بدوش آنان خواهد بود وقتی شاگرد مدرسه شدخانواده باید مراقب کند تادستورهای بهداشت آموزگاردرخانه بکاربسته شود و این دوحقیقت پیوسته درنظر پدرومادر باشدکه اولاً عادت های نیکو ورشت درخانه بوجود میآید ودرنهاد طفل جای گزین میشود و ثانیاً در پرورش تن خانواده باید باموزشگاه کمك کند وگرنه عمل تربیت صورت نمیگیرد وبی نتیجه می ماند

این نکته هارا باید آموزگار درمواقع مقتضی بشاگردان گوشزد کند تاهنگامی که بزرگ شدند وخانواده برپاکردند تکلیف خویشتن را بدانند وبا ایمان آنرا انجام دهند

وراثت جوانانی که امروز دربرابر شما روی نیمکت و صندلی قرار گرفته‌اند و فردا پدر و مادر خواهند شد باید متوجه اصول وآئین وراثت شوند وبدانندکه نیرو وسستی تن وروان اطفال آنان بسته است بمزاج واخلاق خودشان. اگر تندرست وسالم باشندکودکی کـه بوجود میآورند تندرست وسالم خواهد بود واگـر بیمار و زشت سیرت باشند بچهٔ آنان نیزمریض وبدرفتارخواهد بود

باید پسران راآگاه ساخت ومسئولیتی که دارند بدانهایادآورشد بانعد ها دربرابر لذت آنی که گذرنده است وآدمی و اعقابش را دچار رنج ودرد میسازدخویشتن داری کنند. باید بآنان فهماند کـه بجـای معاشرت با رفیقان فاسد باید دوستانی پیدا کردکه شادی را درگردش و ورزش یابند باهم خستگی آنان رفع شود وهم بدن آنها نیرومندگردد و چون هنگام ازدواج رسد سربلند ازاینکه خودراآلوده نکرده‌اندباکمال

وقتی طفل بزرگتر شد یاجزو سالمندان قرار گرفت جز در حوادث ناگوار که باید بپزشک مراجعه کند خود باید بدن را سلامت بدارد و از این جهت باید بقواعد بهداشت آشنا باشد ولی حفظ صحت کافی نیست بلکه باید پرورش یابد ورشد کند وازاین حیث آموزگارو آموزشگاه باید شاگرد را آگاه به اصول ورزش کنند و حرکات و تمرینات و بازیهای مخصوصی بیاموزند که ویرا چالاك وخوش اندام وپایدار و بردبار در برابر سختی نماید

ولی نتیجهٔ مهمی که ازپرورش تن بدست میآید علاوه بر سلامتی مزاج که زمینه را برای تربیت و نمو قوای فکری آماده میکند **تکوین اخلاق و ایجاد منش و عادات مطلوب است مانند نظم و انضباط واطاعت از قانون و جوانمردی و ایثار وهمکاری بادیگران** که شاگردان در ضمن بازی بدانها خوی میگیرند ودر تمام عمر برای آنان باقی میماند

برای رسیدن به سه منظور فوق باید خانواده وآموزشگاه هردو اقدام کنند وبا یکدیگر در این زمینه همکاری نمایند چنانکه شرح آن بیاید

پرورش تن در خانه

خانواده وظیفهٔ مهمی نسبت به پرورش جسمانی طفل دارد از زمانی که جنین بوجود میآید تا موقعی که پا دراین جهان میگذارد مادر موظف است غذاهای معین بخورد ـ ازحرکات معینی خودداری کند ـ از برآشفتن بپرهیزد ودرفاصله‌های معین به پزشك متخصص رجوع نماید ودستورهای اورا بکار بندد همینکه طفل بگیتی پا نهاد مسئولیت مهم

حرکت کند وهنگام شست وشو بآسانی ازبدن خارج گردد وقتی که کودك بزرگتر شد وبواست خودرا راه برد مادر باید قواعد بهداشت را رفته رفته ملکهٔ او کند و از بامداد باپسین هنگام شست و شو و جامه پوشیدن وسرشانه کردن وچاشت خوردن وبازی کردن مراقب باشد تا دستورهای بهداشت را رعایت کند وبدان خوی گیرد

سرمشق

پدر ومادر پیوسته باید متذکر باشند که کمترین کار آنان ازجانب کودك تقلید وپیروی خواهد شد اگرپاکیزه و خوش خلق باشند یا ناتمیز وترش روی فرزند آنان نیز همانطور خواهد بود. اگردائماً بلند سخن بگویند وکار خودرا با فریاد پیش برند طفل نیزچنان خواهد کرد وبدان نیز خوی خواهد گرفت. ازاینرو باید همیشه مواظب کردار ورفتار خویش باشند وهرچه را میخواهند بفرزند خویش بیاموزند نخست خویشتن آنرابکار ببندند وسرمشق باشند ورنه پند و اندرز دادن وبرخلاف آن عمل کردن چنانکه ناصر خسرو فرموده اثر معکوس بخشد

پندم چه دهی؟ نخست خودرا محکم کمری ز پند بر بند
چون خود نکنی چنانکه گوئی پند تو بود دروغ و ترفند

اهمیت مادر

بنابر آنچه گفته شد تردید نیست که درخانه مهمترین عامل پرورش بن مادراست پس ازبردن رنج فراوان وبزرگ کردن نوزادپیوسته باید وقت خودرا صرف کودك کند و دائماً مراقب فرزند خویش باشد گاهی ویرابگرمابه برد وتمیزکند وبمقتضای فصل جامه و کفش تغییر دهد ـ هنگامی رخت را بشستن دهد و خوراك را متناسب بادرجهٔ رشدکند همینکه ازمرحلهٔ نوزادی گذشت وبحد بلوغ

انبساط خاطر واطمینان به تأسیس خانواده بپردازند و از لذت آن بهره مند شوند

دختران را نیز باید نسبت بوظایف مادری آشنا کرد تا به بهانهٔ زیبا ساختن خویش اندام خودرا ازحالت طبیعی خارج نکنند و بعدها نیز ازلحاظ جسمی وروحی اصول بهداشت رارعایت نمایند وهیچگاه عصبانی نشوند وتندی بخودراه ندهند چه تمام اعمال واطوارواخلاق ورفتارمادر بطور اسرارآمیز درطفلی که دربردارد تأثیرمیکند واین اثر در تمامعمر برای اوباقی میماند. از همین نظر پدر نباید ملایمت وآرامی و خوش خلقیومهربانیراپیوسته پیشهٔ خویش سازد - بویژه هنگامی که زن آبستن است باید این دستوررا نفع طفل خودبیشتررعایت کند.

پرورش نوزاد

از همان روز های نخستین بچهای که بجهان آمد بایدش عادت بدان زندگانی داد که برطبق اصول بهداشت فراهم شده باشد مادر باید علم پرورش نوزاد و کودك راکه دانش جدیدی است بداند وقواعد آنرا بکار ببندوخوراك وجامه وشست وشوی اورا برطبق آن قراردهد. میان دفعاتی کــه شیر میدهد فاصله گــذارد و مدتی که شیر داده میشود معین ومحدود نماید بادین وسیله معدهٔ نوزاد را بکار منظم معتاد کند نباید هروقت طفل گریه کرد پستانش بدهان گذارد یاپستانك بلمش داد وبدین ترتیب اوراخاموش وخویش راآسوده کرد چه دراینصورت به بیترتیبی خومیگیرد و پیوسته گریه را برای رسیدن بمقصود بکار میبرد . بدن نازك ولطیف اورا نباید باجامه ویا قنداق تنگ بپوشاند چه مانع رشد و باعث تغییر شکل اندام او خواهد شد. باید لباس فراخش برتن کرد تاسینهاش وسیع شود وپاهایش بآزادی

عمارت بیشتر آنها ارخانه‌های کرایه‌ای است که عموماً بکار مدرسه نمیخورد وطفل بدرست را ممکن است بواسطهٔ نبودن آفتاب و تنگی جا و رطوبت و نداشتن هوای کافی رنجور سازد

وظیفهٔ دوم بهبودی واصلاح حال دانش آموز است . اگر شاگرد نیرومند باشد مدرسه باید وضع مساعد برای رشد او فراهم کند و اگر ضعیف باشد رژیم زندگانی را طبق مزاج او مرتب کند واز سستی وی جلوگیری نماید . پس معلم باید مزاج شاگردانرا باز شناسد واز اینرو باصول بهداشت وفیزیولوژی آشنا باشد وبا پزشك مدرسه همکاری کند .

بهداشت آموزشگاه وظیفهٔ سوم آموزشگاه آموختن وررش است برای اینکه آموزشگاه بطفل زیان نرساند ووضع مساعد برای رشد او فراهم کرده باشد باید مکان مدرسه در جای مناسب انتخاب شود ـ عمارت آنرا بشکل معین بسازند ـ کتاب واثاثه واطاق درس شرایط خاصی داشته باشد . تمام این مسائل در فصل نخست ودوم از بخش چهارم مورد بحث قرار گرفت و دیگرش در اینجا تکرار ضروری نیست

بهداشت شاگرد وظیفهٔ دوم آموزشگاه بهداشت شاگرد است . از روزی که طفل وارد مدرسه میشود باید پیوسته و با کمال مهربانی مراقب او بود . کودکی که پاکیزه نباشد نباید بدرون کلاسی درآید که پاکیزه ومنظم وروشن باشد . آموزگار باید هنگام ورود او بکلاس وپس از هر تنفس ملاحظه کند که سر و روی وگوش و دهان و گردن و دستهای خودرا نیکو شسته وموهارا شانه زده باشد و ناخنها چرکین ویا بلند نباشد . **البته مراد از مراقبت این نیست که طفل هنگام تنفس وبازی کثیف نشود** بلکه منظور اینست که وقتی با مدرسه میرسد خودرا بشوید

رسید خانه را طوری دلگشا وشادی بخش کند که فرزند از روی رغبت بدان میل کند و بر گردش درجاهای نامناسب برتری دهد

آموزگار باید بدختران بفهماند که بزرگترین و مقدسترین وظیفهٔ آنان تأسیس خانواده وپرورش طفل است وبرای این کار باید خودرا علماً و عملاً در آموزشگاه آماده نمایند وازهیچگونه کوشش ورنج دراین راه دریغ نکنند ومردمان تندرست ونیکوسرشت برای کشور پرورانند

پرورش تن درآموزشگاه

وقتی کودک هفت ساله شد بدبستان پا می نهد و قسمتی از پرورش جسمانی او بمدرسه محول میگردد . اگرچه درشبانه روز بیشتر اوقات را طفل درخانه سرمیبرد و بهداشت او بعهدهٔ مادراست آموختن قواعد این علم را مدرسه وظیفه دار میباشد و در مدت شش هفت ساعتی که در آنجاست قواعد مذکور باید رعایت شود تاجزوعادات طفل قرارگیرد

اکنون که کشورما درحال تحول است وبیش از نود وپنج درصد ازمادران نسبت به آئین بهداشت بی اطلاع اند وظیفهٔ آموزشگاه در آموختن وتبلیغ وبکاربستن اصول بهداشت بسیار سنگین و بزرگ است واین نکته باید پیوسته مورد توجه اولیای مدارس ومعلمان باشد

قسمت دیگرازپرورش تن که ویژهٔ آموزشگاه است ورزش است که بهری ازاین بخش بدان تخصیص داده میشود

وظیفهٔ آموزشگاه درپرورش تن آموزشگاه سه وظیفه دارد نخست آنکه بکودک زیان نرساند . بدبختانه باید اعتراف کرد که این وظیفه در آموزشگاه های ما انجام نمیگیرد چه

در بسیاری از مدارس امریکا دستگاهی بنام کافه تریا (١) برپا کرده اند که ناهار توسط دختران دانش آموز بمنظور فرا گرفتن آشپزی تحت نظر خانم های متخصص تهیه میشود و به بهای بسیار ارزان بشاگردان میدهند شرح آن در کتاب « یکسال درامریکا » داده شده وممکن است بدانجا رجوع کرد

تنفس

نکتهٔ دیگری که برای بهبودی طفل باید درمدرسه رعایت کرد استفادهٔ کامل از زنگ تنفس و تفریح است مدیر یا آموزگاری که هنگام تنفس مانع دویدن وفریاد زدن و بازی کردن طفل شود نسبت باصول آموزش وپرورش جدید کاملاً بیگانه است کودکی که قریب یك ساعت در کلاس بسر برده و تمام حواس خود را متمرکز ساخته و کمتر از جای خود تکان خورده وشاید هوای کثیف استنشاق نموده سخت فرسوده شده واحتیاج شدید به حرکت دارد و باز داشتن او از حرکت گناهی است بخشیدنی که باید از ارتکاب بدان پرهیز کرد بعکس اگر شاگردی در حیاط آهسته راه رود یا کتاب بخواند یا درس تکرار کند باید او را منع کرد و به بازی واداشت واز تشویق او به دویدن وبلند سخن گفتن دریغ نکرد

خستگی دماغ

خطری که ممکن است طفل را دچار شود خستگی دماغ است اگر پدر و مادر یا مدیر ومعلم اجازه دهند طفل تمام وقت خود را صرف تحصیل کند و آنی به تفریح نپردازد وتن خود را فراموش کند بر خلاف وظیفهٔ خویش رفتار کرده اند چنین طفلی ولو نمره های خوب بگیرد و نسبت بسنش از دیگر شاگردان

(١)Cafeteria

وموقع ورود بکلاس پاکیزه باشد

جامه جامهٔ طفل نیز باید مورد توجه آموزگار باشد و نگذارد مثلاً با پالتو یا شال گردن و کلاه وارد کلاس شود زیرا هم جا را تنگ میکند وموجب ناراحتی میشود وهم هنگام بیرون آمدن بواسطهٔ اختلاف درجهٔ گرمای اطاق با خارج موجبات زکام و سرما خوردگی را فراهم می‌سازد از اینرو مدرسه باید در درون عمارت جایگاهی برای لباس داشته وهر دانش آموز محل مخصوصی با قید نمره برای گذاشتن اسباب دارا باشد

در آموزشگاههای امریکا هرشاگرد گنجهٔ خاصی دارد که در آن را می بندد وهمه چیز زائد خود را در آن نگاه میدارد

هر کودك را دستمال جداگانه باید و امانت دادن دستمال و قلم و مداد میان شاگردان باید ممنوع شود باوسیلهٔ انتقال بیماری فراهم نباشد

خوراك گرچه دبستانها ودبیرستانهای ما شبانه روزی نیست وازاین حیث تهیهٔ غذا بعهدهٔ آنها نمی باشد ولی این مسئله نباید آموزگار و دبیر را نسبت بخوراك طفل بی علاقه سازد غذا باید سالم و ساده وپسندیده ومتناسب با سن ورشد شاگرد باشد [۱] در آموزشگاه هائی که بدانش آموز ناهار وشام میدهند چون دانش سراهای مقدماتی باید نکات فوق کاملاً مراعات شود در مدارس دیگر برای کسانی که از راه دورمیآیند وبا خود ناهار میآورند باید اطاق معینی تخصیص داد که در زمستان گرم کنند ومیز ناهار خوری ونیمکت یا صندلی بعدهٔ کافی در آن موجود باشد .

کند و آموزگار را در پرورش طفل که وابسته به پرورش تن است یاری نماید

دامنهٔ عملیات پزشک

باید تصور کرد که از هر حیث اختیار اطفال را باید بدست پزشک مدرسه داد تا هر گونه بخواهد آنها را معالجه و مداوا کند چه ممکن است بدین وسیله بخواهد آزمایش کند و تجربه آموزد و آنوقت بحدی جلو رود که زار خانواده‌ها واش شود . عملیات پزشک را دو اصل باید محدود کند نخست تا آنجا که رشد فکری بسته برشد بدنی طفل باشد دوم تا آنجا که بیماری افراد در بهبودی مدرسه تأثیر داشته باشد .

برطبق دو اصل مذکور عملیات پزشک مربوط خواهد بود اولاً به معاینهٔ حالت عمومی ورشد طفل وسنجیدن قد و وزن و بینائی و شنوائی او که تأثیر زیاد در طرز تحصیل دارد - ثانیاً به بیماریهائی که واگیر دارد وجامعه را زیان میرساند معالجه ومداوای شاگرد را درصورتی پزشک مدرسه باید تعقیب کند که خانواده بدان رضایت دهد وگرنه آنچه دیده است باید خاطر نشان کند تا خانواده بهرطبیب میخواهد مراجعه کند

سرکشی و معاینه

شاگردان تازه باید با گواهی نامهٔ طبیب بمدرسه وارد شوند تا بمرضی مبتلا نباشند و برای تحصیل از هر حیث بدرست و آماده باشند هر آموزشگاه باید لااقل ماهی یك بار از طرف پزشك سرکشی و معاینه شود چون شمارهٔ شاگردان زیاد است ووقت ناکافی برحسب دستور طبیب درجلوی اورژه خواهند رفت و آنهائی را که خود بیمار پندارد وعلامت سستی ونقاهت در رخسارهٔ آنها مشاهده کند یا معلم بوی معرفی نماید از رژه بیرون خواهد خواند و مورد معاینه

خلو باشد سرانجام ضعف وسستی و بیخوبی و بیماری گریبان اورا خواهد گرفت ودیری نمیگذرد که ازکار باز ودر راه میماند وآتیهٔ درخشانی که ممکن بود داشته باشد مبدل به یأس و حرمان میشود چه بسا شاگردانی راکه پدران نادان ازروی شتابزدگی مجبور کرده‌اند دو کلاس را در یکسال بپیمایند ودر سیزده سالگی دورهٔ اول دبیرستان را بپایان رسانده ولی سه باردر امتحان دورهٔ دوم متوسطه شکست خورده ناچاراز تحصیل دست کشیده اند .

بر آموزگار فرض است که این حقایق را باولیای طفل بفهماند و در مقابل درخواست بیجای آنها استادگی کند البته تحصیل باید قسمتی از عمر طفل را بگیرد ولی نباید تن را فدای تحصیل کرد چه بدن رنجور وعلیل نه صاحبش را سود بخشد و نیك بخت کند و نه کشور را ممیدافتد. متخصصان بهداشت را عقیده بر اینست که کودك تا دوازده سالگی باید شبانه روزده ساعت بخوابد وفقط هفت ساعت صرف درس خواندن و فراگرفتن کند وشاگرد دبیرستان نباید کمتر از هفت تا هشت ساعت خواب داشته باشد

لزوم پزشك برای فراهم کردن موجبات رشد و تندرستی طفل اجرای نکاتی که در بالا گفته شد کافی نیست آموزشگاه را پزشکی باید که قواعد بهداشت را با مزاج شاگرد سازش دهد وهریك را مطابق بنیه اش ورزش معین کند و تعدیلی میان کارفکری و بدنی بوجود آورد و نقص یا عیبی که در بعضی از دانش آموزان باشد هویدا سازد وکسانی را که ناتوان وضعیف هستند درمان کند

پزشك باید منظماً به آموزشگاه رود وشاگردان را یك یك معاینه

تهیه شده تعیین خواهد نمود یا با متری خواهند سنجید که روی دیوار به سانتیمتر رسم کرده باشند ویك متر از کف اطاق بالا باشد طفل بدون کفش پشت به دیوار می ایستد و باگونیائی که ضلع قائمش روی متر و ضلع دیگر روی سرشاگرد باشد قداورا اندازه میگیرند

قوت بازو را با نیرو سنج معمولی و گنجایش ریه ها را با اسباب مخصوصی خواهند سنجید در این اسباب شاگرد چندانکه بتوانند نفس دارد خواهد دمید و عقربه‌ای حجم ُشش ها را به لیتر نشان خواهد داد

کارنامه

اندازه‌هائی کـه بترتیب فوق بدست آید و اطلاعـاتی که طبیب خواهد داد معلم را کاملاً آشنا به طبیعت بدن طفل خواهد کرد و تکلیف او را از هـر حیث نسبت به پرورش تن و روان او روشن خواهد ساخت و حتی وی را در راهنمائی طفل به انتخاب شغل توانا خواهد کرد نتیجهٔ این سنجش ها ودستورهای پزشك باید در کارنامهٔ هر شاگرد ثبت شود تا با بررسی آن معلم و طبیب بتوانند همکاری کنند و از نتیجهٔ اقدامات یکدیگر آگاه گردند و اولیـای طفل نیز اطلاعاتشان منحصر به نمره‌های درس نباشد بلکه از مزاج و سرشت و کردار ورفتاروهوش و توجه وحافظه وپیشرفت‌فرزندخویش باخبرشوند

چنین کارنامه‌ای باید در مدرسه بماند و سالی دو بار بنظر پدر و مادر طفل برسد

بیماری‌های واگیر

بیماریهای واگیر چون سرخچه و مخملك و سیـاه سرفه‌وآبله و گوش درد ودیفتری ومانندآن‌باسانی‌در مدرسه پراکنده میشود معلم‌وپزشك برای‌نگاه‌داری جامعه وجلوگیری ازسرایت این‌امراض باید بایکدیگر همکاری کنند.

قرارخواهد داد دراین معاینه ازسنجشهائی که ازوزن وقد ورشد شاگرد سالی دوبار صورت گرفته باشد استفاده خواهد کرد ونظر خود را بطور مجمل بمدیر یاآموزگار خواهد گفت تا باطلاع اولیای کودك برساند نکته‌ای که موظف است دردفتر مخصوص یاد داشت کند این است که حدودکار فکری ودماغی و میزان شرکت هریك از اطفال را در ورزش وبازی معین کند و کسانی راکه موقتاً از آمدن مدرسه باید خود داری کنند معرفی نماید .

شناسائی طفل

بوسیلهٔ معاینهٔ شاگرد وسنجش هائی که هرشش ماه بعمل میاید پزشك مراقب رشد وی خواهد بود وهرگاه کندی یا توقفی در رشد مشاهده نماید دقت بیشتری مبذول خواهد داشت ومعلم را از نتیجهٔ کار خود آگاه ساخته خاطرنشان خواهدکرد که ازکدام دانش آموز باید مثلاً کمتر توقع کارفکری وحفظی داشت .

ازطرف دیگر معلم باید از نقائص جسمانی اطفال آگاه باشد و بداند کدامین چشم نزدیك بین یاگوش سنگین دارند تا بتواند جای هریك را درکلاس معین نماید . برای این کار و برای اندازه گرفتن وزن وقد و نیروی ماهیچه وگنجایش شش آموزگارمیتواند سالی‌دوبار شخصاً اقدام کند و نتیجهٔ سنجشها را دردفتر مخصوص بنویسد وهنگام معاینه در اختیار پزشك گذارد . نسبت به چشم و گوش در فصل نخست از بخش چهارم دستور کافی داده شد وممکن است به صفحهٔ ۱۹۹ رجوع کرد .

برای اندازه گرفتن وزن باید یك قپان فرنگی بکاربرد و همیشه سنگینی طفل را دریك حالت سنجید پس ازگوارش غذا ـ بدون کفش ـ پسرها باشلوار و پیراهن ـ دخترها با دامن . اندازهٔ قدرابااسبابی که برای این کار

بیشتر سرایت و انتشار مرض امکان پذیر خواهد شد

درس بهداشت

آنچه تاکنون گفته شد در صورتیکه بکار بسته شود طفل را معتاد به خوی معینی کند که در تندرستی و نیرومندی او مؤثر است. برای تکمیل آن باید اصول و قواعد سادهٔ بهداشت را نیز مطابق برنامهٔ مصوب دیماه ۱۳۱۹ آموخت البته نباید اکتفا کرد بتدریس آنچه در برنامهٔ رسمی قید شده بلکه در چهار کلاس ابتدائی آموزگار همیشه باید مراقب باشد درضمن درس فارسی و تاریخ و علم اشیاء واخلاق هم هر وقت که بهانه‌ای پیدا شد اندرزهای علمی راجع به بهداشت دهد و از داستان هائی که ممکن است برای طفل گفته شود یا حادثه هائی که در کوچه روی داده و شاگردان دیده‌اند یا اتفاقاتی که در مدرسه افتاده آموزگار باید استفاده و درس اخلاق را با بهداشت توأم کند و بدین ترتیب وجدان و ضمیر طفل را بیدار کند و علاقهٔ وی را به بهداشت راسخ و متکی بایمان نماید. اگر مثلاً طفلی مریض شده و او را بخانه فرستاده‌اند آموزگار باید با تأثر شرح حال او را دهد و گوید بواسطهٔ خوردن آب از سقاخانه یا نوشیدن دوغ از دست دوره گرد یا خریدن حلوا و نامیه از دست فروش آن طفل بیمار شده و زیانهائی را که این قبیل خوراك ها میرساند بیان کند و تا حدی که طفل درك کند علت آن را ذکر نماید

در کلاس پنجم وششم و دورهٔ اول دبیرستانها هنگام آموختن علم اشیاء یا فیزیولوژی یا بهداشت باید آنچه در برنامه پیش بینی شده است خاطر نشان کرد ولی در اینجا نیز از درس اخلاق نباید غفلت کرد بلکه باید بهداشت را بشاگرد از امور اجتماعی معرفی کرد و بدو فهماند که اگر آدمی برخلاف آئین بهداشت رفتار کند و مثلاً نوشابه صرف کند یا تریاك کشد و یا

البته اگر اصول بهداشت در آموزشگاه وخانه رعایت گردد بیماری کمتر پیدا میشود ودرصورت بروز کمتر انتشار حاصل میکند ولی درهر حال هنگام پیدایش مرض پزشك مدرسه باید دستور جلوگیری رابدهد وبرطبق آن باید رفتار شود

قسمتی ازمسئولیت که بعهدهٔ معلم است وبسیار اهمیت دارد است که وی بموقع ازظهور بیماری آگاه شود ازاینرو باید نشانی ناخوشی ها را بداند وهمینکه طفلی راکسل دید یا ازاو ناله‌ای شنید بادقت اورا بنگرد و پرسش کند و موقع ضرورت با احتیاط لازم بخانه فرستد و فوراً پزشك را از قضیه مطلع کند و از آن پس برحسب دستور او رفتار نماید

هنگامی که بیماریهای فراگیر بروز کرد البته شرط حزم آنست که آموزشگاه را تعطیل کنند ولی این کاردرصورتی بایدانجام شود که مرض خطرناکی چون وبا و حصبه و تیفوس عارض شده و شدتی پیش رفته باشد درغیر این صورت بهتر است تنها اطفال بیمار را از آمدن مدرسه بازدارند ووقتی اجازهٔ آمدن دهند که برطبق آئین بهداشت مدت معینی(۱) ازبهبودی یافتن بیمار گذشته باشد وپزشك مدرسه پس از معاینه وآزمایش درهٔ بینی گواهی دهد که خطرواگرفتن درمیان نیست

بستن مدرسه برای هر بیماری صلاح نیست زیرا که اطفال پراکنده ودرکوچه وبازار سرگردان میشوند وبواسطهٔ معاشرت وزیر نظر نبودن

(۱) برای دفتری ۳۰ روز - آبله ومخملك وسرخجه ٤٠ روز پس از ابتلا - گوش‌درد ۲۱ روز - سیاه‌سرفه ۳۰ روز - حصبه ۲۸ روز - کچلی وبراخم تا پایان بهبودی

به جنبش بیارمندتر است وبیشتر اورا باید ازاین حیث خشنود ساخت. در کودکستان و کلاس اول دبستان بازیهای گوناگون وسرود باید قسمتی ازوقت مدرسه را بگیرد. دراطاق درس باید کاری کرد که شاگردان تمام مدت رایکجا نشینند گاهی پیرامون آموزگارگردآیند - گاهی درس را نشسته گوش کنند وهنگامی استاده - گاهی به حیاط روند وهنگامی به موزه - روزی یکی دومرتبه نیز دروسط درس برپا ایستند وطبق دستور آموزگارحرکاتی بادست وسروگردن (که بنام ورزش سوئدی معروف است) بنمایند. شاگردان کلاسهای بالاتر باید برطبق برنامهٔ رسمی عمل کنند

برنامهٔ رسمی

تاسال ۱۳۱۳ مقرراتی برای ورزش وضع نشده بود شورای عالی فرهنگ درتاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۱۳ برنامهٔ مخصوصی برای دبستانها تصویب کرد. برنامه ای که اکنون مجری و معمول است در ۲۳ اسفند ۱۳۲۲ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است. بموجب این برنامه شاگردان شش کلاس دبستان بسه طبقه تقسیم میشوند که هرطبقه شامل دوکلاس خواهد بود اول ودوم - سوم و چهارم - پنجم وششم برای هرسه طبقه نوع عملیات وحرکات یکی است منتهاعدهٔ دفعات حرکت وطرزاجرا برحسب سن شاگردان متفاوت است عملیات وحرکات مذکوربطورخلاصه عبارتست ازوارسی نظافت شاگردان- حرکات نظامی-حرکات تنفسی- حرکات بدنی ساده ومرکب وپرش وشیرین کاری-حرکات تقلیدی- ورزشهای انفرادی باطناب وتوپ -بازیهای تفریحی- نصایح اخلاقی وبهداشتی

برای دبیرستان برنامهٔ رسمی ورزش در ۲۳ اسفند۱۳۲۲ بتصویب

دچار بیماریهای آمیزشی شود نه تنها خود زیان میرساند بلکه میهن و جامعه و نژاد ایرانی را مبتلا میکند و در مقابل آنها مسئول است و وجدان عمومی و ملی وی را زشتکار و وظیفه ناشناس خواهد دانست

چون در مملکت ما اعتیاد به تریاك در نیم قرن اخیر بسیار شایع شده و مردم را بزوال و سستی سوق میدهد آموزگار و دبیر باید توجه خاص بدین امر کنند نخست بوسیلهٔ امثال متعدد از اشخاص معتاد که در کوچه و قهوه خانه دیده میشوند نشان دهند چگونه تریاك انسان را کثیف و بدبخت و بیچاره میکند سپس تأثیر این سم مهلك را بر اعضای اصلی بدن یعنی بردهان و معده و کبد و شش و دل و کلیه با زبان ساده تشریح نمایند. بالاخره نتایج ابتلا را که عبارت باشد از رخوت و سستی و بی قیدی و زبونی و قبول ذلت و خواری و تمایل به تملق و تزویر و خیانت شرح و بسط دهند و طفل را متنفر از معاشرت با معتادان نمایند و طوری کنند که جوانان ما از دیدن آنها نفرت پیدا کنند و بدانسان که از ابتلای بمرض خوره پرهیز میکنند از معتادان بتریاك اجتناب نمایند و عمل آنها را ننگ بدانند

ورزش

از برنامهٔ پرورش آن قسمتی را که طفل بیش از همه دوست دارد بی درنگ ورزش است چه سنش اقتضای حرکت و فعالیت دارد و تمام بدنش بعمل و کار نیازمند است. آموزگاری که کودك را محکوم به خاموشی و سکوت کند خطای بزرگ مرتکب شده و افکار و عقایدش از این عصر نیست. آموزگاری که خوش اخلاقی طفل را در بی حرکتی و بیجائی بپندارد خودرا نسبت بقوانین طبیعت نادان معرفی کرده و شایستهٔ این شغل مقدس نیست. هرقدر که کودك خرد سال تر باشد

شدید ماهیچه ها موجب فرسودگی پی‌ها میشود و شاگرد پس از زنگ بازی وورزش بجای اینکه بانیروی تازه وآسایش فکر وارد کلاس شود چندان ازحال رفته است که قوهٔ درس خواندن نخواهد داشت معلم باید هنگام ورزش مراقبت کند که شاگردان نیرومند ازاعتدال بیرون نروندو شاگردان خجول و ترسو از بازی کردن نگریزند بلکه از شدت حرکات اولی‌ها بکاهد و دومی ها را ببازی تشویق کند واز طرف دیگر هیچ گاه اجازه ندهد که دانش آموزان اززوی نادانی وهم چشمی خودرا فرسوده سازند

اصل پنجم آنکه ازغرض دور نشوند و پیوسته درنظر بگیرند که مقصود ازحرکات شیرین کاری و قهرمانی و مسابقه این نیست که دانش آموز را بند باز یا شیرین کار یاقهرمان بار آورند بلکه منظور اینست که تن و روان را بطور معتدل پرورش دهند و پسران ودختران ای تربیت کند که جسماً وروحاً نیرومند و تندرست باشند وحال آنکه شیرین کاران یا قهرمانان و پهلوانان بیشتر توجه خود رابتن معطوف میدارند وازحالت اعتدال خارج میشوند

سودهای بازی جای بسی خرسندی است که قسمت عمدهٔ برنامهٔ ورزش در دبستان و دورهٔ اول دبیرستان بازیهای تقلیدی و قهرمانی و تفریحی است زیرا سود های بسیار در بردارد چون طفل شخصاً بازی را برمی گزیند وازجانب دیگری براو تحمیل نمیشود مطابق میل وبیرو وجنس اوست وازاشتغال بدان دلشاد وخندان است واز این حیث درتندرستی و بهبودی او تأثیر دارد ولی تنها در بدنش مؤثر نیست بلکه درپرورش قوای فکری او نیز اثردارد پیش ازاینکه کودک بمدرسه

شورای عالی فرهنگ رسیده وعلاوه برحرکات وعملیات و بازیهائی که
برای دبستان ذکرشد بازیهای بربیتی‌مانند فوتبال ووالی‌بال وباسکت بال
وبیس‌بال نیز منظور گردیده است

اصول کلی نخستین اصلی راکه در ورزش باید پیوسته رعایت کرد
اینست که هیچگـاه بلافاصله پس ازخوردن غـذا نباشد
چه دراین صورت مانع عمل دستگاه گوارش میشود و زیان دارد . میان
چاشت یاناهار وورزش‌باید دست کم یکساعت‌فاصله باشد

اصل دوم آنکه رعایت قوای‌طفل رابنمایند وهیچگونه ورزشی که
وبرا بسیارخسته کند وسستی آرد درمدرسه راه نیابد

اصل‌سوم آنکه‌ورزش‌خوش آیند ودلپذیر باشد معلم‌بایدشاگردان
را مقید ومحدود کند وانتظارخاموشی از آنهاداشته باشد

برای رعایت این اصل باید اولاً بازیهای تفـریحی را چون جن و
پری - موش وگربه - مرغ وجوجه - گـرگم بهوا - قلعه گیری درمیان
دیگرقسمتها معمول داشت ثانیاً تنوع وزیبائی را در هردرس وارد کرد
ونگذاشت یك رنگ بهاصرف یك یادو بازی شود ثالثاً درحدود امکان
شاگردان اختیارداد خودشان بازیهارا برگزینند رابعاً حرکات موزون
وپاکوبی‌راباآوازی که هم وزن آن‌حرکات باشد توأم‌کرد خامساًحرکات
ناصف راچنانکه دربرنامه هم قیدشده درهردرس قرارداد‌تاداش آموزان
ازهم آهنگی وکارجمعی‌خرسند ودلشادگردند

اصل چهارم میانه رویست نباید گذارد شاگرد بیرون ازاندازه
خودرا خسته وفرسوده کند علمای فیزیولوژی ثابت کرده‌اند که‌خستگی
دماغ درتن وخستگی تن دردماغ تأثیر مستقیم و فوری دارد . خستگی

احساس وفکر را بنحوی که صلاح بداند در نهاد او جایگیر سازد نخست از راه بازی گیتی و امور عالم را درك و در ذهن تصور میکند بنا بر این بوسیلهٔ بازی آموزگار میتواند زندگانی را هر طور بخواهد تعبیر و در دماغ او وارد کند بوسیلهٔ بازی معلم به بهترین وجه میتواند کودك را آشنا به روابط اجتماعی کند وحس استقلال و همکاری را در او نیرومند سازد و ویرا قوهٔ ابتکار بخشد و طوری بزرگ کند که کارمند شایسته در جامعه باشد » (۱)

روش کار روشی که برای ورزش برگزیده میشود باید دارای چند خاصیت باشد نخست آنکه همگی اعضاء واندام راپرورش دهد نه برخی از آنها را دوم آنکه تدریجی وموافق رشد طبیعی طفل باشد نه آنکه یکباره انواع ورزش را که برایش بنا مناسب است بدو آموزند سوم آنکه مزاج وطبیعت وجنس شاگرد رارعایت کند نه اینکه شاگرد ضعیف ورزش نیرومندان یا بدختر ورزش پسران راتحمیل دهند کارنامهٔ دانش آموز که درصفحهٔ ۴۸۵ بدان اشاره شد دراینجا بسیار سودمند خواهد بود وآموزگار را راهنمائی شایان خواهد کرد

سابقاً توجه بسیار به اسباب ژیمناستیك میشد ولی چون علمای پرورش تن بدین نکته پی بردند که اسباب تنها بازوها راتقویت میکند و سینه و پشت را نمی‌پروراند اکنون درآموزشگاهها آنرا ترك کرده‌اند بویژه که گران تمام میشد وجایگاه مخصوصی لازم داشت و برخی اوقات خطرهائی را متضمن بود . روش سوئدی و روش ژاپنی و روش آمیخته

(۱) از کتاب پرورش تن نگارش شارمن J S Sharman چاپ نیویورك (۱۹۳٤) صفحهٔ ۳۸

آید از بازیهائی که بتنهائی یعنی هنگامی که کسی متوجه او نیست میکند لذت میبرد و قوایش منبسط میشود زیرا تمام قوهٔ متخیلهٔ خود را بکار می‌اندازد و پیش خود تصوراتی میکند هر چیز برای او معنائی دارد جعبه برای او درشکه است ـ عصا در نظرش اسب است ـ عروسك بچهٔ حسابی است باید ویرا آزادگذارد تا هرچه میل دارد اختراع کند و گاهگاهی اسباب بازی تازه بدستش داد تا وسایل جدید برای آفریدن داستان نو وجهان تازه دردست داشته باشد در مدرسه بازیهای گروهی موجب تقویت حافظه میشود و بهترین دلیل اینست که درهمان بار نخست که آئین یك بازی بدو گفته میشود فرا میگیرد و بدان عمل میکند و فراگرفتن بدون فهمیدن ممکن نیست

ازلحاظ اخلاقی بازی طفل را طبیعةً به فرمانبرداری و اطاعت از آئین بازی و نگاهداری نظم و ابراز کوشش برای کامیابی وهمکاری باهمبازیها معتاد میکند

راجع بسودهای بازی دانشمندان جهان اززمان افلاطون تاکنون بسیارسخن گفته‌اند لیکن تاصد سال پیش هرچه نوشته‌اند مربوط بفواید بدنی وصحی بازی بود و فقط درصد سال قبل نخستین کسی که متوجه سودهای بازی ازلحاظ پرورش روان واخلاق شد فربل (۱) دانشمند نامی آلمان بود که چند سطر ازعقاید او دراینجا نقل میشود

« چون بازی علمی است که بطور بسیار طبیعی از طفل سر میزند در زمان کودکی پایهٔ پرورش او خواهد بود بازی نتیجهٔ مستقیم علاقهٔ طبیعی طفل است و از این رو آموزگار بوسیلهٔ آن میتواند عادت بکار و

---

(۱) Froebel واضع کودکستان که در۱۸۵۲ جهان را بدرو گفت .

احراز کند

بموجب برنامه‌ای که برای تعلیم ورزش در دانشسرای مقدماتی در ۲۳ اسفند ۱۳۲۲ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده شاگردان این مدارس باید خودرا برای معلمی ورزش نیز آماده کنند تا پس از فراغ از تحصیل بتوانند ورزش را نیز مانند سایر مواد در دبستانها بیاموزند

برای آموختن ورزش در دبیرستانها و دانش سراهای مقدماتی اساسنامه ای در ۲۷ تیر ۱۳۲۳ درشورای عالی فرهنگ تصویب شده‌است که بموجب آن فارغ التحصیل های دانش سراهای مقدماتی که دارای سه سال پیشینهٔ خدمت بوده و استعداد معلمی ورزش را داشته باشند مدت یکسال در دانش‌سرای مقدماتی تهران برنامهٔ خاصی راکه در ٤ مهر ۱۳۲۳ بعنوان دورهٔ تکمیلی ورزش وضع گردیده تعقیب خواهند کرد و چنانچه ازعهدهٔ امتحان برآیند بمعلمی‌ورزش‌مدارس‌متوسطه وداشسراهامنصوب خواهند گردید

چون درداشسراها روان‌شناسی واصول تعلیم وتربیت و بهداشت تدریس میشود ودر برنامهٔ دورهٔ تکمیلی نیز زیست شناسی و تاریخ ورزش و اصول تربیت بدنی منظور گردیده امیدواری حاصل است که معلمان ورزش درآینده شرایط لازم رابرای انجام وظیفهٔ مهم خوددارا باشند

نتیجهٔ ورزش در پایان این بحث بیمورد نیست چند سطری دربارهٔ نتیجهٔ ورزش نوشته شود ورزش عمل اعضاء بدن بویژه گردش‌خون را تند می‌کند - ماهیچه هارا نیرومی‌بخشد - تن راچالاك وبردبار میسازد وتسلط انسانرا براندام خود تأمین میکند اگر برطبق اصول صحیح برگزیده شود وقواعدی که دراینجا گفته شد رعایت گردد

هریك محسنات و معایبی دارد کـه مورد گفتگوی دانشمندان و متخصصین است

روشی که بیش از همه در انگلستان و امریکا متداول است روش طبیعی است که غریزه و حاجت طفل را در نظر میگیرد و حیاط مدرسه یا ورزشگاه را میدان عملیات او قرار میدهد و هوای آزاد را برای ورزش لازم میشمارد برنامه‌ای که برای آموزشگاه هـای ایران وضع شده و در صفحه های پیش بدان اشاره رفت روش طبیعی را در کشور مـا مقرر داشته است

آموزگار ورزش بنابر آنچه گفته شد هویدا گردید که آموختن ورزش بوجهی که از آن گفتگو بمیان آمد بدون مایهٔ علمی و تخصص امکان پذیر نیست کسانی که از راه عشق به پرورش تن در کشور ما وارد این کار شده وفداکاری بسیار نموده‌اند بواسطهٔ نداشتن معلومات کافی نتوانسته‌اند وظائف خود را بطوری که شایستهٔ این دوران باشد انجام دهند

البته باید از خدمات آنها سپاسداری کرد ولی برای این عصر باید آموزگار ورزش تربیت نمود معلم ورزش باید تن وروان طفل را کاملاً بشناسد وازقواعد اجتماع بابهره باشد و آئین پرورش را بداند ازاینرو باید قبلاً مقدمات کافی از تحصیلات متوسطه داشته باشد تـا بتواند روان شناسی وفیزیولوژی و کالبد شناسی (تشریح) وجامعه‌شناسی (سوسیولوژی) واصول آموزش وپرورش را بفهمد وازعلم پرورش تن وتاریخ آن وروشهائی که معمول است و برنـامه ای که باید وضع کرد و قواعد ورزش آگـاه شود و انواع ورزش را نیـز عملاً بیاموزد و شایستگی آموختن آنـرا

بخش هفتم

سازمان فرهنگ ایران

ورزش مایهٔ آسایش دماغ وتقویت حافظه ومتخیله وتندی هوش خواهد بود و اعتدال را درمزاج تولید خواهدکرد رفتار و کردار وخلق ومنش بیز بهره مند خواهد شد چون شاگرد بورزش روی آورد پیرامون شهوت نخواهد گشت - بخویشتن اعتماد پیدامیکند - خون سردمیشود- دلیر وپردل خواهد شد وقوهٔ ابتکارپیدا خواهدکرد میل بکار وعمل در اوعشق به کوشش وپایداری درانجام وظیفه‌ایجادمیکند عادت بفرمانبرداری ونظم وهمکاری که ازبازی حاصل میشود اوراکارمند نیك وشایستهٔ جامعه خواهدکرد

بطورخلاصه ورزش شاگرد را باشاط و نیرومند و صاحب خصلت های پسندیده و خوهای نیکوخواهدکرد چنین شاگردی هم سرباز دلاور خواهد شد هم کارگر خوب - هم پزشك نیکوهم مهندس لایق - هم دبیرشایسته هم سیاستمدار بوانا و بازرگان محتضر چنین آدمی عضو سودمند ومؤثر جامعه خواهدشد ودربرابر شدائد باکمال دلیری بردباری تواند کرد وبفرمودهٔ فردوسی

چوسختیش پیش آورد روزگار — شود پیش و سستی نیارد بکار

همیشه بود شاد و خرم روان — بی اندوه باشد ز گشت زمان

نماند بدو رادی و راستی — بکوبد در کژی و کاستی

ذکر میشود .

وزیر فرهنگ بموجب قانون اداری وزارت فرهنگ مصوب ۱۱ شهریور ۱۲۸۹ خورشیدی وزیر فرهنگ در رأس کلیهٔ سازمان فرهنگ مملکت قرار دارد وزیر فرهنگ عضو هیئت‌دولت و مسئول بحسب وزیر ومجلس شورای ملی است و برحسب پیشنهاد نخست وزیر از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه معین ومنصوب میشود .

وزارت فرهنگ معاونی‌دارد که دستیار و کمك وزیر فرهنگ‌است ودر غیاب وزیر کارهای اورا انجام میدهد .

ادارات وزارت‌فرهنگ امور وزارت فرهنگ توسط ادارات مختلف حل و فصل میشود وهر چنداداره بیك مدیر کل سپرده شده که مسئول معاون و وزیر فرهنگ است وباجازه میتواند بخشی از وظایف اورا انجام دهد .

اکنون وزارت فرهنگ دارای پنج مدیر کل است که‌هر یك‌اداراتی راکه نام برده میشود زیر نظردارد

۱ - مدیر کل فنی ادارهٔ فرهنگ تهران که فعلاً سه اداره آموزش ابتدائی - متوسطه- آموزش‌حرفه‌تقسیم گردیده-اداره‌فرهنگ‌شهرستانها- اداره‌تعلیمات عالیه- اداره امتحانات و برنامه - اداره آموزش‌سالمندان - اداره تربیت بدنی - اداره تعلیمات روستائی را برعهده دارد

۲ - مدیر کل‌اداری‌که اداره‌حسابداری - اداره کارگزینی‌باوسپرده شده است

۳ - مدیر کل نگارش که بر اداره کل نگارش وکتابخانهٔ ملی و اداره‌کل باستان شناسي وموزه ها واداره موسیقی کشور و هنرستان

سازمان فرهنگ ایران

سازمان فرهنگ هر مملکت دنبالهٔ منطقی تاریخ تعلیم و تربیت آن مملکت است زیرا که مؤسسات و قواعد و قوانینی که از روزگاران پیش باقی مانده بمرور زمان تغییر کرده و بصورت تشکیلات کنونی در آمده است بهمین نظر سازمان فرهنگ ایران در آخر کتاب تاریخ مختصر آموزش و پرورش تشریح وطبع شده است لکن چون در برنامهٔ رسمی دانش سراهای مقدماتی مصوب ۳۱ شهریور ۱۳۱۰ قید گردیده است که مختصری از تشکیلات معارفی ایران را در آخر درس تعلیم و تربیت بیاموزند لذا این فصل بچاپ پنجم کتاب افزوده شد تا کاملاً مواد منظور در برنامه را حاوی باشد

بدیهی است کشور ما که دارای تمدن چندهزارساله است و درقرون متمادی مشعل دار معارف و فرهنگ بوده درهر عصر تشکیلاتی برای تعلیم و تربیت نسل جوان داشته که شرح مختصر آن در تاریخ تعلیم و تربیت مندرج است و کسانی که طالب باشند ممکن است بدانجا رجوع کنند

یکصد سال پیش که ایران با تمدن مغرب زمین آشنا شده اقتباساتی برای فراگرفتن علوم و فنون جدید از ممالك اروپا نموده و از آغاز مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی این اقتباس رو بفزونی گذارده است با ظهور پهلوی بویژه از زمانی که رضا شاه کبیر بسلطنت ایران انتخاب گردید (آذر ۱۳۰٤) قدمهای بزرگ برای وارد کردن معارف جدید به مملکت برداشته شد و تشکیلاتی بوجود آمد که بطور فهرست در اینجا

میشود و برطبق دستوروزارت فرهنگ وظایف اورا درمحل انجام میدهد حوزه های بزرگ مانند آذربایجان وخراسان وفارس به بخشهای متعدد تقسیم گردیده ورئیس هر بخش مسئول رئیس حوزهٔ فرهنگی است

رئیس فرهنگ موظف است که قوانین و نظامات مربوط بمدارس را بکار بندد - بر آموزشگاه ها نظارت کند - پرداخت حقوق ومصارف را طبق بودجهٔ مصوب اجازه دهد- نصب ویاعزل کارکنان حوزه را بوزارتخانه پیشنهاد کند - برامتحانات رسمی نهائی ریاست کند - در جلسات شورای فرهنگ محل شرکت جوید.

شورای عالی فرهنگ

امورفنی وزارت فرهنگ بموجب قانون شورای عالی فرهنگ مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۰۱ باید بتصویب شورای مذکور برسد . این شوری دو نوع عضو دارد ده عضورسمی وده عضوافتخاری اعضای افتخاری فقط حق حضور ومذاکره دارند ولی حق رأی ندارند

ده تن اعضای رسمی عبارتند از رئیس یك مدرسهٔ عالی - استاد یك مدرسهٔ عالی - رئیس یك دبیرستان - دبیر یك دبیرستان - یك مجتهد جامع الشرایط - پنج تن ازدانشمندان.

اعضای شوری را وزیر فرهنگ برای چهارسال انتخاب میکند و بموجب فرمان همایون عضویت آنها محرز میشود.

هروقت مدت عضویت کارمندی پایان یافت خود اویا دیگری بجای او بطریق فوق برگزیده میشود.

ریاست شوری باوزیر فرهنگ یامعاون اواست.

شوری دارای دبیرخانه ای است که مأمورثبت تصمیمات وابلاغ آنها

هنرپیشگی وهنرستان موسیقی ملی واداره مردم شناسی نظارت میکنند .

۴ - مدیرکل بازرسی که بازرسی فنی مدارس و بازرسی ادارات وزارتخانه‌وشهرستانها واداره امور اجتماعی راعهده دار است

۵ - مدیرکل‌اوقاف که موظف بنظارت در اجرای‌قانون‌اوقاف‌است.

اداره تبلیغات و دفتر وزارتی مستقیماً زیر نظر وزیرفرهنگ و معاون اوست .

البته سازمان فوق باآنچه درقانون اداری فرهنگ منظور گردیده تفاوت دارد ولی‌چون‌جزو بودجه وزارت فرهنگ بتصویب‌مجلس‌شورای ملی رسیده صورت قانونی پیداکرده است .

حوزه های فرهنگی برای اداره کردن فرهنگ اکنون مملکت‌به ۴۵ حوزه تقسیم گردیده که برخی از آنها مانند خراسان بسیاربزرگ وبعضی دیگر مانند ساوه کوچك است اسامی این حوزه ها بقرار زیراست

آبادان - آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - اراك - اردبیل - اصفهان - بروجرد - بهبهان - بندر پهلوی - بندر بوشهر - بندرعباس - بیرجند - تهران - خراسان - خرم آباد - خرم شهر - خوزستان - دامغان - رضائیه - زنجان - ساوه - سبزوار - سمنان - شهسوار - شاهرود - شهرضا - فارس - قزوین - قم - کاشان - کردستان - کرمانشاهان - کرمان - گرگان - گروس - گلپایگان وکمره وخوانسار - گیلان - مازندران - محلات - مکران - ملایر وتویسرکان - نیشابور - نهاوند - همدان - یزد ونائین

ریاست حوزه‌بارئیس فرهنگ‌است که ازطرف وزیرفرهنگ‌انتخاب

مدارس پیشه وری مطابق مقتضیات محل وایجاد کتابخانه وموزه - پیشنهاد اصلاح برنامه ها و آئین نامه ها بر حسب احتیاجات محل - تشخیص استحقاق و شایستگی کسانی که داوطلب تأسیس مدرسه یا روزنامه ومجله هستند - تعیین نقاطی که در آنجا باید مدرسه تأسیس یا ساخته شود - تصویب نمایشنامه ها وغیره

امتحانات رسمی

بموجب مادهٔ ۱۸ قانون اساسی فرهنگ مصوب ۹ آبان ۱۲۹۰ خورشیدی وزارت فرهنگ موظف است برای هر یک ازمدارج تحصیل امتحانات وگواهی نامه هائی برقرار کند که ورود بخدمات دولتی موقوف بداشتن آنها خواهد بود از طرف دیگر تصویب آئین نامهٔ امتحانات چنانکه درفوق اشاره شد ازوظایف شورای عالی فرهنگ است بموجب آئین نامهٔ کنونی که در دی ۱۳۲۵ بتصویب شورای مذکور رسیده درپایان تحصیلات سال ششم ابتدائی وسال سوم و پنجم وششم متوسطه ازطرف وزارت فرهنگ امتحان نهائی بعمل می آید هیئت ممتحنه را در تهران وزارت فرهنگ و درولایات رؤسای فرهنگ ازمیان معلمانی که دارای شرایط معینی باشند انتخاب میکنند - امتحانات نهائی هرسال دو مرتبه درخرداد وشهریور ودر یک تاریخ در تمام کشور انجام میگیرد . موادی که داوطلبان باید امتحان دهند ومدت هر امتحان در آئین نامه قید گردیده است هیئت هـای ممتحنه نتیجهٔ امتحانات را بوزارت فرهنگ گزارش میدهند وازروی آن گزارش ها گواهی نامه هاصادر میشود

انواع مدرسه

مدارس ازلحاظ بودجه طبق مادهٔ هشتم قانون اساسی فرهنگ بدو گونه تقسیم شده رسمی وغیررسمی رسمی آنست که ازطرف دولت تأسیس ونگاهداری شودوغیررسمی آنکه بانی مخصوص

نادارات وزارتخانه است

بموجب مادهٔ ۱۳ قانون شورای عالی فرهنگ تصمیمات شوری در موارد زیر حتمی الاجراست

برنامه های مدارس- آئین نامه های مدارس - آئین نامه های امتحانات وبازرسی - تطبیق کتب درسی با برنامه و رد وقبول آنها - اصلاح مکتب خانه‌ها- تشخیص صلاحیت داوطلبان تأسیس مدرسه یاطبع روزنامه ومجله- تعیین ارزش گواهی نامه ودانشنامهٔ اشخاصی که درخارجه تحصیل کرده‌اند- تصویب مدال و نشان برای اشخاص- داوری در مورد کتبی که بمسابقه گذاشته وبمؤلف آنهاجائزه داده میشود -تعیین مصرف هدایا واعانات

شورای فرهنگ محلی

بموجب قانون ۱۴ شهریور ۱۳۰۶ باید شعب شورای عالی فرهنگ درشهرهاتشکیل شود درنخستین دورهٔ تصدی وزارت فرهنگ نگارنده آئین نامهٔ شوراهای محلی رادر ۱۴ آبان ۱۳۲۰ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسانیدودرشهرهای عمدهٔ کشور آنهارادائر نمود .

مطابق آئین نامهٔ مذکورشورای فرهنگ درشهرهای درجهٔ اول ۹ تن ودرشهرهای متوسط ۷ تن ودرشهرهای کوچك پنج تن عضودارد این اعضاء عبارتند از رئیس فرهنگ که ریاست شوری را داراست - مدیر دانشسرا یادبیرستان محل- یکنفر ازدبیران -یکنفر از اعضاء انجمن شهر بمعرفی آن انجمن - بقیه از دانشمندان محل اعضاء مذکور برای مدت دوسال برحسب پیشنهاد رئیس فرهنگ وتصویب وزارت فرهنگ منصوب می شوند .

وظیفهٔ عمدهٔ شورای فرهنگ کمك باداره فرهنگ محل در تأسیس

حکمت وطب وریاضیات وهیئت ونجوم نیز آموخته میشد مدارس علوم دینی تاپنجاه سال قبل بمنزلهٔ دانشگاههای ایران واغلب شبانه روزی بود بااستادان بزرگ و کتابخانه های معتبر وموقوفات زیاد و بسیاری از نویسندگان وعلماء وشعرای ما مانند انوری ونظامی وسعدی در آنها تربیت یافته اند از زمانی که مدارس جدید برپاشده بتدریج دبیرستانها ودانشکده ها جای مدارس علوم دینی را گرفته واکنون در آنهائی که باقی است فقط زبان و ادبیات عرب وفقه واصول وحدیث وتفسیرقرآن تدریس میشود .

بودجهٔ این مدارس از موقوفات مخصوص آنها تأمین می گردد . معمولاً طلاب علوم دینی که در حجرات مدارس بسر میبرند کمك هزینه ای ازمحل موقوفات داده میشود مدت تحصیل محدود نیست وممکن است ده پانزده سال بطول انجامد و در پایان آن طلاب به معلمی مدارس علوم دینی یاپیشنمازی و وعظ وتذکیر یا اموردیگر بپردازند . اکنون مدارس مهم علوم دینی درقم ومشهد میباشد ولی در شهرهای دیگر نیز از مدارس مذکوردائر است .

مدارس خصوصی این مدارس که بنام مدارس ملی نامیده میشود (در مقابل مدارس دولتی که از طرف دولت تأسیس گشته) توسط اشخاص یا هیئت های نیکوکار برپاگردیده وبودجهٔ آنها توسط بانیان وازمحل ماهیانهٔ شاگردان واعانهٔ دولت پرداخته میشود

بموجب قانون اساسی فرهنگ داوطلب تأسیس مدرسه باید دارای شرایط معینی باشد واز وزارت فرهنگ قبلاً اجازه بگیرد ومعلمان او نیز ازحیث سن وتحصیلات واخلاق صلاحیت داشته باشند . دستورتحصیلات مدارس خصوصی باید مطابق برنامهٔ رسمی باشد وامتحانات نهائی شاگردان

داشته باشد

مدارس غیررسمی عبارتست از مکتب خانه‌ها و مدارس خصوصی (که بمدارس ملی معروفند) ومدارس علوم دینی .

مکتب خانه‌ها سابقاً در مساجد یا مدارس علوم دینی تشکیل میشد و اکنون در خانه یا دکان دائر میشود و منظورش آموختن قرآن وسواد فارسی است از شاگردان ماهیانهٔ جزئی گرفته میشود و چون مکتب دار ازاین راه قادر بتأمین معاش خود نیست ناچار بامور دیگر مانند دعا نویسی و کاغذ نویسی میپردازد اطفال را از پنج شش سالگی می پذیرند وتاسن بلوغ ممکن است نگاه دارند روش آموختن انفرادی است وقتی عدهٔ شاگرد زیاد باشد آنهائی که بزرگتر ند از طرف مکتب دار بنام خلیفه مأمور تعلیم کوچکترها میشوند

از زمانی که دولت دبستان مجانی در شهر ها وقصبه ها ودهات تأسیس کرده از رونق مکاتب وعدهٔ آنها بسیار کاسته شده است

وزارت فرهنگ بموجب بند ۹ از مادهٔ ۱۲ قانون شورای عالی فرهنگ در ۲۷ بهمن ۱۳۰۳ آئین نامه‌ای برای مکاتب تهران بتصویب شورای مذکور رسانده وآنهارا درتحت انتظامات آموزشگاه های عمومی درآورده است . بهمین جهت در پایتخت بیشتر آنها بمرور ایام تبدیل بمدرسه یاتعطیل شده است

مدارس علوم دینی قبل ازتأسیس دبستان و دبیرستانهای جدید کسانی که ازتحصیل در مکتب خانه ها فراغت می یافتند ومایل بتحصیلات متوسطه وعالی بودند وارد مدارس علوم دینی میشدند بنابراین در این مدارس علاوه برعلوم دینی زبان وادبیات فارسی وعربی-

کرده است . کودکستانهائی که ازطرف مردم تأسیس شده پیروی ازهمان اساسنامه میکنند .

بموجب اساسنامهٔ مذکور کودکانی که پذیرفته میشوند باید لااقل چهار سال داشته وروزی سه تا پنج ساعت صرف بازی - حرکات موزون- ورزش با موزیك - گفتن داستانهای کوچك - بیادسپردن شعرهای آسان- نقاشی - خواندن سرود نمایند در سال آخر نیز خواندن راضمن انجام برنامه می آموزند

آموزش ابتدائی

مجلس شورایملی ضمن قانون اساسی فرهنگ در نهم آبان ۱۲۹۰ خورشیدی یعنی ۳۸ سال قبل تعلیمات ابتدائی رابرای هر ایرانی از سن هفت اجباری کرده است . درمرداد ۱۳۲۲ قانون دیگری بنام تعلیمات اجباری وضع گردیده وشرایط ومقرراتی برای عملی ساختن آموزش اجباری معین کرده است لیکن بواسطهٔ ضعف بنیهٔ مالی مملکت هنوز سه ربع شاگردانی که بین ۷و۱۳ سال دارند بویژه عشایر وروستائیان از نعمت تحصیل محرومند

بموجب مادهٔ ۳۳ قانون متمم بودجهٔ ۱۳۱۲ تعلیمات ابتدائی از آن سال در تمام دبستانهای دولتی مجانی است

دردهات وقصبات وشهر ها تاکلاس چهارم پسران ودختران ممکن است باهم تحصیل کنند ولی از کلاس پنجم پسران باید بدبستانهای شش کلاسهٔ ذکور روند

چنانکه در حاشیهٔ صفحهٔ ۳٤٦ بذکر داده شده وزارت فرهنگ مدتها است مشغول تجدید نظر در برنامه هاست ولی چون هنوز تصمیم قطعی دراین باب اتخاذنشده برنامه ای که در دیماه ۱۳۱۹ بتصویب شورای

طبق آئین‌نامهٔ امتحانات رسمی صورت گیرد
بازرسان وزارت فرهنگ حق دارند در هر موقع بمدارس مذکور وارد شده اوضاع ودروس آنها را مورد تحقیق وتفتیش قرار دهند.
اکثر ازمدارس خصوصی مطابق آئین‌نامهٔ خاصی اززوزارت فرهنگ اعانه دریافت میدارند ودر ازاء آن عده‌ای شاگرد بمعرفی وزارت فرهنگ رایگان می‌پذیرند.

درجات تعلیم

مادهٔ ١٥ قانون اساسی فرهنگ مدارج تحصیلی را بچهار درجه تقسیم کرده دبستان دهکده ـ دبستان شهر ـ دبیرستان ـ مدارس عالی در بیست سال اخیر نیز کودکستانهائی در تهران و بعضی از شهرهای بزرگ بوجود آمده ولی در قانون ذکری از آن‌ها نشده است.

اختلاف عمدهٔ دبستانهای دهکده وشهر فعلاً از حیث عدهٔ سالهای تحصیلی است که دردهات چهار ودرقصبات وشهرها شش سال است
دورهٔ تحصیلات کامل دبیرستانهای پسرانه شش ودخترانه پنج سال است. فارغ‌التحصیلهای دبیرستانهای شش ساله حق ورود بمدارس عالی ودانشگاه هارا دارند دخترانی که بخواهند وارد دانشگاه شوند باید همان تحصیلات پسران را در دبیرستانهای شش ساله بنمایند. دخترانی که دبیرستانهای پنجساله را بپایان میرسانند می‌توانند به مدارس عالی مامائی وپرستاری ونظیر آن وارد شوند.

کودکستانها

کودکستان هنوز جزو مدارج تحصیلی قرار نگرفته است. با این همه خود دولت اقدام بتأسیس کودکستان نمونه‌ای درتهران کرده واساسنامه‌ای در ١٦ آبان ١٣١٢ برای آن وضع

آموزگاران فعلی دبستانها را از لحاظ تحصیل و استخدام میتوان بچهار طبقه تقسیم کرد

طبقهٔ اول ازفارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی که دارای رتبهٔ رسمی آموزگاری هستند

طبقهٔ دوم معلمینی که کلاسهای کمك آموزگاری را دیده و رتبهٔ کمك‌آموزگاری دارند

طبقهٔ سوم کسانی که بواسطهٔ طول مدت خدمت بموجب مقرراتی که در ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ وضع شد دارای پایهٔ آموزگاری یاکمك‌آموزگاری یا پایهٔ اداری شده‌اند

طبقهٔ چهارم کسانی که بموجب قرارداد باوزارت فرهنگ بخدمت معلمی اشتغال دارند

مطابق قانون تربیت معلم مصوب ۱۹اسفند۱۳۱۲ وقانون تعلیمات اجباری مصوب ٦ مرداد ۱۳۲۲ کسانی که از دانشسراهای مقدماتی یا کلاسهای کمك‌آموزگاری فارغ‌التحصیل شوند برتبهٔ آموزگاری یاکمك آموزگاری نائل میگردند

هریك ازاین دوطبقه را ده‌پایه است ودرهرپایه باید مدتی خدمت کرد تا درصورت لیاقت بپایهٔ بالاتر نائل گردید

درپایان دورهٔ خدمت معلمین مذکور بازنشسته‌میشوند وازصندوق تقاعد حقوق بازنشستگی دریافت خواهند نمود

تازمانی که عدهٔ فارغ‌التحصیل دانشسراهای مقدماتی و کلاسهای کمك‌آموزگاری کافی نباشد وزارت فرهنگ بموجب آئین‌نامهٔ اختصاصی کارکنان دبستانهاکسانی که معلوماتشان درحدود شش‌سالهٔ ابتدائی باشد

عالی فرهنگ رسیده بقوت خود باقی است بموجب برنامهٔ مذکور مواد تحصیلی دبستانها عبارتست از فارسی ـ قرآن وشرعیات ـ اخلاق ـ حساب و هندسه ـ تاریخ ایران ـ جغرافیای ایران ومختصری ازجغرافیای عالم ـ علم اشیاء و بهداشت ـ تعلیمات مدنی ـ خط ـ رسم و نقاشی ـ تربیت بدنی ـ سرود ـ خیاطی (برای دختران) وکارهای دستی .

جزئیات موادی که باید تدریس شود در برنامه قید گردیده ولی چون برای دبستانها وزارت فرهنگ کتابهای معینی را تهیه وچاپ کرده و در تمام مدارس معمول داشته برنامهٔ حقیقی محتویات آن کتابهاست .

رفتن ازکلاسی بکلاس بالاتر موکول به نتیجهٔ امتحاناتی است که درطرف سال از دانش آموز میشود وشرایط وترتیبات آن در آئین نامهٔ دبستان مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۱۹ قید گردیده است . فراغ تحصیل از دبستانهای شش کلاسه بسته بتوفیق شاگرد در امتحانات رسمی است که بموجب آئین نامهٔ مصوب دیماه ۱۳۲۵ انجام میگیرد امتحانات معمولاً در خود مدارس تحت نظر نمایندهٔ دولت صورت می پذیرد مواد امتحانات کتبی ومدت هریك بقرار زیر است

دیکته	نیم ساعت	حساب	یکساعت و نیم	هندسه	یکساعت
انشاء	یکساعت و نیم	خط (که نمرات آن با نمرات شفاهی جمع میشود)	نیمساعت		

امتحانات شفاهی که شامل فارسی ـ تاریخ ایران ـ جغرافیا ـ حساب وهندسه ـ قرآن وشرعیات (فقط برای مسلمانان) وامتحانات عملی شامل خیاطی (برای دختران) وورزش میباشد هرداوطلبی که معدل نمراتش بده (از بیست) رسد امتحانش قبول وگواهی نامهٔ شش سالهٔ ابتدائی خواهد گرفت .

متوسطه خواهد بود .

داوطلبان متفرقه که بخواهند گواهی نامهٔ دورهٔ اول متوسطه را بگیرند باید مواد ذیل را درمدتی که قید گردیده کتباً امتحان دهند

املاء فارسی	سه ساعت	انشاء فارسی	یکساعت و نیم		
عربی	یکساعت و نیم	حساب و جبر	دوساعت		
هندسه	یکساعت و نیم	فیزیك	یکساعت و نیم		
شیمی	یکساعت و نیم	علوم طبیعی و بهداشت	یکساعت و نیم		

املاء زبان خارجه و ترجمه یکساعت و نیم

مواد امتحانات شفاهی عبارتست از فارسی - عربی - زبان خارجه - تاریخ - جغرافیا - جبر و حساب - هندسه - فیزیك - شیمی - علوم طبیعی و بهداشت - تعلیمات دینی و اخلاقی - رسم و نقاشی - ورزش - خیاطی و خانه داری (برای دختران)

برنامهٔ تحصیلات دختران در ۲۹ خرداد ۱۳۱۸ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده و بموجب آن دوشیزگان درسه سال اول متوسطه همان برنامهٔ تحصیلات پسران را باید بیاموزند با این تفاوت که خانه داری و خیاطی را بجای عده‌ای از ساعات ورزش و خط و رسم فرا گیرند .
پس از اتمام سال سوم دخترانی که بخواهند بعد ها وارد دانشگاه شوند مانند پسران برنامهٔ تحصیلات متوسطه را دنبال خواهند نمود ودوشیزگانی که مایل به تعقیب تحصیل دردانشگاه نباشند وارد دورهٔ فنی دختران خواهند شد که مدت آن دو سال است ودرپایان یکسالی که درامتحانات توفیق حاصل کنند گواهی نامهٔ دورهٔ فنی داده میشود فارغ التحصیل های این دوره میتوانند بآموزشگاههای مامائی - پزشکیاری - پرستاری و نظایر آن

برای چهار کلاس اول دبستانها و کسانی که دورهٔ سه سالهٔ اول دبیرستانها را دیده باشند برای کلاسهای پنجم و ششم بموجب قرارداد استخدام میکند

آموزش متوسطه تحصیلات متوسطه دنبالهٔ تحصیلات ابتدائی است و کسانی که دورهٔ دبستان را بپایان رسانده دارای گواهی نامهٔ شش سالهٔ ابتدائی باشند حق ورود بدبیرستان را دارند مطابق برنامه‌ای که در اول آذر ۱۳۱۷ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده مدت تحصیل در دبیرستان شش سال است سه سالهٔ اول آن دورهٔ اول متوسطه نامیده میشود — در پایان کلاس پنجم امتحان رسمی بعمل میآید و گواهی نامهٔ دبیرستان صادر میشود

کلاس ششم بچهار شعبهٔ ادبی — ریاضی — طبیعی — بازرگانی تقسیم میشود و کسانی که دیپلم شعبهٔ ادبی را بدست آورند بدانشکدهٔ ادبیات و حقوق حق ورود دارند اشخاصی که از شعبهٔ ریاضی فارغ التحصیل شوند بدانشکدهٔ علوم و فنی و شعبهٔ معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا و آنان که شعبهٔ علوم طبیعی را بپایان رسانند بدانشکدهٔ پزشکی و علوم و دامپزشکی و کشاورزی میتوانند داخل شوند فارغ التحصیل‌های شعبهٔ بازرگانی میتوانند در شعبهٔ اقتصادی دانشکدهٔ حقوق تحصیلات خود را دنبال کنند در دانشسرای عالی نیز فارغ التحصیل‌های شعبهٔ ادبی و ریاضی و طبیعی پذیرفته میشوند

کسانی که پس از اتمام سه سالهٔ اول متوسطه بخواهند وارد مدارس فنی مانند دانشسرای مقدماتی ، هنرستان و دبیرستان صنعتی و ورزشی و نظایر آن شوند باید امتحان سال سوم متوسطه را تحت نظر نمایندهٔ وزارت فرهنگ در خود دبیرستان دهند و کارنامهٔ تحصیلی که بدین ترتیب بآنها داده میشود بامضای ادارهٔ فرهنگ میرسد و در حکم گواهی نامهٔ دورهٔ اول

وارد آموزشگاه های فنی یا سال چهارم دبیرستان یا خدمت دولت با پایهٔ یك اداری شوند . دارندگان گواهی نامهٔ سال پنجم متوسطه حق ورود بهر یك از شعب کلاس ششم یا خدمت دولت را با پایهٔ دو اداری دارند و خدمت نظام وظیفه را در دانشکدهٔ افسری و بعد با درجهٔ افسری انجام خواهند داد فارغ التحصیلهای کلاس ششم چنانکه سابقاً اشاره شد مجاز بدخول دانشگاه میباشند .

گواهی نامهٔ سال پنجم و ششم متوسطه را بعضی از دانشگاه های انگلستان و فرانسه و امریکا برسمیت می‌شناسند و به صاحبان آنها اجازهٔ ورود میدهند .

دبیران مدارس متوسطه مطابق قانون تربیت معلم باید از لیسانسیه های دانش‌سرای عالی باشند ولی چون عدهٔ لیسانسیه بحد کافی نبوده وزارت فرهنگ شمارهٔ بسیاری از فارغ التحصیل های دانش‌سراهای مقدماتی را موقتاً بمعلمی کلاسهای اول دبیرستان منصوب کرده است .

دبیران مذکور مشمول قانون تربیت معلم و قانون تعلیمات اجباری هستند و ده پایه برای آنان مقرر است که در هر یك باید مدتی خدمت کنند تا بتوانند با ابراز لیاقت بپایهٔ بالاتر ترفیع حاصل کنند بدون محاکمه آنها را نمیتوان از کار برکنار کرد و چنانچه منتظر خدمت شوند قسمتی از حقوق پایهٔ خود را دریافت خواهند کرد هنگام پیری بازنشسته میشوند و حقوق نسبت سنوات خدمت اخذ خواهند نمود

ورود بدانش سرای عالی بسته است بداشتن گواهی نامهٔ سال ششم متوسطه و توفیق در امتحانات مسابقه . رشته هائی که در دانش سرای عالی میتوان انتخاب کرد عبارتست از زبان و ادبیات فارسی –

داخل شوند.

مواد تحصیلی دورهٔ فنی دختران عبارتست از فارسی ـ زبان خارجه ـ اخلاق و آداب معاشرت ـ فیزیك ـ شیمی ـ علوم طبیعی ـ روان شناسی ـ بچه داری ـ خیاطی ـ کارهای دستی ـ نقاشی ـ موسیقی ـ طباخی ـ ورزش

موادی که در پنج سال اول متوسطه تدریس میشود قرار زیر است

فارسی ـ عربی حساب ـ تعلیمات دینی ـ تاریخ ـ زبان خارجه ـ گیاه‌شناسی ـ حیوان‌شناسی ـ زمین‌شناسی ـ بهداشت ـ حساب ـ هندسه ـ جبر ـ مثلثات ـ هیئت ـ رسم و نقاشی ـ ورزش.

درسالهای ششم علاوه بر فارسی و زبان خارجه مواد اختصاصی هر شعبه آموخته میشود.

در دبیرستانها معمولاً دانش آموز باید ماهانه بپردازد ومیزان آن درمدارس دولتی بوسیلهٔ شورای عالی فرهنگ معین میشود مبلغ ماهانه ناچیز است وطبقات معینی هم چون فرزندان فرهنگیان وکارمندان دولت که حقوقشان از مبلغ معینی تجاوز نکند ومعدل نمراتشان از ۱۲ کمتر نباشد از تأدیهٔ ماهانه معاف هستند

رفتن از کلاسی بکلاس بالاتر بسته بتوفیق درامتحانات داخلی دانش آموز است که مطابق آئین‌نامهٔ دبیرستان مصوب شورای عالی فرهنگ صورت میگیرد امتحانات سال سوم برای کسانی که بخواهند وارد آموزشگاه های فنی شوند چنانکه درفوق مذکور افتاد در دبیرستانها زیر نظر نمایندهٔ وزارت فرهنگ انجام میشود. امتحانات سال ۵ و ۶ طبق آئین نامهٔ امتحانات نهائی مصوب دی ۱۳۲۵ بعمل می آید.

کسانی که موفق باخذ کارنامهٔ سال سوم متوسطه بشوند می‌توانند

نیکو داده ودر شهرستانها نیز شروع بایجاد آن نموده‌اند

آموزش فنی

سه درجه در تعلیمات فنی میتوان تشخیص داد درجهٔ ابتدائی - متوسطه - عالی درجهٔ ابتدائی فقط در کانون آموزش و کار که از تأسیسات سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است و همچنین در زندان قصر تعلیم میشود اطفال علاوه بر یادگرفتن قسمتی از برنامهٔ دبستان پیشه‌ای چون قالی بافی - نجاری - مبل‌سازی - کفش‌دوزی - آهنگری - جوراب بافی - سراجی - پارچه بافی و مانند آن فرامیگیرند در دبستانهای دهات نگارنده در ۱۳۲۳ و در ۱۳۲۶ مشاهدت کرد که کشاورزی جدید عملاً تعلیم شود ولی تاکنون این موضوع تعمیم پیدا نکرده است .

بنگاه خاور نزدیک که مؤسسه‌ای است امریکائی با کمک وزارت فرهنگ و وزارت کشاورزی درسی و پنج قریه واقع در ورامین از کلاس سوم ابتدائی سالانه هفته‌ای دو بعد از ظهر اطفال را عملاً آشنا بفلاحت میکند و کوشش دارد در روش کشت و انتخاب بذر و نوع محصول اصول جدیدی بآنها بیاموزد .

درجهٔ متوسطه آموزش فنی مخصوص کسانی است که تحصیلات دبستان را بپایان رسانده و میخواهند در رشته‌ای از مشاغل دارای اطلاعات و معلومات شوند مدارسی را که میتوان در این قسمت ذکر نمود عبارتست از هنرستان موسیقی - آموزشگاههای مامائی شهرستانها - آموزشگاه‌های پرشکیاری در تهران و تبریز و اصفهان و مشهد و شیراز - دبیرستان صنعتی و شعب آن در شیراز و اصفهان و تبریز و مشهد - هنرستان دختران - هنرستان زرگری - هنرستان بانوان - آموزشگاه خلبانی نیروی هوائی - آموزشگاه فنی

فلسفه وعلوم تربیتی- تاریخ وجغرافیا- زبان خارجه - باستان‌شناسی- علوم ریاضی - فیزیك - شیمی - علوم طبیعی. دورهٔ تحصیل سه سالست و هر دانشجو علاوه بر فرا گرفتن دروس رشتهٔ خود موظف است سه ماده از علوم تربیتی را بیاموزد وعملاً درمدارس بورزش دبیری بپردازد . داوطلبان دبیری از پرداخت ماهانه معاف هستند ودرصورتیکه مایل باشند میتوانند درشبانه‌روزی بخرج دولت زندگی کنند یا کمك هزینهٔ نقدی دریافت دارند

انجمن همکاری خانه و مدرسه

برای فراهم کردن وسایل همکاری اولیای کودك ومدرسه وپیشرفت تربیت اخلاقی و فکری و بهداشت و رشد دانش آموز در پنجمین دورهٔ وزارت فرهنگ نگارنده بتاریخ ۱۹ آبان ۱۳۲٦ شورای عالی فرهنگ آئین نامه‌ای تصویب نموده که بموجب آن در دبستانها هیئتی بنام انجمن همکاری خانه و مدرسه بوجود آید اعضای این انجمن را اولیای اطفال برای مدت سه سال ازبین خود انتخاب میکنند ورئیس مدرسه‌هم طبعاً عضو آن است. عدهٔ اعضای انجمن دردبستانها شش تاهشت ودر دبیرستان هاهشت تاچهارده نفرخواهد بود.

وظایف عمدهٔ انجمن مذکورعبارتست ازرسیدگی بتقاضاهای اولیای دانش آموزان- سعی دررفع نقائص آموزشگاه - تهیهٔ لباس و ناهار مجانی برای اطفال بی‌بضاعت - نظارت در صرف هدیه هائی کـه بمدرسه داده میشود - تعیین حدمنگداران‌جزو - مراقبت دربهداشت شاگردان و آب مشروب - ایجاد عادات واخلاق‌پسندیدهٔ اجتماعی - کمك‌بتوسعهٔ کتابخانه وموزه و وسایل ورزش - تشکیل جلسات سخنرانی بمنظور علاقه مند کردن مردم بمدرسه.

انجمن مذکور دربسیاری از مدارس پایتخت تأسیس شده و نتایج

مملکتی بنام دانشکدهٔ کشاورزی ودامپزشکی به شعب دانشگاه تهران اورده شد .

در آبان ۱۳۲۶نیز دانشگاه تبریز بادودانشکدهٔ ادبیات ودانشکدهٔ پزشکی توسط مؤلف تأسیس گردید وبعد در تاریخ سوم خرداد ۱۳۲۸ بموجب قانون تأسیس دانشگاههای شهرستانها شرایط اساسی آن از لحاظ اداری ومالی و تعلیماتی واستخدامی همان شرایط مندرج در قانون تأسیس دانشگاه تهران مقرر شد

در ۱۳۲۸ آموزشگاه عالی بهداشت اصفهان و شیراز و مشهد را بصورت دانشکده طب در آورده اند

رئیس دانشگاه از میان رؤسای دانشکده ها به پیشنهاد شورای دانشگاه وموافقت وزیر فرهنگ بموجب فرمان همایون معین میشود .

شورای دانشگاه تشکیل میشود از رئیس دانشگاه و رؤسای دانشکده ها ولااقل یك استاد بنمایندگی از طرف اساتید هردانشکده .

وظایف شوری عبارتست از تصویب برنامه های دانشکده‌ها و آئین نامه های امتحانات وشرایط ورودداشجو واعطای درجه ودانشنامه وتصدیق صلاحیت دانشیاران .

دانشگاه درکارهای داخلی خوداستقلال دارد و وزیر فرهنگ بر امور آن نظارت میکند . تصویب بودجهٔ دانشگاه ونصب استادان ورؤسای دانشکده ها وموافقت بانصب رئیس دانشگاه از وظایف مختصهٔ اواست

هردانشکده نیز شورائی داردکه ازاستادان آن دانشکده تشکیل میشود و اغلب آنچه بتصویب شورای دانشگاه میرسد از طرف شوورای دانشکده ها پیشنهاد میشود .

هواپیمائی - هنرستان صنعتی - آموزشگاه پست و تلگراف - هنرستان هنرپیشگی - آموزشگاه فنی راه وراه آهن - آموزشگاه فنی آبادان که دارای شعبهٔ بازرگانی - نویسندگی - مکانیک - برق - نفت میباشد . جز قسمت اول هنرستان موسیقی و هنرستان دختران وقسمتی از آموزشگاه فنی راه سایر آموزشگاه های مذکور فقط کسانی را میپذیرند که دورهٔ سه سالهٔ دبیرستان را دیده باشند ودر این صورت عدهٔ سنوات تحصیلی آنها از سه سال تجاوز نمیکند .

البته دانشسراهای مقدماتی هم یك نوع از مدارس فنی است که شرح آنها بجای خود در صفحات قبل آمده است .

درجهٔ عالی آموزش فنی در دانشگاه ومدارس عالیه تعلیم میشود

آموزش عالی

طرح تأسیس دانشگاه تهران را نگارنده بر حسب دستور اعلیحضرت رضاشاه کبیر در ۱۳۱۰ هنگامی که درامریکا بود تهیه نمود ودر ۱۳۱۲ آنرا بصورت طرح قانونی درآورد که در خرداد ۱۳۱۳ بتصویب مجلس شورای ملی رسید . بموجب این قانون دانشگاه تهران راشش دانشکده است دانشکدهٔ ادبیات - دانشکدهٔ علوم - دانشکدهٔ پزشکی ودندان پزشکی وداروسازی - دانشکدهٔ حقوق - دانشکدهٔ معقول ومنقول - دانشکدهٔ فنی دانشکدهٔ هنرهای زیبا در ۱۳۱۹ تأسیس ودر ۱۳۲۰ ضمیمهٔ دانشگاه تهران گردید ودر تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۲۸ بتصویب مجلس شورایملی جزو شعب دانشگاه شد .

در ۱۳۲۵ بموجب تصمیم دولت آموزشگاه عالی کشاورزی و دامپزشکی که تا آن تاریخ جزو وزارت کشاورزی بود بدانشگاه تهران منضم شدودر ۲۹ فروردین ۱۳۲۸ ضمن قانون پرداخت دو دوازدهم بودجهٔ

درجهٔ دکتری درزبان فارسی نائل شوند.

درداشکدهٔ دامپزشکی باید چهار سال تحصیل کرد تادورهٔ آن را بپایان رساند سپس بانوشتن پایان‌نامه و تصویب رساندن بأخذ دانشنامهٔ دکتری دردامپزشکی مفتخر شد.

دانشکدهٔ حقوق چهارشعبه دارد قضائی - سیاسی - اقتصادی - بازرگانی.

دورهٔ تحصیل درداشکدهٔ فنی چهار سال‌است ودانشجویان پس از یکسال تحصیل مشترك میتوانند بیکی ازشعب چهارگانهٔ آن که‌عبارتست ازشعبهٔ شیمی - الکترومکانیك - راه و ساختمان - معدن وارد شوند. فارغ‌التحصیلان این دانشکده دانشنامهٔ مهندسی دریافت میدارند

دانشکدهٔ هنرهای زیبا دارای شعبهٔ معماری - مجسمه ساری - نقاشی‌است. شرط ورود به شعبهٔ اول داشتن گواهی نامهٔ متوسطه کامل ریاضی ودورهٔ آن چهارسال است. برای ورود بدوشعبهٔ دیگربایددارای گواهی‌نامهٔ سه سالهٔ اول متوسطه بود وشش سال تحصیل پرداخت.

علاوه‌بردانشکده‌های‌مذکور آموزشگاه عالی مامائی و آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی تحت نظر دانشگاه (دانشکدهٔ پزشکی) اداره میشود. شرط ورود بآنها داشتن گواهی‌نامهٔ تحصیلات متوسطهٔ نسوان و دورهٔ آنها سه سال است.

بفارغ‌التحصیل‌ها دانشنامه و پروانهٔ مامائی و دانشنامهٔ پرستاری داده میشود.

برای‌تهیهٔ پزشکان درجهٔ دوم جهت دهستانها ومبارزه با بیماریهای همه‌گیراز ۱۳۱۹ آموزشگاه عالی بهداشت درمشهد تأسیس گردیده که

رئیس هر دانشکده باجلب نظر شورای آن از بین اساتید همان دانشکده از طرف رئیس دانشگاه بوزیر فرهنگ پیشنهاد میشود و بتصویب او منصوب میگردد .

نخستین مرحلهٔ معلمی دانشگاه دانشیاری است و ترفیع از دانشیاری باستادی منوط باقامت دست کم پنجسال در رتبهٔ دانشیاری و ابراز شایستگی و پیشنهاد رئیس دانشکده و تصویب شورای دانشگاه است . در قانون اساسی دانشگاه ده پایه برای دانشیاران و ده پایه برای استادان منظور و امتیازات آنان پیش بینی شده است . در دانشکدهٔ پزشکی بموجب قانون اصلاحی قانون تأسیس دانشگاه مصوب ۱۲ آبان ۱۳۱۹ علاوه بر دانشیاران و استادان دو دستهٔ دیگر کارمند فنی منظور گردیده طبقهٔ پزشکان بیمارستانهای ضمیمهٔ دانشکدهٔ پزشکی ـ طبقهٔ دستیاران و طرز انتخاب و استخدام آنان در قانون مذکور مقرر گردیده است

دانشسرای عالی باید طبعاً و قاعدةً تحت نظر مستقیم وزارت فرهنگ باشد ولی بموجب مادهٔ دوم قانون اساسی دانشگاه بتصویب وزیر فرهنگ اکنون جزو دانشگاه تهران است معلمان آن مشمول مقررات استخدامی دانشگاه میباشند

دورهٔ تحصیلات دانشکدهٔ پزشکی شش سال و شعبهٔ دارو سازی و دندان پزشکی چهارسال است و بفارغ التحصیل های آنها عنوان دکتری داده میشود در دانشکدهٔ ادبیات نیز از مهر ۱۳۱۶ دورهٔ دکتری زبان فارسی دائر گردیده و باشرایط معینی لیسانسیه‌های زبان فارسی حق ورود بآن دوره را دارند و پس از لااقل دوسال تحصیل منظم و توفیق در امتحانات و تهیهٔ رساله‌ای که قابل قبول باشد و دفاع از آن رساله ممکن است بأخذ

شرط ورود به شعبهٔ سوم داشتن دانشنامه از دانشکدهٔ فنی ایران یاخارج یاهنرسرای عالی است. دراین شعبه باید یکسال معلومات اختصاصی وزارت پست و تلگراف را فراگرفت ودر صورت موفقیت با پایهٔ ٤ اداری وارد خدمات فنی آن وزارتخانه شد.

هنرسرای عالی تحت نظر وزارت اقتصاد ملی است و شرط ورود داشتن گواهی نامهٔ متوسطه کامل یاگواهی نامهٔ سال تهیهٔ هنرسرای عالی است دورهٔ تحصیلات آن سه سال ودارای شعب مهندسی ماشین سازی - مهندسی برق - مهندسی شیمی میباشد.

شرکت نفت ایران و انگلیس در آبان ۱۳۱۹ اقدام بتاسیس آموزشگاه عالی نفت کرده که شبانه روزی و اساسنامهٔ آن در تاریخ ۲مهر ۱۳۱۹ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است. کسانی که دارای گواهی نامهٔ پنجسالهٔ متوسطه هستند در آنجا پذیرفته میشوند ویکسال در کلاس ششم فنی تحصیل میکنند سپس وارد قسمت عالی میشوند که دارای دو دوره ومدت هر دوره دوسال است. کسانی که دو دوره را بپایان رسانند امتحانات نهائی را با نظارت وزارت فرهنگ میدهند ودانشنامهٔ آنها بامضای وزارت فرهنگ داده میشود وبرحسب مقرراتی که بتصویب دولت رسیده در مؤسسات نفت مشغول خدمت میشوند.

تربیت بدنی

در ۱۳۱۲ بتوسط آقایان ابراهیم حکیمی وحسین علاء ونگارنده انجمنی بنام انجمن ملی تربیت بدنی تأسیس گردیده که در ۱۳۱۳ اساسنامهٔ آن تدوین شد وبه ثبت رسید و شخصیت حقوقی پیدا کرد.

انجمن مذکور تحت ریاست عالیهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

دورۀ آن چهارسال وشرط ورود بآن داشتن گواهی نامۀ سه سالۀ اول متوسطه است.

در ۱۳۲۵ دراصفهان وشیراز نیز نظیر آموزشگاه مذکور تأسیس شد وهمین سه آموزشگاه است که در ۱۳۲۸ موسوم بدانشکده پزشکی شد

مدارس عالی که تاکنون نام برده شد بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت نظر وزارت فرهنگ است. آموزشگاههای عالی دیگر نیز در مملکت است که تحت نظر سایر وزارتخانه ها است که از آنها بطور مختصر در اینجا بحث خواهد شد

دانشکدۀ افسری ودانشکدۀ هوائی هردوشبانه روزی وجزو وزارت جنگ اند. شرط ورود بآنها فراغ از تحصیل از دبیرستان است. دورۀ دانشکدۀ افسری سه سالست ودارای رشته‌های زیر میباشد پیاده ـ سوار ـ توپخانه ـ مهندسی استحکامات ـ مهندسی مخابرات ـ امور مالی. کسانی که از تحصیل فارغ شوند بدرجۀ ستوان دومی نائل ودر ارتش شاهنشاهی مشغول میشوند.

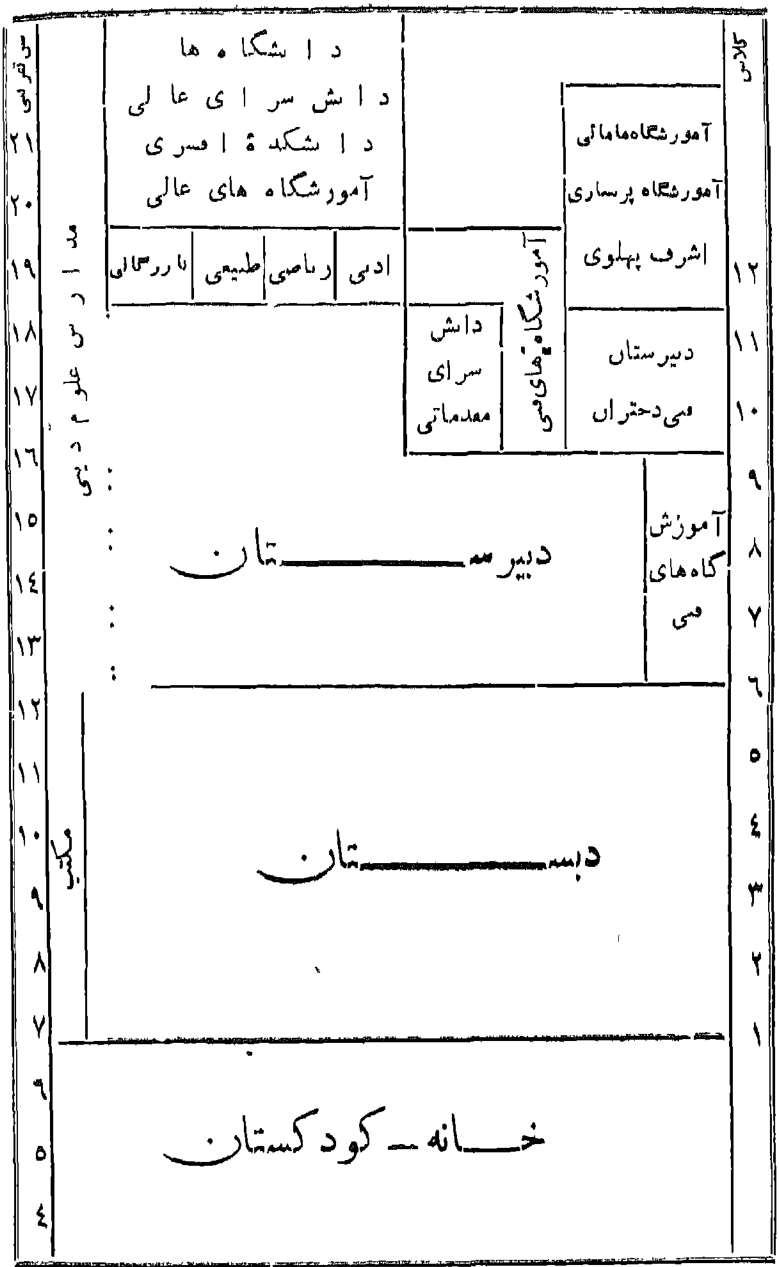
وزارت پست وتلگراف نیز بموجب قانون ۲۳ دیماه ۱۳۱۸ آموزشگاه اختصاصی برای تربیت اعضای فنی خود تأسیس کرده که دارای سه شعبه است. درشعبۀ اول با گواهی نامۀ دورۀ اول متوسطه میتوان وارد شد و فارغ التحصیلهای آن باپایۀ دواداری بخدمت پذیرفته میشوند. درشعبۀ دوم دارندگان گواهی نامۀ متوسطه کامل حق ورود دارند وپس از دوسال تحصیل باپایۀ سه اداری بخدمات فنی تلگراف وتلفون بی سیم وپخش صدا منصوب میگردند.

وظایف خود را انجام میدهد . دبیرخانهٔ انجمن همان ادارهٔ تربیت بدنی وزارت فرهنگ است . وجوهی که بانجمن میرسد صرف ترویج ورزش در مدارس - تشویق باشگاه های ورزشی - تهیهٔ مسابقه‌های قهرمانی است که هرسال دوبار تشکیل میشود . یك بار درچهارم آبان (میلاد همایونی) درتهران ویکبار در ایام نوروزدریکی ازشهرهای مهم کشور.

اکنون بسیاری ازشهرها دارای زمین ورزش هستند و ورزشگاه بطرز جدید در تهران در اراضی امجدیه و در تبریز وشیراز واهواز دائر است. در تمام مدارس تهران و بیشتر مدارس دولتی ولایات امروز ورزش واقسام بازی مانند فوتبال و والیبال و باسکتبال معمول است . در وزنه برداری ودومیدانی نیز پیشرفتهای بسیار حاصل شده وبرای اولین بار در تابستان ۱۳۲۷ قهرمانان ایران درالمپیاد لندن شرکت جستند و درمرداد ۱۳۲۸ درمسابقهٔ وزنه برداری یکنفر ازقهرمانان ایرانی حد اعلای وزنه برداری دنیا را شکست

برای تربیت معلم ورزش دانشسرای تربیت بدنی یکی برای پسران ویکی برای دختران درپایتخت تأسیس گردیده وفارغ التحصیلهای آنها با رتبهٔ آموزگاری بمعلمی مدارس منصوب میشوند.

آمارمدارس برای اینکه از وسعت واهمیت سازمان فرهنگی نظر کلی حاصل شود جدول صفحهٔ پشت که اوضاع معارف کشور را درخرداد ۱۳۲۷ نشان میدهد بطبع میرسد .



سازمان مدارس ایران

فهرست کتاب و مجله‌هائی که مطابق اطلاع نگارنده درباره آموزش و پرورش بزبان فارسی منتشر شده و معلم میتواند بررسی آنها را بشاگردان سفارش کند.

فلسفهٔ تربیت (شیراز-۱۳۱۷) تألیف هورن	آرام، احمد (ترجمه)
چگونه روحهای محکم و ورزیده بسازیم (اصفهان- ۱۳۱۶) تألیف موسیه	آرام، احمد (ترجمه)
آموزشگاههای فردا (تهران-۱۳۲۸) تألیف جان دیوئی	آریان‌پور (ترجمه)
زندگانی خانوادهٔ مسیحی (تهران-۱۳۲۳) جان بوس	صغری آذرمی (ترجمه)
پرورش فکر (تهران)	آو اولی، سرتیپ فرج‌الله
فلسفه آموزش و پرورش (تهران ۱۳۲۸)	دکتر امیر هوشمند
رهنمای تربیت یا اصول تعلیم (تهران-۱۳۰۱)	آموزگار، حبیب‌الله
آموزش و پرورش (تهران- ۱۳۱۶)	« «
نظام مدرسی (تهران-۱۳۰۷)	امیربان، آقاخان
کودک (اصفهان-۱۳۱۶) تألیف دکتر بوشه	امیمی، امیرقلی (ترجمه)
راه نو (در چهار جلد جلد دوم برلن ۱۹۲۵م-جلد سوم برلن ۱۳۰۶) جلد چهارم برلن ۱۳۰۷	ایرانشهر، کاظم‌زاده
روانشناسی راجع تعلم و تربیت (تهران-۱۳۱۱)	بامداد، بدرالملوک
چشم‌انداز تربیت در ایران (تهران -۱۳۱۵)	برن، اسدالله
سیر تمدن در ایران باستان (تهران - ۱۳۱۶)	« «
روش پرورش (تهران -۱۳۰۷)	بهروز خاوری
در آغوش خوشبختی (تهران-۱۳۱۳)	پاینده، ابوالقاسم (ترجمه)
در جستجوی خوشبختی (تهران-۱۳۱۴)	پاینده، ابوالقاسم (ترجمه)
روانشناسی (تهران-۱۳۱۷)	دکتر پرویز خانلری
رهنمای مطالعه (مشهد -۱۳۱۳)	پرویز گنابادی
صنایع ایران در گذشته و آینده (تهران-۱۳۰۴)	پروفسور پوپ (ترجمه ع٠ص٠)
مقدمهٔ تعلیم عمومی یا یکی از سرفصلهای تمدن	تقی‌زاده

آمار مدارس ایران در خرداد ۱۳۲۷

نوع مدرسه	شمارهٔ هر نوع	شمارهٔ شاگرد دختر	شمارهٔ شاگرد پسر	شمارهٔ شاگرد جمع	شمارهٔ معلم زن	شمارهٔ معلم مرد	شمارهٔ معلم جمع
کودکستان							
دولتی(۱)	۶				۱۴	۵	۱۹
ملی	۵۳	۲ر۱۷۴	۲ر۸۶۵	۵ر۰۳۹	۱۱۰	۹	۱۱۹
مکتب	۱ر۱۱۷	۶ر۱۸۶	۱۶ر۶۴۷	۲۲ر۸۴۳	۴۱۳	۶۸۸	۱ر۱۰۱
دبستان							
دولتی	۲ر۹۹۷	۸۴ر۰۹۴	۲۵۹ر۰۱۳	۳۴۳ر۱۰۷	۵ر۱۸۰	۷ر۹۴۶	۱۳ر۱۲۶
ملی	۲۳۲	۱۱ر۷۹۳	۳۱ر۳۶۶	۴۳ر۱۵۹	۷۲۲	۹۳۳	۱ر۶۵۵
جمع دبستان	۳ر۲۲۹	۹۵ر۸۸۷	۲۹۰ر۳۷۹	۳۸۶ر۲۶۶	۵ر۹۰۲	۸ر۸۷۹	۱۴ر۷۸۱
دبیرستان							
دولتی	۲۱۲	۴ر۹۶۳	۲۲ر۳۳۹	۲۷ر۳۰۲	۳۰۰	۱ر۶۸۹	۱ر۹۸۹
ملی	۷۲	۲ر۹۰۷	۶ر۱۴۴	۹ر۰۵۱	۲۶۲	۲۹۹	۵۶۱
جمع دبیرستان	۲۸۴	۷ر۸۷۰	۲۸ر۴۸۳	۳۶ر۳۵۳	۵۶۲	۱ر۹۸۸	۲ر۵۵۰
دانشسرای مقدماتی	۳۰	۴۵۲	۱ر۰۶۱	۱ر۵۱۳	۳۴	۱۷۸	۲۱۲
مدارس فنی	۳۲	۲۷۹	۵ر۱۹۲	۵ر۴۷۱	۳۳	۴۸۶	۵۱۹
مدارس علوم دینی	۱۹۵	—	۶ر۵۳۱	۶ر۵۳۱	—	۵۲۱	۵۲۱
مدارس عالی(۲)	۸	۱۷۰	۶ر۱۳۳	۶ر۳۰۳	۱۱	۵۲۴	۵۳۵
کلاس سالمندان							
دولتی	۷۵۵	۴۲۴	۳۰ر۷۳۸	۳۱ر۱۶۲	۱۸	۱ر۹۲۳	۱ر۹۴۱
ملی	۶۷	۹۱۰	۴ر۶۹۳	۵ر۶۰۳	۱۸	۲۰۳	۲۲۱

(۱) شمارهٔ شاگردان کودکستانهای دولتی بدست نیامد

(۲) دانشکدهٔ افسری و سایر مدارس عالی نظام در این صورت منظور نگردیده مدارس عالی وابسته بدانشگاه تهران جداگانه بحساب نیامده و جزو دانشگاه منظور گردیده

معرفت النفس (تهران-۱۳۱٦)	غنی، دکتر قاسم
مجلهٔ فروغ تربیت (٤ شماره ۱۳۰۰ شمسی)	فروغی، ابوالحسن
روش آموزش وپرورش درچند کشور (تهران-۱۳۲۰)	دکتر فرنام، عبدالله (ترجمه)
اصول تعلیم وتربیت (تهران-۱۳۱٤)	فلسفی، نصرالله
راه خوشبختی (دوجلد تهران ۱۳۱۵) تألیف دکتر پوشه	دکتر کاسمی (ترجمه)
مدرسه وشاگرد (تهران-۱۳۲٦) تألیف جان دیوئی	ترجمه مشفق همدانی
مدرسه واجتماع (تهران ۱۳۲۷) » »	» »
روانشناسی تربیتی (اهواز ۱۳۱٦)	دکتر معین، محمد (ترجمه)
رهنمای تربیت جوانان (تهران-۱۳۱۲)	نشأت، صادق حسینی
مجلهٔ اصول تعلیمات (٦ شماره-۱۲۹۸ خورشیدی)	وزارت فرهنگ
مجلهٔ آموزش وپرورش (از ۱۳۰٤ بعد اکنون نیز منتشر میشود)	وزارت فرهنگ
پرورش جوانان (تهران-۱۳۱۷) تألیف هربرت اسپنسر	هدایت، رضاقلی (ترجمه)
شخصیت انسان (تهران-۱۳۱۵) تألیف دکتر هوب	دکتر هوشیار (ترجمه)
تدریس زبان خارجه (تهران-۱۳۲۳)	دکتر هوشیار
اصول آموزش وپرورش (تهران-۱۳۲۷)	» »
خویشتن داری (تهران-۱۳۱٦) تألیف دوروبل	مجید مکتائی (ترجمه)
راه موفقیت (تهران-۱۳۱٦) تألیف جانم آلن	» »
طبیب خود باش (تهران-۱۳۱٦) تألیف مولفورد	» »
روش دکتر خردن (تهران-۱۳۲۳)	ناصر، شکرالله

روانشناسی کودک (تهران ـ ۱۳۲۸)	دکتر مهدی جلالی
روانشناسی پرورشی (تهران ۱۳۲۸)	« «
رهنمای دانش (تهران-۱۳۱۹)	حساب‌زاده، محمد
تعلیم و تربیت در نظر سعدی (تهران-۱۳۱۹)	حساب‌زاده، محمد
روانشناسی (تهران-۱۳۰۸)	حجازی، میر محمد
مجلهٔ اصول تعلیم (۶ شماره-۱۲۹۹ شمسی)	دار المعلمین مرکزی
سنجش هوش (تهران-۱۳۱۷)	دانشور، محمدعلی
به سال در امریکا (تهران-۱۳۱۱)	دشتی، عبدالله
مبادی علم تربیت (تهران-۱۳۰۷)	دشتی، محمد
اعتماد بنفس (تهران-۱۳۰۵) تألیف اسمایلز	دشتی، علی (ترجمه)
برتری انگلوساکسن (تهران- چاپ دوم ۱۳۱۱) تألیف دمولن	دشتی، علی (ترجمه)
تربیت معلم (تهران ۱۳۲۹)	دهقان، علی
تربیت اطفال در خانه (تهران-۱۳۰۷)	رسول، نخشبی
تربیت اطفال در مدرسه (تهران-۱۳۰۷)	رسول، نخشبی
امیل روسو (تهران ۱۳۲۸)	زیرک زاده، غلامحسین (ترجمه)
روانشناسی پرورشی (تهران-۱۳۲۰)	دکتر سیاسی، علی اکبر
تعلیم و تربیت در نظر فردوسی (تهران-۱۳۱۹)	شریف، محمدحسن
اصول روانشناسی (تهران-۱۳۱۷)	شهابی، علی اکبر
اصول تربیت جسمانی و حفظ الصحه (تهران-۱۳۰۶) تألیف ولپیون	صالح، علی پاشا (ترجمه)
دستور تعلیم حساب مقدماتی (رساله)	صحیحی، حبیب‌الله
دستور آموزش (تهران-۱۳۲۰)	صحیحی، حبیب‌الله
به کنفرانس در اصول تعلیم عملی (تهران-۱۲۹۷)	صدیق، دکتر عیسی
اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری (تهران-۱۳۰۲)	« «
اصول عملی علم تربیت (تهران-۱۳۰۷)	« «
یکسال در امریکا (تهران چاپ اول ۱۳۱۱ چاپ دوم با تجدید نظر کلی ۱۳۲۱)	صدیق، دکتر عیسی
روش نوین در آموزش و پرورش (شش چاپ هر بار با تجدید نظر تهران ۲۹-۲۸-۲۴-۱۷-۱۶-۱۳۱۴)	صدیق، دکتر عیسی
تاریخ مختصر تعلیم و تربیت (سه چاپ با تجدید نظر، تهران ۱۳۱۹-۱۳۱۷-۱۳۱۶)	صدیق، دکتر عیسی

Kilpatrick	Foundations of Method The Macmillan Co, New York
Mc Call, Wm	How to Measure in Education? The Macmillan Co, New York
Mc Call, Wm	How to Experiment in Eductation? The Macmillan Co, New York
Mc Kown	Extra-Curricular Activities The Macmillan Co., New York
Monroe, W S De Voss, J C and Kelly F J	Educational Tests and Measurements, Houghton Mifflin Co, Boston
National Education Association	What are the Major Objectives of Education?
Office of Education (U S A)	Cardinal Principles of Secondary Education U S Government Printing Office - Washington,
Peters	Objectives and Proceaures in Civic Education Houghton Mifflin Co., Boston
Pintner	Educational psychology Henry Holt & Co, New York
Sharman, J S	Introduction to Physical Education A S Barnes and Co, New York
Thomas Frank W	Principles and Technique of Education Houghton Mifflin Co, Boston
Thorndike	Education The Macmillan Co, New York

منابعی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده است

Benson	Cambridge Essays or Education Cambridge University Press
Blanguernon et Mathieu	Leçons de Pédagogie Lib d'Education Nationale, Paris,
Board of Education (London)	Handbook of Suggestions for Teachers
Buisson	Dictionnaire de pédagogie Hachette & Cie, Paris.
Chapman and Counts	Principles of Education. Houghton Mifflin Co, Boston
Compayré	Cours de pédagogie théorique et pratique Lib Delalain Paris
Cubberly	An Introduction to the Study of Education Houghton Mifflin Co, Boston
Durkheim	Education et Sociologie, Félix Alcan, Paris
Henderson	Textbook in the Principle of Education The Macmillan Co, New York
Hubert et Gouhier	Pédagogie Générale Lib Delalain, Paris
Judd, Charles, H	Introduction to the Scientific Study of Education Ginn & Co, New York
Kerr, James	The Fundamentals of School Health The Macmillan Co, New York
Kendall and Mirick	The Elementary School Subjects Houghton Mifflin Co, Boston How to teach the Special Subjects Houghton Mifflin Co., Boston,

تألیفاتی که از نگارندهٔ این کتاب تاکنون بچاپ رسیده ·

به کمراس در اصول تعلیم علمی	۱۲۹۸ خورشیدی
اصول تدریس حساب وحل مسائل فکری	۱۳۰۲
صد مسئلهٔ حل شدهٔ حساب	۱۳۰۲
صنایع ایران (ترجمه از متن انگلیسی تألیف پرفسور پوپ)	۱۳۰۴
اصول علم تربیت	۱۳۰۷
ایران نوین ودستگاه فرهنگ آن (بزبان انگلیسی ـ چاپ نیویورک)	۱۳۱۰
یکسال در امریکا (چاپ نخست)	۱۳۱۱
یکسال درامریکا (چاپ دوم با تجدید نظر کلی)	۱۳۲۱
روش نوین (چاپ نخست)	۱۳۱٤
فرهنگ ایران (بزبان انگلیسی ـ سالنامهٔ موسسهٔ بین المللی تعلیم و تربیت دانشگاه کلمبیا)	۱۳۱٦
روش نوین (چاپ دوم)	۱۳۱٦
روش نوین (چاپ سوم با تجدید نظر)	۱۳۱۷
تاریخ مختصر آموزش وپرورش (چاپ نخست)	۱۳۱٦
تاریخ مختصر آموزش وپرورش (چاپ دوم)	۱۳۱۷
تاریخ مختصر آموزش وپرورش (چاپ سوم با تجدید نظر)	۱۳۱۹
شرح حال وشخصیت و آثار فردوسی (رساله بفارسی و انگلیسی)	۱۳۲٤
روش نوین (چاپ چهارم)	۱۳۲٤
روش نوین (چاپ پنجم با تجدید نظر)	۱۳۲۸
روش نوین (چاپ ششم)	۱۳۲۹

گفتار های رادیو در معرفی عظمت و افتخارات ایران
که اغلب آنها توسط نویسندگان مهم تهیه شده و
نگارنده آنها را تصحیح و تکمیل و طبع کرده است

بزبان فارسی ۲ جلد بزبان انگلیسی ۱ جلد	۱۳۳۰

وفرهنگ ورن معین ـ ترجمهٔ حال یکی از مردان بزرگ

البته باید بشاگرد وقت داد که درخانه برسر فرصت اینگونه تکلیف هارا انجام دهد ولازمهٔ دقت را بعمل آورد تصحیح آنرا دبیر نباید در خانه کند وهمان نکاتی که راجع بتصحیح انشاء گفته شد در بارهٔ تکلیف تاریخ نیز رعایت نماید.

که بتوانند بآسانی باروپا و امریکا روند یا کتاب و مجله های آنها را بخوانند و بفهمند از این رو اگر تدریس زبان خارجه برای دیگر ملل سودمند بنظر آید برای ملت ایران کمال لزوم وضرورت را دارد

روش عادی

با وجود اینکه در روزگار پیشین دانستن زبان خارجه را اغلب مهم میشمردند واز آغاز قرن سیزدهم هجری بآموختن زبان خارجه بویژه زبان فرانسه در ایران توجه داشتند باز مشاهده میشود که روش تدریس آن بسیار بد بوده وهمانطور که عربی را در کشورما یاد میگرفته اند فرانسه را نیز درس داده ومیدهند بدین معنی که تدریس ازروی کتاب است و آغاز میکنند بآموختن صرف ونحو مفصل ومبسوط باذکر تمام قواعد وموارد استثناء وبعد ترجمهٔ کتابی که ممکن است آسان یا دشوار و نزدیك بفهم یا دور ازقوهٔ شاگرد باشد تمرین زبانی وسخنگوئی و انشاء را بندرت بکار میبرند بطوری که شاگرد پس ازشش سال تحصیل واتمام دورهٔ دبیرستان نهمیتواند مطلبی را بخواند وبفهمد وبنویسد ونه بطوری را ادا کند وزارت فرهنگ نیز این طرز را نیکو میدانست چنانکه دربرنامهٔ رسمی که درفروردین ۱۲۸۹ هجری خورشیدی بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده وتا ۱۳۰۳ خورشیدی معمول بود قرائت و ترجمهٔ زبانی و دستور زبان مقدم برهر چیز مقرر شده بود

روش مستقیم

روشی که پس از آن مقرر شد (ومتأسفانه هنوز رائج ومعمول نشده) طریقه است که اروپائیان ازنیمهٔ قرن سیزدهم هجری دردبیرستان های خود معمول داشته اند وروش مستقیم گویند کسانی که دراین راه پیشقدم بوده اند وبرای سپاسگذاری ازفکر ورحمت

آگاه شوند و با هم طرح دوستی ریزند و سیاست خود را بر اعتماد و مودت قرار دهند و کلیهٔ اینها بدون دانستن زبان یکدیگر ممکن نیست .

برای آموزگار ودبیر داشتن رابطهٔ علمی با دنیای مترقی ضروری است . اکتشافاتی که امروزدرعلوم میشود به فاصلهٔ کمی درزندگانی ملل اثرش ظاهر میگردد چنانکه بی‌سیم وهواپیما ورادیو درسالهای اخیر این مسأله را ثبوت رسانیده است برای پی‌بردن باین اکتشافات باید زبان خارجه دانست تا مطالعهٔ کتاب ومجله‌های ملل غرب برای ما آسان شود واز زحمات دیگران و جان سپاری دانشمندان در راه دانش و تسلط بر رازهای طبیعت بهره‌مند گردیم .

دومین سود آموختن زبان خارجه پرورش قوای فکری است . برای اینکه شاگرد لغات زبانی را فراگیرد ودستور آنرا بیاد سپرده بکار بندد ومختصات زبان را ادراك نماید باید نیروی خودرا بکار اندازد یعنی قوهٔ توجه و حافظه و عقل خودرا همواره بکار برد ـ تجرید کند ـ تعمیم کند ـ قیاس کند ـ استقراء کند و این اعمال قوای فکری او را ورزش و پرورش میدهد بعلاوه همینکه دانش آموز بزبانی آشناشد دری تازه برویش باز میشود ـ خواندن وفهمیدن هزاران شاهکار که نتیجهٔ افکار واحساسات دانشمندان و نابغه های جهان است برایش میسر میگردد شنیده‌اید که ناپلیون اول گفته است هر کس دوزبان داند دو آدم است ؟

اینها سودهائیست که عموماً آموختن زبان خارجه دارد . برای ماکه از ملل متمدن عقب مانده‌ایم و راههای جدید زندگانی را باید از آنان بیاموزیم دانستن زبان خارجه ضروری است . دانش آموزان دبیرستان های ما باید باندازه‌ای در یکي دو زبان خارجه ماهر شوند

زبان بخارجه میرود وچند ماه در آنجا زیست می کند زبان متعارف را خیلی بهتر وروانتر از کسانی یاد می گیرد که سالها صرف خواندن کتاب وترجمه و مراجعه بکتاب لغت کرده اند روش مستقیم برای شاگرد اوضاع واحوالی ایجاد میکند شبیه باوضاع واحوال همان کشور خارجی وهمان مزیتی که اقامت در خارجه دارد طریقهٔ مذکور در کشور خویش برای او فراهم میسازد

وقتی آدمی برای تحصیل زبان بخارجه رود در آغاز ورود دوچار حیرت وشگفت میگردد زیرا یك باره با اوضاع واحوالی رو برو میشود که بدان آشنا نیست وواژه‌ها واصطلاحات وجمله های مجهول ویرا مبهوت میکند وممکن است اساساً از تحصیل نا امیدش سازد

روش مستقیم این معاشرا از بین میبرد چه یك مرتبه مشکلات را جلو شاگرد نمی آورد بلکه ویرا رفته رفته از دانسته به ندانسته واز جزئی بکلی واز بسیط بمرکب رهبری می کند واز اینرو برای آموختن زبان تمام محاسن اقامت در خارجه را فراهم می کند بدون اینکه معایب آنرا در برداشته باشد .

دشواری این روش

بکار بستن روش مستقیم باتمام محاسنی که برای آن شمرده شد خالی از اشکال نیست . دبیر نه تنها باید زبان خارجه‌را نیکو بداند و بدان نیکو سخن گوید بلکه بایدروش مستقیمرا نیز خوب بشناسد واز طرز استعمال آن کاملاً آگاه باشد .

بعلاوه چون دبیر باید پیوسته با دانش آموز در گفت وشنود بوده تمام ساعت درس را بـه سخن گفتن وسخن آوردن صرف کند زبانش خسته وحنجره اش فرسوده میشود . از اینرو باید در انتخاب دبیر زبان

آنها باید نام ایشان را برد (۱) عبارتند از ویتور آلمانی وشویتزرو برلیتز فرانسوی(۲) که دراین باره رساله ها و کتابهای بسیار نوشته اند وجه تسمیهٔ روش مستقیم اینست کـه دانش آموز ازروی این اسلوب زبان را بدون واسطه می آموزد مفهوم هر واژه را حساً شاگرد میفهماند بدون اینکه معنای آنرا بزبان مادری گویند واز راه زبان مادری بدو بیاموزند . مثلاً دبیر هنگامی که کلمهٔ « Livre » را تلفظ می کند کتاب را بشاگرد نشان میدهد و هیچگـاه معنای آنرا که « کتاب » است نمی گـوید دلیل دیگری که این روش را مستقیم نامند اینست که صداها و واژه ها را مستقیماً درگـوش شاگـرد داخل می کند بـدون اینکه قبلاً نوشته شدهٔ آنها را نشان دهند ازاینرو روش مستقیم طریقه ایست حسی چه واژه ها را بدون توسل بترجمه یا نوشتن لفظ بلکه بوسیلهٔ گفتن کلمه و نشان دادن مصداق خارجی (خواه شیئی باشد خواه عمل یا صفت یا خاصیت) بشاگرد میآموزند روش مستقیم همان است که مادر برای آموختن زبان بطفل خود بکار میبرد و ایرج میرزا جلال الممالك درقطعهٔ معروف خود وصف کرده است

یك حرف و دوحرف برزبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت

وازاینرو طبیعی ترین طریقه ایست که برای تدریس زبان میتوان تصور کرد

از روی تجربه ثبوت رسیده است که وقتی انسان برای یادگرفتن

---

(۱) درقرن هفدهم میلادی کمنیوس Coménius دانشمند نامی ازاهالی مراوی (واقع درچك اسلواکی) پیشنهاد کرده بود که زبان خارجه را ازراه سخن گفتن باید آموخت نه بوسیلهٔ صرف و نحو لیکن پیشنهادش بکار بسته نشد

(۲) Wetor و Schweitzer و Berlitz

و ده گردش دهند و نام اشیاء و موجودات را با چگونگی آنها برایش ذکر کنند . چون این کار دشوار بلکه نا ممکن بنظر میآید باید اکتفا کرد بتصویرها و پرده‌های مخصوصی که برای آموختن زبان درست شده و در آن کارهائی چون کاشتن و درو کردن و استخراج معدن و شکار نمودن و سفر کردن و مانند آن بشکل روشن و زیبائی نمایش داده شده است

مرحلهٔ سوم ـ تصویر چون متحرك نیست و در آن واحد تنها یك عمل را نمایش میدهد بوسیلهٔ آن نمیتوان تمام مرحله های کار را آموخت استعمال سینما نیز در تمام ساعات درس گران تمام میشود پس بایدقوهٔ متخیله را بکار انداخت بدین طریق که دبیر از عملی که از تصویر نشان میدهد آغاز کند و مرحله هائی را که آن عمل بایدطی کند از روی خیال بگویند . جمله هائی که بدین ترتیب گفته میشود مانند زنجیر بهم پیوسته خواهد بود و اولی را که گفتند دومی بنظر میرسد و دومی سومی را بخاطر می آورد تا آخر .

این سه مرحله که در آغاز استعمال روش مستقیم خط سیر دبیر را نشان می دهد هریك متمم دیگر است و برروی هم طریقهٔ حسی را بشکل دلپذیری جلوه گر میسازد .

اسم معنی

روش مستقیم چنانکه گفته شد در آغاز طریقه‌ایست حسی یعنی زبانرا بوسیلهٔ محسوسات یاد می‌دهد . وقتی کلمات مربوط بمحسوسات یعنی اسامی ذات آموخته شد تعلیم اسم معنی دشوار نخواهد بود . البته اسم معنی را (که دلالت بر اشیاء خارجی نمی‌کند) بوسیلهٔ تصویر و نمایش نمیتوان آموخت بلکه باید از معلومات شاگرد

خارجه دقت وافی کرد تا هم سخنگوی وهم با صدای رسا و آلات تکلم قوی باشد .

دبیری که دارای شرایط مذکور باشد نباید بیش از هفته‌ای دوازده ساعت درس رجوع کرد باسوادکاری که بدو برگزار شده ازعهده برآید البته در این صورت برای آموزشگاه معینی هم باید بیشتر دبیر برگزیدو هم حقوق زیادتر داد ولی نتایج روش مستقیم باندازه‌ای نیکو است که این فسل هزینه ها را کاملاً جبران می‌کند و جا دارد که در هر نقطه آنرا بکار بندند

مراحل این روش

در این روش سه مرحله است که دانش آموز باید یکی را پس ازدیگری بپیماید

مرحلهٔ نخست آموختن کلمات وصفاتی است که مفهوم آنها درپیرامون شاگرد موجود است وبی‌واسطه آنرا با حواس پنجگانهٔ خود ادراك میکند چون کلاس واثاثیهٔ آن وکارهای مربوط بزندگانی وی در دبیرستان ـ بدن ولباس وخانه وخوراك ـ خانواده ـ زندگانی در خانواده ومانند آن . درحقیقت دراین مرحله شاگرد چیزهائی میآموزند که فکر او را مستقیماً باکلمات زبان خارجی انس دهد و از همان ساعت اول بی درنگ زبان خارجی را بکار برد و بجای زبان مادری استعمال کند .

مرحلهٔ دوم آموختن واژه هائی است که مفهوم آنها مستقیماً زیر دست شاگرد نیست ولی ممکن است تصویر آنها را بدو نشان داد پس از تعلیم آنچه درمحیط مدرسه وخانواده است اگر بخواهند روش مستقیم را چنانکه شایسته است بکاربندند باید شاگرد رادرکوی وبرزن ودرشهر

اینکه قواعد دستور بدو گفته شود

بکار بردن زبان یعنی بدان سخن گفتن و این کار را دنبال کردن طرز تعبیر و گفتار درست را برای شاگرد طبیعی می کند و دراین صورت اگر برطبق قواعد زبان صحبت کند برای این نیست که قواعد را درست اجرا کرده بلکه برای اینست که کلید زبانرا بدست آورده و اینگونه سخن گفتن برایش طبیعی شده واگر طوردیگر حرف زند بگوشش گران آید وخاطرش متنفر گردد و بدو یادآور شود که غلط رفته است .

طریقی که برای آموختن دستور زبان باید برگزید راه استقراءاست به قیاس یعنی ازجزئی بکلی پی بردن نه ازکل بجزء رفتن . درحقیقت زبان خارجی را مانند زبان مادری باید آموخت . هما نطورکه آدمی زبان خویشتن را میداند وقواعدی را که بدون توجه مدتها بدان عمل کرده در مدرسه دستور بخاطرش میآورد زبان خارجی رانیز باید آموخت سپس قواعدش را فراگرفت

خواندن وقتی شاگرد بلغات بیگانه اندکی آشنا شد وتوانست باآنها جمله های ساده ترکیب کند باید کم کم متن هائی بدست اوداد باعباراتی شبیه بدانچه دیده است . خواندن این متنها متضمن سود بسیار است که ازآنجمله یکی درست کردن بلفظ شاگرد است هنگام خواندن — دیگر بیان کردن اسامی معنی — سوم گفت وشنود راجع بموضوع متن بزبان خارجی . همینکه شاگرد متنهای آسانرا درکتاب درسی خواند باید کتاب قرائت باوداد و همان طورکه راجع بآموختن زبان فارسی گفته شد درس قرائت را باید تعلیم کرد

تکلم و نوشتن برای اجرای روش مستقیم باید لااقل در آغاز زبان خارجی را باگفت و شنود بیاموزند ولی این امر مانع نیست که

استفاده کرد وهمینکه بفهمیدن کلمات مربوط بعالم خود توانا شد واداشت بخواند ودر ضمن خواندن بوسیلهٔ مثالهای بسیار وتعریفهای واضح و سنجش های روشن وکلمات متضاد ولفظ های متـرادف و اشتقاق لغات و مانند آن اسم معنی را بهمان زبان خارجه برای او بیان کرد . بدین ترتیب علاوه براینکه تمام وقت درس صرف سخنگوئی بآن زبان شده واین خود ورزش بسیار سودمندی است شاگرد را نیز عادت میدهد که در همان زبان فکر کند . اغلب اوقات نیز درصورتی که متن قرائت ازروی دقت تهیه شده باشد شاگرد بقرینه پی بمفهوم کلمه میبرد . همانطورکه در معادلهٔ جبر مقدار مجهول از روی روابط آن با مقادیر معلوم پیدا میشود تسلسل افکار پیوستگی مطالب متن ورابطه‌ای که میان مجموع کلمات معلوم ولفظ مجهول موجود است نیزموجب ادراك معنای آن لفظ مجهول میگردد .

دستور زبان

کسانی که با استعمـال روش مستقیم مخالف هستند میگویند که باین روش دستورزبان آموخته نمیشود اگر منظور اینست که تعلیم زبان خارجه بوسیلهٔ دستور آغازشود تردید نیست که روش مستقیم درآغاز کار توجه به صرف ونحو زبان ندارد

پیروان این شیوه را عقیده بر اینست که هنگام شروع دستور را بطور نظری بی مقدمه وسابقه نباید آموخت بلکه جزئیات دستور رابابد یکبار گذاشت ودستور زبانرا بطریق عادت وازراه استعمال در کودذهن شاگرد کرد و وقتی این امر انجام یافت نوبت گفت فلان جملهٔ جمله و فلان طرز تعبیر بنا بر فلان قاعده است باین ترتیب در آغاز کار باید گذارد شاگرد مدتی اشکال مختلف جمله را بیاموزد و آنهارا بکار برد بدون

دانش آموز صفحه را روی گرامافون می گذارد و تصویر مربوط و شرح آنرا روبری خود می نهد . با گوش گفته ها را می شنود و با چشم تصویر وجمله ها را می نگرد . چندین بار که هر کلمه وجمله را با دقت شنید و گوشش بدان خو گرفت کوشش می کند آنها را تلفظ کند و به سخن گفتن بپردازد .

گرچه این وسیله را در بسیاری از دبیرستانها ومدارس عالی اروپا وامریکا بکار برده اند ولی نتیجه ای که بدان رسیده اند بر نگارنده معلوم نیست . از طرف دیگر کمترین بهره ای که از آن بتوان برگرفت آموختن تلفظ درست است . چون صفحه ها را عموماً استادان فصیح زبان پر کرده اند وداشتن چنین استادانی برای همه کس مقدور نیست باید گرامافون را به کلاس برد و صفحهٔ مربوط ومناسب با درس را چند بار گذارد تا شاگردان تلفظ درست و نیکو را مکرر بشنوند وفرا گیرند

در امریکا واروپا واخیراً هم در ایران از رادیو نیز برای آموختن زبان استفاده میکنند و باید امیدوار بود بزودی در دبیرستانهای ایران وسیلهٔ استفاده از آن فراهم شود

زبان خارجه در کلاس نخستین شرط ایجاد روش مستقیم آنست که دبیر از لحظه اول زبانی که می خواهد بیاموزد سخن گوید و فقط زبان خارجی را بکار برد . اگر زبان مادری را د کلاس استعمال کند وزبان خارجی را بوسیلهٔ ترجمه یاد دهد روش مستقیم را بکار نبرده و نباید انتظار پیشرفت داشت . ترجمه برای آموختن زبان خارجی در آغاز کار نه تنها سودمند نیست بلکه زیانهائی در بردارد اولاً بیشتر وقت کلاس صرف دادن توضیح بزبان مادری می شود وا

تکلیف نوشتنی نیز داده شود زیرا که واژه ها و جمله ها را تا شاگرد ننویسد در حافظه اش نقش نمی بندد و راسخ نمی شود . این تکلیف ها باید شاگرد را وادار کند به گفتن و نوشتن و اندیشیدن برنانی که تحصیل می کند وعبارت خواهد بود از رونویسی - املاء کردن متنی که در کلاس بیان شده - ازحفظ نوشتن قطعاتی که قبلاً خوانده شده - تغییر دادن مفرد وجمع وضمیروفاعل وزمان افعال در قطعه‌ای که سابقاً دیده‌اند - جواب نوشتن به پرسشهای دبیر- نامه نویسی‌وانشاء موضوعهای آسان ومانند آن البته این تکلیف ها باید مربوط بدرس روز باشد و باقتضای‌سن شاگرد ودانسته های او تغییر کند

تلفظ درست نکتهٔ دیگری که دراینجا باید یادآورشود اینست که شاگردهمیشه می‌خواهد کلمات را بلهجهٔ زبان مادری تلفظ کند مثلاً ایرانی u فرانسه را او تلفظ می کند چه درفارسی u وجود ندارد بااین‌جهت‌دبیرباید درابتداکلمات‌راخودتلفظ کند سپس وادارد شاگرد آنهارا درست تلفظ نماید ووقتی ازاین امرمطمئن شدآنگاه بگذارد بنویسد وگرنه میل طبیعی ویرا بتلفظ غلط میکشد

درسالهای اخیر که صنعت گراموفون ترقی کرده و درجامعه رائج گشته برای آموختن زبان خارجه آنرا بکار می‌برند صفحاتی‌پر کرده‌اند که هریك راجع است به قسمتی اززندگانی روزانه چون خانه ، اطفال ، شام ،کوچه ، مهمانخانه ، ایستگاه راه‌آهن ، پستخانه ، مغازه، آرایشگاه، فصلهای سال ، اتومبیل و مانند آن . برای هرصفحهٔ گراموفون تصویری تهیه کرده اندکه درذیل آنرا بعبارات ساده وفصیح تشریح نموده اند. ازمجموع این‌تصویرها وشرح هاکتابی‌فراهم کرده‌اند که کاملاً باصفحه‌های گراموفون تطبیق‌میکند

بطرز طبیعی بیاید . خاصه بهترین ومحکمترین دلیل بر آنکه باید زبان خارجه را بوسیلهٔ ترجمه آموخت اینست که شاگرد وقتی بخواهد آنرا بکار برد باید کوشش کند ترجمه نماید وگرنه از عهدهٔ سخن گفتن برنخواهد آمد .

بدلایل مذکور کلماتی که از زبان خارجه یادمی گیرند بایدمفهوم آنها پیوسته باشد وهیچ واسطه‌ای چون زبان مادری درمیان نباشدوگرنه همان واسطه سبب اشکال وموجب کندی ومورث خطا واشتباه است . پس ترجمه وسیله‌ایست که بزحمت باید بدان معتاد شد وبعدهم بزحمت از سررفع کرد بنابر این باید لااقل درآغازکارآنرا متروک داشت .

حدود استعمال ترجمه

تمام دلایلی که در فوق ذکر شد در سر درس نباید دست بترجمه جست بلکه باید همیشه زبانیرا که می خواهید بیاموزید در کلاس بکار برید و بوسیلهٔ ترجمه تدریس نکنید . این قاعده بویژه در ابتدای کار باید کاملاً رعایت شود . وقتی شاگرد براه افتاد هنگام تدریس گاهگاهی معلم برای اینکه بفهمد درسش را شاگردان فهمیده اند یانه ممکن است ترجمهٔ یکجمله را از آنها بخواهد ولی در این امرهم نباید زیاد روی کرد . اما همینکه دانش آموز دوسه سال زبان خارجی را آموخت و خوب بر آن مسلط شد وتوانست بدان تکلم کند معلم می‌تواند بعضی قطعات را بدهد که کتباً بزبان مادری ترجمه کنند . مدتی که براین منوال گذشت می توان ترجمه از زبان مادری بزبان خارجه داد تا اگر در زندگانی محتاج بترجمه کردن شوند بآسانی از عهده برآیند ورفع احتیاج ازخودنمایند.

این رو عدهٔ معدودی کلمات خارجه را در سر درس تلفظ می‌کنند پس وقت می‌گذرد بدون اینکه گوش و زبان شاگرد عادت کند شنیدن و گفتن زبان خارجه و بدیهی است که با این عادت حاصل نشود زبان خارجه را فرا نتوان گرفتن ثانیاً کسانی که بوسیلهٔ ترجمه زبان خارجه را تحصیل می‌کنند طبع آن زبان را نمی‌توانند بدست آورند ودر آن زبان هم نمیتوانند فکر کنند بعکس چون طبعاً میل دارند جمله‌ها وعباراتی که ادامیکنند مطابق و مانند زبان مادری باشد اغلب نتایج شگفت آور میرسند . ثالثاً چه بسا اتفاق میافتد که جمله ها و اصطلاحات را نمی شود ترجمه کرد زیرا که معادل آن در زبان مادری نیست . اصطلاحات و واژه‌ها و استعاره‌های هر زبان را وقتی می توان فهمید که درمیان کلام و درجزء جمله‌های آن زبان یاد گرفته شود رابعاً ترجمه برای انسان تولید مشکلاتی می کند که اهمیت آن در عمل معلوم می‌شود این مشکلات از اینجا ناشی است که هر زبان طرز تلفیق و شیوهٔ تعبیر خاصی دارد مثلاً اگر در زبان فرانسه معلم چند بار تکرار کند «Je vous donne le livre» شاگرد آنرا همین طور که هست می‌گوید و فرا می گیرد بدون اینکه حس کند در جملهٔ مذکور تعبیر خاصی از زبان فرانسه موجود است اگر کسی بگوید «Le livre je vous donne» گوشش گواهی می دهد که غلط است در صورتی که اگر بوسیلهٔ ترجمه زبان را بیاموزند شاگرد بزبان مادری فکر می کند و طبیعةً میل دارد جملهٔ فارسی یعنی « کتابرا بشما می دهم » کلمه بکلمه مبدل بلغات فرانسه کند . مانند این اشکال هر آن برای دانش آموز پیش آید و هرلحظه نظیر این اختلاف در نظرش مجسم شود و هیچگاه آن عبارت فرانسه

آنکه طرز تعبیر وشکل عبارت ها و جمله ها را شاگرد عملاً بواسطهٔ مکالمه و گفتگو فراگرفت

۹ ـ مثلی که شاگرد زبانش را میآموزد باید بشناسد واز زمانی بدین کار اقدام شود که تااندازه‌ای آشنا بزبان شده باشد

کتاب قرائت وموضوعات درس از سال دوم بعد باید طوری ترتیب داده شود که شاگرد رفته رفته طرز زندگانی ـ اخلاق ـ عادات ـ بنگاهها ـ جغرافیا ـ تاریخ وادبیات کسانی را که بزبان آنها سخن میگوید بیاموزد

بکار بستن برنامه دبیر از همان ساعت نخست که آموختن آغاز میکند بزبان خارجه جملهٔ بسیار ساده وکوچك میگوید ومفهوم کلمه‌ای که در آن است بشاگرد نشان میدهد مفهوم این کلمه و کلماتی که در درسهای اول بکار میرود باید در جلو چشم شاگرد موجود باشد . خلاصه ، جمله‌ای راکه گفت دوسه بار روشن وبلند بلفظ میکند بعد وامیدارد شاگردان یك‌یك یا باهم درست تکرار کنند سپس عین آن جمله را باز میگوید ولی بجای کلمهٔ اول کلمهٔ دیگری میگذارد وهمانوقت مفهوم آنرا نشان میدهد واین جمله را هم چند بار خود و شاگردانش تکرار میکنند . بهمین ترتیب دبیر در نخستین درس یك یادو جملهٔ کوچك که در آن بنوبه چند کلمهٔ مختلف گذارده شود چندان میگوید ووامیدارد بگویند که در همان درس اول مرکوزذهن شاگردان شود در دفعهٔ بعد بوسیلهٔ پرسش‌های بسیار جملهٔ درس قبل راپس میگیرد وبدون اینکه یك کلمه بزبان مادری سخن گوید درسی شبیه بدرس اول میدهد . البته این درس‌ها باید طوری مرتب شده باشد که بتدریج کلمه

اصول مهم بنابر آنچه گفته شد چند اصل مهم است که در روش مستقیم باید بکار برد ودر اینجا خلاصه میشود

۱ ــ تدریس باید لااقل در آغاز زبانی باشد وعبارت نوشته و کتاب را باید پس از آنکه شاگرد درسرا فهمید و مزکور ذهنش شد جلو او گذارد .

۲ ــ از روز نخست باید زبان خارجه را در کلاس استعمال کردو زبان مادری را نباید بکار نینداخت . فقط گاهگاهی برای آزمایش و تحقیق اینکه شاگرد درس رافهمیده یا برای بیان کلمه وجمله‌ای که بسیار دشوار باشد ممکن است زبان مادری را بکار برد .

۳ ــ در سالهای اول هیچگاه ودرتحت هیچ عنوان نباید ترجمه از زبان مادری بزبان خارجه داد فقط پس از آنکه دانش آموز کاملاً آشنا باستعمال زبان شد میتوان اینگونه ترجمه را به وی داد .

٤ ــ ترجمه از زبان خارجی بزبان مادری را هم نباید در سر درس اجازه داد مگر درموردی که در بند دوم گفته شد .

٥ ــ درسال اول ودوم دبیرستان باید عین چیز هائیرا که نام برده میشود یاگراور وتصویر وپرده های دیواری را در کلاس بکار برد .

٦ ــ هنگام خواندن کتاب باید باشاگرد بسیار گفتگو کرد وویرا بسخن آورد خواه برای توضیح وتفسیر فکر نویسنده و تحقیق اینکه شاگرد مطلبرا فهمیده است خواه برای بیان کردن اسامی معنی .

۷ ــ تلفظ درست را بایدبوسیلهٔ صفحه های گراموفون که‌استادان فصیح زبان پر کرده باشند یابوسیلهٔ رادیو آموخت .

۸ ــ دستور زبان از روی مثال باید آموخته شود آنهم پس از

برسان اسب بیرون میآید

بتدریج که برداس شاگرد افروده میشود وعادت میکند باستعمال جمله ها وواژه‌های متداول کاردبیر آسانتر میشود در دورهٔ اول دبیرستان باید منظور اصلی این باشد که شاگرد سخن گفتن را فراگیرد وآنچه‌را میگوید بتواند بنویسد از اینرو بحسب باید در آموختن تلفظ درست دقت کرد وهر کلمه را با شاگرد درست بلفظ بکند بکلمهٔ دیگر بپرداخت وقتی شاگردان واژه ها را نیکو بلفظ کردند باید خود دبیر عبارت های ساده را بلفظ کند ووادارد یك‌یك وگاهی باهم عبارت ها راتکرار کنند

دوم آنکه‌لغات را باید بوسیلهٔ‌نشان دادن اشیاء بیاموزند ابتدا نیز باید بطوری که در برنامهٔ رسمی مقرر شده از اشیائی سخن گفت که در کلاس موجوداست ازهمان‌درسهای‌اول‌باید فعل واسم راباهم آموخت افعالی که در آغاز تدریس میشود باید ازحرکات واعمال شاگرد درکلاس گرفته شود چون برخاستن ـ رفتن پای‌تخته ـ نوشتن ـ خواندن ـ پاك کردن تخته ـ نشستن ومانند آن سپس افعالیرا که می‌آموزند مربوط به اعمالی باشدکه بدستور دبیردرکلاس انجام میشود مانند بازکردن در کلاس ـ بستن‌پنجره ـ راه‌رفتن درکلاس ـ بلندکردن دست ـ خم‌شدن ونظیر آن نقشه‌های دیواری دراین موقع بکار میخورد ووسیلهٔ استعمال افعالیرا که درزندگانی بدان نیازمند است بدست میدهد کتاب قرائت نیز وسیلهٔ دیگری برای تکمیل لغات و بکار بردن افعال خواهد بود .

بدیهی‌است تمامی این لغات وافعال باید در حدود موادی باشدکه برنامهٔ رسمی معین کرده‌است ولی‌این نکته را باید یادآورشدکه تمام لغاتی که دریك موضوع موجوداست باید آموخت مثلاً وقتی اراثاث خانه گفتگو

وجمله های مختلف را شاگرد فراگیرد ودر ضمن آموختن این جمله ها قواعد سخن گفتن زبانرا یادگرفته وسبك تلفیق آنها را ادراك كند بدون اینكه اسمی از قاعده ودستور برایش برده باشند از درس دوم وسوم كلماتی راكه دبیر میگوید پس از آنكه تلفظ آنها را یاد داد روی تختهٔ سیاه مینویسد ووادار میكند شاگردان هم دركلاس وهم درخانه ازروی آن بنویسند تا املاء آنها درخاطر شان نقش بندد پس از چند درس كه بدین منوال داده شدباید تمرینات آسان بشاگرد دادو آنها اغلب عبارتست از نوشتن جملههائی كه مانند جملههای درس باشد

ازماه سوم ببعدكه شاگرد تا اندازهای لغت فراگرفته و آشنا بچند گونه جمله شده است باید بوسیلهٔ نقشه های دیواری ویرا بسخن آورد بدین طریق كه دبیر شخصاً متنی راكه دركتاب شاگرد (راجع بیكی از نقشه ها) موجود است میخواند ودرضمن متدرجاً آنچه میخواند روی نقشه نشان میدهد آنگاه كتابرا میبندد واز روی نقشه وبر طبق متن كتاب از دانش آموز پرسش میكند وشاگرد باید جواب دهد

جوابهائی كه شاگرد میدهد بایدكامل باشد یعنی عبارت باشد از فعل وفاعل ومفعول اگر شاگرد جواب سها بوسیلهٔ بلی یانه یا واژه هائی مانند آن جواب گوید دبیر نباید بپذیرد وباید وادارد جملهٔ كامل بگوید مثلاً اگر دبیر پرسید « چندتن شاگرد در این كلاس هست ؟» ممكن است شاگرد بگوید ٢٥ ولی معلم باید ویرا مجبور كند اینطور جواب دهد « دراین كلاس٢٥نفر شاگرد است» بدینوسیله است كه جملهها درذهن شاگرد باقی میماند واز تكرار آنهم تلفظش درستمیشود هم از حالت خجلی كه در آغاز كار دارد واز سخن گفتن بزبان خارجه

واشکالات خودرا بزبان خارجی از دبیر بپرسد

پنجم آنکه کتاب قرائت باید دارای متن‌هائی باشد مربوط ببرنامه ودر حدود برنامه . در آغاز قطعات نثر کافی است از سال دوم ممکن است قطعات منظوم هم درکتاب قرائت باشد وآنهائی راکه از استادان درجهٔ اول است می‌توان بشاگرد داد تابخاطر بسپارد ولی وقت زیاد نباید صرف حفظی کرد بطوری که در بالاگفته شد قرائت یکی از وسایل عمدهٔ مکالمه وبحرف آوردن شاگرد خواهد بود

ششم آنکه تکلیف کتبی در آغاز عبارت باشد از نوشتن عین واژه‌ها وبعد عین جمله‌هائی که شاگرد درکلاس یاد گرفته است بدون اینکه کمترین توجه بترجمه شود از اواخر نخستین سال باید تکلیف‌هائی راجع بدستور زبان داد چون صرف کردن فعلی که‌در کلاس تدریس شده ـ نوشتن جمع لغات ـ تطبیق صفت وموصوف ومانند آن .

از سال دوم دبیر باید پرسش‌های کوچك‌درباره‌ٔدرس کندوشاگردان را وادارد‌هم‌سئوالات را بنویسند وهم جواب آنها را شب در خانه تهیه کنند . از اوسط سال‌دوم‌میتوان قطعات مختصر بشاگرد املاء‌کرد ولی‌دبیر باید تصحیح فردی کند وهر برگ را جداگانه ببیند متن این دیکته‌هارا باید شاگردقبلاً فهمیده‌باشد وازاین‌رو باید ازحیث آسانی یادشواری در حدود برنامهٔ رسمی وکتاب قرائت باشد .

در پایان دورهٔ اول دبیرستان باید واداشت شاگردان موضوعهای ساده که از پیش درکلاس مطرح وزبانی بسط داده شده درخانه‌بپرورانند ونامه‌های کوچك وآسان‌نیز بنویسند .

میشود لازم نیست نام تمام اسباب و ابزار آشپزخانه گفته شود بلکه باید اکتفا باشیاء مهم نمود بویژه تا بشود باید از تعلیم لغاتی که شاگرد فارسی آنرا نمیداند دوری جست

سوم آنکه دستور زبانرا درابتدا بوسیلهٔ عبارات ساده وجملههائی که در بالا گفته شد آموخت در آخردورهٔ اول‌دبیرستان شاگرد نباید در کلیات دستور زبان تردید داشته باشد مطالب غیر ضروری را نباید یاد داد دبیر باید کاملاً مراقبت کند که روز بحسب شاگرد کلمات و عبارات را بشکل درست اداکند ودرست بنویسد و بعد متدرجاً جملهها و صورتهای مشابه را پهلوی یکدیگر بگذارد و از آنها قواعد دستور را بیرون کشد قبل از گفتن قاعده باید گوش دانش آموز بصوتها وعبارتهای درست عادت کند و قاعدهٔ دستور فقط از ترتیبی که معمول است و در جمله های درس رعایت گردیده حکایت کند

چهارم آنکه در دورهٔ اول دبیرستان منظور اصلی و وسیلهٔ عمدهٔ آموزش باید گفت وشنود باشد بدیهی است در آغاز مکالمه عبارت خواهد بود از پرسش هائی که دبیر (با لغاتی که یاد داده است) میکند وجوابهائی که شاگرد (با جمل و عباراتی که یادگرفته است) میدهد غرض آنست که یك عده کلمات با معنی و باروح داخل حافظهٔ شاگرد شود وگوشش بعبارات درست معتاد گردد همانطور که سابقاً اشاره شد جواب شاگرد باید جملهٔ کامل باشد بعلاوه هرزمان که مقتضی شد باید با شاگرد سخن گفت وراجع بزندگانی دبیرستان کلمه وعبارت وجمله های تازه بدو یاد داد تمام دستور های دبیر باید بزبان خارجی باشد و از آخر سال اول شاگرد اگر پرسش هائی راجع بدرس میکند باید بزبان خارجی انجام گیرد

اهمیت پرورش تن

ز جمله نعمت دنیا چو تندرستی نیست   درست گردد تا آن چون درستی از بیمار
نگارت اندر چون تا درستی ای   خون درست بود دل شکسته مدار
سنائی

درجاهای مختلف کتاب که از تندرستی و بهداشت (فصل نخست از بخش دوم) یا از اثاثهٔ کلاس وساختمان آموزشگاه گفتگو بمیان آمد بطورغیر مستقیم دربارهٔ پرورش تن نکاتی گوشزد شد لیکن بسیاری ازمطالب ناگفته ماند که می‌بایست بحثی بدان تخصیص یابد. بویژه که تربیت بدن اکنون مورد توجه شاهنشاه کشوراست وعلاقه وعنایت خاصی نسبت بدان مبذول میشود

لزوم پرورش تن

این توجه و علاقه بی دلیل نیست از سه نظر پرورش تن کمال اهمیت ولزوم رادارد . نخست ازلحاظ فرد هرکس به سلامتی و نیرو نیازمند است اگر کارگر است سرمایهٔ وی در زور بازوی اوست اگر دررشته‌ای تخصص داردو باید یکی ازحواس خودراچون چشم پیوسته بکاربرد (مانند ساعت ساز ونویسنده) ناگزیر است دیگر اندام خویش را ورزش دهد تا درنتیجهٔ بیکاری تغییرشکل پیدا نکند وفلج نشود اگر کارفکری دارد باید از خستگی پرهیز کند وبوسیلهٔ ورزش دماغ خودرا تازه نماید ونیروی تعمق وتدقیق‌را استوار بدارد. وقتی همگی اندام آدمی درست کار کند وتندرستی فراهم باشد خوشی وسعادتی احساس میکند که مایهٔ اطمینان وامیدواری وانگیزهٔ او بکار و کوشش است . خوش خلقی و نیك محضری نیز از نتایج تندرستی وسلامتی است که دوستان ورفیقان وخویشاوندان

بخش ششم

اندر

پرورش تن

وهنر خرج شود باید بمصرف بیمارستان و تیمارگاه رساند .

اگرجامعهٔ ما میخواهد زنده و آبرومند و قوی باشد باید فکری برای رهائی صدها هزاران افراد از بیماری نماید و کشیدن تریاك را از کارهای ننگین کند ومالاریا و براخم و دیگر امراض راکه همه جا ساری است ازمیان بردارد ومردم را آشنا به آئین بهداشت و شاگردان را معتاد برعایت قوانین فیزیولوژی وزیست شناسی کند .

از لحاظ اخلاقی نیز آدمی باید پرورش تن را مهم شمارد اکنون هزاران کارمند جامعه رنج میبرند وزحمت میکشند باهزوفرد زندگانی با آسایش داشته باشد . اگر او بواسطهٔ توجه نکردن به پرورش تن ناتوان شود و نتواند خدمتی بجامعه کند چون انگلی است که از نتیجهٔ کاردیگران بهره مند شود وجود بهره نرساند . ازاینرو اخلاقاً موظف است که خود را تندرست و نیرومند نگاهدارد تا از عهدهٔ خدمت و انجام تکلیف برآید .

عوامل گذشته باوجود اهمیت بسیاری که پرورش تن دارد در دو سه قرن اخیر بدان توجهی معطوف نمیشد وهمانطور که از هرحیث کشور دچار انحطاط وزبونی شده وروح سلحشوری ورزمجوئی ازمیان رفته بود یك نوع بی‌قیدی و بی‌اعتنائی نسبت به تربیت بدن همه‌جا فرمانروائی داشت . کسانی که درکار آموزش وپرورش بودند فضیلت رادر ترك نمعات جسمانی می‌پنداشتند ومعتقد بودند که

تن چو بابرگ است وروزوشب ازآن شاخ جان در برگ ریز است وجزاز
برگ تن بی برگی جانست زود زین ببباید کاستن وان را افزود

این عقیده نزد همگی رسوخ پیدا کرده بود که هرکس ریا

از آن بهره مند میشوند . چه بسا کج خلقی و رنجدگی و عصبانیت و بد رفتاری وخودپسندی و بیدادی که از بدی گوارش و زیادی کار یاسلی کند عارض میشود !

نماند رسا تندرستی جوان　　　نمادش توان و نمادش روان

چه بسا اشتباهات بزرگ وخطاهای عمده که در نتیجهٔ کسالت و سستی اعصاب وخستگی وفرسودگی حاصل میشود ! شنیده اید که نظامی درهشتصد سال پیش فرموده

سخن در تندرستی تندرست است　　　نشاید کرد خود در اچارهٔ کار
که در سستی همه تدبیر سست است　　　که بیمار است رأی مرد بیمار

از لحاظ اجتماعی نیز پرورش تن سخت ضروری است . جامعهٔ نیرومند و نیك بخت از افراد قوی و تندرست تشکیل یافته ـ دفاع میهن را تنها سربازان زورمند وسالم تأمین میکنند ـ در کشمکش اقتصادی که اکنون میان کشورها برپاست مملکتی کامیاب میشود که کارمندان آن تندرست و نیرومند باشند و بتوانند در برابر سختی ها ایستادگی کنند و محصولات خوب بهای ارزان تولید نمایند .

ایران در روزگاران پیش بهترین سرمشق نیرومندی بوده و در دوران بزرگی از رود جیحون تا بوسن در تحت اختیار و تسلط وی در آمده است . در آن ایام پرورش تن بسیار مهم بود وهمگی بدان توجه وافی داشتند چنانکه اسب سواری ـ تیراندازی ـ چوگان بازی ـ زوبین اندازی ـ شنا و کشتی از جمله مواد برجستهٔ آموزشگاههای آن عصر بوده است .

جامعه ای که افرادش تندرست نباشد در آمد خود را باید صرف دارو و درمان کند و وجوهی که برای کارهای بزرگ و پیشرفت دانش

وپزشك ودبیر وسیاستمدار وافسر ازدانشکده ها بیرون آید - درچنین روزگاری دیگر نباید خمیده وچهرهٔ رنك پریده و چشم های خوابیده و دست لرزان وعادت به تریاك وابتلای بمالاریا نمی توان کار ازپیش برد و بادیگر کشورها کوس همسری زد. باید بحکم لزوم کارمندان جامعهٔ ما تندرست وبرومند باشند وگرنه هیچ یك توانائی انجام وظیفه نخواهند بود وشایستگی این دوران پر آشوب رانخواهند داشت

کارهائی که انجام یافته

خوشبختانه درسالهای اخیر اقداماتی درزمینهٔ پرورش تن شد که مـایهٔ سپاسداری است در ۱۳۱۱ انجمن پیشاهنگی و تربیت بدنی تأسیس یافت که ریاست عالی آنرا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر عهده گـرفتند - در۱۳۱۳ ادارهٔ مخصوصی بنام تربیت بدنی دروزارت فرهنك تشکیل یافت که گامهای تند برای پیشرفت ورزش برداشت.

شعبهٔ انجمن درتمام شهرها ایجاد گردید زمینهای ورزش درهمه جا مهیاشد ورزش در تمام دبستان ها اجباری گردید دسته های بازی درسیاری ازدبیرستانها ودانشکده هابرپاشد سازمان پیشاهنگی بوجود آمد. کلاس مخصوص برای تربیت آموزگار ورزش درداشسرای تهران تأسیس شد. هر تابستان در منظریه و نزدیك شهرهـای بزرك اردوهائی برپا شد تاجوانان را برموزپیشاهنگی و تربیت بدنی آشناسازند بهداشت آموزشگاهها موردتوجه شد درتهران وشهرهای بزرگ پزشکانی بمعاینهٔ مدارس وجلوگیری از بیماری های مسری ومعالجه و مداوای شاگردان معین شدند.

شدائد را تحمل کند وحاضر باشد شب شام نخورد وروی بوریا بخواند و در رواق مدرسه هنگامی که برف میبارد بلرزد و بدرس استاد گوش کند آنکس در تحصیل کامیاب شود و نتیجهٔ ریاضت را برد .

پس از انقلاب ۱۳۲٤ قمری وقتی آموزشگاه های جدید برپا شد و چند تن از پیشقدمان به پرورش بدن توجه کردند و ورزش در برنامهٔ مدارس جای گرفت از همه طرف غوغا برخاست . اشخاص بانفوذ ومحافظه کار پرورش تن را برخلاف حیثیت وشئون انسانی قلمداد کردند و «ورجه وورجه» را برضد وقار و متانت اعلام کردند و از هر سو علم مخالفت و معاندت را برافراشتند . . .

عصر پهلوی

ولی تحولاتی که از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ در این کشور روی داده وعصر نوینی که پدید آمده بحدی اوضاع را دگرگون کرده است که نه تنها مخالفت باپرورش تن امکان پذیر نیست بلکه هرکس باید بسهم خود کمك کند و نقص بزرگی که در زندگانی ما هویداست مرتفع سازد و گامهائی که متناسب با این عصر باشد در راه تربیت بدن بردارد

در روزگار کنونی که پسران ما باید همگی جامهٔ سربازی در بر تن کنند وخدمت مقدس نظام وظیفه راانجام دهند - پیوسته هوشیار و آماده برای حفظ مملکت ودفاع از استقلال و تمامیت آن باشند - در زندگانی اقتصادی شرکت کنند و کارخانه‌های متعددی که در نقاط مختلف کشور برپا شده راه برند - کشاورزی را ترقی دهند و از روی آئین و اصول نوین محصول بدست آورند - در بازار های خارج با بازرگانان مملکت های دیگر همچشمی کنند ووسیلهٔ فروش کالاهای خودرا فراهم سازند - مهندس

ساختن	اسباب بازی لانهٔ مرغ و کبوتر باد بادك
بار آوردن	باغبانی گلکاری نگاهداشتن گربه وسگ وخرگوش ومانند آن
اکتشاف	گرد آوردن گیاه - سنگ - چوب - بذر مشاهدهٔ پرندگان ولانهٔ آنها-جانوران اهلی ووحشی- حشرات
موزون بودن	رقص- پاکوبی بازی باسرود راه رفتن

منظور از پرورش تن

وقتی از پرورش تن گفتگو میشود همه بیاد ژیمناستیك و ورزش میافتند درصورتیکه منظور از آن سه نکته است. یکی نگاهداری تن و بهداشت - دیگر پرورش تن و ورزش - سوم کمك بتربیت قوای فکری و ایجاد ملکات فاضله و اخلاق حسنه. جسم لطیف کودك که تمام نیروهای حیات در آن نهفته است اگر پیوسته مورد مراقبت ومواظبت نباشد دچار ضعف و هلاکت میشود. این مواظبت تنها بواسطهٔ مهر پدر ومادر انجام پذیر نیست بلکه اطلاعات ومعلومات کافی باید بدان ضمیمه شود تا نتیجهٔ مطلوب بدست آید.

از لحاظ روان‌شناسی

این همه اقدام برای اینست که حرکت وجنبش و کار و جوشش از مختصات کودکی است ساختمان طفل ایجاب میکند که پیوسته ابراز فعالیت نماید تا اعضاء وجوارحش عمل کند ووسایل رشدش فراهم آید

علمای روان‌شناسی اطفال معتقدند که هفت غریزه در کودك موجود است که پایهٔ پرورش بدن ومایهٔ حرکتهای اوست.

آن غریزه هاعبارتست ازغریزهٔ زدوخورد
شکار
اکتشاف
ساختن
پروردن و بار آوردن
موزون کردن
همکاری

این غریزه هابه درجات متفاوت درسن‌های مختلف وجود دارد و هرورزش وعملی که برای پرورش بدن معین شود باید تمام آنها را تشفی بخشد درزمان پیشین که آدمی بدوی بودغریزه های مذکوربطورطبیعی ظهور میکرد و اکنون که شهرنشین شده ناچار باید وسایلی تعبیه کرد تا فرصت ظهور بدانها دهد . برای رسیدن بدین منظور بساید طبق عقیدهٔ متخصصان ورزشهائی که در برابر هر یك از غریزه ها ذکرمی‌شود بکاررود

زدوخورد	بیس بال
شکار	والی بال
همکاری	بازیهای قهرمانی

به مادر وپدر روی میکند وهمواره تا فرستادن به دبستان این مسئولیت به تنهائی بدوش آنان خواهد بود وقتی شاگرد مدرسه شدخانواده باید مراقب کند تادستورهای بهداشت آموزگاردرخانه بکاربسته شود و این دوحقیقت پیوسته درنظر پدرومادر باشدکه اولاً عادت های نیکو ورشت درخانه بوجود میآید ودرنهاد طفل جای گزین میشود و ثانیاً در پرورش تن خانواده باید بآموزشگاه کمك کند وگرنه عمل تربیت صورت نمیگیرد وبی نتیجه می ماند

این نکته هارا باید آموزگار درمواقع مقتضی بشاگردان گوشزد کند تاهنگامی که بزرگ شدند وخانواده برپاکردند تکلیف خویشتن را بدانند وبا ایمان آنرا انجام دهند

وراثت جوانانی که امروز دربرابر شما روی نیمکت و صندلی قرار گرفته‌اند و فردا پدر و مادر خواهند شد باید متوجه اصول وآئین وراثت شوند وبدانند که نیرو وسستی تن وروان اطفال آنان بسته است بمزاج واخلاق خودشان. اگر تندرست وسالم باشندکودکی کـه بوجود میآورند تندرست وسالم خواهد بود واگـر بیمار و رشت سیرت باشند بچهٔ آنان نیزمریض وبدرفتارخواهد بود

باید پسران راآگاه ساخت ومسئولیتی که دارند بدانهایادآورشد بانعد ها دربرابر لذت آنی که گذرنده است وآدمی و اعقابش را دچار رنج ودرد میسازدخویشتن داری کنند. باید بآنان فهماند کـه بجـای معاشرت با رفیقان فاسد باید دوستانی پیدا کردکه شادی را درگردش و ورزش یابند باهم خستگی آنان رفع شود وهم بدن آنها نیرومندگردد و چون هنگام ازدواج رسد سربلند ازاینکه خودراآلوده نکرده‌اندباکمال

وقتی طفل بزرگتر شد یاجزو سالمندان قرار گرفت جز در حوادث ناگوار که باید بپزشك مراجعه کند خود باید بدن را سلامت بدارد و از این جهت باید بقواعد بهداشت آشنا باشد ولی حفظ صحت کافی نیست بلکه باید پرورش یابد ورشد کند وازاین حیث آموزگاروآموزشگاه باید شاگرد را آگاه به اصول ورزش کنند و حرکات و تمرینات و بازیهای مخصوصی بیاموزند که ویرا چالاك وخوش اندام وپایدار و بردبار دربرابر سختی نماید

ولی نتیجهٔ مهمی که ازپرورش تن بدست میآید علاوه بر سلامتی مزاج که زمینه را برای تربیت و نمو قوای فکری آماده میکند **تکوین اخلاق و ایجاد منش و عادات مطلوب است مانند نظم و انضباط واطاعت از قانون و جوانمردی و ابتکار وهمکاری بادیگران** که شاگردان در ضمن بازی بدانها خوی میگیرند ودر تمام عمر برای آنان باقی میماند

برای رسیدن به سه منظور فوق باید خانواده وآموزشگاه هردو اقدام کنند وبا یکدیگر در این زمینه همکاری نمایند چنانکه شرح آن بیاید

پرورش تن در خانه

خانواده وظیفهٔ مهمی نسبت به پرورش جسمانی طفل دارد از زمانی که جنین بوجود میآید تا موقعی که پا دراین جهان میگذارد مادر موظف است غذاهای معین بخورد ـ ازحرکات معینی خودداری کند ـ از برآشفتن بپرهیزد ودرفاصلههای معین به پزشك متخصص رجوع نماید ودستورهای اورا کار بندد همینکه طفل بگیتی پا نهاد مسئولیت مهم

حرکت کند وهنگام شست وشو بآسانی از بدن خارج گردد وقتی که کودك بزرگتر شد و بتوانست خودرا راه برد مادر باید قواعد بهداشت را رفته رفته ملکهٔ او کند و از بامداد تاپسین هنگام شست و شو و جامه پوشیدن وسرشانه کردن وچاشت خوردن و بازی کردن مراقب باشد تا دستورهای بهداشت را رعایت کند و بدان خوی گیرد

سرمشق

پدر ومادر پیوسته باید متذکر باشندکه کمترین کار آنان ازجانب کودك تقلید وپیروی خواهد شد اگرپاکیزه و خوش خلق باشند یا نا تمیز وترش روی فرزند آنان نیز همانطور خواهد بود. اگر دائماً بلند سخن بگویند وکار خودرا با فریاد پیش برند طفل نیز چنان خواهد کرد و بدان نیز خوی خواهد گرفت. ازاینرو باید همیشه مواظب کردار ورفتار خویش باشند وهرچه را میخواهند بفرزند خویش بیاموزند نخست خویشتن آن رانکار بندند وسرمشق باشند ورنه پند و اندرز دادن و برخلاف آن عمل کردن چنانکه ناصر خسرو فرموده اثر معکوس بخشد

پندم چه دهی؟ نخست خودرا محکم کمری ز پند بربند
چون خود نکنی چنانکه گوئی پند تو بود دروغ و ترفند

اهمیت مادر

بنابر آنچه گفته شد تردید نیست که در خانه مهمترین عامل پرورش زن مادراست پس از زدن رنج فراوان وبزرگ کردن نوزادپیوسته باید وقت خودرا صرف کودك کند و دائماً مراقب فرزند خویش باشد گاهی ویرانه گرمابه برد وتمیز کندو بمقتضای فصل جامه و کفش تغییر دهد. هنگامی رخت را بشستن دهد و خوراك را متناسب بادرجهٔ رشدکند همینکه ازمرحلهٔ فوق گذشت وبحد بلوغ

اسباط خاطر واطمینان به تأسیس خانواده بپردازند و از لذت آن بهره مند شوند

دختران را نیز باید نسبت بوظایف مادری آشنا کرد تا به بهانهٔ زیبا ساختن خویش اندام خودرا ازحالت طبیعی خارج نکنند وبعدها نیز ازلحاظ جسمی وروحی اصول بهداشت رارعایت نمایند وهیچگاه عصبانی نشوند وتندی بخودراه ندهند چه تمام اعمال واطواروأخلاق ورفتارمادر بطور اسرارآمیز درطفلی که دربردارد تأثیرمیکند واین اثر در تمام‌عمر برای اوباقی میماند. از همین نظر پدر نباید ملایمت وآرامی و خوش خلقی‌ومهربانی‌راپیوسته پیشهٔ خویش‌سازد - بویژه هنگامی که زن آبستن است باید این دستوررا نسبت بطفل‌خود بیشتر رعایت کند.

پرورش نوزاد

از همان روز های نخستین بچه‌ای که بجهان آمد بایدش عادت بدان زندگانی داد که برطبق اصول بهداشت فراهم‌شده باشد مادر باید علم پرورش نوزاد و کودك راکه دانش جدیدی است بداند وقواعد آنرابکاربندد وخوراك وجامه وشست وشوی اورا برطبق آن قراردهد. میان دفعاتی کـه شیر میدهد فاصله گـذارد و مدتی که شیر داده میشود معین ومحدود نماید تابدین وسیله معدهٔ نوزاد را بکار منظم معتاد کند نباید هروقت طفل گریه کرد پستانش بدهان گذارد یاپستانك بلمش داد وبدین ترتیب اوراخاموش وخویش راآسوده کرد چه دراین‌صورت به بی‌ترتیبی خومی‌گیرد و پیوسته گریه را برای رسیدن بمقصود بکار میبرد . بدن نازك ولطیف اورا نباید باجامه ویا قنداق تنگ بپوشاند چه مانع رشد و باعث تغییر شکل اندام او خواهد شد. باید لباس فراخش برتن کرد تاسینه‌اش وسیع شود وپاهایش بآزادی

عمارت بیشتر آنها از خانه‌های کرایه‌ای است که عموماً بکار مدرسه نمیخورد وطفل بدرست را ممکن است بواسطهٔ نبودن آفتاب وتنگی جا ورطوبت ونداشتن هوای کافی رنجور سازد

وظیفهٔ دوم بهبودی واصلاح حال دانش آموز است . اگر شاگرد نیرومند باشد مدرسه باید وضع مساعد برای رشد او فراهم کند و اگر ضعیف باشد رژیم زندگانی را طبق مزاج او مرتب کند واز سستی وی جلوگیری نماید . پس معلم باید مزاج شاگردانرا باز شناسد واز اینرو باصول بهداشت وفیزیولوژی آشنا باشد وبا پزشك مدرسه همکاری کند .

بهداشت آموزشگاه

وظیفهٔ سوم آموزشگاه آموختن ورزش است برای اینکه آموزشگاه بطفل زیان نرساند ووضع مساعد برای رشد او فراهم کرده باشد باید مکان مدرسه درجای مناسب انتخاب شود ـ عمارت آنرا بشکل معین بسازند ـ کتاب واثاثه واطاق درس شرایط خاصی داشته باشد . تمام این مسائل درفصل نخست ودوم ازبخش چهارم مورد بحث قرار گرفت و دیگرش در اینجا تکرار ضروری نیست

بهداشت شاگرد

وظیفهٔ دوم آموزشگاه بهداشت شاگرد است . از روزی که طفل وارد مدرسه میشود باید پیوسته و با کمال مهربانی مراقب او بود . کودکی که پاکیزه نباشد نباید بدرون کلاسی درآید که پاکیزه ومنظم وروشن باشد . آموزگار باید هنگام ورود او بکلاس وپس از هر تنفس ملاحظه کند که سرو روی وگوش و دهان و گردن و دستهای خودرا نیکو شسته وموهارا شانه زده باشد و ناخنها چرکین ویا بلند نباشد . البته مراد ازمراقبت این نیست که طفل هنگام تنفس وبازی کثیف نشود بلکه منظوراینست که وقتی بامیرشد خودرا بشوید

رسید خانه را طوری دلگشا وشادی بخش کند که فرزند ازروی رغبت بدان میل کند و برگردش درجاهای نامناسب برتری دهد

آموزگار باید بدختران بفهماند که بزرگترین و مقدسترین وظیفهٔ آنان تأسیس خانواده وپرورش طفل است و برای این کار باید خودرا علماً و عملاً در آموزشگاه آماده نمایند وازهیچگونه کوشش ورنج در این راه دریغ نکنند ومردمان بدرست و نیکوسرشت برای کشور پرورانند

پرورش تن در آموزشگاه

وقتی کودك هفت ساله شد بدبستان پا می نهد و قسمتی از پرورش جسمانی او بمدرسه محول میگردد . اگرچه درشبانه روز بیشتر اوقات را طفل درخانه بسرمیبرد و بهداشت او بعهدهٔ مادراست آموختن قواعد این علم را مدرسه وظیفه دار میباشد و در مدت شش هفت ساعتی که در آنجاست قواعد مذکور باید رعایت شودتاخو وعادات طفل قرار گیرد

اکنون که کشورما درحال تحول است و بیش از نود ونــج درصد ازمادران نسبت به آئین بهداشت بی اطلاع اند وظیفهٔ آموزشگاه در آموختن وتبلیغ وبکاربستن اصول بهداشت بسیار سنگین و بزرگ است واین نکته باید پیوسته مورد توجه اولیای مدارس ومعلمان باشد

قسمت دیگرازپرورش تن که ویژهٔ آموزشگــاه است ورزش است که بهری ازاین بحث بدان تخصیص داده میشود

وظیفهٔ آموزشگاه

درپرورش تن آموزشگاه سه وظیفه دارد نخست آنکه بکودك زیان نرساند . بدبختانه باید اعتراف کرد کــه این وظیفه در آموزشگاه های ما انجام نمیگیرد چه

در بسیاری از مدارس امریکا بنگاهی بنام کافه تریا (۱) برپا کرده اند که ناهار توسط دختران دانش آموز بمنظور فرا گرفتن آشپزی تحت نظر خانم های متخصص تهیه میشود و به بهای بسیار ارزان بشاگردان میدهند شرح آن در کتاب « یکسال در امریکا » داده شده و ممکن است بدانجا رجوع کرد

تنفس

نکتهٔ دیگری که برای بهبودی طفل باید در مدرسه رعایت کرد استفادهٔ کامل از زنگ تنفس و تفریح است مدیر یا آموزگاری که هنگام تنفس مانع دویدن و فریاد زدن و بازی کردن طفل شود نسبت باصول آموزش وپرورش جدید کاملاً بیگانه است کودکی که قریب یك ساعت در کلاس بسر برده و تمام حواس خود را متمرکز ساخته و کمتر از جای خود تکان خورده وشاید هوای کثیف استنشاق نموده سخت فرسوده شده واحتیاج شدید به حرکت دارد و باز داشتن او از حرکت گناهی است نبخشیدنی که باید از ارتکاب آن پرهیز کرد بعکس اگر شاگردی در حیاط آهسته راه رود یا کتاب بخواند یا درس تکرار کند باید او را منع کرده و به بازی واداشت واز تشویق او به دویدن و بلند سخن گفتن دریغ نکرد

خستگی دماغ

خطری که ممکن است طفل را دچار شود خستگی دماغ است اگر پدر و مادر یا مدیر ومعلم اجازه دهند طفل تمام وقت خود را صرف تحصیل کند و آنی به تفریح نپردازد وتن خود را فراموش کند بر خلاف وظیفهٔ خویش رفتار کرده اند چنین طفلی ولو نمره های خوب بگیرد و نسبتش از دیگر شاگردان

(۱) Cafeteria

وموقع ورود بکلاس پاکیزه باشد

جامه جامهٔ طفل نیز باید مورد توجه آموزگار باشد و نگذارد مثلاً با پالتو یا شال گردن و کلاه وارد کلاس شود زیرا هم جا را تنگ میکند وموجب ناراحتی میشود وهم هنگام بیرون آمدن بواسطهٔ اختلاف درجهٔ گرمای اطاق با خارج موجبات زکام و سرما خوردگی را فراهم می‌سازد از اینرو مدرسه باید در درون عمارت جایگاهی برای لباس داشته وهر دانش آموز محل مخصوصی با قید نمره برای گذاشتن اسباب دارا باشد

در آموزشگاه‌های امریکا هرشاگرد گنجهٔ خاصی دارد که در آنرا می بندد وهمه چیز زائد خود را در آن نگاه میدارد

هر کودك را دستمال جداگانه باید و امانت دادن دستمال و قلم و مداد میان شاگردان باید ممنوع شود باوسیلهٔ انتقال بیماری فراهم نباشد

خوراك گرچه دبستانها ودبیرستانهای ما شبانه روزی نیست وازاین حیث تهیهٔ غذا بعهدهٔ آنها نمی باشد ولی این مسئله نباید آموزگار و دبیر را نسبت بخوراك طفل بی علاقه سازد غذا باید سالم و ساده‌وپسندیده ومتناسب با سن ورشد شاگرد باشد [۱] در آموزشگاه هائی که بداشن آموز ناهار وشام میدهند چون دانش سراهای مقدماتی باید نکات فوق کاملاً مراعات شود در مدارس دیگر برای کسانی که از راه دورمیآیند وبا خود ناهار میآورند باید اطاق معینی تخصیص داد که در زمستان گرم کنند ومیز ناهار خوری ونیمکت یا صندلی بعدهٔ کافی در آن موجود باشد .

کند و آموزگار را در پرورش طفل که وابسته به پرورش تن است یاری نماید

دامنهٔ عملیات پزشک

نباید تصور کرد که از هر حیث اختیار اطفال را باید بدست پزشک مدرسه داد تا هر گونه بخواهد آنها را معالجه و مداوا کند چه ممکن است بدین وسیله بخواهد آزمایش کند و تجربه آموزد و آنوقت بحدی جلو رود که زار خانواده‌ها واش شود . عملیات پزشک را دو اصل باید محدود کند نخست تا آنجا که رشد فکری بسته برشد بدنی طفل باشد دوم تا آنجا که بیماری افراد در بهبودی مدرسه تأثیر داشته باشد .

برطبق دو اصل مذکور عملیات پزشک مربوط خواهد بود اولاً به معاینهٔ حالت عمومی و رشد طفل و سنجیدن قد و وزن و بینائی و شنوائی او که تأثیر زیاد در طرز تحصیل دارد - ثانیاً به بیماریهائی که واگیر دارد و جامعه را زیان میرساند معالجه و مداوای شاگرد را در صورتی پزشک مدرسه باید تعقیب کند که خانواده بدان رضایت دهد و گرنه آنچه دیده است باید خاطر نشان کند تا خانواده بهر طبیب میخواهد مراجعه کند

سرکشی و معاینه

شاگردان تازه باید با گواهی نامهٔ طبیب بمدرسه وارد شوند تا بمرضی مبتلا نباشند و برای تحصیل از هر حیث بمدرسه آماده باشند هر آموزشگاه باید لااقل ماهی یك بار از طرف پزشك سرکشی و معاینه شود چون شمارهٔ شاگردان زیاد است ووقت ناکافی برحسب دستور طبیب در جلوی اورژه خواهند رفت و آنهائی را که خود بیمار پندارد و علامت سستی و نقاهت در رخسارهٔ آنها مشاهده کند یا معلم بوی معرفی نماید از رژه بیرون خواهد خواند و مورد معاینه

جلو باشد سرانجام ضعف وسستی و بی‌خوبی و بیماری گریبان اوراخواهد گرفت ودیری نمیگذردکه ازکار باز ودر راه میماند وآیندهٔ درخشانی که ممکن بود داشته باشد مبدل به یأس و حرمان میشود چه بسا شاگردانی‌راکه پدران نادان‌ازروی شتابزدگی مجبور کرده‌اند دو کلاس را در یکسال بپیمایند ودر سیزده سالگی دورهٔ اول دبیرستان را بپایان رسانده ولی سه باردر امتحان دورهٔ دوم متوسطه شکست‌خورده‌ناچاراز تحصیل دست کشیده اند .

بر آموزگار فرض است‌که این حقایق را باولیای طفل بفهماند و در مقابل درخواست بیجای آنهااستادگی کند البته تحصیل بایدقسمتی از عمر طفل را بگیرد ولی نباید تن را فدای‌تحصیل کرد چه بدن‌رنجور وعلیل نه صاحبش را سود بخشد و نیك‌بخت کند و نه کشور را ممیدافتد. متخصصان بهداشت را عقیده بر اینست که کودك تا دوازده سالگی باید شبانه روزده ساعت بخوابد وفقط هفت ساعت صرف درس خواندن و فراگرفتن کند وشاگرد دبیرستان نباید کمتر از هفت تا هشت ساعت‌خواب داشته باشد

لزوم پزشك برای فراهم کردن‌موجبات رشد و تندرستی‌طفل‌اجرای نکاتی که‌در بالا گفته‌شد کافی نیست آموزشگاه‌راپزشکی باید که قواعد بهداشت را با مزاج شاگردسازش دهد وهریك را مطابق بنیه اش ورزش معین‌کند و تعدیلی میان کارفکری وبدنی بوجود آورد و نقص یا عیبی که در بعضی‌از دانش آموزان‌باشد هویدا سازد وکسانی‌راکه ناتوان وضعیف‌هستند درمان کند

پزشك باید منظماً به‌آموزشگاه رود وشاگردان را یك‌یك معاینه

تهیه شده تعیین خواهد نمود یا با متری خواهند سنجید که روی دیوار به سانتیمتر رسم کرده باشند و یك متر از کف اطاق بالا باشد طفل بدون کفش پشت به دیوار می ایستد و باگونیائی که ضلع قائمش روی متر و ضلع دیگر روی سر شاگرد باشد قد او را اندازه میگیرند

قوت بازو را با نیرو سنج معمولی و گنجایش ریه ها را با اسباب مخصوصی خواهند سنجید در این اسباب شاگرد چندان که نفس دارد خواهد دمید و عقربه‌ای حجم شش ها را به لیتر نشان خواهد داد

کارنامه

اندازه‌هائی که بترتیب فوق بدست آید و اطلاعاتی که طبیب خواهد داد معلم را کاملاً آشنا به طبیعت بدن طفل خواهد کرد و تکلیف او را از هر حیث نسبت به پرورش تن و روان او روشن خواهد ساخت و حتی وی را در راهنمائی طفل به انتخاب شغل توانا خواهد کرد نتیجهٔ این سنجش ها و دستورهای پزشك باید در کارنامهٔ هر شاگرد ثبت شود تا با بررسی آن معلم و طبیب بتوانند همکاری کنند و از نتیجهٔ اقدامات یکدیگر آگاه گردند و اولیای طفل نیز اطلاعاتشان منحصر به نمره‌های درس نباشد بلکه از مزاج و سرشت و کردار و رفتار و هوش و توجه و حافظه و پیشرفت فرزند خویش باخبر شوند

چنین کارنامه‌ای باید در مدرسه بماند و سالی دو بار بنظر پدر و مادر طفل برسد

بیماری‌های واگیر

بیماریهای واگیر چون سرخجه و مخملك و سیاه سرفه و آبله و گوش درد و دیفتری و مانند آن بآسانی در مدرسه پراکنده میشود معلم و پزشك برای نگاهداری جامعه و جلوگیری از سرایت این امراض باید بایکدیگر همکاری کنند.

قرارخواهد داد دراین معاینه ازسنجشهائی که ازوزن وقد ورشد شاگرد سالی دوبار صورت گرفته باشد استفاده خواهدکرد ونظر خود را بطور مجمل بمدیر یاآموزگار خواهدگفت تا باطلاع اولیای کودك برساند نکته‌ای که موظف است دردفتر مخصوص یاد داشت کند این است که حدودکار فکری ودماغی و میزان شرکت هریك از اطفال را در ورزش وبازی معین کند و کسانی راکه موقتاً از آمدن مدرسه باید خود داری کنند معرفی نماید ٠

شناسائی طفل

بوسیلهٔ معاینهٔ شاگرد وسنجش هائی که هرشش ماه بعمل میاید پزشك مراقب رشد وی خواهد بود وهرگاه کندی یا توقفی در رشد مشاهده نماید دقت بیشتری مبذول خواهد داشت ومعلم را از نتیجهٔ کار خود آگاه ساخته خاطرنشان خواهدکردکه ازکدام دانش آموز باید مثلاً کمتر توقع کارفکری وحفظی داشت ٠

ازطرف دیگرمعلم باید از نقائص جسمانی اطفال آگاه باشد و بداند کدامین چشم نزدیك بین یاگوش سنگین دارند تا بتواند جای هریك را درکلاس معین نماید ٠ برای این کار و برای اندازه گرفتن وزن وقد و نیروی ماهیچه وگنجایش شُشِ آموزگارمیتواند سالی‌دوبار شخصاً اقدام کند و نتیجهٔ سنجشها را دردفتر مخصوص بنویسد وهنگام معاینه در اختیار پزشك گذارد ٠ نسبت به چشم و گوش در فصل نخست از بخش چهارم دستور کافی داده شد وممکن است به صفحهٔ ١٩٩ رجوع کرد ٠ برای اندازه گرفتن وزن باید یك قپان فرنگی بکاربرد و همیشه سنگینی طفل را دریك حالت سنجید پس ازگوارش غذا ـ بدون کفش ـ پسرها باشلوار و پیراهن ـ دخترها با دامن ٠ اندازهٔ قدرابااسبابی که برای این کار

بیشتر سرایت و انتشار مرض امکان پذیر خواهد شد

درس بهداشت

آنچه تاکنون گفته شد درصورتیکه بکار بسته شود طفل را معتاد به خوی معینی کند که در تندرستی و برومندی او مؤثر است. برای تکمیل آن باید اصول و قواعد سادهٔ بهداشت را نیز مطابق برنامهٔ مصوب دیماه ۱۳۱۹ آموزش ابتدائی نباید اکتفا کرد بتدریس آنچه در برنامهٔ رسمی قید شده بلکه در چهار کلاس ابتدائی آموزگار همیشه باید مراقب باشد در ضمن درس فارسی و تاریخ و علم اشیاء و اخلاق هم هر وقت که بهانه‌ای پیدا شد اندرزهای علمی راجع به بهداشت دهد و از داستان هائی که ممکن است برای طفل گفته شود یا حادثه هائی که در کوچه روی داده و شاگردان دیده‌اند یا اتفاقاتی که در مدرسه افتاده آموزگار باید استفاده و درس اخلاق را با بهداشت توأم کند و بدین ترتیب وجدان و ضمیر طفل را بیدار کند و علاقهٔ وی را به بهداشت راسخ و متکی بایمان نماید. اگر مثلاً طفلی مریض شده و او را بخانه فرستاده‌اند آموزگار باید با تأثر شرح حال او را دهد و گوید بواسطهٔ خوردن آب از سقاخانه یا نوشیدن دوغ از دست دوره گرد یا خریدن حلوا و نامیه از دست فروش آن طفل بیمار شده و زیانهائی را که این قبیل خوراک ها میرسانند بیان کند و تا حدی که طفل درک کند علت آن را ذکر نماید

در کلاس پنجم و ششم و دورهٔ اول دبیرستانها هنگام آموختن علم اشیاء یا فیزیولوژی یا بهداشت باید آنچه در برنامه پیش بینی شده است خاطر نشان کرد ولی در اینجا نیز از درس اخلاق نباید غفلت کرد بلکه باید بهداشت را بشاگرد از امور اجتماعی معرفی کرد و بدو فهماند که اگر آدمی برخلاف آئین بهداشت رفتار کند و مثلاً نوشابه صرف کند یا تریاك کشد و یا

البته اگر اصول بهداشت در آموزشگاه وخانه رعایت گردد بیماری کمتر پیدا میشود ودرصورت بروز کمتر انتشار حاصل میکند ولی درهر حال هنگام پیدایش مرض پزشك مدرسه باید دستور جلوگیری رابدهد وبرطبق آن باید رفتارشود

قسمتی ازمسئولیت که بعهدهٔ معلم است وبسیار اهمیت دارد است که وی بعوریت ازطهور بیماری آگاه شود ازاینرو باید نشانی ناخوشی ها را بداند وهمینکه طفلی راکسل دید یا ازاو نالهای شنید بادقت اورا بنگرد و پرسش کند و موقع ضرورت با احتیاط لازم بخانه فرستد و فوراً پزشك را از قضیه مطلع کند و از آن پس برحسب دستور او رفتار نماید

هنگامی که بیماریهای فراگیر بروزکرد البته شرط حزم آنست که آموزشگاه را تعطیل کنند ولی این کاردرصورتی بایدانجام شودکه مرض خطرناکی چون وبا و حصبه و تیفوس عارض شده و شدتی پیش رفته باشد درغیر این صورت بهتر است تنها اطفال بیمار را از آمدن مدرسه باز دارند ووقتی اجازهٔ آمدن دهند که برطبق آئین بهداشت مدت معینی(۱) ازبهبودی یافتن بیمار گذشته باشد وپزشك مدرسه پس از معاینه وآزمایش درهٔبینی گواهی دهدکه خطرواگرفتن درمیان نیست

بستن مدرسه برای هر بیماری صلاح نیست زیراکه اطفال پراکنده ودرکوچه وبازار سرگردان میشوند وبواسطهٔ معاشرت وزیر نظر نبودن

(۱) برای دفتری ۳۰ روز – آبله ومحملك وسرخجه ٤٠ روز پس از ابتلا گوش‌درد ۲۱ روز – سیاه‌سرفه ۳۰ روز – حصبه ۲۸ روز – کچلی وبراحم تا پایان بهبودی

به جنبش بیارمندتر است وبیشتر اورا باید ازاین حیث خشنودساخت . در کودکستان و کلاس اول دبستان بازیهای گوناگون وسرود باید قسمتی ازوقت مدرسه را بگیرد . دراطاق درس بایدکاری کردکه شاگردان تمام مدت رایکجا ننشینند گاهی پیرامون آموزگارگردآیند - گاهی درس را نشسته گوش کنند وهنگامی ایستاده - گاهی به حیاط روند وهنگامی به موره - روزی یکی دومرتبه نیز دروسط درس برپا ایستند وطبق دستور آموزگارحرکاتی بادست وسروگردن (که نام ورزش سوئدی معروف است) بنمایند . شاگردان کلاسهای بالاتر باید برطبق برنامهٔ رسمی عمل کنند

برنامهٔ رسمی تاسال ۱۳۱۳ مقرراتی برای ورزش وضع نشده بود شورای عالی فرهنگ درتاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۱۳ برنامهٔ مخصوصی برای دبستانها تصویب کرد . برنامه ای که اکنون مجری و معمول است در ۲۳ اسفند ۱۳۲۲ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است . بموجب این برنامه شاگردان شش کلاس دبستان سه طبقه تقسیم میشوندکه هرطبقه شامل دوکلاس خواهد بود اول ودوم - سوم و چهارم - پنجم وششم برای هرسه طبقه نوع عملیات وحرکات یکی است منتهاعدهٔ دفعات حرکت وطرزاجرا برحسب سن شاگردان متفاوت است عملیات وحرکات مذکوربطورخلاصه عبارتست ازوارسی نظافت شاگردان- حرکات نامنظم-حرکات تنفسی- حرکات بدنی ساده ومرکب وپرش وشیرین کاری-حرکات تقلیدی- ورزشهای انفرادی باطناب وتوپ -بازیهای تفریحی- نصایح اخلاقی وبهداشتی

برای دبیرستان برنامهٔ رسمی ورزش در ۲۳ اسفند۱۳۲۲ بتصویب

دچار بیماریهای آمیزشی شود نه تنها خود زیان میرساند بلکه میهن وجامعه ونژاد ایرانی را مبتلا میکند و درمقابل آنها مسئول است ووجدان عمومی وملی ویرا زشتکار ووظیفه ناشناس خواهد دانست

چون در مملکت ما اعتیاد به تریاك در نیم قرن اخیر بسیار شایع شده ومردم را بزوال وسستی سوق میدهد آموزگار و دبیر باید توجه خاص بدین امر کنند نخست بوسیلهٔ امثال متعدد از اشخاص معتاد که در کوچه وقهوه خانه دیده میشوند نشان دهند چگونه تریاك انسان را کثیف وبدبخت وبیچاره میکند سپس تأثیر این سم مهلك را بر اعضای اصلی بدن یعنی بردهان ومعده وکبد وشش و دل وکلیه با زبان ساده تشریح نمایند. بالاخره نتایج ابتلا را که عبارت باشد ازرخوت وسستی و بی قیدی وزبونی وقبول ذلت وخواری وتمایل به تملق و تزویر وحیات شرح و بسط دهند و طفل را متنفر از معاشرت با معتادان نمایند و طوری کنند که جوانان ما از دیدن آنها نفرت پیدا کنند و بدانسان که از مبتلای بمرض خوره پرهیز میکنند از معتادان بتریاك اجتناب نمایند وعمل آنها را ننگ بدانند

ورزش

از برنامهٔ پرورش تن قسمتی را که طفل بیش ازهمه دوست دارد بی درنگ ورزش است چه سنش اقتضای حرکت و فعالیت دارد وتمام بدنش بعمل وکار نیازمند است. آموزگاری که کودك را محکوم به خاموشی وسکوت کند خطای بزرگ مرتکب شده وافکار وعقایدش ازاین عصر نیست. آموزگاری که خوش اخلاقی طفل را در بی حرکتی وبی جانی بپندارد خودرا نسبت بقوانین طبیعت نادان معرفی کرده وشایستهٔ این شغل مقدس نیست. هرقدر که کودك خرد سال تر باشد

شدید ماهیچه ها موجب فرسودگی پی‌ها میشود و شاگرد پس از رنگ بازی وورزش بجای اینکه با نیروی تازه و آسایش فکر وارد کلاس شود چندان ازحال رفته است که قوهٔ درس خواندن نخواهد داشت معلم باید هنگام ورزش مراقبت کند که شاگردان نیرومند از اعتدال بیرون نروند و شاگردان خجول و ترسو از بازی کردن نگریزند بلکه از شدت حرکات اولی‌ها بکاهد و دومی ها را بازی تشویق کند واز طرف دیگر هیچ گاه اجازه ندهد که دانش آموزان ازروی نادانی وهم چشمی خودرا فرسوده سازند

اصل پنجم آنکه ازغرض دور نشوند و پیوسته درنظر بگیرند که مقصود ازحرکات شیرین کاری و قهرمانی و مسابقه این نیست که دانش آموز را بند باز یا شیرین کار یاقهرمان بار آورند بلکه منظور اینست که تن و روان را بطور معتدل پرورش دهند و پسران ودختران ای تربیت کند که جسماً وروحاً نیرومند و تندرست باشند وحال آنکه شیرین کاران یا قهرمانان و پهلوانان بیشتر توجه خود رابدن معطوف میدارند وازحالت اعتدال خارج میشوند

سودهای بازی

جای بسی خرسندی است که قسمت عمدهٔ برنامهٔ ورزش در دبستان و دورهٔ اول دبیرستان بازیهای تقلیدی و قهرمانی و تفریحی است زیرا سود های بسیار در بردارد چون طفل شخصاً بازی را برمی گزیند وازجانب دیگری براو تحمیل نمیشود مطابق ذوق و نیرو وحس اوست واز اشتغال بدان دلشاد وخندان است واز این حیث درتندرستی و بهبودی او تأثیر دارد ولی تنها در بدنش مؤثر نیست بلکه درپرورش قوای فکری او نیزاثردارد پیش ازاینکه کودك بمدرسه

شورای عالی فرهنگ رسیده وعلاوه برحرکات وعملیات و بازیهائی که برای دبستان ذکرشد بازیهای تربیتی‌مانند فوتبال ووالی‌بال وباسکت بال وبیس‌بال نیز منظور گردیده است

اصول کلی

نخستین اصلی راکه در ورزش باید پیوسته رعایت کرد اینست که هیچگاه بلافاصله پس ازخوردن غذا نباشد چه دراین صورت مانع عمل دستگاه گوارش میشود و زیان دارد. میان چاشت یاناهار وورزش‌باید دست کم یکساعت‌فاصله باشد

اصل دوم آنکه رعایت قوای‌طفل راسمایند وهیچگونه ورزشی که ویرا بسیارخسته کند وسستی آرد درمدرسه راه نیابد

اصل‌سوم آنکه‌ورزش‌خوش آیند ودلپذیر باشد معلم‌نبایدشاگردان را مقید ومحدود کند وانتظارخاموشی از آنهاداشته باشد

برای رعایت این اصل باید اولاً بازیهای تفریحی را چون جن و پری - موش و گربه - مرغ وجوجه - گرگم بهوا - قلعه گیری درمیان دیگرقسمتها معمول داشت ثانیاً تنوع وزیبائی را در هردرس وارد کرد ونگذاشت یك رنگ منحصرف یك یادوبازی شود ثالثاً درحدود امکان شاگردان اختیارداد خودشان بازیهارا برگزینند رابعاً حرکات موزون وپاکوبی‌راباآوازی که هم وزن آن‌حرکات باشد توأم کرد خامساًحرکات ناصف راچنانکه دربرنامه هم قیدشده درهردرس قراردادتاداش آموزان ازهم آهنگی و کارجمعی‌خرسند ودلشادگردند

اصل چهارم میانه رویاست نباید گذارد شاگرد بیرون ازاندازه خودرا خسته وفرسوده کند علمای فیزیولوژی ثابت کرده‌اند که‌خستگی دماغ درتن وخستگی تن دردماغ تأثیر مستقیم و فوری دارد . خستگی

احساس وفکر را بنحوی که صلاح بداند در نهاد او جایگیر سازد نخست از راه بازی گیتی وامور عالم را درك و در ذهن تصور میکند سپس بر این بوسیلهٔ بازی آموزگار میتواند زندگانی را هرطور بخواهد تعبیر ودر دماغ او وارد کند بوسیلهٔ بازی معلم به بهترین وجه میتواند کودك را آشنا به روابط اجتماعی کند وحس استقلال و همکاری را دراو نیرومند سازد و ویرا قوهٔ ابتکار بخشد و طوری بزرگ کند که کارمند شایسته در جامعه باشد » (۱)

روش کار روشی که برای ورزش برگزیده میشود باید دارای چند خاصیت باشد نخست آنکه همگی اعضاء واندام راپرورش دهد نه برخی ازآنها را دوم آنکه تدریجی وموافق رشد طبیعی طفل باشد نه آنکه یکباره انواع ورزش را که برایش نامناسب است بدو آموزند سوم آنکه مزاج وطبیعت وجنس شاگرد رارعایت کند بهاینکه شاگرد ضعیف ورزش نیرومندان یادختر ورزش پسران راتحصیل دهند کارنامهٔ دانش آموزکه درصفحهٔ ۴۸۵ بدان اشاره شد دراینجا بسیار سودمند خواهد بود وآموزگار را راهنمائی شایان خواهدکرد

سابقاً توجه بسیار به اسباب ژیمناستیك میشد ولی چون علمای پرورش تن بدین نکته پی بردندکه اسباب تنها بازوها راتقویت میکند و سینه و پشت را نمی‌پروراند اکنون درآموزشگاهها آنرا ترك کرده‌اند بویژه که گران تمام میشد وجایگاه مخصوصی لازم داشت و برخی اوقات خطرهائی را متضمن بود . روش سوئدی و روش ژاپنی و روش آمیخته

(۱) از کتاب پرورش تن نگارش شارمن J S Sharman چاپ نیویورك (۱۹۳۴) صفحهٔ ۳۸

آید از بازیهائی که بتنهائی یعنی هنگامی که کسی متوجه او نیست میکند لذت میبرد و قوایش منبسط میشود زیرا تمام قوهٔ متخیلهٔ خود را بکار می‌اندازد و پیش خود تصوراتی میکند هر چیز برای او معنائی دارد جعبه برای او درشکه است ـ عصا در نظرش اسب است ـ عروسك بچهٔ حسابی است باید ویرا آزاد گذارد تا هرچه میل دارد اختراع کند و گاهگاهی اسباب بازی تازه بدستش داد تا وسایل جدید برای آفریدن داستان نو وجهان تازه دردست داشته باشد در مدرسه بازیهای گروهی موجب تقویت حافظه میشود و بهترین دلیل اینست که درهمان بار نخست که آئین یك بازی بدو گفته میشود فرا میگیرد و بدان عمل میکند و فراگرفتن بدون فهمیدن ممکن نیست

ازلحاظ اخلاقی بازی طفل را طبیعةً به فرمانبرداری و اطاعت از آئین بازی و نگاهداری نظم وابراز کوشش برای کامیابی و همکاری با همبازیها معتاد میکند

راجع بسودهای بازی دانشمندان جهان اززمان افلاطون تاکنون بسیارسخن گفته‌اند لیکن تاصد سال پیش هرچه نوشته‌اند مربوط بفواید بدنی وصحی بازی بود و فقط درصد سال قبل نخستین کسی که متوجه سودهای بازی ازلحاظ پرورش روان واخلاق شد فربل (۱) دانشمند نامی آلمان بودکه چند سطر ازعقاید او دراینجا نقل میشود

« چون بازی عملی است که بطور بسیار طبیعی از طفل سر میزند در زمان کودکی پایهٔ پرورش او خواهد بود بازی نتیجهٔ مستقیم علاقهٔ طبیعی طفل است وازاین رو آموزگار بوسیلهٔ آن میتواند عادت بکار و

(۱) Froebel واضع کودکستان که در۱۸۵۲ جهان را بدرود گفت .

احراز کند

بموجب برنامه‌ای که برای تعلیم ورزش دردانشسرای مقدماتی در ۲۳اسفند۱۳۲۲بتصویب شورای‌عالی‌فرهنگ رسیده شاگردان این‌مدارس باید خودرا برای معلمی ورزش نیز آماده کنند تا‌پس ازفراغ از تحصیل بتوانند ورزش رانیزمانند سایرمواد دردبستانهابیاموزند

برای آموختن ورزش در دبیرستانها و دانش سراهای مقدماتی اساسنامه ای در۲۷ تیر ۱۳۲۳ درشورای عالی فرهنگ تصویب شده‌است که بموجب آن فارغ‌التحصیل های دانش سراهای مقدماتی که دارای سه سال پیشینهٔ خدمت بوده و استعداد معلمی ورزش را داشته باشند مدت یکسال دردانش‌سرای مقدماتی تهران برنامهٔ خاصی‌راکه در٤مهر۱۳۲۳ بعنوان دورهٔ تکمیلی ورزش وضع گردیده تعقیب خواهندکرد و چنانچه ازعهدهٔ امتحان برآیند بمعلمی‌ورزش‌مدارس‌متوسطه وداشسراهامنصوب خواهندگردید

چون دردانشسراها روان‌شناسی واصول تعلیم وتربیت و بهداشت تدریس میشود ودربرنامهٔ دورهٔ تکمیلی نیز زیست شناسی وتاریخ ورزش و اصول تربیت بدنی منظور گردیده امیدواری حاصل است‌که معلمان ورزش درآینده شرایط لازم رابرای انجام وظیفهٔ مهم خوددارا باشند

نتیجهٔ ورزش

در پایان این بحث بیمورد نیست چند سطری دربارهٔ نتیجهٔ ورزش نوشته شود ورزش‌عمل اعضاء بدن بویژه گردش‌خون را تند می‌کند - ماهیچه هارا نیرومی‌بخشد - تن راچالاک وبردبار میسازد وتسلط انسانرا براندام خود تأمین میکند اگر برطبق اصول صحیح برگزیده شود وقواعدی‌که دراینجا گفته شد رعایت گردد

•

هریك محسنات و معایبی دارد که مورد گفتگوی دانشمندان و متخصصین است

روشی که بیش از همه در انگلستان و امریکا متداول است روش طبیعی استکه غریزه و حاجت طفل را در نظر میگیرد و حیاط مدرسه یا ورزشگاه را میدان عملیات اوقرار میدهد و هوای آزاد را برای ورزش لازم میشمارد برنامه‌ای که برای آموزشگاه های ایران وضع شده و در صفحه های پیش بدان اشاره رفت روش طبیعی را در کشور ما مقرر داشته است

آموزگار ورزش

بنابر آنچه گفته شد هویدا گردید که آموختن ورزش بوجهی که از آن گفتگو بمیان آمد بدون مایهٔ علمی و تخصص امکان پذیر نیست کسانی که از راه عشق به پرورش تن در کشور ما وارد این کارشده وفداکاری بسیار نموده‌اند بواسطهٔ نداشتن معلومات کافی نتوانسته‌اند وظائف خود را بطوری که شایستهٔ این دوران باشد انجام دهند

البته باید از خدمات آنها سپاسداری کرد ولی برای این عصر باید آموزگار ورزش تربیت نمود معلم ورزش باید تن وروان طفل را کاملاً بشناسد وازقواعد اجتماع بابهره باشد وآئین پرورش را بداند ازاینرو باید قبلاً مقدمات کافی از تحصیلات متوسطه داشته باشد تا بتواند روان شناسی وفیزیولوژی و کالبد شناسی (تشریح) وجامعه‌شناسی (سوسیولوژی) واصول آموزش وپرورش را بفهمد وازعلم پرورش تن وتاریخ آن وروشهائی که معمول است و برنامه ای که باید وضع کرد و قواعد ورزش آگاه شود و انواع ورزش را نیز عملاً بیاموزد و شایستگی آموختن آنرا

بخش هفتم

سازمان فرهنگ ایران

ورزش مایهٔ آسایش دماغ وتقویت حافظه ومتخیله وتندی هوش خواهد بود و اعتدال را درمزاج تولید خواهد کرد رفتار و کردار وخلق ومنش نیز بهره مند خواهد شد چون شاگرد بورزش روی آورد پیرامون شهوت نخواهد گشت - بخویشتن اعتماد پیدامیکند - چون سرد میشود دلیر وپردل خواهد شد وقوهٔ ابتکارپیدا خواهد کرد میل بکار وعمل در اوعشق به کوشش وپایداری در انجام وظیفه ایجاد میکند عادت به فرمانبرداری ونظم وهمکاری که ازبازی حاصل میشود اوراکارمند نیك وشایستهٔ جامعه خواهد کرد

بطورخلاصه ورزش شاگرد را باشاط و نیرومند و صاحب خصلت های پسندیده و خوهای نیکوخواهد کرد چنین شاگردی هم سرباز دلاور خواهد شد هم کارگر خوب - هم پزشك نیکوهم مهندس لایق - هم دبیرشایسته هم سیاستمدار توانا و بعبارت مختصر چنین آدمی عضو سودمند ومؤثرجامعه خواهدشد ودربرابرشدائد باکمال دلیری بردباری تواند کرد وبفرمودهٔ فردوسی

چوسختیش پیش آورد روزگار شود پیش و سستی نیارد بکار
همیشه بود شاد و خرم روان بی اندوه باشد ز گشت زمان
بماند بدو رادی و راستی بکوبد در کژی و کاستی

ذکر میشود .

وزیر فرهنگ بموجب قانون اداری وزارت فرهنگ مصوب ۱۱ شهریور ۱۲۸۹ خورشیدی وزیر فرهنگ در رأس کلیهٔ سازمان فرهنگ مملکت قرار دارد وزیر فرهنگ عضو هیئت دولت و مسئول بحسب وزیر ومجلس شورای ملی است و برحسب پیشنهاد نخست وزیر از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه معین ومنصوب میشود .

وزارت فرهنگ معاونی دارد که دستیار و کمك وزیر فرهنگ است ودر غیاب وزیر کارهای اورا انجام میدهد .

ادارات وزارت فرهنگ امور وزارت فرهنگ توسط ادارات مختلف حل و فصل میشود وهر چنداداره بیك مدیر کل سپرده شده که مسئول معاون و وزیر فرهنگ است وباجازه میتواند بخشی از وظایف اورا انجام دهد .

اکنون وزارت فرهنگ دارای پنج مدیر کل است که هر یك اداراتی راکه نام برده میشود زیر نظر دارد

۱ ـ مدیر کل فنی ادارهٔ فرهنگ تهران که فعلاً سه اداره آموزش ابتدائی ـ متوسطه ـ آموزش حرفه تقسیم گردیده ـ اداره فرهنگ شهرستانها ـ اداره تعلیمات عالیه ـ اداره امتحانات و برنامه ـ اداره آموزش سالمندان ـ اداره تربیت بدنی ـ اداره تعلیمات روستائی را برعهده دارد

۲ ـ مدیر کل اداری که اداره حسابداری ـ اداره کارگزینی باوسپرده شده است

۳ ـ مدیر کل نگارش که بر اداره کل نگارش وکتابخانهٔ ملی و اداره کل باستان شناسي وموزه ها واداره موسیقی کشور و هنرستان

سازمان فرهنگ ایران

سازمان فرهنگ هر مملکت دنبالهٔ منطقی تاریخ تعلیم و تربیت آن مملکت است زیرا که مؤسسات و قواعد و قوانینی که از روزگاران پیش باقی‌مانده بمرور زمان تغییر کرده و بصورت تشکیلات کنونی درآمده است بهمین نظر سازمان فرهنگ ایران در آخر کتاب تاریخ مختصر آموزش وپرورش تشریح وطبع شده‌است لکن چون در برنامهٔ رسمی دانش سراهای مقدماتی مصوب ۳۱شهریور ۱۳۱۵ قید گردیده است که مختصری از تشکیلات معارفی ایران را در آخر درس تعلیم و تربیت بیاموزند لذا این فصل بچاپ پنجم کتاب افزوده شد تا کاملاً مواد منظور در برنامه را حاوی باشد

بدیهی است کشور ما که دارای تمدن چندهزارساله است و درقرون متمادی مشعل دار معارف وفرهنگ بوده درهرعصر تشکیلاتی برای تعلیم وتربیت نسل جوان داشته که شرح مختصر آن درتاریخ تعلیم و تربیت مندرج است و کسانی که طالب باشند ممکن است بدانجا رجوع کنند

یکصد سال پیش که ایران باتمدن مغرب زمین آشنا شده اقداماتی برای فراگرفتن علوم و فنون جدید از ممالک اروپا نموده و از آغاز مشروطیت وتأسیس مجلس شورای ملی این اقدامات رو بترقی گذارده‌است تا ظهور پهلوی بویژه از زمانی که رضا شاه کبیر بسلطنت ایران انتخاب گردید (آذر ۱۳۰٤) قدمهای بزرگ برای وارد کردن معارف جدید به مملکت برداشته شد وتشکیلاتی بوجود آمد که بطور فهرست دراینجا

میشود و برطبق دستور وزارت فرهنگ وظایف اورا در محل انجام میدهد حوزه های بزرگ مانند آذربایجان و خراسان و فارس به بخشهای متعدد تقسیم گردیده و رئیس هر بخش مسئول رئیس حوزهٔ فرهنگی است

رئیس فرهنگ موظف است که قوانین و نظامات مربوط بمدارس را بکار بندد - بر آموزشگاه ها نظارت کند - پرداخت حقوق و مصارف را طبق بودجهٔ مصوب اجازه دهد - نصب و یا عزل کارکنان حوزه را بوزارتخانه پیشنهاد کند - بر امتحانات رسمی نهائی ریاست کند - در جلسات شورای فرهنگ محل شرکت جوید.

شورای عالی فرهنگ

امور فنی وزارت فرهنگ بموجب قانون شورای عالی فرهنگ مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۰۱ باید بتصویب شورای مذکور برسد . این شوری دو نوع عضو دارد ده عضو رسمی و ده عضو افتخاری اعضای افتخاری فقط حق حضور و مذاکره دارند ولی حق رأی ندارند

ده تن اعضای رسمی عبارتند از رئیس یك مدرسهٔ عالی - استاد یك مدرسهٔ عالی - رئیس یك دبیرستان - دبیر یك دبیرستان - یك مجتهد جامع الشرایط - پنج تن از دانشمندان.

اعضای شوری را وزیر فرهنگ برای چهارسال انتخاب میکند و بموجب فرمان همایون عضویت آنها محرز میشود.

هر وقت مدت عضویت کارمندی پایان یافت خود او یا دیگری بجای او بطریق فوق برگزیده میشود.

ریاست شوری با وزیر فرهنگ یا معاون او است.

شوری دارای دبیرخانه‌ای است که مأمور ثبت تصمیمات و ابلاغ آنها

هنرپیشگی وهنرستان موسیقی ملی واداره مردم شناسی نظارت میکنند .

۴ - مدیرکل بازرسی که بازرسی فنی مدارس و بازرسی ادارات وزارتخانه وشهرستانها واداره امور اجتماعی راعهده دار است

۵ - مدیرکل اوقاف که موظف بنظارت در اجرای قانون اوقاف است.

اداره تبلیغات و دفتر وزارتی مستقیماً زیر نظر وزیر فرهنگ و معاون اوست .

البته سازمان فوق باآنچه درقانون اداری فرهنگ منظور گردیده تفاوت دارد ولی چون جزو بودجهٔ وزارت فرهنگ بتصویب مجلس شورای ملی رسیده صورت قانونی پیدا کرده است .

حوزه های فرهنگی برای اداره کردن فرهنگ اکنون مملکت به ۴۵ حوزه تقسیم گردیده که برخی از آنها مانند خراسان بسیار بزرگ وبعضی دیگر مانند ساوه کوچك است اسامی این حوزه ها بقرار زیراست

آبادان - آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - اراك - اردبیل - اصفهان - بروجرد - بهبهان - بندر پهلوی - بندر بوشهر - بندرعباس - بیرجند - تهران - خراسان - خرم آباد - خرم شهر - خوزستان - دامغان - رضائیه - زنجان - ساوه - سبزوار - سمنان - شهسوار - شاهرود - شهرضا - فارس - قزوین - قم - کاشان - کردستان - کرمانشاهان - کرمان - گرگان - گروس - گلپایگان وکمره وخوانسار - گیلان - مازندران - محلات - مکران - ملایر وتویسرکان - نیشابور - نهاوند - همدان - یزد ونائین

ریاست حوزه بارئیس فرهنگ است که ازطرف وزیرفرهنگ انتخاب

مدارس پیشه وری مطابق مقتضیات محل و ایجاد کتابخانه و موزه - پیشنهاد اصلاح برنامه ها و آئین نامه ها بر حسب احتیاجات محل - تشخیص استحقاق و شایستگی کسانی که داوطلب تأسیس مدرسه یا روزنامه و مجله هستند - تعیین نقاطی که در آنجا باید مدرسه تأسیس یا ساخته شود - تصویب نمایشنامه ها و غیره

امتحانات رسمی

بموجب مادهٔ ۱۸ قانون اساسی فرهنگ مصوب ۹ آبان ۱۲۹۰ خورشیدی وزارت فرهنگ موظف است برای هر یک از مدارج تحصیل امتحانات و گواهی نامه هائی برقرار کند که ورود بخدمات دولتی موقوف بداشتن آنها خواهد بود از طرف دیگر تصویب آئین نامهٔ امتحانات چنانکه درفوق اشاره شد از وظایف شورای عالی فرهنگ است بموجب آئین نامهٔ کنونی که در دی ۱۳۲۵ بتصویب شورای مذکور رسیده در پایان تحصیلات سال ششم ابتدائی و سال سوم و پنجم و ششم متوسطه از طرف وزارت فرهنگ امتحان نهائی بعمل می آید هیئت ممتحنه را در تهران وزارت فرهنگ و در ولایات رؤسای فرهنگ از میان معلمانی که دارای شرایط معینی باشند انتخاب میکنند - امتحانات نهائی هر سال دو مرتبه در خرداد و شهریور در یک تاریخ در تمام کشور انجام میگیرد . موادی که داوطلبان باید امتحان دهند و مدت هر امتحان در آئین نامه قید گردیده است هیئت هـای ممتحنه نتیجهٔ امتحانات را بوزارت فرهنگ گزارش میدهند و از روی آن گزارش ها گواهی نامه ها صادر میشود

انواع مدرسه

مدارس از لحاظ بودجه طبق مادهٔ هشتم قانون اساسی فرهنگ بدو گونه تقسیم شده رسمی و غیر رسمی رسمی آنست که از طرف دولت تأسیس و نگاهداری شود و غیر رسمی آنکه بانی مخصوص

بادارات وزارتخانه است

بموجب مادهٔ ۱۳ قانون شورای عالی فرهنگ تصمیمات شوری در موارد زیر حتمی الاجرا است

برنامه های مدارس- آئین نامه های مدارس - آئین نامه های امتحانات وبازرسی - تطبیق کتب درسی با برنامه و رد وقبول آنها - اصلاح مکتب خانه‌ها- تشخیص صلاحیت داوطلبان تأسیس مدرسه یا طبع روزنامه و مجله- تعیین ارزش گواهی نامه و دانشنامهٔ اشخاصی که درخارجه تحصیل کرده‌اند- تصویب مدال و نشان برای اشخاص- داوری در مورد کتبی که بمسابقه گذاشته وبمؤلف آنها جائزه داده میشود -تعیین مصرف هدایا واعانات

شورای فرهنگ محلی

بموجب قانون ۱۴ شهریور ۱۳۰۶ باید شعب شورای عالی فرهنگ درشهرها تشکیل شود درنخستین دورهٔ تصدی وزارت فرهنگ نگارنده آئین نامهٔ شوراهای محلی رادر ۱۴ آبان ۱۳۲۰ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسانیدو درشهرهای عمدهٔ کشور آنهارادائر نمود.

مطابق آئین نامهٔ مذکورشورای فرهنگ درشهرهای درجهٔ اول ۹ تن ودرشهرهای متوسط ۷ تن ودرشهرهای کوچك پنج تن عضودارد این اعضاء عبارتند از رئیس فرهنگ که ریاست شوری را داراست - مدیر دانشسرا یادبیرستان محل- یکنفر از دبیران -یکنفر از اعضاء انجمن شهر بمعرفی آن انجمن - بقیه از دانشمندان محل اعضاء مذکور برای مدت دوسال برحسب پیشنهاد رئیس فرهنگ وتصویب وزارت فرهنگ منصوب می‌شوند.

وظیفهٔ عمدهٔ شورای فرهنگ کمك باداره فرهنگ محل در تأسیس

حکمت وطب وریاضیات وهیئت ونجوم نیز آموخته‌میشد مدارس علوم دینی تاپنجاه سال قبل بمنزلهٔ دانشگاه‌های ایران واغلب شبانه روزی بود بااستادان بزرگ وکتابخانه‌های معتبروموقوفات زیادوبسیاری از نویسندگان وعلماء وشعرای ما مانند انوری ونظامی‌وسعدی در آنها تربیت یافته‌اند از زمانی که مدارس‌جدید برپاشده بتدریج دبیرستانها ودانشکده‌ها جای مدارس علوم دینی راگرفته واکنون در آنهائی که باقی است فقط زبان و ادبیات عرب وفقه واصول وحدیث وتفسیرقرآن تدریس میشود .

بودجهٔ این مدارس از موقوفات مخصوص آنها تأمین می گردد . معمولاً طلاب علوم دینی که در حجرات‌مدارس بسرمیبرند کمك‌هزینه‌ای ازمحل موقوفات داده میشود مدت تحصیل محدود نیست وممکن‌است ده پانزده سال بطول انجامد و در پایان‌آن طلاب به معلمی مدارس علوم دینی یاپیشنمازی و وعظ وتذکیر یا اموردیگر بپردازند . اکنون مدارس مهم علوم دینی درقم ومشهد میباشد ولی در شهرهای دیگر نیزاز مدارس مذکوردائراست .

مدارس خصوصی این‌مدارس که‌بنام مدارس ملی نامیده میشود (در مقابل مدارس دولتی کــه از طرف دولت تأسیس گشته) توسط اشخاص یا هیئت های نیکوکاربرپاگردیده وبودجهٔ آنهــا توسط بانیان وازمحل ماهیانهٔ شاگردان واعانهٔ دولت‌پرداخته میشود

بموجب قانون‌اساسی‌فرهنگ داوطلب تأسیس مدرسه باید دارای شرایط معینی‌باشد واز وزارت فرهنگ قبلاً اجازه بگیرد ومعلمان او نیز ازحیث سن وتحصیلات واخلاق صلاحیت داشته باشند . دستورتحصیلات مدارس خصوصی‌باید مطابق‌برنامهٔ رسمی باشد وامتحانات‌نهائی‌شاگردان

.

داشته باشد

مدارس غیررسمی عبارتست از مکتب خانه‌ها و مدارس خصوصی (که بمدارس ملی معروفند) ومدارس علوم دینی .

مکتب خانه‌ها سابقاً در مساجد یا مدارس علوم دینی تشکیل میشد و اکنون در خانه یا دکان دائر میشود و منظورش آموختن قرآن وسواد فارسی است از شاگردان ماهیانهٔ جزئی گرفته میشود و چون مکتب دار ازاین راه قادر بتأمین معاش خود نیست ناچار بامور دیگر مانند دعا نویسی و کاغذ نویسی میپردازد اطفال را از پنج شش سالگی می پذیرند وتاسن بلوغ ممکن است نگاه دارند روش آموختن انفرادی است وقتی عدهٔ شاگرد زیاد باشد آنهائی که بزرگتر ند از طرف مکتب دار بنام خلیفه مأمور تعلیم کوچکترها میشوند

اززمانی که دولت دبستانهای مجانی درشهر ها وقصبه ها ودهات تأسیس کرده از رونق مکاتب وعدهٔ آنها بسیار کاسته شده است

وزارت فرهنگ بموجب بند ۹ از مادهٔ ۱۲ قانون شورای عالی فرهنگ در ۲۷ بهمن ۱۳۰۳ آئین نامه‌ای برای مکاتب تهران بتصویب شورای مذکور رسانده و آنهارا درتحت انتظامات آموزشگاه های عمومی درآورده است . بهمین جهت در پایتخت بیشتر آنها بمرور ایام تبدیل بمدرسه یاتعطیل شده است

مدارس علوم دینی قبل ازتأسیس دبستان و دبیرستانهای جدید کسانی که ازتحصیل در مکتب خانه ها فراغت می یافتند ومایل بتحصیلات متوسطه وعالی بودند وارد مدارس علوم دینی میشدند بنابراین در این مدارس علاوه برعلوم دینی زبان وادبیات فارسی وعربی-

کرده است . کودکستانهائی که ازطرف مردم تأسیس شده پیروی ازهمان اساسنامه میکنند .

بموجب اساسنامهٔ مذکور کودکانی که پذیرفته میشوند باید لااقل چهار سال داشته ودروزی سه تا پنج ساعت صرف بازی ـ حرکات موزون ـ ورزش با موزیک ـ گفتن داستانهای کوچک ـ بیادسپردن شعرهای آسان ـ نقاشی ـ خواندن سرود نمایند در سال آخر نیز خواندن راضمن انجام برنامه می آموزند

آموزش ابتدائی

مجلس شورایملی ضمن قانون اساسی فرهنگ در نهم آبان ۱۲۹۰ خورشیدی یعنی ۳۸ سال قبل تعلیمات ابتدائی رابرای هر ایرانی از سن هفت اجباری کرده است . درمرداد ۱۳۲۲ قانون دیگری بنام تعلیمات اجباری وضع گردیده وشرایط ومقرراتی برای عملی ساختن آموزش اجباری معین کرده است لیکن بواسطهٔ ضعف بنیهٔ مالی مملکت هنوز سه ربع شاگردانی که بین ۷و۱۳ سال دارند بویژه عشایر وروستائیان از نعمت تحصیل محرومند

بموجب مادهٔ ۳۳ قانون متمم بودجهٔ ۱۳۱۲ تعلیمات ابتدائی از آن سال در تمام دبستانهای دولتی مجانی است

دردهات وقصبات وشهر ها تاکلاس چهارم پسران ودختران ممکن است باهم تحصیل کنند ولی از کلاس پنجم پسران باید بدبستانهای شش کلاسهٔ ذکور روند

چنانکه در حاشیهٔ صفحهٔ ۳۴۶ بذکر داده شده وزارت فرهنگ مدتها است مشغول تجدید نظر در برنامه هاست ولی چون هنوز تصمیم قطعی دراین باب اتخاذ نشده برنامه ای که دردیماه ۱۳۱۹ بتصویب شورای

طبق آئین‌نامهٔ امتحانات رسمی صورت گیرد

بازرسان وزارت فرهنگ حق دارند در هر موقع بمدارس مذکور وارد شده اوضاع و دروس آنها را مورد تحقیق و تفتیش قرار دهند.

اکثر از مدارس خصوصی مطابق آئین‌نامهٔ خاصی از وزارت فرهنگ اعانه دریافت میدارند و در ازاء آن عده‌ای شاگرد به معرفی وزارت فرهنگ رایگان می‌پذیرند.

درجات تعلیم

مادهٔ ۱۵ قانون اساسی فرهنگ مدارج تحصیلی را بچهار درجه تقسیم کرده دبستان دهکده ـ دبستان شهر ـ دبیرستان ـ مدارس عالی در بیست سال اخیر نیز کودکستانهائی در تهران و بعضی از شهرهای بزرگ بوجود آمده ولی در قانون ذکری از آن‌ها نشده است.

اختلاف عمدهٔ دبستانهای دهکده و شهر فعلاً از حیث عدهٔ سالهای تحصیلی است که در دهات چهار و در قصبات و شهرها شش سال است

دورهٔ تحصیلات کامل دبیرستانهای پسرانه شش و دخترانه پنج سال است. فارغ‌التحصیلهای دبیرستانهای شش‌ساله حق ورود بمدارس عالی و دانشگاه‌ها را دارند دخترانی که بخواهند وارد دانشگاه شوند باید همان تحصیلات پسران را در دبیرستانهای شش ساله بنمایند. دخترانی که دبیرستانهای پنجساله را بپایان میرسانند می‌توانند به مدارس عالی مامائی و پرستاری و نظیر آن وارد شوند.

کودکستانها

کودکستان هنوز جزو مدارج تحصیلی قرار نگرفته است. با این همه خود دولت اقدام بتأسیس کودکستان نمونه‌ای در تهران کرده و اساسنامه‌ای در ۱۶ آبان ۱۳۱۲ برای آن وضع

آموزگاران فعلی دبستانها را از لحاظ تحصیل و استخدام میتوان بچهار طبقه تقسیم کرد

طبقهٔ اول ازفارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی که دارای رتبهٔ رسمی آموزگاری هستند

طبقهٔ دوم معلمینی که کلاسهای کمك آموزگاری را دیده و رتبهٔ کمك‌آموزگاری دارند

طبقهٔ سوم کسانی که بواسطهٔ طول مدت خدمت بموجب مقرراتی که در۱۳۲۵ و۱۳۲٦وضع‌شد دارای پایهٔ آموزگاری یاکمك‌آموزگاری یا پایهٔ اداری شده‌اند

طبقهٔ چهارم کسانی که بموجب قرارداد باوزارت فرهنگ بخدمت معلمی اشتغال دارند

مطابق قانون تربیت معلم مصوب ۱۹اسفند۱۳۱۲ وقانون تعلیمات اجباری مصوب ٦ مرداد ۱۳۲۲ کسانی که از دانشسراهای مقدماتی یا کلاسهای کمك‌آموزگاری فارغ‌التحصیل شوند برتبهٔ آموزگاری یاکمك آموزگاری نائل میگردند

هریك ازاین دوطبقه را ده‌پایه است ودرهرپایه باید مدتی خدمت کرد تا درصورت لیاقت بپایهٔ بالاتر نائل گردید

درپایان دورهٔ‌خدمت معلمین مذکور بازنشسته‌میشوند وازصندوق تقاعد حقوق بازنشستگی دریافت خواهند نمود

تازمانی که عدهٔ فارغ‌التحصیل دانشسراهای مقدماتی وکلاسهای کمك‌آموزگاری کافی نباشد وزارت فرهنگ بموجب آئین‌نامهٔ اختصاصی کارکنان دبستانهاکسانی که معلوماتشان درحدود شش‌سالهٔ ابتدائی باشد

عالی فرهنگ رسیده بهوت حود باقی است بموجب برنامهٔ مذکورمواد تحصیلی دبستانها عبارتست ازفارسی - قرآن وشرعیات - اخلاق - حساب و هندسه - تاریخ ایران - جغرافیای ایران ومختصری ازجغرافیای عالم- علم اشیاء و بهداشت - تعلیمات مدنی -خط - رسم و نقاشی - تربیت بدنی- سرود - خیاطی (برای دختران) وکارهای دستی .

جزئیات موادی که باید تدریس شود در برنامه قید گردیده ولی چون برای دبستانها وزارت فرهنگ کتابهای معینی را تهیه وچاپ کرده و در تمام مدارس معمول داشته برنامهٔ حقیقی محتویات آن کتابهاست .

رفتن ازکلاسی بکلاس بالاتر موکول به نتیجهٔ امتحاناتی است که درطرف سال از دانش آموز میشود وشرایط وترتیبات آن در آئین نامهٔ دبستان مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۱۹ قید گردیده است . فراغ تحصیل از دبستانهای شش کلاسه بسته بتوفیق شاگرد در امتحانات رسمی است که بموجب آئین نامهٔ مصوب دیماه ۱۳۲۵ انجام میگیرد امتحانات معمولاً در خود مدارس تحت نظر نمایندهٔ دولت صورت می پذیرد مواد امتحانات کتبی ومدت هریك بقرار زیر است

دیکته نیم ساعت حساب یکساعت و نیم هندسه یکساعت

انشاء یکساعت و نیم خط (که نمرات آن با نمرات شفاهی جمع میشود) نیمساعت

امتحانات شفاهی که شامل فارسی -تاریخ ایران - جغرافیا -حساب وهندسه - قرآن وشرعیات (فقط برای مسلمانان) وامتحانات عملی شامل خیاطی (برای دختران) وورزش میباشد هرداوطلبی که معدل نمراتش به ده (از بیست) رسد امتحانش قبول و گواهی نامهٔ شش سالهٔ ابتدائی خواهد گرفت .

متوسطه خواهد بود .

داوطلبان متفرقه که بخواهند گواهی نامهٔ دورهٔ اول متوسطه را بگیرند باید مواد ذیل را درمدتی که قید گردیده کتباً امتحان دهند

املاء فارسی	نیمساعت	انشاءفارسی	یکساعت و نیم
عربی	یکساعت و نیم	حساب وجبر	دوساعت
هندسه	یکساعت و نیم	فیزیك	یکساعت و نیم
شیمی	یکساعت و نیم	علوم طبیعی و بهداشت	یکساعت و نیم

املاء زبان خارجه و ترجمه یکساعت و نیم

مواد امتحانات شفاهی عبارتست ازفارسی ـ عربی ـ زبان خارجه ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ جبروحساب ـ هندسه ـ فیزیك ـ شیمی ـ علوم طبیعی و بهداشت ـ تعلیمات دینی واخلاقی ـ رسم ونقاشی ـ ورزش ـ خیاطی و خانه داری (برای دختران)

برنامهٔ تحصیلات دختران در ۲۹ خرداد ۱۳۱۸ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده و بموجب آن دوشیزگان درسه سال اول متوسطه همان برنامهٔ تحصیلات پسران را باید بیاموزند با این تفاوت که خانه داری وخیاطی را بجای عده‌ای ازساعات ورزش وخط و رسم فراگیرند . پس از اتمام سال سوم دخترانی که بخواهند بعد ها وارد دانشگاه شوند مانند پسران برنامهٔ تحصیلات متوسطه رادنبال خواهند نمود ودوشیزگانی که مایل به تعقیب تحصیل دردانشگاه نباشند وارد دورهٔ فنی دختران خواهند شد که مدت آن دو سال است ودرپایان یکسالی که درامتحانات توفیق حاصل کنند گواهی نامهٔ دورهٔ فنی داده میشود فارغ التحصیل های این دوره میتوانند بآموزشگاههای مامائی ـ پزشکیاری ـ پرستاری ونظایر آن

برای چهار کلاس اول دبستانها و کسانی که دورهٔ سه سالهٔ اول دبیرستانها را دیده باشند برای کلاسهای پنجم و ششم بموجب قرارداد استخدام میکند

آموزش متوسطه تحصیلات متوسطه دنبالهٔ تحصیلات ابتدائی است و کسانی که دورهٔ دبستان را بپایان رسانده دارای گواهی نامهٔ شش سالهٔ ابتدائی باشند حق ورود بدبیرستان را دارند مطابق برنامه‌ای که در اول آذر ۱۳۱۷ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده مدت تحصیل در دبیرستان شش سال است سه سالهٔ اول آن دورهٔ اول متوسطه نامیده میشود - در پایان کلاس پنجم امتحان رسمی بعمل میآید و گواهی نامهٔ دبیرستان صادر میشود

کلاس ششم بچهار شعبهٔ ادبی - ریاضی - طبیعی - بازرگانی تقسیم میشود و کسانی که دیپلم شعبهٔ ادبی را بدست آورند بدانشکدهٔ ادبیات و حقوق حق ورود دارند اشخاصی که از شعبهٔ ریاضی فارغ التحصیل شوند بدانشکدهٔ علوم و فنی و شعبهٔ معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا و آنان که شعبهٔ علوم طبیعی را بپایان رسانند بدانشکدهٔ پزشکی و علوم و دامپزشکی و کشاورزی میتوانند داخل شوند فارغ التحصیل‌های شعبهٔ بازرگانی میتوانند در شعبهٔ اقتصادی دانشکدهٔ حقوق تحصیلات خود را دنبال کنند در دانشسرای عالی نیز فارغ التحصیل‌های شعبهٔ ادبی و ریاضی و طبیعی پذیرفته میشوند

کسانی که پس از اتمام سه سالهٔ اول متوسطه بخواهند وارد مدارس فنی مانند دانشسرای مقدماتی یا هنرستان و دبیرستان صنعتی و رنگرزی و نظایر آن بشوند باید امتحان سال سوم متوسطه را تحت نظر نمایندهٔ وزارت فرهنگ در خود دبیرستان دهند و کارنامهٔ تحصیلی که بدین ترتیب بآنها داده میشود بامضای ادارهٔ فرهنگ میرسد و در حکم گواهی نامهٔ دورهٔ اول

وارد آموزشگاه های فنی یا سال چهارم دبیرستان یا خدمت دولت با پایهٔ یك اداری شوند . دارندگان گواهی نامهٔ سال پنجم متوسطه حق ورود بهریك از شعب کلاس ششم یاخدمت دولت را با پایهٔ دو اداری دارند و خدمت نظام وظیفه را در دانشکدهٔ افسری وبعد با درجهٔ افسری انجام خواهند داد فارغ التحصیلهای کلاس ششم چنانکه سابقاً اشاره شد مجاز بدخول دانشگاه میباشند .

گواهی نامهٔ سال پنجم وششم متوسطه را بعضی از دانشگاه های انگلستان وفرانسه وامریکا برسمیت میشناسند وبه صاحبان آنها اجازهٔ ورود میدهند .

دبیران مدارس متوسطه مطابق قانون تربیت معلم باید ازلیسانسیه های دانش سرای عالی باشند ولی چون عدهٔ لیسانسیه بحد کافی نبوده وزارت فرهنگ شمارهٔ بسیاری از فارغ التحصیل های دانش سراهای مقدماتی را موقتاً بمعلمی کلاسهای اول دبیرستان منصوب کرده است .

دبیران مذکور مشمول قانون تربیت معلم وقانون تعلیمات اجباری هستند وده پایه برای آنان مقرر است که درهریك باید مدتی خدمت کنند تابتوانند با ابراز لیاقت بپایهٔ بالاتر ترفیع حاصل کنند بدون محاکمه آنهارا نمیتوان ازکار برکنار کرد وچنانچه منتظر خدمت شوند قسمتی ازحقوق پایهٔ خود را دریافت خواهند کرد هنگام پیری بازنشسته میشوند وحقوق نسبت بسنوات خدمت اخذ خواهند نمود

ورود بدانش سرای عالی بسته است بداشتن گواهی نامهٔ سال ششم متوسطه و توفیق در امتحانات مسابقه . رشته هائی که در دانش سرای عالی میتوان انتخاب کرد عبارتست از زبان و ادبیات فارسی -

داخل شوند.

مواد تحصیلی دورهٔ فنی دختران عبارتست ازفارسی- زبان خارجه - اخلاق و آداب معاشرت - فیزیک - شیمی - علوم طبیعی - روان شناسی- بچه داری - خیاطی - کارهای دستی- نقاشی - موسیقی - طباخی- ورزش

موادی که در پنج سال اول متوسطه تدریس میشود قرار زیر است

فارسی - عربی حساب - تعلیمات دینی - تاریخ - زبان خارجه- گیاه‌شناسی - حیوان‌شناسی - زمین‌شناسی- بهداشت - حساب - هندسه- جبر - مثلثات - هیئت - رسم و نقاشی - ورزش.

درسالهای ششم علاوه برفارسی وزبان خارجه مواد اختصاصی هر شعبه آموخته میشود.

در دبیرستانها معمولاً دانش آموز باید ماهانه بپردازد ومیزان آن درمدارس دولتی بوسیلهٔ شورای عالی فرهنگ معین میشود مبلغ ماهانه ناچیز است وطبقات معینی هم چون فرزندان فرهنگیان و کارمندان دولت که حقوقشان از مبلغ معینی تجاوز نکند ومعدل نمرا تشان از ۱۲ کمتر نباشد از تأدیهٔ ماهانه معاف هستند

رفتن از کلاسی بکلاس بالاتر بسته بتوفیق درامتحانات داخلی دانش آموزاست که مطابق آئین‌نامهٔ دبیرستان مصوب شورای عالی فرهنگ صورت میگیرد امتحانات سال‌سوم برای کسانی که بخواهند وارد آموزشگاه های فنی شوند چنانکه درفوق مذکور افتاد در دبیرستانها زیر نظر نمایندهٔ وزارت فرهنگ انجام میشود . امتحانات سال ۵ و ۶ طبق آئین نامهٔ امتحانات نهائی مصوب دی ۱۳۲۵ بعمل می آید.

کسانی که موفق باخذ کارنامهٔ سال سوم متوسطه بشوند می‌توانند

نیکو داده ودر شهرستانها نیز شروع بایجاد آن نموده‌اند

آموزش فنی سه درجه در تعلیمات فنی میتوان تشخیص داد درجهٔ ابتدائی - متوسطه - عالی درجهٔ ابتدائی فقط در کانون آموزش و کار که از تأسیسات سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است و همچنین در زندان قصر تعلیم میشود اطفال علاوه بر یادگرفتن قسمتی از برنامهٔ دبستان پیشه‌ای چون قالی‌بافی- نجاری - مبل‌سازی- کفش‌دوزی- آهنگری - جوراب بافی - سراجی - پارچه بافی‌ومانند آن‌فرامیگیرند در دبستانهای دهات نگارنده در ۱۳۲۳ و در ۱۳۲٦ مجاهدت کـرد که کشاورزی جدید عملاً تعلیم شود ولی تاکنون این موضوع تعمیم پیدا نکرده است .

بنگاه خاور نزدیك که مؤسسه‌ای است امریکائی با کمك وزارت فرهنگ و وزارت کشاورزی درسی وپنج قریه واقع در ورامین از کلاس سوم ابتدائی سالانه هشتصد و ده نفر از اطفال را عملاً آشنا بفلاحت میکند و کوشش دارد در روش کشت و انتخاب بذر و نوع محصول اصول جدیدی بآنها بیاموزد .

درجهٔ متوسطه آموزش فنی مخصوص کسانی است که تحصیلات دبستان را بپایان رسانده و میخواهند در رشته‌ای از مشاغل دارای اطلاعات ومعلومات شوند مدارسی را که میتوان در این قسمت ذکر نمود عبارتست از هنرستان موسیقی - آموزشگاههای مامائی شهرستانها - آموزشگاههای پرشکیاری در تهران و تبریز و اصفهان ومشهد وشیراز - دبیرستان صنعتی وشعب آن در شیراز و اصفهان و تبریز ومشهد- هنرستان دختران- هنرستان رنگرزی- هنرستان بانوان - آموزشگاه خلبانی نیروی هوائی - آموزشگاه فنی

فلسفه وعلوم تربیتی- تاریخ وجغرافیا- زبان خارجه - باستان شناسی- علوم ریاضی - فیزیک - شیمی - علوم طبیعی. دورهٔ تحصیل سه سالست و هر دانشجو علاوه بر فرا گرفتن دروس رشتهٔ خود موظف است سه ماده از علوم تربیتی را بیاموزد وعملاً درمدارس بورزش دبیری بپردازد . داوطلبان دبیری از پرداخت ماهانه معاف هستند ودرصورتیکه مایل باشند میتوانند درشبانه روزی بخرج دولت زندگی کنند یا کمک هزینهٔ نقدی دریافت دارند

انجمن همکاری خانه و مدرسه

برای فراهم کردن وسایل همکاری اولیای کودک ومدرسه وپیشرفت تربیت اخلاقی و فکری و بهداشت و رشد دانش آموز در پنجمین دورهٔ وزارت فرهنگ نگارنده بتاریخ ١٩ آبان ١٣٢٦ شورای عالی فرهنگ آئین نامه‌ای تصویب نموده که بموجب آن در دبستانها هیئتی بنام انجمن همکاری خانه و مدرسه بوجود آید اعضای این انجمن را اولیای اطفال برای مدت سه سال از بین خود انتخاب میکنند ورئیس مدرسه هم طبعاً عضو آن است . عدهٔ اعضای انجمن در دبستانها شش تاهشت ودر دبیرستان هاهشت تاچهارده نفرخواهد بود .

وظایف عمدهٔ انجمن مذکور عبارتست ازرسیدگی بتقاضاهای اولیای دانش آموزان- سعی دررفع نقائص آموزشگاه - تهیهٔ لباس و ناهار مجانی برای اطفال بی بضاعت - نظارت در صرف هدیه هائی کـه بمدرسه داده میشود - تعیین خدمتگذاران جزو - مراقبت دربهداشت شاگردان و آب مشروب - ایجاد عادات واخلاق پسندیدهٔ اجتماعی - کمک بتوسعهٔ کتابخانه وموزه و وسایل ورزش - تشکیل جلسات سخنرانی بمنظور علاقه مند کردن مردم بمدرسه .

انجمن مذکور درسیاری از مدارس پایتخت تأسیس شده و نتایج

مملکتی نام دانشکدهٔ کشاورزی ودامپزشکی به شعب دانشگاه تهران افزوده شد .

در آبان ۱۳۲۶ نیز دانشگاه تبریز بادو دانشکدهٔ ادبیات ودانشکدهٔ پزشکی بوسط مؤلف تأسیس گردید وبعد در تاریخ سوم خرداد ۱۳۲۸ بموجب قانون تأسیس دانشگاههای شهرستانها شرایط اساسی آن از لحاظ اداری ومالی وتعلیماتی واستخدامی همان شرایط مندرج در قانون تأسیس دانشگاه تهران مقرر شد

در ۱۳۲۸ آموزشگاه عالی بهداشت اصفهان و شیراز و مشهد را بصورت دانشکده طب در آورده اند

رئیس دانشگاه از میان رؤسای دانشکده ها به پیشنهاد شورای دانشگاه وموافقت وزیر فرهنگ بموجب فرمان همایون معین میشود .

شورای دانشگاه تشکیل میشود از رئیس دانشگاه و رؤسای دانشکده ها ولااقل یك استاد نمایندگی از طرف اساتید هردانشکده .

وظایف شوری عبارتست از تصویب برنامه های دانشکده‌ها و آئین نامه های امتحانات وشرایط ورودداشجو واعطای درجه ودانشنامه وتصدیق صلاحیت دانشیاران .

دانشگاه درکارهای داخلی خوداستقلال دارد و وزیر فرهنگ بر امور آن نظارت میکند . تصویب بودجهٔ دانشگاه ونصب استادان ورؤسای دانشکده ها وموافقت بانصب رئیس دانشگاه از وظایف مختصهٔ اواست

هردانشکده نیز شورائی دارد که ازاستادان آن دانشکده تشکیل میشود و اغلب آنچه بتصویب شورای دانشگاه میرسد از طرف شورای دانشکده ها پیشنهاد میشود .

هواپیمائی - هنرستان صنعتی - آموزشگاه پست و تلگراف - هنرستان هنرپیشگی - آموزشگاه فنی راه وراه آهن - آموزشگاه فنی آبادان که دارای شعبهٔ بازرگانی - نویسندگی - مکانیك - برق - نفت میباشد . جز قسمت اول هنرستان موسیقی و هنرستان دختران وقسمتی از آموزشگاه فنی راه سایر آموزشگاه های مذکور فقط کسانی را میپذیرند که دورهٔ سه سالهٔ دبیرستان را دیده باشند ودر این صورت عدهٔ سنوات تحصیلی آنها از سه سال تجاوز نمیکند .

البته دانشسراهای مقدماتی هم یك نوع از مدارس فنی است که شرح آنها بجای خود در صفحات قبل آمده است .

درجهٔ عالی آموزش فنی در دانشگاه ومدارس عالیه تعلیم میشود

آموزش عالی

طرح تأسیس دانشگاه تهران را نگارنده بر حسب دستور اعلیحضرت رضاشاه کبیر در ۱۳۱۰ هنگامی که درامریکا بود تهیه نمود ودر ۱۳۱۲ آنرا بصورت طرح قانونی درآورد که در خرداد ۱۳۱۳ بتصویب مجلس شورای ملی رسید . بموجب این قانون دانشگاه تهران رانشش دانشکده است دانشکدهٔ ادبیات - دانشکدهٔ علوم - دانشکدهٔ پزشکی ودندان پزشکی وداروسازی - دانشکدهٔ حقوق - دانشکدهٔ معقول ومنقول - دانشکدهٔ فنی دانشکدهٔ هنرهای زیبا در ۱۳۱۹ تأسیس ودر ۱۳۲۰ ضمیمهٔ دانشگاه تهران گردید ودر تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۲۸ بتصویب مجلس شورایملی جزو شعب دانشگاه شد .

در ۱۳۲۵ بموجب تصمیم دولت آموزشگاه عالی کشاورزی و دامپزشکی که تا آن تاریخ جزو وزارت کشاورزی بود بدانشگاه تهران منضم شدودر ۲۹ فروردین ۱۳۲۸ ضمن قانون پرداخت دو دوازدهم بودجهٔ

درجهٔ دکتری درزبان فارسی نائل شوند.

دردانشکدهٔ دامپزشکی باید چهار سال تحصیل کرد تادورهٔ آنرا بپایان رساند سپس بانوشتن پایان‌نامه و تصویب رساندن بأخذ دانشنامهٔ دکتری دردامپزشکی مفتخر شد.

دانشکدهٔ حقوق چهارشعبه دارد قضائی - سیاسی - اقتصادی - بازرگانی.

دورهٔ تحصیل دردانشکدهٔ فنی چهار سال است ودانشجویان پس از یکسال تحصیل مشترک میتوانند بیکی ازشعب چهارگانهٔ آن که عبارتست ازشعبهٔ شیمی - الکترومکانیک - راه و ساختمان - معدن وارد شوند. فارغ‌التحصیلان این دانشکده دانشنامهٔ مهندسی دریافت میدارند

دانشکدهٔ هنرهای زیبا دارای شعبهٔ معماری - مجسمه سازی - نقاشی است. شرط ورود به شعبهٔ اول داشتن گواهی نامهٔ متوسطه کامل ریاضی ودورهٔ آن چهارسال است. برای ورود بدوشعبهٔ دیگربایددارای گواهی‌نامهٔ سه سالهٔ اول متوسطه بود وشش سال تحصیل پرداخت.

علاوه بردانشکده‌های مذکور آموزشگاه عالی مامائی و آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی تحت نظر دانشگاه (دانشکدهٔ پزشکی) اداره میشود. شرط ورود بآنها داشتن گواهی‌نامهٔ تحصیلات متوسطهٔ نسوان و دورهٔ آنها سه سال است.

بفارغ‌التحصیل‌ها دانشنامه و پروانهٔ مامائی و دانشنامهٔ پرستاری داده میشود.

برای تهیهٔ پزشکان درجهٔ دوم جهت دهستانها ومبارزه با بیماریهای همه‌گیر از ۱۳۱۹ آموزشگاه عالی بهداشت درمشهد تأسیس گردیده که

رئیس هر دانشکده باجلب نظر شورای آن از بین اساتید همان دانشکده از طرف رئیس دانشگاه بوزیر فرهنگ پیشنهاد میشود و بتصویب او منصوب میگردد .

نخستین مرحلهٔ معلمی دانشگاه دانشیاری است و ترفیع از دانشیاری باستادی منوط باقامت دست کم پنجسال در رتبهٔ دانشیاری و ابراز شایستگی و پیشنهاد رئیس دانشکده و تصویب شورای دانشگاه است . در قانون اساسی دانشگاه ده پایه برای دانشیاران و ده پایه برای استادان منظور و امتیازات آنان پیش بینی شده است . در دانشکدهٔ پزشکی بموجب قانون اصلاحی قانون تأسیس دانشگاه مصوب ۱۲ آبان ۱۳۱۹ علاوه بر دانشیاران و استادان دو دستهٔ دیگر کارمند فنی منظور گردیده طبقهٔ پزشکان بیمارستانهای ضمیمهٔ دانشکدهٔ پزشکی - طبقهٔ دستیاران و طرز انتخاب و استخدام آنان در قانون مذکور مقرر گردیده است

دانشسرای عالی بایدطبعاً وقاعدة تحت نظر مستقیم وزارت فرهنگ باشد ولی بموجب مادهٔ دوم قانون اساسی دانشگاه بتصویب وزیر فرهنگ اکنون جزو دانشگاه تهران است معلمان آن مشمول مقررات استخدامی دانشگاه میباشند

دورهٔ تحصیلات دانشکدهٔ پزشکی شش سال و شعبهٔ دارو سازی و دندان پزشکی چهارسال است و بفارغ التحصیل های آنها عنوان دکتری داده میشود در دانشکدهٔ ادبیات نیز از مهر ۱۳۱٦ دورهٔ دکتری زبان فارسی دائر گردیده و باشرایط معینی لیسانسیه‌های زبان فارسی حق ورود بآن دوره را دارند و پس از لااقل دوسال تحصیل منظم و توفیق در امتحانات وتهیهٔ رساله‌ای که قابل قبول باشد ودفاع از آن رساله ممکن است بأخذ

شرط ورود به شعبهٔ سوم داشتن دانشنامه از دانشکدهٔ فنی ایران یاخارج یاهنرسرای عالی است. دراین شعبه باید یکسال معلومات اختصاصی وزارت پست و تلگراف را فراگرفت ودر صورت موفقیت با پایهٔ ٤ اداری وارد خدمات فنی آن وزارتخانه شد.

هنرسرای عالی تحت نظر وزارت اقتصاد ملی است و شرط ورود داشتن گواهی نامهٔ متوسطه کامل یاگواهی نامهٔ سال تهیهٔ هنرسرای عالی است دورهٔ تحصیلات آن سه سال ودارای شعب مهندسی ماشین سازی - مهندسی برق - مهندسی شیمی میباشد.

شرکت نفت ایران و انگلیس در آبان ۱۳۱۹ اقدام بتاسیس آموزشگاه عالی نفت کرده که شبانه روزی و اساسنامهٔ آن در تاریخ ۲ مهر ۱۳۱۹ بتصویب شورای عالی فرهنگ رسیده است. کسانی که دارای گواهی نامهٔ پنجسالهٔ متوسطه هستند در آنجا پذیرفته میشوند و یکسال در کلاس ششم فنی تحصیل میکنند سپس وارد قسمت عالی میشوند که دارای دو دوره ومدت هر دوره دوسال است. کسانی که دو دوره را بپایان رسانند امتحانات نهائی را با نظارت وزارت فرهنگ میدهند وداشنامهٔ آنها بامضای وزارت فرهنگ داده میشود و برحسب مقرراتی که بتصویب دولت رسیده در مؤسسات نفت مشغول خدمت میشوند.

تربیت بدنی — در ۱۳۱۲ توسط آقایان ابراهیم حکیمی وحسین علاء و نگارنده انجمنی بنام انجمن ملی تربیت بدنی تأسیس گردیده که در ۱۳۱۳ اساسنامهٔ آن تدوین شد و به ثبت رسید و شخصیت حقوقی پیدا کرد.

انجمن مذکور تحت ریاست عالیهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

دورهٔ آن چهارسال وشرط ورود بآن داشتن گواهی نامهٔ سه سالهٔ اول متوسطه است.

در ۱۳۲۵ دراصفهان وشیراز نیز نظیر آموزشگاه مذکور تأسیس شد وهمین سه آموزشگاه است که در ۱۳۲۸ موسوم بدانشکده پزشکی شد

مدارس عالی که تاکنون نام برده شد بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت نظر وزارت فرهنگ است. آموزشگاههای عالی دیگر نیز در مملکت است که تحت نظر سایر وزارتخانه ها است که از آنها بطور مختصر در اینجا بحث خواهد شد

دانشکدهٔ افسری ودانشکدهٔ هوائی هردو شماره روزی وجزو وزارت جنگ اند. شرط ورود بآنها فراغ از تحصیل از دبیرستان است. دورهٔ دانشکدهٔ افسری سه سالست ودارای رشتههای زیر میباشد پیاده - سوار - توپخانه - مهندسی استحکامات - مهندسی مخابرات - امور مالی. کسانی که از تحصیل فارغ شوند بدرجهٔ ستوان دومی نائل ودر ارتش شاهنشاهی مشغول میشوند.

وزارت پست وتلگراف نیز بموجب قانون ۲۳ دیماه ۱۳۱۸ آموزشگاه اختصاصی برای تربیت اعضای فنی خود تأسیس کرده که دارای سه شعبه است. درشعبهٔ اول با گواهی نامهٔ دورهٔ اول متوسطه میتوان وارد شد و فارغ التحصیلهای آن باپایهٔ دواداری بخدمت پذیرفته میشوند. درشعبهٔ دوم دارندگان گواهی نامهٔ متوسطه کامل حق ورود دارند وپس از دوسال تحصیل با پایهٔ سه اداری بخدمات فنی تلگراف وتلفون بی سیم و پخش صدا منصوب میگردند.

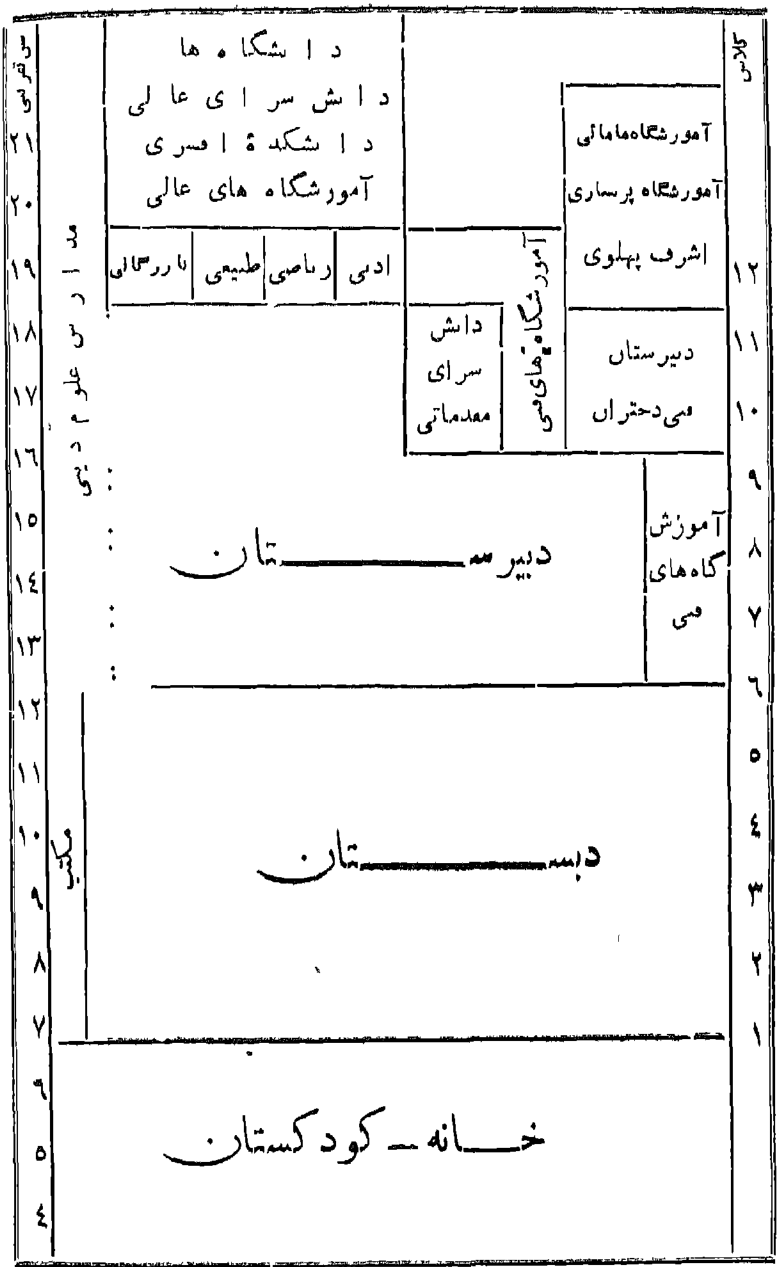
وظایف خود را انجام میدهد . دبیرخانهٔ انجمن همان ادارهٔ تربیت بدنی وزارت فرهنگ است . وجوهی که بانجمن میرسد صرف ترویج ورزش در مدارس ـ تشویق باشگاه های ورزشی ـ تهیهٔ مسابقه‌های قهرمانی است که هرسال دوبار تشکیل میشود . یك بار درچهارم آبان (میلاد همایونی) درتهران و یکبار در ایام نوروز دریکی ازشهرهای مهم کشور .

اکنون بسیاری ازشهرها دارای زمین ورزش هستند و ورزشگاه بطرز جدید درتهران در اراضی امجدیه و در سرپر وشیراز واهواز دائر است . در تمام مدارس تهران و بیشتر مدارس دولتی ولایات امروز ورزش واقسام بازی مانند فوتبال ووالیبال وباسکت بال معمول است . در وزنه برداری ودومیدانی نیز پیشرفتهای بسیار حاصل شده وبرای اولین بار در تابستان ۱۳۲۷ قهرمانان ایران درالمپیاد لندن شرکت جستند و درمرداد ۱۳۲۸ درمسابقهٔ وزنه برداری یکنفر ازقهرمانان ایرانی حد اعلای وزنه برداری دنیا را شکست

برای تربیت معلم ورزش دانشسرای تربیت بدنی یکی برای پسران ویکی برای دختران درپایتخت تأسیس گردیده وفارغ التحصیلهای آنها با رتبهٔ آموزگاری بمعلمی مدارس منصوب میشوند .

آمار مدارس

برای اینکه از وسعت واهمیت سازمان فرهنگی نظر کلی حاصل شود جدول صفحهٔ پشت که اوضاع معارف کشور را درخرداد ۱۳۲۷ نشان میدهد بطبع میرسد .



سازمان مدارس ایران

فهرست کتاب و مجله‌هائی که مطابق اطلاع نگارنده درباره آموزش و پرورش بزبان فارسی منتشر شده و معلم میتواند بررسی آنها را بشاگردان سفارش کند.

فلسفهٔ تربیت (شیراز-۱۳۱۷) تألیف هورن	آرام، احمد (ترجمه)
چگونه روحهای محکم و زنده بسازیم (اصفهان- ۱۳۱۶) تألیف موسیه	آرام، احمد (ترجمه)
آموزشگاههای فردا (تهران-۱۳۲۸) تألیف جان دیوئی	آریان‌پور (ترجمه)
زندگانی خانوادهٔ مسیحی (تهران-۱۳۲۳) جان بوسکو	صغری آذرمی (ترجمه)
پرورش فکر (تهران)	آقاولی، سرتیپ فرج‌الله
فلسفه آموزش و پرورش (تهران ۱۳۲۸)	دکتر امیر هوشمند
رهنمای تربیت یا اصول تعلیم (تهران-۱۳۰۱)	آموزگار، حبیب‌الله
آموزش و پرورش (تهران- ۱۳۱۶)	« «
نظام مدرسی (تهران-۱۳۰۷)	امیریان، آقاخان
کودک (اصفهان-۱۳۱۶) تألیف دکتر پوشه	امینی، امیرقلی (ترجمه)
راه نو (در چهار جلد جلد دوم برلن ۱۹۲۵م-جلد سوم برلن ۱۳۰۶ جلد چهارم برلن ۱۳۰۷)	ایرانشهر، کاظم‌زاده
روانشناسی راجع بتعلم و تربیت (تهران-۱۳۱۱)	بامداد، بدرالملوک
چشم‌انداز تربیت در ایران (تهران -۱۳۱۵)	بیژن، اسدالله
سیر تمدن در ایران باستان (تهران - ۱۳۱۶)	« «
روش پرورش (تهران -۱۳۰۷)	بهروز خاوری
در آغوش خوشبختی (تهران-۱۳۱۳)	پاینده، ابوالقاسم (ترجمه)
در جستجوی خوشبختی (تهران-۱۳۱۴)	پاینده، ابوالقاسم (ترجمه)
روانشناسی (تهران-۱۳۱۷)	دکتر پرویز خانلری
رهنمای مطالعه (مشهد -۱۳۱۳)	پرویز گنابادی
صنایع ایران در گذشته و آینده (تهران-۱۳۰۴)	پروفسور پوپ (ترجمه ع ۰ ص ۰)
مقدمهٔ تعلیم عمومی یا یکی از سه فصلهای تمدن	نقی‌زاده

آمار مدارس ایران در خرداد ۱۳۲۷

نوع مدرسه	شمارهٔ هر نوع	شمارهٔ شاگرد: دختر	پسر	جمع	شمارهٔ معلم: زن	مرد	جمع
کودکستان							
دولتی(۱)	۶				۱۴	۵	۱۹
ملی	۵۳	۲ر۱۷۴	۲ر۸۶۵	۵ر۰۳۹	۱۱۰	۹	۱۱۹
مکتب	۱ر۱۱۷	۶ر۱۸۶	۱۶ر۶۴۷	۲۲ر۸۴۳	۴۱۳	۶۸۸	۱ر۱۰۱
دبستان							
دولتی	۲ر۹۹۷	۸۴ر۰۹۴	۲۵۹ر۰۱۳	۳۴۳ر۱۰۷	۵ر۱۸۰	۷ر۹۴۶	۱۳ر۱۲۶
ملی	۲۳۲	۱۱ر۷۹۳	۳۱ر۳۶۶	۴۳ر۱۵۹	۷۲۲	۹۳۳	۱ر۶۵۵
جمع دبستان	۳ر۲۲۹	۹۵ر۸۸۷	۲۹۰ر۳۷۹	۳۸۶ر۲۶۶	۵ر۹۰۲	۸ر۸۷۹	۱۴ر۷۸۱
دبیرستان							
دولتی	۲۱۲	۴ر۹۶۳	۲۲ر۳۳۹	۲۷ر۳۰۲	۳۰۰	۱ر۶۸۹	۱ر۹۸۹
ملی	۷۲	۲ر۹۰۷	۶ر۱۴۴	۹ر۰۵۱	۲۶۲	۲۹۹	۵۶۱
جمع دبیرستان	۲۸۴	۷ر۸۷۰	۲۸ر۴۸۳	۳۶ر۳۵۳	۵۶۲	۱ر۹۸۸	۲ر۵۵۰
دانشسرای مقدماتی	۳۰	۴۵۲	۱ر۰۶۱	۱ر۵۱۳	۳۴	۱۷۸	۲۱۲
مدارس فنی	۳۲	۲۷۹	۵ر۱۹۲	۵ر۴۷۱	۳۳	۴۸۶	۵۱۹
مدارس علوم دینی	۱۹۵	—	۶ر۵۳۱	۶ر۵۳۱	—	۵۲۱	۵۲۱
مدارس عالی(۲)	۸	۱۷۰	۶ر۱۳۳	۶ر۳۰۳	۱۱	۵۲۴	۵۳۵
کلاس سالمندان							
دولتی	۷۵۵	۴۲۴	۳۰ر۷۳۸	۳۱ر۱۶۲	۱۸	۱ر۹۲۳	۱ر۹۴۱
ملی	۶۷	۹۱۰	۴ر۶۹۳	۵ر۶۰۳	۱۸	۲۰۳	۲۲۱

(۱) شمارهٔ شاگردان کودکستانهای دولتی بدست نیامد

(۲) دانشکدهٔ افسری و سایر مدارس عالی نظام در این صورت منظور نگردیده مدارس عالی وابسته بدانشگاه تهران جداگانه بحساب نیامده و جزو دانشگاه منظور گردیده

معرفة النفس (تهران-۱۳۱۶)	غنی، دکتر قاسم
مجلهٔ فروغ تربیت (۴ شماره ۱۳۰۰ شمسی)	فروغی، ابوالحسن
روش آموزش و پرورش در چند کشور (تهران-۱۳۲۰)	دکتر فرزان، عبدالله (ترجمه)
اصول تعلیم و تربیت (تهران-۱۳۱۴)	فلسفی، نصرالله
راه خوشبختی (دو جلد تهران ۱۳۱۵) تألیف دکتر پوشه	دکتر کاسمی (ترجمه)
مدرسه و شاگرد (تهران-۱۳۲۶) تألیف جان دیوئی	ترجمه مشفق همدانی
مدرسه و اجتماع (تهران ۱۳۲۷) » »	» » »
روانشناسی تربیتی (اهواز ۱۳۱۶)	دکتر معین، محمد (ترجمه)
رهنمای تربیت جوانان (تهران-۱۳۱۲)	نشأت، صادق حسینی
مجلهٔ اصول تعلیمات (۶ شماره-۱۲۹۸ خورشیدی)	وزارت فرهنگ
مجلهٔ آموزش و پرورش (از ۱۳۰۴ بعد اکنون نیز منتشر میشود)	وزارت فرهنگ
پرورش جان و تن (تهران-۱۳۱۷) تألیف هربرت اسپنسر	هدایت، رضاقلی (ترجمه)
شخصیت انسان (تهران-۱۳۱۵) تألیف دکتر هوت	دکتر هوشیار (ترجمه)
تدریس زبان خارجه (تهران-۱۳۲۳)	دکتر هوشیار
اصول آموزش و پرورش (تهران-۱۳۲۷)	» »
خویشتن داری (تهران-۱۳۱۶) تألیف دوروبل	مجید یکتائی (ترجمه)
راه موفقیت (تهران-۱۳۱۶) تألیف جان آلن	» »
طبیب خود باش (تهران-۱۳۱۶) تألیف مولفورد	» »
روش دکتر جردن (تهران-۱۳۲۳)	ناصر، شکرالله

روانشناسی کودک (تهران ـ ۱۳۲۸)	دکتر مهدی جلالی
روانشناسی پرورشی (تهران ۱۳۲۸)	« «
رهنمای دانش (تهران-۱۳۱۹)	حسابرزاده ، محمد
تعلیم و تربیت در نظر سعدی (تهران-۱۳۱۹)	حسابزاده ، محمد
روانشناسی (تهران-۱۳۰۸)	حجازی، میر محمد
مجلهٔ اصول تعلیم (٦ شماره-۱۲۹۹ شمسی)	دارالمعلمین مرکزی
سنجش هوش (تهران-۱۳۱۷)	دانشور ، محمدعلی
یکسال در امریکا (تهران-۱۳۱۱)	دشتی، عبدالله
مبادی علم تربیت (تهران-۱۳۰۷)	دشتی، محمد
اعتماد بنفس (تهران-۱۳۰۵) تألیف اسمایلز	دشتی، علی (ترجمه)
برتری انگلوساکسن (تهران- چاپ دوم ۱۳۱۱) تألیف دمولن	دشتی ، علی (ترجمه)
تربیت معلم (تهران ۱۳۲۹)	دهقان، علی
تربیت اطفال در خانه (تهران-۱۳۰۷)	رسول ، نخشبی
تربیت اطفال در مدرسه (تهران-۱۳۰۷)	رسول، نخشبی
امیل روسو (تهران ۱۳۲۸)	زیرک زاده ، غلامحسین (ترجمه)
روانشناسی پرورشی (تهران-۱۳۲۰)	دکتر سیاسی ، علی اکبر
تعلیم و تربیت در نظر فردوسی (تهران-۱۳۱۹)	شریف ، محمدحسن
اصول روانشناسی (تهران-۱۳۱۷)	شهابی ، علی اکبر
اصول تربیت جسمانی و حفظ الصحه (تهران-۱۳۰٦) تألیف والپسون	صالح، علی پاشا (ترجمه)
دستور تعلیم حساب مقدماتی (رساله)	صحیحی، حبیب الله
دستور آموزش (تهران-۱۳۲۰)	صحیحی، حبیب الله
یک کنفرانس در اصول تعلیم عملی (تهران-۱۲۹۷)	صدیق، دکتر عیسی
اصول تدریس حساب و حل مسائل فکری (تهران-۱۳۰۲)	« «
اصول عملی علم تربیت (تهران-۱۳۰۷)	« «
یکسال در امریکا (تهران چاپ اول ۱۳۱۱ چاپ دوم با تجدید نظر کلی ۱۳۲۱)	صدیق ، دکتر عیسی
روش نوین در آموزش و پرورش (شش چاپ هر بار با تجدید نظر تهران ۲۹-۲۸-۲٤-۱۷-۱٦-۱۳۱٤)	صدیق، دکتر عیسی
تاریخ مختصر تعلیم و تربیت (سه چاپ با تجدید نظر ، تهران ۱۳۱۹-۱۳۱۷-۱۳۱٦)	صدیق ، دکتر عیسی

Kilpatrick — Foundations of Method
The Macmillan Co, New York

Mc Call, Wm — How to Measure in Education?
The Macmillan Co, New York

Mc Call, Wm — How to Experiment in Eductation?
The Macmillan Co, New York

Mc Kown — Extra-Curricular Activities
The Macmillan Co., New York

Monroe, W S De Voss, J C and Kelly F J — Educational Tests and Measurements,
Houghton Mifflin Co, Boston

National Education Association — What are the Major Objectives of Education?

Office of Education (U S A) — Cardinal Principles of Secondary Education
U S Government Printing Office - Washington,

Peters — Objectives and Procedures in Civic Education
Houghton Mifflin Co., Boston

Pintner — Educational psychology
Henry Holt & Co, New York

Sharman, J S — Introduction to Physical Education
A S Barnes and Co, New York

Thomas Frank W — Principles and Technique of Education
Houghton Mifflin Co, Boston

Thorndike — Education
The Macmillan Co, New York

سالنامه های وزارت فرهنگ از ۱۲۹۷ تا ۱۳۲۲

منابعی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده‌است

Benson	Cambridge Essays or Education Cambridge University Press
Blanguernon et Mathieu	Leçons de Pédagogie Lib d'Education Nationale, Paris,
Board of Education (London)	Handbook of Suggestions for Teachers
Buisson	Dictionnaire de pédagogie Hachette & Cie , Paris.
Chapman and Counts	Principles of Education. Houghton Mifflin Co , Boston
Compayré	Cours de pédagogie théorique et pratique Lib Delalain Paris
Cubberly	An Introduction to the Study of Education Houghton Mifflin Co , Boston
Durkheim	Education et Sociologie, Félix Alcan, Paris
Henderson	Textbook in the Principle of Education The Macmillan Co , New York
Hubert et Gouhier	Pédagogie Générale Lib Delalain, Paris
Judd, Charles, H	Introduction to the Scientific Study of Education Ginn & Co , New York
Kerr, James	The Fundamentals of School Health The Macmillan Co , New York
Kendall and Mirick	The Elementary School Subjects Houghton Mifflin Co , Boston How to teach the Special Subjects Houghton Mifflin Co,, Boston,

تألیفاتی که از نگارندهٔ این کتاب تا کنون بچاپ رسیده ·

به کمراس در اصول تعلیم علمی	۱۲۹۸ خورشیدی
اصول تدریس حساب وحل مسائل فکری	۱۳۰۲
صد مسئلهٔ حل شدهٔ حساب	۱۳۰۲
صنایع ایران (ترجمه از متن انگلیسی تألیف پرفسور پوپ)	۱۳۰۴
اصول علم تربیت	۱۳۰۷
ایران نوین ودستگاه فرهنگ آن (بزبان انگلیسی ـ چاپ نیویورك)	۱۳۱۰
یکسال در امریکا (چاپ نخست)	۱۳۱۱
یکسال درامریکا(چاپ دوم باتجدید نظر کلی)	۱۳۲۱
روش نوین (چاپ نخست)	۱۳۱٤
فرهنگ ایران (بزبان انگلیسی ـ سالنامهٔ موسسهٔ بین المللی تعلیم وتربیت دانشگاه کلمبیا)	۱۳۱٦
روش نوین (چاپ دوم)	۱۳۱٦
روش نوین (چاپ سوم باتجدید نظر)	۱۳۱۷
تاریخ مختصر آموزش وپرورش (چاپ نخست)	۱۳۱٦
تاریخ مختصر آموزش وپرورش (چاپ دوم)	۱۳۱۷
تاریخ مختصر آموزش وپرورش(چاپ سوم باتجدید نظر)	۱۳۱۹
شرح حال وشخصیت وآثار فردوسی (رساله بفارسی وانگلیسی)	۱۳۲٤
روش نوین (چاپ چهارم)	۱۳۲٤
روش نوین (چاپ پنجم باتجدید نظر)	۱۳۲۸
روش نوین (چاپ ششم)	۱۳۲۹

گفتار های رادیو در معرفی عظمت و افتخارات ایران که اغلب آنها توسط نویسندگان مهم تهیه شده و نگارنده آنها را تصحیح و تکمیل و طبع کرده است

بزبان فارسی ۲ جلد بزبان انگلیسی ۱ جلد	۱۳۳۰